

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

دکتر فتح‌اله تازی

(عضویت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)

همکاران:

سعید غلامی باغی و دکتر سید خشیار سید شکرسی

دفتر مطالعات اقتصادی

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تاری، فتح‌اله

تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)/
فتح‌اله تاری؛ همکار سعید غلامی باغی، خشایار سیدشکری. -- تهران: مجلس
شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌ها، ۱۳۸۹.

۳۱۱ ص.: جدول، نمودار.-(مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛

(۱۳۸۹/۸۰

ISBN: 978-964-8427-70-7: ۶۶۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. [۳۰۳]-۳۱۱؛ همچنین به‌صورت زیرنویس.

۱. تعرفه -- ایران. ۲. صادرات و واردات -- ایران. الف. غلامی باغی، سعید،

نویسنده همکار. ب. سیدشکری، خشایار، نویسنده همکار. ج. مجلس شورای

اسلامی. مرکز پژوهش‌ها. دفتر مطالعات اقتصادی. د. عنوان.

ت۲ت/۲/۲۳۱۰ HF

۱۳۸۹

عنوان: تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

مؤلف: دکتر فتح‌اله تاری

همکاران: سعید غلامی باغی و دکتر سیدخشایار سیدشکری

ناشر: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۸۹

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۶۰۰۰ ریال

مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است.

کلیه حقوق برای مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی محفوظ است.

فهرست مطالب

سخن ناشر	۱
مقدمه	۳
فصل اول کلیات تحقیق	۵
۱-۱ بیان موضوع	۹
۱-۲ اهداف تحقیق	۱۹
۱-۳ فرضیه‌های تحقیق	۱۹
۱-۴ روش تحقیق	۱۹
فصل دوم مروری بر مطالعات انجام شده	۲۱
مقدمه	۲۳
۲-۱ بررسی روش و نتایج مطالعات درباره حمایت در ایران	۲۳
۲-۲ بررسی روش و نتایج مطالعات حمایت در کشورهای خارجی	۳۰
۲-۳ ادبیات مرتبط با تعرفه و قاچاق	۳۴
فصل سوم دلایل و نظریه‌های سیاست‌های حمایتی	۳۷
مقدمه	۳۹
۳-۱ دلایل و نظریات سیاست‌های حمایتی	۳۹
۳-۱-۱ بحث نگهداری پول در کشور (حفظ ذخایر ارزی)	۳۹
۳-۱-۲ حمایت از صنایع نوزاد و تولید	۴۰
۳-۱-۳ ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری	۴۲
۳-۱-۴ مقابله با دامپینگ	۴۵
۳-۱-۵ ایجاد درآمد	۴۵
۳-۱-۶ بهبود رابطه مبادله	۴۶
۳-۱-۷ نظریه بهینه دوم	۴۷
۳-۱-۸ سایر دلایل و بحث‌های حمایت	۴۹
۳-۱-۸-۱ دلایل اقتصادی	۴۹

- ۳-۱-۸-۲ دلایل غیراقتصادی ۵۰
- ۳-۲ سیاست‌های حمایتی قبل از جنگ جهانی دوم ۵۱
- ۳-۳ سیاست‌های حمایتی بعد از جنگ جهانی دوم ۵۵
- ۳-۴ سیاست‌های حمایتی بعد از گات ۵۷
- ۳-۴-۱ مذاکرات دور ژنو (۱۹۴۷) ۵۷
- ۳-۴-۲ مذاکرات دور انسی فرانسه (۱۹۴۹)، تارکی انگلیس (۱۹۵۱)، ژنو (۱۹۵۶) و دیلن ژنو (۱۹۶۰-۱۹۶۱) ۵۷
- ۳-۴-۳ مذاکرات دور کندی (ژنو ۱۹۶۷-۱۹۶۴) ۵۹
- ۳-۴-۴ مذاکرات دور توکیو (ژاپن ۱۹۷۳-۱۹۷۹) ۵۹
- ۳-۴-۵ مذاکرات دور اروگوئه (۱۹۸۶-۱۹۹۴) ۶۳
- ۳-۵ جمع‌بندی ۶۷

فصل چهارم تعریف تعرفه و سیاست‌های تعرفه‌ای برای حمایت از تولیدات داخلی ۷۱

- ۴-۱ اهمیت تجارت در اقتصاد کشورها ۷۳
- ۴-۲ موانع تجاری ۷۶
- ۴-۳ نظام تعرفه‌ای ۷۷
- ۴-۴ اصلاحات تعرفه‌ای ۷۸
- ۴-۵ تعریف و انواع تعرفه ۸۱
- ۴-۵-۱ تعرفه اسمی ۸۱
- ۴-۵-۲ تعرفه بهینه ۸۲
- ۴-۵-۳ تعرفه علمی ۸۶
- ۴-۵-۴ تعرفه براساس ارزش کالا ۸۶
- ۴-۵-۵ تعرفه ترکیبی یا مرکب ۸۶
- ۴-۵-۶ تعرفه‌های مختلط - تعرفه‌های انتخابی مشروط به شرط ۸۷
- ۴-۵-۷ تعرفه پلکانی - تعرفه افزایشی برحسب افزایش فراوری ۸۷
- ۴-۵-۸ تعرفه‌های مناسب هر صنعت ۸۸
- ۴-۵-۹ تعرفه مورد عمل ۸۸
- ۴-۵-۱۰ سهمیه تعرفه ۸۸
- ۴-۵-۱۱ متوسط تعرفه ۸۸

۴-۵-۱۲	تعرفه‌های متوسط موزون شده برحسب تجارت	۸۹
۴-۵-۱۳	تفاوت تعرفه	۸۹
۴-۵-۱۴	تعرفه بیهوده و دردسردار - تعرفه زحمت‌زا	۸۹
۴-۵-۱۵	تعرفه‌های بالا	۸۹
۴-۵-۱۶	تعرفه بازدارنده کامل واردات	۹۰
۴-۵-۱۷	تعرفه چانه‌زنی	۹۰
۴-۵-۱۸	تعرفه سقف	۹۱
۴-۵-۱۹	تعرفه‌های تثبیتی	۹۱
۴-۵-۲۰	تثبیت تعرفه	۹۱
۴-۵-۲۱	تثبیت صفر (تعرفه)	۹۱
۴-۵-۲۲	تعرفه ترجیحی مؤثر	۹۲
۴-۵-۲۳	عوارض ترجیحی	۹۲
۴-۵-۲۴	نرخ تعرفه مازاد بر سهمیه	۹۲
۴-۵-۲۵	عوارض یا مالیات بر واردات متغیر	۹۲
۴-۵-۲۶	تعرفه‌های صادراتی	۹۳
۴-۵-۲۷	شبه‌تعرفه	۹۳
۴-۵-۲۸	موانع غیرتعرفه‌ای	۹۴
۴-۶	حمایت	۹۶
۴-۷	مفهوم تعرفه و تعریف حقوق ورودی در ایران	۱۰۲
۴-۷-۱	حقوق ورودی قبل از تصویب قانون موسوم به تجمیع عوارض	۱۰۳
۴-۷-۲	حقوق ورودی بعد از تصویب قانون موسوم به تجمیع عوارض	۱۰۵
۴-۷-۳	حقوق ورودی بعد از تصویب قانون مالیات بر ارزش افزوده	۱۰۶
۴-۸	آثار تعرفه	۱۱۰
۴-۸-۱	اثر مصرفی تعرفه	۱۱۲
۴-۸-۲	اثر تولیدی تعرفه	۱۱۲
۴-۸-۳	اثر درآمدی تعرفه	۱۱۲
۴-۸-۴	اثر جایگزین‌سازی واردات	۱۱۲
۴-۸-۵	اثر بر شاخص‌های باز بودن بازار	۱۱۳
۴-۸-۶	اثر حمایتی از تولید داخلی	۱۱۳

۱۱۴	۴-۸-۷ اثر تجاری تعرفه
۱۱۴	۴-۸-۸ آثار منفی تعرفه‌ها بر رقابت
۱۱۵	۴-۸-۹ بار منفی یا هزینه حمایت
۱۱۶	۴-۹ جمع‌بندی
۱۱۹	فصل پنجم تأثیر تعرفه‌ها در بهای کالاهای مصرفی
۱۲۱	مقدمه
۱۲۲	۵-۱ نگاهی به تعریف موجود در زمینه تفکیک کالاهای وارداتی و آمار مربوطه
۱۲۲	۵-۱-۱ کالاهای سرمایه‌ای
۱۲۳	۵-۱-۲ کالاهای واسطه‌ای
۱۲۳	۵-۱-۳ کالاهای مصرفی
۱۲۸	۵-۲ بررسی سبد هزینه آمار خانوار
۱۳۳	۵-۳ مقایسه سهم هزینه خانوار کالا با متوسط نرخ تعرفه در گروه کالا
۱۳۴	۵-۴ تناقض در حمایت از تولید با حمایت از مصرف و ضرورت توجه به سهم هزینه خانوار
۱۳۹	در تعیین تعرفه بهینه
۱۴۰	۵-۵ جمع‌بندی
۱۴۳	فصل ششم تأثیر تعرفه‌ها در بهای کالاهای صادراتی
۱۴۵	مقدمه
۱۴۷	۶-۱ مدل شاخص عملکرد تجاری
۱۴۹	۶-۲ الگوی مصرفی کالاهای وارداتی
۱۵۳	فصل هفتم عوامل اثرگذار بر مخدوش شدن سیاست‌های تعرفه‌ای
۱۵۵	۷-۱ کسر یا اضافه دریافتی ناشی از روش تعیین ارزش
۱۶۲	۷-۲ کسر یا اضافه دریافتی ناشی از اظهار خلاف
۱۶۷	۷-۳ معافیت‌های گمرکی
۱۷۲	۷-۴ اختلال در سقف معافیت کالای همراه مسافر
۱۷۷	۷-۵ کالاهایی با علائم تجاری جعلی
۱۷۹	۷-۵-۱ تأثیر منفی بر تولید
۱۸۰	۷-۵-۲ تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری

- ۷-۵-۳ تأثیر منفی بر امنیت فضای کسب و کار ۱۸۰
- ۷-۵-۴ تأثیر منفی بر تجارت و تراز تجاری ۱۸۰
- ۷-۵-۵ تأثیر منفی بر اشتغال ۱۸۰
- ۷-۵-۶ تأثیر منفی بر کاهش درآمدهای دولت ۱۸۱
- ۷-۵-۷ اغفال مصرف‌کنندگان ۱۸۱
- ۷-۵-۸ مخاطره سلامت عمومی جامعه ۱۸۲
- ۷-۶ تأثیر موافقت‌نامه‌های تجاری، عوامل اقتصادی (مناطق آزاد، فروشگاه‌های آزاد و ...) ۱۸۵
- ۷-۷ تأثیر عوامل جغرافیایی ۱۸۷
- ۷-۸ تأثیر عوامل فرهنگی ۱۹۰
- ۷-۹ تأثیر سیاست‌های دولت (تغییر ناگهانی سیاست‌ها) ۱۹۲
- ۷-۹-۱ وضع مالیات‌های بالا به دست دولت ۱۹۲
- ۷-۹-۲ مقررات و تشریفات اداری غیرمنطقی، متغیر و فراوان ۱۹۳
- ۷-۹-۳ نظام سخت‌گیرانه صدور کسب و اجازه کار ۱۹۴
- ۷-۹-۴ قوانین کار ۱۹۵
- ۷-۹-۵ فساد مسئولان دولتی ۱۹۶
- ۷-۹-۶ شیوه‌های گمرکی پیچیده و سایر محدودیت‌های وارداتی ۱۹۷
- ۷-۱۰ جمع‌بندی ۱۹۷

فصل هشتم وضعیت تعرفه‌ها در گروه‌های کالایی کشور ۱۹۹

- ۸-۱ واردات و نرخ‌های حقوق ورودی طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۶ ۲۰۱
- ۸-۱-۱ بررسی اجزای واردات و نرخ متوسط حقوق ورودی در سال ۱۳۷۵ ۲۰۱
- ۸-۱-۱-۱ متغیرهای کلان واردات ۲۰۱
- ۸-۱-۱-۲ بررسی متوسط حقوق ورودی دریافت شده از واردات در سال ۱۳۷۵ به تفکیک فصول کالایی ۲۰۲
- ۸-۱-۲ بررسی اجزای واردات و نرخ متوسط حقوق ورودی در سال ۱۳۷۶ ۲۰۵
- ۸-۱-۲-۱ متغیرهای کلان واردات ۲۰۵
- ۸-۱-۲-۲ بررسی متوسط حقوق ورودی دریافت شده از واردات در سال ۱۳۷۶ به تفکیک فصول کالایی ۲۰۶

- ۸-۱-۳ بررسی اجزای واردات و نرخ متوسط حقوق ورودی در سال ۱۳۷۷ ۲۰۹
- ۸-۱-۳-۱ متغیرهای کلان واردات ۲۰۹
- ۸-۱-۳-۲ بررسی متوسط حقوق ورودی دریافت شده از واردات در سال ۱۳۷۷ به تفکیک فصول کالایی ۲۱۰
- ۸-۱-۴ بررسی اجزای واردات و نرخ متوسط حقوق ورودی در سال ۱۳۷۸ ۲۱۳
- ۸-۱-۴-۱ متغیرهای کلان واردات ۲۱۳
- ۸-۱-۴-۲ بررسی متوسط حقوق ورودی دریافت شده از واردات در سال ۱۳۷۸ به تفکیک فصول کالایی ۲۱۴
- ۸-۱-۵ بررسی اجزای واردات و نرخ متوسط حقوق ورودی در سال ۱۳۷۹ ۲۱۷
- ۸-۱-۵-۱ متغیرهای کلان واردات ۲۱۷
- ۸-۱-۵-۲ بررسی متوسط حقوق ورودی دریافت شده از واردات در سال ۱۳۷۹ به تفکیک فصول کالایی ۲۱۸
- ۸-۱-۶ بررسی اجزای واردات و نرخ متوسط حقوق ورودی در سال ۱۳۸۰ ۲۲۱
- ۸-۱-۶-۱ متغیرهای کلان واردات ۲۲۱
- ۸-۱-۶-۲ بررسی متوسط حقوق ورودی دریافت شده از واردات در سال ۱۳۸۰ به تفکیک فصول کالایی ۲۲۳
- ۸-۱-۷ بررسی اجزای واردات و نرخ متوسط حقوق ورودی در سال ۱۳۸۱ ۲۲۶
- ۸-۱-۷-۱ متغیرهای کلان واردات ۲۲۶
- ۸-۱-۷-۲ بررسی متوسط حقوق ورودی دریافت شده از واردات در سال ۱۳۸۱ به تفکیک فصول کالایی ۲۲۷
- ۸-۱-۸ بررسی اجزای واردات و نرخ متوسط حقوق ورودی در سال ۱۳۸۲ ۲۳۰
- ۸-۱-۸-۱ متغیرهای کلان واردات ۲۳۰
- ۸-۱-۸-۲ بررسی متوسط حقوق ورودی دریافت شده از واردات در سال ۱۳۸۲ به تفکیک فصول کالایی ۲۳۱
- ۸-۱-۹ بررسی اجزای واردات و نرخ متوسط حقوق ورودی در سال ۱۳۸۳ ۲۳۴
- ۸-۱-۹-۱ متغیرهای کلان واردات ۲۳۴
- ۸-۱-۹-۲ بررسی متوسط حقوق ورودی دریافت شده از واردات در سال ۱۳۸۳ به تفکیک فصول کالایی ۲۳۵
- ۸-۱-۱۰ بررسی اجزای واردات و نرخ متوسط حقوق ورودی در سال ۱۳۸۴ ۲۳۸

- ۸-۱-۱۰-۱ متغیرهای کلان واردات ۲۳۸
- ۸-۱-۱۰-۲ بررسی متوسط حقوق ورودی دریافت شده از واردات در سال ۱۳۸۴ به تفکیک فصول کالایی ۲۳۹
- ۸-۱-۱۱ بررسی اجزای واردات و نرخ متوسط حقوق ورودی در سال ۱۳۸۵ ۲۴۳
- ۸-۱-۱۱-۱ متغیرهای کلان واردات ۲۴۳
- ۸-۱-۱۱-۲ بررسی متوسط حقوق ورودی دریافت شده از واردات در سال ۱۳۸۵ به تفکیک فصول کالایی ۲۴۴
- ۸-۱-۱۲ بررسی اجزای واردات و نرخ متوسط حقوق ورودی در سال ۱۳۸۶ ۲۴۷
- ۸-۱-۱۲-۱ متغیرهای کلان واردات ۲۴۷
- ۸-۱-۱۲-۲ بررسی متوسط حقوق ورودی دریافت شده از واردات در سال ۱۳۸۶ به تفکیک فصول کالایی ۲۴۸
- ۸-۲ مقایسه سطوح نرخهای حقوق ورودی به تفکیک فصول کالایی از سال ۱۳۷۵ الی فروردین ۱۳۸۷ ۲۵۱
- ۸-۲-۱ احصای کمترین نرخهای حقوق ورودی به تفکیک فصول کالایی از سال ۱۳۷۵ الی فروردین ۱۳۸۷ ۲۵۱
- ۸-۲-۲ احصای بیشترین نرخهای حقوق ورودی به تفکیک فصول کالایی از سال ۱۳۷۵ الی فروردین ۱۳۸۷ ۲۵۲
- ۸-۳ بررسی کرانه‌های حقوق ورودی (اختلاف میان کمترین و بیشترین نرخهای حقوق ورودی در سال‌های ۱۳۷۵ تا فروردین ۱۳۸۷) ۲۵۵
- ۸-۳-۱ بررسی کرانه‌های حقوق ورودی به تفکیک اقلام کالایی در سال‌های ۱۳۷۵ تا فروردین ۱۳۸۷ ۲۵۷
- ۸-۳-۱-۱ بررسی اختلاف سطوح تعرفه‌ای حقوق ورودی کالایی در سال‌های ۱۳۷۵ تا فروردین ۱۳۸۷ ۲۵۷
- ۸-۳-۱-۲ بررسی اختلاف سطوح تعرفه‌ای حقوق ورودی فصول کالایی در سال‌های ۱۳۷۵ تا فروردین ۱۳۸۷ ۲۵۸
- ۸-۴ بررسی نرخهای بالای تعرفه‌ای و احصای پیک‌های تعرفه ۲۵۹
- ۸-۴-۱ بررسی نرخهای تعرفه‌ای بالا در میان اقلام کالایی در سال‌های ۱۳۷۵ الی ۱۳۸۷ ۲۶۰

۲-۴-۸ بررسی نرخ‌های تعرفه‌ای بالا در میان فصول کالایی در سال‌های ۱۳۷۵ الی

۱۳۸۷ ۲۶۷

فصل نهم نتیجه‌گیری و پیشنهادها ۲۷۳

۹-۱ نتیجه‌گیری ۲۷۵

۹-۲ پیشنهادها ۲۹۹

منابع و مأخذ ۳۰۳

فهرست جدول‌ها

- جدول ۱-۱ ادوار مذاکراتی گات از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۹۴ ۱۳
- جدول ۱-۲ کاهش تعرفه‌های گمرکی در چارچوب مذاکرات ادواری گات ۱۴
- جدول ۳-۱ مقایسه مذاکرات ادوار مختلف گات و سازمان جهانی تجارت ۶۹
- جدول ۵-۱ مقایسه واردات کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۵ ۱۲۴
- جدول ۵-۲ نرخ متوسط حقوق ورودی برای کالاهای منتخب در سال ۱۳۸۶ ۱۳۷
- جدول ۶-۱ مقایسه سهم واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای با کالاهای مصرفی طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۵ ۱۴۹
- جدول ۶-۲ آمار صادرات به تفکیک میعانات گازی، پتروشیمی و سایر کالاها ۱۵۱
- جدول ۷-۱ عوامل مؤثر بر قاچاق ۱۹۸
- جدول ۸-۱ متغیرهای کلان واردات در سال ۱۳۷۵ ۲۰۱
- جدول ۸-۲ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۷۵ ۲۰۲
- جدول ۸-۳ متغیرهای کلان واردات در سال ۱۳۷۶ ۲۰۶
- جدول ۸-۴ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۷۶ ۲۰۷
- جدول ۸-۵ متغیرهای کلان واردات در سال ۱۳۷۷ ۲۱۰
- جدول ۸-۶ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۷۷ ۲۱۱
- جدول ۸-۷ متغیرهای کلان واردات در سال ۱۳۷۸ ۲۱۴
- جدول ۸-۸ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۷۸ ۲۱۵
- جدول ۸-۹ متغیرهای کلان واردات در سال ۱۳۷۹ ۲۱۸
- جدول ۸-۱۰ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۷۹ ۲۱۹
- جدول ۸-۱۱ متغیرهای کلان واردات در سال ۱۳۸۰ ۲۲۲

جدول ۸-۱۲	کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال	۱۳۸۰
۲۲۳	
جدول ۸-۱۳	متغیرهای کلان واردات در سال ۱۳۸۱	۲۲۶
جدول ۸-۱۴	کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال	۱۳۸۱
۲۲۷	
جدول ۸-۱۵	متغیرهای کلان واردات در سال ۱۳۸۲	۲۳۱
جدول ۸-۱۶	کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال	۱۳۸۲
۲۳۲	
جدول ۸-۱۷	متغیرهای کلان واردات در سال ۱۳۸۳	۲۳۵
جدول ۸-۱۸	کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال	۱۳۸۳
۲۳۶	
جدول ۸-۱۹	متغیرهای کلان واردات در سال ۱۳۸۴	۲۳۹
جدول ۸-۲۰	کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال	۱۳۸۴
۲۴۰	
جدول ۸-۲۱	متغیرهای کلان واردات در سال ۱۳۸۵	۲۴۳
جدول ۸-۲۲	کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال	۱۳۸۵
۲۴۴	
جدول ۸-۲۳	متغیرهای کلان واردات در سال ۱۳۸۶	۲۴۸
جدول ۸-۲۴	کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال	۱۳۸۶
۲۴۹	
جدول ۸-۲۵	کمترین، بیشترین و اختلاف سطوح تعرفه‌های در دو حوزه اقلام و فصول کالایی	۲۵۶
۲۵۶	
جدول ۸-۲۶	سهم اقلام کالایی دارای نرخ تعرفه بالا و مقایسه آن با نرخ متوسط تعرفه	۲۶۲
جدول ۸-۲۷	سهم فصول کالایی دارای نرخ تعرفه بالا و مقایسه آن با نرخ متوسط تعرفه	۲۶۸
۲۶۸	

فهرست نمودارها

نمودار ۴-۱	بررسی تأثیر تعرفه بر رفاه مصرف‌کننده، تولیدکننده و درآمد دولت	۸۲
نمودار ۴-۲	بررسی تأثیر تعرفه بر رفاه ملی	۸۴
نمودار ۵-۱	مقایسه سهم کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۵	۱۲۵
نمودار ۶-۱	مقایسه سهم واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای با کالاهای مصرفی طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۵	۱۵۰
نمودار ۸-۱	کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۷۵	۲۰۴
نمودار ۸-۲	کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۷۶	۲۰۸
نمودار ۸-۳	کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۷۷	۲۱۲
نمودار ۸-۴	کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۷۸	۲۱۶
نمودار ۸-۵	کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۷۹	۲۲۰
نمودار ۸-۶	کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۸۰	۲۲۴
نمودار ۸-۷	کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۸۱	۲۲۹
نمودار ۸-۸	کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۸۲	۲۳۳
نمودار ۸-۹	کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۸۳	۲۳۷
نمودار ۸-۱۰	کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۸۴	۲۴۱

نمودار ۸-۱۱	کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال
۱۳۸۵ ۲۴۶
نمودار ۸-۱۲	کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال
۱۳۸۶ ۲۵۰
نمودار ۸-۱۳	اختلاف سطوح تعرفه ای حقوق ورودی کالایی طی سال‌های ۱۳۷۵ تا فروردین
۱۳۸۷ ۲۵۸
نمودار ۸-۱۴	اختلاف سطوح تعرفه‌ای حقوق ورودی فصول کالایی طی سال‌های ۱۳۷۵ تا
فروردین ۱۳۸۷ ۲۵۹
نمودار ۸-۱۵	تعداد و تنوع اقلام کالایی در کشور طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۶
۱۳۸۶ ۲۶۱
نمودار ۸-۱۶	مقایسه تعداد اقلام کالایی بالای ۴ درصد، بالای متوسط و بالای
۱۵ درصد ۲۶۳
نمودار ۸-۱۷	مقایسه روند سهم اقلام کالایی بالای ۴ درصد با متوسط تعرفه کل طی سال‌های
۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷ ۲۶۴
نمودار ۸-۱۸	مقایسه روند سهم اقلام کالایی بالای متوسط با متوسط تعرفه کل طی سال‌های
۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷ ۲۶۶
نمودار ۸-۱۹	مقایسه تعداد فصول کالایی بالای ۴ درصد، بالای متوسط و بالای
۱۵ درصد ۲۶۹
نمودار ۸-۲۰	مقایسه روند سهم فصول کالایی بالای ۴ درصد با متوسط تعرفه کل طی
سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷ ۲۷۰

سخن ناشر

سیاستگذاری تجاری شامل قواعد و مقررات حاکم بر بخش بازرگانی هر کشور است که از ابزارهای متنوعی مانند تعرفه‌ها، سهمیه‌ها، موانع غیرتعرفه‌ای و ... تشکیل شده است. این سیاست‌ها عمدتاً هدف‌هایی از جمله تنظیم بازار از طریق تشویق صادرات و یا اعمال محدودیت برای واردات و یا تأثیرگذاری بر ترکیب و طرف‌های تجاری را دنبال می‌کند و برحسب نوع آنها، استراتژی تجاری کشورها در دامنه طیفی وسیع از سیاست آزادی کامل تجاری تا سیاست کامل حمایتی دسته‌بندی می‌شود.

بررسی سیر تاریخی سیاست‌های تجاری نشان می‌دهد که کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته در مسیر توسعه از هر دو سیاست حمایتی و آزادسازی به نفع اقتصاد داخلی خود استفاده کرده‌اند. زمانی که صنایع و اقتصاد نوپا نیاز به حمایت از صنایع داخلی در برابر رقبای خارجی داشته، به سیاست‌های حمایتی توجه شده است و زمانی که تقاضای داخلی پاسخ‌گوی افزایش ظرفیت و دستیابی به سطح تولید انبوه نبوده سیاست آزادسازی تجاری، بازارهای جهانی را هدف‌گیری کرده است.

اصلی‌ترین و شفاف‌ترین عامل تعیین‌کننده سطح حمایت از صنایع داخلی و یا تمایل به آزادسازی تجاری، نرخ تعرفه کالاهای وارداتی است. از این‌رو نقش تعرفه‌ها در واردات و بررسی نظام مناسب در تعیین تعرفه‌های وارداتی از اهمیت بسزایی برخوردار است.

شایان ذکر است که آثار دستیابی به نظام تعرفه‌ای مناسب و نرخ‌های تعرفه بهینه علاوه بر تنظیم واردات، موجب حمایت مؤثر از تولید شده و ترکیب مصرف داخلی و مزیت‌های صادراتی را تغییر می‌دهد. به این ترتیب، اصلاح نظام تعرفه‌ای به صورت مستقیم و غیرمستقیم کل فضای کسب‌وکار تجاری را متأثر می‌کند. این در حالی است

۲ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

که بررسی مشکلات و چالش‌های پیش روی بخش بازرگانی در اقتصاد ایران نشان می‌دهد که نظام تعرفه‌ای کشور با آسیب‌هایی مواجه است. به این صورت که از برخی کالاها در حدی بالا و در بلندمدت حمایت می‌شود ولی به برخی دیگر از کالاها که نیاز به حمایت دارند توجه جدی نمی‌شود. از طرفی تغییرات متعدد در نرخ‌های تعرفه، وجود سطوح تعرفه‌ای مختلف، حجم بالای معافیت‌های تعرفه‌ای در کنار نرخ‌های بالای تعرفه برخی کالاها، پیامدهای ناخوشایندی از جمله عدم امکان برنامه‌ریزی فعالان اقتصادی در بلندمدت و تمایل به خروج از بازار رسمی و افزایش انگیزه قاچاق را در پی دارد.

مطالعه حاضر ضمن بررسی مبانی نظری تعرفه، چشم‌انداز گذشته و حال نظام تعرفه‌ای کشور را به تصویر کشیده است. همچنین انواع مختلف تعرفه معرفی شده و نقش تعرفه‌ها در مصرف، صادرات و عوامل مؤثر بر مخدوش شدن سیاست‌های تعرفه‌ای و وضعیت تعرفه‌ها در تمامی کالاها و فصول کالایی را طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷ بررسی کرده است. ماحصل این مطالعه شناخت وضعیت نظام تعرفه‌ای، آسیب‌شناسی روند ۱۳ سال گذشته و ارائه پیشنهادهایی برای اصلاح نظام تعرفه‌ای است که می‌تواند مورد استفاده سیاست‌گذاران، دست‌اندرکاران، کارشناسان و دانش‌پژوهان بخش بازرگانی قرار گیرد.

در پایان لازم است از تلاش‌های آقایان دکتر فتح‌اله تاری و همچنین سعید غلامی باغی و دکتر سیدخشیار سیدشکری در اجرای این مطالعه تقدیر شود. امید است با شناخت صحیح از جایگاه نظام تعرفه‌ای در کشور و انتخاب صحیح سیاست‌های تجاری زمینه لازم برای فعالیت بنگاه‌های اقتصادی و اصلاح و تسهیل فضای کسب‌وکار فراهم آید.

مرکز پژوهش‌ها براساس سنت خود از نقطه‌نظرات منتقدان و اظهارنظر صاحبان رأی و اندیشه در غنای این موضوع استقبال می‌نماید.

دکتر بهزاد پورسید

معاون پژوهشی مرکز

مقدمه

سیاست تعرفه‌ای در طول زمان تغییرات زیادی در کشورهای مختلف داشته است. در ادبیات نظری نیز دامنه‌ای وسیع مشاهده می‌شود که از «بگذارید همه چیز آزاد باشد»، گسترش آزادی عمل در اقتصاد و یا «بگذارید انجام دهند» در نظریه فیزیوکرات‌ها تا الگوهای اقتصاد بسته و دارای تجارت محدود در آن وجود دارد.

این گستردگی دامنه نظریات را نباید به معنای درهم‌ریختگی نظریات پنداشت، بلکه از یک سو موقعیت زمانی و مکانی در اقتصاد کشورها متفاوت بوده است و از سوی دیگر مشکلات و سیاست‌های کلان اقتصادی به نوع حکومت‌ها بستگی داشت که در دو حد افراطی آن نظام‌های سوسیالیستی محض و سرمایه‌داری قرار دارند و هر حکومتی در هر نقطه‌ای از جهان طیفی در بین این دو حد افراطی را اختیار کرده و سیاست‌های مورد نظر خویش را به اجرا می‌گذارد.

باید توجه داشت که حتی پیشگامان مکتب کلاسیک که طرفدار آزادی تجارت بین‌الملل بودند استثنائاتی بر این اصل قائل‌اند، برای مثال دخالت دولت در مواردی مانند بهداشت عمومی، تعلیم و تربیت، قوانین ضدتراست و ضدانحصار، خدمات عام‌المنفعه، ساخت زیرساخت‌ها، دفاع ملی، بانک مرکزی و ... را توجیه‌پذیر می‌دانستند.

در عمل دولت‌ها حداقل برای مسائل دفاعی و یا به دلایل اجتماعی در تجارت مداخله می‌کنند. بیشتر دخالت‌های دولت در تجارت به دلیل حمایت از صنایع در مقابل واردات، حمایت از صنایع نوپا، بهبود رابطه مبادله و دستیابی به سطوح بهینه تعرفه است که در زمره دلایل اقتصادی دخالت دولت در تجارت قرار دارد. سیاست‌های حمایتی در اقتصاد همه کشورها وجود داشته و دارد، ولی نقش و جایگاه این سیاست‌ها

۴ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

و عملکرد کشورها در طول تاریخ حوزه‌ای وسیع و متنوع را نشان می‌دهد. با وجود آنکه بحث مسلط و دیدگاه مطرح در دنیای امروز، پرهیز از سیاست‌های حمایتی است و توسعه عضویت در سازمان جهانی تجارت نیز با این شعار همراه بوده است، اما در عمل هنوز هم سیاست‌های حمایتی در دنیا مشاهده می‌شود با این تفاوت که دیگر افراطی‌گری‌ها در آن به‌ندرت وجود دارد. کشوری نیست که بتواند با سیاست‌های افراطی حمایتی منافع بلندمدت کسب کند و ادامه آن تنها به این نتیجه منجر می‌شود که هم از منافع تجارت بین‌الملل بهره‌مند نشود و هم ناکارایی در تولید و مصرف داشته باشد.

استفاده از تعرفه به‌عنوان یک ابزار حمایتی در کنار سایر حمایت‌های غیرتعرفه‌ای سیاستی است که در کشور ما نیز همواره وجود داشته و کارایی و عملکرد آن نیز با چالش‌ها و منازعات زیادی همراه بوده است.

بخش عمده سیاست‌های حمایتی در دنیای امروز با پیوستن به سازمان جهانی تجارت، چارچوب‌های تعریف شده و محدودی پیدا کرده و آنچه در این سازمان به‌عنوان محور اصلی سیاست‌های حمایتی مورد توجه قرار گرفته، سیاست‌های تعرفه‌ای است. اکنون با آغاز فرایند الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت، بررسی ساختار سیاست‌های حمایتی کشور و شناخت وضعیت مطلوب تعرفه‌ها و نحوه انتخاب تعرفه مناسب علاوه‌بر جنبه حمایتی باید از نظر تطابق آنها با سیاست‌های حمایتی مورد قبول این سازمان نیز مورد توجه قرار گیرد.

گرچه برخی مدعی‌اند که تا زمان الحاق راه زیادی در پیش است و نباید نرخ تعرفه‌ها را تا زمان شروع مذاکرات الحاق کاهش داد، ولی صرف‌نظر از اینکه اصولاً الحاق کشور به سازمان جهانی تجارت با چه سرنوشتی مواجه خواهد شد، ارائه راهبردی مشخص در تعیین تعرفه‌ها امری ضروری است؛ زیرا تعیین تعرفه‌های بالا نیز با مفاسدی مانند گسترش انگیزه قاچاق و حذف نظارت بر کالاهای وارداتی و عدم رعایت قرنطینه و استانداردها نیز همراه است که می‌تواند مشکلات متعددی را برای سلامت سیاسی، اقتصادی و بهداشتی جامعه به همراه داشته باشد. از این‌رو شناخت وضعیت جاری نظام تعرفه‌ای کشور و ملاک‌هایی که از حیث تعیین تعرفه باید مورد نظر قرار گیرد و احصای

چالش‌های موجود در این نظام می‌تواند گامی مثبت در معرفی ابهام‌ها و درک بهتر از وضعیت فعلی سیاست‌های حمایت از بازار داخلی کشور باشد.

جدول‌های تعرفه که در حال حاضر در قانون و مقررات صادرات و واردات کشور تعریف شده است، ضمن هماهنگی با نظام بین‌المللی طبقه‌بندی کالاها و خدمات، ظرفیت‌های زیادی برای اعمال سیاست‌های تعرفه‌ای دارد، ولی در حال حاضر به‌درستی برای اعمال سیاست‌های بازرگانی استفاده نمی‌شود و بعضی موارد سیاست‌های بازرگانی به‌صورت احساسی و براساس نوع تبلیغات ذی‌نفعان آن در جامعه تدوین می‌گردد.

از سوی دیگر در هنگام تعیین نرخ‌های تعرفه باید به روابط پیشین و پسین کالاها در کشور نیز توجه کرد. به‌عنوان مثال ممکن است یک محصول وارداتی در بخشی از اقتصاد به‌عنوان کالای نهایی استفاده شود ولی در بخش دیگر کالای واسطه‌ای محسوب گردد. در این حالت از یک‌سو ممکن است دولت بخواهد نوعی درآمد از کالای نهایی کسب کند و در جهت افزایش نرخ تعرفه گام بردارد، ولی باید توجه داشته باشد که این افزایش موجب برهم‌خوردن قدرت تولید و توان رقابتی بنگاه‌های استفاده‌کننده از کالا به‌عنوان کالای واسطه‌ای خواهد شد. در واقع در چنین مواردی باید به تابع رفاه اجتماعی برای تعیین نرخ‌های تعرفه توجه شود.

نکته دیگر آنکه دولت در اعمال سیاست‌های تعرفه‌ای باید همواره گوش به زنگ باشد تا سیاست‌های تعرفه‌ای به‌موقع به اجرا گذاشته شود. به این منظور رصد کردن شرایط اقتصاد داخلی و خارج از کشور یک وظیفه اصلی و مهم به‌حساب می‌آید. چه‌بسا سیاست و نرخ درستی از تعرفه در نظر گرفته شود ولی به‌دلیل عدم اعمال به‌موقع و یا سریع، کارآمدی خود را از دست بدهد که در این صورت نه تنها حمایت درست انجام نگرفته بلکه به سبب عدم اعمال به‌موقع ممکن است بحران‌های اقتصاد و بازار کالاها و خدمات را تشدید کند.

در هر صورت رصد کردن می‌تواند شامل بررسی تجربه و اقدامات کشورهای دیگر در عرصه بازارهای جهانی نیز باشد تا سیاست‌های روز دنیا نیز مورد توجه قرار گیرد. برای دسترسی به این مهم علاوه بر اینکه تعیین تعرفه باید سازوکار و متولی مشخص و دورنمای باثبات داشته باشد، نیازمند مشارکت بخش خصوصی در کنار سازوکار اعمال

۶ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

حاکمیت است که در نهایت نظام پاسخ‌گویی و مطالبه گزارش از عملکرد سازمان‌های
ذیربط و دست‌اندرکاران می‌تواند یک نظام تعرفه‌ای کارآمد به ارمغان آورد.

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱ بیان موضوع

تجارت آزاد^۱ فضای تجاری بین‌المللی است که دولت در آن دخالت نمی‌کند. در این حالت، تجارت بر مبنای تقسیم کار بین‌المللی و براساس مزیت نسبی انجام می‌شود. در این مواقع تخصیص بهینه منابع در سطح جهانی صورت گرفته و درآمد حداکثر می‌شود. برای سیاست اقتصادی حذف تعرفه‌ها و سایر موانع بر سر راه تجارت بین‌الملل از اصطلاح آزادی عمل در اقتصاد و یا «بگذارید انجام دهند»^۲ که اصطلاحی فرانسوی است استفاده می‌شود. به این مفهوم که، دولت نباید در امور اقتصادی مداخله کند بلکه باید اجازه دهد نیروهای عادی بازار به کار خود ادامه دهند. البته حتی پیش‌گامان مکتب کلاسیک که طرفدار آزادی تجارت بین‌الملل بودند استثنائاتی برای این اصل قائل بودند برای مثال دخالت دولت در مواردی مثل بهداشت عمومی، تعلیم و تربیت، قوانین ضد تراست و ضد انحصار، خدمات عام‌المنفعه، ساخت زیرساخت‌ها، دفاع ملی، بانک مرکزی و ... توجیه دارد؛ زیرا این حالت نیز در قالب تئوری مطرح می‌شود و در عمل دولت‌ها حداقل برای مسائل دفاعی و یا به دلایل اجتماعی در تجارت مداخله می‌کنند. بیشتر دخالت‌های دولت در تجارت به دلیل حمایت از صنایع در مقابل واردات، حمایت از صنایع نوپا، بهبود رابطه مبادله و دستیابی به سطوح بهینه تعرفه است که جزء علل اقتصادی دخالت دولت در تجارت محسوب می‌شود.

قانون مزیت نسبی^۳ که ریکاردو مطرح کرده است، نشان می‌دهد درحالی‌که حتی تجارت یک کشور در تولید تمام کالاها به کشور مقابل با عدم مزیت مطلق و کارایی

1. Free Trade
2. Laissez Fair
3. Law of Comparative Advantage

۱۰ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

کمتر مواجه است، می‌تواند سودمند باشد. مطابق این قانون، کشور مذکور باید در صادرات کالایی تخصص پیدا کند که عدم مزیت مطلق آن کشور در آن کمتر است. سیاست تجاری^۱ مقررات حاکم بر تجارت خارجی هر کشور است که از ابزارهای متنوعی مانند تعرفه‌ها، سهمیه‌ها یا موانع غیرتعرفه‌ای برخوردار است و به‌منظور تشویق صادرات و یا اعمال محدودیت برای واردات و یا تأثیرگذاری بر ترکیب و طرف‌های تجاری اعمال می‌شود. این سیاست‌ها می‌تواند موضع رسمی کشورها در قبال تجارت خارجی را در طیفی وسیع از سیاست آزادی کامل تجاری و سیاست انزوای تجاری مشخص کند. سمت‌وسو تجارت^۲ مشخص‌کننده شرکای تجاری هر کشور است. در اینجا است که بحث دسترسی به بازار^۳ مطرح می‌شود که یکی از مفاهیم اصلی تجارت بین‌الملل است و به معنای درجه و میزانی است که یک کالا یا خدمت می‌تواند با کالا و خدمت محصول داخلی در بازار دیگر رقابت کند و مبین شرایط وضع شده از طرف دولت در خصوص ورود یک محصول فارغ از شرایط تبعیض‌آمیز است. درجه اجرای این امر را تدابیر متخذه در مرزها یعنی تعرفه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای در زمینه کالاها، و مقررات در زمینه خدمات در داخل بازار مورد نظر تعیین می‌کند. هدف از اتخاذ سیاست تجاری چندجانبه ترتیباتی است تا دسترسی را به بازار قابل پیش‌بینی و آزاد سازد. این موضوع از طریق کاهش و تثبیت نرخ تعرفه اجرایی می‌شود. افزایش سطح دسترسی به بازار از طریق اعمال اصلاحات تعرفه‌ای امری ساده‌تر از حذف موانع غیرتعرفه‌ای است؛ زیرا تعریف و تفکیک موانع غیرتعرفه‌ای از لحاظ حقوقی با ابهاماتی مواجه است و رفع برخی از آنها در کوتاه‌مدت میسر نیست. سطح بالاتر دسترسی به بازار، حضور در بازار^۴ است که امکان مبادرت بنگاه صادرکننده به انجام برخی از اقدامات در کشور واردکننده را نیز دربرمی‌گیرد. برای مثال می‌تواند شامل سرمایه‌گذاری هر بنگاه در کشور دیگر یا احتیاج بنگاه مزبور به فرصت کافی برای رقابت اشاره کرد.

-
1. Commercial Policy
 2. Direction of Trade
 3. Market Access
 4. Market Presence

سیاست تجارت کالایی آن قسمت از سیاست‌های دولت در حوزه تجارت است که درباره کالاها و مواد اولیه اتخاذ می‌شود. انجام این اقدام برای تنظیم بازار مربوط به مصرف جمعیت زیادی از جامعه از اهمیت بسزایی برخوردار است، زیرا کالاها و مواد خام و اولیه با نوسانات ذاتی و طبیعی فراوانی مواجه است که قیمت آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و درآمد ملی صادراتی را با تغییر مواجه می‌کند. بنابراین، دولت‌ها خود را موظف می‌دانند با اتخاذ سیاست تجارت کالایی به تنظیم بازار این قبیل کالاها بپردازند.

کشورهای مختلف جهان به‌منظور دستیابی به اهداف مختلفی همچون رشد و توسعه اقتصادی، اشتغال، افزایش تولید، افزایش درآمد سرانه، موازنه تجاری و حفظ ذخایر ارزی از سیاست‌های حمایتی مختلفی استفاده کرده‌اند. بخش عمده سیاست‌های حمایتی در دنیای امروز با پیوستن به سازمان جهانی تجارت،^۱ چارچوب‌های تعریف شده و محدودی پیدا کرده است. ولی آنچه که عملاً در سازمان جهانی تجارت نیز به‌عنوان محور اصلی سیاست‌های حمایتی توجه شده است، سیاست‌های تعرفه‌ای است. به‌رغم وجود تعاریف و ضوابط معین برای این‌گونه سیاست‌ها در چارچوب مقررات سازمان جهانی تجارت، کشورها با استفاده از اطلاعات و ویژگی‌های اقتصادی به تنظیم نظام تعرفه‌ای مناسب اقدام می‌کنند تا بتوانند در صحنه مبادلات بین‌المللی بیشترین منافع را برای کشور خود به‌دست آورند.

تجارت یکی از موضوعاتی است که بعد از دهه ۱۹۲۰ اقتصاد جهانی را به‌خود معطوف کرد. با این حال، سیاست‌های تجاری همواره دستخوش تغییراتی بوده که این تغییرات در دهه‌های اول این قرن بیشتر به‌علت بروز جنگ‌های جهانی بوده است. این جنگ‌ها پیامدهای اقتصادی نامساعدی مانند نابودی زیرساخت‌های اقتصادی، کاهش سطح تولید، کسری گسترده تراز تجاری، افزایش بیکاری، بروز تورم‌های فزاینده و ... را در پیش داشت. در سال‌های بعد از جنگ، کشورها - با نگاهی درون‌گرا به داخل کشور - سعی داشتند تا به رفع مشکلات داخلی بپردازند. بنابراین، حمایتگرایی^۲ را در رأس سیاست‌های تجاری قرار داده و سعی می‌کردند بیشترین حمایت را از تولیدات داخلی

1. World Trade Organization (WTO)

2. Protectionism

۱۲ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

به عمل آورند و ورود کالا به داخل کشور را محدود کنند. بعد از اصلاح زیرساخت‌ها و دستیابی به سطوح تولید انبوه دیگر تقاضای داخلی پاسخ‌گوی تولیدات و عرضه گسترده کالاها نبود و تولیدکنندگان به بازارهای وسیع‌تری برای فروش محصولات تولیدی نیاز داشتند. از این‌رو، این‌بار سیاست‌های آزادسازی تجاری^۱ را در دستور کار قرار دادند تا بتوانند از حداکثر ظرفیت اقتصادی خود بهره‌برداری کنند.

اگر سیاست‌های تجاری^۲ را به صورت یک طیف در نظر بگیریم یک طرف آن سیاست‌های آزادسازی و طرف دیگر سیاست‌های حمایتی است.

اتخاذ سیاست‌های حمایتی به معنای دخالت مستقیم دولت در تجارت، اعمال سیاست‌های محدودکننده و افزایش تعرفه‌ها^۳ است که در نهایت به رکود و کاهش حجم تجارت جهانی منجر شده و برعکس اتخاذ سیاست‌های آزادسازی به معنای عدم دخالت دولت‌ها، کاهش سطوح تعرفه‌ای و تسهیل در تحرک کامل تجارت به رونق و افزایش حجم تجارت جهانی منجر می‌شود.

مشاهده آثار و پیامدهای مثبت آزادسازی تجاری در تجارت جهانی (به‌طور عمده تجارت آمریکا و اتحادیه اروپا) پس از جنگ جهانی دوم و همچنین تغییر مستمر این سیاست‌ها در سطح جهانی به احساس نیاز کشورها و ضرورت تأسیس یک نهاد جهانی برای حمایت از تجارت آزاد و از میان برداشتن محدودیت‌ها و انجام مذاکرات تجاری منجر شد. بعد از انجام مذاکرات متعدد در سال ۱۹۴۷، برخی کشورها در قالب منشور هاوانا^۴ توافق کردند تا سازمانی جهانی با نام سازمان بین‌المللی تجارت^۵ را تأسیس کنند. با این حال این توافق به دلیل عدم تصویب در مجالس کشورهای مذکور هیچ‌گاه عملی نشد و تنها یادگار منشور هاوانا در سال ۱۹۴۷ یک قرارداد ۳۴ ماده‌ای بین ۲۳ کشور به نام موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت یا گات بود.^۶

1. Trade Liberalization

2. Trade Policies

3. Tariffs

4. Havana Charter

5. International Trade Organization (ITO)

۶. اسفندیار امیدبخش و دیگران، سازمان جهانی تجارت، ساختار، قواعد و موافقت‌نامه‌ها (مجموعه آموزشی)، وزارت بازرگانی، شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۵.

فرایند عملیاتی موافقت‌نامه گات^۱ انجام مذاکرات چندجانبه در سطح جهانی برای دستیابی به اهداف آزادسازی و تجارت منصفانه^۲ بود. ادوار گات را می‌توان در هشت دور مذاکراتی بررسی کرد. همان‌طور که در جدول ۱-۱ مشاهده می‌شود، بعد از تأسیس گات در سال ۱۹۴۷، هدف مذاکرات آن تا دور ششم کاهش سطوح تعرفه‌ای بود. با این حال این اهداف در دور هفتم یعنی دور توکیو متحول شد و مباحثی مانند موانع غیرتعرفه‌ای،^۳ ارزش‌گذاری گمرکی،^۴ یارانه‌ها،^۵ مقررات احتیاطی،^۶ دامپینگ^۷ استانداردهای اجباری^۸ نیز بررسی شد. با آغاز دور هشتم مذاکرات معروف به دور اروگوئه محورهای دیگری مانند کالاهای کشاورزی،^۹ تجارت خدمات^{۱۰} و حقوق مالکیت معنوی^{۱۱} نیز به محورهای قبلی افزوده شد و با این اقدامات حوزه شمول گات به کلی دستخوش تغییر قرار گرفت. با توسعه محورهای مذکور کشورها به‌طور ملموس تغییر ساختار گات برای استفاده از ظرفیت‌های بیشتر که جوابگوی محورهای مربوطه باشد را امری لازم و ضروری دانستند و به این مهم اقدام کردند.

جدول ۱-۱ ادوار مذاکراتی گات از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۹۴

اهداف	زمان برگزاری	نام دور	ردیف
تأسیس گات	۱۹۴۷	ژنو	۱
کاهش تعرفه	۱۹۴۹	آنسی (فرانسه)	۲
کاهش تعرفه	۱۹۵۱	تارکی (انگلیس)	۳
کاهش تعرفه	۱۹۵۶	ژنو	۴
کاهش تعرفه	۱۹۶۰-۱۹۶۱	ژنو (دیلن)	۵

1. General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)
2. Equitable Competition
3. Non-Tariff Barriers (NTB)
4. Customs Valuation
5. Subsidy
6. Prudential Regulations
7. Dumping
8. Compulsory Standards
9. Agriculture Goods
10. Services Trade
11. Intellectual Property Rights

۱۴ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

جدول ۱-۱ ادوار مذاکراتی گات از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۹۴

ردیف	نام دور	زمان برگزاری	اهداف
۶	ژنو (کندی)	۱۹۶۴-۱۹۶۷	کاهش تعرفه
۷	توکیو (ژاپن)	۱۹۷۳-۱۹۷۹	کاهش کلی تعرفه‌ها به میزان متوسط ۳۵ درصد، موانع غیرتعرفه‌ای، ارزیابی گمرکی، یارانه‌ها و اقدامات حمایتی، ضد دامپینگ، استانداردها
۸	اروگوئه	۱۹۸۶-۱۹۹۴	توسعه حوزه شمول گات، موافقت‌نامه کشاورزی، تجارت خدمات، مالکیت فکری، تأسیس سازمان جهانی تجارت

مأخذ: اسفندیار امیدبخش و دیگران، سازمان جهانی تجارت، ساختار، قواعد و موافقت‌نامه‌ها (مجموعه آموزشی)، وزارت بازرگانی، شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۵، ص ۱۷.

همان‌طور که عنوان شد مهم‌ترین هدف ادوار تجاری گات کاهش سطوح تعرفه‌ای برای افزایش دسترسی به بازار است. مطابق جدول ۲-۱ این هدف در سال‌های ابتدایی تأسیس گات با موفقیت همراه بود؛ اما بعد از جنگ جهانی دوم و هم‌زمان با دور دوم مذاکرات با توجه به گرایش بیشتر کشورها به سیاست‌های حمایتی با افتی محسوس مواجه شد و سرعت کاهش تعرفه‌ها به حداقل رسید. این روند تا اواسط دهه ۶۰ ادامه داشت. در این دهه با توجه به اقدامات دولت جدید آمریکا در کاهش سطوح تعرفه‌ای در این کشور، آزادسازی تجاری وارد مرحله جدیدی شد و ادوار مذاکرات تجاری به موفقیت‌های بیشتری در زمینه کاهش سطوح تعرفه‌ای دست یافتند.

جدول ۲-۱ کاهش تعرفه‌های گمرکی در چارچوب مذاکرات ادواری گات

ردیف	مذاکرات ادواری گات	درصد واردات مشمول کاهش تعرفه‌ها	متوسط کاهش در نرخ تعرفه‌ها	متوسط کاهش در نرخ تمامی عوارض
۱	قبل از تأسیس گات (۱۹۳۴-۱۹۴۷)	۶۳/۹	۴۴	۳۲/۲
۲	اولین دور مذاکرات، ژنو (۱۹۴۷)	۵۳/۶	۳۵	۲۱/۱
۳	دومین دور، آنسی (۱۹۴۹)	۵/۶	۳۵/۱	۱/۹
۴	سومین دور، تارکی (۱۹۵۱)	۱۱/۷	۲۶	۳

جدول ۱-۲ کاهش تعرفه‌های گمرکی در چارچوب مذاکرات ادواری گات

ردیف	مذاکرات ادواری گات	درصد واردات مشمول کاهش تعرفه‌ها	متوسط کاهش در نرخ تعرفه‌ها	متوسط کاهش در نرخ تمامی عوارض
۵	چهارمین دور، ژنو (۱۹۵۶)	۱۶	۱۵/۶	۳/۵
۶	پنجمین دور، دبلن - ژنو (۱۹۶۰-۱۹۶۱)	۲۰	۱۲	۲/۴
۷	ششمین دور، کنده - ژنو (۱۹۶۴-۱۹۶۷)	۷۹/۲	۴۵/۵	۳۶
۸	هفتمین دور، توکیو (۱۹۷۳-۱۹۷۹)	-	۳۳	۲۹/۶
۹	هشتمین دور، اروگوئه (۱۹۸۶-۱۹۹۴)	۹۸	۳۸	-

مأخذ: همان.

با توسعه حوزه شمول گات و افزایش محورها و اهداف مورد نظر، ادامه فعالیت با استفاده از ابزارهای گات امکان‌پذیر نبود. به همین دلیل در سال ۱۹۹۴ تبدیل موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت یا گات به سازمان جهانی تجارت در دستور کار مذاکرات قرار گرفت و این سازمان از ژانویه ۱۹۹۵ کار خود را آغاز کرد.

اهداف متعددی برای تشکیل سازمان جهانی تجارت قید شده است که با توجه به شعاری بودن بیشتر آنها از پرداختن به آنها پرهیز می‌شود ولی می‌توان هدف اصلی این سازمان را گسترش و توسعه تجارت و رفع عوامل محدودکننده آن دانست. این هدف با توجه به اصول حاکم بر رفتارهای تجاری به شرح زیر محقق می‌شود:^۱

الف) اصل عدم تبعیض،^۲ شامل اصل دولت کامله‌الوداد^۳ (عدم تبعیض میان کشورها)، اصل رفتار ملی^۴ (عدم تبعیض میان کالاهای داخلی با وارداتی) است،
ب) اصل آزادسازی تجاری،

۱. موسی موسی‌زنوز، «موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)»، ساختار، قواعد و موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت، نمایندگی تام‌الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، وزارت بازرگانی، ۱۳۸۵.

2. Non-discrimination
3. Most Favoured Nation (MFN)
4. National Treatment (NT)

۱۶ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

ج) اصل شفافیت^۱ منصفانه،

د) اصل پیش‌بینی‌پذیری،

ه) اصل رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه.

اصل عدم تبعیض، اصلی‌ترین ابزار مورد استفاده در سازمان جهانی تجارت برای گسترش تجارت و تسری موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه به کل اعضاست که از دو اصل دولت کامل‌الوداد و اصل رفتار ملی تشکیل شده است. با توجه به اهمیت این موضوع در این بخش، به‌طور خلاصه به این دو اصل اشاره می‌شود:

۱. اصل دولت کامل‌الوداد به معنای عدم تبعیض تعرفه‌ای است. یعنی اگر کشوری امتیاز تعرفه‌ای را به یک کشور اعطا می‌کند، باید آن امتیاز را به تمام کشورهای عضو سازمان بدهد. اعطای این امتیازات متقابل بوده و کشورهای طرف تجاری دیگر نیز باید مشابه آن امتیاز را به کشور مربوطه بدهند. این اصل بیانگر آن است که بهترین و مساعدترین رفتاری که هر کشور به یکی از شرکای خود دارد باید به دیگر شرکا نیز تسری یابد.

عدم رعایت این اصل براساس اصولی مانند عضویت در مناطق آزاد تجاری، اتحادیه‌های گمرکی یا موافقت‌نامه‌های مبتنی بر ترجیحات تعرفه‌ای امکان‌پذیر است. هرچند این اصل به‌عنوان نیروی محرکه توسعه و گسترش آزادسازی، بسیار مؤثر بوده ولی استفاده گسترده کشورها از ترتیبات تجاری در سال‌های اخیر که می‌تواند استثنایی بر این اصل باشد، تأثیر اولیه آن را کم‌رنگ کرده است.

۲. اصل رفتار ملی منعکس‌کننده لزوم برخورد یکسان میان محصولات خارجی با محصولات داخلی و عرضه‌کنندگان کالای خارجی با عرضه‌کنندگان داخلی است که به برابری فرصت‌های رقابت می‌انجامد. یعنی مجموعه مالیات‌ها، هزینه‌ها، قوانین و ... نباید به‌نحوی باشد که از تولید داخلی حمایت شود.^۲

با توجه به تفاوت‌های ماهیتی از نظر فرایند تولید و آثار راهبردی محصولات کشاورزی در میان دیگر محصولات تولیدی، همواره تفاوت‌هایی میان سیاست‌های

1. Transparency

۲. سیفا... صادقی یارندی و مسعود طارم‌سری، فرهنگ توصیفی اصطلاحات تجارت بین‌الملل و سازمان جهانی تجارت (WTO)، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، وزارت بازرگانی، ۱۳۸۵.

حمایتی این کالاها با دیگر محصولات وجود داشته است. همچنین قدرت و لابی اتحادیه‌ها و اصناف تولیدکننده محصولات کشاورزی بسیار بالا بوده به شکلی که نمایندگان این اتحادیه‌ها در مراکز تصمیم‌گیری از نفوذ بالایی برخوردارند و امکان بروز اعتراضات صنفی بعد از کاهش حمایت از این بخش موجب شده که اصلاحات تعرفه‌ای درخصوص کالاهای کشاورزی همواره با ملاحظاتی انجام شود. این ملاحظات و حساسیت‌ها در کشورهای توسعه‌یافته بیشتر است؛ زیرا در این کشورها به دلیل پیشرفت‌های علمی، فنی و صنعتی بخش صنعت و خدمات از ارزش افزوده بسیار بالایی برخوردار بوده ولی بخش کشاورزی به دلیل وابستگی بسیار به عوامل طبیعی آسیب‌پذیرتر است و به حمایت بیشتری نیاز دارد. این موضوع به همراه قدرت سندیکاهای تولیدی کالاهای کشاورزی در این کشورها موجب شده است که دسترسی به بازار کالاهای کشاورزی به یکی از چالش‌های اساسی تجارت جهانی تبدیل شود.^۱ بنابراین اصلاحات تعرفه‌ای در این سازمان به دو گونه به شرح زیر انجام می‌شود:

الف) محصولات صنعتی: درخصوص محصولات صنعتی، ابتدا کشورها براساس فرایند مذاکرات، سطوح تعرفه‌ای را کاهش داده و بعد نرخ‌ها را در سطح معینی تثبیت می‌کنند. تثبیت نرخ‌ها به این معناست که کشور مربوطه نمی‌تواند نرخ‌های بالاتر از نرخ تثبیتی برقرار نماید؛ اما این اختیار را دارد که با اعمال نرخ‌های کمتر از سطح تثبیتی، دسترسی بازار خود را برای کشورهای طرف تجاری بیشتر کند.

ب) محصولات کشاورزی: درخصوص محصولات کشاورزی، کشورها مکلف‌اند تا براساس روش‌ها و فرمول‌های مرسوم ابتدا موانع غیرتعرفه‌ای موجود مانند سهمیه‌ها و ... را رفع و به سطوح تعرفه‌ای شفاف تبدیل کنند و با انجام مذاکرات دو یا چندجانبه کوشش نمایند این سطوح تعرفه‌ای را کاهش داده و دسترسی به بازار را بیشتر کنند.

با توجه به لزوم کاهش تعرفه‌ها در سازمان، برخی کشورها برای جبران کاهش حمایت از صنایع داخلی به اقداماتی از قبیل اتخاذ موانع غیرتعرفه‌ای یا شبه‌تعرفه‌ای روی آوردند تا بتوانند دسترسی به بازار داخلی را برای کشورهای طرف تجاری محدود

۱. میرهادی سیدی، مستندات ارائه شده در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۹/۷ دوره تشکیل هسته‌های آموزشی سازمان جهانی تجارت، موافقت‌نامه کشاورزی سازمان جهانی تجارت، دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری.

کنند. برخی از این اقدامات مانند اعطای یارانه به تولیدات داخلی، وضع قوانین ضد دامپینگ، جلوگیری از ورود سرمایه‌گذاری‌های خارجی، اعمال مقررات سخت‌گیرانه و موانع فنی، وضع موانع و اقدامات بهداشتی، شیوه ناصحیح ارزش‌گذاری گمرکی، اعمال مقررات بازرسی قبل از حمل، تبیین قواعد مبدأ، لزوم اخذ مجوزهای ورود و ... موجب شد تا موانع تجاری و عوامل محدودکننده آن تشدید شود. بنابراین، سازمان جهانی تجارت موافقت‌نامه‌هایی با مضامین مختلف تدوین کرد تا جلو اقدامات محدودکننده تجارت را به هر بهانه بگیرد.

برای مثال، هرچند استفاده از دامپینگ^۱ اقدامی ضد رقابتی و غیرمنصفانه تلقی می‌شود؛ ولی سازمان جهانی تجارت مقرراتی برای جلوگیری از دامپینگ وضع نکرده بلکه، قواعد و مقرراتی برای سیاست‌های مبارزه با دامپینگ مقرر کرده تا کشورها نتوانند به بهانه مبارزه با دامپینگ، اقدامات محدودکننده تجارت را وضع و اعمال کنند.

بر اساس تعاریف اقتصادی تعرفه حقوق و عوارض و سایر مالیات‌های وضع شده در مرزهای هر کشور بر کالاهای کشور دیگر است. تعرفه می‌تواند به صورت مبلغ معین برای هر واحد از کالای وارداتی «تعرفه به واحد کالا» یا به صورت درصدی از ارزش واردات «تعرفه ارزشی» و یا به صورت تعرفه ترکیبی یعنی تلفیقی از دو روش فوق وضع شود. تعرفه قیمت کالاهای وارد شده از خارج را بالا می‌برد و از توان رقابتی آن در بازاری که وارد می‌شود می‌کاهد. در ادبیات اقتصادی، تعرفه برابر است با وضع مالیات بر مصرف و پرداخت یارانه به تولید. گرچه دولت‌ها به این آثار به‌خوبی واقف هستند ولی کاهش تعرفه می‌تواند دارای تبعات مالی باشد؛ زیرا باعث کم شدن درآمدهای دولت می‌شود. تعرفه‌ها اغلب برای واردات وضع می‌شود ولی امکان وضع آن بر صادرات نیز وجود دارد. استفاده از ابزار تعرفه برای نیل به اهداف اقتصادی، محتاج مطالعات کارشناسی و دقیق و توجه به همه عوامل اثرگذار بر تعیین آن می‌باشد. بعضی مواقع اقتصادها با اعمال سیاست‌های حمایتی شدید تعرفه‌ای، با وجود کسب منفعت کوتاه‌مدت، در بلندمدت نه تنها کمکی به رشد بخش‌های اقتصادی نمی‌کند بلکه به حفظ کارایی پایین اقتصادی در بخش مربوطه منجر شده و در نتیجه به رقابت در صحنه بین‌المللی قادر نمی‌شود.

۱. فروش کالاها در هر کشور خارجی به قیمتی پایین‌تر از قیمت‌های فروش داخلی یا هزینه تولید آنها.

عدم تعیین بهینه نرخ تعرفه کالاهای وارداتی می‌تواند نه تنها به زیان کارایی در بخش تولید تمام شود بلکه، تورم داخلی را افزایش داده، انگیزه تولید را کاهش می‌دهد و در مواردی نیز مزیت نسبی برای صادرات کالاها و خدمات را از بین می‌برد. بنابراین اعمال سیاست اقتصادی مناسب و پایدار در بخش تعیین تعرفه‌های کالاهای وارداتی می‌تواند گام مهمی در حمایت از تولید و اشتغال و مبارزه با تورم به حساب آید.

۱-۲ اهداف تحقیق

۱. بررسی وضعیت نظام تعرفه‌ها در کشور،
۲. شناسایی عوامل مؤثر بر اجرای بهینه نظام تعرفه‌ها،
۳. ارزیابی سیاست تعرفه‌ای جاری در کشور،
۴. ارائه نظام مناسب تعیین تعرفه،
۵. شناسایی نظام تعرفه‌ای در گروه‌های مختلف کالاهای مصرفی، سرمایه‌ای و واسطه‌ای.

۱-۳ فرضیه‌های تحقیق

۱. نظام جاری تعیین نرخ تعرفه در کشور چگونه است؟
۲. نرخ تعرفه بهینه به چه عوامل اقتصادی بستگی دارد؟
۳. چه عوامل غیراقتصادی در عدم وصول به اهداف تعرفه‌ای اثرگذار است؟
۴. سیاست‌های تعرفه‌ای اجرا شده در گروه‌های کالایی کشور چگونه بوده است؟
۵. سیاست‌های تعرفه‌ای گذشته به تحقق چه اهدافی منجر شده است؟
۶. نظام مناسب برای تعیین تعرفه کالاهای وارداتی چیست؟

۱-۴ روش تحقیق

روش تحقیق مربوط به این مطالعه اسنادی و تاریخی است. در این بررسی ضمن جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از منابع مختلف، با دسته‌بندی، طبقه‌بندی، محاسبات لازم و پردازش اطلاعات، تصویری از وضع جاری نظام تعیین تعرفه به دست می‌آید. در مرحله بعد با بررسی

۲۰ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

منابع نظری و ویژگی‌های کشور، روش مناسب برای تعیین تعرفه در کشور ارائه می‌شود. جامعه و نمونه آماری مربوط به این مطالعه از اطلاعات و آمار موجود در گمرک جمهوری اسلامی ایران، وزارت بازرگانی، بانک مرکزی و مرکز آمار ایران برحسب ۹۸ فصل طبقه‌بندی سیستم هماهنگ طبقه‌بندی و کدگذاری کالاهای سال‌های ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۸۶ استخراج و مورد استفاده قرار گرفته است. روش جمع‌آوری آمار براساس روش کتابخانه‌ای و ابزار جمع‌آوری اطلاعات نیز علاوه بر اطلاعات رسمی اخذ شده از وزارت بازرگانی، گمرک ایران و بانک مرکزی، اسنادی مانند سالنامه‌های آماری و منابع اینترنتی و گزارش‌های سازمان‌های ذی‌ربط است.

فصل دوم

مروری بر مطالعات
انجام شده

مقدمه

عمده مطالعات انجام گرفته درباره سیاست‌های حمایتی در ایران، مربوط به سه دهه اخیر است. بخش مهمی از این مطالعات در قالب پایان‌نامه‌های دانشجویی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتراست. مسئله پیوستن ایران به سازمان جهانی تجارت یکی دیگر از عواملی است که در چند سال اخیر مطالعات روی سیاست‌های حمایتی را در دستگاه‌های اجرایی ترغیب کرد؛ زیرا یکی از شرایط الحاق به این سازمان، کاهش میزان حمایت‌های تعرفه‌ای و برداشتن موانع غیرتعرفه‌ای است. بنابراین، بررسی تبعات عضویت ایران در این سازمان را برخی از مطالعات که به‌نحوی به ساختار سیاست‌های تجاری و حمایتی ارتباط پیدا می‌کرد، سازمان داده است.

در این فصل ابتدا مروری بر مطالعات انجام گرفته در ایران که بیشتر پایان‌نامه‌های دانشجویی یا طرح تحقیقاتی می‌باشد صورت گرفته و سپس تحقیقات تجربی خارجی که عموماً از منابع اینترنتی استخراج شده است، آورده می‌شود.

۱-۲ بررسی روش و نتایج مطالعات درباره حمایت در ایران

روش‌های بررسی و تحقیق درباره این موضوع متفاوت است، به‌این ترتیب که گروهی از مطالعات حمایت درباره یک صنعت خاص توجه می‌شود. این روش مطالعه که در ایران نیز متداول است، نشان می‌دهد تعرفه چگونه بر ارزش افزوده یک صنعت یا یک بخش تأثیر می‌گذارد. گروهی دیگر، تحقیقاتی است که تأثیر آرای گروه‌های خاصی را در اجرای سیاست‌های حمایتی مورد توجه قرار می‌دهد. در این مباحث تأثیر سیاست‌گذاران و اختیارات آنها در تصمیم‌گیری‌ها از یک طرف و میزان آرای افراد خاص و منابع آنها

از طرف دیگر از اهمیت برخوردار است. معمولاً در این روش وضعیت سیاسی و اقتصادی داخل بیش از متغیرهای تجارت در سطوح بین‌الملل، در تعیین میزان حمایت و چگونگی استفاده از این سیاست تأثیر دارد. گروه سوم از تحقیقات، مطالعاتی است که سطح عمومی حمایت و تعرفه را به متغیرهای کلان در اقتصاد مربوط می‌سازد. تحقیقات در این زمینه را می‌توان به دو گروه اصلی تقسیم کرد: دسته اول مطالعاتی که تأثیر نوسان اقتصادی و عواملی نظیر دوره‌های اقتصادی و تورم یا بیکاری را بر متوسط نرخ تعرفه بررسی می‌کند. همه مدل‌هایی که در این دسته از تحقیقات استفاده می‌شود از نوع تعادل عمومی است. دسته دوم تحقیقاتی است که تأثیر نوسانات نرخ تعرفه را بر متغیرهای مختلف بررسی می‌کند. در این مواقع از مدل‌های برون‌زا استفاده می‌شود و متغیر سیاست‌گذاری تعرفه به صورت برون‌زا در نظر گرفته می‌شود. این مدل‌ها می‌تواند به هر بخش یا هر صنعت خاص در اقتصاد اختصاص داشته باشد، یا اینکه می‌تواند به متغیرهای اقتصادی در سطح کلان مربوط شود. در وضعیتی که کل اقتصاد مورد نظر باشد، می‌توان با تفکیک آن، تأثیر نوسان نرخ‌های تعرفه را بر بخش‌های مختلف و از آن طریق بر کل اقتصاد پیگیری کرد. در هر الگوی اقتصادی که چنین هدفی دنبال می‌شود می‌توان بخش‌های اقتصاد را به تفکیک و بدون ایجاد ارتباط میان آنها بررسی کرد و یا اینکه می‌توان مدل را به گونه‌ای طراحی کرد که بخش‌های اقتصاد در ارتباط متقابل با یکدیگر قرار گیرند. در حالت دوم این امکان به وجود می‌آید که چگونگی تغییر در تخصیص منابع میان بخش‌ها را مشاهده کرد. برای حل چنین مدل‌هایی معمولاً سیستم معادلات را به شکلی طراحی می‌کنند که از ضرایب جدول داده - ستانده استفاده شود.^۱

بعضی از مطالعات انجام شده عبارت‌اند از:

- تحقیق احمد شاه‌رکنی تحت عنوان «نرخ حمایت مؤثر و زیان ناشی از ارزش افزوده منفی در صنعت اتومبیل‌سازی ایران» است که در این مطالعه نرخ حمایت مؤثر برای پنج مدل اتومبیل در سال ۱۳۵۲ و هفت مدل اتومبیل در سال ۱۳۵۷ که حدود ۹۰ درصد از اتومبیل‌های ساخت داخل را تشکیل می‌داد، برآورد شده است. در این مطالعه از مدل تعدیل شده جانسون کوردن استفاده شده است که بین حمایت اسمی و

۱. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، «سیاست‌های حمایتی و پیامدهای آن در ایران»، ۱۳۸۱، ص ۴ و ۵.

مؤثر تفاوت زیادی وجود داشته که گویای تأثیر سایر حمایت‌های غیر تعرفه‌ای در واردات اتومبیل ایران بوده است.^۱

- تحقیق حشمت سجادی تحت عنوان «تخمین نرخ حمایت مؤثر در صنعت کاغذ و چوب» که میزان حمایت مؤثر و اسمی برای صنعت کاغذ چاپ، مورد خاص کارخانه کاغذ پارس در سال ۱۳۶۹ محاسبه گردیده است. بدین ترتیب که برای محاسبه حمایت اسمی از مقایسه قیمت‌ها و برای حمایت مؤثر، از بررسی داده‌های غیرقابل مبادله به روش لوئیس و گای سینگر استفاده شده و فرض بر عرضه خارجی برای کالاهای قابل مبادله دارای کشش نامحدود است و جانشینی بین عوامل وجود ندارد.

در این مطالعه تعرفه اسمی و حمایت اسمی کاغذ چاپ و تحریر برای سال ۱۳۶۹ با احتساب نرخ رسمی ارز به ترتیب ۲۰ و ۲۵۹/۶ درصد برآورد شده است که نشان می‌دهد تعرفه تنها عامل تعیین‌کننده اختلاف قیمت‌های داخلی و بین‌المللی نیست.^۲

- تحقیق بهزاد سلمانی تحت عنوان «بررسی سیاست‌های حمایتی در ایران بعد از انقلاب» است که در این مطالعه نرخ مؤثر حمایت ناشی از محدودیت‌های وارداتی برای اتومبیل رنو ۵ محصول شرکت سایپا و تراکتور مسی فرگوسن ۲۸۵ محصول کارخانجات تراکتورسازی تبریز برای سال ۱۳۷۰ به روش کوردن و بالاسا محاسبه و با یکدیگر مقایسه شده است.

براساس نتایج این مطالعه، نرخ‌های مؤثر حمایت به میانگین تعرفه نهاده‌های وارداتی و نرخ اسمی تعرفه محصول نهایی حساس می‌باشد. این حساسیت می‌تواند به دولت برای تصمیم‌گیری صحیح درباره سیاست‌های حمایتی کمک کند و با کاستن از نرخ‌های اسمی حمایت، نرخ‌های مؤثر که بسیار زیاد به نظر می‌رسد از ایجاد انحصار جلوگیری نماید.^۳

- تحقیق احمد قربانی تحت عنوان «بررسی حمایت در زیربخش دام و طیور» که به

۱. احمد شاهرکنی، «ارزش افزوده منفی، تحلیلی ایستا بر زیان تولید در صنعت اتومبیل ایران»، فصلنامه اقتصاد مدیریت، ش ۷، زمستان ۱۳۶۹.

۲. حشمت سجادی، «تخمین نرخ حمایت مؤثر در صنعت کاغذ و تحریر»، پایان‌نامه فوق لیسانس، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰.

۳. بهزاد سلمانی، «بررسی سیاست‌های حمایتی ایران در بعد از انقلاب، مقایسه تطبیقی حمایت مؤثر در دو صنعت اتومبیل‌سازی و تراکتورسازی»، پایان‌نامه فوق لیسانس، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۰.

۲۶ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

مطالعه حمایت‌های اسمی و مؤثر محصولات دامی از جمله گوشت گوسفند، گاو، مرغ، تخم مرغ و پنیر پرداخته است. براساس نتایج این مطالعه نرخ مؤثر حمایت انواع فراورده‌های دامی بین ۰/۰۸ تا ۱/۱۳۷ درصد بوده است که این نرخ‌ها کمتر از نرخ مؤثر حمایت از صنایع منتخب چون خودرو و تراکتور است.

در این مطالعه آثار نرخ ارز بر میزان حمایت از فراورده‌های دامی استفاده و نتیجه گرفته شده است که سیستم پرداخت یارانه به نهاده‌ها از طریق نرخ‌های چندگانه ارزی سبب شده است تا نهاده بخش دامپروری با نرخ ارز رقابتی وارد شود.^۱

- تحقیق فاطمه پاسبان تحت عنوان «بررسی سیاست‌های حمایتی در ایران و برآورد نرخ تعرفه مؤثر در بخش کشاورزی» نرخ‌های حمایت اسمی و مؤثر تعدادی از محصولات منتخب بخش کشاورزی برای دو سال زراعی ۷۲ و ۷۳ برآورد شده است و مقایسه‌ای بین نرخ‌های حمایت اسمی و مؤثر انجام گرفته تا میزان واقعی حمایت مشخص شود.

رساله نتیجه‌گیری کرده است که نرخ حمایت مؤثر بیشتر از نرخ اسمی حمایت می‌باشد. تعرفه‌ها بر قیمت‌ها، تراز بازرگانی خارجی، تولید ناخالص ملی^۲ واقعی و نرخ بیکاری اثرگذارند. رساله پیشنهاد کرده است که نرخ ارزش کاهش یافته و تعرفه حذف شود. به همین ترتیب در وضع تعرفه بایستی به وضعیت سایر متغیرهای اقتصادی توجه کرد.^۳

- تحقیق عباس رحیمی و ابراهیم علی رازینی تحت عنوان «سیاست‌های حمایتی با تأکید بر سیاست‌های بازرگانی» صورت گرفته که به بررسی آثار سیاست‌های حمایتی برخی از متغیرهای اقتصادی به روش تعادل جزئی پرداخته شده است.

همچنین با استفاده از مدل بالاسا، که انگیزش‌های عملکرد صادراتی و وارداتی را توضیح می‌دهد، میزان کشش‌پذیری واردات به نرخ تعرفه و کارایی تعرفه به‌عنوان یک ابزار حمایتی در ایران تخمین زده شده است.

۱. احمد قربانی، «بررسی سیاست‌های حمایتی در ایران، برآورد نرخ مؤثر حمایت از بخش دامپروری ایران در مقایسه با صنایع منتخب»، پایان‌نامه فوق لیسانس، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۱.

2. Gross National Product (GNP)

۳. فاطمه پاسبان، «بررسی سیاست‌های حمایتی در ایران و برآورد نرخ تعرفه مؤثر در بخش کشاورزی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۶.

در این مدل، ارزش کل واردات و ارزش کل صادرات غیرنفتی به‌عنوان متغیرهای وابسته و متغیرهای درآمد ارزی، جمعیت، نرخ تعرفه، تولید ناخالص ملی و شاخص تولید ناخالص داخلی کشورهای صنعتی به‌عنوان متغیرهای وابسته معرفی شده است. برای محاسبه نرخ تعرفه از روش کل مالیات دریافتی از کالاهای وارداتی (حقوق گمرکی، سود بازرگانی و مابه‌التفاوت) بر ارزش کل واردات استفاده شده است.

برآورد توابع به روش حداقل مربعات معمولی می‌باشد. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که نرخ تعرفه اثر منفی بر میزان واردات داشته و کشش واردات نسبت به نرخ تعرفه کوچک‌تر از یک است. هنگامی که متغیر درآمد ارزی به‌جای تولید ناخالص ملی در مدل جایگزین شود از قدر مطلق کشش واردات نسبت به تعرفه کاسته شده و این امر حاکی از شدت وابستگی ساختار واردات نسبت به درآمدهای ارزی در ایران است.

نویسندگان این تحقیق به‌طور خلاصه چنین نتیجه‌گیری می‌کنند:

● قبل از طراحی نظام بازرگانی باید جهت‌گیری اقتصادی و رژیم تجاری کشور مشخص شود.

● حمایت از تولید بدون یک سیاست صنعتی مشخص همان‌قدر غیرکاراست که عدم حمایت از تولید داخلی می‌تواند اقتصاد کشور را با بحران بیکاری و رکود فعالیت‌های اقتصادی مواجه سازد.

● سیاست‌گذاران صنعتی کشور باید براساس تعیین اولویت صنعتی در سطح کلان، براساس مزیت نسبی و جدول داده - ستانده اقدام به مشخص‌سازی اولویت‌های صنعتی نظام تجاری کشور کنند.

● ابزارهای موجود برای این سیاست عبارت‌اند از: سیاست‌های بازرگانی که آن را می‌توان به سیاست‌های تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای تقسیم کرد و سیاست‌های تعرفه‌ای به دلایل متعددی تأثیر مهمی در نظام واردات و صادرات کشور ندارد و ابزار عمده کنترل واردات در ایران سیاست‌های غیرتعرفه‌ای است.^۱

- تحقیق رضا داورپناه تحت عنوان «ارزیابی ساختار حمایت در ایران» که به آزمون

۱. عباس رحیمی و ابراهیم علی رازینی، «سیاست‌های حمایتی: تأکید بر سیاست‌های بازرگانی»، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۴.

مدل‌های گرینوی و میلر و ناوارتان در اقتصاد ایران می‌پردازد. در این تحقیق با تخمین مدل‌های مربوطه نتیجه‌گیری می‌شود که یک درصد افزایش در نسبت قیمت کالاهای قابل واردات به قیمت کالاهای قابل صادرات به ۰/۶۱ درصد افزایش نسبت قیمت کالاهای غیرتجاری به قیمت کالاهای قابل صادرات منجر می‌شود. ضمن آنکه با توجه به نتیجه تخمین تأثیر تعرفه‌ها و سیاست‌های حمایتی بر بخش صادرات پس از ۱۲ ماه کامل می‌شود؛ زیرا وقفه‌های بیشتر از ۱۲ ماه برای متغیرهای مستقل معنادار نیست.

در مراحل بعدی تحقیق، مقادیر واقعی تعرفه و یارانه تخمین زده شده و اجزای ماتریس انتقال درآمد برای ایران محاسبه می‌شود.

در نهایت، تحقیق فوق نتیجه‌گیری می‌کند که اعمال هرگونه سیاست حمایتی به کاهش توان صادراتی کشور منجر می‌شود، به عبارت دیگر، برای توسعه صادرات باید جهت‌گیری سیاست بازرگانی خارجی کشور برای حذف سیاست‌های حمایتی مثل اعمال تعرفه‌ها، محدودیت‌های ارزی، سهمیه‌بندی و ... باشد.^۱

- تحقیق سیدخشیار سیدشکری تحت عنوان «تأثیر سیاست‌های حمایتی بر صادرات غیرنفتی» به بررسی مدل گرینوی و میلر درباره ۹ قلم از صادرات غیرنفتی کشور ایران (پسته، کشمش، خرما، فرش و ...) می‌پردازد. با تخمین ضریب مربوطه، نتیجه‌گیری می‌شود که کالاهای قابل واردات و غیرتجاری جانشین‌های نزدیکی است و ازسوی دیگر، کالاهای قابل صادرات و غیرتجاری جانشین‌های ضعیفی هم در تقاضا و هم در عرضه می‌باشد؛ یعنی با اعمال هرگونه سیاست حمایتی منابع قابل توجهی از بخش صادرات خارج شده و به بخش جانشین واردات می‌رود. به عبارت دیگر، به بهای تضعیف صادرات، بخش جایگزین واردات رشد و ترقی می‌کند. با نتایج به دست آمده نمی‌توان عبارت «بهترین کار برای تشویق صادرات، آزادسازی واردات است» را رد کرد. نتیجه‌گیری دیگر آن است که دولتمردان اگرچه می‌توانند مقادیر اسمی تعرفه و یارانه را تعیین کنند اما بر مقادیر حقیقی تعرفه و یارانه نمی‌توانند اثرگذار باشند. همچنین تعرفه حقیقی کمتر از تعرفه اسمی بوده و نشان می‌دهد که هر رژیم حمایتی پیچیده می‌تواند مقادیر کمی از آن را به صورت تعرفه حقیقی به اجرا بگذارد و این خودش بهترین پاسخ به این سؤال است که چرا صاحبان صنایع جایگزین

۱. سیدرضا داورپناه، «ارزیابی ساختار حمایت در ایران»، پایان‌نامه فوق لیسانس، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۶.

واردات با وجود سطوح حمایت بالا، باز هم درخواست حمایت بیشتری می‌کنند.^۱

- تحقیق ابراهیم علی رازینی و دیگران تحت عنوان «سیاست‌های حمایتی و پیامدهای آن در ایران» برای بررسی تأثیر تعرفه بر متغیرهای خاص در اقتصاد از مدل تعادل جزئی به جای تعادل عمومی استفاده شده است. بدین منظور، ابتدا کشش‌های تقاضا برای کالاهای وارداتی و کالاهای صادراتی در بخش‌های مختلف اقتصادی محاسبه شده و سپس با استفاده از شبیه‌سازی تأثیر نرخ تعرفه و نرخ ارز بر متغیرهای اقتصادی مانند مقدار واردات، مقدار صادرات و خالص صادرات بخش‌های مختلف بررسی شده است. از این رو برای رسیدن به نتیجه از سناریوهای متعدد استفاده شده است. در هر یک از سناریوها سعی شده تا حداقل پیامد اجرای یکی از سیاست‌ها از طریق قیمت‌ها و به‌طور مشخص ضریب کشش جانشینی بر متغیرهای مورد نظر نشان داده شود. در مرحله اول از شبیه‌سازی به یکی از ابزارهای سیاست‌گذاری یعنی حذف نرخ‌های تعرفه توجه شده است. در حالت دوم سیاست حذف نرخ تعرفه همراه با افزایش نرخ ارز دقت شده و در حالت سوم به بررسی اثرات دریافت مابه‌التفاوت نرخ ارز برای صادرات توجه شده است. در حالت چهارم به سیاست حذف نرخ‌های تعرفه همراه با افزایش نرخ ارزش و افزایش قیمت کالاهای تولید و مصرف شده در داخل توجه شده است. در حالت پنجم تأثیر تغییر نرخ ارز، حذف نرخ‌های تعرفه و افزایش قیمت کالاهای تولید شده در داخل توجه شده است.

حالت‌های اول، دوم، چهارم و پنجم ابزارهایی که می‌تواند طرف تقاضا برای واردات را تحت تأثیر قرار دهد و حالت‌های سوم و پنجم نیز طرف تقاضا برای کالاهای صادراتی را بررسی می‌کند.

فقط حالت پنجم است که هر دو طرف واردات و صادرات را بررسی می‌کند، لذا در این حالت تجزیه و تحلیل تأثیر حذف تعرفه افزایش نرخ ارز و افزایش قیمت کالاهای تولید و مصرف شده، در داخل بر واردات و صادرات و خالص صادرات از اهمیت خاصی برخوردار است، همان‌طور که انتظار می‌رود حذف تعرفه و افزایش قیمت کالاهای تولید و مصرف شده در داخل باعث افزایش واردات می‌شود. همچنین با افزایش نرخ ارز از یک طرف واردات کاهش و از طرف دیگر صادرات افزایش می‌یابد. ترکیب این سه سیاست

۱. سیدخشیار سیدشکری، «تأثیر سیاست‌های حمایتی بر صادرات غیرنفتی»، پایان‌نامه فوق لیسانس، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.

۳۰ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

(یعنی حذف تعرفه‌ها، افزایش نرخ ارز، افزایش قیمت کالاهای تولید و مصرف شده در داخل) با توجه به ضریب کشش جانشینی تأثیرات گوناگونی روی واردات، صادرات و خالص صادرات بخش‌های مختلف اقتصاد ایران دارد. ترکیب سه سیاست مذکور بیشترین اثر را بر واردات بخش پتروشیمی، لاستیک و پلاستیک خواهد داشت. همچنین بیشترین اثر را در صادرات بخش کشاورزی داشته و درباره خالص صادرات نیز بیشترین اثر مربوط به بخش نساجی، پوست و چرم خواهد بود.

در قسمت دیگری از این طرح به تأثیر سیاست‌های حمایتی بر تولید پرداخته شده که با استفاده از مدل اقتصادسنجی اثر تغییر در نرخ‌های تعرفه روی تولید بررسی می‌شود. نتایج حاصل از این برآورد، حاکی از آن است که ضریب به‌دست آمده برای متغیر مورد نظر عددی منفی است و این امر بیانگر آن است که در بلندمدت به‌کارگیری سیاست‌های حمایتی و افزایش حمایت‌ها تأثیر معکوس بر تولید داشته و به تبع آن بر اشتغال نیز تأثیر معکوس خواهد گذاشت.^۱

۲-۲ بررسی روش و نتایج مطالعات حمایت در کشورهای خارجی

- تحقیق گرینوی^۲ و میلنر^۳ تحت عنوان «برآورد انتقال سیاست‌های حمایتی بین بخش‌های اقتصادی» به بررسی تأثیرات سیاست‌های حمایتی و انتقال آن بین بخش‌های اقتصادی از تحقیق دورنبوش می‌پردازند. در تحلیل آنها کالاهای تولیدی به سه بخش قابل صادرات، قابل واردات و غیرقابل تجارت تقسیم می‌شود. وضع هرگونه سیاست حمایتی برای صنایع جانشین واردات بهم زدن قیمت‌های نسبی تقاضا را برای هر سه گروه کالا تغییر می‌دهد. با تخمین ضرایب مربوطه نتیجه‌گیری می‌شود که هرگونه سیاست حمایتی در کشور موریتانی باعث انتقال منابع از بخش صادرات به بخش جایگزین واردات می‌شود. در چنین فضایی هرگونه سیاست توسعه صادرات به شکست منجر خواهد شد.^۴

۱. ابراهیم علی رازینی رحمانی، «سیاست‌های حمایتی و پیامدهای آن در ایران»، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۱.

2. D. Greenaway

3. C. Milner

4. D. Greenaway & Milner, "Estimating the Shifting of Protection Across Sectors", *Industry and Development*, No. 16, 1986.

- تحقیق ن. ناوارتان^۱ تحت عنوان «چه کسی بهای سیاست‌های حمایتی را می‌پردازد» ضمن آنکه به تخمین مدل گرینوی و میلر برای سریلانکا می‌پردازد، خود به ارائه ماتریس انتقال درآمد بین بخش‌های اقتصادی بر اثر سیاست‌های حمایتی می‌پردازد. در تحلیل او، شرکت‌های تولیدکننده کالاهای قابل واردات با وضع تعرفه سود می‌برند که معادل ضرر بخش‌های تولیدکننده کالاهای قابل صادرات است. مصرف‌کنندگان داخلی نیز به دلیل قیمت‌های پایین کالاهای قابل صادرات سود برده و به علت افزایش قیمت کالاهای قابل واردات زیان می‌کنند، طبعاً چنانچه تغییر خالص مثبت باشد، مصرف‌کنندگان نفع می‌برند. از سوی دیگر، درآمدهای مالیاتی دولت نیز دچار تغییر می‌شود.^۲

- تحقیق دیوید تار^۳ تحت عنوان «طراحی سیاست تعرفه بهینه برای روسیه» با این استدلال آغاز می‌شود که تعرفه‌ها عموماً تنها ابزار قابل قبول حمایتی در سیستم سازمان جهانی تجارت و گات می‌باشند، ضمن آنکه از برتری قابل توجهی بر سایر ابزارهای حمایتی مانند سهمیه برخوردارند. به نظر تار منابع اندکی در سیستم تعرفه‌های متفاوت وارداتی برای روسیه وجود دارد؛ زیرا این کشور به ندرت از قدرت انحصار خرید برخوردار است تا بتواند از فواید تعرفه بهینه بهره‌برداری کند. از سویی، در مواردی که تعرفه‌ها به عنوان ابزار سیاستی بهینه دوم به کار می‌رود (مثل تهیه درآمد برای دولت) تعرفه‌های یکسان برای تمام کالاها قابلیت کاربرد بیشتری دارد. در مواردی که دولت‌ها از تعرفه به عنوان ابزاری برای چانه‌زنی در مذاکرات چندجانبه تجاری استفاده می‌کنند، نیز اهمیتی ندارد که تعرفه‌ها یکسان یا متفاوت باشد.

تعرفه‌های یکسان برای تمام کالاها انگیزه صاحبان صنایع را برای تحت فشار قرار دادن مسئولان برای حمایت به شدت کاهش داده و آنها را مجبور به کاهش هزینه و بهبود کیفیت کالاهای خود می‌کند. این امر می‌تواند باعث کاهش فساد در دستگاه دولتی نیز شود. بعضی از نتایج مهم این مقاله عبارت‌اند از:

- حذف موانع فیزیکی تجارت به جز تعرفه‌ها،

1. N. M. C. Navartan

2. N. M. C. Navartan, "Who Bears the Incidence of Import Protection", *World Development*, Vol. 19, No. 10, 1990.

3. D. Tarr

- کاهش نرخ‌های بالای تعرفه به ۱۰ درصد،
 - کاهش مداوم و حذف تعرفه‌های مخصوص برای افزایش شفافیت،
 - افزایش نرخ‌های پایین تعرفه به ۱۰ درصد و حذف تمام معافیت‌های گمرکی جز مورد واردات نهاده‌های لازم برای تولید کالاهای صادراتی.^۱
- تحقیق بالاسا^۲ تحت عنوان «سیاست تعرفه‌ای و مالیات‌ستانی در کشورهای در حال توسعه» چند راه‌حل اساسی برای کشورهای در حال توسعه بیان کرده است که عبارت‌اند از: برقراری مالیات بر ارزش افزوده، مالیات غیرمستقیم بر کالاهای لوکس و کالاهایی که مصرفشان پیامد خارجی منفی دارد و کاهش تعرفه‌ها، همراه با برنامه‌ریزی مناسب که اجازه تعدیلات مربوطه را به تولیدکنندگان می‌دهد. برای رسیدن به اهداف مالیات بر صادرات بایستی با توجه به کشش بلندمدت تقاضای صادرات و قدرت کشور در بازار مربوطه وضع شود. تعرفه‌های وارداتی در نرخ یکسان ۱۰ درصد بر تمام کالاهای تولید شده و نهاده‌های اولیه آنها وضع گردد، ضمن آنکه مواد اولیه برای تولید کالاهای صادراتی باید از تعرفه معاف شود. در همین زمان بایستی مالیات بر ارزش افزوده بر همه کالاها با نرخ یکسانی وضع شود.^۳
- تحقیق گ. و. هریسون^۴ و دیگران تحت عنوان «ابزارهای سیاست تجاری برای شیلی» از یک مدل تعادل عمومی استفاده شده است که علاوه بر آن، توافقات شیلی با مرکوسر (اتحادیه گمرکی بین آرژانتین، برزیل، پاراگوئه و اروگوئه) و نفتا نیز توجه شده است و مقاله به نتایج زیر رسیده است:
- کاهش بعضی از تعرفه‌ها نمی‌تواند منابع بزرگی برای شیلی داشته باشد. این کشور بایستی تمام تعرفه‌های خود را به ۱۱ درصد برساند.
 - کاهش بعضی از تعرفه‌ها با منحرف کردن جریان تجارت، باعث کاهش رفاه کشور می‌شود، مگر آنکه شیلی بتواند بهتر به بازارهای خارجی دسترسی پیدا کند.
 - توافق مرکوسر نمی‌تواند منافع شیلی را تأمین کند، اما نفتا می‌تواند سودمند باشد.

1. D. G. Tarr, "The Design of Optimal Tariff Policy for Russia", The World Bank, 1998.

2. B. Balassa

3. B. Balassa, "Tariff Policy and Taxation in Developing Countries", World Bank, WPS 281.

4. G. W. Harrison

- چنانچه نرخ‌های مالیات بر ارزش افزوده یکسان شود، شیلی می‌تواند به منفعت برسد.
- برای جبران درآمد ناشی از کاهش تعرفه‌ها، شیلی احتیاج به افزایش مالیات‌های داخلی خود دارد.

- تحقیق ج. مارتینز^۱ تحت عنوان «رفرم تعرفه‌ای بدون تغییر درآمد دولت: اثرات رفاهی تعرفه‌های یکسان در ۱۳ کشور در حال توسعه» به بررسی اثرات رفاهی جایگزینی سیستم تعرفه‌های یکسان با ساختار تعرفه‌ای موجود در ۱۳ کشور در حال توسعه در آسیا و آمریکای لاتین می‌پردازد. برای این کار از مدل تخمین تعادل عمومی^۲ جهانی با نواحی و بخش‌های متعدد و با فرض بازدهی ثابت به مقیاس و رقابت کامل استفاده می‌شود. نتایج مدل نشان می‌دهد که برقراری رژیم تعرفه با نرخ‌های یکسان رفاه تمام کشورها را افزایش می‌دهد. چنانچه پراکندگی تعرفه‌ها یا اندازه تجارت در اقتصاد بسیار باشد، منافع رفاهی بیشتر است.^۳

- تحقیق د. اینسکو^۴ تحت عنوان «حمایت تعرفه‌ای استراتژیک، رفتار بازار و سطوح تعهد دولت در کشورهای در حال توسعه» برخلاف بسیاری از مطالعات که تجارت آزاد را برای کشور در حال توسعه پیشنهاد می‌کند، بیان می‌کند که کشورهایی که در ابتدا سیاست حمایتی و دیگر سیاست‌های جایگزینی واردات را دنبال کرده‌اند رشد سرانه اقتصادی قابل توجهی را در دوره زمانی طولانی داشته‌اند. آنها همچنین نشان داده‌اند که بحران‌های اقتصادی در بعضی کشورها ضرورتاً فشار سیاست‌های تجاری نبوده است، بلکه مقصر اصلی سیاست‌های نادرست کلان و شوک‌های خارجی بوده است. رودریک نتیجه گرفته است که آزادسازی تجاری نتیجه توسعه موفق اقتصادی بوده است. مقاله با چنین نقل قول‌هایی ادعا می‌کند که شاید برای گروهی از کشورهای در حال توسعه حمایت از بعضی صنایع که دورنمای مناسبی دارند سیاست خوبی باشد. چنین صنایعی باید به کاهش شکاف تکنولوژیک بین کشور عقب‌مانده با ممالک توسعه‌یافته قادر بوده و به‌هیچ‌وجه از نظر تکنولوژیک نباید از رقبای خارجی خود عقب‌مانده‌تر باشد.

1. J. Martinez

2. Computational General Equilibrium Model (CGE)

3. J. Martinez, "Revenue-neutral Tariff Reform, The Welfare Effects of Uniform Tariffs in the Developing Countries", University of Colorado at Boulder, 1999.

4. D. Ionsescu

۳۴ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

با در نظر گرفتن وجود انحصار چندجانبه، شکست دولت در سیاست‌گذاری، عدم تقارن اطلاعات و حالت‌های مختلف سیاست تجاری؛ مقاله نتیجه‌گیری می‌کند که سیاست تعرفه بهینه می‌تواند نه تنها باعث افزایش رفاه شود، بلکه نوآوری و پیشرفت را در بنگاه‌های داخلی گسترش می‌دهد، هرچند تجارت آزاد هم می‌تواند به همین فواید منجر شود.^۱

۲-۳ ادبیات مرتبط با تعرفه و قاچاق

از آنجاکه انتخاب تعرفه نامناسب می‌تواند یکی از دلایل قاچاق باشد، برخی از پژوهشگران به موضوع قاچاق پرداخته‌اند.

- جمشیدنیا و بلی‌چمالو در بررسی خود تحت عنوان «علل بروز پدیده قاچاق کالا و ارائه راهکارهای اجرایی آن» در سال ۱۳۸۴ در سازمان بازرگانی قم ضمن پرداختن به موضوع قاچاق از منظر اقتصادی و حقوقی به بررسی آن در قالب پرسش‌نامه بسته پرداختند. پرسش‌نامه در میان تجار توزیع شد و عواملی مانند بیکاری، قیمت محصولات داخلی و خارجی، و تعرفه‌های زیاد کالاهای وارداتی به همراه برخی دیگر از عوامل مورد پرسش قرار گرفتند و کاهش نظام تعرفه‌ها به‌عنوان یکی از راهکارهای جلوگیری از پدیده قاچاق معرفی شد.^۲

- شکیبایی و احمدی نیز سال ۱۳۷۹ در بررسی خود تحت عنوان «قاچاق کالا، علل، آثار و شاخص‌های اندازه‌گیری آن» علل و انگیزه گسترش قاچاق کالا را در جامعه بررسی کردند و شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری میزان، حجم و عوامل تأثیرگذار بر آن را معرفی کرده‌اند. آدام اسمیت - پدر علم اقتصاد - در کتاب ثروت ملل، سیستم مالیاتی نامناسب را یکی از عوامل مؤثر بر قاچاق می‌داند. وی می‌گوید: «مالیات بدون مذاقه باعث ترغیب به سوی قاچاق می‌گردد».

در این تحقیق آمده است که جدول نرخ حقوق و عوارض گمرکی و سود بازرگانی می‌تواند به‌عنوان شاخص توجه‌کننده پدیده قاچاق کالا به کار گرفته شود؛ زیرا فعالیت‌های

1. D. Ionsescu, "Strategic Tariff Protection, Market Conduct and Government" ... (www.estg.org)

۲. حسن جمشیدنیا و علی بلی‌چمالو، بررسی علل بروز پدیده قاچاق کالا و ارائه راهکارهای اجرایی آن، وزارت بازرگانی، سازمان بازرگانی قم، ۱۳۸۴.

غیررسمی را افزایش می‌دهد. همچنین فهرست کالاهای ممنوع هرچه بیشتر باشد، انگیزه فعالیت‌های غیررسمی و قاچاق بیشتر می‌شود. بوروکراسی و ساختار ناکارآمد اداری که به افزایش هزینه تولید و تجارت در اقتصاد رسمی منجر می‌شود نیز به‌عنوان عاملی دیگر در اثرگذاری بر فعالیت‌های قاچاق است.^۱

- پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۹ تحقیقی تحت عنوان «بررسی شاخص‌های برآورد افزایش (کاهش) مبادلات غیرقانونی (قاچاق)» انجام داده است تا نشان دهد قوانین کنترل فعالیت‌های غیررسمی از جمله قاچاق کالا و ارز، به‌تناسب وضعیت اقتصادی و اجتماعی وضع شده، و این قوانین و مقررات دارای کاستی‌ها و نارسایی‌هایی مربوط به زمان خود یا دوره‌های بعد است. پیشینه قوانین قاچاق کالا و ارز حکایت از آن دارد که اولین مجازات مرتکبین قاچاق در ۲۲ اسفند ۱۳۰۶ به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسید. این قانون در سال‌های بعد تغییر مختصری یافت و در ۲۹ اسفند ۱۳۱۲ قانون به‌نسبت جامع و کاملی در هفت فصل و پنجاه ماده با عنوان «قانون مجازات مرتکبین قاچاق» تصویب و به اجرا درآمد که در سال‌های بعد، اصلاحیه‌هایی در بعضی از مواد قانونی آن انجام گرفت.^۲

- نورمحمدی و دیگران در تحقیقی تحت عنوان «بررسی قاچاق کالا و راهکارهای هدایت فعالیت‌های قاچاقچیان به مسیرهای قانونی و رسمی» پرداخته‌اند. در این تحقیق آمده: قاچاق کالا پدیده‌ای پنهان است که مشاهده، شناخت و بررسی دقیق تمامی ابعاد آن تقریباً غیرممکن است. علاوه‌براین، بخش عمده آمار، اطلاعات و بررسی‌های انجام شده درباره قاچاق نیز محرمانه تلقی شده و به دلایل مختلف در اختیار محققان قرار داده نمی‌شود. در تحقیق مذکور تلاش شده تا در کنار استفاده از مطالعات تئوریک و بنیادی و با استفاده از روش‌های مناسب تحقیقات کاربردی انجام و تا حد ممکن به واقعیت قاچاق کالا نزدیک و ابعاد مختلف آن شناخته شده و بررسی شود. هدف تحقیق شناخت و بررسی تمام ابعاد و عوامل قاچاق کالا است تا جایگاه گمرک ایران و حتی سایر

۱. علیرضا شکیبایی و علی محمد احمدی، «قاچاق کالا، علل، آثار و شاخص‌های آن»، مجموعه مقالات سومین

همایش ملی بررسی پدیده قاچاق کالا و راه‌های پیشگیری از آن، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹.

۲. پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، بررسی شاخص‌های برآورد افزایش مبادلات غیرقانونی، ۱۳۷۹.

۳۶ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

سازمان‌ها در خصوص قاچاق و هدایت آن به مسیرهای قانونی مشخص شود.

فصل اول تحقیق مروری اجمالی بر مباحث قاچاق کالا و ارائه آمارهای موجود مبتنی بر روش مطالعات کتابخانه‌ای بر تحقیقات قبلی انجام شده در جهان و ایران است. قسمت دوم نیز با استفاده از همین روش به بررسی آمار کشفیات قاچاق کالا و برآوردهای انجام شده درباره قاچاق پرداخته است. در بخش پیشنهادها برای کاهش و هدایت فعالیت‌های قاچاق به مسیرها و فعالیت‌های قانونی، پیشنهادهایی ارائه شده است.^۱

- اشرف‌زاده و دیگران در بررسی تحت عنوان «برآورد حجم قاچاق سیگار و تحلیل عوامل اقتصادی» به موضوع قاچاق سیگار و علل آن پرداخته و متذکر شده است به‌طورکلی، محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های واردات و صادرات کالا و تفاوت قیمت کالا در بازار داخلی و سایر کشورها، زمینه اصلی بروز قاچاق کالا را فراهم می‌کند. در این مطالعه، مقدار مصرف سیگار در ایران را برای دهه هفتاد با استفاده از داده‌های خام طرح هزینه - درآمد خانوار استخراج کرده سپس با استفاده از مطالعات مختلف ضریب خطای کم‌گویی خانوارها در مصرف را تخمین زده است. با اعمال این ضریب، مصرف واقعی خانوارها برآورد شده و پس از انجام این مراحل، آمارهای تولید و واردات قانونی سیگار استخراج و در نهایت برآوردی از قاچاق آن به ایران ارائه شده است.^۲

۱. خسرو نورمحمدی و دیگران، «بررسی قاچاق کالا و راهکارهای هدایت فعالیت‌های قاچاقچیان به مسیرهای قانونی و رسمی»، معاونت پژوهشی جهاددانشگاهی دانشگاه تهران، گروه اقتصاد، ۱۳۸۱.

۲. حمیدرضا اشرف‌زاده و دیگران، «برآورد حجم قاچاق سیگار و تحلیل عوامل اقتصادی»، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۳.

فصل سوم

دلایل و نظریه‌های
سیاست‌های حمایتی

مقدمه

نظریه‌های تجارت بین‌الملل بیشتر حاکی از آن است که تجارت آزاد جهانی به‌طور کلی، به افزایش سطح تولید و درآمد منجر می‌شود. همچنین تجارت آزاد، هر کشوری را قادر می‌سازد که تولید و مصرف بیشتری داشته باشد. در وضعیت رقابت کامل، با تجارت آزاد می‌توان به تخصیص مطلوب جهانی یا بهینه پارتو دسترسی یافت. در واقع تجارت آزاد باعث تساوی نرخ نهایی تبدیل در تولید و نرخ نهایی جانشینی در مصرف برای هر کالا و در هر کشور می‌شود. امروزه، هر کشوری با تعدادی از محدودیت‌های تجاری مواجه است و مشکل بتوان کالایی را پیدا کرد که محدودیت‌های تجاری درباره آنها به‌کار گرفته نشود. به‌طور کلی، در حال حاضر یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست بازرگانی تعرفه‌های گمرکی است. تعرفه‌های گمرکی شکل و حجم تجارت یک کشور را با سایر کشورها تحت تأثیر قرار می‌دهد. دلایل مختلف حمایت در این قسمت آمده است و بعد از آن به بیان سیاست‌های حمایتی در جهان می‌پردازیم.

۳-۱ دلایل و نظریات سیاست‌های حمایتی

۳-۱-۱ بحث نگهداری پول در کشور (حفظ ذخایر ارزی)

طرفداران این بحث بر این عقیده‌اند که وقتی ساکنان محلی کالاهای وارداتی خریداری می‌کنند، کشور کالا به‌دست می‌آورد و خارجیان پول آن را. به‌عبارت‌دیگر، اگر ساکنان کشور کالاهای ساخت داخل را خریداری کنند، کشور هم کالا و هم پول خود را به‌دست می‌آورد و از این‌رو کشوری که از واردات جلوگیری کند، ثروتمندتر می‌شود.^۱

۱. سیدجواد پورمقیم، تجارت بین‌الملل: نظریه‌ها و سیاست‌های بازرگانی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۰، ص ۱۲۷.

۲-۱-۳ حمایت از صنایع نوزاد و تولید

این مسئله احتمالاً قدیمی‌ترین و شناخته شده‌ترین استدلال برای طرفداران سیاست حمایت می‌باشد. یک صنعت داخلی که نوپا می‌باشد با بنگاه‌های جاافتاده خارجی نمی‌تواند رقابت کند. بنابراین، لازم است که از صنعت مزبور با وضع تعرفه حمایت شود تا فرصت رشد و رقابت با سایر بنگاه‌های خارجی را داشته باشد. پس از دستیابی به این هدف باید حمایت از صنایع مزبور متوقف شود.

واضح است که برای اعتبار این بحث لازم است که صنایع مورد حمایت ذاتاً به رشد اقتصادی برای رقابت با بنگاه‌های خارجی قادر بوده و علاوه‌براین، منافع ناشی از این صنعت برای جامعه پس از توقف حمایت، از زیان‌های حاصل از حمایت بیشتر باشد. اما حتی اگر این موقعیت برقرار باشد باز می‌توان مشاهده کرد که مزایای رشد صنایع نوزاد را با هزینه‌های کمتری، با حمایت غیرتعرفه‌ای به دست آورد. به‌عنوان مثال، با اعطای یارانه به صنایع نوزاد که آنها را به دریافت قیمتی معادل قیمت جهانی از مصرف‌کنندگان داخلی قادر می‌کند دستیابی به این هدف امکان‌پذیر است.^۱

محدودیت‌های حمایت از صنایع نوزاد عبارت‌اند از:

۱. به عقیده نورکس^۲ تأکید مجرد بر سیاست حمایت از صنایع نوزاد داخلی نمی‌تواند حربه مؤثری در حل معضل توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه باشد؛ زیرا به‌سادگی از کنار مشکل عرضه سرمایه می‌گذرد.

۲. سیاست حمایت از صنایع نوزاد تنها زمانی باید اعمال شود که این صنایع به مرحله تولید رسیده باشد، به عقیده نورکس اول باید نوزاد را به دنیا آورد و سپس از آن حمایت و حفاظت کرد.

۳. تعرفه‌های گمرکی نمی‌تواند سرمایه مورد نیاز صنایع نوین را ایجاد کند یا افزایش دهد. این تعرفه‌ها می‌تواند، با افزایش جذابیت سرمایه‌گذاری در صنایع حمایت شده به طرف تقاضا کمک کند. بنابراین اعمال سیاست حمایت از صنایع داخلی تنها درباره آن دسته از صنایع کاربرد دارد که جانشین واردات شده است.

۱. ژیان کارلو گاندولفو، تجارت بین‌الملل، ترجمه مهدی تقوی و تیمور محمدی، پژوهشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۸.

۴. درباره این نکته که تأکید مصرف بر سیاست جانشینی واردات می‌تواند اقتصاد را به طرف رشد متعادل تمام بخش‌ها سوق دهد تردید وجود دارد؛ زیرا بدون رشد همه‌جانبه اقتصاد، سرمایه‌گذاری در صنایع رقیب واردات بی‌تأثیر خواهد بود. نورکس درباره مخاطرات تأکید بیش از حد بر سیاست‌های ممنوعیت واردات می‌نویسد: «از تأکید زیاده از حد بر سیاست‌های ممنوعیت واردات باید جداً پرهیز شود؛ زیرا صنایع داخلی جانشین واردات بسیار پرهزینه است و در نهایت سبب کاهش درآمدهای واقعی خواهد شد».

۵. حتی اگر فرض کنیم که صنایع نوزاد ایجاد شده باید از اوضاع ویژه‌ای برخوردار باشد که بتوان سیاست‌های حمایتی را به‌طور مؤثر درباره آنها تعمیم داد. اولاً باید ثابت شود که صنایع مزبور بدون حمایت دولت نمی‌تواند به‌کار خود ادامه دهد. ثانیاً این صنایع برای همیشه مورد حمایت قرار نمی‌گیرد، بلکه بعد از گذشت مدت زمان معینی باید ثابت کند که توان رقابت با رقبای خارجی خود را دارد. ثالثاً از همه مهم‌تر باید به درجاتی از مهارت و بازدهی دست یابد که هزینه‌های تولید را کاهش دهد. این امر نمایانگر آن است که هرچند در مراحل اولیه می‌توان زیان‌های ناشی از اعمال سیاست‌های حمایتی را تحمل کرد، این صنایع باید بتواند از طریق کاهش هزینه‌های تولید و قیمت، راه را برای گسترش دیگر صنایع هموار کند.

۶. یکی از مشکلات موجود، تعیین مدت زمان اعمال سیاست‌های حمایتی برای پشتیبانی از صنایع مزبور است. برای این کار لازم است نه تنها وضعیت عرضه و تقاضای داخلی، بلکه وضعیت عرضه و تقاضای جهان را شناخت. از آنجاکه امکان برگشت محاسبات وجود ندارد، هر اشتباه محاسباتی و قضاوت غلط بسیار گران تمام خواهد شد. در هر صورت برای احداث صنایع حمایتی باید از قبل تحقیقات کاملی درباره وضعیت بازار و نوع صنعت ایجاد شده باشد.

۷. اگر تمام امکانات فراهم شود، انتخاب بین صنایع نوزاد تا حد زیادی غیرمطمئن است؛ زیرا پیش‌بینی تغییر در هزینه‌های تولید و صرفه‌جویی‌های ناشی از احداث صنعت مزبور مشکل است.

۸. اقتصاددانان نئوکلاسیک که با هرگونه اعمال محدودیت تجاری مخالف می‌باشند در استدلال‌های خود علیه وضع تعرفه، توجیهات موافقان در حمایت از صنایع نوزاد را

۴۲ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

به کلی رد نمی‌کنند اما معتقدند که عملاً از این حمایت‌ها سایر صنایع نیز بهره می‌برند و صنایع نوزاد تنها پوششی برای آنها می‌باشد. میلتنون فریدمن^۱ در این باره می‌گوید: استدلال صنعت نوپا هم، خود سرپوشی بیش نیست، چنین صنعت به اصطلاح نوپایی هرگز رشد نخواهد کرد. تعرفه هم همین که اعمال شود، دیگر به ندرت حذف می‌شود؛ وانگهی این استدلال به ندرت از جانب کودکانی اقامه می‌شود که هنوز واقعاً متولد نشده‌اند اما احتمال تولدشان هست و اگر پس از تولد موقتاً حمایت شوند احتمال زنده ماندنشان نیز می‌رود. این چنین کودکانی هیچ سخن‌گویی ندارند بلکه، استدلال اغلب از سوی کودکان پیری اعمال می‌شود که می‌توانند فشارهای سیاسی اعمال کنند.

۹. به‌طور کلی، تمام واحدهای تولیدی صرف‌نظر از اینکه کالای جانشین واردات یا کالای دیگری تولید کنند با ضررهایی که در مراحل اولیه تولید وجود دارد و سپس منافع خالصی که در آینده به دست می‌آید مواجه است، اگر برگشت خالص بیشتر از برگشت سرمایه‌گذاری‌های مختلف باشد واحد تولیدی سرمایه را از بازار سرمایه برای پوشاندن ضرر اولیه قرض می‌گیرد. اگر برگشت خالص کمتر باشد، مسلماً سرمایه‌گذاری صورت نمی‌گیرد، از این رو دیگر حمایت چه معنایی دارد؟ در این خصوص می‌توان استدلال کرد که بازار سرمایه ناقص بوده و به صاحب صنایع نوزاد امکان قرض گرفتن را نمی‌دهد. به‌رحال در این زمینه دیگر مسئله حمایت از صنایع نوزاد و تولید مطرح نیست، بلکه نارسایی در بازار سرمایه وجود دارد و باید برای افزایش کارایی بازار سرمایه تلاش کرد. در نهایت اگر بحث حمایت از صنایع نوزاد و تولید داخلی پذیرفته شود، این بدان معنا نیست که سیاست‌های محدودکننده تجارت مؤثرترین و یا کارآمدترین ابزار تحقق این هدف است.^۲

۳-۱-۳ ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری

اینکه واردات مولد بیکاری است باور فراگیری است، اما به‌نظر گروهی این باور اشتباه است و تجارت به ایجاد کار کمک می‌کند.

1. M. Friedman

۲. سیدخشیار سیدشکری، همان، ص ۲۵-۲۱.

در کوتاه‌مدت حمایت به‌طور قطع قادر است (در صنایع مشخصی که مورد نظر است) اشتغال را بالاتر از سطحی حفظ کند که در غیر آن صورت وجود داشت اما بدان معنا نیست که اقدامات حمایتی به نفع گروهی یا تعدادی از صنایع به افزایش تعداد شاغلان در کل اقتصاد قادر است، بلکه درست برعکس آن می‌تواند رخ دهد.

در این باره دلایل متعددی وجود دارد: اول، حتی در خود صنایع حمایت شده نیز ممکن است شمار اشتغال کاهش یابد. در صنایعی که استفاده از ماشین‌های کاراندوز میسر است، اقدامات حمایتی سود بادآورده‌ای را ارزانی می‌کند که می‌تواند موجب خودکار شدن سرمایه‌گذاری شده و به این ترتیب جانشینی ماشین به جای انسان را سریع کند. این تجربه مشترک صنایع نساجی در کشورهای توسعه‌یافته بوده که حمایت خاص از آن نتوانست سقوط اشتغال را به میزان یک سوم طی سال‌های ۸۲-۷۳ در آن صنعت متوقف سازد.

این نوع سرمایه‌گذاری، سرمایه را از کارآمدترین نحوه استفاده و همچنین ایجاد بنگاه‌های جدید که بدون حمایت به ادامه حیات قادر می‌باشند را منحرف می‌سازد.

تجربه در صنعت فولاد هم همین بوده و از آنجا که فولاد در ساخت بسیاری از فرآورده‌های دیگر، عنصر خیلی مهم‌تری را تشکیل می‌دهد، لذا حمایت از صنعت فولاد علاوه بر صنعت فوق به فقدان رقابت‌پذیری و شغل در سایر صنایع نظیر خودروسازی منتهی شده است.

دوم، هر شغلی که با جلوگیری از رقابت واردات حفظ می‌شود، به هزینه از دست رفتن مشاغل در بخش صادرات منتهی می‌شود، خیلی ساده اگر کشور داخلی کمتر محصولات خارجی بخرد، آن کشور خارجی پول کمتری برای خرید از کشور داخلی خواهد داشت. همچنین در نظام نرخ ارز شناور محدودیت‌های وارداتی باعث بالا رفتن قیمت پول یک کشور شده و به صادرات ضربه می‌زند.

البته این یک حقیقت است که کارگرانی که شغل خود را در این‌گونه صنایع به دلیل رقابت واردات از دست می‌دهند نمی‌توانند در بخش صادرات به‌آسانی شغلی برای خود پیدا کنند. لیکن پاسخ این مشکل محدودسازی تجارت نیست، بلکه سیاست‌های فعال در جهت کمک به کارگران برای تطبیق خود می‌باشد، این امر در

۴۴ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

کوتاه‌مدت به معنای کارآموزی مجدد کارگران و در بلندمدت فراهم آوردن امکانات تحصیل با کیفیت عالی برای عموم می‌باشد. کارگران صنایع پیچیده فردا اگر بخواهند از تغییراتی که رشد اقتصادی را به حرکت درمی‌آورد بهره کافی ببرند، باید به دانشجویانی دائمی، به لحاظ خاص شناختن استاد و به لحاظ فکری انعطاف‌پذیر باشند.

طی دهه ۷۳-۶۳ آمریکای شمالی، ژاپن و اروپای غربی ۱۴/۵ میلیون شغل کشاورزی را از دست دادند، اما بیش از ۴۵ میلیون شغل در تولید صنایع کارخانه‌ای و خدمات به دست آوردند، یعنی تقریباً ۳ شغل در مقابل ۱ شغل.

به‌جای حمایت‌گرایی، نبود مشاغل در صنایع رقیب واردات را به دو طریق می‌توان جبران کرد، روش اول ایجاد مشاغل جدید در صنایع صادراتی و رشد اقتصادی سریع‌تر است و روش دیگر اتخاذ سیاست‌هایی است که آموزش پرکیفیت را در اختیار عموم قرار می‌دهد.

اشتغال خود نمی‌تواند هدف خوب و مناسبی باشد. اشتغال کامل وقتی مؤثر است که عوامل تولید براساس مزیت نسبی تخصیص پیدا کند؛ بدین معنا که هر عاملی که در تولید بالاترین قدرت و کارایی را دارد به کار گرفته می‌شود. به این ترتیب حفظ شغل با سیاست‌های حمایتی، تخصیص نامناسب عوامل تولید در اقتصاد خواهد بود.^۱

از همه نکات مهم‌تر درباره اشتغال، کیفیت و چگونگی دستیابی به فرصت‌های جدید شغلی است. ترس از بیکاری نبایستی جامعه را به سوی سوق دهد که ایجاد شغل با هر کیفیت و با هر قیمت را به مثابه یک راهبرد کوتاه‌مدت انتخاب و براساس آن عمل کند. ایجاد اشتغال واقعی با «به سر کار گماردن» تفاوت‌های بنیادین دارد. ایجاد اشتغال باید با توجه به واقعیت‌های اقتصاد جهانی و شناسایی تحولات آتی، شناسایی آینده و با فرض ایجاد مزیت‌های تازه در اقتصاد ایران صورت گیرد. سرمایه‌گذاری در فعالیت‌هایی که تنها با استفاده از یارانه‌های دولتی و انحصاری موجود و تنگ شدن دایره واردات صورت پذیرد، می‌تواند یک داروی آرام‌بخش با تأثیرات کوتاه‌مدت باشد. برای اینکه موضوع شفاف‌تر شود، می‌توان سرنوشت صنایع نساجی فعلی را که در روزگار نه‌چندان دور با یارانه‌های ارزی و حمایت‌های پرفشار دولت تأسیس شده و امروزه توانایی رقابت با تولیدات مشابه خارجی را ندارد، توجه کرد. سرمایه‌گذاری برای ایجاد شغل‌های تازه

بدون توجه به تحولات تکنولوژیک دنیای امروز و ردیابی تحولات احتمالی آن، می‌تواند وضعیت دشوار و پیچیده‌تری در آینده ایجاد کند.^۱

۳-۱-۴ مقابله با دامپینگ

وقتی کشوری صادرات خود را به قیمتی کمتر از قیمت این کالا در داخل به فروش برساند، عمل صورت گرفته را در اصطلاح دامپینگ می‌گویند. اگر دامپینگ مستمر باشد، مصرف‌کنندگان داخلی از قیمت‌های پایین اقلام وارداتی منتفع خواهند شد و لذا اتخاذ سیاستی برای مقابله با این نوع دامپینگ به‌سختی امکان‌پذیر است. در صورتی که قیمت دامپینگ شده ناشی از مزیت نسبی در کشور صادرکننده باشد، باز دلیل منطقی برای حمایت با عملیات ضد دامپینگ وجود ندارد، به‌هر حال اگر دامپینگ موقتی یا دائمی و برای در تنگنا قرار گذاشتن تولیدکنندگان داخلی و تصاحب بازار داخلی باشد دامپینگ مخرب است و بایستی حمایت با عملیات ضد دامپینگ چون وضع حقوق گمرکی صورت پذیرد، هرچند اثبات دامپینگ مخرب کار ساده‌ای نیست.^۲

۳-۱-۵ ایجاد درآمد

دولت‌ها می‌توانند از یک‌سو با اتخاذ سیاست‌های حمایتی (وضع تعرفه، برقراری و فروش سهمیه و ...) درآمد کسب کنند و از سوی دیگر سیاست‌های حمایتی می‌تواند باعث رونق صنایع رقیب واردات گشته و با افزایش تولیدات داخلی نیز درآمد ملی افزایش یابد. به‌علاوه واردات، برداشتی از جریان درآمد است و کاهش آن افزایش بیشتر درآمد ملی را از طریق ضریب فزاینده به دنبال دارد.

البته این توضیحات بدل خود را نیز دارد. چنانچه خارجیان با اقدامات تلافی‌جویانه، باعث ضعف صنایع صادراتی کشور شوند، درآمدهای مالیاتی اخذ شده از این بخش‌ها

۱. سیدخشیار سیدشکری، «عوامل مؤثر در ایجاد اشتغال»، مجموعه مقاله‌های ارائه شده در همایش ملی بررسی

راهکارهای علمی ایجاد اشتغال، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، ۱۳۸۱، ص ۲۵۴-۲۵۵.

۲. همان، تأثیر سیاست‌های حمایتی بر صادرات غیرنفتی، ص ۲۱-۲۰.

۴۶ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

کاهش می‌یابد، ضمن آنکه با کاهش تولید این صنایع، درآمد ملی نیز کاهش خواهد یافت.

۳-۱-۶ بهبود رابطه مبادله

ممکن است کشوری با وضع تعرفه گمرکی نرخ‌ی که در آن صادرات را با واردات معاوضه می‌کند تحت تأثیر قرار دهد. این استدلال و همچنین دلایل قبلی وضع حمایت در واقع سیاست «فقیر کردن همسایه» اند و لذا معمولاً استدلالاتی بی‌اعتبار است.

آدام اسمیت^۱ (۱۷۲۳-۹۰) می‌نویسد: «ثروت یک کشور گرچه ممکن است از نظر سیاسی و جنگی برای کشور همسایه خطرناک باشد از جهت بازرگانی قطعاً به نفع ماست ... هنگام صلح و تجارت همین ثروت سبب می‌شود که کشور غنی کالاهای ما را با قیمت گران خریداری کند و محصولات ما ... بازار مناسبی در برابر خود داشته باشد. همان‌طور که یک شخص ثروتمند برای صاحبان صنایع از یک شخص فقیر، مشتری بهتری است، یک کشور همسایه ثروتمند نیز برای کشور از کشور همجوار فقیر بهتر است».

بهترین مثال در این باره رکود بزرگ سال ۱۹۳۰ است، آمریکا که تا آن زمان از حمایت‌گرایی معقولی پیروی می‌کرد، در همان سال با تصویب تعرفه گمرکی اسموت - هاوولی^۲ به اوج حمایت‌گرایی دست یافت. کشورهای دیگر به تلافی پرداختند و همگی تلاش کردند تا بحران کساد را به کشور همسایه منتقل سازند و سپس تا می‌توانستند از واردات خود کاستند، به طوری که تجارت جهانی در سال‌های کساد بزرگ نزدیک دوسوم کاهش یافت. سیاست «فقیر کردن همسایه» راهنمای روابط بین‌الملل شد، اما کساد بزرگ ژرف‌تر و پرمه‌تر گردید و گرچه در ۱۹۳۳ رو به اتمام رفت اما آثار مخرب آن، به نظر بعضی بذر جنگ جهانی دوم شد، به نظر عده‌ای گذاردن قانون تعرفه مذکور بزرگ‌ترین اشتباه رؤسای جمهور آمریکا به برخورد با تجارت بین‌الملل می‌باشد که به تعمیق بحران منجر شده و سرانجام جنگ جهانی دوم را به وجود آورد.

از طرفی، برای موفق بودن سیاست تعرفه‌ای، کشور اعمال‌کننده آن باید از ظرفیت‌های بالقوه تولیدی برخوردار باشد یا دارای قدرت انحصاری باشد، به عبارت دیگر

1. A. Smith

2. Smoot-Hawley

مانند کشورهای تولیدکننده نفت انحصار تولید را در دست بگیرد، در غیر این صورت کشورهای خریدار جذب فروشندگان دیگر می‌شوند. راه چاره دیگر، تجمع کشورهای تولیدکننده و صادرکننده یک کالای معین در یک سازمان اقتصادی است مانند اوپک، هرچند در عمل چنین سیاست‌هایی درباره بسیاری از کشورهای در حال توسعه صدق نمی‌کند؛ زیرا ابعاد بازار در این کشورها بسیار کوچک است و در توسعه بخش‌های دیگر برای جایگزینی کالاهای صادراتی توانایی بسیار محدودی دارند.^۱

و بالاخره موفقیت سیاست‌های تعرفه‌ای بستگی بسیار به کشش منحنی پیشنهاد خارجی و کشش قیمتی عرضه و تقاضای صادرات و واردات دارد که به‌مثابه یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های استدلال بهبود رابطه مبادله عمل می‌کند.

۳-۱-۷ نظریه بهینه دوم

حال وقت بررسی این سؤال است که آیا می‌توانیم به نتیجه‌ای عمومی درباره بحث تجارت آزاد - در مقابل - حمایت دست یابیم یا خیر؟ بسیاری از نویسندگان بر این عقیده‌اند که تجارت آزاد بهتر از تجارت محدود شده است (به‌غیر از حالت تعرفه بهینه بدون وجود اقدامات تلافی‌جویانه) و اگر کشور می‌خواهد صنایع نوزاد را کمک و تأثیر اختلال‌زا را اصلاح کند همان‌طور که قبلاً بحث شد می‌تواند از یارانه یا مالیات و نه از تعرفه استفاده کند، اما این استدلال می‌تواند تعدیل شود چون اعتبار آن مبتنی بر رقابت آزاد در تمام بازارهای ملی و بین‌المللی (کالاها و عوامل تولید) می‌باشد.

هنگامی که این موقعیت وجود ندارد - که قاعده‌تاً هم همین‌گونه است - مسئله شکل دیگری به‌خود می‌گیرد و باید از نظریه بهینه دوم استفاده کرد. هدف این نظریه برای (به‌علت اختلال یا ...) تأمین تمام وضعیت بهینه پارتو^۲ (بهینه اول) امکان‌پذیر نیست، یافتن دومین وضعیت بهینه است. اصل اساسی این نظریه آن است که وقتی یک یا چند شرط بهینه پارتو نقض می‌شود، لزوماً این امر صادق نیست و در صورتی وضعیت بهینه دوم به‌دست می‌آید که باقی‌مانده شرایط صادق باشد.

۱. همان، ص ۱۶-۱۴.

یک نتیجه این اصل آن است که از قبل نمی‌توان گفت جایگزینی نقص یکی از شرایط پارتویی با نقص شرطی دیگر، وضعیت تحت مطالعه را بدتر یا بهتر می‌سازد. نتیجه دیگر آن است که از بین بردن یک مورد نقص، لزوماً وضعیت را بهتر نکرده (مگر آنکه فقط همان یک مورد باشد) و یا آنکه نقص بیشتر شرطها لزوماً وضع را بدتر نمی‌کند. به عبارت دیگر، این نتیجه به معنای آن است که در دنیایی که موقعیت‌های غیرقابلی، اختلالات و موانع متعدد برای تجارت آزاد وجود دارد، حذف یک یا چند محدودیت لزوماً به معنای به دست آوردن موقعیت بهتر نبوده و برقراری یک یا چند محدودیت جدید لزوماً به معنا بدتر کردن وضعیت نمی‌باشد. بلکه برعکس می‌تواند به موفقیت بهتری - هرچند نه بهترین - منتهی شود. برای توضیح بهتر استدلال زیر مطرح شده است: فردی را در نظر بگیرید که قصد دست یافتن به بالاترین نقطه در یک سری از تپه‌ها را دارد. با حرکت به سوی این نقطه، فرد مورد نظر مجبور به بالا و پایین رفتن از تپه‌ها و ارتفاعات متعددی می‌شود. بنابراین این حکم صادق نیست که بگوییم او باید برای دست یافتن به بلندترین نقطه همواره باید به سمت بالا حرکت کند. به علاوه، از آنجایی که بلندترین نقطه را تپه‌های کوتاه‌تر با بلندی متفاوت محاصره کرده است، لذا بعد از صعود یک تپه، فرد احتمالاً مجبور به بالا رفتن از تپه‌ای دیگر ولی با ارتفاعی کمتر خواهد بود. بنابراین این جمله صحت ندارد که هر حرکتی به سمت هدف فرد را به نقطه بالاتری می‌رساند.

حال اگر از نظریه بهینه دوم در بحث جدل تجارت آزاد در مقابل حمایت استفاده کنیم بلافاصله در خواهیم یافت که در جهان واقعی معلوم نیست که سیاست حمایتی وضعیت را بهتر کند یا بدتر. بیان این حکم که آزادتر کردن تجارت قطعاً باعث بهبودی می‌شود نیز امکان‌پذیر نیست.

به این ترتیب، نمی‌توان به تبعیت از نظریه سنتی گفت که به طور قطع سیاست دیگری بهتر از وضع تعرفه وجود دارد. این حکم در واقع زمانی کاملاً صادق خواهد بود که تمام موارد نقض شرایط بهینگی پارتو رفع شود، یک حالت خاص وجود دارد و آن زمانی است که تنها یک مورد نقض (مثلاً اختلال در بازار عامل تولید کالا) مشاهده می‌شود که در این صورت حذف آن بدون ایجاد سایر موارد نقض به طور قطع به رسیدن به نقطه بهینه منجر می‌گردد.

اما اگر همچون دنیای واقعی مواد بسیاری از نقض فرض پارتویی وجود داشته باشد آنگاه از نظریه بهینه دوم نتیجه می‌شود که نمی‌توان گفت به‌طور قطع سیاستی که یکی از موارد نقض را بدون ایجاد سایر موارد برطرف می‌کند لزوماً سیاستی است که همان مورد را با ایجاد اختلال دیگری برطرف می‌سازد، بهتر خواهد بود. بنابراین، واضح است که اگر وضعیت بدین‌گونه باشد صادر کردن احکام کلی و تجویز سیاست از قبل، بر مبنای محدودی از اصول امکان‌پذیر نیست. در دنیای واقعی، هر نتیجه‌ای ممکن است و باید بررسی کرد که کدام سیاست (تجارت آزاد یا حمایت در اشکال مختلف آن) در موقعیت واقعی، بهترین می‌باشد، در این راه نباید با پیش‌داوری‌های ایجاد شده از نظریه گمراه گشت.^۱

۳-۱-۸ سایر دلایل و بحث‌های حمایت

۳-۱-۸-۱ دلایل اقتصادی

الف) بحث دستمزد پایین: عده‌ای از طرفداران حمایت بر این عقیده‌اند که برای حفاظت کارگران از رقابت با کارگران خارجی با دستمزد پایین، کشوری که دستمزد در آن بالاست از کشورهای با دستمزد پایین، بایستی حقوق گمرکی بر کالای ارزان آنها وضع کند.

مدافعان این استدلال فراموش کرده‌اند که کشورهای با دستمزد پایین فقط در تولید کالاهای کاربر مزیت نسبی دارند و این بحث که کشورهای با دستمزد بالا در تمام کالاها مزیت نسبی ندارند صحیح نیست.

ب) تعرفه‌های گمرکی برای بهبود موازنه تراز پرداختها: ممکن است تراز پرداخت‌های کشوری دچار مشکلاتی شود، با وضع تعرفه گمرکی می‌توان آن مشکلات را در حساب جاری تراز پرداختها تا حدودی برطرف کرد. تعرفه گمرکی باعث محدودیت واردات شده و به بهبودی تراز پرداختها کمک می‌کند.

در این استدلال توجهی به اقدامات تلافی‌جویانه کشورهای خارجی نشده است که به کاهش صادرات کشور منجر می‌شود. ضمن آنکه صنایع داخلی تولیدکننده کالاهای

۱. ژیان کارلو گاندولفو، همان، ص ۲۵۱-۲۴۸.

۵۰ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

وارداتی عموماً نیاز فراوان به واردات مواد اولیه واسطه‌ای از خارج دارد که می‌تواند باعث بدتر شدن تراز پرداخت‌های کشور شود.

(ج) **دلیل بازار داخلی:** این بحث بر این ادعاست که تولیدکننده داخلی حقی در بازار داخلی دارد و با کاهش یا حذف واردات، کالای بیشتری در داخل تولید می‌شود، اشتغال بیشتر شده و نتیجه افزایش سه‌جانبه فعالیت‌های داخلی است.

(د) **دلیل یکسان کردن هزینه‌های تولید:** بعضی از طرفداران حمایت، طرفدار روش علمی وضع تعرفه هستند که در آن تمایل به برابر ساختن هزینه‌های تولیدکنندگان خارجی و داخلی و خنثی کردن هرگونه مزیتی است که خارجیان با پرداخت مالیات کمتر، نیروی کار ارزان‌تر یا کاهش هزینه‌های دیگر دارند. در واقع، این بحث به منظور ایجاد زمینه برای رقابت مناسب می‌باشد نه حذف واردات. به هر حال، وقتی به دلیل هزینه‌های واقعی یا اقدامات مصنوعی، هزینه‌های تولید یکسان شد، اساس و پایه تجارت بین‌الملل محو می‌شود. نتیجه منطقی چنین روش علمی، نادرستی حذف تجارت بین دو کشور است. می‌توان گفت بحث یکسانی هزینه تولید یکی از دلایل و بحث‌های بی‌اساس است که تاکنون برای حمایت بیان شده است.^۱

۲-۸-۱-۳ دلایل غیراقتصادی

انگیزه عمده غیراقتصادی حمایت را می‌توان بر سه گروه تقسیم کرد. اولین و شاید قدیمی‌ترین انگیزه، دفاع ملی است. سوداگران انگلیسی قرن هفده، با این استدلال از سیاست‌های حمایتی برای صنایع کشتی‌سازی داخلی طرفداری می‌کردند. به اعتقاد آنها باید این صنایع را قوی نگهداشت تا در مواقع جنگ بتوان به سرعت کشتی تولید کرد. به‌طور کلی‌تر، به‌نظر آنان از آنجایی که با شروع جنگ، تجارت بین‌الملل تقلیل یافته یا به‌کلی قطع می‌شود، پس باید تولید کالاهای راهبردی را حتی اگر در زمان صلح، تولید آنها نسبت به واردات گران‌تر باشد برای از بین بردن سلطه دشمن بر کشور در صورت شروع نبرد، حفظ کرد.

انگیزه دوم، عامل غرور ملی است. تولید یک کالای خاص در داخل کشور ممکن است به دلیل انگیزه غرور ملی درست مثل بردن مدال‌های المپیک باشد. در چنین

۱. سیدجواد پورمقیم، همان، ص ۱۲۸-۱۲۷.

مواردی، صنعت تولیدکننده آن کالا تحت هر موقعیتی، حتی اگر هزینه بالایی را تحمیل کند، حمایت می‌شود.

انگیزه سوم از عوامل سیاست خارجی ناشی می‌شود، کشورها غالباً از ابزارهای اقتصادی کمک، تعرفه، تحریم و ... برای تحصیل منافع سیاسی استفاده می‌کنند. واضح است که در تمام مواردی که وجود انگیزه غیراقتصادی احساس می‌شود، حمایت با وجود آنکه از نقطه نظر محض اقتصادی واجد مزیتی نیست، اعمال می‌گردد. لازم است تأکید کنیم که این امر به هیچ وجه غیرعقلایی نیست چون به سادگی بدین معناست که در تابع رفاه اجتماعی متغیرهای «دفاع ملی»، «غرور ملی» و ... وجود داشته و حتی بر متغیرهای اقتصادی تسلط دارد.^۱

هرچند به نظر مدافعان تجارت آزاد، نفع برنده اصلی چنین سیاست‌هایی، صاحبان صنایع جانشین واردات هستند که منافع خود را به جای منافع ملی جا زده‌اند.

۲-۳ سیاست‌های حمایتی قبل از جنگ جهانی دوم

هیچ کس نمی‌داند در چه دوره‌ای از تاریخ و در کدام مکان گمرک پا به عرصه وجود گذارده است. آدام اسمیت معتقد است که گمرک از قدیم‌الایام به شکل دیوان مرسوم وجود داشته است. اولین تعرفه گمرکی در تاریخ ۱۳۶ بعد از میلاد مسیح در شهر پالمیر واقع در کویر سوریه گرفته شده است. تعرفه گمرکی اصطلاحی است که آن را اروپاییان از مسلمانان گرفته‌اند. این واژه از کلمه «عرف» به معنای شناساندن و معرفی کردن گرفته شده و از آنجا پیدا شده که عاملان گمرک در مرزها برای دریافت حقوق و عوارض گمرکی مجبور بوده‌اند کالاهای بازرگانی وارده و صادره را بشناسند یا صاحبان کالا وظیفه داشتند کالای خود را معرفی کنند، چنانچه این رسم اکنون با تسلیم اظهارنامه گمرکی انجام می‌پذیرد. این رسم را مسلمین از ساسانیان اقتباس کرده‌اند که کالاهای بازرگانی را بررسی می‌کردند تا با شناسایی آن، میزان تجارت (واردات و صادرات) کشور مربوط را برحسب ارزش کالا دریافت کنند.

این مالیات از طریق اسپانیا به اروپا راه پیدا کرد و به تدریج تعرفه نامیده شد. برای

۱. ژیان کارلو گاندولفو، همان، ص ۲۴۸-۲۴۷.

۵۲ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

اولین بار در قرن هجده، مرکانتیلیست‌ها تعرفه گمرکی را جدا از کسب درآمدها برای دولت‌ها، به‌عنوان معیاری برای کنترل بازرگانی خارجی توصیه کردند. سوداگران، تجارت را مثل قمار دانستند که افزایش ثروت برنده (مسکوک طلا) از کاهش ثروت بازنده تأمین می‌شود و بر کل ثروت جهانی (ذخایر طلا) اثری ندارد. به‌نظر آنها اگر کشوری به تولید مواد خام در داخل قادر نباشد باید بدون حقوق گمرکی این مواد را از خارج وارد کند، از طرفی آنها طرفدار سیاست حمایتی از اقتصاد ملی بودند و از این‌رو توصیه می‌کردند که دولت باید برای حفظ و حمایت مصنوعات و تولید مواد خام و اولیه در داخل کشور بکوشد و برای نیل به تراز بازرگانی مثبت باید سیاست گمرکی تدوین شده و از ورود کالاهای لوکس به داخل جلوگیری شود.

در طول قرن هجده مشکلات زیادی در اجرای نظریات سوداگران به‌وجود آمد که به‌تدریج صحت نظرات آنان را دچار تردید کرد؛ زیرا سیاست موازنه مثبت بازرگانی خارجی سوداگران، سیاستی کاملاً یک‌طرفه بود. بنابراین با توجه به اینکه همه کشورها برای ذخیره فلزات قیمتی و ایجاد موازنه مثبت در تجارت خارجی خود کوشش می‌کردند، در عمل با مشکلاتی روبه‌رو می‌شدند که در نهایت یا کارشان به جنگ می‌کشید و یا فعالیت‌های دیگر را خنثی می‌کردند.

دانشمندان فیزیوکرات اعتقادی به نظریات سوداگران نداشتند. آزادی عمل و آزادی عبور، دو شعار سیاست اقتصادی و تجارت داخلی و خارجی آنها بود. شعار آزادی عبور به معنای آزادی تجارت داخلی و خارجی و حذف سدهای گمرکی و لغو قوانین مزاحم بازرگانی بود.^۱

نظریات آدام اسمیت و دیوید ریکاردو^۲ درباره منافع تجارت آزاد نقطه عطفی در تاریخ ادبیات اقتصادی به‌شمار می‌رود. اما بعد از مدتی دانشمندان مانند فریدریش لیست، کاره، پاتن و ... به مخالفت با این نظریات پرداختند. به‌نظر آنها برخلاف تصور و ادعای اسمیت و ریکاردو مبارزه و رقابت نابرابر تجاری که ناشی از یک فرض نادرست و ندیدن وضع موجود در کشورهای ضعیف است نه تنها نمی‌تواند به سود همه باشد بلکه، تشدید نابرابری‌ها را

۱. سیدخشیار سیدشکری، «تأثیر سیاست‌های حمایتی بر صادرات غیرنفتی»، ص ۵-۲.

موجب می‌شود. در نیمه اول قرن نوزده، تعرفه در ایالات متحده طرفداران بسیاری داشت؛ زیرا عمر چندانی از توسعه صنعتی آن نمی‌گذشت، باین‌حال وضع تعرفه در این کشور نه برای حمایت از صنایع نوزاد، بلکه برای کسب درآمد بود؛ چون در این کشور مالیات بر درآمد وجود نداشت. هرچند آمریکا در سال ۱۸۵۷ نرخ تعرفه خود را به ۲۶ درصد کاهش داد، با وجود این هنوز در مقایسه با ممالک اروپایی از نرخ تعرفه بالایی برخوردار بود.

کوشش‌های اسمیت و ریکاردو در مخالفت با قانون مالیات بر غلات، باعث به‌وجود آمدن جنبش آزادی تجارت شد. انگلستان تجارت آزاد را قبل از جنگ‌های ناپلئونی آغاز و سال ۱۸۶۲ قانون غلات را لغو کرد، دولت لیبرال بعدی اکثر تعرفه‌ها را کنار گذاشت و با امضای توافق‌نامه کوبدن - شوالیه بین فرانسه و انگلستان و به رسمیت شناخته شدن اصل کامله‌الوداد، تعرفه‌ها در هر دو کشور کاهش یافت و بازارهای جهانی گسترش پیدا کرد. این امر باعث کاهش تعرفه‌ها در سایر کشورها شد، اما با آغاز دهه ۱۸۷۰ به‌علت افزایش روحیه ملی‌گرایی وضعیت تغییر یافت.

در سال ۱۸۷۹ آلمان با توسل به نظریات لیست، از تعرفه برای حمایت از صنعت و کشاورزی خود استفاده کرد. در سال ۱۸۹۲ فرانسوی‌ها وارد این فرایند شدند و سال ۱۸۹۰ جنگ تعرفه بین آلمان، روسیه، ایتالیا و سایر کشورها درگرفت.

ایالات متحده در دوره زمانی ۱۸۶۰ تا ۱۸۹۰ اقدام به افزایش تعرفه‌ها کرد، روندی که از سال ۱۹۰۹ معکوس شد و بعد از گذشت مدتی نرخ تعرفه بعضی کالاها به صفر رسید. یکی از آثار و پیامدهای ناهنجار جنگ و درگیری‌های نظامی، از بین رفتن زیرساخت‌های اقتصادی، ازهم‌پاشیدگی بازارها و برهم‌خوردن تناسب میان عوامل تولید است. مجموعه این عوامل موجب می‌شود که نظام اقتصادی کشورها بعد از جنگ با مشکلات و معضلات جدید مواجه شود. در این زمان است که بخش‌های اقتصادی و صناعی که سالیان سال به فعالیت می‌پرداخت نیز همانند صنایع نوپا و تازه تأسیس به حمایت دولت نیاز دارد تا چرخ‌های اقتصادی بتواند حرکت خود را آغاز کند و بعد به‌سبب اقتصاد مبتنی بر بازار و سیاست‌های مکمل دولت به حرکت خود ادامه دهد.

جنگ جهانی اول که از سال ۱۹۱۴ آغاز و در سال ۱۹۱۸ به پایان رسید به بروز بحران‌های اقتصادی متعددی در دنیا به‌خصوص در اروپا منجر شد. به همین دلیل اتخاذ سیاست‌های حمایتی از صنایع داخلی در مقابل مبادلات بازرگانی با اتخاذ سیاست‌های

۵۴ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای در دستور کار دولت‌های کشورهای اروپایی قرار گرفت تا بتواند اندکی از مشکلات خود مانند بیکاری بالا، تورم فزاینده، کاهش ارزش پول، کاهش سطح تولید و کسری تراز پرداخت‌های خود را جبران کند.

هرچند در سال‌های ابتدایی بعد از جنگ جهانی اول، اقدامات حمایتی دولت‌های اروپایی از اقتصاد داخلی‌شان توانست سطح تولیدات صنعتی را بالا ببرد و مشکلات داخلی را حل کند، با این حال همین سیاست‌های حمایتی بروز محدودیت‌های شدیدی در مبادلات بین‌الملل موجب شد و رشد اقتصادی آنها را با بن‌بست مواجه کرد.

در این میان حتی برگزاری گردهمایی بین‌المللی ژنو در سال ۱۹۲۷ به‌منظور مذاکره درباره مسائل تولید و تجارت نیز نتوانست موانع تجاری را مرتفع کند و کشورهای صنعتی را به سمت آزادسازی تجاری معطوف نماید. ادامه و تشدید روند حمایتی و نگاه به این کشورها را می‌توان مقدمه‌ای برای به‌وجود آمدن بحران بزرگ اقتصادی سال ۱۹۲۹ دانست.

اتخاذ سیاست‌های حمایتی در آن سال‌ها در کشور آمریکا نیز کاملاً مشهود بود. با وجود شکوفایی اقتصاد آمریکا در سال ۱۹۲۰، بخش کشاورزی این کشور با مشکلاتی مواجه شده بود و کنگره آمریکا تلاش کرد تا به‌منظور حمایت از این بخش، تعرفه واردات کالاهای کشاورزی را بالا ببرد. در زمان بررسی این موضوع در کنگره، طرف‌داران بخش صنعت به لابی گسترده‌ای برای حمایت از این بخش پرداختند و در نتیجه همانند اقتصاد اروپا که به حمایت شدیدی از اقتصاد خود می‌پرداخت، آمریکا نیز نرخ تعرفه ۸۰۰ قلم کالای کشاورزی و صنعتی خود را افزایش داد و براساس این قانون که به قانون تعرفه‌ای اسموت‌هاولی معروف شد، متوسط نرخ تعرفه‌های وارداتی از ۳۸/۵ درصد به ۵۲/۸ درصد رسید.

مسابقه میان کشورهای صنعتی برای حمایت بیشتر از صنایع داخلی، افزایش بیشتر نرخ‌های تعرفه وارداتی در این کشورها را موجب شد. تقارن این اقدامات با بحران بزرگ اوایل دهه ۱۹۳۰ سبب افول شدید تجارت جهانی شد به نحوی که ارزش صادرات آمریکا از ۵/۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۲۹ به ۱/۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۳۲ رسید و حجم تجارت جهانی کالاها نیز حدود ۴۰ درصد کاهش یافت. در این سال آمریکا تلاش

کرد تا ابتکار عمل مقابله با سیاست‌های حمایتی را در اختیار بگیرد تا بتواند با حذف موانع تجاری، از رکود حاکم بر تجارت بین‌الملل جلوگیری کرده و اقتصاد جهانی را به ثبات نسبی برساند. اقدام اجرایی دولت آمریکا برای این کار تصویب قانون موافقت‌نامه‌های تجاری متقابل^۱ است. در این قانون به رئیس‌جمهور آمریکا اجازه داده شده بود که با استفاده از موافقت‌نامه‌های تجاری در مدت سه سال عوارض گمرکی را تا ۵۰ درصد کاهش دهد. این اقدام دولت آمریکا موجب شد که توافقات دوجانبه‌ای با ۲۹ کشور جهان منعقد کرده و براساس آن متوسط نرخ تعرفه‌های ورودی از ۴۸ درصد به ۲۵ درصد کاهش یابد.^۲

با پایان جنگ جهانی اول، دوباره موج حمایتگرایی در کشورهای جهان به راه افتاد. به‌عنوان مثال، آمریکا با تصویب تعرفه گمرکی اسموت - هاولی به اوج حمایتگرایی دست یافت. کشورهای دیگر به تلافی برخاستند و همگی تلاش کردند تا بحران را به کشور همسایه منتقل سازند بنابراین تا می‌توانستند از واردات خود کاستند، اما رکود بزرگ ژرف‌تر و پدیده‌تر شد و گرچه در سال ۱۹۳۳ رو به کاهش نهاد، ولی به‌نظر عده‌ای تأثیرات مخرب آن بذر جنگ جهانی دوم شد. به‌نظر عده‌ای گذراندن قانون تعرفه مذکور بزرگ‌ترین اشتباه رؤسای جمهور آمریکا در برخورد با تجارت بین‌الملل است که با تعمیق بحران به جنگ جهانی دوم منجر شد.^۳

۳-۳ سیاست‌های حمایتی بعد از جنگ جهانی دوم

در کشوقوس اتخاذ شدید سیاست‌های حمایتی برخی کشورها از جمله آلمان غربی و شروع مقابله با سیاست‌های حمایتی برخی دیگر از کشورها نظیر آمریکا، جنگ جهانی دوم آغاز و نظام اقتصادی جهان را با افت شدیدی مواجه ساخت. ازهم‌پاشیدگی اقتصادی جنگ جهانی دوم بیش‌ازپیش بحث‌های وسیعی از اقتصاد جهانی را تحت تأثیر

1. Reciprocal Trade Agreements Act (RTAA)

۲. وزارت امور اقتصاد و دارایی، *تحلیلی پیرامون تجارت، تجربه عملی پیوستن برخی از کشورها به سازمان تجارت جهانی و آثار اقتصادی و الحاق ایران به آن*، ۱۳۷۴.

۳. سیدخشیار سیدشکری، همان.

۵۶ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

قرار داد. به همین دلیل قدرت‌های بزرگ اقتصادی، این بار منتظر پایان جنگ نشده و تلاش کردند قبل از پایان جنگ بسترهای لازم را برای بازسازی اقتصادی فراهم کنند. قدرت‌های اقتصادی با علم به تأثیر بسزای عدم تبعیض، مبادله آزاد کالا و خدمات، تجارت آزاد و کاهش تعرفه‌ها بر رونق و شکوفایی تجاری و اقتصادی به اقداماتی مانند تصویب منشور آتلانتیک در اوت ۱۹۴۱ و موافقت‌نامه وام - اجاره^۱ در فوریه ۱۹۴۲ پرداختند. در ادامه این اقدامات قبل از پایان جنگ جهانی دوم و در سال ۱۹۴۴، کنفرانس با شرکت نمایندگان ۴۴ کشور در برتن وودز^۲ تشکیل و براساس آن صندوق بین‌المللی پول^۳ و بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه تأسیس شد. با این حال در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم کشورهای صنعتی بیش‌ازپیش به مبادلات آزاد تجاری و از میان برداشتن محدودیت‌ها و سیاست‌های حمایتی پرداختند و کاهش حقوق گمرکی را به‌عنوان یکی از سیاست‌های اساسی برای رونق اقتصادی مورد توجه قرار دادند.

در ادامه کنفرانس‌ها و مذاکرات بین‌المللی برای رفع محدودیت‌های کمی، کاهش حقوق گمرکی و تأسیس سازمان اقتصادی و بین‌المللی برای سازمان‌دهی امور تجاری، کنفرانسی در هاوانا با حضور ۵۶ کشور در سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸ برگزار شد و قراردادی ۳۴ ماده‌ای بین ۲۳ کشور جهان منعقد گردید که آن را موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت یا گات نامیدند. طرح منشور مذاکرات هاوانا نیز پس از پنج ماه مذاکره به تصویب ۷۳ کشور رسید که شامل مباحثی درخصوص مبادلات بازرگانی، توسعه اقتصادی، اشتغال، بازرگانی دولتی و فعالیت کارتل‌هاست. اما این طرح را فقط پارلمان‌های دو کشور استرالیا و لیبریا تصویب کردند و عملاً اجرایی نشد و تنها ثمره این مذاکرات موافقت‌نامه گات است که در فصل چهارم منشور هاوانا قرار داشت. اعمال سیاست‌های حمایتی کشورها با شروع مذاکرات ادواری گات به‌طور کلی دستخوش تغییر شد؛ زیرا این مذاکرات اهداف اساسی زیر را دنبال می‌کند:

۱. کاهش تعرفه‌های گمرکی،

۲. تثبیت تعرفه‌های گمرکی،

1. Lend-Lease Agreements
2. Bretton Woods
3. International Monetary Found (IMF)

۳. رفع موانع تجاری.

در اواخر دوران جنگ جهانی دوم، زمانی که برای متفقین این اطمینان حاصل آمد که جنگ در آینده نزدیک به پایان می‌رسد، مذاکراتی بین‌المللی برای اصلاح و بهبود ساختارهای مالی، پولی، تجاری و ایجاد اشتغال بعد از جنگ صورت گرفت. البته درخصوص روابط تجاری بین‌المللی مقرر شد که تشکیلات جداگانه‌ای به وجود آید. بنابراین، در سال ۱۹۴۶ اساسنامه سازمان بین‌المللی تجارت در کنفرانس هاوانا تنظیم شد که کشورهای عقب‌مانده با وجود عدم حضور در کنفرانس برتن وودز، در این کنفرانس فعالانه شرکت داشتند که هدف عمده این کشورها کسب حمایت درخصوص سطح تقاضا و قیمت‌ها در صحنه رقابت تجارت جهانی با توجه به ساختار ضعیف این کشورها بود. نتیجه این مباحثات به ایجاد منشور هاوانا انجامید، اما مخالفت کنگره آمریکا با این منشور امکان عملی ساختن آن را فراهم نیاورد و به‌این ترتیب سازمان بین‌المللی تجارت تشکیل نشد.^۱

بخشی از مذاکراتی که بین ۲۳ کشور عمده تجاری آن زمان از سال ۱۹۴۷ درباره کاهش تعرفه‌ها صورت گرفته بود تحت عنوان «موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)» جزء منشور هاوانا بود که به‌صورت پروتکل اجرای موقت به‌کار گرفته شد تا زمانی که منشور هاوانا در نهایت مورد تصویب مجالس ملی قرار گیرد. این پروتکل را ۲۳ کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه (یا در آرزوی توسعه!) به امضا رساندند. ادوار متوالی مذاکرات تجاری، پس از جنگ جهانی دوم، تحت سرپرستی گات موفق به کاهش نرخ متوالی متوسط تعرفه‌ها در اکثر اقتصادهای صنعتی جهان شد.

۴-۳ سیاست‌های حمایتی بعد از گات

مذاکرات ادواری گات از سال ۱۹۴۷ آغاز و تا سال ۱۹۹۴ که گات از قالب موافقت‌نامه خارج و به شخصیت حقوقی - سازمانی قدرتمند تغییر شکل و نام داد، ادامه یافت. مذاکرات مذکور را می‌توان در هشت دور تقسیم‌بندی کرد:

۱. وزارت امور اقتصاد و دارایی، همان، ص ۱۴۲.

۱-۴-۳ مذاکرات دور ژنو (۱۹۴۷)

این دور که به‌طور خاص به مذاکرات تعرفه‌ای اختصاص داشت میان ۲۳ کشور برگزار شد. در این مذاکرات نرخ‌های گمرکی ۴۵ هزار قلم کالا که دوسوم تجارت جهانی را شامل می‌شد کاهش داد. تنها در آمریکا نرخ‌های متوسط تعرفه ۱۸/۹ درصد کاهش یافت^[۶] هرچند اتخاذ سیاست‌های آزادسازی تجاری از طرف آمریکا بیشتر به‌منظور حمایت از اروپا و بازسازی آن بعد از سال‌های جنگ جهانی دوم و جلوگیری از نفوذ کمونیست در اروپا بود ولی گامی بلند و مؤثر در کاهش سطح تعرفه‌ها در جهان و رونق تجارت محسوب می‌شد. در این مذاکرات، کشورها براساس مذاکرات دوجانبه به کاهش و تثبیت تعرفه‌ها درخصوص یک کالای خاص می‌پرداختند و یا موانع پیش روی تجارت یک کالا را میان خود رفع می‌کردند تفاوت این مذاکرات با مذاکرات دوجانبه قبلی توجه به چند جنبه‌گرایی با اعمال اصل دولت کامل‌الوداد بود؛ یعنی هر امتیازی که بین دو کشور مورد توافق قرار می‌گرفت به‌طور خودکار به دیگر اعضا نیز تسری پیدا می‌کرد.

۲-۴-۳ مذاکرات دور انسی فرانسه (۱۹۴۹)، تارکی انگلیس (۱۹۵۱)، ژنو (۱۹۵۶) و دیلن ژنو (۱۹۶۰-۱۹۶۱)

هدف اصلی این چهار دور از مذاکرات ادواری گات نیز کاهش تعرفه‌ها بود. با این حال، برخلاف دور اول، از موفقیت چشمگیری برخوردار نبود. دلیل این امور را می‌توان از طرفی به توجه بیشتر کشورهای اروپایی داخل قاره اروپا و تشکیل جامعه اقتصادی اروپا مربوط دانست؛ زیرا تمایل کشورهای اروپایی به واگذاری امتیازات به کشورهای غیراروپایی را کمک کرد و از طرف دیگر در این دوران اختیارات واگذار شده از طرف کنگره آمریکا به ریاست جمهوری برای انجام مذاکرات تعرفه‌ای سبب کاهش سطوح تعرفه شد و افت محسوسی در مذاکرات جهانی برای کاهش تعرفه‌ها به‌وجود آمد. به‌طور کلی هر زمان که اختیارات دولت آمریکا برای کاهش تعرفه‌ها افزایش می‌یافت، مذاکرات از رونق بیشتری برخوردار می‌شد که این امر در آغاز مذاکرات دور بعدی به‌طور محسوس قابل مشاهده است. از طرف دیگر، روش مذاکرات تعرفه‌ای براساس بررسی کالا به کالا به‌صورت دوجانبه بسیار وقت‌گیر و زمان‌بر بوده و از کارایی کافی برخوردار نبود و موجب شد که کشورها در این ادوار، مذاکرات موفقی نداشته باشند.

۳-۴-۳ مذاکرات دور کندی (ژنو ۱۹۶۷-۱۹۶۴)

در ابتدای دهه ۱۹۶۰ تجارت بین‌الملل دچار تغییرات عمده‌ای شد به طوری که به سیاست‌های منطقه‌گرایی بسیار توجه شد و استفاده از بازرگانی خارجی موجب رونق و شکوفایی اقتصاد اروپا گردید و سهم اروپای غربی از صادرات جهان نسبت به آمریکا فزونی یافت. این وضعیت سبب شد تا آمریکا اصلاحات عمده‌ای در نظام بازرگانی خود اعمال کند بنابراین در سال ۱۹۶۴ در ژنو با هدف کاهش تعرفه‌های تمام کالاهای صنعتی و غیرصنعتی و مواد اولیه با رعایت اصل دولت کامل‌الوداد و مذاکره در خصوص موانع غیرتعرفه‌ای برای گسترش مبادلات میان کشورها شروع به کار مذاکرات دور کندی کرد. براساس نتایج حاصل از این مذاکرات حدود ۴۰ درصد کالاهای مورد مبادله بین کشورهای صنعتی با استفاده از نظام جدید خطی یا سراسری^۱ کاهش پیدا کرد هرچند تغییر مذاکرات در خصوص کالاهای صنعتی موفقیت‌آمیز بود ولی در خصوص محصولات کشاورزی نتیجه چشمگیری به دست نیامد که می‌توان این روند را به نفع کشورهای توسعه‌یافته و به ضرر کشورهای در حال توسعه تحلیل کرد.

۳-۴-۴ مذاکرات دور توکیو (ژاپن ۱۹۷۹-۱۹۷۳)

به این دور از مذاکرات، مذاکرات تجاری چندجانبه^۲ اطلاق می‌شود که در آن علاوه بر کاهش یا محدودیت تعرفه‌های گمرکی، مسائلی مانند موانع غیرتعرفه‌ای و اقدامات محدودکننده تجارت را نیز مورد نظر قرار می‌داد. این دور از مذاکرات نتایج مثبتی به همراه داشت و کشورهای صنعتی موافقت کردند که طی هشت سال تا ۳۳ درصد از میزان تعرفه‌های خود را بر محصولات صنعتی کاهش دهند. این دور از مذاکرات گامی جدید در مذاکرات بین‌الملل محسوب می‌شود؛ زیرا در شش دور مذاکرات قبل تنها هدف مورد نظر کاهش تعرفه‌ها بود. ولی در این دور از مذاکرات علاوه بر کاهش کلی تعرفه‌ها به میزان ۳۵ درصد، موانع غیرتعرفه، ارزش‌گذاری گمرکی، یارانه‌ها و اقدامات حمایتی، مقررات ضد قیمت‌شکنی (دامپینگ) و استانداردها در توافقات چندجانبه مدنظر قرار گرفت.

1. Linear or Across the Board
2. Multilateral Trade Negotiations

۶۰ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

با اتمام دور توکیو در ۱۹۷۹ نرخ متوسط تعرفه برای اکثر کشورهای صنعتی به کمتر از ۱۰ درصد کاهش یافت که البته با نرخ‌های بالاتر در خصوص محصولات کشاورزی همراه بود.^۱

موانع غیرتعرفه‌ای رایج در دهه ۱۹۸۰ عبارت بود از: سهمیه‌ها، محدودیت‌های صادرات داوطلبانه، مجوز واردات غیرخودکار و عوارض گمرکی متغیر.

سهمیه، نوع ساده‌ای از اعمال محدودیت‌های تجاری است که مشخصاً برحسب ارزش یا وزن واردات در خصوص کالای به خصوص در یک مقطع زمان در نظر گرفته می‌شود. وضع سهمیه برخی کشورها بر واردات شیر خشک و شکر از آمریکا نمونه بارزی از این مانع غیرتعرفه‌ای است.

محدودیت‌های صادرات داوطلبانه تا حدود زیادی با مفهوم وضع سهمیه‌ها نزدیک است. این نوع محدودیت، توافق میان کشورهای صادرکننده و واردکننده در خصوص کالاهای خاص چه از لحاظ ارزش و چه از لحاظ مقداری در یک مقطع زمانی است. یکی از مثال‌های بارز وضع این نوع محدودیت اختیاری، در خصوص صنایع وارداتی اتومبیل ژاپن در ۱۹۸۰ به آمریکا و انگلستان است، به طوری که محدودیت صادرات ژاپن به این کشورها براساس وضع محدودیت‌های صادراتی داوطلبانه از طرف ژاپن به اجرا گذاشته شد تا مانع از حمایت‌های مستقیم کشورهای مذکور از صنایع داخلی در مقابل واردات اتومبیل از ژاپن شود.

مجوزهای واردات غیرخودکار یکی دیگر از انواع موانع غیرتعرفه‌ای است که مجوز واردات را نه به صورت آزادانه بلکه براساس ضوابط خاص اعطا می‌کند. در این باره دو طبقه‌بندی در خصوص قوانین غیرخودکار وجود دارد:

الف) جواز تبعیض، که اغلب تحت عنوان «مجوز ورود آزاد» استفاده می‌شود و در زمانی صادق است که دولت واردکننده می‌باید درباره یک نوع واردات خاص موافقت کند، اگرچه موقعیتی که براساس آن چنین موافقتی حاصل می‌شود مشخص و معین نیست و در هر کشوری ممکن است متفاوت باشد. اغلب این نوع از موانع غیرتعرفه‌ای در خصوص محدودیت‌های مقداری استفاده می‌شود. مصداق این نوع اعمال محدودیت درباره واردات آهن در کشور ایالات متحده آمریکا در دهه ۱۹۸۰ است. به عبارت دیگر، در این باره تولیدکننده

داخلی می‌تواند تقاضای اعمال حداکثر محدودیت را بکند تا سطح واردات محدود شود. البته اگر امکان تولید آن کالای مشخص در سطح هزینه کالای مشابه وارداتی مقدور نباشد و به عبارتی توان رقابت میان محصول داخلی به مشابه خارجی آن میسر نگردد. (ب) نوع دیگری از مجوزهای وارداتی غیر خودکار وقتی است که واردکننده کالای به‌خصوص، اوضاع مختلف را ملاحظه و مورد سنجش قرار داده و در نهایت اقدام به واردات می‌کند. این شرایط عبارت‌اند از: نحوه استفاده از کالای وارد شده براساس اهداف خاص مورد نظر، میزان تقاضای خرید از تولیدات داخل، حداقل میزان صادرات در نظر گرفته شده و ... این در مواقعی است که درباره تجارت یک کالای به‌خصوص واردات و صادرات هر دو صورت پذیرد. در این صورت، ارزش واردات بنگاه به حداکثر میزان و نرخ صادرات آن کالا محدود می‌شود. قابل توجه است که هدف عمده از اعطای چنین مجوزهایی در زمینه واردات به‌منظور بهبود تراز تجاری و حمایت از محصولات داخلی کشور واردکننده است.

عوارض گمرکی متغیر یکی دیگر از انواع غیر تعرفه‌هاست که به‌خصوص برای متعادل کردن قیمت کالای وارداتی اعمال می‌شود. این قبیل عوارض، متفاوت‌اند. به‌عنوان مثال، اگر قیمت جهانی هر کالای به‌خصوص افزایش (یا کاهش) یابد، میزان عوارض وضع شده بر آن کالا کاهش (یا افزایش) خواهد یافت. نتیجه وضع این عوارض آن است که تغییرات قیمت در بازار جهانی مستقیماً قیمت‌های داخلی را تحت تأثیر قرار نخواهد داد.

در سال‌های دهه ۱۹۸۰، میزان عوارض مذکور تا حدود زیادی در خصوص سیاست‌های کشاورزی در کشورهای بازار مشترک اروپا قرار داشته است. به‌عنوان مثال در مارس ۱۹۸۷ قیمت گندم در هر بوشل در میان کشورهای بازار مشترک اروپا حدود ۸/۵۳ دلار بوده است، در حالی که قیمت جهانی آن حدود ۱/۹۵ دلار در بوشل رسیده بود. براساس این واردکنندگان عوارضی حدود ۶/۵۸ دلار را در هر بوشل وضع کردند.^۱ چنانچه ملاحظه شد، در سال‌های دهه ۱۹۸۰ جهت‌گیری سیاست‌های حمایتی - تجاری به‌سمت استفاده از موانع غیرتعرفه‌ای بوده است. احتمالاً تصمیمات گات مبنی بر کاهش

۶۲ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

و حذف تدریجی تعرفه‌ها به‌عنوان یک عامل اساسی، سیاست‌گذاران و دولت‌ها را به فکر استفاده از سایر روش‌های حمایتی غیرتعرفه‌ای انداخته است. بدین ترتیب، طی گذشت زمان جایگزینی ابزار حمایت غیرتعرفه‌ای به‌جای حمایت‌های تعرفه‌ای متداول شد و در دهه ۱۹۸۰ گسترش روزافزونی یافت. در مقایسه با حمایت دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ که منظور و هدف اصلی از حمایت‌ها به تأخیر انداختن تعدیلات لازم برای انتقال الگوی تجاری در میان کشورهای پیشرفته بود، در دهه ۱۹۹۰ هدف اصلی از اعمال سیاست‌های حمایتی در حدود و اشکال در نظر گرفته شده و عمدتاً تشویق صنایع مدرن و راهبردی با تکنولوژی‌های بالا می‌باشد که در قالب سیاست‌های تجاری خود را نمایان می‌سازد. بدین ترتیب سیاست‌های تجاری دهه ۹۰ در بین کشورهای پیشرفته مبتنی بر اصول نظری بود که برای هرچه مطلوب‌تر کردن مسیر توسعه تکنولوژیک و ارتقای سطح آن در میان برخی از رشته‌های صنعت در جریان بود.

چنین صنایعی را می‌توان در دو گروه وسیع طبقه‌بندی کرد: اول صنایعی که سود آنها به‌مراتب بیشتر از حاکمیت وضعیت رقابتی در آنهاست که این موقعیت با اعمال محدودیت‌ها و صرف هزینه‌های سنگین تحقیق و توسعه و همچنین در نظر داشتن صرفه‌جویی‌های با مقیاس وسیع حاصل می‌شود. یکی از مثال‌های بارز در این خصوص رقابت میان صنایع بوئینگ آمریکا و ایرباس برای به‌دست آوردن بازار جهانی است. دسته دوم صنایعی است که منافع و بازدهی اجتماعی آنها از تولید داخلی به‌مراتب بیشتر از منافع خصوصی است که صرفه‌جویی‌های خارجی یا کاستن از ضایعات میان‌بخشی را بیان می‌کند.

در دور توکیو اگر عضوی با همه بخش‌های موافقت‌نامه‌ای موافق نبود می‌توانست تنها بخش‌هایی را که قبول دارد عمل کند و یا در موافقت‌نامه‌های مختلف به دلخواه گزینش کند. کم‌کم این روند مشکلاتی به‌وجود آورد؛ رویه‌های مختلف عمل از یک‌سو، تحت پوشش قرار نگرفتن برخی کالاها (محصولات کشاورزی، منسوجات و پوشاک) و فعالیت‌ها (خدمات و حقوق مالکیت‌های فکری) از سوی دیگر و گسترش هرچه بیشتر تجارت جهانی در نیمه دوم قرن بیستم به‌نحوی که در مجموع نرخ رشدی فراتر از تولید یافته بود و به‌این ترتیب به‌عنوان موتور توسعه به تولید خط می‌داد که تمام این عوامل نیاز فراوان به اصلاحات را در دستورالعمل‌های گات ۱۹۴۷ موجب شده بود.

در اروگوئه که هشتمین و طولانی‌ترین دور مذاکرات چندجانبه تجاری است از ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۴ به طول انجامید. موافقت‌نامه‌های حاصل از این دور موجب پوشش آن به موضوعاتی چون کشاورزی، منسوجات و پوشاک، خدمات، حقوق مالکیت‌های فکری و تشکیل یک سازمان دائمی و جهانی برای تجارت جهانی شد.

۵-۴-۳ مذاکرات دور اروگوئه (۱۹۹۴-۱۹۸۶)

این دور از مذاکرات گام مکمل مذاکرات توکیو بود و موضوعاتی در این دور مطرح شد که تاکنون هیچ‌گاه توجه نشده است. با این اقدامات حوزه فعالیت‌های گات متحول شد و به‌طور کلی گسترش یافت. اساسی‌ترین موضوعات دور مذاکره در این دوره را می‌توان در پانزده مورد بررسی کرد. این موارد عبارت‌اند از: تعرفه‌ها، موانع غیرتعرفه‌ای، محصولات دارای منشأ طبیعی، محصولات گرمسیری، منسوجات و پوشاک، محصولات کشاورزی، مقررات ضد دامپینگ، مقررات احتیاطی، یارانه‌ها، مالکیت معنوی، ضوابط سرمایه‌گذاری، حل و فصل اختلافات، تجارت و خدمات، اصلاح مقررات گات و عملکرد نظام گات که این اقدامات به تغییر اساسی موافقت‌نامه گات و تبدیل آن به سازمان جهانی تجارت منجر شد.

توجه به این هشت دور مذاکره از آن سو حائز اهمیت است که به روابط میان کاهش تعرفه‌ها و حمایت با رونق اقتصادی و اثر مثبت آن بر رونق تجارت اشاره دارد. از این رو حمایت‌گرایی شدید کشورها در دهه ۱۹۲۰ به بحران اقتصادی ۱۹۲۹ منجر شد ولی در سال‌های (۱۹۷۳-۱۹۴۸) که کشورها به تجارت آزاد و کاهش حمایت داخلی و کاهش تعرفه‌ها روی آوردند تجارت جهانی با رشدی چشمگیر مواجه شد. این روند به دلیل بروز مشکلاتی در خصوص دلار آمریکا با طلا و افزایش قیمت‌های جهانی نفت در سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ به افزایش بیکاری در اروپا و کاهش قدرت رقابتی در آمریکا منجر شد و کشورهای صنعتی برای حمایت از برخی صنایع داخلی، اصول تجارت آزاد و منصفانه را رعایت نکرده و به سیاست‌های حمایتی روی آوردند. تشدید بحران‌های اقتصادی، تمایل کشورها به سیاست‌های حمایتی را بیشتر کرده و حمایت‌گرایی نوین^۱ به جای بالا بردن نرخ‌های تعرفه به استفاده از موانع غیرتعرفه‌ای روی

1. New Protectionism

۶۴ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

آورد و به این ترتیب از بخش‌های خاص اقتصادی حمایت کرد. بنابراین، اقتصاد جهانی در سال‌های ۱۹۷۴ تا ۱۹۹۴ با تجارت آزاد و منصفانه فاصله گرفت و حمایت از صنایع داخلی با استفاده از برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و دخالت دولت رواج پیدا کرد. با این حال بعد از پایان جنگ سرد، نظام اقتصادی بین‌المللی با رقابتی جدیدی مواجه شد و رفتارها و تعاملات جدیدی در فضای جهانی شکل گرفت، هر چند اقتصاد آمریکا هنوز حمایت از صنایع داخلی را در پیش گرفته بود ولی این بار با رقیبی قدرتمند همچون جامعه اروپا مواجه شده بود که نه تنها دیگر تسلیم سیاست‌های آمریکا نبود بلکه، سعی داشت با رفتارهای منطقه‌ای از نظر اقتصادی از آمریکا پیشی بگیرد. در این اوضاع اعضای گات با اعمال فشار بر آمریکا و جامعه اروپا سعی کردند تا مذاکرات دور اروگوئه در سال ۱۹۹۴ به نتیجه برسد و قدرت‌های تجاری با تغییر نگرش به حمایت از صنایع داخلی و بخش کشاورزی فضای پیش رو را برای آزادسازی تجاری فراهم سازند.

«گات ۱۹۴۷» که تنها مربوط به مباحث کالایی بود همراه با تغییراتی که در فاصله ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۴ روی آن صورت گرفته بود با عنوان «گات ۱۹۹۴» بخشی از موافقت‌نامه‌های کالایی سازمان جهانی تجارت را تشکیل داد.

از اول ژانویه ۱۹۹۵ با شروع اجرای موافقت‌نامه مراکش درباره ایجاد سازمان جهانی تجارت، به عنوان سازمانی دائمی و مورد تصویب اکثر مجالس ملی کشورهای عضو، کار خود را آغاز کرد.

اصول سازمان جهانی تجارت عبارت است از:

- اصل عدم تبعیض و تعمیم بلاشرط که مطابق با این اصل، هرگونه امتیاز بازرگانی و تعرفه‌ای که از سوی یک کشور به هر کشور عضو اعمال می‌شود، به تمام شرکای تجاری عضو قابل تعمیم است. تنها استثنای این اصل درباره همگرایی اقتصادی همانند اتحادیه‌های گمرکی بین چند کشور است.

- استفاده از محدودیت‌های کمی در تجارت همچون سهمیه‌بندی و صدور پروانه واردات ممنوع بوده و حمایت از صنایع داخلی فقط با تعرفه‌های گمرکی شفاف امکان‌پذیر است.

- کاهش و تثبیت تعرفه‌های گمرکی و حذف موانع تجاری غیرتعرفه‌ای، مگر در مورد محصولات کشاورزی که با مشکلاتی در تراز مواجه است.

- برقراری سیستم تعرفه‌های ترجیحی با هدف اعطای امتیازات تجاری به بعضی فرآورده‌های کشورهای در حال توسعه، به منظور ساده‌سازی رقابت محصولات این کشورها با محصولات تولیدی کشورهای صنعتی.

- کشورهای عضو وضع هرگونه مالیات بر کالای وارداتی بیشتر از میزان مالیات بر کالاهای ساخت داخل را ندارند.

- اعطای هرگونه وام (کمک بلاعوض) و تخفیف مالیاتی به منظور تشویق کالا، غیرقانونی است.

- انجام مشورت درباره سیاست‌های بازرگانی با دیگر اعضا و حل و فصل اختلافات ناشی از روابط تجاری از طریق مذاکره.

- طبق اصول سازمان، تصمیمات سازمان باید با توافق تمام اعضا و یا حداقل بدون مخالفت هیچ‌یک از اعضا باشد. بنابراین، هیچ تصمیمی را سازمان نمی‌تواند به کشورهای عضو دیکته کند، و هریک از اعضای کوچک و بزرگ، حق وتو دارند.

یکی از اصول اولیه مطرح در ادبیات گات و سازمان جهانی تجارت شرط یا اصل دولت کامل‌الوداد است که به معنای عدم تبعیض تعرفه‌ای است. اگر کشوری امتیاز تعرفه‌ای را به کشوری اعطا می‌کند باید آن امتیاز را به تمام کشورهای عضو سازمان بدهد. اعطای این امتیازات متقابل بوده و کشورهای طرف تجاری دیگر نیز باید مشابه آن امتیاز را به کشور مربوطه بدهند. این اصل بیانگر آن است که بهترین و مساعدترین رفتاری که هر کشور به یکی از شرکای خود دارد باید به دیگر شرکا نیز تسری یابد. البته عدم رعایت این اصل براساس اصولی مانند عضویت در مناطق آزاد تجاری، اتحادیه‌های گمرکی و یا موافقت‌نامه‌های مبتنی بر ترجیحات تعرفه‌ای امکان‌پذیر است.

به منظور تعیین نظامی واحد، در سیاست‌های تجاری و همگرایی اقتصادی، موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت شکل گرفت که این موافقت‌نامه بعدها و در سال ۱۹۹۵ به سازمان جهانی تجارت تبدیل شد. سه هدف اصلی این موافقت‌نامه را می‌توان به شرح زیر عنوان کرد:

۱. تبیین استانداردهایی برای سیاست‌های تجاری غیرتبعیض‌آمیز میان کشورهای

متعاقد،

۲. حل اختلافات تجاری میان کشورهای متعاقد،

۳. توصیه به پرهیز از موانع غیرتعرفه‌ای و کاهش تعرفه‌ها با مذاکرات تجاری.

این نظام در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ تکمیل و به نظام جهانی ترجیحات تجاری^۱ معروف شد ولی دست‌آوردهای آن هنوز نتوانسته است انتظارات مربوطه را برآورده سازد. یکی دیگر از نظام‌های اقتصادی که سطوح تعرفه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد نظام عمومی ترجیحات^۲ است که در قالب کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد) شکل گرفت و هدف نهایی آن حذف موانع تعرفه‌ای برای کشورهای در حال توسعه است. براساس این تعرفه‌های مورد نظر کشورهای در حال توسعه ضمن برخی استثنائات کاهش می‌یابد. بعد از سال ۱۹۹۴ و تشکیل سازمان جهانی تجارت به‌جای گات، موضوع سیاست‌های تجاری از سطح تعرفه و سهمیه فراتر رفته و به موضوعاتی مانند تجارت خدمات، مالکیت معنوی، محیط زیست و استانداردهای کار نیز توجه کرده است. به عقیده سازمان و براساس نظریه‌های اقتصادی قابل قبول بازار آزاد، تمام کشورها «به‌طور جمعی» از تجارت آزاد بهره‌مند می‌شوند. ولی میزان بهره‌مندی اعضا متفاوت است. میزان بهره‌مندی هر کشور بستگی به قدرت رقابت آن با رقبای خود در بازارهای بین‌المللی دارد. بنابراین، اشتغال، تولید و فروش شرکت‌هایی که قدرت و آمادگی برای رقابت جهانی را دارند، اشتغال ملی افزایش می‌یابد، به‌طور کلی تولید کشورها و جهان افزایش خواهد یافت. اشتغال از بین نمی‌رود ولی بعضی از مشاغل که بازدهی ندارد حذف می‌شود و کارکنان این مشاغل به مشاغلی که بازدهی بیشتری دارد جذب خواهند شد. باید توجه داشت که سازمان جهانی تجارت مانند سایر ارگان‌های سازمان ملل، مقررات خاصی درباره حقوق بشر ندارد و حتی یک بار هم در مقررات سازمان عبارت «حقوق بشر» ذکر نشده است. در نتیجه تأثیرات ناشی از سیاست‌های آن بر درآمد و ثروت شهروندان کشورها مورد توجه سیاست‌گذاران نیست ولی اگر این مقررات را با صداقت تعبیر کنیم، می‌توان گفت که باید فرض بر این داشت که آنها را باید با در نظر داشتن و مراعات حقوق بشر اجرا کنند.^۳

1. Global System of Trade Preferences (GSTP)

2. Generalized System of Preferences (GSP)

۳. مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، «ایران و سازمان جهانی تجارت، فرصت‌ها، چالش‌ها»، ۱۳۸۶، ص ۲۵-۲۳.

عضویت در گات، نهادی که پس از جنگ جهانی دوم برای سازمان دادن امور تجاری و اقتصادی جهان شکل گرفت، تا پیش از فروپاشی اتحاد شوروی سابق چندان جاذبه‌ای نداشت. به واقع در چارچوب برخی از سرمشق‌های فکری حاکم بر جهان دهه‌های ۱۹۵۰-۱۹۸۰ چنین نهادهایی ارگان‌های اجرایی و تنظیم‌کننده نظام سرمایه‌داری تلقی می‌شدند که هدفشان تثبیت حاکمیت سرمایه و منافع کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری بود. از این‌رو، بسیاری از کشورها عضویت در چنین نهادی را وابستگی به اردوگاه سرمایه‌داری تلقی و از آن اجتناب می‌کردند و یا با اکراه آن را پی می‌گرفتند. اما امروزه، داستان جلوه دیگری یافته است. عضویت در تشکیلات گسترده‌تر و تغییر شکل یافته گات یعنی سازمان جهانی تجارت نه تنها دغدغه بسیاری از کشورها شده، بلکه آنها آرزوهای ازدست‌رفته خود را نیز از این طریق پی می‌جویند. اگر در دوره پیشین فرض بر این بود که ادغام اقتصاد جهانی با چنین نهادهایی تنها شکاف عقب‌ماندگی را عمق بیشتری می‌بخشد و به انتقال مازاد از این گروه به گروهی دیگر می‌انجامد، اکنون برخی بر این اعتقادند که فقط از چنین راهی می‌توان این فاصله و شکاف را حذف کرد و بر مشکلات فائق آمد. به‌نحوی که اکنون ۱۵۱ کشور جهان به عضویت این سازمان درآمده‌اند. جمهوری اسلامی ایران نیز متقاضی عضویت در این سازمان می‌باشد و اولین درخواست عضویت خود را در سال ۱۹۹۶ ارائه کرد تا اینکه در سال ۲۰۰۵ به‌عنوان عضو ناظر این سازمان پذیرفته شد.

۳-۵ جمع‌بندی

سیاست‌های حمایتی و بازرگانی جزءلاینفکی از سیاست‌های دولت‌ها در تمام کشورهای جهان است. این سیاست‌ها تا حد زیادی بستگی به قدرت صادرکنندگان و صنایع تولیدکننده کالاهای وارداتی، اهمیت کالاهای وارداتی در تولید و مصرف اتباع کشور واردکننده و وضعیت اقتصادی کشورها دارد.

عمده‌ترین دلایل سیاست‌های حمایتی عبارت‌اند از: حفظ ذخایر ارزی، ایجاد اشتغال، ایجاد درآمد، بهبود رابطه مبادله، حمایت از تولید و صنایع نوزاد، مقابله با دامپینگ و بهینه‌دوم. بخش مهمی از این دلایل، از آنجاکه امکان مقابله به‌مثل کشور مقابل را در نظر نگرفته، استدلال‌هایی بی‌ارزش است. احتمالاً استدلال حمایت از صنایع نوزاد منطقی‌ترین دلیل

وضع حمایت می‌باشد، اما حتی با این استدلال نیز نمی‌توان لزوماً نتیجه‌گیری کرد که سیاست‌های محدودکننده تجاری بهترین عمل برای حمایت از این صنایع می‌باشد.

اما شاید مهم‌ترین دلیل اتخاذ این شیوه، آسانی آن بود. در حالی که افزایش صادرات کار سختی به نظر می‌آمد، حفظ بازارهای داخلی به مراتب آسان‌تر است و یک زمامدار، خیلی آسان می‌توانست افزایش تولیدات داخل را که بر اثر حمایت‌گرایی حاصل شده بود به رخ مردمش بکشد. به این ترتیب زمانی که هدف، افزایش اشتغال باشد، روش ممنوعیت واردات آسان‌ترین روش است. هنگام کسری بودجه، مالیات‌ستانی از واردات رایج‌تر است. برای حمایت از صنایع نوزاد کنترل واردات آسان‌تر از پرداخت یارانه می‌باشد پس سیاست‌های حمایتی آسان‌ترین روش است و نه الزاماً مؤثرترین و مهم‌ترین آن. از سویی، منافع حمایت به آسانی مشهود است حال آنکه مشاهده هزینه‌های واقعی حمایت مشکل است؛ زیرا سود حمایت متمرکز بوده، در حالی که هزینه‌های آن به‌طور نامرئی در میان مردم گسترده و در سراسر کشور پخش می‌شود. آنهایی که قرار است از محدودیت تجاری سود ببرند (کارگران و مالکان یک صنعت خاص) آشکارا مشهودتر از مجموعه کلی مصرف‌کنندگان، نیروی کار، مالیات‌دهندگان و سهام‌داران صنایع صادراتی هستند یعنی تمام کسانی که از حمایت ضرر می‌کنند.

اما این بازرندگان نیز حتی به‌ندرت می‌دانند که برای تحمل هزینه‌ها تحت فشار قرار دارند، بنابراین، پیدا کردن مدافعان قوی و پر سر و صدا برای حمایت آسان و پیدا کردن مخالفان که به همان اندازه قوی باشند بسیار سخت است. ضمن آنکه به آسانی می‌توان کاری کرد که حمایت‌گرایی میهن‌پرستی جلوه‌گر شود، حتی اگر عملاً یک ملت را در بلندمدت تضعیف کند.

قسمت بعدی این تحقیق اختصاص به بررسی سیاست‌های حمایتی در گروهی از کشورهای جهان دارد. اکنون این عقیده وجود دارد که کشورهای پیشرفته فعلی هرگز بدون سیاست‌های حمایتی نمی‌توانستند به جایگاه امروزی خود برسند. تعرفه‌ها در ایالات متحده تأثیر بسیاری در سیاست تجاری و تاریخ اقتصادی این کشور داشته است. تعرفه‌ها بزرگ‌ترین منبع درآمدی دولت فدرال از دهه ۱۷۹۰ تا جنگ جهانی اول بود تا اینکه مالیات بر درآمد جای آن را گرفت. به هر حال اکنون کشورهای توسعه‌یافته به دنبال سیاست آزادی تجارت هستند، مثلاً ریگان و بوش سیاست‌های حمایتی را کنار گذاشته و

استراتژی گات و سازمان جهانی تجارت را مبنی بر کاهش موانع تجاری پذیرفتند. از سیاست‌های مهم تجاری آمریکا در این دوران توافق تجارت آزاد با کانادا در ۱۹۸۷ و توافق تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) در سال ۱۹۹۴ می‌باشد. توافق نفتا در حقیقت وسیله‌ای بود تا ایالات متحده بتواند به بازارهای کانادا و مکزیک دسترسی پیدا کند. در سال ۲۰۰۰ کلینتون با حمایت جمهوری خواهان با ورود چین به سازمان جهانی تجارت به‌عنوان دولت کامل‌الوداد طرف‌داری کرد. البته اتحادیه‌های کارگری در آمریکا کم‌وبیش اعتراضات خود را به این تصمیمات اعلام داشته‌اند. با وجود تمام این سیاست‌ها، هنوز ایالات متحده حاضر به کاهش یارانه‌های کشاورزی خود نشده است. به‌وجود آمدن گات و سازمان جهانی تجارت از مهم‌ترین تحولات اقتصادی در دوران بعد از جنگ جهانی می‌باشد. چنانچه قصد خلاصه کردن نتایج مذاکرات این سازمان‌ها را داشته باشیم می‌توانیم از جدول ۳-۱ استفاده کنیم. آخرین اجلاس سازمان جهانی تجارت، در دوحه در سال ۲۰۰۱ با شرکت ۱۴۱ کشور تشکیل شد، که هنوز خاتمه نیافته است.

جدول ۳-۱ مقایسه مذاکرات ادوار مختلف گات و سازمان جهانی تجارت

نام اجلاس	آغاز دوره	مدت (ماه)	تعداد کشورها	موضوعات مورد بحث	دستاوردها
ژنو	۱۹۴۷	۷	۲۳	تعرفه‌ها	امضای گات، مذاکره درباره ۴۵ هزار تعرفه که باعث اثرگذاری بر ۱۰ میلیون دلار تجارت خارجی گردید
انسی	۱۹۴۹	۵	۱۳	تعرفه‌ها	۵ هزار تعرفه
تارکی	۱۹۵۰	۸	۳۸	تعرفه‌ها	۸۷۰۰ تعرفه، کاهش ۲۵ درصدی سطوح تعرفه
ژنو ۲	۱۹۵۶	۵	۲۶	تعرفه‌ها و پذیرش	کاهش تعرفه‌ها و اثرگذاری بر ۲/۵ میلیون دلار تجارت خارجی
دیلن	۱۹۶۰	۱۱	۲۶	تعرفه‌ها	اثرگذاری بر ۴/۹ بلیون دلار تجارت خارجی

۷۰ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

جدول ۱-۳ مقایسه مذاکرات ادوار مختلف گات و سازمان جهانی تجارت

نام اجلاس	آغاز دوره	مدت (ماه)	تعداد کشورها	موضوعات مورد بحث	دستاوردها
کندی	۱۹۶۴	۳۷	۶۲	تعرفه‌ها، سیاست‌های ضد دامپینگ	اثرگذاری بر ۴/۹ بلیون دلار تجارت خارجی
توکیو	۱۹۷۳	۷۴	۱۰۲	تعرفه‌ها و سایر ابزارهای غیرتعرفه‌ای، توافقات کلی	اثرگذاری بر ۳۰۰ بلیون دلار تجارت خارجی
اروگوئه	۱۹۸۷	۸۷	۱۲۳	تعرفه‌ها، سایر ابزارهای غیرتعرفه‌ای، قوانین، خدمات دارایی‌های فکری، حل اختلافات منسوجات، کشاورزی و به وجود آمدن سازمان جهانی تجارت	خلق سازمان جهانی تجارت و گسترش دامنه مذاکرات تجاری، کاهش شدید تعرفه‌ها (۴۰ درصد) و یارانه‌های کشاورزی، توافقات درباره منسوجات و پوشاک و بسط حقوق مالکیت معنوی

Source: en.wikipedia.org/wiki/world-trade-organization

فصل چهارم

تعریف تعرفه و سیاست‌های
تعرفه‌ای برای حمایت از
تولیدات داخلی

۴-۱ اهمیت تجارت در اقتصاد کشورها

برای اندازه‌گیری اهمیت تجارت در یک اقتصاد از معیار شدت تجارت^۱ استفاده می‌کنند که عبارت است از نسبت واردات و صادرات کالاها و خدمات بر کل اقتصاد یا سهم واردات و صادرات از کل اقتصاد. برای گسترش تجارت تسهیل تجاری^۲ مورد نظر بسیاری از کشورها قرار گرفته که عبارت است از طیف وسیعی از تدابیر غیراقتصادی برای اعتلا و گسترش تجارت بین‌الملل از طریق روان‌سازی جریان تجارت. برخی از این اقدامات را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

۱. انتشار راهنماهای تجاری،
۲. همکاری برای تدوین استانداردهای فنی،
۳. همکاری ملی گمرکی و قرنطینه‌ای،
۴. مذاکرات ادواری تجاری،
۵. تشکیل نمایشگاه‌های تجاری،
۶. اعزام هیئت‌های تجاری،
۷. تجارت الکترونیک و ...

به‌طور کلی در تجارت بین‌الملل پنج عامل وجود دارد که به آنها نیروهای اساسی^۳ می‌گویند این عوامل بر یکدیگر و بر نرخ و ذخایر ارزی کشور تأثیر دارد.

۱. قیمت، هزینه و اوضاع تقاضا در کشور و در خارج،
۲. عوامل بنیادی و نهادی و فناوری،

1. Trade Intensity
2. Trade Facilitation
3. Basic Forces

۷۴ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

۳. مقدار پول، اعتبار و درآمد ملی،
 ۴. رابطه بین صادرات و واردات و حجم تجارت،
 ۵. نرخ ارز.
- منافع تجارت^۱ را می‌توان در موارد متعدد و متنوع برشمرد:
۱. منافع ناشی از تئوری تجارت (منافع اقتصادی بیشتر برای کشورهای با ساختارهای متفاوت قیمتی نسبت به حالت بدون تجارت)،
 ۲. منافع ناشی از تئوری هزینه‌های نسبی (تخصص‌گرایی در تجارت)،
 ۳. حصول دسترسی به کالاهای سرمایه‌ای، ماشین‌آلات، مواد خام و اولیه،
 ۴. انتقال فناوری،
 ۵. انتقال سرمایه،
 ۶. مقابله با انحصار و گسترش رقابت،
 ۷. افزایش رفاه (تعیین حداقل کالای مورد نیاز برای دستیابی به سطح معینی از رفاه اجتماعی براساس منحنی بی‌تفاوتی اجتماعی و مرز برگسن).^۲
- یکی از تأثیرات تجارت، ایجاد بازارهای نامتقارن^۳ است؛ یعنی با ایجاد فضای باز و آزاد تجاری و در نتیجه افزایش واردات و صادرات در کشورها تقسیم کار تخصصی انجام می‌پذیرد؛ زیرا با افزایش واردات کالاهای خاص کارخانجات تولیدکننده آن کالا در داخل تقاضای داخلی را از دست می‌دهد و درآمد آنها نیز محدودتر می‌شود. درحالی‌که تولیدکننده کالا در کشور طرف تجاری از این تقاضا استفاده کرده و به درآمد بیشتری دست می‌یابد. همین مزیت برای تولیدکنندگان کالاهای صادراتی و وارداتی طرفین تجاری مصداق دارد. ادامه این روند موجب می‌شود که شرکای تجاری از بازارهای نامتقارن و نامشابه برخوردار شوند.
- در بررسی منافع حاصل از تجارت^۴ به‌عنوان مهم‌ترین اثر می‌توان به افزایش در مصرف بر اثر تخصص پیدا کردن در تولید و تجارت اشاره کرد. این موارد براساس

1. Benefits of Trade

۲. اصطلاح Bergoson Frontier در زمینه رابطه تجارت و رفاه بوده و مشخص می‌کند که چه مقدار حداقلی از یک کالا، با معلوم بودن مقدار سایر کالاها، لازم است تا بتوان به حدود معینی از رفاه اجتماعی دست یافت.

3. Asymmetrical Markets

4. Gains From Trade

نظریه‌های منافع حاصل از تجارت^۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. این نظریه‌ها به‌طور کلی روابط اقتصادی بین‌المللی را هدف مطالعه قرار داده و نشان می‌دهد کشورهایی که در کالاهایی مشخص دارای تفاوت‌های قیمتی ساختاری هستند می‌توانند به‌جای انزوای طلبی و استفاده از سیاست خودکفایی^۲، بازدهی اقتصادی خود را با انجام تجارت به حداکثر برسانند؛ یعنی سطح مصرف خود را ضمن کاهش هزینه بالا ببرند. ادامه این روند موجب تخصص‌گرایی در تولید می‌شود. به‌عنوان نمونه می‌توان به نظریه مزیت نسبی هکشر - اوهلین^۳ که در دهه ۱۹۲۰ مطرح شد اشاره کرد.^۴

البته برخی کشورها به محدود کردن تجارت و یا سیاست خودکفایی^۵ معتقدند. خوداتکایی^۶ یک سیاست اقتصادی توسعه‌ای است که اتکای عمده بر منابع طبیعی، سرمایه و مهارت‌های در دسترس داخلی مبتنی است. از ویژگی‌های این سیاست عدم تمایل به صرف ارز برای تهیه آن دسته از نهاده‌های تولیدی است که مستقیم و سریع به بازدهی ارزی منجر نمی‌شود. نتایج این سیاست آن است که بنگاه‌ها و مؤسسات داخلی بیشتر وقت، نیرو و سرمایه خود را صرف تولید محصولات می‌کنند که سابقاً در جایی دیگر تولید می‌شده است.

خودکفایی^۷ سیاستی اقتصادی است که در آن کشور سعی می‌کند تا سر حد امکان محصولات مصرفی خود را تولید کند. البته این سیاست بدان معنا نیست که تجارت خارجی از این قبیل کشورها صورت نمی‌پذیرد، ولی این تجارت محدود به واردات مواد خام اساسی غیرموجود در داخل و صدور مواد خام و سایر محصولات است که در داخل به آنها نیاز نیست. البته برخی از کشورها نیز از سیاست‌های تجاری مختلط^۸ استفاده می‌کنند که می‌توان آن را به‌عنوان برنامه تجاری هر کشور تلقی کرد که حاوی اقداماتی است که برای سیاست تجاری کشور مناسب بوده و اهداف مورد نظر آن کشور را محقق می‌سازد. رؤس این سیاست‌ها معمولاً عبارت‌اند از:

1. Gains-from/ Trade Theory
2. Autarky
3. Heckscher-ohlin Theory of Comparative Advantage
4. Eli-hecksher & Berlin Ohlin
5. Autarky
6. Self Reliance
7. Self-sufficiency
8. Mixed Trade Policies

۱. سیاست‌های یک‌جانبه برای بهبود قدرت رقابتی صنایع داخلی با تدابیر مربوط به باز نمودن بازار،
 ۲. تأکید بیشتر بر معامله به‌مثل در زمینه دسترسی به بازار با سایر کشورها توأم با اتخاذ ابتکارات در زمینه باز نمودن بازار،
 ۳. استفاده از حمایت احتیاطی (توسل به تدابیر ضد دامپینگ، اقدامات حفاظتی و جبرانی) و اغلب توسل به اقدامات غیرشفاف برای حمایت از تولیدکنندگان داخلی.
- در مقوله تجارت بین‌الملل، برخی کشورها می‌توانند از منافع آزادسازی تجارت بدون تقبل هیچ‌گونه تعهد متقابل استفاده نمایند برای مثال، برخی کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت برای واردات خود از کشورهای غیرعضو درست همانند کشورهای عضو عمل می‌کنند و تعرفه‌های تبعیض‌آمیزی مقرر نمی‌کنند. بنابراین کشور غیرعضو می‌تواند از این فرایند منتفع شود؛ زیرا هیچ تعهدی را متقبل نشده ولی از این تعرفه‌های مشابه با دیگر کشورها به نفع صادرات خود منتفع می‌شود. به این امر سواری مجانی^۱ می‌گویند. البته در واقع این کشورها از جهات دیگر متضرر می‌شوند؛ زیرا عدم انجام آزادسازی، آنها را از منافی مانند افزایش رقابت، کاهش هزینه و ... محروم می‌کند.

۲-۴ موانع تجاری

موانع تجاری^۲ اقداماتی است که مشکلاتی را پیش روی تجارت ایجاد می‌کند. به عبارتی این اقدامات مانع ورود و خروج آزادانه کالا و خدمات میان کشورها می‌شود و در فضای رقابتی و مزیت‌های نسبی اختلال ایجاد می‌کند. اکثر برنامه‌ریزی‌های تجاری و سیاست‌های اقتصادی و توسعه‌ای که از طرف دولت‌ها اتخاذ می‌شود در این مجموعه قرار می‌گیرد. موانع تجاری را می‌توان به دو دسته موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای تقسیم کرد.

مفهوم محدودسازی یا تضییق تجارت^۳ مفهومی حقوقی است که در قوانین ضدتراست کاربرد دارد. به‌طور کلی تجارت به طرق متعدد محدود می‌شود برای مثال افراد می‌توانند با انعقاد قراردادهایی، رقابت بین خود را محدود و یا از رقابت دیگران جلوگیری و

1. Free Riding

2. Barriers to Trade

3. Restraint of Trade

فصل چهارم تعریف تعرفه و سیاست‌های تعرفه‌ای برای حمایت از ... ۷۷

یا با ادغام رقبای فعلی و رقبای احتمالی محدودیت‌هایی را اعمال کنند. بنابراین هرگونه مداخله در نیروهای بازار می‌تواند تجارت را محدود کند که امری غیرقابل قبول است. در این چارچوب به رفتار غیررقابتی مؤسسات خصوصی، اقدامات محدودکننده تجارت^۱ گفته می‌شود. هرچند استاندارد مشخص و مدونی که این اقدامات را تشکیل دهد در سطح بین‌المللی وجود ندارد ولی می‌توان به مواردی در ذیل اشاره کرد:

۱. ائتلاف بین بنگاه‌ها،

۲. بنگاه مسلط و غالب با سوءاستفاده از وضعیت،

۳. تبعیض قیمتی،

۴. الزام به حفظ قیمت برای فروش مجدد،

۵. نمایندگی انحصاری،

۶. ترتیبات یا ادغام‌های افقی و عمودی و

به ویژگی‌های ساختاری یک اقتصاد که مانع از پیدایش بازارهای رقابت کامل می‌شود موانع ساختاری^۲ می‌گویند. این حالت ممکن است بر اثر مقررات نامناسب یا زیاده از حد، انحصارهای دولتی و خصوصی، انضباط ناکافی در خصوص جلوگیری از اقدامات محدودکننده تجاری و عوامل مشابه دیگر باشد.

به مواردی مانند وضع تعرفه، سهمیه، الزام به داشتن سپرده از قبل برای واردات و سایر محدودیت‌هایی که هر کشور می‌تواند بر تجارت بین‌الملل وضع کند، کنترل تجارت^۳ می‌گویند.

۳-۴ نظام تعرفه‌ای

چارچوب نظام تعرفه‌ای به‌طور کلی از سمت‌وسوی سیاست‌های تجاری منبعت می‌شود. در برخی از کشورها گروه‌های ذی‌ربط و ذی‌نفع از سیاست‌های حمایتی و تجارت آزاد که خواهان افزایش و یا کاهش سطوح تعرفه‌ای هستند موجب ناهماهنگی و نوساناتی در سیاست‌های تجاری می‌شوند.

1. Restrictive Business Practices (RBP)
2. Structural Impediments
3. Trade Control

۷۸ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

به‌طور کلی نظام تعرفه به دو قسمت عمده تشکیل می‌شود: نظام تعرفه مبتنی بر معاهده^۱ و نظام تعرفه مستقل.^۲ نظام تعرفه مبتنی بر معاهده بر مبنای معاهده فی‌مابین کشورهاست و تنها می‌توان آن را به‌هنگام تجدیدنظر در معاهدات تغییر داد. هر چند در بسیاری از کشورها نظام تعرفه‌ای بر اساس توافقات بین‌المللی تعیین می‌شود، ولی برخی کشورها نیز از نظام تعرفه مستقل برخوردارند که مبتنی بر معاهده فی‌مابین کشورها نیست.

سیاست‌های تعرفه‌ای عمدتاً بر کالاهای وارداتی رقیب محصولات داخلی^۳ اعمال می‌شود. این کالاها را بیشتر صنایع داخلی تولید می‌کند و یا می‌توان آنها را تولید کرد. جدول حاوی نرخ‌های تعرفه برای تمام اقلام وارداتی مشمول تعرفه را جدول تعرفه^۴ می‌گویند. نظام تعرفه‌ای برخی کشورها تعرفه یک‌ستونه در مقابل تعرفه چندستونه^۵ است. یک ساختار تعرفه‌ای یک‌ستونه شامل یک دسته از نرخ‌ها، صرف‌نظر از منبع کالاها و مبدأ آنها و سایر عوامل است. برعکس تعرفه چندستونی امکان وجود چند نرخ تعرفه را برای هر طبقه از کالا می‌سازد. در این نظام، برخی از کشورها مشمول نرخ تعرفه پایین می‌شوند و برخی برعکس مشمول نرخ تعرفه بالاتر قرار می‌گیرند و به‌این ترتیب ساختار نظام تعرفه چندستونی با برقراری تبعیض بین کشورها همراه است.

۴-۴ اصلاحات تعرفه‌ای

در انجام اصلاحات تعرفه‌ای، باید به اصل طبقه‌بندی مؤثر بازار^۶ توجه شود. در این اصل ابزار سیاستی باید برای هدفی به کار رود که تحقق آن هدف بالاترین کارایی را داشته باشد. به‌طور کلی برای اصلاح سطوح مختلف تعرفه‌ای دو روش عمده وجود دارد. روش اول آن است که حقوق و عوارض مربوط به اقلام عمده کالاها به‌طور یکسان کاهش یا افزایش یابد برای مثال، در برخی کشورها حقوق و عوارض اقلام عمده ۱۰ درصد کاهش می‌یابد و این اقدام به‌عنوان یک روش برای کاهش تعرفه‌ها تلقی می‌شود.

-
1. Conventional Tariff System
 2. Autonomous Tariff System
 3. Competitive Imports
 4. Tariff Schedule
 5. Single Column Versus Multiple Column Tariff
 6. Principle of Effective Market Classification

روش دیگر، تمام کالاها را به یک چشم نگاه نمی‌کند و با توجه به تفاوت‌های ماهوی برای هر قلم کالا سیاستی متفاوت در نظر گرفته می‌شود.

انتخاب میان دو روش تغییر یکسان در تعرفه^۱ یا بررسی مورد به مورد کالاها به دو موضوع کیفیت و زمان اثربخشی بازمی‌گردد. روش تغییر یکسان در تعرفه‌ها می‌تواند به راحتی با یک سیاست دستوری انجام شود و بسیاری از کشورها به دلیل سادگی این روش آن را به عنوان روش اصلی اصلاحی خود قرار داده‌اند. در صورتی که روش بررسی مورد به مورد به زمان فراوانی نیاز دارد و هر قلم کالا یا هر گروه کالایی بررسی جداگانه‌ای انجام و سیاست مجزایی اتخاذ می‌شود که مسلماً نیاز به صرف زمان طولانی دارد. با این حال، کیفیت اثر سیاست بررسی مورد به مورد در خصوص هر گروه کالایی از دقت‌های فراوانی برخوردار است و به تمام کالاها به یک صورت نمی‌نگرد.

یکی از روش‌های کاهش تعرفه، تقلیل‌های تعرفه‌ای بنابر فرمول تقلیل خطی یا سراسری^۲ است، که به آن روش فرمولی نیز گفته می‌شود. یعنی کاهش‌های تعرفه به نحو مساوی و معمولاً به صورت درصد در کل محصولات است.

یکی از روش‌های اصلاحات تعرفه‌ای، اقدام مرحله‌ای یا کاهش تعرفه با آزادسازی تجاری مرحله به مرحله و تدریجی^۳ است.

یکی از روش‌های کاهش سطوح تعرفه‌ای استفاده از فرمول سوئیسی^۴ است. هدف این فرمول کاهش تعرفه‌های بالا به نسبتی بیش از کاهش تعرفه‌های پایین تر است.

$$Z = \frac{AX}{A + X}$$

X = نرخ اولیه تعرفه

A = ضریب مورد توافق (کشورهای اروپایی ضریب ۱۶ و آمریکا، سوئیس و ژاپن ضریب ۱۴ را پذیرفتند).

تعرفه‌ای کردن موانع غیرتعرفه‌ای^۵ یکی از اصلاحات اساسی نظام تعرفه‌ای است که به فرایند تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه و تثبیت آنها اطلاق می‌شود. در این فرایند

-
1. Board Tariff Negotiations
 2. Linear Tariff Cuts
 3. Staging
 4. Swiss Formula
 5. Tariffication

۸۰ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

که بیشتر به صورت دقیق انجام نمی‌شود، روش‌های متفاوتی را استفاده می‌کند. برخی کشورها مقادیری بالاتر از حد واقعی ارائه می‌دهند که به این اقدام در مذاکرات سازمان جهانی تجارت آب در تعرفه^۱ یا تعرفه‌ای کردن زشت و کثیف^۲ می‌گویند.

در تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه‌ای، محاسبه اثر موانع غیرتعرفه‌ای بر اساس فرمول مورد توافق و با برآورد معادل تعرفه‌ای^۳ صورت می‌پذیرد و سبب ایجاد شفافیت در نظام تجاری می‌شود.

فرایند تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه و تثبیت آنها و فراهم‌سازی فرصت‌های دسترسی این محصولات به بازار، تعرفه کردن موانع غیرتعرفه‌ای می‌گویند.

در تغییر نظام تعرفه‌ای و تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه باید فرصت‌های دسترسی به بازار حفظ شود؛ یعنی معادل موانع غیرتعرفه‌ای، تعرفه‌ای مشخص مورد نظر قرار گیرد. در این زمینه فرمولی در مذاکرات دور اروگوئه تدوین شد و به موجب آن میزان دسترسی برای یک محصول خاص با مقایسه سطح واردات طی دوره پایه تعیین گردید. به این موضوع، سهمیه تعرفه‌ای دسترسی جاری به بازار^۴ می‌گویند.

معافیت‌های تعرفه‌ای کالایی یکی از اقداماتی است که برای توسعه صادرات با استفاده از سیاست‌های معافیت از تعرفه اتخاذ می‌شود.

باز پس دادن عوارض گمرکی کالاهای وارداتی روشی است برای بازگرداندن عوارض محصول فراوری شده و یا به کار رفته در سایر کالاهایی که صادر می‌شود و به آن استرداد حقوق و عوارض گمرکی^۵ می‌گویند. این اقدام به بازپرداخت تمام یا بخشی از حقوق و عوارض وارداتی به صادرکنندگانی که آن واردات را در ساخت کالاهای صادراتی به کار برده‌اند گفته می‌شود و به منظور تشویق به ورود مواد خام، اولیه یا کالاهای نیمه‌ساخته و تشویق صادرات محصولات فراوری شده است.

معافیت‌های تعرفه‌ای منطقه‌ای از دیگر اقداماتی است که با استفاده از اصلاحات تعرفه‌ای و با هدف صادرات انجام می‌شود.

-
1. Water in the Tariff
 2. Dirty Tariffication
 3. Tariff Equivalent
 4. Current Access Tariff Quotas
 5. Drawback

منظور از فروشگاه آزاد، فروشگاه‌هایی است که در آن کالاها با معافیت از حقوق و عوارض گمرکی عرضه می‌شود.^۱ این فروشگاه‌ها که به‌طور عمده در فرودگاه‌ها، بندرگاه‌ها و غیره تأسیس می‌شود به مسافران خروجی، کالاهایی را بدون پرداخت مالیات و عوارض عرضه می‌کند و سیاستی برای تشویق صادرات است. البته در برخی موارد مسافران ورودی نیز می‌توانند کالاهایی را براساس موقعیتی خاص به قیمت ارزان‌تر از این فروشگاه‌ها خریداری کنند؛ زیرا عوارض ورودی مربوط به کالا در قیمت آن محاسبه نمی‌شود.

۴-۵ تعریف و انواع تعرفه

تعرفه از انواع و اقسام متعددی برخوردار است که مبنای تفاوت میان آنها به مأخذ تعرفه و یا پایه تعرفه^۲ بازمی‌گردد.

حقوق و عوارض و سایر مالیات‌های وضع شده در مرزهای هر کشور بر کالاهای کشور دیگر را تعرفه می‌گویند. در ادبیات اقتصادی، تعرفه برابر است با وضع مالیات بر مصرف و پرداخت یارانه به تولید.

نرخ تعرفه به‌منظور دریافت حقوق و عوارض گمرکی^۳ وضع می‌شود، این موارد شامل هزینه‌هایی است که در مرز گمرکی بر کالای وارداتی و یا صادراتی وضع می‌شود. عوارض گمرکی می‌تواند با انواع مختلف تعرفه از صاحب کالا دریافت شود. یکی از انواع این عوارض که بر واردات وضع می‌شود حقوق گمرکی تبعیض‌آمیز^۴ است که برای هر کالا متفاوت می‌باشد. هدف از وضع این نوع عوارض بر واردات، تشویق یا عدم تشویق ورود کالای خاص و یا واردات از کشور خاص است.

۴-۵-۱ تعرفه اسمی^۵

نرخ تعرفه مندرج در جدول تعرفه کشور در مورد یک کالا یا محصول خاص است، ولی این نرخ می‌تواند لزوماً با نرخ‌های معروف به نرخ‌های تعرفه مورد عمل^۶ یعنی نرخ‌های

-
1. Duty Free Shop
 2. Base of Tariff
 3. Customs Duties
 4. Discriminating Duty
 5. Nominal Tariff
 6. Applied Tariff Rates

۸۲ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

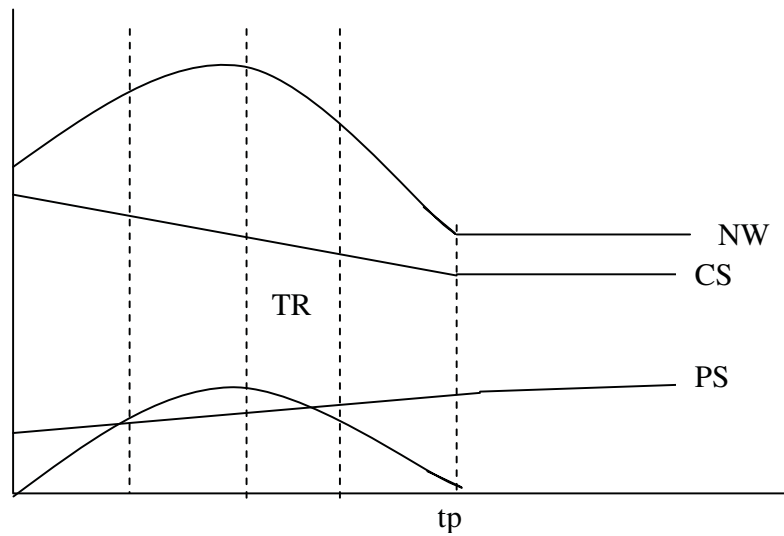
تعرفه که در واقع مقامات گمرکی هنگام ورود کالا اعمال می‌کنند، یکسان نباشد.

۲-۵-۴ تعرفه بهینه^۱

وضع تعرفه بر کالاها باعث کاهش حجم تجارت می‌شود ولی از طرف دیگر رابطه مبادله بهبود می‌یابد. رفاه جامعه با کاهش حجم تجارت کم می‌شود ولی با بهبود رابطه، مبادله افزایش می‌یابد. نرخ تعرفه بهینه نرخ است که خالص منافع حاصل از ایجاد بهبود در رابطه مبادله را در مقابل اثر منفی وضع تعرفه بر کاهش حجم تجارت حداکثر سازد. نرخ تعرفه بهینه از فرمول زیر استخراج می‌شود.

$$t^0 = \frac{1}{e-1}$$

e = قدر مطلق کشش منحنی ارائه یا پیشنهاد شریک تجاری



نمودار ۴-۱ بررسی تأثیر تعرفه بر رفاه مصرف‌کننده، تولیدکننده و درآمد دولت

هرگونه افزایشی در تعرفه که از حد بهینه آن بالاتر باشد، هرچند ممکن است به

1. Optimal Tariff

بهبود رابطه مبادله منجر شود اما منافع حاصله از این بابت به اندازه‌ای نخواهد بود که بتواند زیان‌هایی را جبران کند که نتیجه آن کاهش حجم تجارت است. تعرفه بهینه تعرفه‌ای است که منحنی ارائه یا پیشنهاد کشور دیگر را در نقطه‌ای قطع می‌کند که مماس با بالاترین منحنی بی‌تفاوتی تجارت کشور باشد. از حیث اقتصاد رفاه تعرفه بهینه را می‌توان به شرح ذیل توضیح داد:

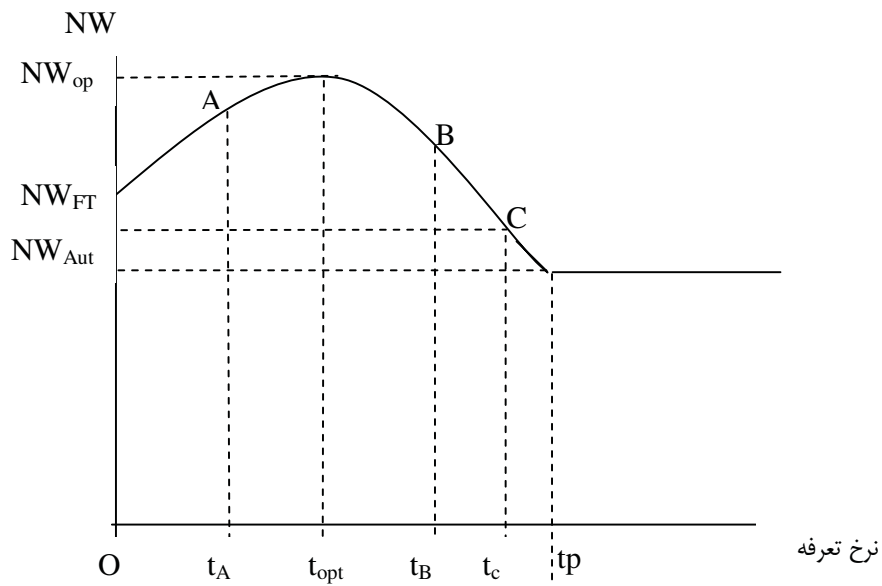
اولین بار روبرت تورنز^۱ (۱۸۴۴)، این استدلال را مطرح کرد که وضع تعرفه می‌تواند رفاه هر کشور بزرگ را در بازارهای بین‌المللی افزایش دهد. نمودار ۱-۴ را در نظر بگیرید. در این نمودار افقی CS نشان‌دهندهٔ مازاد مصرف‌کننده، PS مازاد تولیدکننده و TR درآمد دولتی ناشی از وضع تعرفه است. مبدأ مختصات، نشان‌دهندهٔ تعرفهٔ صفر یا تجارت آزاد می‌باشد. افزایش تعرفه به افزایش قیمت منجر شده که مازاد مصرف‌کننده را کاهش می‌دهد. نرخ تعرفه‌ای tp ، نرخ است که واردات در آن به صفر می‌رسد، از آنجا به بعد افزایش نرخ تعرفه اثری بر مازاد مصرف‌کننده نداشته است.

با افزایش نرخ تعرفه، مازاد تولیدکننده با نرخی کاهش می‌یابد، به این دلیل که با افزایش نرخ تعرفه، مازاد تولیدکننده و کمتر از تغییر در مازاد مصرف‌کننده تغییر می‌کند. با رسیدن به تعرفه tp یا تعرفهٔ ممانعت‌کننده کامل از واردات، دیگر مازاد تولیدکننده تغییر نکرده و PS به صورت خط افقی درمی‌آید.

درآمد دولتی تعرفه که با منحنی TR نمایش داده شده است، ابتدا صعودی و سپس نزولی شده تا در tp به صفر برسد. شکل این منحنی را با توجه به الگوی واردات توجیه‌پذیر است. به این ترتیب که با افزایش اولیه تعرفه واردات در نرخی کاهش، نسبت به نرخ تعرفه کم می‌شود. بنابراین، درآمد تعرفه‌ای که حاصل ضرب مقدار واردات در نرخ تعرفه است افزایش می‌یابد و هنگامی که واردات سریع‌تر از افزایش تعرفه کاهش یابد، درآمد نیز کم می‌شود. از طریق دیگری نیز می‌توان شکل منحنی TR را توجیه کرد. در نرخ تعرفه‌ای صفر، درآمد مربوطه صفر می‌باشد، در نرخ tp و بالاتر از آن نیز چون وارداتی وجود ندارد، بالطبع درآمدی هم وجود نخواهد داشت، بین این دو فاصله درآمد بایستی مثبت باشد و این توجیه‌کننده شکل منحنی TR است.

۸۴ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

منحنی رفاه ملی با جمع عمودی سه نمودار مازاد مصرف‌کننده، مازاد تولیدکننده و درآمد تعرفه‌ای به دست آمده و NW نشان داده می‌شود. با توجه به نمودار ۲-۴ متوجه می‌شویم که با افزایش اولیه تعرفه، رفاه ملی افزایش یافته و با افزایش بیشتر تعرفه کاهش می‌یابد. در نمودار ۲-۴ این منحنی به تنهایی ارائه شده است.



نمودار ۲-۴ بررسی تأثیر تعرفه بر رفاه ملی

نمودار ۲-۴ نشان می‌دهد که کشور با وضع تعرفه t_{opt} حتی به رفاهی بالاتر از وضعیت تجارت آزاد (تعرفه صفر با رفاه NW_{FT}) می‌رسد. تعرفه t_{opt} هزینه بهینه نامیده می‌شود. چنانچه تعرفه از نرخ بهینه افزایش یابد، مثلاً t_B برسد، رفاه ملی کاهش می‌یابد، متناظراً از t_p به بعد افزایش تعرفه هیچ اثری بر رفاه کشور ندارد. در نرخ‌های بیشتر از t_{opt} نیز کاهش تعرفه به نفع کشور است.

نتیجه مهمی که از این نمودار می‌توان گرفت، آن است که آزادسازی تجاری الزاماً به بهبود یا کاهش رفاه منجر نمی‌شود و نتیجه نهایی بستگی به وضعیت تعرفه فعلی

نسبت به تعرفه بهینه دارد. لازم به یادآوری است که تمام استدلال‌های فوق برای یک کشور بزرگ صورت گرفته است. تئوری‌های اقتصادی بازگوکننده این مطلب است که کشورهای کوچک نمی‌توانند بر قیمت‌های جهانی اثرگذار باشند، بنابراین تعرفه بهینه برای چنین کشورهایی صفر می‌باشد، مطلبی که از نظر ملاحظات سیاسی و عملی برای هر کشور در حال توسعه غیرممکن است. بنابراین، نرخ‌های تعرفه بایستی مثبت باشد. به‌رحال هیچ اتفاق نظری بین اقتصاددانان درباره سطح بهینه حمایت تعرفه‌ای برای کشورهای در حال توسعه وجود ندارد. لیتل و دیگران^۱ (۱۹۷۰) تعرفه بهینه را برای کشورهای در حال توسعه ۲۰ درصد و برای کشورهای توسعه‌یافته صفر درصد می‌دانند. میترا^۲ (۱۹۹۱) صحبت از نرخ تعرفه‌ای می‌کند که بایستی بالاتر از ۱۰ تا ۱۵ درصد باشد. بانک جهانی^۳ (۱۹۹۱) نرخ‌های تعرفه بین ۱۵ تا ۲۵ درصد را بیان می‌کند. رودریک^۴ (۱۹۹۲) نرخ‌های حمایت متوسط ۱۰ درصدی برای کشورهای کم‌درآمد و ۵۰ درصدی برای کشورهای فقیر را توصیه می‌کند. دورنبوش^۵ (۱۹۹۲) آزادسازی تدریجی تعرفه‌ها را توصیه می‌کند. بدین ترتیب که در قدم اول تمام موانع غیرتعرفه‌ای تبدیل به نرخ‌های تعرفه حداکثر ۵۰ درصدی می‌شود، در گام بعد با پیشرفت کشور، تعرفه‌ها تا ۱۰ درصد کاهش می‌یابد. بوفی^۶ (۲۰۰۱) با در نظرگیری وضعیت خاص، استدلال می‌کند که نرخ‌های تعرفه بایستی بالاتر از ۳۰ درصد باشد، هرچند برای حمایت از بخش‌های رقابت‌کننده با واردات نرخ‌های مؤثر حمایتی ۴۰ تا ۷۰ درصدی می‌تواند وجود داشته باشد. انستیتوی آفریقا^۷ (۱۹۹۱) تعرفه بالاتر از ۴۰ درصد را باعث به‌وجود آمدن اغتشاشات بالا در اقتصاد می‌داند.^۸

به‌رحال، در حال حاضر اتفاق نظر بالایی درباره نرخ‌های تعرفه‌ای یکسان وجود دارد. محققانی مانند میترا (۱۹۹۲) معتقدند که در صورت اتخاذ سیاست‌های حمایتی، بایستی به

1. Little and et. al.

2. Mitra

3. World Bank

4. D. Rodrik

5. Dornbusch

6. Buffie

7. Africa Institute

8. L. Borgatti, "A New Tariff Database for Selected Least Developed Countries", HEI Working Paper, No. 12, 2006.

۸۶ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

صنعت یا صنایع خاصی منحصر شود. به عبارت دیگر، بایستی حمایت کارای یکسانی برای همه صنایع فراهم شود. ملاحظات اقتصاد سیاسی نیز دلایلی ارائه کرده که تأییدکننده تعرفه یکسان است. بحث اقتصاد سیاسی استدلال می‌کند که در بعضی موارد محرک اصلی دولت‌ها در اعمال سیاست‌های تجاری، فشارهای گروه‌های پر قدرت است تا علایق دولتی برای بالا بردن رفاه مردم. در چنین حالتی، لابی‌گری برای وضع تعرفه‌ها برقرار می‌شود، عده کمی منافع فراوانی به دست آورده و منابع چشمگیری برای لابی‌گری تخصیص می‌یابد.^۱

۴-۵-۳ تعرفه علمی

یکی از اهداف وضع تعرفه، دستیابی به وضعیتی است که هزینه تولید در داخل و خارج را برای خریدار داخلی برابر کند تا از نظر هزینه تمام شده مزیتی برای خرید کالا و وارداتی وجود نداشته باشد. به نرخ تعرفه‌ای که این تعادل را ایجاد می‌کند، تعرفه برابرکننده هزینه^۲ گفته می‌شود. با وضع چنین تعرفه‌ای، قیمت وارداتی کالا به بالاترین سطح هزینه تولید داخلی می‌رسد و به‌طور طبیعی با این تعرفه وارداتی صورت نخواهد پذیرفت. همچنین به نرخ تعرفه برابرسازی هزینه، نرخ تعرفه علمی^۳ نیز می‌گویند.

۴-۵-۴ تعرفه براساس ارزش کالا

عمده‌ترین روش وضع تعرفه بر تجارت در کشورهای مختلف، اخذ عوارض و مالیات براساس درصدی از ارزش کالا^۴ است که بر همین اساس میزان تعرفه مشخص شده و تعرفه براساس ارزش کالا^۵ شکل می‌گیرد.

۴-۵-۵ تعرفه ترکیبی یا مرکب

تعرفه ترکیبی^۶ (مختلط) یا تعرفه مرکب^۷ ترکیبی از حقوق و عوارض برحسب ارزش،

1. David Tarr, "Arguments for and Against Uniform Tariffs in: Bernard Hoekman others", Development, Trade and WTO, The World Bank, Washington DC, 2002.

2. Cost Equalizing Tariff

3. Scientific Tariff Rate

4. Advalorem Duty

5. Advalorem Tariff

6. Composite Tariff

7. Compound Tariff

فصل چهارم تعریف تعرفه و سیاست‌های تعرفه‌ای برای حمایت از ... ۸۷

حقوق و عوارض بر مبنای واحد کالا است. یعنی دو جزء تعرفه شامل درصدی از ارزش محصول و مبلغی مقطوع (بر حسب واحد تولید) صرف‌نظر از ارزش محصول از موضوع تجارت اخذ می‌شود.

۴-۵-۶ تعرفه‌های مختلط - تعرفه‌های انتخابی مشروط به شرط^۱

در این نوع تعرفه یا از تعرفه‌های ارزشی و یا از تعرفه‌های خاص هر کدام که بیشتر باشد استفاده می‌شود، مثلاً برای یک کالا یا ۵ درصد ارزش آن و یا رقم ۱۰۰ تومان برای هر واحد آن، هر کدام که بیشتر باشد مورد نظر قرار می‌گیرد (این هم بر حسب جنبه درآمدی است).

۴-۵-۷ تعرفه پلکانی - تعرفه افزایشی بر حسب افزایش فراوری^۲

معمولاً کشورها تمایل دارند که کالاهای مواد اولیه و واسطه‌ای وارد کنند و از ارزش افزوده آن در داخل کشور استفاده و آن را به خارج صادر نمایند، بنابراین از ورود کالاهای نهایی مصرفی پرهیز می‌کنند. این تمایل موجب می‌شود که کشورها تعرفه‌ای پایین بر مواد اولیه و واسطه‌ای، و تعرفه‌ای بالا بر کالاهای نهایی وضع کنند تا جریان ورود مواد اولیه و صدور کالای نهایی شکل گیرد. برای اعمال این سیاست از تعرفه‌های پلکانی استفاده می‌شود. یعنی تعرفه‌های پایین برای قطعات ساده یک تولید نهایی، مواد خام و اولیه و تعرفه‌ای بالا برای کالاهای فراوری شده در تولید وضع می‌شود.

تعرفه‌های افزون شونده پلکانی^۳ این نوع تعرفه به وضع تعرفه صعودی به تناسب فراوری محصول دلالت دارد. این روش سبب افزایش واردات محصولات و مواد خام و یارانه از کشورهای در حال توسعه و ایجاد مانع بر سر راه صادرات صنعتی این کشورها می‌شود و نوعی حمایت از مصنوعات صنعتی کشورهای صنعتی است. البته وضع این تعرفه از طرف کشورهای توسعه یافته موجب انتقال منابع اولیه کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته می‌شود و موجب عقب‌افتادگی عوامل تولید در کشورهای در حال توسعه می‌شود.

1. Mixed Tariffs
2. Tariff Escalation
3. Cascading Tariffs

۸۸ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

منظور از تعرفه‌ها برحسب تکنیک^۱ آن است که نرخ تعرفه به نهاده‌های به‌کار رفته در محصول بستگی دارد.

۴-۵-۸ تعرفه‌های مناسب هر صنعت^۲

این تعرفه‌ها خاص هر صنعت وضع می‌شود و معمولاً در سطحی است که هزینه‌های تولیدکننده داخلی به‌اضافه منافع را پوشش دهد. این نوع تعرفه‌بندی که براساس ساختارهای مختلف صنایع موجب اختلاف در سطوح تعرفه‌ای اقلام کالایی می‌شود موجب پیچیده شدن نظام تعرفه‌ای نیز می‌شود به همین علت به این نوع تعرفه‌بندی، تعرفه دوخته شده به قامت^۳ نیز می‌گویند.

۴-۵-۹ تعرفه مورد عمل^۴

در بسیاری موارد، کشورها برای رفع محدودیت‌های تجاری و توسعه تجارت، سطوح تعرفه‌ای را به‌صورت داوطلبانه از نرخ‌های تثبیتی پیش‌بینی شده پایین‌تر می‌آورند، به این نرخ‌ها، نرخ تعرفه مورد عمل می‌گویند.

۴-۵-۱۰ سهمیه تعرفه^۵

سهمیه هر کالا در برخورداری از هر نرخ تعرفه ورود پایین به مقدار معین است، ولی واردات بیش از آن مقدار مشمول نرخ تعرفه بالاتر است. سهمیه تعرفه هدف دوگانه‌ای دارد که مصالحه‌ای است بین منافع مصرف‌کننده که علاقه‌مند به واردات کم‌هزینه است و منابع تولیدکننده داخلی که به دنبال حمایت در مقابل رقابت خارجی است.

۴-۵-۱۱ متوسط تعرفه^۶

متوسط تعرفه بیانگر میانگین ساده و غیروزنی تمامی نرخ‌های تعرفه‌ای است که در هر کشور

-
1. Technical Tariffs
 2. Made-to-Measure Tariffs
 3. Tailor-made Tariffs
 4. Applied Tariff Rate
 5. Tariff Quota
 6. Average Tariff

تعیین شده است. این شاخص تصویری از وضعیت کلی تعرفه در یک اقتصاد را مشخص می‌کند و مقیاسی برای تعیین عملکرد بخش‌های تولیدی در کشورهای مختلف است.

۴-۵-۱۲ تعرفه‌های متوسط موزون شده برحسب تجارت^۱

متوسط تعرفه‌ها در هر نظام تعرفه‌ای با موزون کردن نرخ‌های تعرفه با توجه به میزان تجارت و واردات در یک سطح تعرفه‌ای معین است. با این اقدام، اقلامی که تجارت آنها در حجم بالا صورت می‌گیرد دارای اثر بزرگ‌تر در محاسبه متوسط تعرفه خواهد بود تا اقلامی که اصلاً تجارت نمی‌شود یا تجارت در آنها زیاد نیست. این روش موجب می‌شود که یک متوسط تعرفه‌ای موزون شده برحسب میزان تجارت، سطح و اندازه حمایت را کوچک‌تر از آنچه هست نشان دهد. با این حال در مفید بودن این روش تردیدی وجود ندارد.

۴-۵-۱۳ تفاوت تعرفه^۲

به تفاوت میان نرخ تعرفه کالاهای فراوری شده و نرخ تعرفه همان کالا ولی فراوری نشده تفاوت تعرفه می‌گویند.

۴-۵-۱۴ تعرفه بیهوده و درسدردار - تعرفه زحمت‌زا^۳

این تعرفه‌ها آن قدر پایین هستند که هزینه وصول آن برابر و یا بیشتر از مبلغ خود تعرفه است. همچنین این اصطلاح درباره تعرفه‌هایی به کار می‌رود که هیچ‌گونه آثار حمایتی بر آنها مترتب نیست.

۴-۵-۱۵ تعرفه‌های بالا^۴

تعرفه‌های بالا به نرخ‌های تعرفه برخی کالاهای خاص که فاصله زیادی از متوسط ساده تعرفه در کشور دارند می‌گویند که بیانگر حمایت بالا از آن کالا است. هرچند وجود این نرخ‌ها نسبت به میانگین محاسبه می‌شود ولی در دور مذاکرات اروگوئه به تعرفه‌های بالاتر از ۱۵ درصد، تعرفه‌های بالا اطلاق شده است.

1. Trade Weighted Average Tariffs
2. Tariff Wedge
3. Nuisance Tariff
4. Peak Tariffs

۹۰ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

وضع تعرفه‌های سخت‌گیرانه با وضع قانون از سابقه تاریخی برخوردار است، برای مثال یکی از اقداماتی که دولت آمریکا در سال ۱۹۳۰ برای خروج این کشور از بحران بزرگ^۱ (سال ۱۹۲۹ تا ۱۹۴۰) انجام داد وضع قانون موسوم به قانون تعرفه هاولی - اسموث^۲ است که سطح تعرفه‌ها را به بالاترین میزان در تاریخ ایالات متحده ارتقا داد و باعث بدتر شدن اوضاع بحرانی اقتصاد آمریکا در آن دهه شد.

۴-۵-۱۶ تعرفه بازدارنده کامل واردات^۳

هرگاه تعرفه وضع شده در حدی باشد که تولید داخلی تمام تقاضای داخلی را تأمین کند و واردات قطع شود و درآمد ناشی از تعرفه به صفر برسد، تعرفه به سطح بازدارنده کامل واردات می‌رسد. این تعرفه به دلیل حمایت از تولیدکنندگان داخلی در قبال رقابت مخرب خارجی و یا به سبب تلافی در مقابل عمل کشورهای طرف تجاری وضع می‌شود. حقوق و عوارض یا مالیات برحسب واحد کالا^۴ به صورت مبلغ ثابت برای هر واحد از کالا اخذ می‌شود. بنابراین، تعرفه‌ای که به صورت مبلغ مقطوع برای هر واحد از کالای وارداتی مورد نظر قرار می‌گیرد، تعرفه خاص یا مقطوع^۵ است.

به تعرفه‌هایی که میزان آن به اندازه‌ای باشد که بتواند هزینه تولیدکنندگان داخلی و سوددهی را برای آنان پوشش دهد، تعرفه‌های اختصاصاً وضع شده برای تأمین منافع تولیدکنندگان^۶ می‌گویند.

۴-۵-۱۷ تعرفه چانه‌زنی

هرچند وضع تعرفه در سطوح بالا یکی از ابزارهای مهم حمایتی است ولی در برخی موارد این سیاست به منظور حمایت از صنایع داخلی نیست بلکه، با هدف بالا بردن قدرت چانه‌زنی است که به این موارد تعرفه چانه‌زنی^۷ می‌گویند. یعنی کشورها

-
1. Great Depression
 2. Hawley-Smooth Tariff Act
 3. Prohibitive Tariff
 4. Specific Duty
 5. Specific Tariff
 6. Tailor Made Tariffs
 7. Bargaining Tariff

فصل چهارم تعریف تعرفه و سیاست‌های تعرفه‌ای برای حمایت از ... ۹۱

تعرفه‌های خود را بسیار بالا وضع می‌کنند تا بعدها با دادن وعده به کاهش آن بتوانند از طرف‌های تجاری امتیازاتی اخذ کنند.

۴-۵-۱۸ تعرفه سقف

زمانی که کشورها براساس مذاکرات انجام شده در سازمان جهانی تجارت و یا ترتیبات تجاری، تعرفه‌های خود را تثبیت می‌کنند معمولاً برای احتیاط و حمایت از صنایع داخلی، تعرفه‌ها را در سطحی بالاتر از تعرفه‌های مورد عمل تثبیت می‌کنند و خود را متعهد می‌سازند که در هیچ کالایی تعرفه‌ای بالاتر از تعرفه‌های تثبیت شده وضع نکنند. به این سطوح حداکثری تعرفه، تثبیت سقف^۱ می‌گویند.

۴-۵-۱۹ تعرفه‌های تثبیتی^۲

تعرفه‌های تثبیتی نرخ‌های مشخصی از تعرفه است که کشورها متعهد می‌شوند نرخ‌های بالاتر از آن وضع نکنند. هدف از تثبیت تعرفه^۳ به‌وجود آوردن اطمینان تجاری بیشتر از طریق وضع حداکثر یا سقف بر نرخ تعرفه است. اگر کشورها از نرخ‌های تثبیتی تجاوز کنند و نرخ‌های بالاتری را مورد عمل قرار دهند باید خسارت وارده به شرکای تجاری‌شان را جبران کنند.

۴-۵-۲۰ تثبیت تعرفه^۴

منظور از تثبیت تعرفه تکلیف به عدم افزایش نرخ تعرفه در آینده به‌منظور اطمینان از وجود شفافیت در سیاست‌های تجاری و افزایش پیش‌بینی‌پذیری فعالیت‌های اقتصادی است.

۴-۵-۲۱ تثبیت صفر (تعرفه)^۵

تثبیت صفر تعهدی است در سازمان جهانی تجارت دایر به حذف کلی حقوق و عوارض گمرکی درخصوص محصولات معین که براساس توافق، کاهش متقابل تعرفه به‌میزان

1. Ceiling Bindings
2. Bound Tariffs
3. Binding
4. Tariff Binding
5. Zero Binding

۹۲ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

صفر^۱ صورت می‌پذیرد. در این حالت، کالاها بدون پرداخت هیچ‌گونه عوارض گمرکی به کشور وارد می‌شود و نرخ تعرفه یا عوارض صفر^۲ است.

۴-۵-۲۲ تعرفه ترجیحی مؤثر

برخی موارد کاهش تعرفه‌ها با استفاده از سازوکار موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد اعمال می‌شود. برای مثال، کشورهای عضو یک موافقت‌نامه مکلف می‌شوند که طی چند سال تعرفه خود را در سطح معینی کاهش دهند. به این نوع تعرفه که بین کشورهای عضو یک اتحادیه یا موافقت‌نامه اتخاذ می‌شود تعرفه ترجیحی مؤثر مشترک^۳ می‌گویند.

۴-۵-۲۳ عوارض ترجیحی^۴

نوعی عوارض است که میزان آن به نسبت کم است و به دلیل مساعدت و به نفع کالای خاص یا واردات از کشور خاص وضع می‌شود.

۴-۵-۲۴ نرخ تعرفه مازاد بر سهمیه^۵

نرخ تعرفه قابل اعمال بر محصولات وارداتی مازاد بر نرخ سهمیه تعرفه‌ای. هدف از اعمال این نرخ تعرفه عدم تشویق واردات بیش از سهمیه است. میزان این تعرفه معمولاً به مراتب بیشتر از نرخ تعرفه سهمیه تعرفه‌ای است.

۴-۵-۲۵ عوارض یا مالیات بر واردات متغیر^۶

عوارضی بر واردات است که با تفاوت میان قیمت‌های بالای تعیین شده کشور یا اتحادیه و قیمت‌های پایین جهانی برابر است. این عوارض در واردات محصولات کشاورزی به اتحادیه اروپا مرسوم است. این عوارض براساس نظام پیچیده‌ای است که هدف آن مطمئن شدن از ثابت باقی ماندن قیمت محصول در بازار داخلی صرف‌نظر از نوسانات قیمتی به کشور

-
1. Zero-for-Zero Tariff Reduction
 2. Zero-rating
 3. Common Effective Preferential Tariff (CEPT)
 4. Preferential Duty
 5. Out-of-Quota-Rate
 6. Variable Import Levies

صادرکننده است. براساس رویه‌های بین‌المللی، این عوارض باید به تعرفه تبدیل شود.

۴-۵-۲۶ تعرفه‌های صادراتی

برخی کشورها که در کالایی خاص ویژگی و موقعیت مناسبی دارند، بر کالای صادراتی نیز حقوق و عوارض^۱ وضع می‌کنند. این عوارض عمدتاً با هدف کسب درآمد برای دولت وضع می‌شود یعنی زمانی که قیمت کالای تولید شده در داخل بسیار کمتر از قیمت‌های جهانی باشد و کالا با مزیت رقابتی زیادی مواجه باشد، سود زیادی عاید صادرکنندگان می‌شود که دولت با وضع این عوارض بخشی از آن درآمد را به خود اختصاص می‌دهد. در وضع این عوارض باید به عوامل مختلفی مانند تولید داخلی، بازارهای صادراتی، تقاضای خارجی برای کالا، تغییرات نرخ ارز و قیمت‌های داخلی و بین‌المللی و ... توجه کرد تا وضع این عوارض به صادرات لطمه وارد نکند. البته تعرفه‌های صادراتی^۲ می‌تواند دلایل دیگری مانند جلوگیری از خروج مواد خام، اولیه یا مصرف کالاهای ضروری و مورد نیاز صنایع داخلی در داخل کشور و تنظیم بازار داخلی باشد.

۴-۵-۲۷ شبه‌تعرفه^۳

منظور از شبه‌تعرفه، هزینه‌های وضع شده بر واردات به‌جای تعرفه و یا اضافه بر آن است. این هزینه‌ها شامل هزینه‌های ارائه خدمات، هزینه‌های وارداتی اضافی مانند سود بازرگانی یا هزینه‌های اعمال شده بر واردات در داخل بازار و ... است. اگر مجموع این هزینه‌ها بیش از نرخ مالیاتی باشد که بر محصولات داخلی اعمال می‌شود با اصل رفتار ملی^۴ یعنی عدم تبعیض میان کالای داخلی و خارجی در تعارض بوده و در ادبیات سازمان جهانی تجارت غیرقانونی است. در قوانین داخلی برخی کشورها مانند ایران، سود بازرگانی را شبه‌تعرفه نمی‌دانند.

1. Export Duty

2. Export Tariff

3. Para-tariffs

۴. منظور از رفتار ملی (National Treatment) برخورد یکسان میان محصولات خارجی با محصولات داخلی و عرضه‌کنندگان کالای خارجی با عرضه‌کنندگان داخلی است که به برابری فرصت‌های رقابت می‌انجامد؛ یعنی مجموعه مالیات‌ها، هزینه‌ها، قوانین و ... نباید به‌نحوی باشد که از تولید داخلی حمایت شود.

۲۸-۵-۴ موانع غیرتعرفه‌ای

موانع غیرتعرفه‌ای تجارت^۱ یا تدابیر غیرتعرفه‌ای^۲ محدودیت‌های مقداری است که دولت برای تأمین اهداف تجاری بر واردات اعمال می‌کند.

موانع غیرتعرفه‌ای نیز به منظور حمایت از بخش‌ها و یا فعالان اقتصادی و تولیدات داخلی است با این تفاوت که دولت می‌تواند به صورت غیرشفاف از آنها استفاده کند و در فرایندهای تجارت اختلال ایجاد کند. برخی از مهم‌ترین موانع غیرتعرفه‌ای عبارت‌اند از:

۱. سهمیه‌ها، وضع محدودیت بر مقدار هر کالای صادراتی یا وارداتی طی یک دوره زمانی معین را سهمیه^۳ می‌گویند. از این دیدگاه سهمیه‌بندی به‌عنوان ابزار سیاست تجاری، حمایت بیشتری را به صورت مطلق از تولیدکنندگان داخلی و تراز پرداخت‌ها به عمل می‌آورد تا یک تعرفه مشابه محدودکننده. با وجود این، سهمیه‌بندی، درآمدی را برای دولت به دنبال ندارد و این مصرف‌کننده است که باید اضافه‌قیمت ناشی از این سیاست را بپردازد و اگر در این زمینه تولیدکننده داخلی انحصاری باشد، مصرف‌کننده ممکن است مجبور شود قیمت باز هم بالاتری را پرداخت کند.

مهم‌ترین مانع غیرتعرفه‌ای پیش روی تجارت، وضع سهمیه وارداتی^۴ است که به شکل اعمال محدودیت مقداری مستقیم بر واردات متجلی می‌شود. هرچند اعمال سهمیه بر صادرات نیز به صورت داوطلبانه و یا پس از مذاکرات دو یا چندجانبه محتمل است ولی بیشتر درباره واردات استفاده می‌شود. مهم‌ترین هدف سهمیه‌بندی، حمایت از صنعت یا گروهی از فعالان اقتصادی که از واردات آسیب می‌بینند و یا بهبود وضعیت تراز پرداخت‌هاست. هرچند اهداف وضع تعرفه شباهت‌هایی با اعمال سهمیه دارد ولی آثار آنها متفاوت است. با وضع سهمیه، تقاضای داخلی افزایش می‌یابد و این امر موجب افزایش قیمت کالای مربوطه شده و انگیزه‌ای برای افزایش سطح تولید داخلی می‌شود. در این حالت مهم‌ترین مسائلی که مطرح می‌شود اعطای مجوزهای وارداتی به افرادی است که می‌خواهند از این سهمیه استفاده کنند. در این مواقع است که رانت ناشی از منافع انحصاری می‌تواند موجب فساد در اقتصاد باشد.

۲. نظام‌های چندنرخه‌ای ارز،

1. Non-Tariff Barriers (NTBs)
2. Non-tariff Measures
3. Quota
4. Import Quota

۳. وضع عوارض غیرتعرفه‌ای،
۴. موافقت‌نامه‌های تنظیم بازار،
۵. وضع محدودیت‌های کمی، اداری، مقداری و تکنیکی صادرات و واردات،
- محدودیت‌های کمی و مقداری^۱ محدودیت‌های وضع شده بر مقدار کالا و محصولات خاص وارداتی یا صادراتی در دوره‌ای معین است که معمولاً برحسب وزن و حجم و گاهی نیز به صورت ارزش، اندازه‌گیری می‌شود.
۶. روش‌های ارزش‌گذاری چندگانه در اثر وضع تعرفه،
۷. موانع اداری برای پردازش کالاهای وارداتی،
۸. روش‌های خرید دولتی تبعیض‌آمیز،
۹. صدور مجوز برای واردات^۲ مهم‌ترین موانع غیرتعرفه‌ای است که محدودیت‌هایی جدی را پیش روی تجارت و واردات ایجاد می‌کند. این موضوع به رویه‌های اداری برای نظام‌های صدور مجوز واردات اطلاق می‌شود که مستلزم تسلیم تقاضانامه و یا سایر اسناد به مقامات اداری ذی‌ربط به‌عنوان شرط واردات است.
۱۰. یارانه‌های صادراتی،
۱۱. تجارت دولتی،
۱۲. تحریم‌ها،
- برخی مواقع سهمیه‌بندی به صورت کاملاً افراطی است که در این موارد صادرات به یک کشور ممنوع می‌شود و آن کشور مورد تحریم^۳ قرار می‌گیرد.
۱۳. نظام حداقل قیمت،
۱۴. سیستم قیمت‌گذاری فروش،
۱۵. قوانین بسته‌بندی،
۱۶. نصب برجسب و علائم،
۱۷. مقررات دامپینگ،
۱۸. تشریفات گمرکی.

۴-۶ حمایت

حمایت^۱ در تجارت بین‌المللی به کوشش یا اقدام دولت برای محافظت از تولیدکنندگان داخلی در برابر واردات بهتر و ارزان‌تر گفته می‌شود. هدف از حمایت، آن است که به تولید داخلی به‌علت ناتوانی در رقابت با محصول مشابه خارجی صدمه وارد نشود.

در تجارت بین‌الملل واژه حمایت‌گرایی^۲ برای تشریح هر عمل دولت برای تغییر جریان تجاری به کار می‌رود. این تغییر جریان ممکن است با وضع مالیات یا محدود کردن واردات و یا اعطای یارانه مستقیم به تولید کالاهای تجاری و اتخاذ سیستم چندنرخه‌ای ارز و موانع غیرتعرفه‌ای و غیره انجام شود. حمایت دارای اشکال متفاوت است. تعرفه‌ها و عوارض بر واردات وضع می‌شود. قواعد یا محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای به شکل سهمیه‌ها، استانداردهای کیفی و محدودیت‌های مشابه سبب دور نگه‌داشتن کالاهای خارجی از بازارهای داخلی می‌شود. اعطای یارانه به بنگاه‌های داخلی نیز رقابت خارجی را در وضعیت عدم مزیت نسبی قرار می‌دهد. به‌طور کلی ابزارهای حمایت^۳ می‌تواند به اشکال موانع مختلف تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای نظیر انواع مختلف سهمیه‌بندی‌های وارداتی، کنترل‌های ارزی، مقررات و دخالت‌های مستقیم دولتی و غیره باشد. از این ابزار برای حمایت از صنایع داخلی در مقابل رقابت صنایع مشابه خارجی استفاده می‌شود.

حمایت‌گرایی جدید^۴ انواع و اشکال جدید موانع غیرتعرفه‌ای فراروی تجارت است که اثر حمایتی دارد. برای مثال، می‌توان توسل به محدودیت‌های کمی و ترتیبات محدودسازی ارادی صادرات را ذکر کرد.

اقتصاددانان کلاسیک بر این عقیده بودند که هرگونه مداخله‌ای از این قبیل از طرف دولت‌ها به کاهش رفاه عمومی و جهانی منجر می‌شود. به‌عکس اگر تجارت بین‌الملل در میان کشورها به‌صورت آزاد و بدون دخالت دولت عمل کند، این امر به تولیدکنندگان در مناطق مختلف اجازه خواهد داد تا در تولید کالاها و خدماتی که منطقه در آنها دارای

1. Protection
2. Protectionism
3. Instruments of Protection
4. New Protectionism

مزیت نسبی است تخصص پیدا کند. این تخصص‌گرایی بین‌المللی سبب می‌شود که از منابع محدود جهانی استفاده بهینه به عمل آید.

همواره میان ادامه سیاست‌های آزادسازی و یا اتخاذ سیاست‌های حمایتی تعارض و تضادهایی وجود دارد. اگر استراتژی کشور در بلندمدت دستیابی به آزادی اقتصادی باشد، باید اقدامات آزادسازی به سمت جلو و پیشرفت حرکت کند و اگر نه، نظام اقتصادی با بی‌تعادلی مواجه شده، همانند یک دوچرخه واژگون خواهد شد. این موضوع در نظریه دوچرخه^۱ در تجارت بین‌الملل مطرح شده است.

فردریک باتیستا، اقتصاددان فرانسوی مثالی معنادار در زمینه ناکارایی سیاست‌های حمایتی ارائه می‌دهد که به قضیه «شمع‌سازان در مقابل خورشید»^۲ معروف است. در این مثال شمع‌سازان فرانسوی از دولت می‌خواهند که در مقابل نور خورشید حمایت شوند. زیرا، نور خورشید موجب می‌شود تا تقاضا برای شمع کم شود و اگر از ورود نور خورشید به خاک فرانسه جلوگیری شود، شمع‌فروشان داخلی می‌توانند منافع بسیاری به دست آورند. بنابراین وی حمایت از صنایع داخلی را موجب ناکارایی اقتصاد می‌داند و عقیده دارد تجارت آزاد رقابت اقتصادی را بیشتر می‌کند و موجب افزایش کیفیت و کارایی در صنایع داخلی می‌شود و همچنین رفاه مصرف‌کننده را بیشتر می‌کند.

ضررهای ناشی از حمایت و چگونگی جبران آن همواره مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است. برای مثال باس تیبل^۳ عنوان می‌دارد که حمایت از صنایع نوزاد زیان‌هایی را به اقتصاد وارد می‌سازد که در دوره حمایت به مصرف‌کننده کالا منتقل می‌شود. بنابراین، حمایت باید حداقل متضمن ایجاد منفعی برای اقتصاد باشد که زیان‌های وارده را جبران کرده یا پوشش دهد.

اتخاذ سیاست‌های حمایتی (اعمال تعرفه، سهمیه و یا ایجاد محدودیت‌های تجاری) و وضع موانع پیش روی تجارت از دو طریق بر اقتصاد تأثیر منفی می‌گذارد که به آنها هزینه حمایت می‌گویند.^۴ یکی به صورت سوء تخصیص منابع در تولید با کاهش درآمد نهایی محصول از عوامل تولید و دیگری ایجاد اختلال در مصرف با کاهش تحمیلی رفاه مصرف‌کننده.

1. Bicycle Theory
2. Candle Makers Versus the Sun
3. Bas Table
4. Cost of Protection

۹۸ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

برخی از اقدامات حمایتی است که برخلاف ظاهر امر به تخصیص غیربهبینه منابع، محروم‌سازی صنایع دارای مزیت نسبی از منافع خود و انحراف در تجارت منجر می‌شود. به این اقدامات حمایتی که بیشتر در قالب موافقت‌نامه‌های محدودسازی صادرات صورت می‌پذیرد حمایتگرایی درجه اول^۱ می‌گویند.

نبود حمایتگرایی به معنای تجارت آزاد است که در آن کالاها و خدمات در بین مرزهای بین‌المللی براساس و مبنای مزیت نسبی حرکت می‌کند. همچنان‌که حمایتگرایی از طرف اقتصاددانان طرفدار تجارت آزاد انتقاد شده است، تجارت آزاد را نیز طرفداران حمایت یا اقتصاددانان درون‌نگر یا طرفدار سیاست جایگزین‌سازی واردات مورد حمله قرار می‌دهند.

همچنین هرچند در رویه‌های موجود سازمان جهانی تجارت، حمایت بی‌رویه تأیید نمی‌شود با این حال، در مواردی مانند مبارزه با آثار دامپینگ، یارانه و واردات بی‌رویه که به صنایع داخلی آسیب و لطمه جدی وارد می‌کند می‌توان از حمایت احتیاطی - حمایت ارادی^۲، مانند تدابیر و اقدامات ضد دامپینگ، وضع عوارض جبرانی و حفاظت‌ها یا اقدامات استحقاظی استفاده کرد.

بنابراین باید گفت که کشورها در برخی موارد از فرایند حمایت سود می‌برند. یکی از این موارد، همان بحث تعرفه بهینه است که می‌گوید در صورت عدم تلافی شریک تجاری هر کشور می‌تواند با وضع تعرفه محدود بر واردات سود ببرد. مورد دوم به صنعت نوزاد مربوط می‌شود.

یکی از مواردی که در موضوع حمایت‌ها مورد تأیید و توصیه قرار گرفته است بحث صنعت نوزاد یا نوپا^۳ است. طبق این بحث که به حمایت از صنایع داخلی مربوط است، برخی از فعالیت‌های اقتصادی ظرفیت و قابلیت رشد دارد و با حمایت از آنها در دوران ابتدایی فعالیت، می‌تواند در ادامه به مزیت نسبی دست یابد و پس از رشد، دیگر به حمایت نیاز نداشته باشد و بدون حمایت بتواند با صنایع مشابه خارجی رقابت کند. در این موارد حمایت از صنایع داخلی نوپا با ابزارهای مختلف مانند تعرفه و یا یارانه توصیه می‌شود.

1. First Order Protectionism
2. Contingent Protection
3. Infant Industry Argument

یکی از مباحث اساسی که در حمایت از صنایع نوپا مطرح می‌شود بحث آموختن از طریق عمل کردن^۱ است که می‌گوید حمایت دولت از یک صنعت، زمانی توجیه‌پذیر است که آن صنعت در پناه حمایت بیاموزد که می‌تواند در آینده روی پای خود ایستاده و از قدرت رقابت با صنعت مشابه برخوردار باشد.

از دیگر مباحثی که در زمان حمایت از صنایع نوپا باید مدنظر قرار گیرد رعایت ضابطه یا معیار میل باستیبل^۲ است که براساس آن به‌هنگام حمایت از صنایع نوپا باید به این موضوع توجه کرد که هزینه جاری این حمایت از منافع آتی و یا صرفه‌جویی‌های هزینه‌ای این صنایع در آینده، بیشتر نباشد.

برخی از اقتصاددانان خصوصاً اقتصاددانانی که از منافع کشورهای در حال توسعه حمایت می‌کنند چنین استدلال می‌نمایند که برای ایجاد بنگاه‌های دارای قدرت رقابتی در صنایع جدید، دولت‌ها باید به‌صورت موقت این صنایع را در برابر رقابت بین‌المللی محافظت کنند. در برخی موارد نیازی به حمایت از تمامی بخش‌های اقتصادی وجود ندارد و بخش‌های خاص برای حمایت هدف‌گذاری می‌شود که به آن تارگتینگ^۳ می‌گویند.

به‌میزان کل انواع حمایت‌های سالیانه داخلی برحسب ارزش پولی آن، که به‌صورت اعطای یارانه‌های دولتی به محصولات مختلف ارائه می‌شود کل میزان حمایت می‌گویند.^۴ نرخ اسمی حمایت^۵ مبین یک مفهوم اقتصادی است که به‌دلیل بالاتر بودن قیمت داخلی یک محصول نسبت به قیمت آن کالا در خارج از مرز را نشان می‌دهد. این نسبت بدون احتساب حقوق و عوارض گمرکی محاسبه می‌شود.

برای بیان اختلاف بین وضعیت، فرض عدم کمک به صنایع داخلی و وضعیت کمک کامل به صنایع داخلی از نرخ کمک مؤثر^۶ استفاده می‌شود. با این شاخص می‌توان مداخلات دولت را در زمینه‌های مختلف مثل کمک‌های ناشی از اعطای یارانه، برقراری تعرفه‌های ترجیحی و نظام تبعیض‌آمیز را در خرید از داخل در جریان تجارت محاسبه کرد. این شاخص نشان می‌دهد که چه هزینه‌های اضافی ناشی از کمک به صنایع داخلی به مصرف‌کنندگان تحمیل می‌شود.

-
1. Learning by Doing Argument
 2. Mill Bastable Criterion
 3. Targeting
 4. Aggregate Measurement of Support (AMS)
 5. Nominal Rate of Protection
 6. Effective Rate of Assistance (ERA)

۱۰۰ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

در این قسمت نرخ مؤثر و یا نرخ واقعی حمایت^۱ بررسی می‌شود. به‌طور معمول کشورها تمایل دارند که کالاهای مواد اولیه، قطعات منفصله و مواد خام را به کشور وارد کنند و کالاهای ساخته شده و مصرفی را صادر نمایند تا بتوانند از ارزش افزوده آن و ایجاد فرصت‌های شغلی در داخل کشور استفاده کنند. بنابراین، یا بر کالاهای خام و اولیه حقوق ورودی وضع نمی‌کنند و یا نرخ تعرفه وضع شده بر این مواد بسیار کمتر از نرخ وضع شده بر کالای مصرفی حاصل از تولید آن کالای خام به‌عنوان عوامل تولید آن صنعت است تا فعالان حوزه تجارت به واردات مواد خام و اولیه تشویق شوند. در چنین حالتی نرخ حمایت مؤثر از نرخ اسمی تعرفه بیشتر می‌شود.

نرخ حمایت مؤثر برحسب ارزش افزوده داخلی یا فراوری تولیدی انجام شده در داخل کشور محاسبه می‌شود. ارزش افزوده داخلی معادل تفاوت قیمت کالای نهایی و هزینه نهاده‌های تولیدی وارداتی است که برای تولید کالای نهایی به‌کار گرفته می‌شود. این نرخ برای تولیدکنندگان بسیار اهمیت دارد؛ زیرا نشان‌دهنده آن است که چه میزان از حمایت در عمل به فراوری تولید کالای داخلی تعلق می‌گیرد که دارای رقیب وارداتی است. ولی نرخ اسمی تعرفه که برحسب ارزش کالای نهایی محاسبه می‌شود برای مصرف‌کننده دارای اهمیت است؛ زیرا این نرخ نشان می‌دهد که بر اثر نرخ تعرفه چه مقدار بر قیمت کالای نهایی افزوده می‌شود. نرخ مؤثر حمایت از طریق فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$\left[\text{نرخ اسمی تعرفه عامل تولید} \times \left(\frac{\text{هزینه نهاده وارداتی}}{\text{هزینه کالای نهایی در غیاب تعرفه}} \right) - \text{نرخ اسمی تعرفه کالای نهایی} \right] \\ \text{نرخ مؤثر حمایت برای تولیدکنندگان داخلی} = \frac{\quad}{1 - \left(\frac{\text{هزینه نهاده وارداتی}}{\text{هزینه کالای نهایی در غیاب تعرفه}} \right)}$$

برای مثال فرض می‌شود که هزینه عامل تولید یک کالا ۶۰ تومان و هزینه تمام شده کالای نهایی ۱۰۰ تومان است. دولت برای حمایت از تولیدکننده داخلی بر محصول

1. Effective Rate of Protection (ERP)

فصل چهارم تعریف تعرفه و سیاست‌های تعرفه‌ای برای حمایت از ... ۱۰۱

نهایی ۱۰ درصد تعرفه وضع می‌کند و برای تشدید این حمایت هیچ‌گونه تعرفه‌ای بر عامل تولید وضع نمی‌نماید تا هزینه تولیدکننده پایین‌تر باشد. در این حالت نرخ مؤثر حمایت برای تولیدکننده داخلی به شرح زیر است:

$$ERP_{\%0}^{\%10} = \frac{\%10 - \left[\left(\frac{60}{100}\right) \times \%0\right]}{1 - \left(\frac{60}{100}\right)} = \frac{\%10}{\%40} = \%25$$

همان‌طور که مشاهده می‌شود در این حالت نرخ حمایت مؤثر از تولیدکننده ۲۵ درصد است و نه ۱۰ درصد. در این حالت ۶۰ تومان هزینه عامل تولید، ۴۰ تومان ارزش افزوده و ۱۰ تومان نرخ تعرفه اسمی است و ۲۵ درصد نرخ تعرفه مؤثر است که از حاصل تقسیم هزینه نرخ اسمی تعرفه بر ارزش افزوده $\left(\frac{10}{40}\right)$ حاصل می‌شود. به عبارتی از دید مصرف‌کننده نرخ تعرفه ۱۰ تومان به هزینه مصرف آنها افزوده و کالا را به جای ۱۰۰ تومان، ۱۱۰ تومان خریداری می‌کند ولی از نظر تولیدکننده این ۱۰ تومان افزوده شده معادل ۲۵ درصد از ۴۰ تومان ارزش افزوده تولید در داخل است. یعنی ارزش افزوده داخلی معادل ۲۵ درصد حمایت شده است و نه ۱۰ درصد. نرخ حمایتی که تولیدکنندگان به آن توجه دارند نرخی است که آنها را به تولید در داخل کشور تشویق می‌کند و تولید آنها را در مقابل تولید خارج رقابت‌پذیر می‌سازد.

حال فرض کنید که دولت بخواهد حمایت خود را از این تولید کمتر کند ولی نه با کاهش نرخ تعرفه کالای مصرفی بلکه، با اعمال وضع تعرفه بر عوامل تولید مورد نیاز آن محصول. در این حالت فرض می‌شود که بر عوامل تولید نیز تعرفه‌ای ۱۰ درصدی وضع شود، در این حالت نرخ مؤثر حمایت برای تولیدکننده داخلی به شرح زیر خواهد بود:

$$ERP_{\%10}^{\%10} = \frac{\%10 - \left[\left(\frac{66}{100}\right) \times \%10\right]}{1 - \left(\frac{66}{100}\right)} = \frac{\%3/4}{\%34} = \%10$$

۱۰۲ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

همان‌طور که مشاهده شد در این حالت نرخ تعرفه مؤثر با نرخ تعرفه اسمی برابر شد. دوباره به همان نکته ابتدایی اشاره می‌شود که وقتی تعرفه‌ها به صورت پلکانی قرار گیرد و ساختار افزایشی یا پلکانی تعرفه برحسب مراحل تولید^۱ در اقتصاد برقرار باشد، (برای مثال عوامل تولید از پرداخت حقوق ورودی معاف و یا نرخ تعرفه کمتری نسبت به کالای نهایی داشته باشد) نرخ حمایت مؤثر از نرخ اسمی تعرفه بیشتر می‌شود.

استفاده از این سیاست‌ها به شدت به کاربرد عوامل تولید^۲ یعنی سهم نسبی یک عامل تولید نسبت به عامل یا عوامل تولید دیگر و یا درجه و میزان وفور عوامل تولید^۳ بستگی دارد. البته گفتنی است که این عوامل همیشه ثابت نبوده و ممکن است تغییر قیمت‌های عوامل تولید موجب پدیده معکوس شدن شدت کاربرد عوامل^۴ شود. بنابراین، نسبت‌های عوامل تولید^۵ در طول زمان متغیر بوده و به همراه جایگزینی عوامل تولید^۶ می‌تواند بر میزان نرخ حقوق ورودی وضع شده به روش پلکانی برحسب عوامل تولید تأثیرگذار باشد.

۷-۴ مفهوم تعرفه و تعریف حقوق ورودی در ایران

حقوق ورودی یکی از تعاریف اساسی حوزه تجارت محسوب می‌شود که توجه به آن از چند منظر مهم است. تجمیع همه وجوهی که از واردات اخذ می‌شود، اخذ تمامی وجوه به دست یک مرجع سازمانی و تطابق تعاریف داخلی با تعاریف بین‌المللی موضوعاتی است که این تعریف را در چند سال گذشته با تغییراتی مواجه کرده است.

ارائه تعاریف و اصطلاحات تجاری به صورت شفاف و جامع که از نظر حقوقی با تعاریف بین‌المللی، هماهنگی داشته و ضامن رعایت حقوق همه ذی‌ربطان و ذی‌نفعان حوزه تجارت باشد به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی دستیابی به توسعه تجاری و زیرساختی ضروری برای توسعه همکاری‌های بین‌الملل است. بنابراین، اجماع‌نظر در

-
1. Escalated Structure of Tariff
 2. Factor Intensities
 3. Factorial Terms of Trade
 4. Factor Intensity Reversal
 5. Factor Proportions
 6. Factor Substitution

فصل چهارم تعریف تعرفه و سیاست‌های تعرفه‌ای برای حمایت از ... ۱۰۳

تعاریف اولیه به‌عنوان پایه‌ای مناسب برای تجارت محسوب می‌شود. هرچند ایران با توجه به سابقه تجاری خود از پشتوانه عمیقی در حوزه تجارت برخوردار است، ولی با توجه به تحولات تجارت بین‌الملل، کاربرد وسیع آن در اقتصاد، تشکیل سازمان‌های بین‌الملل و جهانی و به‌خصوص الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت یکسان‌سازی تعاریف تجاری که بار حقوقی نیز دارد از مهم‌ترین بسترهای ترتیبات و موافقت‌نامه‌های تجاری است.

براساس تعاریف بین‌المللی^۱ تعرفه شامل حقوق و عوارض و سایر مالیات‌های وضع شده در مرزهای هر کشور بر کالاهای وارداتی از کشورهای دیگر است. براساس این تعرفه معمولاً درصدی از ارزش کالا، مبلغی معین به‌ازای هر واحد کالا یا تلفیقی از این دو یا هر کدام که بیشتر باشد به اختیار واردکننده اخذ می‌شود.

۱-۷-۴ حقوق ورودی قبل از تصویب قانون موسوم به تجمیع عوارض^۲ در بند «الف» ماده (۲) قانون امور گمرکی^۳ به تعریف حقوق گمرکی^۴ کالاهای وارداتی اشاره شده است.

مطابق این ماده، حقوق گمرکی وجوهی است که میزان آن به‌موجب جدول تعرفه گمرکی ضمیمه این قانون تعیین و دریافت می‌شود. در سال ۱۳۵۰ نظام طبقه‌بندی تعرفه‌ای براساس «نظام تعرفه شورای همکاری گمرکی»^۵ شکل گرفت و در سال ۱۳۷۴ به‌موجب قانون^۶ نظام قبلی تغییر یافته و تاکنون طبقه‌بندی تعرفه‌ها براساس «نظام هماهنگ شده توصیف کدگذاری کالا»^۷ تعیین می‌شود.

۱. سیفا... صادقی یارندی و مسعود طارم‌سری، همان.

۲. قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی، مصوب ۱۳۸۱/۱۰/۲۲ مجلس شورای اسلامی.

۳. قانون امور گمرکی، مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰ مجلس شورای ملی با آخرین اصلاحات تا پایان سال ۱۳۷۶.

4. Customs Duties

5. Customs Co-operation Council Nomenclature (CCCN)

۶. قانون تعیین حقوق گمرکی کالاهای وارداتی براساس سیستم هماهنگ شده توصیف و کدگذاری کالا مصوب ۱۳۷۴/۱۰/۱۰ مجلس شورای اسلامی و تأیید ۱۳۷۴/۱۰/۲۰ شورای نگهبان.

7. The Harmonized Commodity Description and Coding System (HS)

۱۰۴ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

حقوق گمرکی در اصطلاح بین‌المللی، نوعی مالیات غیرمستقیم است که در یک دوره معین دریافت و به‌عنوان بخشی از درآمد عمومی دولت محسوب می‌شود. از سوی دیگر، این حقوق دریافتی نوعی مانع تعرفه‌ای^۱ است و بنابه مقتضیات خاص هر کشور برحسب ارزش کالا یا واحدی مقطوع دریافت می‌شود.

در بند «ب» ماده (۲) قانون امور گمرکی نیز به سود بازرگانی اشاره شده است. مطابق این بند، سود بازرگانی وجهی است، که براساس قانون انحصار تجارت خارجی،^۲ به‌موجب تصویب‌نامه هیئت وزیران برقرار می‌شود. اصطلاح سود بازرگانی مخصوص ایران بوده و جنبه بین‌المللی ندارد.

هرچند سود بازرگانی نیز همانند حقوق گمرکی نوعی مالیات غیرمستقیم است که از واردات قطعی به‌صورت درصدی از ارزش کالای وارداتی اخذ و به درآمدهای دولت واریز می‌شود، ولی از تفاوت‌هایی نیز برخوردار است، برای مثال به‌موجب تصویب‌نامه و مصوبه هیئت وزیران می‌تواند تغییر کند درحالی‌که تغییر مالیات فقط با مصوبه مجلس امکان‌پذیر است.

در بند «ج» ماده (۲) قانون امور گمرکی به موضوع هزینه‌های گمرکی اشاره شده است. مطابق این بند، هزینه‌های گمرکی وجوهی است که میزان و شرایط آن با تصویب هیئت وزیران برای تخلیه، باربری، بارگیری، انبارداری، آزمایش و تعرفه‌بندی، بدرقه کالا و خدمات فوق‌العاده تعیین می‌شود.

در بند «د» ماده (۲) قانون امور گمرکی به موضوع عوارض اشاره شده است. عوارض، وجوهی است که وصول آن طبق مقررات به عهده گمرک واگذار می‌شود. عوارض را می‌توان نوعی مالیات غیرمستقیم فرض کرد که در صورت تعلق به واردات گمرک وصول می‌کند، فرق بین عوارض و مالیات در مشخص کردن محل مصرف آن است یعنی عوارض به مصرف مؤسسه یا سازمان دولتی یا عام‌المنفعه خاص می‌رسد، ولی مالیات مصرف عمومی دارد.

قبل از قانون تجمیع عوارض، عوارض متعددی مانند عوارض شهرداری، هلال احمر،

1. Tariff Barrier

۲. قانون واگذاری انحصار تجارت خارجی مملکت به دولت، مصوب ۱۳۰۹/۱۲/۶ مجلس شورای ملی و اصلاحات بعدی آن.

فصل چهارم تعریف تعرفه و سیاست‌های تعرفه‌ای برای حمایت از ... ۱۰۵

تعاون، ویژه، صندوق حمایت، آموزش و پرورش، صدا و سیما، آسفالت، بندر، بهداری، هوایی و حق ثبت سفارش از واردات کالا اخذ می‌شد.^۱

۲-۷-۴ حقوق ورودی بعد از تصویب قانون موسوم به تجمیع عوارض

همان‌طور که عنوان شد قبل از تصویب قانون تجمیع عوارض، حقوقی که از واردات اخذ می‌شد به‌طور عمده به چهار قسمت حقوق گمرکی، سود بازرگانی، هزینه‌های گمرکی و عوارض تقسیم می‌شد و خود آنها نیز از اجزای متفاوتی برخوردار بود.

تعدد عوارض و وجوه دریافتی از کالاهای وارداتی به‌دلیل مشکلات اجرایی و تلقی موانع غیرتعرفه‌ای از آنها موجب تصویب قانون مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۲ تحت عنوان «قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه دریافتی از تولیدکنندگان کالا و ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی» در مجلس شورای اسلامی شد. از آنجا که مصوبه مربوط، تجمیع عوارض را هدف قرار داده بود به قانون تجمیع عوارض شهرت یافت و از ابتدای سال ۱۳۸۲ لازم‌الاجرا شد.

مطابق ماده (۲) قانون موسوم به تجمیع عوارض «حقوق گمرکی، مالیات، حق ثبت سفارش کالا، انواع عوارض و سایر وجوه دریافتی کالاهای وارداتی تجمیع شده، معادل چهار درصد (۴٪) ارزش گمرکی کالاها تعیین شد. به مجموع این دریافتی (حقوق پایه) و سود بازرگانی که طبق قوانین مربوطه توسط هیئت وزیران تعیین می‌شود حقوق ورودی اطلاق شد».

همچنین در تبصره «۱» این ماده مواردی که در تعیین نرخ حقوق ورودی می‌باید لحاظ شود مورد نظر قرار گرفت.

بنابراین، حقوق ورودی پس از تصویب این قانون، تلفیقی از حقوق پایه مصوب مجلس و سود بازرگانی مصوب دولت است که براساس درصدی از ارزش کالا و مطابق تعرفه طی مراحل مختلف براساس قانون تعیین و دریافت می‌شود.

بنابراین براساس قانون تجمیع عوارض حقوق ورودی عبارت است از:

حقوق ورودی = سود بازرگانی + حقوق پایه

۱. رضا بنایی، آشنایی با مقررات گمرکی و ترخیص کالا، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، وزارت بازرگانی، تهران، ۱۳۸۱.

۱۰۶ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

و حقوق پایه^۱ = حقوق گمرکی + مالیات حق ثبت سفارش کالا + انواع عوارض + سایر وجوه دریافتی
بنابراین در ماده (۲) قانون تجمیع عوارض به صراحت به موضوع اخذ سود بازرگانی اشاره شده است.

۳-۷-۴ حقوق ورودی بعد از تصویب قانون مالیات بر ارزش افزوده

همان‌طور که عنوان شد بعد از تصویب قانون تجمیع عوارض، جایگاه اصلی تعریف حقوق ورودی ماده (۲) این قانون بوده و در تمامی موارد نیز به آن استناد می‌شد.
باین‌حال، در زمان تصویب قانون مالیات بر ارزش افزوده^۲ براساس ماده (۵۲) این قانون مقرر شد که از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۱۳۸۱ و اصلاحیه بعدی آن و سایر قوانین و مقررات خاص و عام مغایر مربوط به دریافت هرگونه مالیات غیرمستقیم و عوارض بر واردات و تولید کالاها و ارائه خدمات لغو شود.
بنابراین به موجب قانون مالیات بر ارزش افزوده، قانون تجمیع عوارض لغو شد.
باین‌حال حکم مربوط به ماده (۲) قانون تجمیع یعنی تعریف حقوق ورودی در ماده (۴۱) قانون مالیات بر ارزش افزوده توجه شده است.
مطابق ماده (۴۱) قانون مالیات بر ارزش افزوده، حقوق گمرکی معادل ۴ درصد ارزش گمرکی کالاها تعیین و به مجموع این دریافتی و سود بازرگانی که طبق قوانین مربوطه هیئت وزیران تعیین می‌کند، حقوق ورودی اطلاق شد.
در تبصره «۱» این ماده به مواردی که در تعیین نرخ حقوق ورودی می‌باید مورد نظر قرار گیرد اشاره و تبصره «۲» نیز تمام موارد معافیت‌ها و استثنایها را احصا کرده

۱. اداره کل مقررات صادرات و واردات، قانون مقررات صادرات و واردات (مصوب ۱۳۷۲/۷/۴) مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه اجرایی آن به ضمیمه جداول مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۸۶، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، وزارت بازرگانی، ۱۳۸۶، ص ۵۰.

۲. قانون مالیات بر ارزش افزوده، مصوب جلسه ۱۳۸۷/۲/۱۷، کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی طبق اصل ۸۵ قانون اساسی و تصویب آزمایشی و پنج ساله آن توسط مجلس، تأیید ۱۳۸۷/۳/۲ شورای نگهبان.

است. بنابراین حقوق ورودی پس از تصویب این قانون تلفیقی از حقوق گمرکی مصوب مجلس و سود بازرگانی مصوب دولت است که براساس درصدی از ارزش کالا و مطابق تعرفه، طی مراحل مختلف براساس قانون تعیین و دریافت می‌شود.

همان‌طور که عنوان شد با تصویب قانون مالیات بر ارزش افزوده، قانون تجمیع عوارض لغو شده و براساس ماده (۴۱) قانون مالیات بر ارزش افزوده حقوق ورودی عبارت است از:

$$\text{حقوق ورودی} = \text{حقوق گمرکی} + \text{سود بازرگانی}$$

بنابراین در ماده (۴۱) قانون مالیات بر ارزش افزوده نیز به‌صراحت به موضوع اخذ سود بازرگانی اشاره شده است.

یکی از مباحثی که از سود بازرگانی به‌عنوان ابزاری برای آن استفاده می‌شود بحث مقابله با قیمت‌شکنی^۱ یا دامپینگ است. به این موضوع در ماده (۷) قانون امور گمرکی^۲ اشاره و راهکار مقابله با دامپینگ، وضع سود بازرگانی ویژه عنوان شده است، ولی در بند «ح» ماده (۳۳) قانون برنامه چهارم که به اقدامات ضد دامپینگ می‌پردازد، ذکری از سود بازرگانی ویژه نیامده است. این ماده بیان می‌کند که دولت مکلف است تدابیر، اقدامات مؤثر حفاظتی، جبرانی و ضد دامپینگ در مواردی که کالایی با موقعیت غیرمتعارف یا امتیاز قابل توجه به کشور وارد می‌شود را اتخاذ و اعمال کند.

با توجه به اهداف اصلی سازمان جهانی تجارت، موافقت‌نامه‌های تجاری این سازمان سه هدف: کمک به جریان هرچه آزادتر تجارت، نیل به آزادسازی تدریجی بیشتر با مذاکره و تأسیس مرجع بی‌طرف برای حل و فصل اقدامات تجاری را دنبال می‌کند.

بنابراین، موافقت‌نامه‌های این سازمان تلاش دارد تا مقرراتی مشخص برای اقداماتی که تجارت را محدود می‌کند وضع کنند. یکی از این موافقت‌نامه‌ها، موافقت‌نامه ضد قیمت‌شکنی (ضد دامپینگ) در سازمان جهانی تجارت است^۳ که در ماده (۶) موافقت‌نامه عمومی تعرفه

۱. مطابق تعاریف سازمان جهانی تجارت، عرضه کالاهای صادراتی در بازارهای خارجی به زیر قیمت معمولی را قیمت‌شکنی یا دامپینگ می‌گویند که از مقایسه قیمت صادراتی با ارزش عادی کالا تشخیص داده می‌شود.

۲. قانون امور گمرکی، مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰ مجلس شورای ملی، با آخرین اصلاحات تا پایان سال ۱۳۷۶.

۳. غزاله دژم‌خوی و فرزاد مرادپور، موافقت‌نامه‌های ضد قیمت‌شکنی (ضد دامپینگ) و حفاظت‌ها، مجموعه آموزشی سازمان جهانی تجارت، ساختار، قواعد و موافقت‌نامه‌های نمایندگی تام‌الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، وزارت بازرگانی، ۱۳۸۵.

۱۰۸ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

و تجارت (گات) در سال ۱۹۴۷ توجه شد و در دور اروگوئه به‌عنوان موافقت‌نامه‌ای مشخص به تصویب سازمان رسید. هدف اصلی این موافقت‌نامه تعریف قیمت‌شکنی و احصای شروط اصلی اتخاذ اقدامات ضدقیمت‌شکنی است تا کشورها به بهانه مبارزه با دامپینگ نتوانند به‌صورت سلیقه‌ای تجارت یکدیگر را محدود کنند. شروط اصلی این اقدامات عبارت‌اند از:

- اثبات انجام یافتن قیمت‌شکنی از طریق مقایسه قیمت صادراتی با ارزش عادی و محاسبه حاشیه قیمت‌شکنی.

- اثبات ورود لطمه به صنعت داخلی تولیدکننده محصول مشابه در کشور واردکننده،
- اثبات رابطه علت و معلولی بین قیمت‌شکنی و لطمه وارد شده.

گفتنی است که احراز شروط فوق منوط به انجام تحقیقات با اوضاع خاص بین‌المللی است. همان‌طور که مشاهده می‌شود تلاش شده است که انجام اقدامات ضد دامپینگ نظام‌مند و روش‌مند شود تا به آزادسازی تجاری لطمه‌ای وارد نشود.

فارغ از چگونگی احراز شرایط قیمت‌شکنی، ابزاری که در ادبیات بین‌المللی برای مقابله با آن در نظر گرفته شده است «عوارض ضدقیمت‌شکنی» است نه سود بازرگانی، زیرا محل مصرف عوارض مشخص است و با توجه به اینکه قیمت‌شکنی به‌طور مستقیم به صنعت داخلی تولیدکننده محصول مشابه لطمه وارد می‌کند، عوارض وضع شده بر آن کالا نیز تا زمانی که لطمه برطرف شده و عوارض مذکور قطع شود، باید به مصرف در همان بخش برسد.

در این موافقت‌نامه حتی نوع و نحوه اقدامات ضدقیمت‌شکنی و اقدامات جایگزین شامل انواع اقدامات (اقدامات موقتی، تعهد قیمتی و اقدامات نهایی)، تصمیم نهایی در خصوص وضع و میزان عوارض با کشور واردکننده و مدت اقدامات و چگونگی تجدیدنظر در آن ذکر شده است.

همان‌طور که عنوان شد در تمامی کشورهای عضو یا غیرعضو سازمان جهانی تجارت کلیه وجوه دریافتی از واردکننده تحت عنوان حقوق ورودی تجمیع شده است و هیچ واژه‌ای تحت عنوان سود بازرگانی در قوانین تجاری خود ندارد. اما امکان وضع مقررات جبرانی برای اقدامات ضدقیمت‌شکنی با استفاده از «عوارض ضدقیمت‌شکنی» وجود دارد، بنابراین حذف واژه سود بازرگانی از ادبیات قانونی ایران خللی به این موضوع وارد نمی‌کند.

فصل چهارم تعریف تعرفه و سیاست‌های تعرفه‌ای برای حمایت از ... ۱۰۹

واضح است که اگر تعریف جدیدی از طرف مجلس شورای اسلامی به‌عنوان مصوبه قانونی ارائه شود تمام قوانین مغایر با آن لغو و تعریف جدید حقوق ورودی جایگزین تعاریف قدیم خواهد شد.

در تعریف جدید حقوق ورودی می‌توان تصویب آن را به عهده هیئت وزیران قرار داد با این شرط که حقوق ورودی کالاهای وارداتی نباید کمتر از نرخ پایه ۴ درصد باشد. تصویب نرخ حداقل برعهده مجلس قرار گیرد تا متضمن حداقل حقوق ورودی دریافتی تحت نظارت مجلس باشد. به این ترتیب، دولت می‌تواند مطابق تشریفات قبلی یعنی استفاده از ابزار کمیسیون ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی مقررات صادرات و واردات، حقوق ورودی کالاها را با حفظ کف مشخص تعیین شده مجلس تغییر دهد. می‌توان در تبصره این ماده واحده به کف حداقل نرخ حقوق ورودی اشاره کرد تا در صورت لزوم تغییر آن، نیازی به تغییر کل ماده واحده نباشد و تنها تبصره آن اصلاح شود.

در همه کشورها، مطابق قوانین بین‌المللی گمرکی، هزینه‌های خدمات گمرکی که با حجم و مقدار کالا مرتبط است در زمره حقوق ورودی نبوده و حسب مورد مطابق قوانین مربوط مشخص می‌شود.

در این ماده، می‌توان تصریح کرد که حقوق ورودی را فقط گمرک ایران اخذ می‌کند تا اصل گیشه واحد^۱ به‌عنوان حذف دستگاه‌های مختلف دست‌اندرکار دریافت وجوه و افزایش بوروکراسی اداری رعایت شده و قسمتی از مشکلات پیش روی واردکنندگان از نظر مراجعه به سازمان‌های مختلف برای پرداخت حقوق ورودی حل شود.

با توجه به موارد فوق می‌توان تعریفی به شرح زیر برای حقوق ورودی عنوان کرد: «حقوق ورودی که صرفاً گمرک جمهوری اسلامی ایران اخذ می‌کند عبارت است از تمام وجوهی که به ورود کالا تعلق گرفته، ولی شامل هزینه‌های انجام خدمات نمی‌شود. این حقوق مطابق قوانین مربوط هیئت وزیران تعیین می‌کند و نباید از نرخ حداقلی که مجلس تعیین می‌کند کمتر باشد».

تبصره - نرخ حداقل حقوق ورودی در زمان تصویب این قانون، ۴ درصد تعیین شد.

۸-۴ آثار تعرفه

تعرفه، مهم‌ترین ابزار اتخاذ سیاست جایگزینی واردات^۱ به معنای جایگزین‌سازی واردات با محصولات داخلی است. هدف اصلی این سیاست توسعه ظرفیت تولیدی در بخش کالا و خدمات و کاهش واردات است که قصد دارد به افزایش اشتغال و کاهش کسری حساب جاری در تراز پرداخت‌ها بیانجامد. با این حال کشورهایی که این سیاست را اتخاذ کرده‌اند به این اهداف دست نیافته‌اند زیرا به کشورهای تبدیلی می‌شوند که مجبورند کالاهای سرمایه‌ای را وارد کنند. از طرف دیگر، اتخاذ این سیاست با اعمال محدودیت بر واردات و گسترش یارانه به تولید داخل موجب افزایش هزینه تولید و کاهش صادرات می‌شود. به این کشورها، کشورهای درون‌نگر می‌گویند. مهم‌ترین ضربه‌ای که این سیاست بر اقتصاد وارد می‌کند آن است که نگاه‌های اقتصادی مجبورند عوامل تولید را به قیمتی بالاتر از قیمت‌های جهانی خریداری کنند و در نتیجه قیمت تمام شده محصول آنها افزایش یافته و در فضای رقابتی جهانی مزیت صادراتی خود را از دست می‌دهند. بنابراین اولین ضربه این سیاست بر صادرات است.

این سیاست، اثر توزیع درآمدی گسترده‌ای نیز دارد زیرا؛ نرخ دستمزدها به دلیل حمایت افراطی از بخش‌های غیرمولد داخلی در کارخانجات تولیدی به خصوص مکان‌های شهری بالا می‌رود و اولین نتیجه آن، تسریع در مهاجرت از روستا به شهر است. این سیاست در کوتاه‌مدت موجب افزایش تولید محصولات صنعتی می‌شود. ولی در بلندمدت نرخ رشد تولید به علت افزایش تقاضا برای محصول رقیب وارداتی کاهش می‌یابد.

تعیین نرخ تعرفه از جهات بسیاری حائز اهمیت است زیرا؛ دولت با تعیین نرخ تعرفه بهینه می‌تواند دامنه فعالیت واردکنندگان را در این حوزه مشخص سازد و نرخ‌های تعرفه‌ای که با هدف وصول درآمدهای بیشتر برای دولت وضع می‌شود دارای تبعاتی مانند ایجاد فضای نامناسب برای فعالان بخش تجارت و افزایش پدیده قاچاق یا گسترده‌ی اقتصاد زیرزمینی را فراهم می‌سازد. از طرف دیگر، با عنایت به الزام الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت و کاهش قاچاق و سالم‌سازی فضای تجارت و تأمین منافع بلندمدت ملی، کاهش نرخ تعرفه از مواردی است که می‌باید مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گیرد.

برای دستیابی به راه‌حلی اقتصادی برای از بین بردن قاچاق باید نرخ تعرفه‌ای را اتخاذ کرد که موقعیت قاچاق‌کننده و واردکننده رسمی به‌خصوص از نظر قیمت تمام شده یکسان شود. بسیاری از کارشناسان بر این اعتقادند که کاهش نرخ تعرفه موجبات کاهش درآمدهای دولت را فراهم خواهد کرد ولی بررسی برخی کالاهای خاص نشان می‌دهد که کاهش نرخ تعرفه سبب افزایش واردات رسمی و در نتیجه افزایش درآمد دولت شده و به‌موازات این پدیده قاچاق نیز کاهش یافته است. علاوه‌براین، مزایای اقتصادی کاهش نرخ تعرفه موقعیت پیوستن ایران به سازمان جهانی تجارت را نیز سهل‌تر می‌سازد.

باین‌حال، در کنار کاهش نرخ تعرفه و افزایش واردات باید به مواردی مانند حفظ تعادل تراز پرداخت‌ها، تنظیم ترکیب کالاهای وارداتی برای ارتقای صادرات و بررسی عرضه و تقاضای کالاهای وارداتی توجه خاص داشت.

اعمال نرخ تعرفه به‌عنوان یکی از ابزارهای دولت از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا می‌توان سیاست‌های حمایتی نظیر حمایت از تولیدات و اشتغال داخلی، سیاست‌های تنظیمی تجاری نظیر بهبود نرخ مبادله و مقابله با دامپینگ و سیاست‌های تأمین درآمدی نظیر کسب درآمدهای مالیاتی و موازنه تراز پرداخت‌ها را به کمک آن اعمال کرد. به‌نظر می‌رسد هدف سیاست‌گذاران کشور ما از وضع نرخ تعرفه بیشتر توجه به تأمین درآمد دولت بوده است تا موارد فوق.

درعین‌حال می‌توان درباره برخی کالاهای واسطه‌ای این‌گونه استنباط کرد که دولت بیش از دیگران از کاهش نرخ تعرفه‌ها منتفع خواهد شد زیرا؛ دولت خود واردکننده است و وضع تعرفه بالا به‌مثابه آن است که دولت از دولت مالیات اخذ می‌کند ضمن آنکه کاهش تعرفه‌ها می‌تواند بر تسهیل فعالیت‌های تجاری بخش خصوصی تأثیر سازنده‌ای به‌جای گذارد و از طرفی منفعتی از کاهش تعرفه‌ها نصیب دولت می‌شود زیرا همان‌گونه که گفته شد وضع تعرفه‌های بالا، قیمت تمام شده کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای را به دنبال داشته و به تبع آن قیمت کالاهای تولیدی داخل افزایش می‌یابد. این امر به عدم قدرت رقابت قیمتی و کاهش تقاضا و مصرف و در نهایت عدم فروش و افزایش موجودی انبار منجر می‌شود که زیان شرکت‌های دولتی و عدم تزریق به‌موقع نقدینگی را به همراه دارد و در نتیجه آن برخی از کارخانجات کشور با کمتر از ظرفیت تولیدی به فعالیت خواهند پرداخت. ازسوی‌دیگر، با کاهش نرخ تعرفه انتظار می‌رود که حجم واردات افزایش

۱۱۲ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

یافته و نگرانی دولت از بابت کاهش درآمد از محل مالیات بر واردات مرتفع شود. با کاهش نرخ‌های تعرفه به‌خصوص در اقلام عمده قاچاق، واردات از مجاری قانونی افزایش یافته و واردات رسمی را با صرفه می‌سازد و از آنجاکه ریسک قاچاق فعالان بخش غیررسمی را محدود می‌کند؛ بسیاری از فعالان این بخش به سمت فعالیت در بخش رسمی سوق داده می‌شوند. با افزایش حجم واردات در بخش رسمی و کاهش حجم قاچاق در بخش غیررسمی و انتقال آن به بخش رسمی امید است که بخشی از درآمدهای دولت که به دلیل کاهش نرخ‌های تعرفه از دست می‌رود با افزایش حجم واردات جبران شود. در این زمان شایسته است، دولت و مجلس با هدفمند کردن و برنامه‌ریزی در ترکیب کالاهای وارداتی با هدف تقویت صادرات عواقب و برآیند موضوع را بررسی کنند.^۱

۴-۸-۱ اثر مصرفی تعرفه^۲

اثر مصرفی تعرفه به کاهش مصرف داخلی ناشی از افزایش قیمت کالا به دلیل وضع تعرفه بازمی‌گردد. وضع تعرفه سبب کاهش واردات و مصرف کالا می‌شود، در صورتی که این موانع تعرفه‌ای حذف شود واردات و مصرف افزایش می‌یابد.

۴-۸-۲ اثر تولیدی تعرفه^۳

افزایش تولید داخلی یک کالا بر اثر افزایش قیمت آن به علت وضع تعرفه است.

۴-۸-۳ اثر درآمدی تعرفه^۴

درآمد تعرفه‌ای^۵ درآمد حاصل از تعرفه برای دولت است که یکی از آثار وضع تعرفه است.

۴-۸-۴ اثر جایگزین‌سازی واردات^۶

یکی از آثار وضع تعرفه، اثر جایگزین‌سازی واردات است. با وضع تعرفه بر کالا، قیمت آن

۱. حسن یاسری، اظهار نظر کارشناسی دفتر بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس، گزارش نهایی نشده در مورد تعرفه کالاهای قند و شکر و تلویزیون، ۱۳۸۳.

2. Consumption Effect of a Tariff
3. Production Effect of Tariff
4. Revenue Effect of Tariff
5. Tariff Revenue
6. Import Substitution Effect

در کشور واردکننده بالا می‌رود و محصولات داخلی می‌تواند با کالای وارداتی رقابت کند. افزایش تولید داخلی کالاهای جایگزین واردات پس از وضع تعرفه و یا جایگزین شدن تولید داخلی به جای تولید خارجی را اثر جایگزینی واردات تعرفه می‌گویند.

۴-۸-۵ اثر بر شاخص‌های باز بودن بازار

یکی از آثار وضع تعرفه اختلال در شاخص‌های باز بودن بازار است که می‌خواهد ساختار باز بودن بازارها نسبت به رقابت‌پذیری بازار را ارزیابی کند.^۱ برای تهیه این شاخص‌ها از سه روش استفاده می‌شود:

۱. ارزیابی سطوح موانع تعرفه‌ای، غیرتعرفه‌ای و معادل‌های تعرفه‌ای،
 ۲. بررسی نتایج تغییرات سیاست آزادسازی با بررسی اثرات آن بر جریان تجارت، میزان و درجه گسترش تجارت درون صنعتی و ...،
 ۳. بررسی تعامل بین موانع و فرایند رقابتی در یک بازار.
- بنابراین رقابت‌پذیری بین‌المللی بازارها^۲ با عواملی چون موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، اوضاع تنظیمی مؤثر بر واردات خدمات، موانع ساختاری به شکل نظام‌های توزیع، مقررات داخلی سرمایه‌گذاری و رقابت تعیین می‌شود.

۴-۸-۶ اثر حمایتی از تولید داخلی

یکی از اصلی‌ترین آثار تعرفه، ایجاد مزیت برای صنایع در حال افول^۳ است. صنایع دارای مزیت نیز امکان دارد بر اثر افزایش هزینه تولید یا افزایش واردات، مزیت خود را از دست بدهد و به رقابت با بخش‌های جدیدالورود به اقتصاد قادر نباشد. در چنین مواردی این صنایع تقاضای حمایت و وضع تعرفه می‌کند تا بتواند به فعالیت خود ادامه دهد.

کاهش تعرفه ممکن است افزایش فزاینده واردات را موجب شود تا حدی که کالای مشابه تولید داخل با آسیب‌های جدی مواجه شود. برای پرهیز از این موضوع بندی قانونی به نام نقطه خطر^۴ در سیاست‌های تجاری لحاظ می‌شود که می‌توان با اتکا به آن

1. Indicators of Market Openness
2. International Contestability of Markets
3. Sunest Industries
4. Peril-point Prevision

۱۱۴ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

تعدیل‌هایی را در نرخ‌های تعرفه به عمل آورد. در موافقت‌نامه‌های متقابل تجاری، کف مشخصی برای کاهش تعرفه به این دلیل لحاظ می‌شود.

۷-۸-۴ اثر تجاری تعرفه^۱

یکی از آثار کاهش تعرفه، ایجاد تجارت^۲ است. به عبارتی، جانشین شدن تولید کالای یک کشور عضو اتحادیه گمرکی با واردات ارزان قیمت از عضو دیگر بر اثر کاهش نرخ تعرفه را ایجاد تجارت می‌گویند که این اقدام به افزایش رفاه کشور واردکننده می‌انجامد. هر اتحادیه گمرکی ایجادکننده تجارت علاوه بر افزایش رفاه اعضای خود، رفاه غیراعضا را نیز افزایش می‌دهد زیرا قسمتی از افزایش درآمد واقعی اعضای آن، که به علت تخصص‌گرایی در تولید حاصل می‌شود، سرریز شده و به صورت واردات بیشتر از بقیه جهان درباره بقیه کالاها تجلی پیدا می‌کند. اثر تجاری تعرفه به کاهش ایجاد شده در حجم تجارت کالا بر اثر تعرفه بازمی‌گردد.

۸-۸-۴ آثار منفی تعرفه‌ها بر رقابت

سیاست استفاده ابزاری از تعرفه‌ها یکی از اقداماتی است که در زمره اقدامات ضد رقابت^۳ محسوب می‌شود زیرا این موارد می‌تواند تجارت را محدود کند. سیاست رقابتی که قدرت رقابت را تقویت می‌کند^۴ مجموعه اقداماتی است که به منظور ایجاد و گسترش فضای رقابتی در اقتصاد کشور ایجاد می‌شود و هدف آنها ایجاد زمینه تخصیص کارا تر منابع است. این اقدامات معمولاً در چهار حوزه از فعالیت بنگاه‌ها مطرح می‌شود:

۱. اقداماتی برای حفظ و کنترل قیمت‌ها بین بنگاه‌ها،
۲. حفظ قیمت، فروش مجدد، محدودیت‌های جغرافیایی درباره فعالیت‌ها و معاملات یک بنگاه،
۳. جلوگیری از سوءاستفاده انحصارگران و بنگاه‌های بزرگ،

1. Trade Effect of a Tariff
2. Trade Creation
3. Anti-competative Practices
4. Competition Policy

۴. کنترل و ادغام بنگاه‌ها به منظور جلوگیری از ایجاد انحصار و گسترش رقابت. در هر حال، هدف اصلی از ایجاد فضای رقابتی حمایت از منافع مصرف‌کنندگان است. قدرت رقابتی یا رقابت‌پذیری^۱ به توانایی یک کالا برای رقابت با کالاهای جانشینین اطلاق می‌شود. مهم‌ترین عامل این شاخص، قیمت نسبی کالا است که علاوه بر هزینه تولید، به توزیع، بازاریابی، نرخ ارز و تورم وابسته است. در تجارت خارجی کاهش ارزش پول داخلی، افزایش قدرت رقابتی کالاها در بعد بین‌المللی را موجب می‌شود. نرخ تورم پایین و کیفیت بالای کالا نیز به قدرت رقابتی کالا می‌افزاید. هر چند می‌توان با اعمال سیاست‌های حمایتی و یا اعطای یارانه برای بخشی خاص، قدرت رقابتی ایجاد کرد ولی این اقدام به بخش‌های دیگر اقتصاد آسیب می‌رساند.

یکی از ابزارهای مهم ایجاد رقابت در اقتصاد، مقررات‌زدایی^۲ است. این اقدام فرایندی است که در آن کشورها ساختار مقرراتی صنایع و بنگاه‌های اقتصادی را برای اعتلا بخشیدن به رقابت و در نتیجه بهبود کارایی در تولید و توزیع کالا و خدمات اصلاح می‌کنند و مقررات دست‌وپاگیر و بیهوده را حذف می‌کنند.

۹-۸-۴ بار منفی یا هزینه حمایت^۳

این اثر شامل زیانی است که تعرفه به جامعه وارد می‌کند و در سایر بخش‌ها جبران نمی‌شود. این هزینه شامل زیان‌های واقعی وارده به رفاه هر کشور به‌علت ناکارایی در تولید و لطمات وارده به مصرف‌برائتر سیاست‌های حمایتی مثل تعرفه یا سهمیه‌بندی است.

با بررسی و ارزیابی آثار مختلف تعرفه مانند آثار مصرفی، تولیدی، درآمدی و ... این نکته حاصل می‌شود که برخی آثار منفی وضع تعرفه با برخی از آثار مثبت آن قابل جبران است ولی بخشی از آثار منفی آن را هیچ اثر مثبتی نمی‌تواند جبران کند. مثلاً کاهش مصرف بر اثر وضع تعرفه با هیچ اقدامی جبران نمی‌شود. این زیان‌ها، زیان غیرقابل جبران تعرفه و یا زیان اجتماعی تعرفه^۴ نامیده می‌شود.

1. Competativeness
2. Deregulation
3. Protection Cost or Deadweight Loss of Tariff
4. Deadweight Loss of Tariff

۴-۹ جمع‌بندی

تعرفه می‌تواند براساس ملاحظات و تأثیر بر مصرف‌کننده، یا تولیدکننده و ملاحظات سیاستی دولت تعیین شود که اثرات هریک نیز ارزیابی شد. شکل سه منحنی مازاد رفاه مصرف‌کننده، مازاد رفاه تولیدکننده و درآمد دولت، می‌تواند شکل تابع رفاه ملی را به‌دست دهد. با افزایش سطوح اولیه تعرفه، رفاه ملی افزایش یافته ولی با افزایش بیشتر نرخ تعرفه رفاه ملی کاهش می‌یابد.

کشور با وضع تعرفه بهینه می‌تواند به رفاهی بالاتر از وضعیت تجارت آزاد (تعرفه صفر) برسد. چنانچه تعرفه از نرخ بهینه افزایش یابد، رفاه ملی کاهش می‌یابد؛ زیرا همان‌گونه که گفته شد از سطح معینی به بعد افزایش تعرفه هیچ اثری بر رفاه کشور ندارد.

نتیجه مهمی که می‌توان گرفت، آن است که آزادسازی تجاری الزاماً به بهبود رفاه منجر نمی‌شود و نتیجه نهایی بستگی به وضعیت تعرفه فعلی نسبت به تعرفه بهینه دارد. استدلال‌های فوق برای کالاهایی حائز اهمیت بیشتری است که تعیین نرخ تعرفه بتواند بر نرخ جهانی آنها اثرگذار باشد. برخی تئوری‌های اقتصادی بازگوکننده این مطلب است که کشورهای کوچک و یا با سهم ناچیز در تجارت جهانی کالای مربوطه نمی‌توانند بر قیمت‌های جهانی اثرگذار باشند، بنابراین، تعرفه بهینه برای چنین کشورهایی صفر می‌باشد. و این مطلبی است که از نظر ملاحظات سیاسی و عملی برای هر کشور در حال توسعه تقریباً غیرممکن و معمولاً نرخ‌های تعرفه در این کشورها مثبت است.

اما ازسوی دیگر، می‌توان مشاهده کرد برخی محققان پیشنهاد وضع نرخ‌های تعرفه‌ای یکسان برای بخش‌ها و صنایع مختلف را دارند. زیرا در صورت اتخاذ سیاست‌های حمایتی، نایبستی به صنعت یا صنایع خاصی منحصر شود. به‌عبارت‌دیگر، بایستی حمایت کارایی یکسانی برای تمام صنایع فراهم کند. ملاحظات اقتصاد سیاسی نیز تأییدکننده تعرفه یکسان است. استدلال اقتصاد سیاسی آن است که در بعضی موارد محرک اصلی دولت‌ها در اعمال سیاست‌های تجاری فشارهای گروه‌های پرقدرت می‌باشد تا علایق دولتی برای بالا بردن رفاه مردم. در چنین حالتی لابی‌گری برای وضع تعرفه‌ها برقرار می‌شود، عده کمی منافع قابل توجهی به‌دست آورده و به‌این ترتیب منابع قابل توجهی را برای لابی‌گری تخصیص می‌دهند. و بالاخره اینک، نرخ‌های یکسان تعرفه به‌صورت خنثی و بی‌طرف عمل کرده، هزینه

رفاهی خالص را حداقل و هزینه نهایی انحراف در تولید را برای همه بخش‌ها یکسان می‌کند. مطالعات انجام شده در این گروه نظریات نشان می‌دهد که عملاً تعرفه یکسان در چند طبقه مختلف به صورت جداگانه به اجرا گذاشته می‌شود و همه بخش‌ها با تعرفه مشابه همراه نیست.

برخی محققان به بررسی تأثیر تعرفه یکسان در اقتصادها پرداخته و نتیجه‌گیری کردند که همه این کشورها منافع خاصی به دست می‌آورند.

البته برخی معتقدند نظام تعرفه یکسان خالی از ایراد نیست؛ زیرا چنین نظامی به معنای کاهش تعرفه‌های بالا و افزایش تعرفه‌های پایین می‌باشد که افزایش تعرفه مخصوصاً برای کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای بسیار بحث‌برانگیز است؛ چراکه در این صورت افزایش تعرفه به مثابه مالیات ضمنی برای کالاهای قابل صادرات است که از این نهاده‌ها استفاده می‌کند و در نهایت اثر منفی در تخصیص منابع برای بخش صادرات دارد. مثلاً می‌توان استدلال کرد که افزایش تعرفه‌ها برای واردات کالاهای سرمایه‌ای، جریمه کردن واردات دربردارنده تکنولوژی‌های مهم می‌باشد که عنصری حیاتی برای افزایش بازدهی است.

صاحب‌نظران این عرصه بیان کرده‌اند، به علت خصوصیات کشورهای در حال توسعه، یکسان بودن نرخ تعرفه می‌تواند با چند نرخ تعرفه‌ای همراه باشد، مثلاً هر کشور در حال توسعه می‌تواند پنج نرخ متفاوت برای نظام تعرفه‌ای خود داشته باشد که طبعاً در تنظیم این مقادیر می‌باید قدرت بازاری خود و کشش عرضه واردات را در نظر داشته باشد. در این صورت هیچ مقداری را نمی‌توان به عنوان نسخه‌ای دائمی و نرخی ثابت برای همه زمان‌ها و مکان‌ها در نظر گرفت و معرفی کرد. چنانکه گفته شده است «هیچ فرمول جادویی برای تعیین سطح مناسب تعرفه مقتضی ... وجود ندارد».

فصل پنجم

تأثیر تعرفه‌ها در بهای
کالاهای مصرفی

مقدمه

سیاست‌های حمایتی در بازرگانی با بالا بردن قیمت کالاهای وارداتی، انگیزه تولید داخلی در کشور را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، مصرف‌کنندگان داخلی را تحت فشار قرار می‌دهد، امری بدیهی که هیچ‌کدام از مدافعان سیاست‌های حمایتی منکر آن نیستند، هرچند شاید نخواهند زیاد درباره آن بحث کنند. «فریدریش لیست» مشهورترین اقتصاددان سیاست‌های حمایتی به‌صراحت مصرف‌کنندگان داخلی را تشویق به فداکاری در راه کمک به نسل آینده کرد، فداکاری که بایستی با اجتناب از خرید کالاهای ارزان قیمت خارجی انجام شود. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که مقدار این فداکاری چه اندازه باید باشد.

تجارت از منافع متعددی برخوردار است با این حال می‌توان مهم‌ترین اثر آن را افزایش در مصرف بر اثر پیدا کردن تخصص در تولید و تجارت نام برد. نظریه‌های متعدد در خصوص منافع حاصل از تجارت نشان می‌دهد کشورهایایی که در کالاهایی مشخص دارای تفاوت‌های قیمتی ساختاری هستند می‌توانند به‌جای انزوای طلبی و استفاده از سیاست خودکفایی، بازدهی اقتصادی خود را با انجام تجارت به حداکثر برسانند. یعنی سطح مصرف خود را ضمن کاهش هزینه بالا ببرند. بنابراین یکی از اولین مزایای تجارت، افزایش مصرف است.

اتخاذ سیاست‌های حمایتی همانند اعمال تعرفه که به نوعی اعمال محدودیت برای تجارت محسوب می‌شود، وضع موانع پیش روی تجارت نیز از دو طریق بر اقتصاد تأثیر منفی می‌گذارد که به آنها هزینه حمایت می‌گویند¹ اولین اثر سوءتخصیص منابع در تولید

1. Cost of Protection

۱۲۲ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

و دومین اثر ایجاد اختلال در مصرف با کاهش رفاه مصرف‌کننده به صورت تحمیلی است. براساس تعاریف و اصطلاحات حوزه تجارت و بازرگانی، اثر مصرفی تعرفه به کاهش مصرف داخلی ناشی از افزایش قیمت کالا به دلیل وضع تعرفه بازمی‌گردد. وضع تعرفه سبب کاهش واردات و مصرف کالا می‌شود و در صورتی که این موانع تعرفه‌ای حذف شود واردات و مصرف افزایش می‌یابد.

وضع تعرفه بر کالاهای وارداتی دارای آثار مختلفی از جمله آثار مصرفی، تولیدی، درآمدی و ... است که برخی تبعاتی منفی و برخی دیگر دارای اثرات مثبت بر اقتصاد کشور است. این فصل به بررسی تأثیر تعرفه‌ها در بهای کالاهای مصرفی می‌پردازد. اولین گام برای بررسی این موضوع تعریف انواع کالا و احصای کالاهای مصرفی از آن است. بعد از اشاره به تعاریف موجود در این زمینه به بررسی سهم هزینه خانوارها در اقتصاد ایران در سال ۸۵ می‌پردازیم و در قسمت بعدی نیز به بررسی تعرفه‌ها در سهم هزینه خانوارها پرداخته و در نهایت به نتیجه‌گیری مربوطه خواهیم رسید.

۵-۱ نگاهی به تعریف موجود در زمینه تفکیک کالاهای وارداتی و آمار مربوطه

در این بخش تلاش می‌شود که تأثیر تعرفه‌ها در بهای کالاهای مصرفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. گام اول برای این بررسی، تفکیک کالاهای مصرفی از دیگر انواع کالاهای وارداتی است. به‌طور کلی، اقلام وارداتی به سه دسته کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی تقسیم می‌شود که به شرح زیر است:^۱

۵-۱-۱ کالاهای سرمایه‌ای

به کالایی اطلاق می‌شود که مستقیماً برای تولید کالاها یا خدمات به کار گرفته می‌شود، این کالاها ضمن بادوام بودن، بهره‌وری سایر عوامل تولید را افزایش داده و ایجاد ارزش افزوده می‌کند. برخی اوقات به آنها تجهیزات سرمایه‌ای نیز می‌گویند. کالاهای سرمایه‌ای معمولاً دارایی‌های ثابت است و عمدتاً شامل دستگاه‌ها و ماشین‌آلاتی می‌شود که برای

۱. ناصر خیابانی، «تبعات اصلاح سیاست‌های تجاری براساس فرض الحاق به سازمان جهانی تجارت»، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، وزارت بازرگانی، تیر ۱۳۸۷، ص ۷۴ و ۷۵.

ساخت کالاهای دیگر استفاده می‌کنند. زمین، پول، اوراق قرضه و نظایر آن، جزء کالاهای سرمایه‌ای به‌شمار نمی‌رود.

کالا ممکن است غیر از سرمایه‌ای بودن، واجد جنبه‌های دیگر نیز باشد. مثلاً اتومبیل آنجا که برای استفاده شخصی خریداری و استفاده می‌شود کالای مصرفی بادوام است و آنجا که برای حمل مسافر با کرایه یا فروش خدمات حاصل از آن خریداری و استفاده می‌شود، کالای سرمایه‌ای است.

۲-۱-۵ کالاهای واسطه‌ای

به کالایی اطلاق می‌شود که در فرایند تولید، تغییر شکل یافته و یا تکمیل شده به‌صورت کالایی جدید درمی‌آید. کالاهای واسطه‌ای نظیر: مواد اولیه، کود، سم و بذر و تمام نهاده‌های کالایی تولید می‌باشد. چون برخی از کالاهای واسطه‌ای می‌تواند مستقیماً نیز مصرف شود (نظیر آرد برای مصارف خانگی) لذا آمارهای درآمد و حساب‌های ملی فقط محصولاتی را که تولیدکنندگان یا کارخانجات در یک دوره حسابداری به‌حساب هزینه‌های جاری خود منظور می‌کنند، کالاهای واسطه‌ای می‌شمارد. قطعات و لوازم ضروری برای نگهداری ماشین‌آلات و اجزای سرهم نشده ماشین‌آلات و غیره که به‌عنوان ملزومات کارخانه‌های در حال نصب استفاده می‌شود، درواقع نهاده‌های صنایع تلقی شده و به همین دلیل کالاهای واسطه‌ای به‌شمار می‌آید. همچنین کالاهایی مانند لاستیک که در اتومبیل و هواپیما به‌کار می‌رود بسته به اینکه در چه مکانی استفاده شود می‌تواند مصرفی و یا واسطه‌ای تلقی گردد؛ یعنی اگر لاستیک مورد استفاده در ماشین سواری باشد، کالای مصرفی و اگر در اتوبوس و یا کامیون و ماشین‌آلات کشاورزی باشد به‌عنوان کالای واسطه‌ای در نظر گرفته شده است.

۳-۱-۵ کالاهای مصرفی

به کالاهایی اطلاق می‌شود که به‌طور مستقیم نیازهای مصرفی خانوارها را برطرف می‌کند و هدف استفاده از آنها ایجاد ارزش افزوده نیست.

این کالاها به دو دسته بادوام و بی‌دوام تقسیم می‌شود که با توجه به طول مدت

۱۲۴ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

زمان استفاده از آنها این تقسیم‌بندی صورت می‌گیرد. لازم به ذکر است که مبنای تفکیک کالاها به کالاهای مصرفی، دوام آنها نیست بلکه نحوه و هدف استفاده از آنهاست. چنانچه هدف از استفاده کالا کسب مطلوبیت فردی باشد، کالا مصرفی است. اگرچه مانند دوچرخه چند سال دوام داشته باشد.

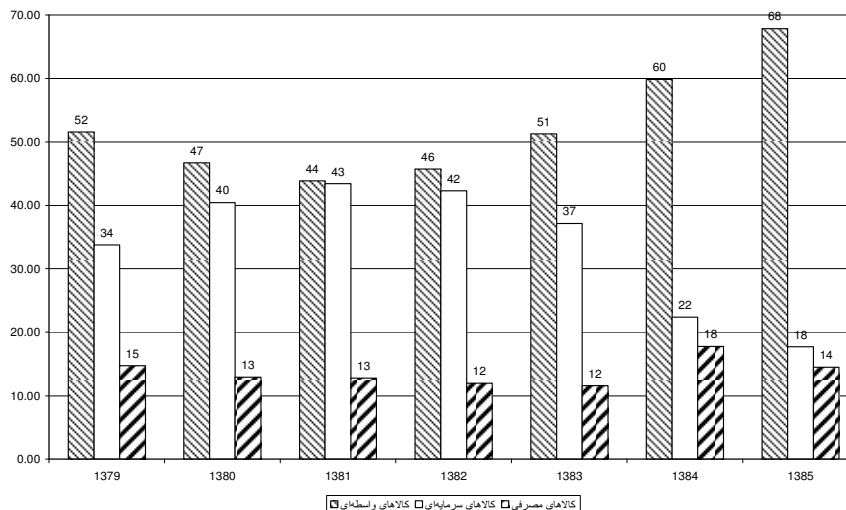
با نگاهی به آمار واردات کشور مطابق جدول ۱-۵ مشاهده می‌شود که در طول سال گذشته حدود ۸۰ درصد از واردات کشور را کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای تشکیل داده و تنها در بالاترین سطح حدود ۲۰ درصد کالاهای مصرفی و نهایی است.

جدول ۱-۵ مقایسه واردات کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۵

سال	کل واردات	کالاهای واسطه‌ای			کالاهای سرمایه‌ای			کالاهای مصرفی	
		ارزش (میلیون دلار)	درصد	تغییرات	ارزش (میلیون دلار)	درصد	تغییرات	ارزش (میلیون دلار)	درصد
۱۳۷۹	۱۵۳۳۰	۱۲۵۰۱	۸۱.۵	۲۸۲۹	۱۸.۵	۱۳۰۰	۸.۵	۱۳۰۰	
۱۳۸۰	۱۳۳۳۰	۱۰۸۲۸	۸۱.۳	۲۵۰۲	۱۸.۷	۱۳۰۰	۹.۰	۱۳۰۰	
۱۳۸۱	۱۳۳۳۰	۱۰۸۲۸	۸۱.۳	۲۵۰۲	۱۸.۷	۱۳۰۰	۹.۰	۱۳۰۰	
۱۳۸۲	۱۳۳۳۰	۱۰۸۲۸	۸۱.۳	۲۵۰۲	۱۸.۷	۱۳۰۰	۹.۰	۱۳۰۰	
۱۳۸۳	۱۳۳۳۰	۱۰۸۲۸	۸۱.۳	۲۵۰۲	۱۸.۷	۱۳۰۰	۹.۰	۱۳۰۰	
۱۳۸۴	۱۳۳۳۰	۱۰۸۲۸	۸۱.۳	۲۵۰۲	۱۸.۷	۱۳۰۰	۹.۰	۱۳۰۰	
۱۳۸۵	۱۳۳۳۰	۱۰۸۲۸	۸۱.۳	۲۵۰۲	۱۸.۷	۱۳۰۰	۹.۰	۱۳۰۰	

مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران، نامه مورخ ۱۳۸۷/۶/۱۸ مدیر کل آمار و فناوری اطلاعات و ارتباطات با شماره ۲۲/۷۴/۲۵۳/۱۵۶۷۸۹.

توضیح: آمار کل واردات سال ۱۳۸۳، معادل ۳۵۳۸۸ میلیون دلار است در حالی که ارزش کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی در این سال به ترتیب معادل ۱۶۷۵۵، ۱۲۱۴۳ و ۳۷۸۵ بوده که معادل، ۴۷/۳، ۳۴/۳ و ۱۰/۷ درصد از واردات را تشکیل می‌دهد، مجموع این ارقام معادل ۳۲۶۸۳ میلیون ریال، یعنی ۹۲/۳ درصد کل واردات است و مابقی یعنی رقم ۲۷۰۵ میلیون دلار به کالاهایی مربوط می‌شود که طبقه‌بندی نشده‌اند. برای حل این مشکل کالاهای طبقه‌بندی نشده نیز به نسبت سهم هر کدام از گروه کالاها در همان سال میان گروه‌های واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی توزیع شد.



مأخذ: همان.

نمودار ۵-۱ مقایسه سهم کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۵

هرچند تفکیک کالاها از نظر نوع مصرف (سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی) حائز اهمیت است با این حال توجه به دیگر تفکیک‌ها نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. برای مثال به‌رغم طبقه‌بندی کالاها براساس نوع کالا که در ذیل نیز درباره به آنها اشاره می‌شود، کالاها براساس نظام‌هایی خاص نیز طبقه‌بندی می‌شود تا قابل شناسایی، تشخیص و قابل تفکیک باشد، نظام هماهنگ توصیف و طبقه‌بندی کالا اصلی‌ترین روشی است که به این مهم می‌پردازد. این نظام را در اول ژانویه ۱۹۸۸ سازمان جهانی گمرک ارائه و کشورهای عضو این سازمان به مرحله اجرا درآمد. اهداف اصلی این روش را می‌توان به‌صورت زیر برشمرد:

۱. ارائه طبقه‌بندی مشابه و یکسان برای تمام کالاها در سطح بین‌المللی،
 ۲. امکان جمع‌آوری آمار جمعیت تجزیه و تحلیل‌های تجاری،
 ۳. فراهم‌سازی طبقه‌بندی کالاها برای تعلق تعرفه‌های مشخص به هر کالای خاص.
- برای شناسایی انواع کالاها در ذیل به تعریف برخی مفاهیم در این خصوص اشاره می‌شود:

۱۲۶ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

۱. کالای مواد اولیه و خام: ^۱ به مواد خام و اولیه‌ای که در تجارت مورد معامله و مبادله قرار می‌گیرد، می‌گویند.
۲. کالاهای سرمایه‌ای: ^۲ کالاهایی همانند ماشین‌آلات که بنگاه‌های اقتصادی خریداری می‌کنند و در مسیر تولید قرار می‌گیرد.
۳. کالاهای واسطه‌ای: ^۳ کالاهای تولیدی یک بنگاه برای استفاده و فراوری بعدی بنگاه دیگر. ارزش کالاهای واسطه‌ای به‌طور جداگانه در محاسبه تولید ناخالص داخلی به حساب نمی‌آید.
۴. کالاهای نهایی: ^۴ کالاهایی که استفاده‌کننده نهایی خریداری می‌کند کالاهای نهایی می‌گویند. البته این کالاها می‌تواند مصرفی، سرمایه‌ای یا واسطه‌ای باشد.
۵. کالاهای جانشین: ^۵ کالاهایی که می‌تواند جانشین یکدیگر شود کالاهای جانشین می‌گویند. مثل گوشت قرمز و گوشت سفید. افزایش قیمت یکی از این کالاها باعث افزایش تقاضای کالای دیگر می‌شود. کالاهای جانشین دارای ضریب کشش متقاطع یا ضربدری تقاضای مثبت است.
۶. کالاهای مکمل: ^۶ کالاهایی که کاهش قیمت یکی باعث افزایش تقاضای دیگری شود و افزایش قیمت یکی باعث کاهش تقاضای دیگری گردد را کالاهای مکمل می‌گویند.
۷. کالاهای معمولی یا عادی: ^۷ برای کالاهای معمولی یا عادی کشش درآمدی تقاضا مثبت است یعنی با افزایش درآمد، تقاضا نیز افزایش می‌یابد.
۸. کالاهای لوکس: ^۸ در تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی، زمانی کالایی لوکس به حساب می‌آید که کشش درآمدی تقاضا برای آن کالا مثبت و بزرگ‌تر از یک باشد.
۹. کالاهای پست: ^۹ کالاهایی که کشش درآمدی تقاضا برای آنها منفی است کالاهای پست می‌گویند. با افزایش درآمد افراد تقاضا برای برخی کالاها کم می‌شود و وقتی

-
1. Commodity
 2. Capital Goods
 3. Intermediate
 4. Final Goods
 5. Substitutes Goods
 6. Complementary Goods
 7. Normal Goods
 8. Luxury Goods
 9. Inferior Goods

درآمد کم می‌شود تقاضا برای آنها افزایش می‌یابد. بنابراین پست بودن یک کالا همیشگی و ثابت نیست و به میزان درآمد بستگی دارد. یعنی یک کالا می‌تواند در یک زمان برای عده‌ای پست و برای عده‌ای دیگر معمولی باشد.

۱۰. **کالاهای عمومی:**^۱ کالایی است که در صورتی که مورد مصرف یک شخص واقع شود، افراد دیگر نیز می‌توانند آن را به‌طور هم‌زمان مصرف کنند برای مثال می‌توان به هوای آزاد اشاره کرد که استفاده یک فرد مانع استفاده دیگران نمی‌شود.

۱۱. **کالای خصوصی:**^۲ کالایی است که اگر یک شخص مصرف کند، شخص دیگر نمی‌تواند از آن استفاده کند، مانند پوشاک و خوراک.

۱۲. **کالاهای بی‌دوام:**^۳ به کالاهایی اطلاق می‌شود که به نسبت فوری مصرف می‌شود.

۱۳. **کالاهای بادوام:**^۴ به کالاهایی مانند خودرو و وسایل خانگی گفته می‌شود که عمر آنها به نسبت طولانی است.

۱۴. **کالاهای و خدمات قابل مبادله:**^۵ کالا و خدماتی است که در بازارهای بین‌المللی قابل مبادله باشد.

۱۵. **کالاهای غیرقابل مبادله:**^۶ کالایی است که امکان تجارت آنها در سطح بین‌المللی وجود ندارد. این کالاها معمولاً فراوان بوده و همه‌جا یافت می‌شود و ارزان است بنابراین هزینه حمل و انتقال آنها، تجارت و مبادله این کالاها را نامطمئن می‌سازد. به کالاهایی که هزینه حمل‌ونقل آنها سبب می‌شود از قیمت بین‌المللی آنها بیشتر شود و در نتیجه وارد جریان تجارت نمی‌شود کالاهای مشمول عدم تجارت نیز می‌گویند.^۷

۱۶. **کالاهای بی‌رقیب یا غیرقابل رقابت:**^۸ برخی کالاهایی که نمی‌توان آنها را به‌طور کلی یا موردی در داخل تولید کرد، واردات این کالاها واردات بی‌رقیب یا غیرقابل رقابت نام دارد.

-
1. Public Goods
 2. Private Goods
 3. Non-durable Goods
 4. Durable Goods
 5. Trade Ables
 6. Non-tradeable Goods
 7. Non-traded Goods
 8. Non-competitive Imports

۱۲۸ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

۱۷. کالاهای سرمایه‌بر^۱: کالاهایی است که در فرایند تولید آن، قیمت سرمایه نسبت به کار بالاتر باشد. هرچه این نسبت بیشتر باشد، فرایند تولید، سرمایه‌برتر خواهد بود.

۱۸. کالاهای ممنوعه داخلی^۲: کالاهایی که به دلایل مختلف فروش آنها در بازارهای داخلی ممنوع است ولی می‌توان آنها را صادر کرد، به این اقدام صدور کالاهای ممنوعه داخلی می‌گویند. در خصوص واردات این کالاها یعنی کالاهای ممنوع در داخل، نظرات و عقاید^۳ متفاوتی از نظر کشورهای واردکننده وجود دارد.

بعد از نگاهی به تعریف و مفاهیم مربوط به انواع کالا در این بخش به موضوع اصلی یعنی تأثیر تعرفه‌ها در کالاهای مصرفی با توجه به آمار هزینه خانوار اشاره می‌شود.

۲-۵ بررسی سبد هزینه آمار خانوار

مرکز آمار ایران سهم هزینه‌های خانوار را به ۱۴ بخش تقسیم کرده و در اختیار محققان قرار می‌دهد. این ۱۴ بخش عبارت‌اند از:

بخش (۰۱) که شامل هزینه‌های خوراکی خانوار می‌گردد. این بخش شامل زیرگروه‌های غلات، نان، آرد، رشته و فراورده‌های آن، بیسکویت و کیک، گوشت دام، گوشت پرندگان، گوشت‌های آماده برای طبخ، ماهی و میگو و فراورده‌های آن، شیر و فراورده‌های آن (جز کره) و تخم پرندگان، روغن‌ها و چربی‌ها و کره، میوه‌ها و خشکبار، سبزی‌های تازه و خشک شده و حبوبات، قند و شکر، مرباها و شیرینی‌ها، ادویه‌ها، چاشنی‌ها و سایر ترکیبات خوراکی، چای، قهوه، کاکائو و نوشابه‌هاست.

بخش (۰۲) شامل هزینه‌های نوشیدنی‌های طبقه‌بندی نشده (در جای دیگر)، دخانیات و سایر مواد دخانی خانوار است.

بخش (۰۳) شامل هزینه‌های پوشاک و کفش خانوار می‌گردد. این بخش شامل زیرگروه‌های انواع پارچه، پوشاک مردانه، زنانه، بچه‌گانه (۳ تا ۱۳ سال) اطفال (تا ۲ سال)، سایر انواع پوشاک و لوازم پوشاکی (کم‌دوام)، هزینه شست‌وشو، اجرت دوخت، تعمیر و کرایه پوشاک، کفش مردانه، زنانه، بچه‌گانه، اطفال، تعمیرات و ملزومات کفش می‌باشد.

1. Capital Intensive Commodity
2. Export of Domestically Prohibited goods
3. Domestically Prohibited Goods

بخش (۰۴) شامل هزینه‌های مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی خانوار می‌شود. این بخش شامل اجاره بهای واقعی و اکتسابی مسکن، هزینه آب و فاضلاب و سایر خدمات مربوط به واحد مسکونی و هزینه روشنایی و سوخت است.

بخش (۰۵) شامل هزینه‌های مبلمان، لوازم خانگی و نگهداری معمول آنها می‌باشد. زیرگروه‌های این بخش عبارت‌اند از: لوازم پارچه‌ای خانگی، انواع ظروف غذاخوری و سایر لوازم خانگی، ابزار و تجهیزات منزل و باغ، کالاهای بی‌دوام خانگی و خدمات خانگی و مراقبت از منزل (خدمت) است.

بخش (۰۶) شامل هزینه‌های بهداشتی و درمانی خانوار می‌باشد. زیرگروه‌های این بخش عبارت‌اند از: محصولات، وسایل و لوازم پزشکی، خدمات طبی سرپایی و خدمات بیمارستانی.

بخش (۰۷) شامل هزینه‌های حمل‌ونقل خانوار است. زیربخش‌های این گروه عبارت‌اند از: انواع سوخت و روان‌ساز برای وسایل حمل‌ونقل شخصی، نگهداری و تعمیر وسایل نقلیه شخصی، سایر خدمات مربوط به وسایل و تجهیزات حمل‌ونقل شخصی، هزینه خدمات حمل‌ونقل ریلی، جاده‌ای، هوایی، دریایی و راه آبی داخلی، مختلط و سایر خدمات خریداری شده حمل‌ونقل.

بخش (۰۸) شامل هزینه‌های ارتباطات خانوار در ماه گذشته می‌باشد. این بخش شامل خدمات پستی، تجهیزات و خدمات تلفن و تلفکس می‌باشد.

بخش (۰۹) شامل هزینه‌های مربوط به خدمات فرهنگی و تفریحات خانوار است. زیرگروه‌های این بخش شامل وسایل عکاسی و فیلمبرداری و تجهیزات نور، وسایل ضبط تصویر و صدا (کم‌دوام)، لوازم بازی، انواع اسباب‌بازی و وسایل سرگرمی، لوازم ورزشی و تفریحی در اردوگاه‌ها و فضاهای باز، باغ گیاهان و گل‌ها، دامپزشکی و سایر خدمات برای حیوانات خانگی، خدمات فرهنگی و تفریحی، روزنامه‌ها، کتاب و لوازم‌التحریر است.

بخش (۱۰) شامل هزینه‌های آموزش و تحصیل خانوار است.

بخش (۱۱) شامل هزینه‌های غذاهای آماده، هتل و رستوران است.

بخش (۱۲) شامل هزینه‌های کالاها و خدمات متفرقه خانوار می‌باشد. زیرگروه‌های این بخش عبارت‌اند از: خدمات آرایشی و پیرایشی شخصی، لوازم برقی برای خدمات

۱۳۰ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

شخصی (کم‌دوام)، لوازم و کالاهای شخصی بی‌دوام، لوازم شخصی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر، حمایت اجتماعی و خدمات مشاوره‌ای و بیمه می‌باشد.

بخش (۱۳) که گسترده‌ترین بخش است شامل: تهیه و فروش کالاهای بادوام منزل، سایر هزینه‌های خانوار و انتقالات می‌باشد. زیرگروه‌های این بخش عبارت‌اند از: مواد و مصالح برای نگهداری و تعمیر واحد مسکونی، خدمات نگهداری و تعمیر واحد مسکونی، هزینه آب و فاضلاب و سایر خدمات مربوط به واحد مسکونی، مبلمان و اثاثه، فرش و سایر کفپوش‌ها، وسایل خانگی، انواع ظروف غذاخوری و سایر لوازم خانگی، ابزار و تجهیزات منزل و باغ، خدمات خانگی و مراقبت از منزل، خرید وسایل نقلیه، تجهیزات حمل‌ونقل شخصی، تجهیزات تلفن و تلفکس، تجهیزات سمعی - بصری، عکاسی و داده‌پردازی و لوازم آنها، سایر وسایل عمده بادوام برای تفریح و فرهنگ، سایر اقلام و وسایل تفریحی، باغ‌ها و حیوانات خانگی، روزنامه، کتاب و لوازم‌التحریر، هزینه مسافرت‌های دسته‌جمعی (همراه تور)، هزینه آموزش، سایر لوازم شخصی، بیمه، خدمات مالی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر، سایر خدمات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر و انتقالات است. (لازم به ذکر است که در این تقسیم‌بندی تنها عامل انتقالات با کد ۱۳ وارد شده و سایر موارد دیگر با کدهای کمتر همگی تعلق به بخش‌های دیگر دارد).

بخش (۱۴) اختصاص به سرمایه‌گذاری خانوار در ۱۲ ماه گذشته دارد. زیرگروه‌های این بخش عبارت‌اند از: سرمایه‌گذاری خانوار در ساختمان و سرمایه‌گذاری خانوار در بخش کشاورزی و طرح‌های آبادانی و عمرانی. (تمام هزینه‌های وارد شده کد ۳ داشته و هیچ هزینه‌ای با کد ۱۴ در این آماربندی وجود ندارد).

مطابق آمارگیری سال ۸۵، مهم‌ترین اقدام از نظر هزینه خانوار به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. بخش (۰۴) شامل هزینه‌های مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی خانوار

می‌شود. هزینه مربوطه ۱۹۷۷۶۳۲۷ واحد است که ۲۶ درصد هزینه‌های خانوار را دربرمی‌گیرد.

۲. بخش (۰۱) شامل هزینه‌های خوراکی خانوار می‌شود. هزینه مربوطه

۱۳۹۴۴۹۵۳ واحد است که ۱۸ درصد هزینه‌های خانوار را دربرمی‌گیرد.

۳. بخش (۱۰) شامل هزینه‌های آموزش و تحصیل خانوار می‌باشد. هزینه مربوطه

- ۱۰۳۱۷۹۳۳ واحد است و ۱۳ درصد هزینه‌های خانوار را دربرمی‌گیرد.
۴. بخش (۰۷) شامل هزینه‌های حمل‌ونقل خانوار می‌باشد. هزینهٔ مربوطه ۷۰۱۹۰۳۰ است و ۹ درصد هزینه‌های خانوار را دربرمی‌گیرد.
۵. بخش (۱۲) شامل هزینه‌های کالا و خدمات متفرقه‌ها. هزینهٔ مربوطه ۶۵۵۲۴۶۵ واحد می‌باشد که ۸ درصد هزینه‌های خانوار را دربرمی‌گیرد.
۶. بخش (۰۶) شامل هزینه‌های بهداشتی و درمانی خانوار می‌باشد. هزینهٔ مربوطه ۳۹۷۶۲۶۹ واحد است و ۵ درصد هزینه‌های خانوار را دربرمی‌گیرد.
۷. بخش (۰۳) شامل هزینه‌های پوشاک و کفش خانوار است. هزینهٔ مربوطه ۳۹۲۰۱۳۲ واحد می‌باشد که ۵ درصد هزینه‌های خانوار را دربرمی‌گیرد.
۸. بخش (۰۵) شامل هزینه‌های مبلمان، لوازم خانگی و نگهداری معمول آنها می‌باشد. هزینهٔ مربوطه ۳۶۰۷۸۵۲ واحد است و ۴ درصد هزینه‌های خانوار را دربرمی‌گیرد.
۹. بخش (۰۸) شامل هزینه‌های ارتباطات خانوار در ماه گذشته می‌باشد. هزینهٔ مربوطه ۲۵۶۱۶۳۱ واحد است و ۳ درصد هزینه‌های خانوار را دربرمی‌گیرد.
۱۰. بخش (۰۹) شامل هزینه‌های مربوط به خدمات فرهنگی و تفریحات خانوار است. هزینهٔ مربوطه ۱۸۰۳۳۰۰ واحد می‌باشد که ۲ درصد هزینه‌های خانوار را دربرمی‌گیرد.
۱۱. بخش (۱۱) شامل هزینه‌های غذاهای آماده، هتل و رستوران می‌باشد. هزینهٔ مربوطه ۱۰۹۶۳۵۰ است که ۱ درصد هزینه‌های خانوار را دربرمی‌گیرد.
۱۲. آخرین بخش، بخش (۰۲) می‌باشد، که شامل هزینه‌های نوشیدنی‌های طبقه‌بندی نشده (در جای دیگر)، دخانیات و سایر مواد دخانی و خانوار است که هزینهٔ مربوطه آن ۳۵۸۵۹۵ واحد است و ۰/۴ درصد هزینه‌های خانوار را دربرمی‌گیرد.
- نتایج فوق هنگامی که جامعه آماری به ۱۰ گروه درآمدی تقسیم می‌شود، از لحاظ رتبه‌بندی تفاوت مهمی نمی‌کند.
- چنانچه هر گروه هزینه‌ای را جداگانه بررسی کنیم برای تشخیص مقادیر حداکثر و حداقل هزینه‌ای خواهیم داشت:
- در گروه (۰۱) حداکثر هزینه برای گوشت (۰۱۱۲) و حداقل هزینه متعلق به افشیره یا آب سبزی (۰۱۲۲۱۷) می‌باشد.

۱۳۲ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

- در گروه (۰۲) حداکثر هزینه برای انواع سیگار ایرانی جز بهمن (۰۲۲۱۱۱) و حداقل هزینه مربوط به انواع توتون، تنباکو و کاغذ سیگار (۰۲۲۱۱۵) می‌باشد.
- در گروه (۰۳) حداکثر هزینه به کد (۰۳۱۲۱) پوشاک مردانه و حداقل هزینه به کد (۰۳۱۲۱۴) محبا، قبا، جلیقه (پوستی) اختصاص دارد.
- در گروه (۰۴) حداکثر هزینه به کد (۰۴۱۱) اجاره‌بهای محل سکونت و حداقل هزینه به کد (۰۴۵۳۱۴) سایر سوخت‌های مایع اختصاص دارد.
- در گروه (۰۵) حداکثر هزینه به کد (۰۵۳۱) وسایل اصلی برقی و غیربرقی و حداقل هزینه به کد (۰۵۶۱۲۳) آمونیاک اختصاص دارد.
- در گروه (۰۶) حداکثر هزینه به کد (۰۶۱۱) داروهای درمانی، تقویتی و قرص‌های مسکن، انواع سرم و امثال آن و حداقل هزینه به کد (۰۶۳۴۴) خدمات اصلی بیمارستان‌های توان‌بخشی اختصاص دارد.
- در گروه (۰۷) حداکثر هزینه به کد (۰۷۱۱۱) که شامل اتومبیل دست اول خارجی (شامل حقوق گمرکی و عوارض پرداخت شده و هزینه شماره‌گذاری) و حداقل هزینه به کد (۰۷۲۱۳۴)، انواع کمر بند ایمنی اختصاص دارد.
- در گروه (۰۸) حداکثر هزینه به کد (۰۸۳۱۱)، حق نصب و حق اشتراک تجهیزات تلفن شخصی و حداقل هزینه به کد (۰۸۱۱۱۴)، کارت پستال تبر شده اختصاص دارد.
- در گروه (۰۹) حداکثر هزینه به کد (۰۹۶۱۱) مسافرت‌های مذهبی دسته‌جمعی در داخل کشور و حداقل هزینه به کد (۰۹۱۳۱۸)، انواع ماشین تحریر اختصاص دارد.
- در گروه (۱۰) حداکثر هزینه به کد (۱۰۴۱۱) ثبت‌نام و شهریه دانشگاه دولتی و حداقل هزینه به کد (۱۰۱۱۱۳)، ثبت‌نام و شهریه برای بزرگسالان در سطح ابتدایی دارد.
- در گروه (۱۱) حداکثر هزینه به کد (۱۱۱۱) غذا در رستوران‌ها و کمترین هزینه به کد (۱۱۲۰۱۶)، انعام و دستمزد باربر اختصاص دارد.
- در گروه (۱۲) حداکثر هزینه به کد (۱۲۱۳) لوازم و کالاهای شخصی بی‌دوام و حداقل هزینه به کد (۱۲۱۳۱۸)، کاشت مو اختصاص دارد.
- در گروه (۱۳) حداکثر هزینه به کد (۱۳۹) انتقالات و کمترین هزینه به کد (۱۳۹۲۱۳)، مالیات فروش مسکن شخصی تخصیص دارد.

۳-۵ مقایسه سهم هزینه خانوار کالا با متوسط نرخ تعرفه در گروه کالا

تقسیم‌بندی کالاها در سازمان‌های مسئول نظارت بر واردات کالا به‌گونه‌ای دیگر است. طبق مقررات صادرات و واردات کشور، تعرفه کالاها به ۲۱ گروه تقسیم شده است که به‌ترتیب عبارت‌اند از:

۱. حیوانات زنده، محصولات لبنی،
۲. محصولات نباتی،
۳. چربی‌ها و روغن‌های حیوانی یا نباتی، فرآورده‌های حاصل از تفکیک آنها، چربی‌های خوراکی آماده، موم‌های حیوانی یا نباتی،
۴. محصولات صنایع غذایی، نوشابه‌ها، آبگون‌های الکلی و سرکه‌ها، توتون و تنباکو و بدل ساخته آنها،
۵. محصولات معدنی،
۶. محصولات صنایع شیمیایی یا صنایع وابسته به آن،
۷. مواد پلاستیکی و اشیای ساخته شده از این مواد، کائوچو و اشیای ساخته شده از کائوچو،
۸. پوست خام، چرم، پوست‌های نرم و اشیای ساخته شده از این مواد، اشیای زین و برگ‌سازی (لوازم سفر، کیف‌های دستی و محفظه‌های همانند)، اشیای ساخته شده از روده (به‌استثنای اشیای ساخته شده از احشای کرم ابریشم)،
۹. چوب و اشیای چوبی، زغال چوب، چوب پنبه و اشیای چوب پنبه‌ای، مصنوعات حصیربافی و سبدبافی،
۱۰. خمیر چوب یا سایر مواد الیافی سلولزی، کاغذ یا مقوا برای بازیافت (آخال و ضایعات)، کاغذ و مقوا و اشیای ساخته شده از آنها،
۱۱. مواد نسجی و مصنوعات از این مواد،
۱۲. کفش، کلاه، چتر آفتابی، عصا، عصای صندلی‌شو، شلاق و تازیانه‌های تعلیمی و اجزای آنها، پر آماده و اشیای ساخته شده از پر، گل‌های مصنوعی، اشیای ساخته شده از موی انسان،
۱۳. مصنوعات از سنگ، گچ، سیمان، پنبه‌نسوز، میکا یا از مواد همانند، مصنوعات سرامیک، شیشه و مصنوعات از شیشه،
۱۴. مروارید طبیعی یا پرورده، سنگ‌های گران‌بها یا نیمه گران‌بها، فلزات گران‌بها،

۱۳۴ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

فلزات دارای روکش یا پوشش از فلزات گران‌بها و اشیای ساخته شده از این مواد، زیورآلات بدلی، سکه،

۱۵. فلزات معمولی و مصنوعات آنها،

۱۶. ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی، ادوات برقی، اجزا و قطعات آنها، دستگاه‌های

ضبط و پخش صوت،

۱۷. وسایل نقلیه زمینی، هوایی، آبی و تجهیزات ترابری مربوط به آنها،

۱۸. آلات و دستگاه‌های اپتیک، عکاسی، سینماتوگرافی، سنجش، کنترل، دقت‌سنجی،

آلات و دستگاه‌های طبی - جراحی، اشیای صنعت‌سازی، آلات موسیقی، اجزا و قطعات و متفرعات آنها،

۱۹. اسلحه و مهمات، اجزا و قطعات و متفرعات آنها،

۲۰. کالاها و مصنوعات گوناگون،

۲۱. اشیای هنری، کلکسیون یا عتیقه.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، اختلاف زیادی بین طبقه‌بندی مرکز آمار درباره هزینه خانوارها و ترتیبات طبقه‌بندی گمرکی کالاها وجود دارد؛ زیرا مبنای هرکدام از آنها در طبقه‌بندی‌های بین‌المللی متفاوت است و در کشورها نیز تلاش بر حفظ هماهنگی با گروه‌بندی‌های جهانی است. گاهی در داخل یک گروه اختلاف زیادی بین حقوق گمرکی کالاها نیز به چشم می‌خورد.

از سوی دیگر، خدمات جایی در این طبقه‌بندی ندارد، زیرا اصولاً موضوع توجه برای آن مصداق ندارد. در حالی که در طبقه‌بندی، هزینه خانوار بخش مهمی را به خود اختصاص می‌دهد. با در نظرگیری ملاحظات فوق وضعیت تعرفه در هزینه‌های خانوار بیان خواهد شد.

چنانچه بخش (۰۱) در آمارگیری هزینه خانوار یعنی هزینه‌های خوراکی خانوار را در نظر گرفته اگر تعرفه‌های مربوط به آن را از منابع استخراج کنیم، خواهیم داشت:

کد (۰۱۱۱۲ و ۰۱۱۱۱) که مربوط به غلات می‌باشد، برنج خارجی درجه یک و درجه دو از سهم مهمی در هزینه‌های خانوار برخوردار است و کالاهایی مانند گندم، ذرت، جو و ارزن و سایر غلات آسیاب نشده سهم ناچیزی دارند، به‌طور جالبی الگوی حقوق گمرکی ۴ مطابق سهم هزینه خانوار است، بدین ترتیب که برنج خارجی از حقوق بالای گمرکی ۱۵۰ و ۹۰ و بقیه کالاها از حقوق گمرکی پایینی به ترتیب (۲۰ تا ۴)، (۴۵ تا ۴)، (۱۵ تا ۴) و ۱۰ بهره‌مند است.

کد (۰۱۱۲۱ و ۰۱۱۲۲) که مربوط به گوشت دام است، کد (۰۱۱۲۱۱) مربوط به گوشت گوسفند، بره، بز و بزغاله است که بالاترین نسبت هزینه را دارا می‌باشد و از حقوق گمرکی بین (۱۵ تا ۵۰) برخوردار است. گوسفند، بره، بز و بزغاله (به صورت زنده)، کد (۰۱۱۲۱۶) که نسبت بالایی در هزینه خانوار را داراست، از حقوق گمرکی پایین ۴ درصد بهره‌مند است. همین حقوق گمرکی برای کد (۰۱۱۲۱۷) گاو و گوساله (به صورت زنده) که نسبت پایینی در هزینه خانوار دارد، برقرار می‌باشد.

کد (۰۱۱۲۳) مربوط به گوشت پرندگان است، گوشت مرغ و خروس و جوجه (ماشینی و غیرماشینی) بیشترین نسبت هزینه را دارا می‌باشد که دارای حقوق گمرکی (۵۰ - ۴۰) است، مرغ، خروس، جوجه، اردک، بوقلمون و غاز به صورت زنده در رده بعدی هزینه‌ها قرار دارند و دارای حقوق گمرکی (۳۰-۴) می‌باشند، کدهای (۰۱۱۲۳۶ و ۰۱۱۲۳۷) که مربوط به دل، جگر و سنگدان، بال و گردن و سایر قسمت‌های پرندگان است از نسبت هزینه پایینی برخوردار است و متناظراً از تعرفه بالای (۷۰-۴۰) بهره‌مند است.

گروه (۰۱۱۴) اختصاص به شیر و فراورده‌های آن (جز کره) و تخم پرندگان دارد، شیر پاستوریزه (۰۱۱۴۱۱) از بالاترین هزینه و از حق گمرکی ۱۵ درصد برخوردار است. پنیر (کدهای ۰۱۱۴۲۸ - ۰۱۱۴۲۹ و ۰۱۱۴۳۱) که هزینه کمتری در سبد خانوار دارد، از حقوق گمرکی بالاتر بین ۶۵ تا ۷۰ بهره‌مند است.

گروه (۰۱۱۵) اختصاص به روغن‌ها و چربی‌ها و کره دارد، انواع کره با داشتن سهم قابل توجهی در هزینه خانوار، از حقوق گمرکی متعددی بین ۱۰ تا ۷۰ برخوردار است. در گروه میوه‌های درختی، پرتغال (۰۱۱۶۳۲) بالاترین سهم هزینه‌ای را داراست، درحالی‌که حقوق گمرکی ناچیز ۴ درصدی به آن تعلق گرفته است. همین حقوق گمرکی برای سیب درختی و نارنگی وجود دارد، درحالی‌که برای بعضی از میوه‌های درختی مثل لیموشیرین، کیوی، گلابی و انگور حقوق گمرکی بالای ۴۰ درصدی وجود دارد.

در گروه سبزی‌های برگی (۰۱۱۷۱)، انواع سبزی خوردن از بالاترین سهم هزینه‌ای برخوردار است و حقوق گمرکی ۲۰ درصدی به آن تعلق گرفته است، همین حقوق گمرکی برای کاهو و انواع کلم برقرار است، درحالی‌که درباره قارچ، حقوق گمرکی تا ۵۰ درصد هم رسیده است.

در گروه سبزی‌های ریشه‌ای (۰۱۱۷۳)، انواع سیب‌زمینی (۰۱۱۷۳۱) بالاترین سهم

۱۳۶ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

هزینه‌ای را داراست، که حقوق گمرکی بالای ۹۰ درصد به آن تعلق گرفته است، درحالی‌که پیاز (۰۱۱۷۳۲) با سهم هزینه‌ای پایین‌تر دارای حقوق گمرکی ۳۰ درصدی است. در گروه حبوبات (۰۱۱۷۶)، انواع لوبیا و عدس که بالاترین نسبت هزینه را داراست، حقوق گمرکی ۳۰ درصد دارد.

در گروه قند و شکر، مرباها و شیرینی‌ها (۰۱۱۸)، قند (۰۱۱۸۱۱) بیشترین نسبت هزینه را داراست که حقوق گمرکی بین ۳۰ تا ۵۰ درصد به آن تعلق گرفته است. شکر با درصد هزینه پایین‌تر از حقوق گمرکی پایین‌تر از حقوق گمرکی بین ۵ تا ۲۰ درصد برخوردار است. عسل با درصد هزینه‌ای به نسبت بالا از حقوق گمرکی بالای ۹۰ درصد بهره‌مند است. گروه (۰۱۱۹) اختصاص به ادویه‌ها، چاشنی‌ها و سایر ترکیبات خوراکی دارد، فلفل با درصد هزینه بالاتر از دارچین، هل و زنجبیل، گلپر (۰۱۱۹۱۶) از متوسط تعرفه کمتری برخوردار است.

در گروه (۰۱۲) چای، قهوه، کاکائو و نوشابه‌ها، انواع چای خارجی که بالاترین نسبت هزینه را در این گروه داراست با حقوق گمرکی متعددی از ۱۵ تا ۴۰ درصد روبه‌روست. قهوه، نسکافه، کاکائو و ترکیبات مشابه (۰۱۲۱۱۴) با نسبت پایین در هزینه خانوار با حقوق گمرکی مشابه اما متوسط کمتری روبه‌رو است. (۲۰/۳) برای آن در برابر ۲۶/۶ برای چای). انواع آب میوه، ساندیس، آب معدنی، آب بطری، آب گالنی (۰۱۲۲۱۴ و ۰۱۲۲۱۵) با هزینه پایین در بودجه خانوار با حقوق گمرکی بالای ۶۰ درصد روبه‌روست.

در بخش (۰۲) سیگار خارجی بالاترین درصد هزینه را در این گروه (نوشیدنی‌های طبقه‌بندی نشده، دخانیات و سایر مواد دخانی)، حقوق گمرکی ناچیز ۴ درصد به آن تعلق گرفته است.

در بخش (۰۳) انواع پارچه که تقریباً ۱۰ درصد هزینه‌های پوشاک و کفش خانوار را به خود تخصیص داده است، حقوق گمرکی ۴۰ درصدی به آن تعلق گرفته است. پوشاک (کم‌دوام) (کد ۰۳۱۲) که بالاترین درصد هزینه را به خود تخصیص داده است، حقوق گمرکی ۷۰ درصد به آن تعلق گرفته است. کفش (۰۳۲) که یک‌پنجم هزینه‌های خانوار را به خود اختصاص داده است، انواع نرخ‌های حقوق گمرکی (از ۴ تا ۹۰) به آن تخصیص داده شده است. ملزومات کفش که هزینه ناچیزی به آن تخصیص یافته از حقوق گمرکی مشابه‌ای برخوردار است.

فصل پنجم تأثیر تعرفه‌ها در بهای کالاهای مصرفی ۱۳۷

بخش (۰۴) اختصاص به هزینه‌های مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی خانوار دارد.

به نظر نمی‌رسد که حقوق گمرکی اثر مهمی بر اقلام مهم این بخش چون اجاره‌بهای مسکن (اعم از اقامتگاه اصلی و بعدی و ...) داشته باشد. به هر حال، حقوق گمرکی خود را در قلم کم‌اهمیت هزینه گاز با نرخ ۲۰ نشان می‌دهد.

بخش (۰۵) به هزینه‌های مبلمان، لوازم خانگی و نگهداری آنها و همچنین کد (۰۵۱) به مبلمان و اثاثه، فرش و سایر کفپوش‌ها اختصاص دارد که نزدیک به یک‌سوم هزینه‌ها را شامل می‌شود و حقوق گمرکی متنوعی از ۴ تا ۹۰ درصد را دربرمی‌گیرد.

در بین سایر بخش‌های هزینه‌ای، کمتر بخش پراهمیتی را می‌توان یافت که حقوق گمرکی بر آن وضع شده باشد. به هر حال به نظر می‌رسد مهم‌ترین قلم در این بین کد (۰۷۱۱۱۱) اتومبیل دست اول خارجی باشد که حق گمرکی ۹۰ درصدی دارد.

از سوی دیگر، چنانچه گروه‌های کالایی را گسترده‌تر در نظر بگیریم، می‌توان به نتایج دیگری نیز رسید. جدول ۲-۵ با در نظرگیری، گروه‌های کالایی موجود در جدول سهم هزینه‌ای خانوارها، متوسط نرخ حقوقی ورودی (با در نظرگیری سهم وارداتی آنها) را ارائه کرده است.

جدول ۲-۵ نرخ متوسط حقوق ورودی برای کالاهای منتخب در سال ۱۳۸۶

ردیف	گروه کالا	سهم هزینه‌ای (درصد)	نرخ متوسط حقوق ورودی واقعی
۱	مواد خوراکی	۱۷	۹/۳۴
۲	پوشاک	۴	۱۸/۶۵
۳	دارو و وسایل پزشکی	۱	۵/۵
۴	مبیل و اثاث خانه	۱	۴۳/۴۵
۵	ماشین	۵	۸۲/۴۸
۶	سایر	۷۲	—
۷	جمع	۱۰۰	—

مأخذ: محاسبات محقق براساس آمار لوح فشرده پیوست نامه مورخ ۱۳۸۷/۳/۱ وزارت بازرگانی با شماره ۱۴۳۹۲۷ براساس آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران.

۱۳۸ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

با استفاده از جدول ۲-۵ حالت مختلف تعرفه‌ای را در نظر می‌گیریم تا به صورت ضمنی بتوانیم نقض تغییرات تعرفه‌ای را بر هزینه خانوار بیان کنیم.

الف) در این حالت فرض کنیم تعرفه‌ها همگی یکسان و در سطح ۱۰ درصد تعیین شود. به این ترتیب، برحسب اینکه متوسط نرخ در گروه مربوطه بالاتر یا کمابیش تراز ۱۰ درصد است، افزایش و یا کاهش هزینه خانوار را می‌توان محاسبه کرد که برحسب سهم هزینه‌ای خانوار به صورت میانگین وزنی دچار تغییرات زیر خواهد شد:^۱

$$\text{درصد } -۴/۱۵۱ = ۷۲(۰) + ۵ \times (-۷۲/۴۸) + ۱ \times (-۳۴/۴۵) + ۱ \times (۴/۵) + ۴ \times (-۸/۶۵) + ۱۷ \times ۰/۷$$

با توجه به اینکه درباره گروه سایر تغییرات صفر است و به علاوه، تأثیر تعیین مستقیم تعرفه‌ای وجود ندارد، در نتیجه حدود ۴ درصد از هزینه خانوار کاسته خواهد شد.

ب) در این حالت فرض شده است تعرفه‌ها همگی ۱۵ درصد می‌شود. با حفظ ملاحظات ذکر شده در حالت الف سهم هزینه‌ای خانوار دچار تغییرات زیر می‌گردد:

$$\text{درصد } -۲/۷۴ = ۷۲(۰) + ۵ \times (-۶۷/۴۸) + ۱ \times (-۲۸/۴۵) + ۱ \times (۹/۵) + ۴ \times (-۳/۶۵) + ۱۷ \times (۵/۷)$$

ج) در صورت کاهش تعرفه‌ها به سطح حقوق پایه که ۴ درصد است، خواهیم داشت:

$$\text{درصد } ۵/۸۲ = ۷۲(۰) + ۵ \times (-۷۸/۴۸) + ۱ \times (-۳۹/۴۵) + ۱ \times (۱/۵) + ۴ \times (-۱۴/۶۵) + ۱۷ \times (-۵/۳۴)$$

ملاحظه می‌شود که دامنه تأثیرگذاری تغییرات تعرفه بر هزینه خانوار با فروض لحاظ شده در حالت‌های مختلف فوق کاهش هزینه بین ۲/۷۴ درصد تا ۵/۸۲ درصد خواهد بود.

باید توجه داشت که موضوع افزایش تعرفه‌ها (به جای فرض کاهش) نیز به همین شکل قابل محاسبه است و در جهت عکس قابل پیش‌بینی است. پیش‌بینی دقیق تأثیر اخذ تعرفه بر هزینه خانوار تاکنون انجام نگرفته است و بررسی‌ها نیز نشان داده است به دلیل مشکلات متعدد آماری و مدل‌سازی، افراد تلاش کرده‌اند به صورت گزینشی یک یا چند کالا را تحلیل کنند با وجود این بررسی ضمنی فوق برای شناخت کلی از نتایج تأثیر تغییرات تعرفه‌ای بر هزینه خانوار، روشنگر حیطه و نوسانات کلی آن است که می‌تواند در تحلیل‌ها راهگشا باشد.

۱. از آنجاکه هدف فقط بررسی دقیق هزینه‌ای به صورت کلی است این تحلیل با فرض ثبات سایر اوضاع و صرف‌نظر کردن از تأثیر جانشینی و درآمدی صورت گرفته است. برای تحلیل چنین تأثیری مدل‌های قوی و اطلاعات ریز مختلفی نیاز است که به حیطه این تحقیق مربوط نمی‌شود.

۴-۵ تناقض در حمایت از تولید با حمایت از مصرف و ضرورت توجه به سهم هزینه خانوار در تعیین تعرفه بهینه

به نظر فریدریش لیست، هر کشور فقط با اتخاذ روش حمایتی به منظور پشتیبانی از صنایع نوزاد می‌تواند به مرحله اقتصاد پیچیده وارد شود. هدف از این سیاست‌ها حمایت از صنایع داخلی در مقابل کالاهای مشابه خارجی است و بنابراین، اقتصاد باید از ورود کالاهای تجمعی مصرفی جلوگیری کند. برای تحقق این هدف، مصرف‌کنندگان باید به دلیل نسل‌های آینده در راه تحصیل توان تولید صنعتی و رسیدن به تخصص بالاتر، فداکاری کنند و موقتاً از خرید کالاهای ارزان قیمت خارجی صرف‌نظر نمایند تا در آینده کالاهای ارزان‌تر ساخت داخل در دسترس آنها قرار گیرد. البته مشکلی که پیرو این سیاست به وجود می‌آید این است که اگر میزان عوارض گمرکی برای جلوگیری از ورود کالاهای مصرفی حتی به‌طور تدریجی بالا رود، احتمالاً افزایش هزینه زندگی را به دنبال خواهد داشت ولی از نظر لیست افزایش هزینه زندگی مسئله‌ساز نخواهد بود. زیرا افزایش هزینه فقط در کوتاه‌مدت بروز می‌کند و در بلندمدت با بهره‌برداری بیشتر از «صنایع احداثی جدید» کارایی اقتصادی بالا می‌رود، زیرا سیاست‌های حمایتی دولت موقتی و منحصر به صنایع نوزاد خواهد بود.^۱

به هر حال، با توجه به اوضاع حاکم بر اقتصاد کشور به نظر نمی‌رسد که سیاست‌های حمایتی دولت در ایران موقتی و منحصر به صنایع نوزاد باشد. باید دانست که در دنیای واقعی تصمیم‌گیری، انتخاب یک سیاست‌گذار، نه بین خوب و بد، بلکه بین بد و بدتر می‌باشد. وضعیت سیاست‌گذاران در انتخاب بین حمایت از مصرف یا حمایت از تولید را می‌توان مشابه وضعیت انتخاب بین تورم و بیکاری روی منحنی فیلیپس دانست و سیاست‌گذار موفق کسی است که بتواند بین این دو امر متناقض، توازن ایجاد کند.

بررسی سهم تعرفه‌ها در هزینه خانوارها در ایران کار آسانی نیست، زیرا کمتر تناسبی بین جداول آماری هزینه خانوار و ترتیبات گمرکی وجود دارد. حتی در صورت پیدا کردن موارد تشابه، مشکلات دیگری به وجود می‌آید، به‌عنوان مثال سهم هزینه‌ای خانوار برای اتومبیل خارجی دست اول مطابق جداول مربوطه بالا نیست، این در حالی است که حقوق گمرکی بالا با افزایش قیمت محصولات خارجی، انگیزه تولیدکننده داخلی را در تولید

۱. فریدون تفضلی، تاریخ عقاید اقتصادی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۲، ص ۲۰۴.

کالای با کیفیت و ارزان کاهش داده و به افزایش هزینه خانوارها در تهیه اتومبیل ایرانی و تعمیرات آن منجر می‌شود که نمی‌توان به‌سادگی این اضافه‌هزینه‌ها را نشان داد. از سوی دیگر بعضی از اقلام مهم هزینه‌ای به ظاهر ارتباطی با حقوق گمرکی ندارد، مانند هزینه‌های مسکن، آموزش، حمل‌ونقل، ارتباطات، هتل و رستوران، که نزدیک به ۵۲ درصد هزینه‌های خانوار را شامل می‌شود. به‌هرحال چنانچه هدف سیاست‌گذار کاهش هزینه‌های زندگی است، می‌توان به کاهش حقوق گمرکی برای اقلامی چون خوراک خانوارها، وسایل بهداشتی و پوشاک همت گماشت و متناظراً حقوق گمرکی اقلام کم‌اهمیت در هزینه خانوار را مانند نوشیدنی‌ها، دخانیات و خدمات فرهنگی را افزایش داد.

۵-۵ جمع‌بندی

هیچ سیاستی در اقتصاد وجود ندارد که باعث منتفع شدن همه مردم در یک زمان مشخص شود. سیاست‌های حمایتی در بازرگانی خارجی از این مقوله مستثنا نیست؛ زیرا با افزایش مصنوعی قیمت کالاهای خارجی، حاشیه سود و انگیزه تولید را برای صنعتگران داخلی افزایش داده و از سوی دیگر با بالا بردن هزینه خانوارها (چه از لحاظ قیمت و چه از لحاظ کیفیت کالا) آنها را متضرر می‌سازد.

از این‌رو، این فصل بررسی آثار حقوق گمرکی بر سهم هزینه خانوارها در ایران را دربرگرفته است. در قدم اول، بعد از معرفی طبقه‌بندی کالاها در سیستم آمارگیری ایران، به بررسی سهم هزینه خانوارها پرداخته و نتیجه‌گیری می‌شود که مهم‌ترین بخش هزینه‌ای برای خانوارها، هزینه‌های مسکن، آب، فاضلاب و ...، هزینه خوراکی، هزینه‌های آموزش و ... می‌باشد. قسمت بعدی اختصاص به استخراج حقوق گمرکی مربوط به گروه‌های کالای مشخص در هزینه خانوارها است، متأسفانه به‌علت عدم تطابق جداول هزینه‌ای خانوارها و تعرفه‌ها، نمی‌توان با دقت و اطمینان بالا اقدام کرد. به‌هرحال، با یک بررسی سریع می‌توان نتیجه گرفت که نزدیک به ۵۲ درصد هزینه خانوارها که شامل هزینه‌های مسکن، آموزش، حمل‌ونقل، ارتباطات، هتل و رستوران که می‌توان آنها را کالاهای خانگی یا غیرقابل تجارت با خارج دانست ارتباطی با تعرفه‌های گمرکی ندارد. اما این استدلال صحیح نیست، سیاست‌های حمایتی با جذاب کردن بخش جایگزین واردات، باعث خروج منابع از سایر بخش‌ها (بخش کالای غیرقابل تجارت و قابل صادرات)

می‌شوند، امری که به‌طور ضمنی کوز،^۱ گرینوی،^۲ داورپناه^۳ (۱۳۷۶) و سیدشکری^۴ بررسی کرده‌اند. می‌توان انتظار داشت که چنین پدیده‌ای باعث افزایش هزینه خانوارها برای این کالاها شود.

همچنین نمی‌توان با قاطعیت تأثیر تعرفه‌ها را در سبب هزینه کالاهای تجاری خانوارها، بیان کرد. به‌عنوان مثال، سهم هزینه‌ای خانوار برای اتومبیل خارجی دست اول مطابق جداول مربوطه بالا نیست، این در حالی است که حقوق گمرکی بالا با افزایش قیمت محصولات خارجی، انگیزه تولیدکننده داخلی را در تولید کالای با کیفیت و ارزان کاهش داده و به افزایش هزینه خانوارها در تهیه اتومبیل ایرانی و تعمیرات آن منجر می‌شود که نمی‌توان به‌سادگی این اضافه هزینه‌ها را نشان داد. به‌نظر نمی‌رسد که سیاست‌گذار در تعیین نرخ‌های تعرفه توجه زیادی به الگوی هزینه خانوارها داشته باشد زیرا گاهی سیاست برای کالاهای با سهم هزینه‌ای بالا، تعیین نرخ‌های تعرفه بالا و در مواردی دیگر کالاهای با سهم هزینه‌ای پایین با نرخ‌های پایین تعرفه همراه است و گاهی در طول سال نوسانات مختلفی برای یک قلم کالای مشخص وجود داشته است. به‌هرحال، چنانچه هدف سیاست‌گذار کاهش هزینه‌های زندگی برای طبقات مشخص درآمدی با گروه‌های خاص خانوارها باشد، می‌تواند با توجه به سهم کالاها در هزینه گروه‌ها و مثلاً به کاهش حقوق گمرکی برای اقلام پرهزینه‌ای چون خوراک، وسایل بهداشتی و پوشاک خانوارها اقدام کند و متناظراً حقوق گمرکی اقلام کم‌اهمیتی در هزینه خانوارها مثل نوشیدنی‌ها و دخانیات و خدمات فرهنگی را افزایش دهد.

1. M. Ayhan Kose, Financial Integration and Macroeconomic Volatility, IMF, Working Paper, No. 50, 2003.

2. D. Greenaway and Milner, "Estimating the Shifting of Protection Across Sectors", *Industry and Development*, No. 16, 1984.

۳. رضا داورپناه، همان.

۴. سیدخشیار سیدشکری، «تأثیر سیاست‌های حمایتی بر صادرات غیرنفتی».

فصل ششم

تأثیر تعرفه‌ها در بهای
کالاهای صادراتی

مقدمه

بخش‌های مختلف تجارت خارجی همانند واردات و صادرات مقوله‌های جدا از یکدیگر نیست و نمی‌توان سیاست‌های تجاری و آثار تغییرات آنها را بر این بخش‌ها به‌طور کاملاً مجزا تحلیل کرد.

در این بخش مشاهده خواهد شد که در اقتصاد ایران رابطه مستقیمی میان واردات، تولید و صادرات وجود دارد به این شکل که حجم بالایی از واردات کشور را کالاهای مواد اولیه، سرمایه‌ای و واسطه‌ای تشکیل می‌دهد که به‌طور مستقیم در خط تولید قرار گرفته و بخشی از آن نیز در صورت مزیت به خارج از کشور صادر می‌شود.

بنابراین، هرگونه تغییری در سیاست‌های تجاری همانند تغییرات تعرفه‌ای در گام اول بر حجم واردات و ترکیب آن تأثیر گذاشته و تغییر سهم کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای نیز بر سهم، حجم و نوع تولید در کشور و بازارهای صادراتی ایران تأثیرگذار خواهد بود.

بی‌توجهی به این تأثیرات زنجیره‌ای و مرتبط با تجارت می‌تواند آثار نامطلوبی بر اقتصاد کشور داشته باشد. این در حالی است که حوزه فرابخشی صادرات غیرنفتی، به اعتراف بسیاری از کارشناسان و به استناد مدارک، اسناد و گزارشات رسمی وزارت بازرگانی، هنوز بعد از گذشت ربع قرن از انقلاب اسلامی، با موانع و مشکلات بسیار اساسی و جدی روبه‌رو است. عدم عضویت در سازمان جهانی تجارت، وجود ضعف‌های جدی در کیفیت بسیاری از محصولات صادراتی (صنعتی) ناشی از محتوای پایین تکنولوژی، عدم هماهنگی سیاست‌های ارزی، پولی و مالی کشور با اهداف توسعه صادرات، ضعف نهادهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری لازم در بخش صادرات برای ایجاد تغییرات ساختاری، وجود محدودیت‌های جدی از نظر دسترسی و حضور مستمر و پایدار

۱۴۶ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

در بازارها و ... تنها بخشی از مشکلات این حوزه فرابخشی است. توجه به این نکته ضروری است که برای افزایش اثربخشی اجرای هر سیاست و اقدامی برای رفع مشکلات پیش روی صادرات اعم از اصلاح فضای صادراتی (مقررات زدایی و ...) و نهادسازی‌های لازم (ایجاد تشکل‌های توانمند صادراتی و ...) می‌باید در چارچوب تعریف جامع از «مدیریت صادراتی» انجام گیرد.

تجارت خارجی تأثیر ویژه‌ای در توسعه اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته و حتی در حال توسعه ایفا کرده است. برخی کشورها مانند برخی همسایگان ایران و دیگر کشورهایی که فرایند توسعه خود را با ایران شروع کرده‌اند روندهای رشد شتابانی را در اقتصاد ملی خود پشت سر گذاشته‌اند و همین امر باعث شده کشورهای این زمانه در رده‌بندی بین‌المللی نسبت به ایران، وضعیت نازل‌تری داشتند، به‌مراتب از ایران پیش افتاده و هم‌اکنون اقتصاد ایران در وضعیت آسیب‌پذیرتری قرار گرفته است به‌نحوی که در مراحل اجرایی طرح پذیرش در سازمان جهانی تجارت و به‌عنوان عضو ناظر قدرت چانه‌زنی بالایی نیز ندارد.

برخورد علمی و هوشیارانه با صادرات، مستلزم شناخت عواملی است که زنجیروار دست در دست هم می‌دهد تا صادراتی واقعی به‌صورت یک فرایند پایدار و پویا شکل بگیرد. ارتقای توانایی تولید محصولات صادراتی (اصلاح ساختار تکنولوژیکی بخش صنعت)، شناخت بازارها، اقدامات مربوط به حفظ بازار، قوانین صادراتی (شفاف، قاطع و منطقی)، فعال کردن بخش خصوصی، ایجاد روابط تجاری و خارجی مناسب و ... تنها بخشی از این عوامل است که پیوند آنها هماهنگی، سازگاری و تحرک تمام ابعاد اقتصادی را در پی خواهد داشت و حرکتی پویا، پایدار و هدفمند را در اقتصاد کشور ایجاد می‌کند از این‌رو، نه تنها رفاه افزایش و بیکاری کاهش خواهد یافت بلکه از همه مهم‌تر قدرت چانه‌زنی را در فرایند الحاق به سازمان جهانی تجارت افزایش خواهد داد.

آمار و اطلاعاتی که از سوی دستگاه‌های ذی‌ربط در زمینه تجارت ارائه می‌شود و بیشتر پیشرفت‌هایی را نیز نشان می‌دهد، فقط ارزش، مقدار و فهرست کشورهای تجاری شریک را شامل می‌شود. گرچه این آمارها به‌عنوان مهم‌ترین آمارهای تجاری به‌حساب می‌آید و تا حدودی نیز وضعیت تجاری ایران را در سطح جهانی و در مقایسه با سایر

کشورها نشان می‌دهد، ولی این آمار و اطلاعات به ارائه تصویری جامع از وضعیت تجاری کشور قادر نمی‌باشد و بدین جهت مسائل و مشکلات این حوزه فرابخشی که بعضاً بسیار گسترده و عمیق است، نه تنها به خوبی شناسایی نشده است، بلکه درباره آنها چاره‌اندیشی لازم نیز صورت نگرفته و در نتیجه وضعیت بسیار پیچیده‌تر می‌شود. برای دست‌اندرکاران امر تولید و تجارت کشور چگونگی وضعیت ایران از لحاظ مزیت نسبی آشکار، قدرت رقابت، تخصصی شدن در تجارت، قدرت پاسخ‌گویی به تغییرات تقاضای پویای جهانی و قدرت تنظیم منابع صادراتی متناسب با تغییرات تقاضای جهانی، همسو بودن با روند پویای تقاضای جهانی و ... حائز اهمیت است. ولی آمار و اطلاعات موجود امکان شناخت وضعیت شاخص‌های ذکر شده را نمی‌دهد، بنابراین بسیار ضروری است که تدابیر لازم در زمینه دستیابی یا حداقل ایجاد بسترهای لازم برای این امر اندیشیده شود. به‌طور کلی، عملکرد تجاری را شاخص‌هایی نظیر باز بودن اقتصاد (مجموع کل تجارت شامل صادرات و واردات تقسیم بر تولید ناخالص داخلی) یا رشد صادرات طی یک دوره زمانی مشخص ارزیابی می‌کند.

۱-۶ مدل شاخص عملکرد تجاری

تحقیقات اخیر درباره رابطه بین تجارت و رشد اقتصادی نشان می‌دهد که باز بودن اقتصاد به تنهایی یک معیار کافی برای تبیین و تشریح سطوح بالای رشد نمی‌باشد، بلکه عوامل دیگری نظیر نوع تولیدات قابل دسترس، تنوع در بازار و ... نیز در تشریح رشد سریع قابل توجه است. به‌علاوه، این مطلب نیز حائز اهمیت است که باید دلایل تفاوت کشورها در مورد توسعه صادرات و همچنین فرایند توزیع و دستیابی به سهم بیشتر از بازار در میان رقبا را بررسی کرد.

آشکار است که موقعیت نسبی هر کشور یا تولیدات آن در بازار جهانی و رشد و توسعه آن طی زمان، شاخص مناسبی در زمینه ارزیابی قدرت رقابت‌پذیری اقتصادی آن کشور است و مدل زیر می‌تواند به این امر کمک شایانی کند.

مدل شاخص عملکرد تجاری^۱ شاخص‌هایی را در زمینه تصویر کلی، موقعیت و تغییرات

1. The Trade Performance Index (TPI)

در عملکرد تجاری را برای هر کشور ارائه می‌دهد که هر یک از آنها در ذیل آمده است:^۱

۱. شاخص‌های مربوط به تصویر کلی تجارت عبارت‌اند از:

- ارزش صادرات و واردات در سال مورد بررسی،
- روند صادرات و واردات (طی یک دوره زمانی)،
- سهم هر یک از گروه کالاها از کل صادرات و واردات در سال مورد بررسی،
- متوسط رشد سالیانه صادرات و واردات سرانه (طی یک دوره زمانی)،
- ارزش نسبی یک واحد کالای صادراتی و وارداتی در سال مورد بررسی،
- متوسط رشد سالیانه در ارزش نسبی یک واحد کالا (طی یک دوره زمانی)،
- مزیت رقابتی آشکار.

۲. شاخص‌های مربوط به موقعیت تجاری کشور عبارت‌اند از:

- ارزش خالص صادرات و واردات در سال مورد بررسی،
- صادرات و واردات سرانه در سال مورد بررسی،
- سهم از بازار جهانی در سال مورد بررسی،
- تنوع تولید (تعداد تولیدات)،
- گستردگی تولید،
- تنوع بازار (تعداد بازارها)،
- گستردگی بازار.

۳. شاخص‌های مربوط به تحولات تجاری کشور عبارت‌اند از:

- درصد تغییر از سهم بازار جهانی که خود شامل چهار شاخص است.
- تغییر در قدرت رقابتی،
- تخصیص شدن بازار و حفظ آن،
- تخصیص شدن در تولید،
- توان پاسخ‌گویی به تغییرات مربوط به تقاضای جهانی،
- روند واردات تحت پوشش صادرات،

۱. شهین نصری، «بررسی تطبیقی عملکرد صادراتی کشورهای (ایران، مالزی، کره جنوبی و ترکیه)»، گزارش نهایی نشده دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴.

- قدرت انطباق با تحرکات تقاضای جهانی،
- تغییر در تنوع تولیدات،
- تغییر در گستردگی تولیدات،
- تغییر در تنوع بازار،
- تغییر در گستردگی بازار.

۲-۶ الگوی مصرفی کالاهای وارداتی

یکی از پارامترها و ویژگی‌های مهم واردات در کشور که نشان‌دهنده الگوی مصرف کالاهای وارداتی، میزان ارتباط واردات با تولید و سهم آن در فرایند تولید است ترکیب واردات می‌باشد. زیرا افزایش سهم کالاهای مصرفی پیامدی منفی در تغییر الگوی مصرف و به‌ضرر کالای داخلی و همچنین کاهش سهم کالاهای مصرفی و واسطه‌ای به معنای تغییر در ترکیب و نوع کالاهای وارداتی است. در جدول ۱-۶ سهم واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای با کالاهای مصرفی در سال‌های ۱۳۷۹ الی ۱۳۸۴ مقایسه شده است تا مشخص شود که چه میزان از واردات کشور در تولید استفاده می‌شود و چه قدر در مصرف خانوار جای دارد. سهم تأثیرگذار در تولید کشور اثر مستقیمی در صادرات خواهد داشت.

جدول ۱-۶ مقایسه سهم واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای با کالاهای مصرفی

طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۵

ردیف	سال	سهم کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای از کل واردات	سهم کالاهای مصرفی از کل واردات
۱	۱۳۷۹	۸۵/۳۰	۱۴/۷۰
۲	۱۳۸۰	۸۷/۱۲	۱۲/۸۸
۳	۱۳۸۱	۸۷/۲۴	۱۴/۷۶
۴	۱۳۸۲	۸۸/۰۳	۱۱/۹۷
۵	۱۳۸۳	۸۸/۴۲	۱۱/۵۸

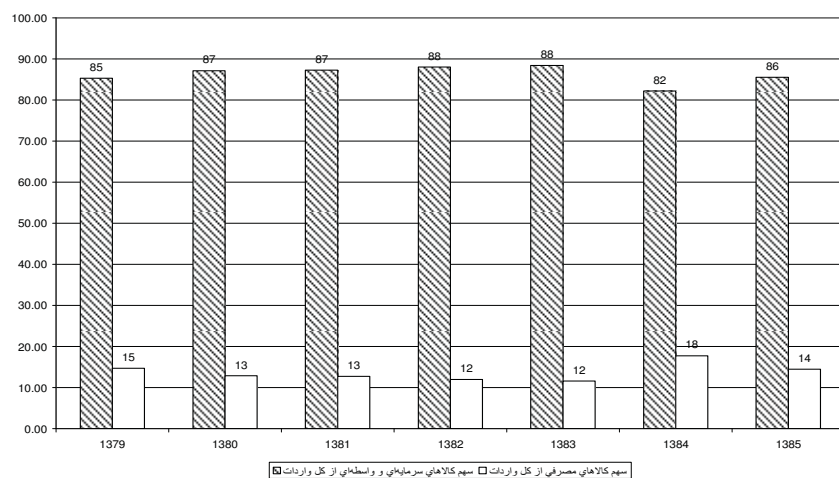
۱۵۰ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

جدول ۶-۱ مقایسه سهم واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای با کالاهای مصرفی طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۵

ردیف	سال	سهم کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای از کل واردات	سهم کالاهای مصرفی از کل واردات
۶	۱۳۸۴	۸۲/۲۲	۱۷/۷۸
۷	۱۳۸۵	۸۵/۵۴	۱۴/۴۶

مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران، نامه مورخ ۱۳۸۷/۶/۱۸ مدیر کل آمار و فناوری اطلاعات و ارتباطات با شماره ۲۲/۷۴/۲۵۳/۱۵۶۷۸۹.

نکته: آمار کل واردات سال ۱۳۸۳، معادل ۳۵۳۸۸ میلیون دلار است درحالی‌که ارزش کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی در این سال به ترتیب معادل ۱۶۷۵۵، ۱۲۱۴۳ و ۳۷۸۵ بوده که معادل، ۴۷/۳، ۳۴/۳ و ۱۰/۷ درصد از واردات را تشکیل می‌دهد، مجموع این ارقام معادل ۳۲۶۸۳ میلیون ریال، یعنی ۹۲/۳ درصد کل واردات است و مابقی یعنی رقم ۲۷۰۵ میلیون دلار به کالاهایی مربوط می‌شود که مورد طبقه‌بندی قرار نگرفته‌اند. برای حل این مشکل کالاهای طبقه‌بندی نشده نیز به‌نسبت سهم هر کدام از گروه کالاها در همان سال میان گروه‌های واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی توزیع شد.



مأخذ: محاسبات محقق، همان.

نمودار ۶-۱ مقایسه سهم واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای با کالاهای مصرفی طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۵

همان‌طور که در نمودار ۱-۶ مشاهده می‌شود، سهم کالاهای مصرفی در طول سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲، روندی کاهشی داشته و از ۱۵ به ۱۲ درصد رسیده است و متعاقب آن سهم کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای از ۸۵ درصد کل واردات به ۸۸ درصد در سال ۱۳۸۲ رسیده است؛ یعنی تا سال ۱۳۸۲ روند واردات به نفع تولید داخلی و صادرات بوده است. با این حال این روند در سال ۱۳۸۴ دستخوش تغییر شده و در این سال سهم کالاهای مصرفی به ۱۸ درصد رسیده و سهم کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای ۸۲ درصد کاهش یافته است. این سهم‌ها در سال ۱۳۸۵ اندکی بهبود یافته و سهم کالاهای مصرفی ۱۴ درصد کاهش و سهم کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای ۸۶ درصد افزایش یافته است.

البته توجه به ماهیت آمار و ارقام امری ضروری است. تفکیک کالاها به صورت قطعی به سه حوزه سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی به واقع امکان‌پذیر نیست. برای مثال، بنزین کالایی است که نمی‌توان آن را صددرصد مصرفی دانست و در نوع تقسیم‌بندی آن به واسطه‌ای یا مصرفی ابهام وجود دارد بنابراین، تقسیم‌بندی‌های مربوط به این کالا همیشه دستخوش تغییر بوده و می‌تواند تحلیل در این خصوص را با ابهام مواجه کند. در این بخش لازم است نگاهی هرچند مختصر به ترکیب کالاهای صادراتی نیز داشته باشیم.

جدول ۲-۶ آمار صادرات به تفکیک میعانات گازی، پتروشیمی و سایر کالاها

(میلیون دلار)

ردیف	نوع کالای صادراتی	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶
۱	میعانات گازی	-	-	۴۹۳	۴۸۶۲/۰۱	۵۸۶۱/۶۶
۲	جمع کل محصولات پتروشیمی	۱۴۶۸	۱۵۲۴	۲۰۴۴	۲۴۶۳/۰۶	۴۲۵۶/۷
۳	سایر کالاها	۴۵۰۴	۵۳۲۳	۸۴۳۰	۱۰۵۳۳/۹	۱۱۰۵۵/۶
۴	جمع کل صادرات غیرنفتی (بدون احتساب میعانات گازی)	۵۹۷۲	۶۸۴۷	۱۰۴۷۴	۱۲۹۹۷	۱۵۳۱۲/۳

مأخذ: همان.

۱۵۲ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

مطابق جدول ۲-۶ بخش عمده‌ای از صادرات کشور را میعانات گازی و محصولات پتروشیمی تشکیل می‌دهد که به‌طور مستقیم به بخش نفت در داخل کشور مرتبط بوده و تابع نرخ تعرفه نمی‌باشد.

با نگاهی به آمار مشاهده می‌شود که سهم بالایی از صادرات کشور را محصولات پتروشیمی تشکیل داده و همان‌طور که عنوان شد صادرات آنها تابع سیاست‌های تجاری نیست. کالاهای سنتی مانند فرش و صنایع دستی نیز به مواد اولیه خارجی نیاز نداشته و تولید و صدور محصولات معدنی نیز تنها از نظر ورود دستگاه‌های استخراج و تولید، تابع سیاست‌های بازرگانی است. محصولات کشاورزی نیز به‌طور عمده به منابع تولیدی داخلی وابسته است و تأثیر کمی از واردات به‌عنوان مواد اولیه و واسطه‌ای می‌برد. تنها بخشی که به‌طور مستقیم و به‌صورت عمده از واردات به‌عنوان بخشی از عوامل تولید متأثر می‌شود، بخش صنعت است که می‌توان این بخش را متأثر از واردات و وابسته به مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای وارداتی دانست و به همین دلیل این بخش به‌طور مشخص از سیاست‌های تجاری و تغییر تعرفه در بخش‌های گوناگون متأثر می‌شود.

البته تأثیر سیاست‌های تجاری حمایتی همانند تغییرات تعرفه‌ای بر بخش‌های صادراتی تنها از طریق ورود مواد اولیه، کالاهای سرمایه‌ای و کالاهای واسطه‌ای نبوده و بسیاری از محصولات به‌خصوص محصولات کشاورزی و صنعتی ما به‌واسطه حمایت‌هایی که با وضع تعرفه بر محصولات خارجی اعمال می‌شود دارای مزیت شده و از امکان رقابت با محصولات خارجی برخوردار می‌شود. بنابراین، قطع حمایت‌هایی که تاکنون اعمال می‌شده به‌صورت یک‌باره و بدون پشتوانه کارشناسی می‌تواند به معنای عدم صرفه اقتصادی در تولید و صادرات آن بخش محسوب شود و بر روند رشد صادرات در کشور تأثیر منفی داشته باشد. از طرف دیگر، اگر این تغییرات با استفاده از مطالعات و بررسی‌های کارشناسی انجام پذیرد، می‌تواند به تخصیص بهینه عوامل تولید و انتقال منابع به بخش‌های دارای مزیت منجر شده و ارتقای کیفیت محصولات، افزایش مزیت تجاری و توسعه صادرات را موجب شود. بنابراین تغییرات تعرفه‌ای می‌تواند همچون چاقویی دولبه به ایجاد بحران و یا توسعه صادرات منجر شود.

فصل هفتم

عوامل اثرگذار بر مخدوش
شدن سیاست‌های تعرفه‌ای

۷-۱ کسر یا اضافه دریافتی ناشی از روش تعیین ارزش

حقوق ورودی متعلق به کالا درصدی از ارزش کالا است که بعد از تعیین ارزش، گمرک از صاحب کالا اخذ می‌کند. از این رو، نحوه تعیین ارزش در گمرکات اجرایی از حوزه‌های چالش برانگیز در وظایف اجرایی این سازمان محسوب می‌شود.

بر اساس تعاریف بین‌المللی، «گمرک»^۱ سازمانی است دولتی که مسئول اجرای قانون گمرک و وصول حقوق و عوارض ورودی و صدور بوده و همچنین مسئول اجرای سایر قوانین و مقررات مربوطه از جمله واردات، ترانزیت و صادرات کالا است.^۲ وصول حقوق ورودی بر اساس درصدی از ارزش کالا به تفکیک کالاها مطابق نظام هماهنگ توصیف و طبقه‌بندی کالا که در ژانویه ۱۹۹۸^۳ به مرحله اجرا درآمده است تعیین می‌شود. بنابراین، تعیین ارزش کالاهای وارداتی در گمرک با توجه به ارتباط مستقیمی که با درآمد دولت و منافع صاحب کالا دارد از اهمیت و حساسیت بسزایی برخوردار است.

اشتباه در ارزش‌گذاری کالا به نفع صاحب کالا یا به ضرر او عواقب خاصی به دنبال دارد. اگر اشتباه به نفع صاحب کالا باشد، کاهش درآمد دولت را در پی خواهد داشت و اگر به زیان او باشد افزایش قیمت کالا را در بازار موجب می‌شود. با وجود لزوم توجه به حق صاحب کالا، این تصور درست نیست که ارزش‌گذاری بالا لزوماً به کسب درآمد بیشتر برای دولت منجر می‌شود، زیرا ایجاد هرگونه محدودیت در واردات، انحراف مسیر

1. Customs

۲. رضا بنایی، همان.

۳. سیفا... صادقی یارندی و مسعود طارم سری، همان.

۱۵۶ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

کالا به جریان‌های غیرقانونی را موجب خواهد شد که در این صورت به کاهش درآمد دولت می‌انجامد.

با بررسی قانون امور گمرکی^۱ و آیین‌نامه اجرایی آن^۲ مشاهده می‌شود که در مواد (۱۰) و (۱۱) قانون و (۱۲۱) آیین‌نامه اجرایی آن، به موضوع تعیین ارزش اشاره شده است که خلاصه موضوع این مواد به شرح زیر است:

«ماده (۱۰) - ارزش کالای ورودی در گمرک در همه موارد عبارت است از بهای سیف ... که از روی سیاهه خرید یا سایر اسناد تسلیمی صاحب کالا تعیین و براساس نرخ ارز و ... در روز تسلیم اظهارنامه خواهد بود».

«ماده (۱۱) - در مورد کالایی که بدون ابراز سیاهه خرید به گمرک اظهار شود یا ارزش مندرج در سیاهه خرید به‌نظر گمرک نامتناسب باشد، گمرک باید ارزش کالا را براساس ... تعیین کند ...»

تبصره - ضوابط این ماده در آیین‌نامه گمرکی تعیین خواهد شد».

«ماده (۱۲۱) - هرگاه از طرف اظهارکننده، سیاهه خرید به گمرک تسلیم نشود یا ارزش مندرج در سیاهه خرید قابل قبول تشخیص نگردد ضوابط و نحوه تعیین ارزش موضوع ماده (۱۱) قانون امور گمرکی به شرح زیر خواهد بود:

۱. در صورتی که کالای مثل یا مشابهی با ارزش قابل قبول سابقه ترخیص داشته باشد ارزش کالا با مقایسه با ارزش کالای صادراتی مثل یا مشابه به شرط اینکه از همان کشور مبدأ و هم‌زمان با تاریخ خرید کالای مورد اختلاف خریداری شده باشد تعیین می‌شود.
تبصره «۱» - منظور از هم‌زمان زمانی است که در آن مدت بهای فروش کالا در کشور مبدأ ثابت بوده است.

تبصره «۲» - تشخیص نامتناسب بودن ارزش از طرف گمرک در هر مورد باید مبتنی بر دلیل موجه یا مستند به اسناد قابل قبول باشد».

با توجه به مواد قانونی فوق می‌توان استدلال کرد که اصل بر برائت صاحب کالا و

۱. قانون امور گمرکی، مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰ مجلس شورا با آخرین اصلاحات تا پایان سال ۱۳۷۶.

۲. آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی مصوب فروردین ۱۳۵۱ مجلس شورا با آخرین اصلاحات تا پایان سال ۱۳۷۶.

کمسیون‌ها و حتی دلالی کالاها و خدماتی که خریدار به صورت مجانی دریافت کرده نیز می‌توان به ارزش گمرکی اضافه نمود. البته در مراحل بعد به‌جای ارزش معاملاتی می‌توان از روش‌های زیر نیز استفاده کرد:

۱. ارزش‌گذاری کالای وارداتی با توجه به ارزش کالاهای همگن،
۲. ارزش‌گذاری کالای وارداتی با عنایت به ارزش کالاهای مشابه، قیمت وارداتی کالاهای همگن یا مشابه منهای هزینه‌ها،
۳. ارزش‌گذاری کالای وارداتی براساس ارزش قیمتی،
۴. ارزش‌گذاری کالای وارداتی براساس روش‌های دیگر.

مجموعه قواعد ارزش‌گذاری گمرکی گات^۱ شامل اصول کلی ارزش‌گذاری برای وضع حقوق و عوارض گمرکی است که بعداً مبنای موافقت‌نامه اجرای ماده (۷) گات قرار گرفت. مطابق قواعد بین‌المللی در ارزش‌گذاری کالا، ارزش بازاری واردات^۲ به معنای قیمت جاری فروش کالاهای مشابه در بازار داخلی کشور واردکننده روش موسوم نبوده و بیشتر از روش ارزش معاملاتی^۳ استفاده می‌شود.

ارزش معاملاتی روشی برای قیمت‌گذاری کالاهای وارداتی به‌منظور محاسبه حقوق و عوارض گمرکی است و عبارت است از قیمتی که کالا به صادرکننده در وضعیت رقابتی فروخته می‌شود.

ارزش فرضی یا مصنوعی^۴ یک روش مشخص برای برآورد ارزش کالا است که به‌موجب آن هزینه تولید محصول در کشور صادرکننده محاسبه می‌شود. این روش در مواردی که قیمت صادراتی موجود یا قابل اعتماد نباشد استفاده می‌شود.

با توجه به اهمیت بحث تعیین ارزش، یکی از مهم‌ترین دوایر در گمرکات اجرایی، دایره تعیین ارزش کالاهای وارداتی بوده است که در این دوایر، ارزش کالا را کارشناسان تعیین ارزش، بررسی می‌کردند. به‌دلیل تعدد و تنوع کالاهای وارداتی این اقدام با دشواری‌هایی همراه بوده است باین‌حال این مراحل را در گذشته کارشناسان مجرب در واحد ارزش انجام می‌دادند و نیروهای جدید این دایره نیز از دوره‌های آموزشی، قبل و ضمن کار بهره می‌بردند.

1. GATT Valuation Code
2. Import Market Value
3. Transaction Value
4. Constructed Value

تا قبل از ادغام واحد ارزش و تکلیف به استفاده اجباری از لوح فشرده ارزش‌گذاری، تعیین ارزش کالاهای وارداتی مطابق مراحل قانونی مندرج در قانون امور گمرکی صورت می‌گرفت. تمامی مراحل مربوط به بحث ارزش‌گذاری در دوایر ارزش رسیدگی و ارزش اظهار شده طبق قانون بررسی می‌شد که گاه عوامل مذکور در قانون برای تعیین ارزش به تنهایی جواب‌گو نبوده و از ترکیب عوامل فوق استفاده می‌شد. مراحل تعیین ارزش قبل از اتخاذ تصمیمات جدید در این حوزه، براساس مستندات قانونی انجام شده و هیچ‌گاه گمرک در ابتدا مجاز به تعیین ارزش نبوده و بلکه طبق تبصره «۲» ماده (۱۲۱) پس از عدم پذیرش ارزش (اظهار شده صاحب کالا) براساس اسناد موجه در دستور کار قرار می‌گرفته و صاحب کالا مجاز است پس از آن به رأی گمرک اعتراض کند. بنابراین قبل از انحلال واحد ارزش و استفاده اجباری از لوح فشرده ارزش، مراحل تعیین ارزش مطابق مواد قانون امور گمرکی صورت می‌گرفت، لکن در حال حاضر این رویه تغییر کرده است.

بعد از اجرای آزمایشی طرح ادغام دایره ارزش در سرویس ارزیابی گمرکات غرب تهران و شهریار و ابلاغ بخشنامه گمرک ایران^۱ در خصوص تسهیلات و روش‌های تسریع در امر ترخیص کالا و کاهش تشریفات اعمال این اصلاحات به صورت قطعی در دستور کار قرار گرفت. براساس این اصلاحات با ابلاغ بخشنامه‌های داخلی در گمرک از سال ۱۳۸۲ دایره تعیین ارزش در سرویس ارزیابی ادغام^۲ و از سال ۱۳۸۳ ارزش‌گذاری براساس لوح فشرده ارزش در گمرکات اجباری شد^۳ که گزارش حاضر هرچند مختصر، به مباحثی در این خصوص اشاره دارد.

بنابراین، انحلال واحد ارزش به‌عنوان پیش‌زمینه تکلیف اجباری گمرکات از لوح فشرده ارزش در دستور کار گمرک قرار گرفت. مطابق بخشنامه اخیر مقرر شد که ترخیص کالای وارداتی بر مبنای اطلاعات ذخیره شده در لوح فشرده به صورت زیر اقدام شود:

-
۱. بخشنامه داخلی معاونت فنی گمرک ایران به تمام گمرکات اجرایی با شماره ۵۹/۸/۳۹۰۲۴ مورخ ۱۳۸۲/۲/۲۳.
 ۲. بخشنامه داخلی معاونت امور گمرکی گمرک ایران به تمام مدیران کل گمرکات اجرایی با شماره ۱۳۸۲/۷/۶ مورخ ۲۴/۱۰/۲۴/۱۵۷۹۸۲.
 ۳. بخشنامه داخلی مدیر کل دفتر تعیین ارزش گمرک ایران به تمام ناظران، مدیران کل و مدیران با شماره ۱۳۸۳/۹/۹ مورخ ۲۹/۰۲/۲۴/۱۰۲/۲۳۶۰۲۸.

۱۶۰ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

«۱- طبق ماده (۱۰) قانون امور گمرکی ارزش کالای ورودی ... از روی اسناد تسلیمی صاحب کالا تعیین می‌گردد لذا قیمت‌های مندرج در لوح فشرده حداقل بوده که براساس سوابق مشابه در اجرای ضوابط سه‌گانه ماده (۱۲۱) آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی و آرای صادره از کمیسیون‌ها در اجرای مواد (۵۱) و (۵۲) قانون امور گمرکی تأیید گردیده و کمتر از آن نباید ملاک عمل قرار گیرد».

در بند «۳» این بخشنامه نیز آمده است:

«۳- ارزش‌گذاری کالاهای مشابه پایین‌تر از ارزش‌های ذخیره شده در لوح فشرده به‌هیچ‌وجه مجاز نبوده و مسئولان ذی‌ربط پاسخ‌گو خواهند بود».

در اغلب کشورهای توسعه‌یافته نیاز به واردات کالا به گستردگی و تنوع کشور ما وجود ندارد؛ زیرا این کشورها در بیشتر کالاها تولیدکننده و صادرکننده محصولات هستند. به‌علاوه در کشورهای توسعه‌یافته، تجارت در نهایت سهولت و بدون سخت‌گیری‌های متداول در برخی کشورها صورت می‌گیرد. نرخ تعرفه براساس نرخ سازمان جهانی تجارت در اغلب این کشورها بسیار پایین است به‌طوری‌که واردکننده نیازی به کم‌اظهاری ارزش کالای وارداتی ندارد. سخت‌گیری در بررسی ارزش و دقت در صحت ارزش اظهار شده به‌منظور جلوگیری از تخلف است و سهولت مقررات و نرخ‌های منطقی تعرفه به‌میزان قابل ملاحظه‌ای موضوع تخلف را منتفی می‌کند با این حال با کسانی که در چنین اوضاعی اقدام به تخلف کنند به‌طور جدی برخورد می‌شود. مقررات غیرضروری و پیچیده و تعرفه‌های غیرمنطقی، بازرگانان و تولیدکنندگان را وادار به تخلف می‌کند و برخورد ضعیف با تخلف می‌تواند، متخلفان را تشویق به تداوم این کار کند، در این رویه صاحبان کالا و کارمندانی که بخواهند در محیطی سالم به فعالیت پردازند، تحت فشار و مضیقه قرار می‌گیرند.

نرم‌افزار سیستم آسیکودا^۱ خاص کشورهای در حال توسعه است؛^۲ زیرا در

1. Automated System for Customs Data

۲. آسیکودا، یکی از سیستم‌های مدیریتی برای مکانیزه کردن تشریفات گمرکی است که اغلب سازوکارهای تجارت بین‌المللی را پوشش می‌دهد و به‌گونه‌ای است که می‌تواند با شاخص‌های بومی گمرک هر کشور سازگار شود. این سیستم براساس طرحی با هدف تدوین آمارهای مربوط به تجارت خارجی در سال ۱۹۸۱ در کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (آنکتاد) ارائه شد تا با مدرنیزه کردن و روزآمدسازی فرایندهای ترخیص گمرکی و با بهره‌گیری از مزیت‌های موجود در فضای رایانه، سیستم نرم‌افزاری گمرکی مشخصی را به‌عنوان راهکاری قابل قبول و سازگار ارائه دهد.

فصل هفتم عوامل اثرگذار بر مخدوش شدن سیاست‌های تعرفه‌ای ۱۶۱

کشورهای پیشرفته با توجه به سهولت تجارت و نظام حقوقی محکم نیازی به سخت‌گیری در این مورد نیست. مسائلی از قبیل بروز تخلف در اظهار تعرفه و ارزش در کشورهای توسعه‌یافته چندان مصداق ندارد.

عدم دقت و تأمل در شیوه دقیق و قانونی ارزش‌گذاری کالا موجب نقصان‌هایی مانند موارد زیر می‌شود:

(الف) عدم تحقق اهداف در زمینه تسهیل در تشریفات گمرکی،

(ب) ایجاد کسر دریافتی و عدم تحقق درآمدهای دولت،

(ج) تضییع حق صاحب کالا با اعمال قیمت‌های مندرج در لوح فشرده به‌عنوان کف قیمت،

(د) اختلال در اهداف مورد نظر از وضع تعرفه بر واردات و حمایت از کالاهای تولید داخلی،

(ه) و ...

با وجود آثار سوء بسیاری که به‌دلیل اختلال در سازوکار ارزش‌گذاری گمرکی به نظام تجاری کشور وارد می‌شود، می‌توان مهم‌ترین تأثیر را بی‌اثر کردن نظام تعرفه‌ای و سیاست‌های حمایتی دولت قلمداد کرد. فاصله‌ای هرچند اندک میان نرخ تعرفه مورد عمل با نرخ تعرفه بهینه می‌تواند به اختلال در سیاست‌های تجاری و تضییع حقوق تولیدکننده و مصرف‌کننده منجر شود.

در حالت اول فرض کنید به‌رغم دقت در انتخاب نرخ مؤثر و بهینه تعرفه، نظام ارزش‌گذاری به‌درستی عمل نکرده و ارزش گمرکی کالا را بالاتر از حد واقعی تعیین کند، در این صورت میزان حقوق ورودی متعلقه که حاصل‌ضرب نرخ تعرفه و ارزش گمرکی است، نیز بالاتر از حد معمول بوده و با حمایت بیش از حد از صنعت داخلی موجب تنبلی و بی‌انگیزگی در تولیدکننده داخلی شده و با افزایش قیمت تمام شده کالای وارداتی علاوه بر کم شدن حاشیه سود واردکننده، فشار مضاعفی ناشی از افزایش قیمت به مصرف‌کننده وارد می‌کند.

در حالت دوم فرض کنید که ارزش گمرکی کمتر از میزان واقعی برآورد شود. در این حالت میزان حقوق ورودی نیز کمتر از میزان واقعی برآورد و از واردکننده اخذ می‌شود. این امر نیز به کاهش درآمدهای پیش‌بینی شده دولت و کاهش نرخ حمایت

۱۶۲ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

مؤثر از صنعت داخلی منجر می‌شود و می‌تواند منشأ بسیاری از آسیب‌ها به شاخص‌های کلان با اختلال در سیاست‌های تجاری باشد. در ضمن با توجه به اینکه حقوق ورودی متعلق به کالا کمتر از میزان واقعی پرداخت می‌شود موجب کاهش قیمت تمام شده برای واردکننده شده و حاشیه سود آن را بالا می‌برد. این اقدام هرچند واردکننده را از یک مزیت و رانت برخوردار می‌سازد ولی متضمن کاهش قیمت داخلی و افزایش رفاه مصرف‌کننده نیست.

بنابراین، نظام ارزش‌گذاری صحیح تأثیر مهمی در تحقق اهداف مورد نظر از اعمال سیاست‌های تجاری و حمایتی دارد و اختلال در این نظام می‌تواند به بی‌اثر شدن سیاست‌های حمایتی ناشی از وضع تعرفه منجر شود.

۷-۲ کسر یا اضافه دریافتی ناشی از اظهار خلاف

یکی از وظایف اصلی سازمان گمرک، وصول درآمدهای دولت با اخذ حقوق ورودی است. میزان حقوق ورودی اخذ شده از صاحبان کالا درصدی از ارزش کالا است که گمرک براساس اظهارنامه صاحب کالا و براساس اسناد مثبت تعیین می‌شود. در برخی موارد این حقوق کمتر یا بیشتر گرفته می‌شود که به ترتیب شامل کسر دریافتی از طرف گمرک یا اضافه پرداختی از طرف صاحب کالا خواهد شد. از این‌رو، در قانون امور گمرکی پیش‌بینی شده است که اضافه پرداختی یا کسر دریافتی ظرف هشت ماه از تاریخ صدور سند ترخیص قابل عودت باشد.

با توجه به اصطلاحات گمرک بین‌المللی که در قالب «واژه‌نامه بین‌المللی گمرک»، شورای همکاری گمرکی^۱ (سازمان جهانی گمرک)^۲ تهیه و منتشر می‌کند، گمرک سازمانی است دولتی که مسئولیت اجرای قانون گمرک و وصول حقوق ورودی و صدور و همچنین اجرای سایر قوانین و مقررات از جمله واردات، ترانزیت و صادرات کالا را برعهده دارد.^۳

1. Customs Co-operation Council (CCC)

2. World Customs Organization (WCO)

۳. رضا بنایی، همان.

همان‌طور که در تعریف بالا ذکر شد، یکی از وظایف اصلی گمرک وصول درآمد دولت با اخذ حقوق ورودی یا تعرفه است.

براساس تعاریف بین‌المللی^۱، تعرفه شامل حقوق و عوارض و سایر مالیات‌های وضع شده در مرزهای هر کشور بر کالاهای کشور دیگر است که به آن کشور وارد می‌شود. این تعرفه معمولاً براساس درصدی از ارزش کالا یا مبلغی معین به‌ازای هر واحد کالا یا تلفیقی از این دو به اختیار واردکننده یا هرکدام که بیشتر باشد اخذ می‌شود.

در ماده (۲) قانون امور گمرکی^۲ نیز به حقوق گمرکی کالاهای وارداتی اشاره شده و برای روشن شدن اجزای آن به مواردی مانند جداول تعرفه گمرکی، سود بازرگانی، هزینه‌های گمرکی، عوارض دریافتی و ... اشاره می‌کند که اختلاف‌نظرها و ابهاماتی در این خصوص موجب شده بود. تا اینکه به‌موجب ماده (۲) قانون موسوم به تجمیع عوارض^۳ حقوق گمرکی، مالیات، حق ثبت سفارش کالا، انواع عوارض و سایر وجوه دریافتی از کالاهای وارداتی تجمیع شده و معادل چهار درصد (۴٪) ارزش گمرکی کالاها تعیین شد. به مجموع این دریافتی (حقوق پایه) و سود بازرگانی که طبق قوانین مربوطه هیئت وزیران تعیین می‌کند حقوق ورودی اطلاق شد. همچنین در تبصره «۱» این ماده مواردی که در تعیین نرخ حقوق ورودی می‌باید لحاظ شود مورد نظر قرار گرفت.

بنابراین، حقوق ورودی نرخی است که براساس درصدی از ارزش کالا و مطابق تعرفه مصوب پس از طی مراحل مختلف براساس مواد قانونی تعیین می‌شود. مواردی محتمل است که دریافت یا پرداخت حقوق ورودی به‌دلیل اظهار خلاف صاحب کالا به‌اصطلاح با کسر دریافتی یا اضافه پرداختی مواجه می‌شود که وقوع این حالت به معنای تضییع حق دولت یا صاحب کالا به نفع طرف مقابل است. اظهار خلاف در تشریفات گمرکی یکی دیگر از عوامل مؤثر بر بی‌اثر شدن سیاست‌های حمایتی و در نتیجه افزایش نرخ‌های تعرفه به‌منظور تحقق و دستیابی حداقل نرخ‌هاست.

۱. سیفا... صادقی یارندی و مسعود طارم‌سری، همان.

۲. قانون امور گمرکی، مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰ مجلس شورای ملی با آخرین اصلاحات تا پایان سال ۱۳۷۶.

۳. قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی، مصوب ۱۳۸۱/۱۰/۲۲ مجلس شورای اسلامی.

۱۶۴ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

در ادبیات گمرکی، اظهار کالا عبارت است از بیانیه شفاهی یا کتبی (حسب مقررات قانون امور گمرکی)، یا هر اقدام دیگری که براساس آن اظهارکننده، رویه گمرکی مورد نظر خود را درخصوص کالا مشخص و اطلاعات مورد نیاز گمرک را برای اجرای مقررات گمرکی ارائه می‌دهد.

بنابراین هر اقدام یا عملی به‌جز بیانیه شفاهی یا کتبی که به‌منزله اظهار تلقی می‌شود نیز توجه می‌شود زیرا با پیشرفت تکنولوژی امکان دارد روش‌های دیگری نیز مدنظر قرار گیرد. همچنین درخصوص برخی رویه‌ها مانند کالاهای مسافری امکان دارد اقدام به اظهار غیر از طرق شفاهی یا کتبی بوده و مثلاً به‌صورت رویه فیزیکی و با علائم انجام شود. اظهار معمولاً روی اظهارنامه کالا انجام می‌گیرد و ورقه‌ای است که اشخاص ذی‌نفع رویه گمرکی را که باید درباره کالا اعمال شود، تعیین و ضمن آن اطلاعاتی قید می‌کنند که گمرک اظهار آنها را برای اجرای رویه گمرکی ضروری می‌داند.

بنابراین اظهارنامه محموله به همه اسناد حاوی مشخصات مورد نیاز گمرک درخصوص محموله‌ای که وسایل نقلیه تجاری حمل می‌کند، اطلاق می‌شود. اما آیا تمامی این اسناد به‌طور صحیح و مثبت در اختیار گمرک قرار می‌گیرد و یا تناقضاتی سهوی یا عمدی در این موارد بروز می‌کند.

در تعاریف جهانی، اظهار خلاف، اظهاری است که از هر لحاظ مغایر باشد با کالای اظهار شده از طرف صاحب کالا که در گمرک موجود است و شاید حسب مورد شمول تخلف یا قاچاق گمرکی شود. در مواردی اظهار خلاف موجب خروج غیرقانونی ارز و متضمن زیان مالی دولت است که باید به‌طور خاص توجه شود.

اظهار خلاف صاحب کالا و عدم توجه گمرک به محاسبه دقیق حقوق ورودی که باید از طرف صاحب کالا پرداخت شود به دو صورت ذیل اتفاق می‌افتد:

۱. حالت اول، کسر دریافتی حقوق ورودی از صاحب کالا است. در این موقعیت حقوق ورودی کمتر از میزان واقعی برآورد شده و صاحب کالا حقوق کمتری می‌پردازد. گمرک می‌تواند در این موارد تا هشت ماه پس از تاریخ صدور سند ترخیص به این موضوع اعتراض و مبالغ را مطالبه کند.

۲. حالت دوم، اضافه پرداختی صاحب کالا است که ناشی از برآورد حقوق ورودی بیشتر از میزان واقعی است و صاحب کالا حقوق ورودی بیشتری از آنچه واقعاً می‌باید

فصل هفتم عوامل اثرگذار بر مخدوش شدن سیاست‌های تعرفه‌ای ۱۶۵

بپردازد، پرداخت می‌کند. بنابراین، در این موارد صاحب کالا می‌تواند تا هشت ماه پس از تاریخ صدور سند ترخیص به مطالبه این مبلغ درخواستی را ارائه دهد. از این‌رو، در قانون امور گمرکی این فرصت داده شده تا بتوان کسر دریافتی را از صاحب کالا طلب یا اضافه پرداختی را از گمرک مسترد کرد. در ماده (۱۶) قانون امور گمرکی^۱ به موضوع کسر دریافتی و اضافه پرداختی و مهلت مرور زمان آن و موارد ناشی از اظهار خلاف و اعتراض به آن اشاره شده است. متن این ماده قانونی به شرح زیر است:

ماده (۱۶) - هرگاه بعد از ترخیص کالا از گمرک معلوم گردد وجوهی که وصول آن به عهده گمرک می‌باشد بیشتر یا کمتر از آنچه مقرر بوده دریافت گردیده یا اساساً دریافت نشده و یا اینکه اشتباهی دریافت گردیده است گمرک و صاحب کالا می‌توانند ظرف هشت ماه از تاریخ صدور سند ترخیص کالای مورد بحث برحسب مورد تمام یا مابه‌التفاوت را از یکدیگر مطالبه و دریافت کنند.

مهلت مرور زمان ترخیص کالا به استناد بند «ج» ماده (۳) قانون تشویق صادرات و تولید و تبصره ذیل ماده (۳۹) قانون امور گمرکی، موضوع لایحه قانونی راجع به تفسیر ماده (۱۶) قانون امور گمرکی، مصوب ۱۳۵۸/۸/۱ از تاریخ ترخیص کالا نیز هشت ماه می‌باشد.

اضافه یا کسر دریافتی کمتر از یک هزار ریال قابل مطالبه و دریافت طرفین نخواهد بود. رد اضافه دریافت‌ها از درآمد جاری به‌عمل خواهد آمد.

تبصره «۱» - کسر دریافت‌های ناشی از اظهار خلاف نسبت به نوع جنس توأم با تسلیم اسناد نادرست از شمول مقررات این ماده خارج و مشمول فصل چهارم این قانون خواهد بود.

تبصره «۲» - اشخاصی که کسر دریافتی از آنها مطالبه می‌شود هرگاه نسبت به مبلغ مورد مطالبه اعتراض داشته باشند می‌توانند ظرف سی روز از تاریخ ابلاغ مطالبه نامه دلایل اعتراض خود را کتباً به گمرک اعلام دارند، در این صورت اداره گمرک به اعتراض نامه واصله دقیقاً رسیدگی می‌کند و در مواردی که اعتراض موجه شناخته شود از ادامه

۱. قانون امور گمرکی، مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰ مجلس شورای ملی با آخرین اصلاحات تا پایان سال ۱۳۷۶.

مطالبه خودداری خواهد کرد وگرنه دلیل رد اعتراض را به مؤدی ابلاغ و پرداخت وجه را مطالبه می‌کند در صورتی که مؤدی ظرف سی روز از مطالبه اولیه اعتراض نکرد یا ظرف یک هفته پس از ابلاغ ثانوی تقاضای ارجاع امر را به کمیسیون رسیدگی به اختلاف گمرکی ننمود یا وجه مورد مطالبه را نپرداخت عملیات اجرایی شروع می‌شود و اگر بعد از انقضای سی روز از تاریخ مطالبه اولیه اعتراض خود را تسلیم کرد رسیدگی به موضوع موکول به پرداخت یا تأمین مبلغ مورد مطالبه خواهد بود.

در ماده (۲۹۵) آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی^۱ نیز به موضوع زمانی که گمرک می‌تواند کسر دریافتی‌های مکشوفه را مطالبه کند اشاره شده است. این ماده به شرح زیر است:

ماده (۲۹۵) - کسر دریافتی‌های مکشوفه را اداره گمرک وقتی می‌تواند مطالبه نماید که:

۱. مبلغ کسر دریافتی مربوط به هریک از اسناد ترخیص کالا کمتر از یک هزار ریال نباشد.
۲. از تاریخ صدور سند ترخیص کالا تا روز مطالبه کسر دریافتی هشت ماه نگذشته باشد. تاریخ ابلاغ مطالبه نامه عبارت از تاریخ روزی است که نامه رسمی یا تلگراف اداره گمرک مبنی بر مطالبه کسر دریافتی به محل کسب‌وکار او یا محل سکونت شخص پرداخت‌کننده یا وکیل او که در اظهارنامه نوشته شده ابلاغ شده باشد (تشریفات ابلاغ مندرج در این ماده تابع مقررات ابلاغ قانونی مندرج در آیین دادرسی مدنی است).

اخطار گمرک به وکیل یا نماینده یا حق‌العمل کار اظهارکننده کالای موضوع کسر دریافتی در مواردی که برای صاحب کالا در اظهارنامه نشانی تعیین نشده یا در نشانی تعیین شده شناخته نشده ولو اینکه مورد وکالت یا نمایندگی یا اختیارات وکیل یا نماینده یا حق‌العمل کار فقط محدود به ترخیص کالا بوده باشد قاطع مرور زمان هشت ماهه مذکور خواهد بود و پس از قطع، دیگر مرور زمان جاری نخواهد شد.

۱. آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی، مصوب ۱۳۵۱/۱/۲۰ کمیسیون داریایی مجلس شورای ملی با آخرین اصلاحات تا پایان سال ۱۳۷۶.

بنابراین اظهار خلاف به‌طور کلی می‌تواند به دو قسمت کم‌اظهاری و بیش‌اظهاری تقسیم شود.

بیش‌اظهاری به دو صورت بیش‌مقداری و بیش‌ارزشی یعنی اظهار مقدار کالا و ارزش کالا بیش از آنچه واقعاً وجود دارد به‌طور معمول به رویه صادرات بازمی‌گردد؛ زیرا براساس قانون معافیت صادرات کالا و خدمات از پرداخت عوارض^۱ صادرات از پرداخت هرگونه وجه تحت عنوان حقوق گمرکی یا صدور معاف است، بنابراین انگیزه اقتصادی برای کم‌اظهاری وجود ندارد. به‌علاوه اینکه کالاهای صادراتی شامل حمایت‌هایی مانند جوایز صادراتی در قالب پرداخت‌های مستقیم برحسب درصدی از صادرات به صادرکننده می‌شود و صادرکنندگان می‌توانند از مزایای ارزی حاصله برای واردات نیز استفاده کنند. این نوع اظهار خلاف یعنی بیش‌اظهاری در کالاهای صادراتی به‌طور مستقیم بر نرخ تعرفه‌های مربوط به حقوق ورودی تأثیر ندارد.

کم‌اظهاری نیز به دو صورت بیش‌اظهاری و بیش‌مقداری مشاهده می‌شود. به این معنا که واردکننده برای اینکه حقوق ورودی کمتری بپردازد، یا میزان کالای وارده یا ارزش هر واحد کالا را کمتر اظهار می‌کند. به‌طور معمول این اقدام درخصوص کالاهای وارداتی رخ می‌دهد با این انگیزه که صاحب کالا حقوق ورودی کمتری بپردازد. این اقدام نیز شامل تأثیراتی مانند ارزش‌گذاری گمرکی در سطوح کمتر از میزان واقعی است و موجب عدم تحقق درآمدهای دولت و کاهش نرخ حمایت مؤثر از تولید داخلی به‌دلیل واردات بیشتر با اظهار کمتر می‌شود.

بنابراین بهبود سیستم‌های نظارتی در گمرک ایران بر چگونگی بررسی اظهارنامه واردکنندگان و بازبینی اظهارنامه‌ها بر اثربخشی سیاست‌های تجارتي تأثیر بسزایی دارد.

۳-۷ معافیت‌های گمرکی

یکی از مشکلات عمده و اساسی نظام قانون‌گذاری که در اغلب اوقات، موجبات اختلال در نظام اجرایی قوانین را نیز فراهم می‌آورد، وجود اصلاحیه‌های متعدد، تبصره‌های متنوع و

۱. قانون معافیت صادرات کالا و خدمات از پرداخت عوارض مصوب ۱۳۷۹/۱۲/۱۰ مجلس شورای اسلامی و تأیید ۱۳۷۹، ۱۲/۱۷ شورای نگهبان.

۱۶۸ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

استثنائات گوناگون است. قوانین مربوط به بخش تجارت (قانون امور گمرکی، قانون تجارت، قانون و مقررات صادرات و واردات) نیز با توجه به ارتباط مستقیم آنها با امور مالی و در نتیجه رابطه و اثر فوری بر فرایند انجام کار و ایجاد رانت و مزیت برای بخش یا گروهی خاص همواره با اصلاحات، تبصره‌ها و استثنائات گوناگون مواجه بوده است. عمده‌ترین موارد ایجاد استثنا و رانت در این امور مربوط به معافیت‌های مختلف از پرداخت حقوق گمرکی است.

براساس قانون (بند «۴» ذیل ماده (۳۷) قانون امور گمرکی و ماده (۱۸) قانون مقررات صادرات و واردات) صادرات از پرداخت حقوق گمرکی، سود بازرگانی و عوارض بخشوده است و تنها مشمول پرداخت هزینه‌های گمرکی خواهد بود^۱ و وضع و اخذ هرگونه عوارض از اقلام و کالاهای صادراتی از طرف مقامات استانی و محلی ممنوع بوده و مرتکبین به‌عنوان تخلف قانونی تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.^۲

با توجه به معافیت کلی صادرات از پرداخت حقوق صدور عمده معافیت‌های گمرکی به بحث واردات مرتبط می‌شود. این گزارش نیز به بحث درباره یکی از انواع معافیت‌های مختلفی می‌پردازد که در سال‌های گذشته به مناطقی از کشور تعلق گرفته است و در راستای برنامه‌های بلندمدت (سند چشم‌انداز)، میان‌مدت (برنامه سوم و چهارم توسعه) و یک‌ساله (بودجه‌های سنواری) و اصلاحات اقتصادی مورد نظر دولت و مجلس حذف شده است.

معافیت از حقوق ورودی همواره یکی از بحث‌هایی است که در پایان هر سال فشارهای عمده‌ای را از بعد کارشناسی و از بعد روانی بر هیئت وزیران و استان‌های دارای این معافیت‌ها وارد می‌سازد.

بنابراین در قوانین مختلف مربوط به این حوزه سعی شده است که قوانین مختلفی که به معافیت حقوق ورودی اشاره داشته است لغو شده و برخی موارد خاص احصا شود. برای مثال در تبصره «۴» ماده (۲) قانون موسوم به قانون تجمیع عوارض^۳ اشاره

۱. قانون امور گمرکی مصوب سال ۱۳۵۰، فصل پنجم، معافیت‌ها و ممنوعیت‌ها، ۱۳۸۰، ص ۴۶.

۲. قانون مقررات صادرات و واردات، سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵، ص ۶.

۳. قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی، مصوب ۱۳۸۱/۱۰/۲۲ مجلس شورای اسلامی، تأیید ۱۳۸۱/۱۰/۲۵ شورای نگهبان.

شده است که تمام قوانین و مقررات مربوط به معافیت‌های حقوق ورودی به‌استثنای معافیت‌های مذکور در قانون امور گمرکی، ماشین‌آلات تولیدی، لوازم اهدایی به هلال احمر و اقلام عمده فقط دفاعی لغو می‌شود.

به‌رغم این موضوع، لغو استثنائات و معافیت‌ها تنها منحصر به این ماده نبوده و در ماده (۴) قانون برنامه چهارم^۱ نیز هرگونه معافیت از پرداخت مالیات و حقوق ورودی ممنوع اعلام شد.

در این ماده، عنوان می‌شود که برقراری هرگونه تخفیف، ترجیح یا معافیت از پرداخت مالیات (اعم از مستقیم و غیرمستقیم) و حقوق ورودی علاوه‌بر آنچه در قوانین مربوطه تصویب شده است برای اشخاص حقیقی و حقوقی از جمله دستگاه‌های موضوع ماده (۱۶۰) این قانون طی سال‌های این برنامه ممنوع است.

این حکم در برخی قوانین دیگر مانند بند «ی» قانون بودجه سال ۱۳۸۶^۲ نیز به همان شکل مورد نظر قانون‌گذار قرار گرفت. ولی به‌علت مشکلاتی در اجرا دوباره با تبصره‌های متعدد مواجه شد؛ زیرا اگرچه اتخاذ تصمیماتی مانند حذف تخفیف‌ها، ترجیحات و معافیت‌ها کاملاً قانونی و به‌دلیل اصلاحات اقتصادی و توزیع مناسب و برقراری عدالت و رفع تبعیض می‌باشد ولی انجام این اقدامات باید کاملاً هوشمندانه و کارشناسانه صورت پذیرد. همان‌طور که اعمال سیاست‌های حمایتی برای یک منطقه یا یک بخش می‌تواند به رکود فعالیت‌ها در مناطق مجاور منجر شده و موجبات انتقال سرمایه‌ها و ایجاد تبعیض شود، حذف یک‌باره حمایت‌هایی که تاکنون براساس منطق و اصول اولیه اقتصادی و سیاست‌های حمایتی اعمال می‌شد نیز می‌تواند ضربه‌ای بر روند رو به رشد مناطق محروم باشد. از این‌رو، همان‌طور که اعمال حمایت‌های کوتاه‌مدت به‌سبب از بین بردن توزیع و تخصیص کارا در حالت تعادل، می‌باید از توجیه کافی برخوردار باشد، حذف حمایت‌های مستقیم نیز باید با ارائه پیشنهادات جایگزین همراه باشد تا به اقتصاد مناطق یا بخش‌های مورد حمایت کمک شده و رشد آنها شتاب پیدا کند.

۱. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۸۳/۷/۱۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۲. قانون بودجه سال ۱۳۸۶، مصوب ۱۳۸۵/۱۲/۲۴ مجلس شورای اسلامی، تأیید ۱۳۸۵/۱۲/۲۴ شورای نگهبان.

۱۷۰ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

مباحث مربوط به حمایت از بخش‌های مختلف اقتصادی یا حمایت از مناطق مختلف، یکی از موضوعاتی است که همواره به‌علت ایجاد فضای تبعیض و استثنا با مخالفت‌ها و ابهاماتی مواجه بوده است، با این حال همواره گروه‌هایی که از این حمایت‌ها بهره می‌برند از وجود و الزام به تداوم آن دفاع کرده و در مقابل گروه‌های مخالف موضع می‌گیرند.

شایان ذکر است که براساس ماده (۵۲) قانون مالیات بر ارزش افزوده، مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷ کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون مذکور قانون موسوم به تجمیع عوارض و اصلاحیه‌های بعدی آن لغو می‌شود. بنابراین حکم تبصره «۴» ماده (۲) قانون تجمیع عوارض لغو شده و حکم اصلی معافیت‌ها، تبصره «۲» ماده (۴۱) قانون مالیات بر ارزش افزوده است.

با توجه به لغو قانون تجمیع عوارض به‌دلیل تصویب قانون مالیات بر ارزش افزوده، اکثر مواد مربوط به قانون تجمیع به قانون اخیرالذکر انتقال داده شده تا خلأ قانونی در این زمینه به‌وجود نیاید. ماده (۴۱) قانون مالیات بر ارزش افزوده به تعریف حقوق ورودی پرداخته و تبصره «۲» آن به همان حکم لغو تمام معافیت‌ها به‌جز برخی استثنائات اشاره کرده است.

این استثنائات شامل موارد مندرج در ماده (۶) قانون مالیات بر ارزش افزوده، برخی بندهای ماده (۳۷) قانون امور گمرکی، ماده (۸) قانون سامان‌دهی مبادلات مرزی، مناطق آزاد و ویژه، ماشین‌آلات تولیدی، لوازم امداد و نجات هوایی به هلال احمر و اقلام صرفاً دفاعی است. یکی از معضلات این حمایت‌ها آن است که همواره عده‌ای در صف اخذ مجوز دریافت این مزایا قرار دارند و خود را محق دریافت این حمایت‌ها دانسته و وجود تبعیض و حمایت را در کنار خود عاملی برای ایجاد فضای عدم رقابت سالم دانسته و تقاضا دارند به گروهی بپیوندند که در حال استفاده از این مزایا هستند. بنابراین درخواست‌ها برای بهره‌مندی از این مزایا ادامه داشته و گروهی با حمایت به فعالیت خود ادامه می‌دهند و به‌دلیل برخورداری از این حمایت‌ها به رفع ساختاری و اساسی مشکلات خود نمی‌پردازند. از این‌رو، حمایت از بخش‌های دارای معضل یا صنایع نوپا تنها در کوتاه‌مدت توصیه می‌شود و همواره باید از حمایت‌های بلندمدت پرهیز شود.

معافیت از پرداخت حقوق ورودی به نوعی معافیت از مالیات بر واردات که یکی از

انواع مالیات غیرمستقیم است محسوب می‌شود. معافیت‌های مالیاتی یکی از عوامل اصلی افزایش‌دهنده فرار مالیاتی و توسعه تجارت در بخش غیررسمی و افزایش قاچاق نیز محسوب می‌شود؛ زیرا اعطای معافیت‌های مالیاتی از پرداخت مالیات به کاهش درآمدهای مالیاتی دولت منجر می‌شود و اگر اعطای معافیت‌ها براساس مطالعات کارشناسی توجیه کافی نداشته باشد، دولت برای کسب درآمد مالیاتی پیش‌بینی شده از کالاهای وارداتی، بر گروه‌ها و بنگاه‌های فعال دیگر فشار بیشتری وارد می‌کند. یعنی برای جبران کاهش درآمد مالیات بر واردات، نرخ‌های تعرفه بیشتری تحمیل خواهد شد بر کالاهایی که از معافیت بی‌بهره است. بی‌تردید اعطای معافیت‌های مالیاتی گسترده، بدون دلایل توجیهی، به ناکارایی نظام تجاری و ضعف نظام اجرایی منجر می‌شود.

معافیت‌های مالیاتی نباید برای کالاهای متعدد و برای زمان نامحدودی در نظر گرفته شود، در دوره‌های مختلف باید تحقق اهداف مورد نظر از اعطای این معافیت‌ها بررسی شود و اگر ادامه آن از نظر اقتصادی ضروری نبود، اعطای این معافیت‌ها می‌تواند لغو شود. البته باید توجه شود که منظور و مقصود اصلی حمایت اعمال شده از طرف قانون‌گذار، تقویت و کمک به بخشی خاص بوده است و قطع یک‌باره آن بدون انجام مطالعات کارشناسی می‌تواند به‌مثابه ضربه‌ای بر آن بخش باشد.

اعمال حمایت منطقه‌ای یا بخشی بلندمدت به‌منزله ایجاد تبعیض و استثنا قابل توجیه نمی‌باشد و حذف یک‌باره این حمایت‌ها نیز به معنای تضاد با اهداف اولیه اعمال حمایت خواهد بود. به همین منظور می‌توان با حذف تدریجی حمایت‌های مستقیم (مانند تخفیف در سود بازرگانی یا به‌طور کلی حقوق ورودی) در یک برنامه زمان‌بندی شده و جایگزینی آن با حمایت‌های ساختاری و اساسی (مانند افزایش بودجه طرح‌های عمرانی و اعتباری) در راستای رفع محرومیت‌ها و رفع نیاز و توسعه مناطق در چارچوب برنامه‌های کوتاه‌مدت و توجه به نیازهای مناطق محروم اقدام کرد تا هم کارآمدی کسب درآمدهای دولت محقق شود و هم گامی برای برقراری عدالت اجتماعی به‌صورت برنامه‌ریزی منطقه‌ای هماهنگ با سیاست‌های کلان برداشته شود.

به‌هرحال افزایش معافیت‌های مالیات و اختصاص زمان طولانی برای این معافیت‌ها به افزایش فشار برای دیگر کالاها و اعمال نرخ‌های بالاتر برای بخش‌های فعال اقتصادی منجر می‌شود و تخصیص بهینه منابع را با مخاطره مواجه می‌سازد. بنابراین محدودیت

۱۷۲ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

معافیت‌های قانونی و نظارت بر چگونگی اجرای آنها از اهمیت بسزایی برخوردار است. در فصل‌های بعد به‌خصوص در بخش‌هایی که نرخ‌های تعرفه در سطوح مختلف بررسی می‌شود، موضوع معافیت‌ها مورد نظر قرار می‌گیرد.

۴-۷ اختلال در سقف معافیت کالای همراه مسافر

یکی از محورهایی که می‌تواند به‌عنوان یک نوع معافیت آثاری بر سطوح تعرفه‌ای داشته باشد، اختلال در نظام ترخیص کالاهای همراه مسافر است.

براساس تعاریف بین‌المللی مندرج در «واژه‌نامه بین‌المللی گمرک» که شورای همکاری گمرکی (سازمان جهانی گمرک)^۱ ارائه کرده دو نوع مسافر^۲ تعریف شده است.

۱. مسافر غیرمقیم: شخصی است که به‌طور موقت وارد قلمرو کشوری می‌شود که در آنجا اقامت ندارد.

۲. مسافر مقیم مراجعت‌کننده: شخصی است که پس از مسافرت به خارج از قلمرو کشوری که در آنجا اقامت دارد، دوباره به آنجا بازمی‌گردد.

ایجاد تسهیلات و اعمال معافیت‌های مختلف برای آسان‌سازی تشریفات گمرکی مسافران یکی از مواردی است که از دیرباز مورد توجه سازمان‌های جهانی قرار گرفته است. از این‌رو در ضمیمه (و-۳) کنوانسیون کیوتو^۳ و ضمیمه (ب-۶) کنوانسیون استانبول^۴ به تسهیلات گمرکی مربوط به مسافران اشاره شده است.^۵

۱. شورای همکاری گمرک یا سازمان جهانی گمرک در ۱۵ دسامبر ۱۹۵۰ در بروکسل و با توافق ۱۴ کشور جهان به‌منظور ایجاد همکاری مشترک بین دولت‌ها، بررسی فنی رژیم‌های گمرکی، ارائه راه‌های عملی، تهیه و تنظیم و اصلاح قراردادها، تفسیر و اجرای یکنواخت قراردادها، تفسیر نمانکلاتور طبقه‌بندی تعرفه‌های گمرکی، رفع اختلافات، نشر اطلاعات گمرکی، ارائه نظرات و توصیه‌های لازم و همچنین همکاری با دیگر سازمان‌های مرتبط تشکیل شد.

2. Traveller

۳. به این موضوع در Annex f.3. to the Kyoto Convention اشاره شده است. کنوانسیون کیوتو، کنوانسیون بین‌المللی راجع به ساده‌سازی و هماهنگی روش‌های گمرکی است که در سال ۱۹۷۳ در کیوتو به تصویب شورای همکاری گمرکی رسیده است.

۴. به این موضوع در Annex B.6. to the Istanbul Convention اشاره شده است. کنوانسیون استانبول، کنوانسیون بین‌المللی راجع به ورود موقت است که در سال ۱۹۹۰ در استانبول به تصویب شورای همکاری گمرکی رسیده است.

۵. رضا بنایی، همان.

براساس همین تعاریف، لوازم شخصی^۱ همراه مسافر عبارت است از کالاهای (نو یا مستعمل) که مسافر با ملاحظه وضعیت سفر و اقامت بین راه، برای استفاده شخصی به‌طور معقول به آنها احتیاج دارد، ولی شامل کالاهایی که برای مقاصد تجاری وارد یا صادر شود، نمی‌شود. مهم‌ترین نکته‌ای که در تعاریف جهانی به آن توجه می‌شود، عدم وجود جنبه تجاری^۲ در کالاهای همراه مسافر است.

ورود کالای همراه مسافر براساس قوانین و مقررات متعدد و به استناد ماده (۱۷) قانون مقررات صادرات و واردات کشور مصوب ۱۳۷۲/۷/۴ مجلس شورای اسلامی به‌شرط غیرتجاری بودن و تا سقف مصوب هیئت وزیران بلامانع بوده و از معافیت حقوق گمرکی و سود بازرگانی برخوردار بوده است.

با این حال، به‌علت وجود برخی سوءاستفاده‌ها و مشکلات که عمدتاً به بخش اجرا بازمی‌گردد و ناشی از عدم رعایت شرط‌های قانونی (غیرتجاری بودن و رعایت سقف ورود) بوده است، مخالفت‌هایی از سوی برخی دستگاه‌های مسئول نیز به‌وجود آمده است. در فصل پنجم قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰ و اصلاحات ۱۳۷۶ مجلس شورای اسلامی به موضوع معافیت‌ها و ممنوعیت‌ها اشاره شده است. بند «۵» ماده (۳۷) این قانون به موضوع کالای همراه مسافر اشاره داشته که با تصویب ماده (۱۷) قانون مقررات صادرات و واردات در تاریخ ۱۳۷۲/۷/۴ موضوع اشیای غیرمستعمل همراه مسافر از این ماده حذف شده و تنها اشیای مستعمل همراه مسافر که جنبه تجاری ندارد مورد نظر قرار گرفته است. در ماده (۳۸) همین قانون به این موضوع تصریح می‌شود که کالاهای موضوع بندهایی از ماده (۳۷) که با استفاده از معافیت ترخیص می‌شود تا ۱۰ سال بعد از ترخیص در صورت واگذاری به غیر باید حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض مربوطه را با کسر مبلغ فرسودگی و استهلاک پرداخت نمایند. در این ماده موضوع کالای همراه مسافر مورد نظر قرار نبوده و تنها به مواردی مانند: کالای رؤسای کشورهای خارجی، مأموران سیاسی، اسلحه و مهمات، هدایای خارجی، لوازم طبی و بیمارستانی، ادوات حفاری، اشیای باستانی، اشیای موزه‌ای (اشیای عتیقه) اشاره شده است.

1. Personal Effects

2. Excluding any Goods Imported or Exported for Commercial Purposes.

۱۷۴ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

در ماده (۵۵) آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۱/۱/۲۰ کمیسیون دارای مجلس نیز به موضوع کالای همراه مسافر اشاره شده است. در این ماده نیز با توجه به اهمیت قید غیرتجاری بودن در کالای همراه مسافر حکم مربوط به ماده با تفکیک تجاری و غیرتجاری لحاظ شده است به نحوی که اگر کالا غیرتجاری باشد (اعم از مجاز یا غیرمجاز و به استثنای کالای ممنوعه قانونی) پس از انجام تشریفات گمرکی و رعایت سایر مقررات، ترخیص می‌شود و درباره کالای تجاری در صورت مجاز بودن مشمول کالای وارده بازرگانی می‌شود و در صورت غیرمجاز بودن شامل کالاهای مرجوعی یا ضبطی می‌شود.

در ماده (۴۲) آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۱۳۶۶/۴/۱۱ و ماده (۵۰) همین آیین‌نامه مصوب ۱۳۶۷/۱/۱۵ فهرستی با عنوان کالاهای قابل ورود مسافر اعلام شده است که هر مسافر می‌تواند برای بار اول مسافرت در سال به ارزش پنجاه هزار ریال از محل فهرست مذکور با حفظ جنبه غیرتجاری با معافیت از حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض، کالا وارد کند و به‌اندازه پنجاه هزار ریال نیز با پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض به کشور کالا وارد کند و در دفعات بعدی مسافرت تنها به ارزش پنجاه هزار ریال با حفظ جنبه غیرتجاری با پرداخت دو برابر مأخذ حقوق گمرکی، سود بازرگانی و عوارض کالا وارد نماید.

بعد از طی مراحل فوق در ماده (۱۷) قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۱۳۷۲/۷/۴ به این موضوع تصریح شد که با توجه به اهمیت آن در ذیل متن آن به‌طور کامل مشخص شده است:

ماده (۱۷)

مسافری که وارد کشور می‌شود، علاوه بر وسایل شخصی می‌تواند تا سقف مصوب هیئت وزیران با معافیت از حقوق گمرکی و سود بازرگانی کالا وارد نماید، ترخیص کالاهای موضوع این ماده به شرط غیرتجاری بودن آن بلامانع است.
تبصره «۱»- فهرست کالای همراه مسافر توسط وزارت بازرگانی تهیه و اعلام می‌گردد.
تبصره «۲»- مقررات این ماده شامل مسافرین ورودی مناطق آزاد نیز می‌باشد.
تبصره «۳»- مسافری که از کشور خارج می‌شود (اعم از اتباع ایرانی و خارجی)

علاوه بر وسایل شخصی خود می‌تواند مصنوعات و محصولات داخلی را بدون سقف به شرط اینکه جنبه تجاری پیدا نکند و کالای خارجی را تا سقف ارزش مزبور در این ماده از کشور خارج نماید.

در ماده (۳۱) آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات مصوب جلسات ۷، ۱۰ و ۱۳۷۳/۱/۱۴ هیئت وزیران ضمن تصریح به معافیت کالاهای همراه مسافران ایرانی یا غیرایرانی که از خارج یا از مناطق آزاد به کشور وارد می‌شود با رعایت شرط غیرتجاری بودن به سقف حداکثری ۸۰ دلار ارزش کالای ورودی اشاره داشته و ذکر شده که مازاد بر ارزش ۸۰ دلار با پرداخت حقوق گمرکی و دو برابر سود بازرگانی قابل ترخیص می‌باشد مشروط بر اینکه ممنوع (شرعی یا قانونی) نبوده و جنبه تجاری نداشته باشد.

همان‌طور که عنوان شد حوزه جغرافیایی این قوانین مربوط به هر مسافر ایرانی و غیرایرانی است که از خارج یا از مناطق آزاد به کشور وارد می‌شود. البته در این مورد استثنایی نیز وجود دارد که مربوط به قانون ایجاد مناطق آزاد تجاری - صنعتی آبادان و خرمشهر، جلفا و بندر انزلی مصوب ۱۳۸۲/۶/۲ مجلس و تأیید ۱۳۸۲/۶/۱۲ شورای نگهبان می‌باشد. در این قانون ذکر شده است که ورود کالای همراه مسافر از سه منطقه آزاد موضوع این قانون به سایر نقاط کشور به هر میزان ممنوع است.

وجود این قید از آن جهت حائز اهمیت است که مناطق موضوع این قانون بخشی از قلمرو داخل کشور است که مراکز و توده‌های جمعیتی گسترده‌ای را شامل می‌شود و اعمال معافیت کالای همراه مسافر برای این بخش‌ها می‌توانست با توجه به جمعیت مناطق ذی‌ربط مشکلاتی را به همراه داشته باشد.

در ماده (۱۳) آیین‌نامه مربوط به مقررات صادرات، واردات و امور گمرکی مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران که در جلسه مورخ ۱۳۷۳/۲/۱۹ با شماره ۳۳۴۳۱ ت ۲۴ ک، با رأی اکثریت وزرای عضو شورای عالی مناطق آزاد تجاری - صنعتی (با توجه به اختیار تفویض هیئت وزیران) تصویب شد نیز به این موضوع اشاره شده است که کالای همراه مسافرانی که قصد دارند از منطقه خارج و به سایر نقاط کشور سفر کنند مشمول مقررات عمومی صادرات و واردات کشور خواهد بود. این امر بیانگر ارتباط موضوع با ماده (۱۷) قانون مقررات صادرات و واردات کشور می‌باشد.

۱۷۶ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

همان‌طور که مشاهده می‌شود دو قید غیرتجاری بودن و سقف کالاها را همواره قانون‌گذار در نظر گرفته است. بنابراین تعیین سقف معین برای کالای همراه مسافر همواره توجه شده است.

در مصوبه ۱۳۷۲/۴/۲۳ هیئت وزیران با شماره ۸۲۳۷ ت ۱۷۴ هـ ضمن لغو بند «۴» اصلاحی آیین‌نامه اجرایی قانون معافیت از حقوق و عوارض گمرکی موضوع کالاهایی که به‌منظور استفاده، مصرف و فروش وارد جزیره کیش می‌شود، مقرر شده بود ترخیص کالا از مناطق آزاد تجاری کیش، قشم و چابهار به‌صورت کالای همراه مسافر به‌میزان ۷۰۰ دلار برای کیش و ۲۰۰ دلار برای قشم و چابهار مجاز باشد. همچنین ترخیص کالاهای تجاری با استفاده از معافیت کارت‌های مسافری ممنوع می‌باشد و کالای تجاری تنها با پرداخت سود بازرگانی و عوارض گمرکی قابل ترخیص می‌باشد.

باین‌حال، با توجه به آیین‌نامه مورخ ۱۳۷۵/۳/۲۷ نماینده ویژه رئیس‌جمهور در ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار براساس بند «ب» تبصره «۱۴» قانون بودجه (سال ۱۳۷۵) میزان مجاز سقف معافیت گمرکی کالای همراه مسافر ۸۰ دلار تعیین شد که هر مسافر ورودی به کشور می‌تواند تا این مبلغ کالاهای مجاز با رعایت ماده (۱۷) قانون مقررات صادرات و واردات و آیین‌نامه اجرایی آن بدون پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی وارد کند.

البته با وجود قید سقف ۸۰ دلار کالای همراه مسافر برای هر نفر این میزان به‌طور کامل در گمرکات به‌درستی رعایت نمی‌شود و گفته می‌شود واردات کالای همراه مسافر با ارزش بالاتری نیز صورت می‌گیرد.

قید دوم که همیشه مورد نظر قانون‌گذار قرار گرفته است، قید غیرتجاری بودن کالای همراه مسافر است. تشخیص جنبه تجاری بودن کالا معمولاً به عرف معمول در خصوص مسافر در کشورها بازمی‌گردد. به‌طور کلی شخصی که مسافر خوانده می‌شود، در حد رفع نیاز یک سفر و متناسب با زمان مسافرت و اقامت در یک محل، اشیای شخصی را به همراه دارد که هدف قانون‌گذار آن بوده است تا سقف معینی از این کالاها (مستعمل و غیرمستعمل) از پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض معاف باشند.

در همه موارد، تشخیص جنبه تجاری از غیرتجاری به عهده گمرک است و تشخیص گمرک براساس عرف و مواردی است که در فوق به آن اشاره شد. باین‌حال

جنبه غیرتجاری بودن کالا بیشتر به نحوه مصرف کالا بستگی دارد و معمولاً کالایی است که برای فروش عرضه نمی‌شود. بنابراین تعداد، میزان و حتی ارزش کالا با توجه به نوع مصرف کالا جنبه تجاری بودن را مشخص می‌سازد.

گمرک در برابر رعایت قوانین و مقررات صادرات و واردات و سقف ارزش کالاهای همراه مسافر و تشخیص غیرتجاری بودن آنها مسئولیت دارد و برای حسن اجرای وظایف مربوطه علاوه بر آموزش کارشناسان ذی‌ربط، ارائه شاخص‌ها و ملاک‌های معین و مشخص و غیرقابل تردید از سوی گمرک جمهوری اسلامی ایران ضرورت دارد.

رعایت نکردن سقف ۸۰ دلاری برای کالای همراه مسافر و همچنین عدم رعایت قید نداشتن جنبه تجاری موجب شده است که ورود کالای همراه مسافر به روشی نامطلوب برای کالاهای تجاری تبدیل شود. این امر نیز به نوعی تنوع معافیت محسوب می‌شود و می‌تواند افزایش بار مالیاتی را بر کالاهای دیگر موجب شود.

نکته دیگر که بسیار قابل تأمل است آن است که، هیچ آماری از ورود کالاهای همراه مسافر در گمرک ثبت نمی‌شود و این امر موجب شده است که برآوردی دقیق و تحلیلی مناسب در این خصوص وجود نداشته باشد.

۷-۵ کالاهایی با علائم تجاری جعلی

ورود کالاها با استفاده از علائم تجاری جعلی و مبدأ ساخت نامشخص یکی از پدیده‌هایی است که اقتصاد جهانی را با آثار سوءاقتصادی مواجه ساخته است. یکی از آثار سوء این موضوع عدم امکان ارزش‌گذاری صحیح و کاهش درآمدهای دولت و در نتیجه اعمال فشار بیشتر بر کالاهای دیگر از نظر نرخ تعرفه است.

علامت تجاری^۱ به‌عنوان یکی از موضوعات حقوق مالکیت معنوی، نشانه متمایزکننده‌ای است که کالاها یا خدمات معینی را که شخص یا بنگاه خاصی تولید کرده است، مشخص می‌کند. سابقه علامت تجاری به سال‌های دور برمی‌گردد که صنعتگران امضا یا علامت خود را بر محصولات تولیدی درج می‌کردند. با گذشت زمان این علائم به نظام امروزی ثبت و حمایت از علامت تجاری تحول یافت. این نظام به

1. Trade Mark

مصرف‌کنندگان کمک می‌کند محصول یا خدمت معینی را شناسایی کرده و آن را به دلیل کیفیت و خصوصیاتش که در علامت تجاری انحصاری آن منعکس است و نیازهای آنها را برآورده می‌کند، خریداری کنند.

علامت تجاری می‌تواند یک کلمه یا ترکیبی از کلمات، حروف و اعداد یا شامل اشکال، نشانه‌ها، علائم سه‌بعدی مانند شکل و بسته‌بندی کالا، علائم شنیداری نظیر اصوات موسیقی یا صوتی، بوها یا رنگ‌های مورد استفاده به‌عنوان خصوصیات متمایزکننده باشد.^۱ علامت تجاری را می‌توان یکی از ابزارهای مهم برای حمایت از بخش نرم‌افزاری تکنولوژی دانست.

ورود کالاهای جعلی و با کیفیت پایین تأثیر منفی بر تولید، اشتغال داخلی و حمایت از مصرف‌کنندگان دارد. اولین و مطمئن‌ترین مانع در کوتاه‌مدت برای ورود این کالاها به کشور، داشتن قوانین کارا و جامع در واردات کالا است.

ورود کالاهای غیراصلی و جعلی خصوصاً در کشورهای در حال توسعه رواج داشته و با وجود انجام برخی نظارت‌های گمرکی، سالیانه شاهد ورود حجم وسیعی از کالاها با کیفیت پایین و با علائم و مارک‌های تجاری معروف به‌صورت جعلی هستیم. با این اوضاع، در صورتی که بررسی‌های اولیه برای ورود کالا به داخل کشور بی‌دقت باشد و قوانین موجود در گمرکات کشور کارایی لازم را نداشته باشد، ورود کالاها با مارک‌های جعلی را افراد سودجو تشدید کرده و ضررهای جبران‌ناپذیری به پیکره بخش‌های صنعت، خدمات و کشاورزی خواهد زد.

نقض حقوق مالکیت معنوی صاحبان علائم و مارک‌های اصلی موجب تشدید و سرعت بخشیدن به ورود کالاهای جعلی که عموماً دارای کیفیت پایینی است شده و بررسی‌های اولیه به‌منظور حصول اطمینان از اصلی بودن کالاهای وارداتی را کم‌رنگ یا به‌طور کلی از بین برده است که دارای آثار سوء متعددی بر اقتصاد کشور است و باید با آن مقابله کرد.

واردات کالاهای جعلی، بخشی از واردات کل کشور است که علاوه بر آثار سوء واردات بی‌رویه، آثار منفی مضاعفی را به اقتصاد وارد می‌کند.

۱. سیفا... صادقی یارندی و مسعود طارم‌سری، همان.

با بررسی قوانین و مقررات این حوزه، مشاهده خواهد شد که اصلی‌ترین ماده‌ای که به این موضوع در قوانین تجاری و گمرکی کشور اشاره می‌کند، بند «۱۲» ماده (۴۰) قانون امور گمرکی درباره محترم شمردن حقوق مصرف‌کنندگان و جلوگیری از واردات کالاهای جعلی است. با این حال، توسل به این قانون کافی نبوده و لازم است کارشناسان گمرکی، ضابطان حقوقی و عامه مردم به ورود کالاهای خارجی جعلی با مارک‌های معروف که محل ساخت آنها مشخص نیست، حساس شوند؛ زیرا این موضوع اغفال مصرف‌کنندگان را به دنبال دارد و لذا لازم است برخوردی دقیق با واردکنندگان کالاهای جعلی با اصلاح فرهنگ مصرفی و مقررات و رویه‌های تجاری به‌وجود آید. اصلی‌ترین آثار سوء و زیان‌های ناشی از ورود کالاهای جعلی را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

۱-۵-۷ تأثیر منفی بر تولید

ورود کالاهای جعلی، حقوق مالکیت انحصاری تولیدکنندگان را با آسیب جدی مواجه می‌سازد. بخش عمده‌ای از هزینه‌های تولید به هزینه‌های تحقیق و توسعه^۱ اختصاص دارد که از طرفی موجب افزایش هزینه‌های تولید می‌شود و از طرف دیگر نیز به ایجاد خلاقیت و نوآوری و تنوع در تولید منجر می‌شود. افزایش حجم کالاهای جعلی به معنای استفاده غیرقانونی از مارک‌های تجاری بدون تحمل هزینه‌های فوق است که با عرضه ارزان‌تر کالا به تولیدکننده واقعی آسیب جدی وارد می‌کند. از این رو توجه به حقوق مالکیت معنوی در این بحث به‌عنوان جدی‌ترین موضوع مطرح شده است. به‌علاوه، در کشورهایی که عمده واردات آنها مواد اولیه و واسطه‌ای است، استفاده از مواد جعلی در فرایند تولید که عموماً بی‌کیفیت می‌باشد، به معنای وارد آوردن آسیب و لطمه جدی به تولید نهایی داخلی است. برای مثال در ایران که بیش از ۸۰ درصد واردات کشور را کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تشکیل داده است، ورود کالاهای بی‌کیفیت چینی با نصب علائم جعلی اروپایی و ژاپنی، صنایع داخلی را با مشکل مواجه کرده است.

۷-۵-۲ تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری

افزایش حجم کالاهای جعلی موجب کاهش مزیت در فعالیتهای تحقیق و توسعه و در نتیجه افت محسوس سرمایه‌گذاری در این بخش می‌شود. این موضوع به‌طور غیرمستقیم بر روند سرمایه‌گذاری صنعتی تأثیرگذار است و موجب کاهش آن می‌شود. از طرف دیگر با توجه به وجود رقابت غیرمنصفانه در این بخش انگیزه‌های بخش رسمی برای افزایش تولید، کم شده و سرمایه‌گذاری با عدم مزیت مواجه می‌شود.

۷-۵-۳ تأثیر منفی بر امنیت فضای کسب‌وکار

آثار نامطلوب متعدد افزایش حجم کالاهای جعلی موجب ایجاد فضای نامطلوب و نامطمئن کسب‌وکار برای بنگاه‌ها و شرکت‌های رسمی می‌شود و این امر مطلوبیت بنگاه‌ها برای فعالیت در بخش رسمی را کاهش داده و از طرف دیگر موجب خروج بنگاه‌های فعال از بخش رسمی می‌شود، زیرا مزیت‌های معاملاتی این شرکت‌ها به‌دلیل افزایش قیمت‌های تمام شده با مخاطره مواجه می‌شود.

۷-۵-۴ تأثیر منفی بر تجارت و تراز تجاری

افزایش حجم کالاهای نامرغوب جعلی موجب واردات بی‌رویه این کالاها می‌شود که در مقایسه با کالاهای اصلی، ارزان‌تر است و با خود افزایش تقاضای داخلی برای این نوع کالاها را به دنبال دارد. نتیجه چنین وضعیتی، خروج ارز از کشور و انتقال سرمایه‌های ملی به خارج و ورود کالاهای بی‌کیفیت است که نوعی تجارت نامطلوب تلقی می‌شود.

۷-۵-۵ تأثیر منفی بر اشتغال

ورود بی‌رویه کالاهای تجاری جعلی اثر بسیار نامطلوبی بر اشتغال در کشور دارد. مطالعات کمیته خاص مبارزه با جعل در اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۵ خسارت ناشی از ورود کالاهای جعلی به آلمان ۲۰ الی ۳۰ میلیارد یورو بوده که معادل از دست رفتن حدود ۷۰ هزار فرصت شغلی در این کشور است.^۱ آثار نامطلوب این

۱. همان.

پدیده بر اشتغال، بسیار فراتر از آثار واردات کالاهای غیرجعلی است، زیرا نه تنها شاغلان مربوط به صنعت مشابه در داخل را با مخاطره مواجه می‌سازد بلکه، تولیدکنندگان کالای اصلی در کشور مبدأ را نیز با مشکل مواجه می‌کند.

۶-۵-۷ تأثیر منفی بر کاهش درآمدهای دولت

یکی از راه‌های اصلی کسب درآمد دولت، اخذ مالیات و عوارض از کالاهای وارداتی است که به‌طور عمده برحسب ارزش کالا محاسبه و از واردکننده گرفته می‌شود. ورود کالاهای جعلی موجب می‌شود که حجم بالاتری از تقاضای داخلی با کالاهای کم‌ارزش و بی‌کیفیت پاسخ داده و در نتیجه ارزش واردات کاهش یافته و به تبع آن درآمد دولت نیز کمتر شود. بنابراین دولت‌ها به‌طور دقیق در مقابل این پدیده ایستاده و از راهکارهایی برای مقابله با آن استفاده می‌کنند.

۷-۵-۷ اغفال مصرف‌کنندگان

اصلی‌ترین هدف تولیدکنندگان کالاهای جعلی، اغفال مصرف‌کنندگان به‌دلیل استفاده از مارک‌ها و علائم تجاری معروف است. درحالی‌که، کالاهای تولیدی به‌هیچ‌وجه از نظر کیفیت با کالای اصلی قابل مقایسه نیست. بنابراین، هدف اولیه تولید این کالاها، کسب درآمد و سود بیشتر با اغفال مصرف‌کننده است. در این موقعیت دولت موظف است از حداکثر ابزارهای خود برای جلوگیری از این پدیده استفاده کند. این کالاها از آنجاکه تحت لیسانس کارخانه اصلی تولید نمی‌شود، گارانتی یا ضمانت‌نامه لازم را ندارد و از این‌رو مصرف‌کنندگان را با مشکلات متعددی روبه‌رو می‌سازند.

برای مثال اگر کالایی با علامت و نشانه یک شرکت معروف اروپایی به کشور وارد شود درحالی‌که مبدأ ساخت این کالا کشور چین باشد، درج عبارت (ساخت چین) روی این کالا برای ورود به کشور کافی نیست. زیرا این قبیل کالاها حتماً باید از طرف سازنده اصلی اجازه رسمی داشته باشد و فعالیت شرکت تولیدی مربوطه در چین حتماً تحت لیسانس شرکت اروپایی باشد و اگر نه درج مارک شرکت اروپایی با وجود داشتن عنوان ساخته شده در چین موجبات اغفال مصرف‌کنندگان را فراهم می‌آورد چون باز هم معلوم نمی‌کند که این محصول وارداتی درواقع کدام شرکت در چین و با چه علامتی تولید کرده است.

۸-۵-۷ مخاطره سلامت عمومی جامعه

هرچند جعل علائم تجاری کالاهای فرهنگی و الکترونیکی آثار مخربی به دلیل کاهش کیفیت کالای مصرفی بر مصرف‌کننده می‌گذارد ولی مصرف کالاهای جعلی در زمینه‌هایی مثل مواد غذایی، دارویی و دخانی به‌طور مستقیم سلامت عمومی جامعه را به مخاطره می‌اندازد. جلوگیری از تجارت این‌گونه کالاها با اعمال استانداردهای اجباری در تمام موارد اشاره شده می‌باید در رأس سیاست‌های تجاری و اقدامات دفاعی دولت در نظر گرفته شود.

با توجه به مراتب فوق، هر قدر تجارت کالاهای جعلی از رونق بیشتری برخوردار باشد آثار سوء و منفی بیشتری بر اقتصاد کشورها دارد. با این حال در برخی کشورهای در حال توسعه برخورد دقیق و قاطعی با این پدیده نمی‌شود؛ زیرا کشورهای با درآمد پایین تلاش دارند با ورود کالاهای ارزان‌تر (حتی بی‌کیفیت) سطح مصرف جامعه را بالاتر ببرند و به افزایش مطلوبیت و رفاه عمومی جامعه کمک کنند. این کشورها به آثار نامطلوب آن بر اقتصاد داخلی و آثار سوء آن بر اقتصاد جهانی بی‌توجه است.

مراتب فوق اجرای حمایت مؤثر از مالکیت حقوق معنوی از اهمیت اساسی برخوردار است. حمایت قوی و مؤثر از مالکیت حقوق معنوی نخستین پایه‌ای است که سنگ بنای یک محیط سرمایه‌گذاری سالم بر آن نهاده می‌شود و یک رشته مزایای بلندمدت اقتصادی به همراه دارد که برخی از نمونه‌های آن از این قرار است:

- پدید آوردن انگیزه برای نوآوری و در نتیجه ایجاد محیطی که در آن به نوآوری پاداش داده می‌شود،
- تشویق کشف روش‌هایی برای تولید و توزیع فرآورده‌های موجود با هزینه کمتر،
- دعوت به عرضه محصولات، دانش فنی و خدمات جدید، کم‌خطر و مؤثر،
- ایجاد انگیزه برای بازارهای داخلی با پذیرش و بهبود محصولات و فناوری‌های موجود،
- تشویق انتقال دانش فنی و کارآفرینی چه در صنایع پایه و چه در صنایع پشتیبان در تمامی سطوح اقتصاد،
- ایجاد نیروی کار با کیفیت بالاتر و با فن آشناتر با آموزش ضمن کار، درخصوص انتقال دانش فنی،

● افزایش سرمایه‌گذاری‌های جدید که می‌توان آنها را به‌منظور توسعه اقتصادی به‌کار انداخت،

● تحقق پیشرفت‌هایی که به ارتقای سطح فناوری در سراسر جهان مدد خواهد رساند. جمهوری اسلامی ایران به معاهدات چندجانبه متعددی در زمینه حمایت از حقوق مالکیت معنوی ملحق است که در آنها حمایت و توسعه این نوع حقوق و تضمین آنها در چارچوب نظام داخلی جنبه اساسی دارد. این معاهدات عبارت‌اند از:

۱. کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی (فکری)،^۱

۲. کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی،^۲

۳. موافقت‌نامه و پروتکل مادرید برای ثبت بین‌المللی علائم تجاری،^۳

۴. موافقت‌نامه لیسیون در خصوص حمایت از اسامی مبدأ و ثبت بین‌المللی آن،^۴

۵. موافقت‌نامه مادرید درباره جلوگیری از نصب نشانه‌های منبع محصول بر کالا.^۵

الحاق به این معاهدات حاکی از توجه خاص دولت به اهمیت حقوق مالکیت معنوی از جمله علامت تجاری و حمایت از آن و مزایایی است که این حمایت می‌تواند برای توسعه اقتصاد کشور به همراه داشته باشد. ازسوی دیگر، مفاد اسناد فوق در حکم قانون داخلی بوده و لازم‌الرعایه تلقی می‌شود. در هیچ یک از اسناد فوق ورود کالاهای دارای علامت تجاری جعلی توجیه ندارد و خصوصاً موافقت‌نامه مادرید درباره جلوگیری از نصب نشانه‌های منبع محصول بر کالا، دولت را مکلف می‌سازد که از ورود کالای جعلی مخالفت به‌عمل آورد. این ممنوعیت مطلق است.

۱. قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی مصوب ۱۳۸۰/۷/۴ مجلس شورای اسلامی و تأیید ۱۳۸۰/۷/۲۵ شورای نگهبان.

۲. قانون اجازه الحاق دولت ایران به اتحادیه عمومی بین‌المللی معروف به پاریس برای حمایت مالکیت صنعتی و تجاری و کشاورزی، مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۱۰ مجلس شورای ملی.

۳. قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به موافقت‌نامه مادرید راجع به ثبت بین‌المللی علائم و پروتکل مربوط به آن، مصوب ۱۳۸۲/۵/۲۸ مجلس شورای اسلامی و تأیید ۱۳۸۲/۶/۵ شورای نگهبان.

۴. قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به موافقت‌نامه لیسیون درباره حمایت از اسامی مبدأ و ثبت بین‌المللی آن، مصوب ۱۳۸۳/۱۱/۲۷ و تأیید ۱۳۸۳/۱۲/۱۲ شورای نگهبان.

۵. مصوبه هیئت وزیران با شماره ۶۴۶۸۹ ت ۳۰۱۴۲ هـ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۵ با عنوان اجازه امضای موافقت‌نامه مادرید درباره جلوگیری از نصب نشانه‌های منبع غیرواقعی یا گمراه‌کننده بر کالا به وزارت دادگستری.

۱۸۴ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

قوانین داخلی از جمله قانون ثبت علائم و اختراعات^۱ و قانون جدیدالتصویب ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری^۲ که جایگزین آن شده است، حق انحصاری صاحب علامت را به‌طور کامل به رسمیت شناخته است.

با توجه به اهمیت فزاینده حمایت از حقوق مالکیت معنوی از فرایند توسعه اقتصادی کشور قانون برنامه چهارم توجهی ویژه به توسعه نظام حقوق مالکیت معنوی دارد. این ارتباط میان توسعه و حمایت از حقوق مالکیت معنوی طی مواد (۴۵) و (۱۳۰) بیان شده است. وظیفه اصلی برخورد با پدیده ورود کالاهای جعلی برعهده گمرک ایران است و این سازمان وظیفه دارد از ورود کالاهای جعلی که با جعل علائم تجاری و نادیده گرفتن قواعد مبدأ همراه می‌باشد، جلوگیری کند. البته گمرک با انجام اقداماتی مانند ورود کالاهای با ریسک بالا (مانند کالاهای چینی) به مسیر قرمز و بررسی دقیق آنها اقداماتی را انجام داده است.^۳ باین حال بسیاری از کارشناسان فعالیت‌های انجام شده را کافی نمی‌دانند.

ورود بی‌رویه کالاهای جعلی با استفاده از علائم تجاری معروف بدون مبدأ ساخت مشخص نه تنها در اقتصادهای در حال گذار همانند کشور ما موجب بروز مشکلات اقتصادی عدیده می‌شود بلکه، اقتصاد جهانی را نیز با مخاطراتی روبه‌رو ساخته است. آثار منفی این پدیده بر سطح تولید، میزان سرمایه‌گذاری، امنیت فضای کسب‌وکار، تراز تجاری، سطح اشتغال درآمدهای دولت، حقوق مصرف‌کنندگان، سلامت عمومی جامعه و ... موجب شده است تا جامعه جهانی این موضوع را به‌عنوان یکی از اولویت‌های اصلی پیش روی خود قرار دهد و برای فراهم آوردن ضمانت اجرایی مقولاتی مانند حقوق مالکیت فکری و معنوی، موافقت‌نامه‌های بین‌المللی قدرتمندی را در سازمان جهانی تجارت مقرر دارد. ازاین‌رو بدون شک قوی‌ترین و کامل‌ترین موافقت‌نامه در میان موافقت‌نامه‌های حقوق مالکیت معنوی، موافقت‌نامه سازمان جهانی تجارت درخصوص

۱. قانون ثبت علائم و اختراعات، مصوب ۱۳۱۰/۴/۱ کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی.

۲. قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶/۷/۷ مجلس شورای اسلامی و تأیید ۱۳۸۶/۱۱/۲۳ شورای نگهبان.

۳. سایت رسمی گمرک جمهوری اسلامی ایران به آدرس:

مالکیت معنوی^۱ است که نشان‌دهنده اهمیت این موضوع در سیطره جهان است. با توجه به این ملاحظات، در اقتصاد امروز دنیا مفاهیم مربوط به علائم تجاری و لزوم رعایت حقوق مالکیت فکری آنها بسیار فراتر از حکم بند «۱۲» ماده (۴۰) قانون امور گمرکی مبنی بر ممنوعیت ورود این‌گونه کالاها یا حکم بخشنامه اخیر گمرک مبنی بر رفع این ممنوعیت به دلیل درج برچسب است و رافع هیچ‌کدام از آثار سوء دیگر مربوط به ورود کالاهای جعلی با کیفیت پایین نیست.

در سطح بین‌المللی قواعد و مقررات موجود در خصوص علائم تجاری و حقوق مالکیت معنوی آنها در سطوح بالا و با جزئیات بسیار قابل تأمل تدوین شده است. لازم است قوانین و مقرراتی مناسب با این حوزه به صورت ملی و بومی تدوین شود تا علاوه بر حل بسیاری از مشکلات مانند ورود کالاهای جعلی با استفاده از علائم تجاری جعلی، بتوان با تدبیری آینده‌نگر از برخورد با آسیب‌های احتمالی، ابزارهای لازم را پیش‌بینی کرد.

همان‌طور که عنوان شد ورود کالاهای جعلی آثار بسیار نامطلوبی بر اقتصاد و تجارت کشورها دارد، یکی از اصلی‌ترین آثار آن، کاهش درآمدهای دولت به سبب ورود کالاهای کم ارزش و بی‌کیفیت است. این امر موجب می‌شود که دولت برای جبران درآمدهای پیش‌بینی شده مجبور شود نرخ‌ها را افزایش دهد که این امر به محدود شدن تجارت و اعمال سیاست‌های دستوری برای تنظیم بازار منجر می‌شود. در این موارد کشورها مجبور می‌شوند از سیاست‌های غیرتعرفه‌ای مانند وضع استانداردها و سخت‌گیری در کیفیت کالاهای وارداتی نیز استفاده کنند که این امر نیز به اختلال در نظام تجاری کشور می‌انجامد.

۶-۷ تأثیر موافقت‌نامه‌های تجاری، عوامل اقتصادی (مناطق آزاد، فروشگاه‌های آزاد و ...)

یکی از راهکارهای حذف موانع تجاری و از بین بردن مشکلات انتقال عوامل تولید بین یک گروه از کشورها و یکی از راهکارهای اعمال اصلاحات تعرفه‌ای، استفاده از روش ادغام یا همگرایی اقتصادی^۲ است. این روش با الحاق دو یا چند کشور و تشکیل یک

1. Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS)

2. Economic Integration

منطقه آزاد تجاری صورت می‌پذیرد و با اتخاذ سیاست‌های تجاری مشترک موانع تجاری موجود میان خود مانند موانع تعرفه‌ای را رفع می‌کند. البته ادغام اقتصادی درجات متفاوتی دارد و کامل‌ترین شکل آن اتحادیه اقتصادی^۱ است که دارای شرایط و ویژگی‌های زیر است:

۱. حذف محدودیت‌های تعرفه‌ای برای اعضای اتحادیه،
 ۲. اعمال نرخ‌های تعرفه مشترک برای واردات از کشورهای خارج از اتحادیه،
 ۳. تحرک آزاد عوامل تولید در داخل اتحادیه،
 ۴. اعمال سیاست‌های پولی، مالی، مالیاتی و ... مشترک میان اعضای اتحادیه.
- یکی دیگر از ترتیبات منطقه‌ای ناحیه تجارت آزاد^۲ است که کشورهای شریک تجاری تمام یا قسمت عمده‌ای از موانع تعرفه‌ای را در میان خود حذف می‌کنند ولی تعرفه‌های خود برای کشورهای ثالث را به همان صورت نگاه می‌دارند. تفاوت ناحیه تجارت آزاد با اتحادیه گمرکی در همان حفظ سطوح تعرفه‌ای هر کشور در مقابل سایر کشورهاست. به گروهی از کشورها که دارای مقررات مشترک گمرکی متضمن وضع تعرفه بر غیراعضا و لغو تعرفه در میان خود هستند اتحادیه تعرفه‌ای^۳ می‌گویند.
- یکی دیگر از اهداف اقتصادی که با استفاده از اصلاحات تعرفه‌ای اتخاذ می‌شود، تشکیل مناطق معاف از حقوق و عوارض^۴ است که در ایران به مناطق آزاد تجاری^۵ معروف است. در این مناطق کالاها بدون پرداخت حقوق و عوارض ورودی، تخلیه و انبار شده و دوباره بارگیری و حمل می‌شود. هدف اصلی از ایجاد این مناطق، جذب سرمایه‌های خارجی است. این مناطق در نقاطی که از زیرساخت‌های مناسب مانند حمل‌ونقل کالا برخوردار است ایجاد می‌شود و مبدأ واردات آزاد مواد خام و اولیه و صادرات آزاد محصولات تولید یا مونتاژ شده است. از دلایل موفقیت این مناطق را می‌توان دسترسی به نیروی کار ماهر، ارزان و فراوان اشاره کرد. می‌توان صنایع فاقد مزیت داخلی را به این مناطق منتقل کرد تا به مزیت بیشتری دست یابد و یا تولیدات

1. Economic Union
2. Free Trade Area (FTA)
3. Tariff Union
4. Duty Free Zone
5. Free Trade Zone

داخلی با استفاده از سرمایه‌گذاری‌های خارجی به بازارهای خارجی دسترسی پیدا کند. هرچند مناطق آزاد به‌عنوان یکی از ابزارهای توسعه کشورها محسوب می‌شود. ولی دستیابی به اهداف این مناطق با تأسیس آنها به‌دست نمی‌آید. معافیت حقوق ورودی برای کالاهایی که به این مناطق وارد می‌شود به این دلیل است که این مناطق در اصل به‌عنوان مناطقی برای پردازش و صادرات باشد ولی در ایران در عمل به مبادی وارداتی تبدیل شده است و این امر موجب نوعی معافیت مالیاتی در حقوق ورودی و کاهش حمایت از برخی صنایع داخلی می‌شود و برای جبران این کاهش باید نرخ‌هایی بالاتر بر واردات رسمی اعمال شود. این امر خود به محدود شدن واردات رسمی و گرایش به اقتصاد زیرزمینی منجر می‌شود.

۷-۷ تأثیر عوامل جغرافیایی

به‌رغم وجود نظریه‌های تجارت بین‌الملل مبنی بر آنکه تجارت آزاد جهانی به‌طور کلی، به افزایش سطح تولید و درآمد منجر می‌شود، هر کشوری با تعدادی از محدودیت‌های تجاری مواجه است و مشکل بتوان کالایی را پیدا کرد که محدودیت‌های تجاری درباره آنها به‌کار گرفته نشده باشد. به‌طور کلی، در حال حاضر یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست بازرگانی تعرفه‌های گمرکی است. تعرفه‌های گمرکی باعث افزایش قیمت، کاهش مصرف، افزایش تولید و افزایش درآمدهای دولت می‌شود.

ازسوی دیگر، سیاست‌های تعرفه‌ای، مانند هر سیاست اقتصادی دیگری می‌تواند با عکس‌العمل‌ها و واکنش‌های دفاعی ضرردیدگان این سیاست مواجه شود. قاچاق کالا^۱ مهم‌ترین پدیده‌ای است که در واکنش به سیاست‌های حمایتی به‌وجود می‌آید. آدام اسمیت در کتاب *ثروت ملل*، قاچاق را اعتراض مشروع بر وضع مقررات «غیرطبیعی» اعلام کرد.

تحلیل قاچاق (ورود یا خروج پنهانی کالا از مبادی رسمی یا غیررسمی بدون پرداختن عوارض دولتی) بیشتر از هر چیز تضاد منافع مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان و دولت را آشکار می‌سازد. افزایش قاچاق، قدرت خرید مصرف‌کننده را افزایش می‌دهد و

1. Smuggling

۱۸۸ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

بنابراین به افزایش رفاه مصرف‌کنندگان منجر می‌شود، ولی با کاهش سود تولیدکنندگان بر تولید داخلی اثر منفی می‌گذارد. بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر قاچاق گویای تأثیرپذیری آن از عوامل جغرافیایی، فرهنگی و سیاست‌های دولتی است.

موقعیت خاص جغرافیایی بعضی کشورها می‌تواند از دلایل عمده قاچاق باشد. طبعاً ویژگی‌های جغرافیایی و سوق‌الجیشی از جمله عوامل تأثیرگذار بر فعالیت‌های مردم در یک منطقه است. مرزها مصنوع دست بشرند نه مخلوق طبیعت، لذا پیوندهای خانوادگی، فرهنگی، مذهبی و اجتماعی به‌رغم وجود خطوط مرزی بین ساکنان آنها بسیار مستحکم می‌شود و دارای ریشه‌های تاریخی، قومی و قبیله‌ای بوده، به‌گونه‌ای که این اقلیت‌ها تبدیل به جزایری شده که گاه در مقابل حکومت‌های مرکزی ایستاده و مدعی استقلال طلبی می‌شوند. از این‌رو دادوستدهای مرزی و الگوی مصرف مرزنشینان تابعی از رفتارهای قومی است که ارتباطی به داخل کشور ندارد.

وضعیت جغرافیایی ایران از نظر پستی و بلندی‌های زمین، وسعت و پهناوری، طولانی بودن مرزها، همسایگی با کشورهای متعدد که بعضی از آنها ثبات لازم ندارند و بعضی ویژگی‌های خاص دیگر باعث می‌شود تا زمینه مناسبی برای فعالیت‌های قاچاقچیان در ایران فراهم شود.

ایران ۱۷۰۰ کیلومتر مرز آبی؛ ۸۰۰ کیلومتر مرز زمینی با عراق و ترکیه و بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر مرز با افغانستان و پاکستان و مرز شمالی با کشورهای تازه استقلال‌یافته دارد. مرز آبی ایران از ویژگی‌های خاصی چون وجود جزایر، آبراه‌ها، خورها، بریدگی‌ها، خلیج‌های کوچک و بزرگ بهره‌مند است که موقعیت خاصی برای قاچاق ایجاد کرده است. کوتاهی مسیر قاچاق دریایی، سواحل کشورهای عربی (به‌نحوی که یک قایق تندرو می‌تواند در کمتر از یک ساعت این مسیر را طی کند)، وسعت منطقه و داشتن حق انتخاب مسیر از سوی قاچاقچیان، گستردگی مرز و وسعت منطقه بر میزان و پیچیدگی فرایند قاچاق افزوده است.

بیش از ۲۰۰ سکوی نفتی و ۱۵۰ جزیره کوچک و بزرگ در خلیج فارس و تعداد زیادی از جزیره‌های صخره‌ای فراوان، وجود آبراه‌ها، بریدگی‌ها، نورهای بسیار که همه

این عوارض طبیعی و مصنوعی می‌تواند قاچاقچیان را در مسیریابی و پنهان شدن از دید یگان‌های گشتی استفاده شود. در وضعیت جوی نامناسب و طوفانی بودن دریا نیز این عوارض می‌تواند به‌عنوان پناهگاه استفاده گردد.

حجم بالای ترافیک دریایی نیز باعث بهره‌مندی قاچاقچیان شده است، بدین ترتیب که کاروان‌های قاچاق می‌تواند در بین سایر یگان‌های شناور مخفی شوند، به‌ویژه در زمان درگیری و تیراندازی احتمالی به‌سوی واحدهای قاچاق، قدرت مانور واحدهای گشت بسیار محدود شده و به همین دلیل شناور قاچاق با امنیت بیشتری مسیر خود را طی می‌کند.^۱ مشابه این وضعیت برای سایر کشورها که دارای مرزهای آبی می‌باشند وجود دارد به‌عنوان مثال کشور فیلیپین خط ساحلی طولانی دارد و کالای قاچاق به‌راحتی می‌تواند از ۷۰۰۰ جزیره فیلیپینی وارد شود. یا وجود صدها خلیج کوچک و سواحل مناسب برای بارگیری و پیاده کردن اجناس قاچاق و همین‌طور نزدیک بودن مراکز ورود کالای قاچاق به بازار انگلستان باعث شده است تا قاچاق امری رایج در ناحیه کورن‌وال^۲ انگلستان در قرون ۱۸ و ۱۹ شود.

وضعیت خاص کشورهای همسایه می‌تواند مزید علت شود. به‌عنوان مثال، دو همسایه اصلی ایران یعنی عراق و افغانستان^۳ کنترل چندانی بر مرزهای خود ندارند، در پاکستان نیز وضعیت مشابهی برقرار است و قسمت مهمی از مرز در اختیار مرزنشینان پاکستانی است. بعضی دیگر از همسایگان ایران تبدیل به مناطق آزاد تجاری یا وارد نظام‌های تجاری با تعرفه پایین شده‌اند. ازسوی دیگر توافقات مناسبی درباره مبارزه با قاچاق با همسایگان کشور صورت نگرفته است.^۴

موقعیت خاص ایران به‌عنوان چهارراه ارتباطی، عامل و رشد قاچاق شده است. ترانزیت بسیار مفید است و جزء دو موردی است که در استراتژی ژئوپولیتیکی، امنیت‌زاست (به همراه توریزم)، درحالی‌که در ایران این پدیده امنیت‌زا، امنیت‌زدا شده است.

۱. محسن بهرامی و دیگران، *آسیب‌شناسی قاچاق کالا در ایران*، تهران، فارابی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۹.

2. Cornwall

۳. وجود صدها مهاجر افغان در ایران تاریخچه مناسبی را برای انجام قاچاق به‌دست آنها فراهم ساخته است.

۴. این اعتقاد نیز وجود دارد که اخذ قراردادهای همکاری با این کشورها بی‌فایده است؛ زیرا به‌علت آزادی تجارت خارجی در این کشورها، آنها نمی‌توانند از قاچاق کالا به ایران جلوگیری کنند.

۱۹۰ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

مشابه این پدیده برای کشور لیتوانی نیز وجود دارد، این کشور در حالی وارد عضویت در اتحادیه اروپا شد که نزدیک به ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک با کشورهای غیرعضو اتحادیه اروپا مانند فدراسیون روسیه و روسیه سفید دارد. از آنجاکه کالاهای بسیاری با حداقل نظارت در اتحادیه اروپا در حال حرکت‌اند، به محض عضویت این کشور در اتحادیه اروپا، لیتوانی به کشور ترانزیتی برای قاچاق کالا در مقیاس بالا تبدیل شد.

۷-۸ تأثیر عوامل فرهنگی

اگر فرهنگ را شامل همه «میراث اندیشه‌ها و رفتارها و تجربه‌های انسانی» بدانیم، به علت وجود تنوع و تفاوت در وضعیت جغرافیایی، تاریخی، سیاسی و اجتماعی جامعه‌های مختلف با گوناگونی فرهنگ‌ها روبه‌رو هستیم. فرهنگ است که مناسبات افراد را با طبیعت و محیط مادیشان و جهان تعریف می‌کند و از رهگذر فرهنگ است که آنان نگرش‌ها و باورهای خود را دربارهٔ دیگر شکل‌های زندگی حیوانی و گیاهی بیان می‌کنند.^۱

در زمینه کالاهای قاچاق باید دانست که تنها کیفیت کالای خارجی برای فروش آن کافی نیست، بلکه برای به‌وجود آمدن بازار، تولیدکننده بایستی با فرهنگ طرف معامله خود نیز آشنایی داشته باشد.^۲

افزایش قیمت نفت و بالا رفتن درآمد و قدرت خرید مردم در کشورهای نفت‌خیزی مانند ایران تمایل آنها را برای مصرف کالاهای لوکس و تجملی تشدید کرده، به‌طوری که در حال حاضر رسوخ فرهنگ مصرف‌گرایی و ایجاد تمایل به مصرف کالاهای لوکس و افزایش روحیه تجمل‌گرایی بین بعضی خانوارها ارزش محسوب شده و مصرف کالای خارجی و تقاضا برای قاچاق را افزایش داده است.

این طرز تصور می‌تواند به‌گونه‌ای دیگر در سایر کشورها وجود داشته باشد. به‌عنوان مثال نتایج نظرسنجی در لیتوانی نشان داد که ۲۱ درصد پاسخ‌گویان اعتقاد دارند که مصرف کالاهای ارزان قاچاق، باعث حفظ پول آنها می‌شود. بیشتر از یک‌سوم پاسخ‌گویان

۱. ابراهیم رزاقی، «توسعه اقتصادی و ضرورت پرداختن به فرهنگ ملی»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ش ۱۵۰-۱۴۹،

۱۳۷۸، ص ۱۴۸.

۲. محسن بهرامی و دیگران، همان، ص ۱۸۸.

اعتقاد داشتند که قاچاق منبع گذران زندگی بسیاری از مردم است و قاچاقچیان عموماً مردمی هستند با درآمد پایین که هیچ شغل دیگری نمی‌توانند داشته باشند. به همین ترتیب نزدیک به یک‌سوم پاسخ‌گویان اعتقاد داشتند که قاچاقچیان از طرف دولت و گروه‌های جنایتکار حمایت می‌شوند.

وجود فرهنگ همدردی با قاچاقچیان می‌تواند آثار متعددی در جامعه داشته باشد. به‌عنوان مثال در انگلستان قرن ۱۸ مردم محلی با دیدن قاچاقچیان، روی خود را به سمت دیوار می‌گرداندند تا ادعا کنند آنها را ندیده‌اند و اطلاعاتی در اختیار مسئولان امر نمی‌گذاشتند. در بلوچستان از نظر علمای اهل سنت، توقیف کالای قاچاق مصداق غصب، و خرید و فروش آن حرام می‌باشد و کالای قاچاق بایستی به صاحب اصلی آن پس داده شود، به همین ترتیب مردم منطقه از خرید و مصرف کالاهای توقیفی که گمرک می‌فروشد خودداری می‌کنند.

در حال حاضر نیز گستردگی قاچاق باعث شد اشتغال به قاچاق در کشور به‌خصوص در مناطق مرزی نه به‌عنوان یک جرم که به‌عنوان یک فعالیت اقتصادی و شغل توجه شود و حتی گاه برخی کارشناسان آن را مانع روی‌آوری جمعیت جوان بیکار به‌سوی سایر اعمال مجرمانه دانسته‌اند.

از دیگر عوامل فرهنگی اثرگذار بر قاچاق می‌توان از کم‌رنگ شدن مرز میان درآمد حلال و حرام و خلاصه حلال دانستن درآمدهایی که از نظر نظام غیرقانونی می‌باشد، تمایل به ثروتمند شدن بدون توجه به روحیه ناسیونالیستی و کم‌اهمیت دانستن مسئله قاچاق در مقایسه با سایر عوامل نام برد. ضمن آنکه به‌طور کلی درباره مسئله فرار مالیاتی، تقلید نیروی مهمی است، بدین ترتیب اعتقاد به اینکه همه چنین رفتار می‌کنند، باعث می‌شود عده بیشتری دست به این کار بزنند.

و دست آخر می‌توان به تلقی عمومی جامعه درباره بی‌ربط و غلط بودن قوانین دولتی به‌عنوان عاملی اثرگذار در امر قاچاق اشاره کرد. به‌عنوان مثال دولت انگلستان از کالاهای کشتی‌های غرق شده که بندر نشینان آن را از آب می‌گرفتند حقوق گمرکی مطالبه می‌کرد در حالی که بندر نشینان کالا را حق خود می‌دانستند.

۷-۹ تأثیر سیاست‌های دولت (تغییر ناگهانی سیاست‌ها)

۷-۹-۱ وضع مالیات‌های بالا به دست دولت

اجتناب از پرداخت مالیات‌های سنگین، نیروی محرکه پر قدرتی برای قاچاق و سایر فعالیت‌ها در مجموعه اقتصاد سیاه و غیرقانونی می‌باشد. این مالیات‌ها تنها شامل تعرفه‌ها و مالیات‌های وضع شده بر تجارت خارجی نمی‌باشد بلکه تمام مالیات‌های موجود در اقتصاد را دربرمی‌گیرد. به عنوان مثال رشیدتا و دیگران (۲۰۰۶) با بررسی وضعیت قاچاق کالا در نپال بیان داشته‌اند که کاهش تعرفه، اثر ناچیزی بر قاچاق کالا در این کشور دارد، زیرا حتی کالاهایی که هیچ تعرفه گمرکی ندارد نیز به نپال قاچاق می‌شود. به نظر رشیدتا قاچاقچیان در این حالت کل مالیات‌های دولتی و نه فقط تعرفه‌ها را در نظر می‌گیرند.

به نظر مؤسسه بازار آزاد لیتوانی^۱ (۲۰۰۴)، بار مالیاتی سنگین (و نه فقط نرخ‌های بالای تعرفه) عاملی مهم در به وجود آوردن و تشدید قاچاق در این کشور است. به عنوان مثال در این کشور، نرخ پرداخت‌های اجباری تأمین اجتماعی ۳۴ درصد دستمزدها را شامل می‌شود. نرخ مالیات بر حقوق ۳۳ درصد و نرخ مالیات بر سایر درآمدها ۱۵ درصد می‌باشد. حق کی‌رایت ۱۵ درصد نرخ سود است. از سال ۲۰۰۳ مالیات بر آلودگی نیز وارد سازوکار مالیاتی شده و بار مالیاتی را سنگین‌تر کرده است.^۲

علاوه بر نرخ‌های بالا، تغییرات قانون، معافیت‌های متعدد و نظام اخذ پیچیده مالیاتی، به طور غیرمستقیم بار مالیاتی را افزایش داده و به گسترش اقتصاد سایه منجر می‌شود.

تمام مالیات‌ها می‌تواند به طور مستقیم اثر خود را در قیمت‌ها نشان دهد. به عنوان مثال در کشور لیتوانی مالیات‌های موجود توضیح دهنده ۶۰ درصد قیمت خرده‌فروشی تنباکو و ۷۰ درصد قیمت خرده‌فروشی مشروبات الکلی است. چون کالاهای قاچاق هیچ مالیاتی پرداخت نمی‌کند، افزایش مالیات‌ها می‌تواند قاچاق کالا را تشویق کند.

1. Lithuanian Free Market Institute (LFMI)

۲. مؤسسه بازار آزاد لیتوانی، «عوامل مؤثر بر قاچاق»، به آدرس:

۷-۹-۲ مقررات و تشریفات اداری غیرمنطقی، متغیر و فراوان

محیط تجاری غیرقابل پیش‌بینی، متناقض و پیچیده از دلایل مهم خلق اقتصاد سایه می‌باشد. به‌عنوان مثال در لیتوانی ۷۰ اداره دولتی کنترل‌کننده روابط تجاری است. قوانین مربوطه در این کشور مبهم، گمراه‌کننده، متغیر و قابل عطف‌به‌ماسبق می‌باشد. علاوه بر آن قوانین فوق به‌طور نامتقارن و پراکنده بین تجار قانونی اجرا می‌شود. در بیشتر اوقات مقررات جدید جنبه غافلگیرانه‌ای برای تجار قانونی دارد، مخصوصاً برای تجار کوچک و متوسط که فاقد توانایی برای حفظ و تعدیل خود با اوضاع تازه می‌باشند. در وضع مقررات توجهی به وضعیت نهادهای اجرایی، وضعیت بازرسی و کنترل و موقعیت شهروندان به‌عنوان مشتریان خدمات عمومی نمی‌شود.

همین وضعیت به‌نحو مشابه‌ای درباره ایران صدق می‌کند. تعریف واضحی از قاچاق در قوانین و مقررات دولتی (مثل قانون امور گمرکی، قانون مقررات صادرات و واردات و قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی و آیین‌نامه‌های اجرایی این قوانین) نیامده است، فقدان تعریف دقیق از قاچاق باعث می‌شود تا مأمورین دولتی با استنباط شخصی خود عمل کنند.^۱ فرایند واردات قانونی در ایران پرهزینه، زمان‌بر و پیچیده است. هر متقاضی واردات بایستی کارت بازرگانی و کد اقتصادی داشته باشد، پروفرما داشته باشد، ثبت سفارش از وزارت بازرگانی و مجوزهای موردی از مؤسساتی مانند وزارت نفت، بازرگانی، بهداشت، فرهنگ، پست، صنایع، جهاد و ... اخذ کند. اسناد مربوطه بایستی به وزارت بازرگانی رفته و بعد از چند روز مجوز مربوطه گرفته شود. سپس باید به بانک کارگزار رفته و گشایش اعتبار کند، حق بیمه بایستی پرداخت شود و با مؤسسه بازرسی هماهنگی کند. بعد از ورود کالا به گمرک، بایستی اقدام به اخذ قبض انبار، پرداخت کرایه، انبارداری، تنظیم اظهارنامه گمرکی، پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض مختلف (عوارض شهرداری، هلال احمر و ... که شامل ۲۷ نوع عوارض می‌شود)، اخذ پروانه سبز گمرکی از گمرک و سرانجام پرداخت مالیات به وزارت دارایی انجام دهد. انجام این مرحله بسیار زمان‌بر و طولانی (متوسط ۷۰ روز)، پرهزینه و خسته‌کننده است، درحالی‌که شبکه گسترده قاچاق، کالا را با صرف زمان و هزینه کمتری تحویل می‌دهد.^۲

۱. پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، مجموعه مقالات همایش قاچاق کالا، ۱۳۷۸، ص ۱۱۶.

۲. همان، ص ۱۱۷.

۱۹۴ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

نظام تعرفه‌ای نیز در ایران قابل پیش‌بینی نیست و باعث می‌شود تا افراد روش مطمئن قاچاق را جایگزین روش‌های نامطمئن کنند، به‌عنوان مثال در برنامه اول توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۳) اجازه واردات کالاهای پرمصرف و راهبردی در انحصار دولت قرار گرفته بود. دسته‌بندی کالاهای فوق به تصمیم هیئت وزیران و آن هم در دوره زمانی یک سال واگذار شد که این امکان و اختیار بالقوه می‌تواند منشأ بی‌ثباتی‌ها و تغییر جهت‌های مکرر در بخش بازرگانی شود. یا در قسمتی دیگر از برنامه اول، دولت می‌تواند ارز حاصل از صادرات را با نرخ‌ی که تعیین می‌کند در اختیار بخش خصوصی قرار دهد، از سوی دیگر، وضعیت چگونگی محدودیت‌ها روشن نیست.

در برنامه دوم توسعه، ابهامات در هدف‌گذاری‌ها و خط‌مشی‌ها باعث شد تا نظام تعرفه‌ای مناسب تدوین نشود، از سوی دیگر تعدد فراوان سیاست‌های متعدد بازرگانی باعث بی‌ثباتی فضای تجاری گردید. به همین ترتیب در برنامه سوم توسعه رویکردهای مربوطه دقیقاً تصریح نشده است.

۳-۹-۷ نظام سخت‌گیرانه صدور کسب و اجازه کار

اولین فرض بازار، رقابت کامل اجازه ورود و خروج از بازار برای تمام بازرگانان می‌باشد. به‌هرحال، این فرض در دنیای واقعی کمتر صدق می‌کند و هرچه صدور پروانه کسب و سایر مجوزهای مربوطه دشوارتر باشد، زمینه بیشتری برای گسترش اقتصاد سایه فراهم می‌آید. مطابق مطالعات مؤسسه بازار آزاد لیتوانی بیشتر از سی فعالیت تجاری در لیتوانی احتیاج به اخذ مجوز مربوطه دارد و بسیاری دیگر از فعالیت‌های تجاری به مجوزهای ایالتی احتیاج دارد که تحت عناوین مختلف صورت می‌گیرد. قوانین مربوطه سخت، پیچیده و زمان‌بر می‌باشد. اسناد مختلفی برای به‌دست آوردن پروانه کسب می‌باید ارائه شود، متقاضیان برای کسب این اسناد مجبور به هزینه‌های رسمی و غیررسمی قابل توجهی می‌باشند که می‌تواند مانع مهمی برای آغاز به کار فعالیت‌های جدید باشد. متقاضیان نه تنها مجبورند اسنادی را دال بر توانایی آنها در انجام فعالیت مربوطه ارائه کنند، بلکه بایستی نوع خدمت‌رسانی خود را هم به‌دقت معلوم کنند. نهادهای دولتی مربوطه وقت زیادی را صرف بررسی اسناد و صدور پروانه کسب می‌کنند. چنین فرایند زمان‌بری می‌تواند انگیزه اشتغال در فعالیت‌های قانونی را کاهش داده و مشوق قاچاق باشد.

تشریفات اداری برای واردات کالا در لیتوانی نیز موجب تشویق قاچاق شده است. با پیوستن به اتحادیه اروپا، استانداردهای اجباری این نهاد در مقررات وارداتی لیتوانی به کار رفته است. این در حالی است که مصرف‌کنندگان در این کشور به استفاده از داروهای روسی، اوکراینی و روسیه سفید عادت کرده‌اند و اکنون این محصولات را دولت با آن کیفیت یا بیشتر از حد استاندارد اتحادیه اروپا نمی‌تواند به‌طور قانونی ارائه کند، پس قاچاق می‌شود.

۷-۹-۴ قوانین کار

نظریه‌های اقتصادی، نیروی کار را عامل متغیر و سرمایه را عامل ثابت در کوتاه‌مدت در نظر می‌گیرد. بدین ترتیب که فرض می‌شود کارفرما می‌تواند بر تعیین نیروی کار مورد نیاز خود قدرت کافی داشته باشد. در کشورهای توسعه‌یافته صنعتی، در مواقعی که اقتصاد ملی دچار رکود شده است، کارفرمایان به منظور متعادل کردن هزینه‌ها به سطح تولید، در هزینه‌های سر بار تولید صرفه‌جویی می‌کنند، در عین حال، تعداد کارگران بیکار زیر چتر حمایتی بیمه‌های بیکاری دولت قرار می‌گیرند. بنابراین، کارفرما با کاهش تعداد شاغلان، فرصت پیدا می‌کند که اولاً، واحد تولیدی را از ورشکستگی نجات دهد و ثانیاً به تنظیم برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌پردازد تا از موقعیت رکودی به سلامت خارج شده و سطح تولید را افزایش دهد و به بازارهای جدید دسترسی یابد. اما در ایران حتی در وضعیت سخت رکودی، قانون کار به کارفرما اجازه کاهش تعداد کارگران را نمی‌دهد و هزینه‌های سر بار ناشی از عوامل اجتماعی - سیاسی همچنان در سطح خود باقی می‌ماند.^۱

لیتوانی نیز وضعیت مشابه‌ای دارد. قوانین استخدام در این کشور جزئیات فراوانی را دربرمی‌گیرد. محدودیت‌های متعددی در زمینه استخدام نیمه‌وقت و تمام‌وقت وجود دارد که از انعطاف‌پذیری نیروی کار می‌کاهد. دشواری و پرهزینه بودن اخراج، به همراه محدودیت‌های زمانی و پرداخت‌های اجباری ریسک، محیط اقتصادی را افزایش داده است. از سوی دیگر محدودیت ساعات کار و پرداخت‌های اجباری بالا برای اضافه‌کار از

۱. سیدمهدی صحرائیان، تورم عارضه تهدید کننده اقتصادی ملی، تازه‌های اقتصاد، ۱۳۷۶، ص ۱۷.

۱۹۶ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

دیگر محدودیت‌های موجود است. محدودیت‌های فوق می‌تواند اقتصاد سایه را برای کسانی که مایل به پرهیز از مقررات پیچیده و پرهزینه هستند جذاب‌تر کرده و منافع قاچاق کالا را افزایش می‌دهد.^۱

۷-۹-۵ فساد مسئولان دولتی

یک فرض اساسی و درعین حال ناگفته در آثار نظریه مربوط به تأثیر بخش دولتی این است که مقامات بخش دولتی (خواه سیاست‌گذاران و خواه کارمندان) می‌دانند چه کار می‌کنند و در امر پیگیری رفاه عامه موضعی بی‌طرف و غیرشخصی دارند. هرگاه این مقامات اشتباه کنند، اشتباه آنها از روی صداقت است، این فرض اهمیت اساسی دارد و در درون تئوری هزینه‌های عمومی یا دولتی مخفی است.^۲ به هر حال، واقعیت چیز دیگری است و فساد مسئولان دولتی احتمالاً سابقه‌ای به قدمت نهاد دولت دارد.

مطابق تحقیقات مؤسسه بازار آزاد لیتوانی، دادگاه‌ها، مسئولان گمرکی، پلیس قاچاق، بازرسان مالیاتی، نهادهای مسئول صدور پروانه کسب و مجریان تدارکات عمومی بیش از همه در معرض فساد هستند. نظام مقرراتی در جزء جزء شرایط آسیب‌پذیر می‌باشد. فرایند تصمیم‌گیری درباره صدور جوازهای مختلف پرهزینه است. مؤسسات دولتی می‌توانند قوانین را به‌طور تبعیض‌آمیزی اجرا کنند. نهادهای کنترلی متعددی اجازه بازرسی و بازخواست شرکت‌ها را در زمینه رعایت قوانین کار و مسائل بهداشتی دارند و می‌توانند بدون طی فرایند قضایی جریمه‌های سنگینی وضع کنند. تحت چنین موقعیتی طبیعی است که تجار سعی کنند با پرداخت‌های غیررسمی به مسئولان مربوطه باعث شوند تا تصمیم‌گیری‌های دولتی سریع و به نفع آنها انجام شود. در چنین وضعیتی حذف محدودیت‌های زیاد و عملیات توجیه‌ناپذیر و تسهیل فرایندهای اجرایی مؤثرترین راهکار برای مبارزه با قاچاق است. در نهایت فساد مسئولان دولتی می‌تواند علامتی برای تشویق قاچاق توسط کسانی که مستعد انجام آن هستند باشد.

1. LFMI, A Study on Economic Causes of Smuggling, Page 10, 2004.

۲. ویتوتانزی، «مسئله فساد، فعالیت‌های دولتی و بازار آزاد»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ۱۳۷۸، ش ۱۵۰-۱۴۹، ص

۶-۹-۷ شیوه‌های گمرکی پیچیده و سایر محدودیت‌های وارداتی

مطابق تحقیقات مؤسسه بازار آزاد لیتوانی، با وجود تغییرات جدید در شیوه‌های گمرکی لیتوانی، هنوز این فرایند مشکلات متعددی در مسیر تجارت خارجی قانونی ایجاد می‌کند. حقوق صادرکنندگان و واردکنندگان به‌طور کامل رعایت نمی‌شود. شیوه‌های ارزیابی گمرکی، بازرسی‌های گمرکی و فرایندهای پرداخت حقوق گمرکی اغلب مهم و غیرقابل توجه است. اختیارات گسترده مقامات مسئول فرصت مناسبی را برای سوءاستفاده از قدرت فراهم کرده است. بازرسی‌های متوالی گمرکی در سال‌های ۸۸ و ۸۹ میلادی به‌طور قابل توجهی مسیر حرکت تجارت قانونی را کاهش داد. این بازرسی‌ها در اکثر اوقات هزینه حمل کالا را افزایش می‌دهد و محرک قابل توجهی برای قاچاق کالا است.

۱۰-۷ جمع‌بندی

در این تحقیق سه عامل مؤثر بر قاچاق بررسی شد. عامل اول وضعیت جغرافیایی کشور است. طبعاً هرچه مرزهای کشوری گسترده‌تر باشد، قاچاقچیان قدرت انتخاب بیشتری در مسیرهای مورد نظر پیدا می‌کنند. وضعیت خاص اقوام مرزی، سیاست‌های خاص همسایگان اعم از ناتوانی یا بی‌اعتنایی در مبارزه با قاچاق و وضعیت خاص ترانزیتی همگی می‌تواند عواملی مهم در تشویق قاچاق کالا باشد. با این حال نباید بیش از حد تأثیر عامل جغرافیا را در قاچاق کالا ارزیابی کرد، به‌عنوان مثال ایران مرز کوچک‌تری در مقایسه با کشور پهن‌تر چین دارد. گمرکات ایران بیش از ۱۴۰ واحد می‌باشد و تعداد کارکنان آن از ۸۰۰۰ نفر به ۵۷۰۰ نفر کاهش پیدا کرده است، اما در چین تعداد گمرکات حداکثر به ۴۰ واحد می‌رسد.^۱

عامل دیگری که در این تحقیق بررسی شد، تأثیر فرهنگ است. فرهنگ عامل تعیین‌کننده مناسبات افراد، طبیعت و محیط مادیشان می‌باشد و بنابراین می‌تواند سهم مؤثری در قاچاق کالا داشته باشد. از این رو می‌توان به‌وجود فرهنگ مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی، میل به مصرف کالای خارجی، وجود حس همدردی به قاچاقچیان،

۱. مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، «بررسی معضل قاچاق کالا و راهبردهای مبارزه با آن»،

۱۹۸ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

باورهای خاص قوی، تضعیف روحیه ناسیونالیسم و تقویت روحیه بخشی‌نگری و بی‌اعتمادی به دولت و غلط دانستن قوانین وضع شده از سوی آن اشاره کرد. آخرین عامل و شاید مؤثرترین آن، تأثیر دولت و سیاست‌های دولتی است. طبعاً هرچه قوانین و مقررات دولتی بیشتر باشد، میل مردم به دور زدن این قوانین بیشتر می‌باشد، به همین ترتیب تغییر ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی مقررات از سوی دولت و فساد مسئولان مربوطه اثر مثبتی بر قاچاق کالا دارد. به‌عنوان کلام آخر می‌توان به مطالعه صورت گرفته مؤسسه بازار آزاد لیتوانی اشاره نمود که عوامل مؤثر بر قاچاق کالا را به شرح زیر طبقه‌بندی کرده است (عدد بیشتر در جدول ۷-۱ نشان‌دهنده اهمیت بالاتر آن عامل در قاچاق می‌باشد).

جدول ۷-۱ عوامل مؤثر بر قاچاق

اهمیت در قاچاق	عامل مورد بررسی
	سنگینی بار مالیاتی
۳	حقوق ورودی
۱	مالیات بر درآمد اشخاص
۱	مالیات بر مجموع درآمد
۳	مالیات بر مصرف
۲	مالیات بر ارزش افزوده
۱	مقررات قانونی فراوان و غیرقابل پیش‌بینی
۱	مقررات مربوط به صدور اجازه کسب
۱	کیفیت پایین خدمات عمومی
۱	قوانین کار و استخدام
۲	فساد
۳	عملیات گمرکی
۳	استاندارد پایین زندگی در کشورهای همسایه
۳	محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای
۳	زیرساخت‌های حیاتی مربوط به قاچاق

مأخذ: عوامل مؤثر بر قاچاق، مؤسسه بازار آزاد لیتوانی به آدرس: <http://freema.org>

فصل هشتم

وضعیت تعرفه‌ها در
گروه‌های کالایی کشور

۸-۱ واردات و نرخ‌های حقوق ورودی طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۶

۸-۱-۱ بررسی اجزای واردات و نرخ متوسط حقوق ورودی در سال ۱۳۷۵

۸-۱-۱-۱ متغیرهای کلان واردات

براساس جدول ۸-۱ در سال ۱۳۷۵ در مجموع حدود ۲۱ میلیون تن کالا به کشور وارد شد که ارزش ریالی آن حدود ۲۳۸۷۷ میلیارد ریال است. یعنی به‌طور متوسط ارزش ریالی هر کیلو واردات در سال ۱۳۷۵ برابر ۱۱۳۷ ریال بوده است.

ارزش دلاری این میزان واردات رقمی معادل ۱۵ میلیارد دلار یعنی ارزش دلاری هر کیلو واردات حدود ۷۲ سنت بوده است.

از حدود ۲۳ هزار میلیارد ریال واردات انجام شده در سال ۱۳۷۵ حدود ۲ هزار میلیارد ریال تحت عناوین مختلف (در مجموع حقوق ورودی) اخذ شده است. یعنی از هر کیلو واردات حدود ۹۶ ریال به‌عنوان حقوق دولت گرفته شده که به‌طور متوسط ۸/۴۴ درصد از ارزش کالاهای وارداتی را شامل می‌شود.

جدول ۸-۱ متغیرهای کلان واردات در سال ۱۳۷۵

ردیف	موضوع	میزان
۱	وزن کل واردات (کیلوگرم)	۲۱.۰۰۳.۶۱۶.۸۹۰
۲	ارزش ریالی کل واردات	۲۳.۸۷۷.۶۸۲.۸۱۰.۸۷۱
۳	ارزش ریالی هر کیلو واردات	۱۱۳۷
۴	ارزش دلاری کل واردات	۱۵.۰۷۳.۳۵۰.۶۷۲
۵	ارزش دلاری هر کیلو واردات	۰/۷۲
۶	حقوق ورودی کل (ریال)	۲.۰۱۴.۵۲۴.۷۴۸.۷۴۵

۲۰۲ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

جدول ۸-۱ متغیرهای کلان واردات در سال ۱۳۷۵

ردیف	موضوع	میزان
۷	حقوق ورودی اخذ شده از هر کیلو واردات (ریال)	۹۶
۸	نرخ متوسط حقوق ورودی (درصد)	۸/۴۴

مأخذ: محاسبات محقق براساس آمار لوح فشرده پیوست نامه مورخ ۱۳۸۷/۳/۱ وزارت بازرگانی با شماره ۱۴۳۹۲۷ براساس آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران.

۲-۱-۸ بررسی متوسط حقوق ورودی دریافت شده از واردات در سال ۱۳۷۵ به

تفکیک فصول کالایی

براساس سیستم هماهنگ طبقه‌بندی و کدگذاری کالا، کل واردات به ۹۸ فصل عمده تقسیم‌بندی می‌شود که از فصل اول (حیوانات زنده) تا فصل ۹۸ (قطعات منفصله ماشین‌آلات راهسازی، خودرو و سایر ماشین‌آلات) کل کالاهای وارداتی کشور را تشکیل می‌دهد.

کل واردات سال ۱۳۷۵ در ۹۸ فصل عمده کالایی طبقه‌بندی شده و براساس ارزش ریالی واردات و میزان حقوق ورودی اخذ شده از آن قسمت، متوسط نرخ حقوق ورودی گرفته و محاسبه شده است. از مقایسه متوسط نرخ‌های حقوق ورودی ۹۸ فصل عمده کالایی، ۱۰ فصل دارای کمترین و بیشترین میزان نرخ حقوق ورودی استخراج و با نرخ متوسط کل مقایسه شده‌اند که در جدول ۸-۲ مشاهده می‌شود.

جدول ۸-۲ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۷۵

فصول کالایی	وزن واردات (کیلوگرم)	ارزش ریالی واردات	ارزش دلاری واردات	حقوق ورودی دریافتی	نرخ متوسط حقوق ورودی
فصل ۲۳	۸۰۶۰۵۴۴۶۸	۵۵۹۰۵۰۹۰۳۰۸۰۱۹۹	۳۱۹۰۷۱۹۰۶۰۵	۰	۰/۰۰
فصل ۳۱	۵۳۳۰۹۳۹۰۴۱۱	۲۳۹۰۶۰۰۰۱۱۸۰۴۳۲	۱۳۶۰۹۱۴۰۳۵۳	۰	۰/۰۰
فصل ۴۷	۴۲۰۱۰۹۰۴۰۳	۵۳۰۲۰۸۰۰۶۹۰۶۱۱	۳۰۰۴۰۴۰۶۱۱	۰	۰/۰۰
فصل ۲۶	۳۰۲۹۲۰۹۲۳۸۰۸	۲۷۹۰۴۰۵۰۶۲۴۰۹۷۷	۲۳۴۰۹۷۰۰۴۱۹	۱۰۶۹۳۰۸۱۸	۰/۰۰۱
فصل ۷۱	۸۷۵۰۳۱۳	۱۰۰۳۹۰۱۴۹۰۲۵۰۹۷۰	۵۹۳۰۷۹۹۰۹۰۱	۸۵۰۵۶۰۰۱۰۱	۰/۰۱

فصل هشتم وضعیت تعرفه‌ها در گروه‌های کالایی کشور ۲۰۳

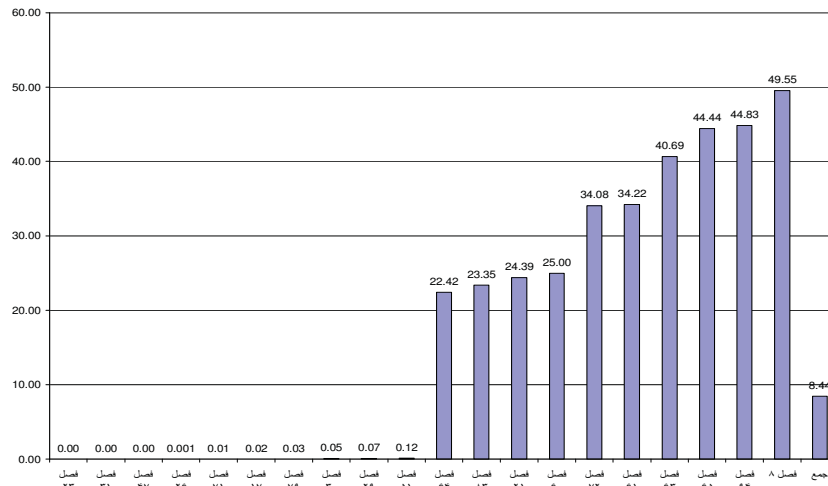
جدول ۸-۲ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۷۵

فصول کالایی	وزن واردات (کیلوگرم)	ارزش ریالی واردات	ارزش دلاری واردات	حقوق ورودی دریافتی	نرخ متوسط حقوق ورودی
فصل ۱۷	۸۵۳.۸۱۰.۶۰۲	۵۸۵.۹۰۹.۳۰۲.۷۰۹	۳۳۴.۸۰۵.۳۱۶	۹۸.۸۵۲.۳۵۲	۰/۰۲
فصل ۷۹	۲۵.۴۲۹.۸۴۰	۴۳.۷۹۴.۹۶۷.۱۵۴	۲۵.۰۲۵.۶۹۶	۱۱.۱۷۱.۰۹۶	۰/۰۳
فصل ۳۰	۸.۶۶۴.۱۹۷	۵۰۶.۳۹۰.۸۹۸.۸۰۸	۲۸۹.۳۶۶.۲۲۸	۲۵۶.۵۶۹.۶۶۰	۰/۰۵
فصل ۲۹	۱۱۹.۳۳۳.۸۶۷	۷۲۶.۵۷۰.۰۲۹.۵۷۴	۴۳۶.۶۶۰.۲۰۱	۴۸۵.۱۲۶.۹۱۹	۰/۰۷
فصل ۵۱	۱۱۰.۴۴.۸۳۱	۸۶.۶۷۷.۶۲۱.۷۶۳	۵۶.۰۱۲.۹۰۵	۹۹.۸۱۰.۰۶۸	۰/۱۲
فصل ۶۴	۱۴.۴۳۵	۱۴۷.۵۶۱.۶۱۰	۸۴.۳۲۱	۳۳.۰۹۰.۵۵۴	۲۲/۴۲
فصل ۸۳	۹۰.۵۲.۱۰۵	۳۵.۱۶۹.۲۵۴.۰۶۳	۲۰.۵۳۱.۰۹۳	۸.۲۱۳۶۸۷.۲۳۸	۲۳/۳۵
فصل ۲۱	۸۲۱.۰۴۶	۸.۵۵۳.۲۸۱.۷۸۸	۴.۸۸۷.۵۹۰	۲.۰۸۵۸۴۱.۴۱۷	۲۴/۳۹
فصل ۶۰	۵.۳۸۵	۷۸.۰۵۶.۰۵۴	۴۴.۶۰۳	۱۹.۵۱۴.۰۱۳	۲۵/۰۰
فصل ۷۲	۲.۴۰۲.۳۵۱.۵۶۴	۲.۱۲۲.۸۱۸.۹۴۹.۱۵۴	۱.۲۷۸.۳۰۶.۰۱۰	۷۲۳.۳۹۵.۷۰۴۸۶۳	۳۴/۰۸
فصل ۶۱	۳۰.۳۹۸	۵۱۸.۶۴۲.۳۴۶	۲۹۶.۳۶۷	۱۷۷.۴۸۵.۸۲۹	۳۴/۲۲
فصل ۶۳	۳.۶۶۵.۷۰۳	۵.۱۹۰.۴۵۸.۳۸۹	۳.۰۳۱.۶۸۳	۲.۱۱۱.۸۹۸.۶۷۵	۴۰/۶۹
فصل ۶۵	۷.۱۹۰	۷۰۲.۹۶۶.۰۰۳	۴۰.۱.۶۹۵	۳۱۲.۳۶۸.۵۷۲	۴۴/۴۴
فصل ۹۴	۱۹۰.۹۹۷	۷.۵۶۶.۸۵۴.۴۶۶	۴.۳۲۳.۹۱۷	۳.۳۹۲.۵۶۴.۳۷۹	۴۴/۸۳
فصل ۸	۲۳۹.۲۱۰	۴۵۷.۶۱۹.۶۷۵	۲۶۱.۴۹۷	۲۲۶.۷۵۳.۱۸۱	۴۹/۵۵
جمع	۲۱.۰۰۳.۶۱۶.۸۹۰	۲۳.۸۷۷.۶۸۲.۸۱۰.۸۷۱	۱۵.۰۷۳.۳۵۰.۶۷۲	۲.۰۱۴.۵۲۶.۷۴۸.۷۴۵	۸/۴۴

مأخذ: همان.

مطابق جدول ۸-۲ متوسط نرخ حقوق ورودی اخذ شده از کل کالاها در سال ۱۳۷۵ حدود ۸/۴۴ درصد بوده است که به تفکیک فصول شامل دامنه یا کرانه نرخ‌هایی از صفر تا ۴۹/۵۵ درصد می‌باشد.

۲۰۴ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)



مأخذ: محاسبات محقق براساس آمار لوح فشرده پیوست نامه مورخ ۱۳۸۷/۳/۱ وزارت بازرگانی با شماره ۱۴۳۹۲۷ براساس آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران.

نمودار ۱-۸ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۷۵

فصول با کمترین نرخ حقوق ورودی در سال ۱۳۷۵ به ترتیب شامل: فصل ۲۳ (آخال و تفاله صنایع خوراک‌سازی؛ خوراکی‌های آماده برای حیوانات) با صفر درصد حقوق ورودی، فصل ۳۱ (کودها) با صفر درصد حقوق ورودی، فصل ۴۷ (خمیر چوب یا سایر مواد الیافی سلولزی؛ کاغذ یا مقوا برای بازیافت آخال و ضایعات) با صفر درصد حقوق ورودی، فصل ۲۶ (سنگ فلز، جوش و خاکستر) با ۰/۰۰۱ درصد حقوق ورودی، فصل ۷۱ (مرورید طبیعی یا پرورده، سنگ‌های گران‌بها یا نیمه گران‌بها، فلزات گران‌بها، فلزات دارای روکش یا پوشش از فلزات گران‌بها، و اشیای ساخته شده از این مواد؛ زیورآلات بدلی؛ سکه) با ۰/۰۱ درصد حقوق ورودی، فصل ۱۷ (قند و شکر و شیرینی) با ۰/۰۲ درصد حقوق ورودی، فصل ۷۹ (روی و مصنوعات روی) با ۰/۰۳ درصد حقوق ورودی، فصل ۳۰ (محصولات دارویی) با ۰/۰۵ درصد حقوق ورودی، فصل ۲۹ (محصولات شیمیایی آلی) با ۰/۰۷ درصد حقوق ورودی و فصل ۵۱ (پشم، موی نرم (کرک) یا زبر حیوان، نخ و پارچه‌های تار و پودباف از موی یال و دم) با ۰/۱۲ درصد حقوق ورودی است.

فصول با بیشترین نرخ حقوق ورودی در سال ۱۳۷۵ به ترتیب شامل: فصل ۶۴ (کفش، گتر و اشیای همانند، اجزای این اشیا) با ۲۲/۴۲ درصد حقوق ورودی، فصل ۸۳ (مصنوعات از چدن، آهن یا فولاد) با ۲۳/۳۵ درصد حقوق ورودی، فصل ۲۱ (فراورده‌های خوراکی گوناگون) با ۲۴/۳۹ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۰ (پارچه‌های کشباف یا قلاب‌باف) با ۲۵ درصد حقوق ورودی، فصل ۷۲ (چدن، آهن و فولاد) با ۳۴/۰۸ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۱ (لباس و متفرعات لباس، کشباف یا قلاب‌باف) با ۳۴/۲۲ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۳ (سایر اشیای نسجی دوخته و مهیا؛ مجموعه‌ها؛ لباس و اشیای نسجی مستعمل؛ ضایعات و کهنه پارچه‌های نسجی) با ۴۰/۶۹ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۵ (کلاه و اجزای کلاه) با ۴۴/۴۴ درصد حقوق ورودی، فصل ۹۴ (مبل، مبلمان‌های طبی - جراحی؛ اسباب تختخواب و همانند؛ چراغ و وسایل روشنایی که در جای دیگر گفته نشده یا مشمول شماره‌های دیگر نباشد؛ چراغ‌های تبلیغاتی علائم نورانی، تابلوهای نورانی راهنما و اشیای همانند؛ ساختمان‌های پیش‌ساخته) با ۴۴/۸۳ درصد حقوق ورودی و فصل ۸ (میوه‌های خوراکی؛ پوست مرکبات یا پوست خربزه و همانند) با ۴۹/۵۵ درصد حقوق ورودی است.

۸-۱-۲ بررسی اجزای واردات و نرخ متوسط حقوق ورودی در سال ۱۳۷۶

۸-۱-۲-۱ متغیرهای کلان واردات

براساس جدول ۳-۸ در سال ۱۳۷۶ در مجموع حدود ۲۱/۸ میلیون تن کالا به کشور وارد شد که نسبت به سال قبل با ۴ درصد رشد همراه بود، ارزش ریالی این میزان واردات حدود ۲۴۲۲۹ میلیارد ریال است که با ۱/۵ درصد رشد نسبت به سال قبل مواجه شده است. این امر موجب شده است که به‌طور متوسط ارزش ریالی هر کیلو واردات در سال ۱۳۷۶ برابر ۱۱۱۰ ریال بوده و نسبت به سال قبل ۲/۴- درصد رشد منفی داشته باشد. ارزش دلاری این میزان واردات رقمی معادل ۱۴/۱ میلیارد دلار بوده که نسبت به سال قبل با رشد ۶/۳- درصدی مواجه بوده است. یعنی ارزش دلاری هر کیلو واردات حدود ۶۵ سنت بوده است که رشد منفی ۹/۹- درصدی را نشان می‌دهد. از حدود ۲۴/۲ هزار میلیارد ریال واردات انجام شده در سال ۱۳۷۶، حدود ۱/۶ هزار میلیارد ریال تحت عناوین مختلف (در مجموع حقوق ورودی) اخذ شده که این میزان دریافتی دولت نسبت به سال قبل با رشد منفی ۱۶/۷- مواجه بوده است؛ یعنی از

۲۰۶ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

هر کیلو واردات حدود ۷۷ ریال به‌عنوان حقوق دولت گرفته شده که نسبت به سال قبل رشد منفی ۱۹/۸- درصد داشته است. این میزان حقوق ورودی اخذ شده به‌طور متوسط ۶/۹۳ درصد از ارزش کالاهای وارداتی را شامل می‌شود که نسبت به سال قبل ۱/۵۱ درصد کاهش داشته است.

جدول ۳-۸ متغیرهای کلان واردات در سال ۱۳۷۶

ردیف	موضوع	میزان	نرخ رشد
۱	وزن کل واردات (کیلوگرم)	۲۱,۸۳۷,۵۳۴,۷۰۹	۴/۰
۲	ارزش ریالی کل واردات	۲۴,۲۲۹,۲۳۰,۶۸۶,۳۴۰	۱/۵
۳	ارزش ریالی هر کیلو واردات	۱۱۱۰	-۲/۴
۴	ارزش دلاری کل واردات	۱۴,۱۲۴,۷۷۱,۶۳۸	-۶/۳
۵	ارزش دلاری هر کیلو واردات	۰/۶۵	-۹/۹
۶	حقوق ورودی کل (ریال)	۱,۶۷۸,۸۰۱,۰۳۰,۰۹۴	-۱۶/۷
۷	حقوق ورودی اخذ شده از هر کیلو واردات (ریال)	۷۷	-۱۹/۸
۸	نرخ متوسط حقوق ورودی (درصد)	۶/۹۳	-۱۷/۹

مأخذ: همان.

۲-۲-۱-۸ بررسی متوسط حقوق ورودی دریافت شده از واردات در سال ۱۳۷۶ به

تفکیک فصول کالایی

براساس سیستم هماهنگ طبقه‌بندی و کدگذاری کالا، کل واردات به ۹۸ فصل عمده تقسیم‌بندی می‌شود که از فصل اول (حیوانات زنده) تا فصل ۹۸ (قطعات منفصله ماشین‌آلات راهسازی، خودرو و سایر ماشین‌آلات) کل کالاهای وارداتی کشور را تشکیل می‌دهد.

کل واردات سال ۱۳۷۶ در ۹۸ فصل عمده کالایی طبقه‌بندی شده و براساس ارزش ریالی واردات و میزان حقوق ورودی اخذ شده از آن فصل، متوسط نرخ حقوق ورودی گرفته و محاسبه شده است. از مقایسه متوسط نرخ‌های حقوق ورودی ۹۸ فصل عمده کالایی، ۱۰ فصل دارای کمترین و بیشترین میزان نرخ حقوق ورودی استخراج و با نرخ متوسط کل مقایسه شده است که در جدول ۴-۸ مشاهده می‌شود.

فصل هشتم وضعیت تعرفه‌ها در گروه‌های کالایی کشور ۲۰۷

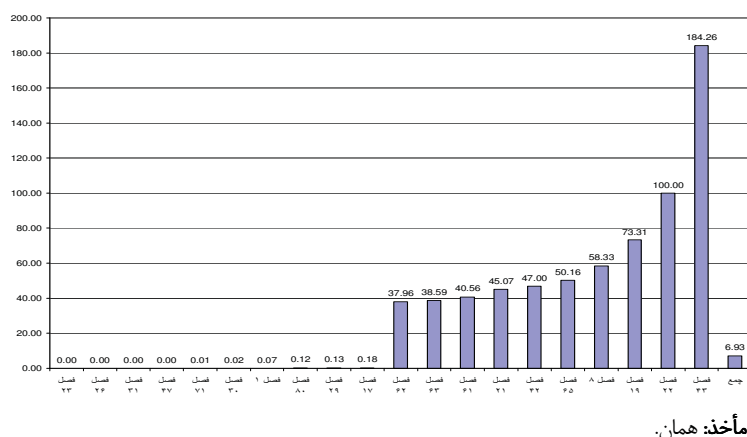
جدول ۴-۸ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۷۶

فصول کالایی	وزن واردات (کیلوگرم)	ارزش ریالی واردات	ارزش دلاری واردات	حقوق ورودی دریافتی	نرخ متوسط حقوق ورودی
فصل ۲۳	۴۶۸.۲۲۲.۳۶۰	۳۲۱.۱۲۴.۹۳۳.۰۹۷	۱۸۲.۹۷۷.۱۷۰	۰	۰/۰۰
فصل ۲۶	۱.۷۲۸.۴۶۴.۸۹۸	۲۰۳.۲۱۸.۲۸۴.۴۶۴	۱۱۵.۷۹۳.۸۹۴	۰	۰/۰۰
فصل ۳۱	۵۹۶.۷۳۲.۷۵۰	۲۴۹.۹۱۹.۰۱۷.۷۴۰	۱۴۲.۴۰۳.۹۹۹	۰	۰/۰۰
فصل ۴۷	۳۲.۴۷۳.۶۴۰	۳۶.۲۷۴.۰۴۴.۰۵۶	۲۰.۶۶۸.۹۷۱	۳	۰/۰۰
فصل ۷۱	۲.۳۷۶.۶۳۱	۵۱۳.۸۴۸.۳۰۳.۳۵۲	۲۹۲.۷۹۱.۰۵۶	۴۶.۹۱۱.۹۸۱	۰/۰۱
فصل ۳۰	۵.۱۳۶.۹۶۵	۴۳۴.۶۱۴.۷۷۶.۶۱۰	۲۴۸.۲۵۱.۲۷۹	۹۶.۷۸۸.۶۱۲	۰/۰۲
فصل ۱	۱۰۰.۰۲۴	۲.۳۷۲.۲۱۶.۲۱۸	۱.۳۵۱.۶۹۰	۱.۶۰۹.۲۶۳	۰/۰۷
فصل ۸۰	۶۳۱.۹۶۵	۷.۴۰۸.۹۲۰.۳۵۵	۴.۲۲۱.۶۰۷	۹.۱۴۲.۲۹۵	۰/۱۲
فصل ۲۹	۱۲۴.۴۰۸.۸۳۵	۶۶۳.۲۸۳.۰۵۰.۶۷۲	۳۸۸.۹۵۷.۲۳۶	۸۶۱.۴۱۸.۳۷۲	۰/۱۳
فصل ۱۷	۱۹۵.۰۱۸.۳۹۱/۱	۷۱۱.۳۴۵.۶۷۳.۰۵۷	۴۰۵.۳۲۵.۱۷۰	۱.۲۶۴.۳۳۵.۸۵۹	۰/۱۸
فصل ۶۲	۸۰۹	۶۲.۸۹۴.۹۸۹	۳۵.۸۳۸	۲۳.۸۷۶.۳۱۸	۳۷/۹۶
فصل ۶۳	۱۰۰۱۲۰۱۷	۱.۲۴۷.۱۷۱.۱۰۳	۷۱۰.۶۳۹	۴۸۱.۲۵۴.۹۴۴	۳۸/۵۹
فصل ۶۱	۱۹.۴۶۰	۴۳۹.۷۷۶.۰۳۳	۲۵۰.۵۸۳	۱۷۸.۳۵۷.۲۸۹	۴۰/۵۶
فصل ۲۱	۷۷۰.۹۳۰	۷.۶۷۷.۹۸۸.۱۴۲	۴.۳۷۴.۹۲۲	۳.۴۶۰.۴۵۲.۶۴۳	۴۵/۰۷
فصل ۴۲	۴.۱۴۵	۱۹۹.۹۰۷.۶۳۴	۱۱۳.۹۰۸	۹۳.۹۵۶.۵۵۹	۴۷/۰۰
فصل ۶۵	۲.۳۵۲	۳۲۷.۴۹۷.۲۷۴	۱۸۸.۳۲۶	۱۶۴.۲۶۰.۷۱۸	۵۰/۱۶
فصل ۸	۲.۸۸۱.۳۶۵	۵.۷۵۲.۷۵۸.۹۳۵	۳.۲۷۸.۸۰۷	۳.۳۵۶.۴۳۰.۹۲۵	۵۸/۳۳
فصل ۱۹	۱۲.۱۷۲	۵۱.۶۲۳.۲۷۴	۲۹.۴۱۵	۳۷.۸۴۶.۱۴۰	۷۳/۳۱
فصل ۲۲	۸۰	۱.۴۹۷.۲۰۴	۸۵۳	۱.۴۹۷.۲۰۴	۱۰۰/۰۰
فصل ۴۳	۹۶	۱۰.۳۳۷.۷۵۰	۵.۸۸۹	۱۹.۰۴۳.۱۴۹	۱۸۴/۲۶
جمع	۲۱۸۳۷.۵۳۴.۷۰۹	۲۴.۲۲۹.۲۳۰.۶۸۶.۳۴۰	۱۴.۱۲۴.۷۷۱.۶۳۸	۱۶۷۸۸.۱۰۳۰.۰۹۴	۶/۹۳

مأخذ: همان.

۲۰۸ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

مطابق جدول ۴-۸ متوسط نرخ حقوق ورودی اخذ شده از کل کالاها در سال ۱۳۷۶ حدود ۶/۹۳ درصد بوده که به تفکیک فصول شامل دامنه یا کرانه نرخ‌هایی از صفر تا ۱۸۴/۲۶ درصد است.



نمودار ۲-۸ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۷۶

فصول با کمترین نرخ حقوق ورودی در سال ۱۳۷۶ به ترتیب شامل: فصل ۲۳ (آخال و تفاله صنایع خوراک‌سازی؛ خوراکی‌های آماده برای حیوانات) با صفر درصد حقوق ورودی، فصل ۲۶ (سنگ فلز، جوش و خاکستر) با صفر درصد حقوق ورودی، فصل ۳۱ (کودها) با صفر درصد حقوق ورودی، فصل ۴۷ (خمیر چوب یا سایر مواد الیافی سلولزی؛ کاغذ یا مقوا برای بازیافت آخال و ضایعات) با حدود صفر درصد حقوق ورودی، فصل ۷۱ (مروارید طبیعی یا پرورده، سنگ‌های گران‌بها یا نیمه گران‌بها، فلزات گران‌بها، فلزات دارای روکش یا پوشش از فلزات گران‌بها و اشیای ساخته شده از این مواد؛ زیورآلات بدلی؛ سکه) با ۰/۰۱ درصد حقوق ورودی، فصل ۳۰ (محصولات دارویی) با ۰/۰۲ درصد حقوق ورودی، فصل ۱ (حیوانات زنده) با ۰/۰۷ درصد حقوق ورودی، فصل ۸۰ (قلع و مصنوعات از قلع) با ۰/۱۲ درصد حقوق ورودی، فصل ۲۹ (محصولات شیمیایی آلی) با ۰/۱۳ درصد حقوق ورودی و فصل ۱۷ (قند، شکر و شیرینی) با ۰/۱۸ درصد حقوق ورودی است.

فصول با بیشترین نرخ حقوق ورودی در سال ۱۳۷۶ به ترتیب شامل: فصل ۶۲ (لباس و متفرعات لباس، غیرکشاف یا غیرقلاباف) با ۳۷/۹۶ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۳ (سایر اشیای نسجی دوخته و مهیا؛ مجموعه‌ها؛ لباس و اشیای نسجی مستعمل؛ ضایعات و کهنه پارچه‌های نسجی) با ۳۸/۵۹ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۱ (لباس و متفرعات لباس، کشاف یا قلاباف) با ۴۰/۵۶ درصد حقوق ورودی، فصل ۲۱ (فراورده‌های خوراکی گوناگون) با ۴۵/۰۷ درصد حقوق ورودی، فصل ۴۲ (اشیای ساخته شده از چرم؛ مصنوعات زین و برگ‌سازی؛ لوازم سفر، کیف‌های دستی و محفظه‌های همانند؛ اشیای ساخته شده از روده (به‌غیر از اشیای ساخته شده از احشای کرم ابریشم)) با ۴۷ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۵ (کلاه و اجزای کلاه) با ۵۰/۱۶ درصد حقوق ورودی، فصل ۸ (میوه‌های خوراکی؛ پوست مرکبات یا پوست خربزه و همانند) با ۵۸/۳۳ درصد حقوق ورودی، فصل ۱۹ (فراورده‌های غلات، آرد، نشاسته، فکول یا شیر؛ نان‌های شیرینی) با ۷۳/۳۱ درصد حقوق ورودی، فصل ۲۲ (نوشابه‌ها، آبگون‌های الکلی و سرکه) با ۱۰۰ درصد حقوق ورودی و فصل ۴۳ (پوست‌های نرم طبیعی و پوست‌های نرم بدلی؛ اشیای ساخته شده از آنها) با ۱۸۴/۲۶ درصد حقوق ورودی است.

۳-۱-۸ بررسی اجزای واردات و نرخ متوسط حقوق ورودی در سال ۱۳۷۷

۱-۳-۸ متغیرهای کلان واردات

براساس جدول ۵-۸ سال ۱۳۷۷ در مجموع حدود ۱۶/۲ میلیون تن کالا به کشور وارد شد که نسبت به سال قبل با ۲۵/۴- درصد رشد منفی همراه بود. ارزش ریالی این میزان واردات حدود ۲۴۵۸۵ میلیارد ریال است که با ۱/۵ درصد رشد نسبت به سال قبل مواجه شده است. این امر موجب شده است که به‌طور متوسط ارزش ریالی هر کیلو واردات در سال ۱۳۷۷ برابر ۱۵۱۰ ریال بوده و نسبت به سال قبل ۳۶/۱ درصد رشد داشته باشد. ارزش دلاری این میزان واردات رقمی معادل ۱۴/۱ میلیارد دلار بوده که نسبت به سال قبل تنها ۰/۲ درصد رشد داشته است. یعنی ارزش دلاری هر کیلو واردات حدود ۸۷ سنت بوده است که رشد ۴۲/۲ درصدی را نشان می‌دهد.

از حدود ۲۴/۵ هزار میلیارد ریال واردات انجام شده در سال ۱۳۷۷ حدود ۲/۳ هزار میلیارد ریال تحت عناوین مختلف (در مجموع حقوق ورودی) اخذ شده است که این میزان

۲۱۰ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

دریافتی دولت نسبت به سال قبل با رشد قابل توجه ۴۲/۲ درصدی مواجه بوده است. یعنی از هر کیلو واردات حدود ۱۴۷ ریال به‌عنوان حقوق دولت گرفته شده که نسبت به سال قبل رشد ۹۰/۷ درصدی داشته است. این میزان حقوق ورودی اخذ شده به‌طور متوسط ۹/۷۱ درصد از ارزش کالاهای وارداتی را شامل می‌شود که نسبت به سال قبل ۲/۷۸ درصد افزایش داشته است.

جدول ۵-۸ متغیرهای کلان واردات در سال ۱۳۷۷

ردیف	موضوع	میزان	نرخ رشد
۱	وزن کل واردات (کیلوگرم)	۱۶,۲۸۷,۰۴۵,۶۲۸	-۲۵/۴
۲	ارزش ریالی کل واردات	۲۴,۵۸۵,۶۲۵,۱۶۴,۱۷۳	۱/۵
۳	ارزش ریالی هر کیلو واردات	۱۵۱۰	۳۶/۱
۴	ارزش دلاری کل واردات	۱۴,۱۴۸,۳۸۸,۷۶۰	۰/۲
۵	ارزش دلاری هر کیلو واردات	۰/۸۷	۳۴/۳
۶	حقوق ورودی کل (ریال)	۲,۳۸۷,۲۰۹,۰۷۵,۲۰۶	۴۲/۲
۷	حقوق ورودی اخذ شده از هر کیلو واردات (ریال)	۱۴۷	۹۰/۷
۸	نرخ متوسط حقوق ورودی (درصد)	۹/۷۱	۴۰/۱

مأخذ: همان.

۲-۳-۱-۸ بررسی متوسط حقوق ورودی دریافت شده از واردات در سال ۱۳۷۷ به

تفکیک فصول کالایی

براساس سیستم هماهنگ طبقه‌بندی و کدگذاری کالا، کل واردات به ۹۸ فصل عمده تقسیم‌بندی می‌شود که از فصل اول (حیوانات زنده) تا فصل ۹۸ (قطعات منفصله ماشین‌آلات راهسازی، خودرو و سایر ماشین‌آلات) کل کالاهای وارداتی کشور را تشکیل می‌دهد.

کل واردات سال ۱۳۷۷ در ۹۸ فصل عمده کالایی، طبقه‌بندی شده و براساس ارزش ریالی واردات و میزان حقوق ورودی اخذ شده از آن فصل، متوسط نرخ حقوق ورودی گرفته و محاسبه شده است. از مقایسه متوسط نرخ‌های حقوق ورودی ۹۸ فصل عمده کالایی، ۱۰ فصل دارای کمترین و بیشترین میزان نرخ حقوق ورودی استخراج و با نرخ متوسط کل مقایسه شده است که در جدول ۶-۸ مشاهده می‌شود.

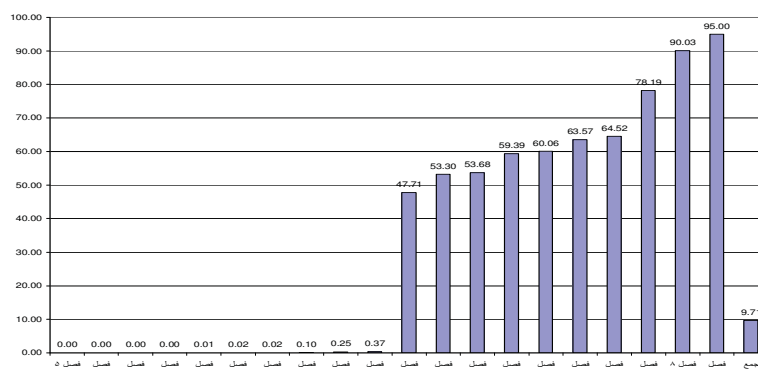
جدول ۸-۶ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۷۷

فصول کالایی	وزن واردات (کیلوگرم)	ارزش ریالی واردات	ارزش دلاری واردات	حقوق ورودی دریافتی	نرخ متوسط حقوق ورودی
فصل ۵	۲۳۷	۱,۰۳۰,۷۴۱,۸۹۰	۵۸۷,۳۱۷	۰	۰/۰۰
فصل ۲۳	۵۶۵,۴۱۱,۸۵۰	۲۸۴,۸۴۰,۹۸۶,۹۸۹	۱۶۲,۳۰۲,۵۵۷	۰	۰/۰۰
فصل ۵۰	۱۲۱	۱,۲۷۸,۲۹۵	۷۲۸	۰	۰/۰۰
فصل ۳۱	۴۲۸,۸۳۳,۶۰۷	۱۶۷,۰۴۹,۹۱۸,۱۰۸	۹۵,۱۸۵,۱۳۹	۱	۰/۰۰
فصل ۲۶	۱,۴۹۸,۸۳۲,۵۸۳	۱۲۲,۴۴۰,۲۲۷,۴۵۳	۶۹,۷۶۶,۵۱۱	۹,۴۶۹,۷۶۴	۰/۰۱
فصل ۳۰	۳,۶۰۰,۶۰۸	۳۶۱,۷۳۱,۰۰۱,۹۵۴	۲۰۶,۱۱۴,۵۳۱	۶۵,۲۲۱,۸۲۳	۰/۰۲
فصل ۷۹	۲۲,۷۸۲,۸۴۰	۵۸,۷۳۴,۸۷۸,۳۲۰	۳۳,۴۶۷,۱۶۷	۱۴,۴۹۸,۹۳۲	۰/۰۲
فصل ۲۹	۱۱۵,۷۵۱,۸۳۳	۶۰۰,۴۸۷,۰۳۷,۴۲۹	۳۴۳,۰۵۷,۲۸۰	۶۱۲,۱۶۲,۹۴۲	۰/۱۰
فصل ۴۷	۳۶,۸۳۲,۷۵۵	۳۹,۸۱۶,۷۶۱,۳۳۳	۲۲,۶۸۷,۶۱۳	۱۰۰,۳۵۳,۵۴۰	۰/۲۵
فصل ۵۱	۷,۴۹۶,۸۵۲	۵۹,۷۶۲,۶۲۶,۰۵۵	۳۴,۰۵۲,۷۷۸	۲۱۸,۸۱۹,۸۶۴	۰/۳۷
فصل ۱۸	۳,۰۰۷,۲۲۳	۶,۲۳۶,۴۰۶,۰۰۷	۴,۰۷۱,۸۵۹	۲,۹۷۵,۱۱۱,۲۲۵	۴۷/۷۱
فصل ۶۱	۲۷,۵۷۳	۳۴۹,۸۶۰,۰۳۳	۱۹۹,۳۵۰	۱۸۶,۴۹۱,۹۰۰	۵۳/۳۰
فصل ۶۲	۱,۱۱۰	۴۶,۶۵۱,۸۶۷	۲۶,۵۸۲	۲۵,۰۴۴,۸۰۶	۵۳/۶۸
فصل ۲۱	۴۸۰,۱۵۳	۴,۴۱۰,۵۶۳,۴۴۷	۲,۵۱۳,۱۴۲	۲,۶۱۹,۵۴۸,۱۱۰	۵۹/۳۹
فصل ۶۴	۱۳,۵۰۷	۳۵۶,۸۳۶,۴۶۷	۲۰۳,۳۲۶	۲۱۴,۳۰۸,۴۱۹	۶۰/۰۶
فصل ۲۲	۳۰۳	۲۰,۳۲۰,۱۳۲	۱۱,۵۷۸	۱۲,۹۱۷,۶۵۴	۶۳/۵۷
فصل ۶۳	۱۳۸,۷۴۹	۶۰۸,۱۸۱,۷۷۲	۳۴۶,۵۴۲	۳۹۲,۳۷۷,۵۱۵	۶۴/۵۲
فصل ۶۵	۱,۶۴۴	۲۰,۱۶۰,۷۵۱	۱۱,۴۸۸	۱۵,۷۶۳,۱۶۵	۷۸/۱۹
فصل ۸	۱,۶۷۸,۵۳۵	۳,۱۹۸,۳۵۹,۰۰۹	۱,۸۲۲,۴۲۷	۲,۸۷۹,۳۶۳,۸۳۸	۹۰/۰۳
فصل ۲۰	۵۹,۹۷۸	۸۸,۷۹۲,۹۵۶	۵۰,۵۹۴	۸۴,۳۵۳,۳۰۹	۹۵/۰۰
جمع	۱۶,۲۸۷,۰۴۵,۶۲۸	۲۴,۵۸۵,۶۲۵,۱۶۴,۱۷۳	۱۴,۱۴۸,۳۸۸,۷۶۰	۲,۳۸۷,۲۰۹,۰۷۵,۲۰۶	۹/۷۱

مأخذ: همان.

۲۱۲ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

مطابق جدول ۶-۸ متوسط نرخ حقوق ورودی اخذ شده از کل کالاها در سال ۱۳۷۷ حدود ۹/۷۱ درصد بوده که به تفکیک فصول شامل دامنه یا کرانه نرخ‌هایی از صفر تا ۹۵ درصد می‌باشد.



مأخذ: همان.

نمودار ۳-۸ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۷۷

فصول با کمترین نرخ حقوق ورودی در سال ۱۳۷۷ به ترتیب شامل: فصل ۵ (سایر محصولات حیوانی، که در جای دیگر گفته نشده و مشمول شماره دیگر تعرفه نشده باشد) با صفر درصد حقوق ورودی، فصل ۲۳ (آخال و تفاله صنایع خوراک‌سازی؛ خوراکی‌های آماده برای حیوانات) با صفر درصد حقوق ورودی، فصل ۵۰ (بریشم) با صفر درصد حقوق ورودی، فصل ۳۱ (کودها) با حدود صفر درصد حقوق ورودی، فصل ۲۶ (سنگ فلز، جوش و خاکستر) با ۰/۰۱ درصد حقوق ورودی، فصل ۳۰ (محصولات دارویی) با ۰/۰۲ درصد حقوق ورودی، فصل ۷۹ (روی و مصنوعات روی) با ۰/۰۲ درصد حقوق ورودی، فصل ۲۹ (محصولات شیمیایی آلی) با ۰/۱ درصد حقوق ورودی، فصل ۴۷ (خمیر چوب یا سایر مواد الیافی سلولزی؛ کاغذ یا مقوا برای بازیافت آخال و ضایعات) با ۰/۲۵ درصد حقوق ورودی و فصل ۵۱ (پشم، موی نرم (کرک) یا زبر حیوان، نخ و پارچه‌های تار و پودباف از موی یال و دم) با ۰/۳۷ درصد حقوق ورودی است.

فصول با بیشترین نرخ حقوق ورودی در سال ۱۳۷۷ به ترتیب شامل: فصل ۱۸ (کاکائو

فصل هشتم وضعیت تعرفه‌ها در گروه‌های کالایی کشور ۲۱۳

و فراورده‌های آن) با ۴۷/۷۱ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۱ (لباس و متفرعات لباس، کشباف یا قلاب‌باف) با ۳/۵۳ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۲ (لباس و متفرعات لباس، غیرکشباف یا غیرقلاب‌باف) با ۵۳/۶۸ درصد حقوق ورودی، فصل ۲۱ (فراورده‌های خوراکی گوناگون) با ۳۹.۵۹ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۴ (کفش، گتر و اشیای همانند، اجزای این اشیای) با ۶۰/۰۶ درصد حقوق ورودی، فصل ۲۲ (نوشابه‌ها، آبگون‌های الکلی و سرکه) با ۶۳/۵۷ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۳ (سایر اشیای نسجی دوخته و مهیا؛ مجموعه‌ها؛ لباس و اشیای نسجی مستعمل؛ ضایعات و کهنه پارچه‌های نسجی) با ۶۴/۵۲ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۵ (کلاه و اجزای کلاه) با ۷۸/۱۹ درصد حقوق ورودی، فصل ۸ (میوه‌های خوراکی؛ پوست مرکبات یا پوست خربزه و همانند) با ۹۰/۰۳ درصد حقوق ورودی و فصل ۲۰ (فراورده‌ها از سبزیجات، میوه‌ها یا از سایر اجزای نباتات) با ۹۵ درصد حقوق ورودی است.

۴-۱-۸ بررسی اجزای واردات و نرخ متوسط حقوق ورودی در سال ۱۳۷۸

۱-۴-۸ متغیرهای کلان واردات

براساس جدول ۷-۸ در سال ۱۳۷۸ در مجموع حدود ۲۱/۵ میلیون تن کالا به کشور وارد شد که نسبت به سال قبل با ۳۲/۳ درصد رشد همراه بود. ارزش ریالی این میزان واردات حدود ۲۲۰۴۵ میلیارد ریال است که با ۱۰/۳- درصد رشد منفی نسبت به سال قبل مواجه شده است. این امر موجب شده است که به‌طور متوسط ارزش ریالی هر کیلو واردات در سال ۱۳۷۸ برابر ۱۰۲۳ ریال بوده و نسبت به سال قبل ۳۲/۲- درصد رشد منفی داشته باشد.

ارزش دلاری این میزان واردات رقمی معادل ۱۲/۵ میلیارد دلار بوده که نسبت به سال قبل ۱۱/۰- درصد رشد منفی داشته است. یعنی ارزش دلاری هر کیلو واردات حدود ۵۸ سنت بوده است که رشد منفی ۳۲/۷- درصدی را نشان می‌دهد.

از حدود ۲۲ هزار میلیارد ریال واردات انجام شده در سال ۱۳۷۸ حدود ۲/۷ هزار میلیارد ریال تحت عناوین مختلف (در مجموع حقوق ورودی) اخذ شده است که این میزان دریافتی دولت نسبت به سال قبل با رشد ۱۵/۲ درصدی مواجه بوده است. یعنی از هر کیلو واردات حدود ۱۲۸ ریال به‌عنوان حقوق دولت گرفته شده که نسبت به سال

۲۱۴ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

قبل رشد منفی ۱۲/۹- درصدی داشته است. این میزان حقوق ورودی اخذ شده به‌طور متوسط ۱۲/۴۷ درصد از ارزش کالاهای وارداتی را شامل می‌شود که نسبت به سال قبل ۲/۷۶ درصد افزایش داشته است.

جدول ۷-۸ متغیرهای کلان واردات در سال ۱۳۷۸

ردیف	موضوع	میزان	نرخ رشد
۱	وزن کل واردات (کیلوگرم)	۲۱,۵۴۷,۲۹۷,۱۴۱	۳۲/۳
۲	ارزش ریالی کل واردات	۲۲,۰۴۵,۷۰۵,۰۵۳,۷۱۲	-۱۰/۳
۳	ارزش ریالی هر کیلو واردات	۱۰۲۳	-۳۲/۲
۴	ارزش دلاری کل واردات	۱۲,۵۹۳,۷۲۹,۵۳۰	-۱۱/۰
۵	ارزش دلاری هر کیلو واردات	۰/۵۸	-۳۲/۷
۶	حقوق ورودی کل (ریال)	۲,۷۴۹,۸۵۱,۲۶۶,۷۱۳	۱۵/۲
۷	حقوق ورودی اخذ شده از هر کیلو واردات (ریال)	۱۲۸	-۱۲/۹
۸	نرخ متوسط حقوق ورودی (درصد)	۱۲/۴۷	۲۸/۵

مأخذ: همان.

۲-۴-۱-۸ بررسی متوسط حقوق ورودی دریافت شده از واردات در سال ۱۳۷۸ به

تفکیک فصول کالایی

براساس سیستم هماهنگ طبقه‌بندی و کدگذاری کالا، کل واردات به ۹۸ فصل عمده تقسیم‌بندی می‌شود که از فصل اول (حیوانات زنده) تا فصل ۹۸ (قطعات منفصله ماشین‌آلات راهسازی، خودرو و سایر ماشین‌آلات) کل کالاهای وارداتی کشور را تشکیل می‌دهد.

کل واردات سال ۱۳۷۸ در ۹۸ فصل عمده کالایی طبقه‌بندی شده و براساس ارزش ریالی واردات و میزان حقوق ورودی اخذ شده از آن فصل، متوسط نرخ حقوق ورودی گرفته و محاسبه شده است. از مقایسه متوسط نرخ‌های حقوق ورودی ۹۸ فصل عمده کالایی، ۱۰ فصل دارای کمترین و بیشترین میزان نرخ حقوق ورودی استخراج و با نرخ متوسط کل مقایسه شده است که در جدول ۸-۸ مشاهده می‌شود.

جدول ۸-۸ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی

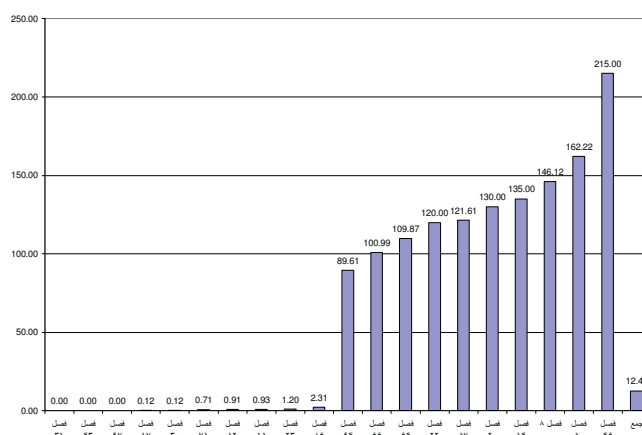
سال ۱۳۷۸

فصول کالایی	وزن واردات (کیلوگرم)	ارزش ریالی واردات	ارزش دلاری واردات	حقوق ورودی دریافتی	نرخ متوسط حقوق ورودی
فصل ۳۱	۷۰۴۳۶۳۶۰۷	۲۴۰۷۵۷۸۴۸۷۸۲	۱۳۷۱۸۳۹۵۹	۰	۰/۰۰
فصل ۴۳	۱۶۷	۸۴۶۴۷۲۲	۴۸۲۳	۰	۰/۰۰
فصل ۹۷	۱۹۸۸۱	۲۴۳۶۷۰۶	۱۳۸۸	۰	۰/۰۰
فصل ۱۷	۱۳۳۹۴۱۰۱۰۸	۴۲۸۰۳۶۲۲۲۵۸	۲۸۰۷۹۹۷۸۵	۵۸۵۵۳۰۲۷۲	۰/۱۲
فصل ۳۰	۴۹۴۰۰۵۵	۴۹۵۹۵۳۶۱۰۲۰۲	۲۸۲۷۹۵۳۵۰	۶۱۳۴۶۷۲۵۹	۰/۱۲
فصل ۷۱	۲۲۰۶۷۷۶	۱۱۱۰۰۱۵۶۹۱۱۵	۶۳۲۴۸۷۵۷	۷۹۲۲۲۰۵۴۳	۰/۷۱
فصل ۱۲	۳۹۶۱۲۵۳۵۴	۲۰۵۲۱۳۵۴۱۵۱۰	۱۱۶۹۳۰۷۹۳	۱۸۵۹۴۳۶۵۵۶	۰/۹۱
فصل ۱۵	۱۰۱۱۸۲۲۶۶۹	۹۱۶۷۳۱۳۲۱۹۴۶	۵۲۲۳۵۴۶۲۵	۸۵۰۲۲۸۶۷۶۰	۰/۹۳
فصل ۲۳	۵۰۵۵۱۱۵۳۱	۲۷۳۸۹۳۰۱۷۶۳۸	۱۵۶۰۶۴۳۹۸	۳۲۷۶۵۶۲۷۶۳	۱/۲۰
فصل ۸۶	۲۲۷۳۶۱۵۰	۱۶۸۸۰۲۴۱۶۱۵۸	۹۶۲۳۱۴۶۲	۳۹۰۵۷۱۲۱۱۳	۲/۳۱
فصل ۹۴	۲۷۱۰۵۴	۲۳۲۲۴۰۷۸۷۸	۱۳۳۳۳۰۹	۲۰۸۱۰۷۳۷۵۰	۸۹/۶۱
فصل ۶۶	۵۱۸۵۲	۶۳۶۴۰۵۰۰	۳۶۲۶۲	۶۴۲۷۱۹۰۵	۱۰۰/۹۹
فصل ۶۴	۳۵۷۳۰	۲۷۱۰۶۳۸۳۸	۱۵۴۴۵۲	۲۹۷۸۲۶۱۲۲	۱۰۹/۸۷
فصل ۲۲	۱۲۵	۲۱۳۰۸۴۷	۱۲۱۴	۲۵۵۷۰۱۶	۱۲۰/۰۰
فصل ۵۷	۸۲۹۴	۲۲۸۱۲۳۱۶۴	۱۲۹۹۸۵	۲۷۷۴۲۲۶۸۳	۱۲۱/۶۱
فصل ۲۰	۱۸۳۳۰	۷۸۱۱۲۲۶۳	۴۴۵۰۸	۱۰۱۵۴۵۹۴۱	۱۳۰/۰۰
فصل ۱۴	۱۳۹۲۰	۴۰۷۳۳۷۰۰	۲۳۲۱۰	۵۴۹۹۰۴۹۵	۱۳۵/۰۰
فصل ۸	۲۸۵۱۴۳۹	۵۰۲۵۱۴۷۲۳۹	۲۸۶۳۳۳۲	۷۳۴۲۸۱۵۵۶۲	۱۴۶/۱۲
فصل ۵۰	۱۵۶۹۵	۱۴۵۵۱۸۵۸۹	۸۲۹۱۷	۲۳۶۰۶۲۲۵۷	۱۶۲/۲۲
فصل ۴۶	۲۸۵۳	۳۸۶۷۵۶۸۹	۲۲۰۳۷	۸۳۱۵۲۷۳۱	۲۱۵/۰۰
جمع	۲۱۵۴۷۲۹۷۰۱۴۱	۲۲۰۴۵۷۰۵۰۵۳۷۱۲	۱۲۵۹۳۷۲۹۵۳۰	۲۷۴۹۸۵۱۲۶۶۷۱۳	۱۲/۴۷

مأخذ: همان.

۲۱۶ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

مطابق جدول ۸-۸ متوسط نرخ حقوق ورودی اخذ شده از کل کالاها در سال ۱۳۷۸ حدود ۱۲/۴۷ درصد بوده که به تفکیک فصول شامل دامنه یا کرانه نرخ‌هایی از صفر تا ۲۱۵ درصد است.



مأخذ: همان.

نمودار ۴-۸ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۷۸

فصول با کمترین نرخ حقوق ورودی در سال ۱۳۷۸ به ترتیب شامل: فصل ۳۱ (کودها) با صفر درصد حقوق ورودی، فصل ۴۳ (پوست‌های نرم طبیعی و پوست‌های نرم بدلی؛ اشیای ساخته شده از آنها) با صفر درصد حقوق ورودی، فصل ۹۷ (اشیای هنری، اشیای کلکسیون یا عتیقه) با صفر درصد حقوق ورودی، فصل ۱۷ (قند، شکر و شیرینی) با ۰/۱۲ درصد حقوق ورودی، فصل ۳۰ (محصولات دارویی) با ۰/۱۲ درصد حقوق ورودی، فصل ۷۱ (مروارید طبیعی یا پرورده، سنگ‌های گران‌بها یا نیمه گران‌بها، فلزات گران‌بها، فلزات دارای روکش یا پوشش از فلزات گران‌بها و اشیای ساخته شده از این مواد؛ زیورآلات بدلی؛ سکه) با ۰/۷۱ درصد حقوق ورودی، فصل ۱۲ (دانه و میوه‌های روغن‌دار؛ دانه، بذر و میوه‌های گوناگون؛ نباتات صنعتی یا دارویی؛ کاه و نواله) با ۰/۹۱ درصد حقوق ورودی، فصل ۱۵ (چربی‌ها، روغن‌های حیوانی یا نباتی؛ فراورده‌های حاصل از تفکیک آنها؛ چربی‌های خوراکی آماده؛ موم‌های حیوانی یا نباتی) با ۰/۹۳ درصد

حقوق ورودی، فصل ۲۳ (آخال و تفاله صنایع خوراک‌سازی؛ خوراکی‌های آماده برای حیوانات) با ۱/۲۰ درصد حقوق ورودی و فصل ۸۶ (لکوموتیوهای راه‌آهن یا تراموای، نواقل روی خط راه‌آهن، اجزای و قطعات آنها، ملحقات و مهارکننده‌های خط راه‌آهن یا تراموای و اجزای و قطعات آنها؛ تجهیزات علامت دادن مکانیکی ترافیک (از جمله الکترومکانیکی)) از هر نوع) با ۲/۳۱ درصد حقوق ورودی است.

فصول با بیشترین نرخ حقوق ورودی در سال ۱۳۷۸ به‌ترتیب شامل: فصل ۹۴ (میل، میل‌های طبی - جراحی؛ اسباب تختخواب و همانند؛ چراغ و وسایل روشنایی که در جای دیگر گفته نشده یا مشمول شماره‌های دیگر نباشد؛ چراغ‌های تبلیغاتی علائم نورانی، تابلوهای نورانی راهنما و اشیای همانند؛ ساختمان‌های پیش‌ساخته) با ۸۹/۶۱ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۶ (چتر بارانی، چتر آفتابی، عصا، عصای صندلی‌شو، تازیانه و اجزای آنها) با ۱۰۰/۹۹ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۴ (کفش، گتر و اشیای همانند، اجزای این اشیای) با ۱۰۹/۸۷ درصد حقوق ورودی، فصل ۲۲ (نوشابه‌ها، آبگون‌های الکلی و سرکه) با ۱۲۰ درصد حقوق ورودی، فصل ۵۷ (فرش و سایر کفپوش‌ها از مواد نسجی) با ۱۲۱/۶۱ درصد حقوق ورودی، فصل ۲۰ (فراورده‌ها از سبزیجات، میوه‌ها یا از سایر اجزای نباتات) با ۱۳۰ درصد حقوق ورودی، فصل ۱۴ (مواد قابل بافت؛ سایر محصولات نباتی که در جای دیگر گفته شده و مشمول شماره دیگر تعرفه نباشد) با ۱۳۵ درصد حقوق ورودی، فصل ۸ (میوه‌های خوراکی؛ پوست مرکبات یا پوست خربزه و همانند) با ۱۴۶/۱۲ درصد حقوق ورودی، فصل ۵۰ (ابریشم) با ۱۶۲/۲۲ درصد حقوق ورودی و فصل ۴۶ (مصنوعات حصیربافی یا سبذبافی) با ۲۱۵ درصد حقوق ورودی است.

۵-۱-۸ بررسی اجزای واردات و نرخ متوسط حقوق ورودی در سال ۱۳۷۹

۱-۵-۱-۸ متغیرهای کلان واردات

براساس جدول ۸-۹ در سال ۱۳۷۹ در مجموع حدود ۲۶/۷ میلیون تن کالا به کشور وارد شد که نسبت به سال قبل با ۲۴ درصد رشد همراه بود. ارزش ریالی این میزان واردات حدود ۲۵۴۸۶ میلیارد ریال است که با ۱۵/۶ درصد رشد نسبت به سال قبل مواجه شده است. این امر موجب شده است که به‌طور متوسط ارزش ریالی هر کیلو واردات در سال ۱۳۷۹ برابر ۹۵۴ ریال بوده و نسبت به سال قبل ۶/۷- درصد رشد منفی داشته باشد.

۲۱۸ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

ارزش دلاری این میزان واردات رقمی معادل ۱۴/۵ میلیارد دلار بوده که نسبت به سال قبل ۱۵/۸ درصد رشد داشته است. ارزش دلاری هر کیلو واردات حدود ۵۵ سنت بوده است که رشد منفی ۶/۶- درصدی را نشان می‌دهد.

از حدود ۲۵ هزار میلیارد ریال واردات انجام شده در سال ۱۳۷۹ حدود ۴ هزار میلیارد ریال تحت عناوین مختلف (در مجموع حقوق ورودی) اخذ شده است. این میزان دریافتی دولت نسبت به سال قبل با رشد قابل توجه ۴۸/۲ درصدی مواجه بوده است. یعنی از هر کیلو واردات حدود ۱۵۳ ریال به‌عنوان حقوق دولت گرفته شده که نسبت به سال قبل رشدی ۱۹/۵ درصدی داشته است. این میزان حقوق ورودی دریافت شده به‌طور متوسط ۱۵/۹۹ درصد از ارزش کالاهای وارداتی را شامل می‌شود که نسبت به سال قبل ۳/۵۱ درصد افزایش داشته است.

جدول ۸-۹ متغیرهای کلان واردات در سال ۱۳۷۹

ردیف	موضوع	میزان	نرخ رشد
۱	وزن کل واردات (کیلوگرم)	۲۶,۷۱۲,۸۷۷,۶۶۳	۲۴/۰
۲	ارزش ریالی کل واردات	۲۵,۴۸۶,۱۹۹,۲۱۴,۲۳۷	۱۵/۶
۳	ارزش ریالی هر کیلو واردات	۹۵۴	-۶/۷
۴	ارزش دلاری کل واردات	۱۴,۵۸۷,۳۸۸,۹۲۶	۱۵/۸
۵	ارزش دلاری هر کیلو واردات	۰/۵۵	-۶/۶
۶	حقوق ورودی کل (ریال)	۴,۰۷۳,۹۸۳,۷۰۷,۰۸۲	۴۸/۲
۷	حقوق ورودی اخذ شده از هر کیلو واردات (ریال)	۱۵۳	۱۹/۵
۸	نرخ متوسط حقوق ورودی (درصد)	۱۵/۹۹	۲۸/۲

مأخذ: همان.

۲-۵-۱-۸ بررسی متوسط حقوق ورودی دریافت شده از واردات در سال ۱۳۷۹ به

تفکیک فصول کالایی

براساس سیستم هماهنگ طبقه‌بندی و کدگذاری کالا، کل واردات به ۹۸ فصل عمده تقسیم‌بندی می‌شود که از فصل اول (حیوانات زنده) تا فصل ۹۸ (قطعات منفصله ماشین‌آلات راهسازی، خودرو و سایر ماشین‌آلات) کل کالاهای وارداتی کشور را تشکیل می‌دهد.

کل واردات سال ۱۳۷۹ در ۹۸ فصل عمده کالایی طبقه‌بندی شده و براساس ارزش ریالی واردات و میزان حقوق ورودی اخذ شده از آن فصل، متوسط نرخ حقوق ورودی گرفته و محاسبه شده است. از مقایسه متوسط نرخ‌های حقوق ورودی ۹۸ فصل عمده کالایی، ۱۰ فصل دارای کمترین و بیشترین میزان نرخ حقوق ورودی استخراج و با نرخ متوسط کل مقایسه شده است که در جدول ۱۰-۸ مشاهده می‌شود.

جدول ۱۰-۸ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۷۹

فصول کالایی	وزن واردات (کیلوگرم)	ارزش ریالی واردات	ارزش دلاری واردات	حقوق ورودی دریافتی	نرخ متوسط حقوق ورودی
فصل ۳۱	۱,۱۶۱,۸۷۷,۸۴۰	۳۴۳,۸۹۰,۷۰۴,۲۱۰	۱۹۵,۹۴۹,۱۲۰	۰	۰,۰۰
فصل ۳۰	۷,۱۴۳,۲۵۲	۵۲۲,۸۵۲,۴۹۵,۳۶۰	۲۹۷,۹۲۱,۶۴۳	۷۲۱,۹۹۱,۳۸۵	۰,۱۴
فصل ۹۷	۱۳۳	۵,۳۷۵,۴۵۲	۳۰,۶۳	۷,۸۴۴	۰,۱۵
فصل ۱۷	۹۶۸,۶۹۰,۸۸۴	۳۸۷,۱۳۴,۶۷۰,۳۸۲	۲۲۰,۵۸۹,۵۵۶	۱,۶۴۲,۵۸۰,۷۱۴	۰,۴۲
فصل ۴۱	۳۰۴,۷۵۷	۱,۶۲۲,۵۰۲,۹۶۵	۹۲۴,۵۰۳	۷,۳۰۴,۶۲۸	۰,۴۵
فصل ۱۵	۱,۱۱۳,۶۱۷,۷۹۲	۷۶۵,۸۰۰,۷۱۵,۸۴۸	۴۳۶,۳۵۳,۶۹۱	۱۰,۸۶۵,۳۹۴,۸۲۱	۱,۴۲
فصل ۲۳	۶۷۶,۰۵۶,۲۸۸	۲۹۵,۱۱۳,۰۶۶,۱۷۲	۱۶۸,۱۵۵,۵۹۱	۴,۳۴۸,۶۶۲,۸۹۷	۱,۴۷
فصل ۱۲	۵۰۳,۶۴۰,۰۸۸	۲۵۷,۵۴۸,۰۴۰,۶۷۶	۱۴۶,۷۵۱,۰۲۰	۵,۸۱۹,۵۱۲,۶۵۳	۲,۲۶
فصل ۱۰	۹,۳۵۲,۲۶۸,۹۳۹	۲,۵۳۵,۷۹۴,۹۶۵,۹۷۸	۱,۴۴۴,۸۹۷,۴۱۵	۸۰,۶۱۱,۶۷۸,۲۲۸	۳,۱۸
فصل ۲۹	۱۷۴,۰۹۶,۳۵۷	۶۹۵,۸۵۴,۹۴۴,۸۵۵	۳۹۶,۴۹۸,۵۱۹	۲۲,۷۳۲,۳۳۱,۸۸۹	۳,۲۷
فصل ۹۴	۳۱۳,۴۳۶	۴,۶۶۳,۷۹۷,۶۵۰	۲,۶۵۷,۴۳۳	۵,۴۵۴,۸۷۳,۴۳۷	۱۱۶,۹۶
فصل ۲۲	۴	۳۹۸,۶۱۰	۲۲۷	۴۷۸,۳۳۲	۱۲۰,۰۰
فصل ۶۴	۲۴,۷۰۳	۴۶۵,۳۹۶,۹۶۹	۲۶۵,۱۸۳	۵۸۲,۴۶۶,۲۶۳	۱۲۵,۱۵
فصل ۲۰	۵۴,۴۲۰	۹۸,۸۷۲,۲۷۳	۵۶,۳۳۷	۱۲۸,۵۳۳,۹۵۵	۱۳۰,۰۰
فصل ۱۴	۶	۷۵۴,۶۱۹	۴۳۰	۱,۰۱۸,۷۳۶	۱۳۵,۰۰
فصل ۶۳	۴۲,۶۲۰	۲۸۷,۹۷۷,۱۶۹	۱۶۴,۰۹۲	۴۷۴,۹۵۹,۲۰۹	۱۶۴,۹۳
فصل ۶۵	۸,۹۴۵	۵۹,۲۴۶,۹۶۹	۳۳,۷۵۹	۱۱۱,۴۷۸,۴۳۳	۱۸۸,۱۶

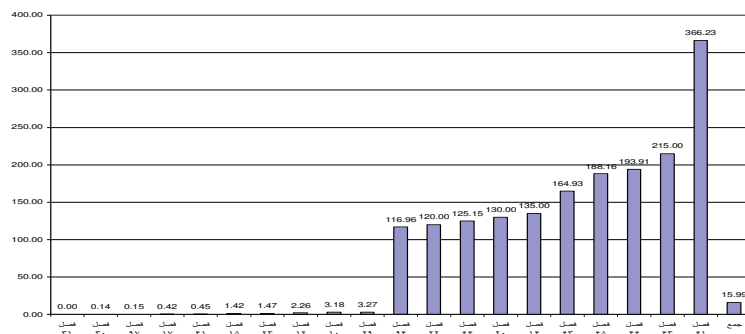
۲۲۰ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

جدول ۸-۱۰ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۷۹

فصول کالایی	وزن واردات (کیلوگرم)	ارزش ریالی واردات	ارزش دلاری واردات	حقوق ورودی دریافتی	نرخ متوسط حقوق ورودی
فصل ۴۶	۱۲,۷۴۲	۸۲,۹۰۹,۹۰۹	۴۷,۲۴۲	۱۶۰,۷۷۴,۰۷۷	۱۹۳,۹۱
فصل ۴۳	۹۴۰	۱۱۷,۸۹۱,۹۵۷	۶۷,۱۷۵	۲۵۳,۴۶۷,۷۰۸	۲۱۵,۰۰
فصل ۶۱	۴۷۱	۵۲,۱۲۵,۱۰۰	۲۹,۷۰۱	۱۹۰,۸۹۸,۰۸۶	۳۶۶,۲۳
جمع	۲۶,۷۱۲,۸۷۷,۶۶۳	۲۵,۴۸۶,۱۹۹,۲۱۴,۲۳۷	۱۴,۵۸۷,۳۸۸,۹۲۶	۴۰,۰۷۳,۹۸۳,۷۰۷,۰۸۲	۱۵,۹۹

مأخذ: همان.

مطابق جدول ۸-۱۰ متوسط نرخ حقوق ورودی اخذ شده از کل کالاها در سال ۱۳۷۹ حدود ۱۵/۹۹ درصد بوده که به تفکیک فصول شامل دامنه یا کرانه نرخ‌هایی از صفر تا ۳۶۶/۲۳ درصد است.



مأخذ: همان.

نمودار ۸-۵ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۷۹

فصول با کمترین نرخ حقوق ورودی در سال ۱۳۷۹ به ترتیب شامل: فصل ۳۱ (کودها) با صفر درصد حقوق ورودی، فصل ۳۰ (محصولات دارویی) با ۰/۱۴ درصد حقوق ورودی، فصل ۹۷ (اشیای هنری، اشیای کلکسیون یا عتیقه) با ۰/۱۵ درصد حقوق ورودی، فصل ۱۷ (قند، شکر و شیرینی) با ۰/۴۲ درصد حقوق ورودی، فصل ۴۱ (پوست خام (غیر

از پوست‌های نرم) و چرم) با ۰/۴۵ درصد حقوق ورودی، فصل ۱۵ (چربی‌ها و روغن‌های حیوانی یا نباتی؛ فراورده‌های حاصل از تفکیک آنها؛ چربی‌های خوراکی آماده؛ موم‌های حیوانی یا نباتی) با ۰/۴۲ درصد حقوق ورودی، فصل ۲۳ (آخال و تفاله صنایع خوراک‌سازی؛ خوراکی‌های آماده برای حیوانات) با ۱/۴۷ درصد حقوق ورودی، فصل ۱۲ (دانه و میوه‌های روغن‌دار؛ دانه، بذر و میوه‌های گوناگون؛ نباتات صنعتی یا دارویی؛ کاه و نواله) با ۲/۲۶ درصد حقوق ورودی، فصل ۱۰ (غلات) با ۳/۱۸ درصد حقوق ورودی و فصل ۲۹ (محصولات شیمیایی آلی) با ۳/۲۷ درصد حقوق ورودی است.

فصول با بیشترین نرخ حقوق ورودی در سال ۱۳۷۹ به ترتیب شامل: فصل ۹۴ (میل، مبل‌های طبی - جراحی؛ اسباب تختخواب و همانند؛ چراغ و وسایل روشنایی که در جای دیگر گفته نشده یا مشمول شماره‌های دیگر نباشد؛ چراغ‌های تبلیغاتی علائم نورانی، تابلوهای نورانی راهنما و اشیای همانند؛ ساختمان‌های پیش‌ساخته) با ۱۱۶/۹۶ درصد حقوق ورودی، فصل ۲۲ (نوشابه‌ها، آبگون‌های الکلی و سرکه) با ۱۲۰ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۴ (کفش، کتر و اشیای همانند، اجزای این اشیای) با ۱۲۵/۱۵ درصد حقوق ورودی، فصل ۲۰ (فراورده‌ها از سبزیجات، میوه‌ها یا از سایر اجزای نباتات) با ۱۳۰ درصد حقوق ورودی، فصل ۱۴ (مواد قابل بافت؛ سایر محصولات نباتی که در جای دیگر گفته شده و مشمول شماره دیگر تعرفه نباشد) با ۱۳۵ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۳ (سایر اشیای نسجی دوخته و مهیا؛ مجموعه‌ها؛ لباس و اشیای نسجی مستعمل؛ ضایعات و کهنه پارچه‌های نسجی) با ۱۶۴/۹۳ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۵ (کلاه و اجزای کلاه) با ۱۸۸/۱۶ درصد حقوق ورودی، فصل ۴۶ (مصنوعات حصیربافی یا سبببافی) با ۱۹۳/۹۱ درصد حقوق ورودی، فصل ۴۳ (پوست‌های نرم طبیعی و پوست‌های نرم بدلی؛ اشیای ساخته شده از آنها) با ۲۱۵ درصد حقوق ورودی و فصل ۶۱ (لباس و متفرعات لباس، کشباف یا قلاب‌باف) با ۳۶۶/۲۳ درصد حقوق ورودی است.

۸-۱-۶ بررسی اجزای واردات و نرخ متوسط حقوق ورودی در سال ۱۳۸۰

۸-۱-۶-۱ متغیرهای کلان واردات

براساس جدول ۸-۱۱ در سال ۱۳۸۰ در مجموع حدود ۲۷/۴ میلیون تن کالا به کشور

۲۲۲ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

وارد شد که نسبت به سال قبل با ۲/۸ درصد رشد همراه بود. ارزش ریالی این میزان واردات حدود ۳۰۴۴۶ میلیارد ریال است که با ۱۹/۵ درصد رشد نسبت به سال قبل مواجه شده است. این امر موجب شده است که به‌طور متوسط ارزش ریالی هر کیلو واردات در سال ۱۳۸۰ برابر ۱۱۰۹ ریال بوده و نسبت به سال قبل ۱۶/۲ درصد رشد داشته باشد.

جدول ۱۱-۸ متغیرهای کلان واردات در سال ۱۳۸۰

ردیف	موضوع	میزان	نرخ رشد
۱	وزن کل واردات (کیلوگرم)	۲۷,۴۶۰,۳۴۶,۵۰۱	۲/۸
۲	ارزش ریالی کل واردات	۳۰,۴۴۶,۴۳۴,۱۶۴,۶۵۸	۱۹/۵
۳	ارزش ریالی هر کیلو واردات	۱۱۰۹	۱۶/۲
۴	ارزش دلاری کل واردات	۱۷,۸۴۱,۵۷۵,۰۷۱	۲۲/۳
۵	ارزش دلاری هر کیلو واردات	۰/۶۵	۱۹/۰
۶	حقوق ورودی کل (ریال)	۷,۳۶۱,۷۲۵,۴۱۷,۲۸۸	۸۰/۷
۷	حقوق ورودی اخذ شده از هر کیلو واردات (ریال)	۲۶۸	۷۵/۸
۸	نرخ متوسط حقوق ورودی (درصد)	۲۴/۱۸	۵۱/۳

مأخذ: همان.

ارزش دلاری این میزان واردات رقمی معادل ۱۷/۸ میلیارد دلار بوده است که نسبت به سال قبل ۲۲/۳ درصد رشد داشته است. ارزش دلاری هر کیلو واردات حدود ۶۵ سنت بوده است که رشد ۱۹ درصدی را نشان می‌دهد. از حدود ۲۷/۴ هزار میلیارد ریال واردات انجام شده در سال ۱۳۸۰ رقم قابل توجه ۷/۳ هزار میلیارد ریال تحت عناوین مختلف (درمجموع حقوق ورودی) اخذ شده است این میزان دریافتی دولت نسبت به سال قبل با رشد قابل قبول ۸۰/۷ درصدی مواجه بوده است؛ یعنی از هر کیلو واردات حدود ۲۶۸ ریال به‌عنوان حقوق دولت گرفته شده که نسبت به سال قبل رشد ۷۵/۸ درصدی داشته است. این میزان حقوق ورودی اخذ شده به‌طور متوسط ۲۴/۱۸ درصد از ارزش کالاهای وارداتی را شامل می‌شود که نسبت به سال قبل ۸/۱۹ درصد افزایش داشته است.

۲-۶-۸ بررسی متوسط حقوق ورودی دریافت شده از واردات در سال ۱۳۸۰ به تفکیک فصول کالایی

براساس سیستم هماهنگ طبقه‌بندی و کدگذاری کالا، کل واردات به ۹۸ فصل عمده تقسیم‌بندی می‌شود که از فصل اول (حیوانات زنده) تا فصل ۹۸ (قطعات منفصله ماشین‌آلات راهسازی، خودرو و سایر ماشین‌آلات) کل کالاهای وارداتی کشور را تشکیل می‌دهد.

کل واردات سال ۱۳۸۰ در ۹۸ فصل عمده کالایی طبقه‌بندی شده و براساس ارزش ریالی واردات و میزان حقوق ورودی اخذ شده از آن فصل، متوسط نرخ حقوق ورودی گرفته و محاسبه شده است. از مقایسه متوسط نرخ‌های حقوق ورودی ۹۸ فصل عمده کالایی، ۱۰ فصل دارای کمترین و بیشترین میزان نرخ حقوق ورودی استخراج و با نرخ متوسط کل مقایسه شده است که در جدول ۱۲-۸ مشاهده می‌شود.

جدول ۱۲-۸ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۸۰

فصول کالایی	وزن واردات (کیلوگرم)	ارزش ریالی واردات	ارزش دلاری واردات	حقوق ورودی دریافتی	نرخ متوسط حقوق ورودی
فصل ۳۱	۹۷۵۸۲۷،۵۰۵	۲۸۳،۱۲۱،۴۲۱،۱۷۴	۱۶۱،۳۲۲،۷۴۷	۴۳۳،۳۷۰	۰/۰۰
فصل ۴۱	۱۵۲،۲۵۴	۱،۴۲۶،۶۲۹،۵۹۵	۸۱۲،۸۹۵	۸۸۷،۶۷۱	۰/۰۶
فصل ۳۰	۶،۱۴۰،۶۵۸	۷۱۹،۱۰۳،۷۳۵،۳۲۵	۴۰۹،۷۴۵،۶۹۸	۱،۰۲۴،۵۷۰،۲۷۴	۰/۱۴
فصل ۲۳	۸۵۳،۱۹۰،۰۴۲	۳۶۷،۴۸۴،۰۲۰،۶۳۶	۲۰۹،۳۹۲،۶۰۳	۲،۰۲۱،۲۲۱،۵۸۳	۰/۵۵
فصل ۱۰	۱۰،۱۰۶،۰۱۵،۰۶۳	۲،۵۸۲،۲۷۷،۶۸۰،۷۴۲	۱،۴۷۱،۳۶۸،۰۶۷	۳۵،۶۱۵،۵۳۹،۸۶۳	۱/۳۸
فصل ۱۵	۱،۰۱۱،۳۴۳،۱۷۲	۶۹۲،۹۰۹،۱۳۸،۴۳۴	۳۹۴،۸۲۰،۰۲۷	۱۳،۴۰۰،۳۵۸،۷۳۴	۱/۹۳
فصل ۲۹	۲۳۱،۶۹۶،۰۰۱	۷۳۷،۳۱۹،۳۶۰،۳۷۹	۴۲۰،۱۲۴،۹۴۸	۲۲،۵۰۴،۲۶۴،۴۶۹	۳/۰۵
فصل ۱۲	۴۸۰،۰۴۱،۹۴۶	۲۲۴،۵۵۷،۲۸۰،۳۵۴	۱۲۷،۹۵۲،۸۶۴	۷،۴۷۲،۸۰۱،۸۶۱	۳/۳۳
فصل ۸۱	۲،۳۳۸،۱۰۴	۱۲،۲۴۵،۰۲۳،۸۴۸	۶،۹۷۷،۲۲۲	۵۵۲،۰۰۸،۷۴۷	۴/۵۱
فصل ۷۸	۱۰،۱۰۶،۰۳۸۶	۱۱،۷۵۴،۱۷۱،۵۸۵	۶،۶۹۷،۵۳۵	۵۷۲،۰۵۹،۹۵۳	۴/۸۷
فصل ۵۷	۲۰۴،۳۵۷	۶۹۲،۹۲۹،۱۹۵	۳۹۴،۸۳۱	۹۸۷،۲۱۷،۵۶۱	۱۴۲/۴۷
فصل ۵۰	۲۱،۰۲۵	۱۳۲،۶۳۶،۵۶۳	۷۵،۵۷۶	۲۶۴،۲۱۱،۲۸۵	۱۹۹/۲۰

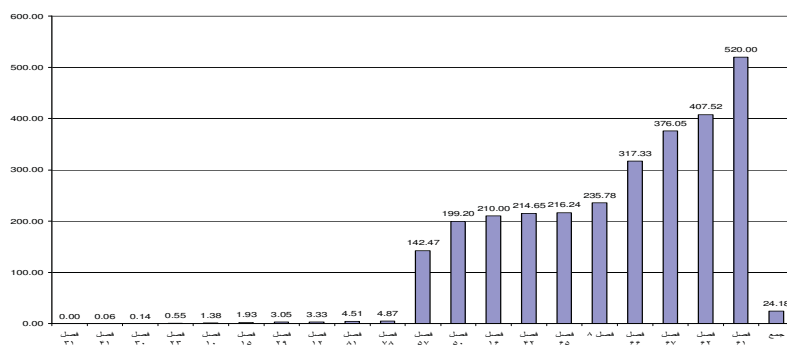
۲۲۴ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

جدول ۸-۱۲ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۸۰

فصول کالایی	وزن واردات (کیلوگرم)	ارزش ریالی واردات	ارزش دلاری واردات	حقوق ورودی دریافتی	نرخ متوسط حقوق ورودی
فصل ۱۶	۵,۹۱۸	۹,۸۷۱,۴۴۸	۵,۶۲۵	۲۰,۷۳۰,۰۴۰	۲۱۰/۰۰
فصل ۴۲	۱۸,۳۳۳	۲۴۵,۱۲۴,۷۰۵	۱۳۹,۶۷۳	۵۲۶,۱۶۰,۵۰۰	۲۱۴/۶۵
فصل ۶۵	۱۱۴,۸۲۵	۷۸۵,۴۲۴,۳۸۷	۴۴۷,۵۳۷	۱,۶۹۸,۴۰۸,۲۲۷	۲۱۶/۲۴
فصل ۸	۱۱۷,۳۸۲,۴۹۰	۷۶,۱۳۰,۵۹۴,۸۳۲	۴۳,۳۷۹,۲۶۹	۱,۷۹۵,۰۱۰,۷۴۷,۶۹۵	۲۳۵/۷۸
فصل ۶۶	۱۲۴,۸۷۷	۱۹۵,۱۷۶,۶۷۸	۱۱۱,۲۱۲	۶۱۹,۳۴۴,۴۱۴	۳۱۷/۳۳
فصل ۶۷	۱۳۹,۰۱۵	۲۴۱,۸۴۲,۸۴۹	۱۳۷,۸۰۲	۹۰۹,۴۵۴,۵۸۰	۳۷۶/۰۵
فصل ۶۲	۱۱,۶۶۴	۴۹,۲۴۳,۲۰۹	۲۸,۰۵۸	۲۰۰,۶۷۷,۱۳۸	۴۰۷/۵۲
فصل ۶۱	۲,۴۹۰	۸۵,۶۱۵,۱۱۵	۴۸,۷۸۳	۴۴۵,۱۹۸,۵۹۸	۵۲۰/۰۰
جمع	۲۷,۴۶۰,۳۴۶,۵۰۱	۳۰,۴۴۶,۳۳۴,۱۶۴,۶۵۸	۱۷,۸۴۱,۵۷۵,۰۷۱	۷,۳۶۱,۷۲۵,۴۱۷,۲۸۸	۲۴/۱۸

مأخذ: همان.

مطابق جدول ۸-۱۲ متوسط نرخ حقوق ورودی اخذ شده از کل کالاها در سال ۱۳۸۰ حدود ۲۴/۱۸ درصد بوده که به تفکیک فصول شامل دامنه یا کرانه نرخ‌هایی از صفر تا ۵۲۰ درصد است.



مأخذ: همان.

نمودار ۸-۶ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۸۰

فصول با کمترین نرخ حقوق ورودی در سال ۱۳۸۰ به ترتیب شامل: فصل ۳۱ (کودها) با صفر درصد حقوق ورودی، فصل ۴۱ (پوست خام (غیر از پوست‌های نرم) و چرم) با ۰/۰۶ درصد حقوق ورودی، فصل ۳۰ (محصولات دارویی) با ۰/۱۴ درصد حقوق ورودی، فصل ۲۳ (آخال و تفاله صنایع خوراک‌سازی؛ خوراکی‌های آماده برای حیوانات) با ۰/۵۵ درصد حقوق ورودی، فصل ۱۰ (غلات) با ۱/۳۸ درصد حقوق ورودی، فصل ۱۵ (چربی‌ها و روغن‌های حیوانی یا نباتی؛ فراورده‌های حاصل از تفکیک آنها؛ چربی‌های خوراکی آماده؛ موم‌های حیوانی یا نباتی) با ۱/۹۳ درصد حقوق ورودی، فصل ۲۹ (محصولات شیمیایی آلی) با ۳/۰۵ درصد حقوق ورودی، فصل ۱۲ (دانه و میوه‌های روغن‌دار؛ دانه، بذر و میوه‌های گوناگون؛ نباتات صنعتی یا دارویی؛ کاه و نواله) با ۳/۳۳ درصد حقوق ورودی، فصل ۸۱ (سایر فلزات معمولی؛ سرمته‌ها؛ مصنوعات از این مواد) با ۴/۵۱ درصد حقوق ورودی و فصل ۷۸ (سرب و مصنوعات از سرب) با ۴/۸۷ درصد حقوق ورودی است.

فصول با بیشترین نرخ حقوق ورودی در سال ۱۳۸۰ به ترتیب شامل: فصل ۵۷ (فروش و سایر کفیوش‌ها از مواد نسجی) با ۱۴۲/۴۷ درصد حقوق ورودی، فصل ۵۰ (ابریشم) با ۱۹۹/۲ درصد حقوق ورودی، فصل ۱۶ (فراورده‌های گوشت، ماهی یا قشرداران، صدف‌داران یا سایر آبزیان فاقد ستون فقرات) با ۲۱۰ درصد حقوق ورودی، فصل ۴۲ (اشیای ساخته شده از چرم؛ مصنوعات زین و برگ‌سازی؛ لوازم سفر، کیف‌های دستی و محفظه‌های همانند؛ اشیای ساخته شده از روده (به‌غیر از اشیای ساخته شده از احشای کرم ابریشم) با ۲۱۴/۶۵ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۵ (کلاه و اجزای کلاه) با ۲۱۶/۲۴ درصد حقوق ورودی، فصل ۸ (میوه‌های خوراکی؛ پوست مرکبات یا پوست خربزه و همانند) با ۲۳۵/۷۸ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۶ (چتر بارانی، چتر آفتابی، عصا، عصای صندلی‌شو، تازیانه و اجزای آنها) با ۳۱۷/۳۳ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۷ (پر و پر نرم آماده و اشیای ساخته شده از پر یا از پر نرم؛ گل‌های مصنوعی؛ اشیای ساخته شده از موی انسان) با ۳۷۶/۰۵ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۲ (لباس و متفرعات لباس، غیرکشاف یا غیرقلاب‌باف) با ۴۰۷/۵۲ درصد حقوق ورودی و فصل ۶۱ (لباس و متفرعات لباس، کشاف یا قلاب‌باف) با ۵۲۰ درصد حقوق ورودی است.

۲۲۶ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

۸-۱-۷ بررسی اجزای واردات و نرخ متوسط حقوق ورودی در سال ۱۳۸۱

۸-۱-۷-۱ متغیرهای کلان واردات

براساس جدول ۸-۱۳ در سال ۱۳۸۱ در مجموع حدود ۲۶/۹ میلیون تن کالا به کشور وارد شد که نسبت به سال قبل با ۲/۰- درصد رشد منفی همراه بود. ارزش ریالی این میزان واردات حدود ۱۶۹۷۲۴ میلیارد ریال است که با ۴۵۷/۵ درصد رشد نسبت به سال قبل مواجه شده است. این امر موجب شده است که به‌طور متوسط ارزش ریالی هر کیلو واردات در سال ۱۳۸۱ برابر ۶۳۰۴ ریال بوده و نسبت به سال قبل ۲۲/۶ درصد رشد داشته است. ارزش دلاری این میزان واردات رقمی معادل ۲۱/۸ میلیارد دلار بوده که نسبت به سال قبل ۲۲/۶ درصد رشد داشته است. ارزش دلاری هر کیلو واردات نیز حدود ۸۱ سنت بوده که رشد ۲۵ درصدی را نشان می‌دهد.

از حدود ۱۶۹ هزار میلیارد ریال واردات انجام شده در سال ۱۳۸۱ رقم ۱۱ هزار میلیارد ریال تحت عنوان حقوق ورودی اخذ شده است که این میزان دریافتی دولت نسبت به سال قبل با رشد قابل قبول ۵۷/۲ درصدی مواجه بوده است. یعنی از هر کیلو واردات حدود ۴۳۰ ریال به‌عنوان حقوق دولت گرفته شده که نسبت به سال قبل رشد ۶۰/۳ درصدی داشته است. با این حال این میزان حقوق ورودی اخذ شده به‌طور متوسط تنها ۶/۸۲ درصد از ارزش کالاهای وارداتی را شامل می‌شود که نسبت به سال قبل ۱۷/۳۶ درصد کاهش داشته است.

جدول ۸-۱۳ متغیرهای کلان واردات در سال ۱۳۸۱

ردیف	موضوع	میزان	نرخ رشد
۱	وزن کل واردات (کیلوگرم)	۲۶,۹۲۳,۳۳۷,۴۶۵	-۲/۰
۲	ارزش ریالی کل واردات	۱۶۹,۷۲۴,۲۴۴,۷۹۹,۵۵۴	۴۵۷/۵
۳	ارزش ریالی هر کیلو واردات	۶۳۰۴	۴۶۸/۶
۴	ارزش دلاری کل واردات	۲۱,۸۶۸,۶۴۵,۸۲۹	۲۲/۶
۵	ارزش دلاری هر کیلو واردات	۰/۸۱	۲۵/۰
۶	حقوق ورودی کل (ریال)	۱۱,۵۷۰,۱۶۸,۴۹۳,۱۹۷	۵۷/۲
۷	حقوق ورودی اخذ شده از هر کیلو واردات (ریال)	۴۳۰	۶۰/۳
۸	نرخ متوسط حقوق ورودی (درصد)	۶/۸۲	-۷۱/۸

مأخذ: همان.

فصل هشتم وضعیت تعرفه‌ها در گروه‌های کالایی کشور ۲۲۷

۲-۷-۱-۸ بررسی متوسط حقوق ورودی دریافت شده از واردات در سال ۱۳۸۱ به

تفکیک فصول کالایی

براساس سیستم هماهنگ طبقه‌بندی و کدگذاری کالا، کل واردات به ۹۸ فصل عمده تقسیم‌بندی می‌شود که از فصل اول (حیوانات زنده) تا فصل ۹۸ (قطعات منفصله ماشین‌آلات راهسازی، خودرو و سایر ماشین‌آلات) کل کالاهای وارداتی کشور را تشکیل می‌دهد.

کل واردات سال ۱۳۸۱ در ۹۸ فصل عمده کالایی طبقه‌بندی شده و براساس ارزش ریالی واردات و میزان حقوق ورودی اخذ شده از آن فصل، متوسط نرخ حقوق ورودی گرفته و محاسبه شده است. از مقایسه متوسط نرخ‌های حقوق ورودی ۹۸ فصل عمده کالایی، ۱۰ فصل دارای کمترین و بیشترین میزان نرخ حقوق ورودی استخراج و با نرخ متوسط کل مقایسه شده است که در جدول ۱۴-۸ مشاهده می‌شود.

جدول ۱۴-۸ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی

سال ۱۳۸۱

فصول کالایی	وزن واردات (کیلوگرم)	ارزش ریالی واردات	ارزش دلاری واردات	حقوق ورودی دریافتی	نرخ متوسط حقوق ورودی
فصل ۷۱	۱۸۰۸۰۵۳۰	۱۱۰۷۶۷۰۵۱۵۰۷۰۶۰۱۲۲	۱۰۴۸۵۰۸۷۶۰۷۲۲	۱۸۱۴۰۶۷۹۰۴۶۰	۰/۰۲
فصل ۳۰	۵۰۷۱۰۹۴۶	۳۰۲۶۸۰۰۷۷۰۳۸۸۰۸۲۵	۴۱۹۰۷۱۸۰۲۴۶	۱۷۰۷۱۸۰۲۳۰۰۱۴	۰/۵۴
فصل ۴۷	۴۵۰۵۱۰۲۱۲	۱۸۶۰۳۹۸۸۰۶۰۳۸۹	۲۳۰۶۴۶۰۰۷۱	۱۸۴۰۰۹۹۱۰۴۷۵	۰/۹۹
فصل ۳۱	۷۷۵۰۱۷۹۰۲۰۴	۱۰۰۵۲۰۰۴۲۰۴۵۷۰۶۹۸	۱۳۷۰۷۷۹۰۹۱۰	۱۰۰۴۱۷۰۱۲۷۰۳۳۹	۰/۹۹
فصل ۹۷	۱۰۴۲۸	۴۳۰۱۶۵۰۴۸۰	۵۰۴۵۰	۴۳۱۰۶۵۷	۱/۰۰
فصل ۵	۱۰۱۷۰	۱۸۰۶۴۹۰۷۲۳۰۶۹۳	۲۰۴۰۶۰۷۶۱	۱۸۹۰۸۳۰۰۲۴۰	۱/۰۲
فصل ۵۱	۷۰۳۳۵۰۴۵۶	۲۲۴۰۳۹۰۰۹۸۶۰۲۸۲	۲۸۸۰۲۳۰۱۸۷	۲۰۳۹۰۰۷۶۲۰۹۸۷	۱/۰۷
فصل ۴۱	۳۱۴۰۷۴۴	۲۳۰۲۷۴۰۶۵۴۰۱۲۴	۲۰۹۳۸۰۷۲۲	۲۶۹۰۶۶۴۰۶۰۵	۱/۱۶

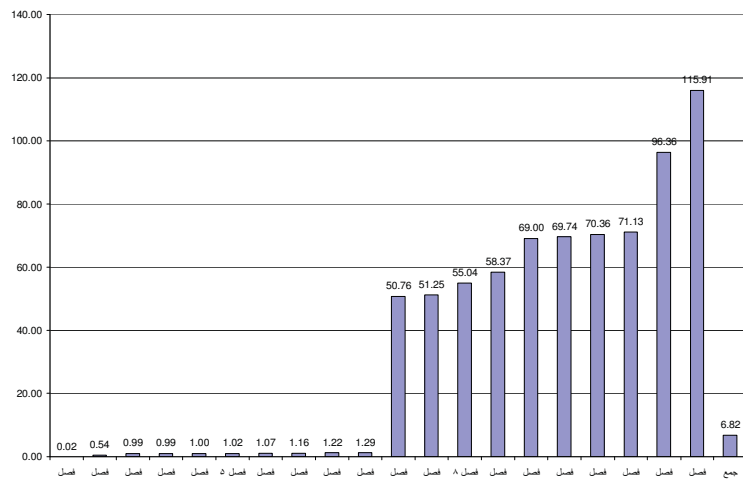
جدول ۸-۱۴ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی

سال ۱۳۸۱

فصول کالایی	وزن واردات (کیلوگرم)	ارزش ریالی واردات	ارزش دلاری واردات	حقوق ورودی دریافتی	نرخ متوسط حقوق ورودی
فصل ۱۰	۵,۶۴۷,۰۵۱,۵۰۴	۶,۴۱۴,۱۱۹,۳۰۰,۳۶۶	۸۹۸,۵۶۹,۵۶۴	۷۸,۴۳۲,۲۰۳,۹۵۷	۱/۲۲
فصل ۸۱	۲,۶۶۲,۷۰۷	۳۸,۸۹۶,۵۳۹,۹۵۹	۴,۹۵۰,۶۷۴	۵۰۰,۸۴۰,۳۹۷	۱/۲۹
فصل ۱۹	۱۳۳,۵۷۸	۵۱۹,۱۳۳,۹۲۲	۶۶,۵۶۷	۲۶۳,۵۰۸,۷۲۴	۵۰/۷۶
فصل ۶۲	۸۴,۱۱۱	۴,۶۷۱,۰۹۵,۶۹۱	۵۸۹,۷۸۴	۲,۳۹۳,۷۹۴,۴۷۰	۵۱/۲۵
فصل ۸	۱۹۰,۳۷۷,۵۹۷	۴۹۵,۷۴۳,۹۸۳,۱۰۰	۶۳,۲۰۳,۸۸۱	۲۷۲,۸۶۴,۰۸۷,۷۴۹	۵۵/۰۴
فصل ۶۴	۲۸۰,۹۲۵	۴,۲۸۶,۵۰۸,۷۷۶	۵۴۱,۲۲۳	۲,۵۰۲,۰۰۸,۶۳۰	۵۸/۳۷
فصل ۲۲	۶,۲۳۰	۲۹۰,۴۸۰,۴۳۳	۳۷,۸۰۴	۲۰۰,۴۳۷,۶۶۱	۶۹/۰۰
فصل ۴۲	۲۷۷,۸۰۶	۳,۳۴۴,۷۶۱,۴۸۴	۴۲۹,۹۸۰	۲,۳۳۲,۷۴۰,۱۱۲	۶۹/۷۴
فصل ۶۰	۱۲۴,۹۴۸	۲,۱۰۵,۹۲۲,۶۸۶	۲۶۵,۸۹۸	۱,۴۸۱,۶۵۵,۶۲۰	۷۰/۳۶
فصل ۶۵	۱۷۹,۴۴۱	۳,۰۸۴,۵۱۷,۴۲۶	۴۳۵,۰۰۲	۲,۱۹۴,۰۲۸,۲۵۸	۷۱/۱۳
فصل ۶۷	۳۹۶,۱۹۷	۳,۴۷۰,۵۹۳,۹۲۷	۴۵۴,۰۵۶	۳,۳۴۴,۳۰۲,۵۰۴	۹۶/۳۶
فصل ۶۱	۶۱,۱۳۲	۱,۷۳۱,۱۴۷,۹۹۸	۲۱۹,۱۵۷	۲,۰۰۶,۵۴۵,۹۰۰	۱۱۵/۹۱
جمع	۲۶,۹۱۳,۳۳۷,۴۶۵	۱۶۹,۷۲۴,۲۴۴,۷۹۹,۵۵۴	۲۱,۸۶۸,۶۴۵,۸۲۹	۱۱,۵۷۰,۱۶۸,۴۹۳,۱۹۷	۶/۸۲

مأخذ: همان.

مطابق جدول ۸-۱۴ متوسط نرخ حقوق ورودی اخذ شده از کل کالاها در سال ۱۳۸۱ حدود ۶/۸۲ درصد بوده که به تفکیک فصول شامل دامنه یا کرانه نرخ‌هایی از ۰/۰۲ تا ۱۱۵/۹۱ درصد است.



مأخذ: همان.

نمودار ۷-۸ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۸۱

فصول با کمترین نرخ حقوق ورودی در سال ۱۳۸۱ به ترتیب شامل: فصل ۷۱ (مروارید طبیعی یا پرورده، سنگ‌های گران‌بها یا نیمه گران‌بها، فلزات گران‌بها، فلزات دارای روکش یا پوشش از فلزات گران‌بها، و اشیای ساخته شده از این مواد؛ زیورآلات بدلی؛ سکه) با ۰/۰۲ درصد حقوق ورودی، فصل ۳۰ (محصولات دارویی) با ۰/۵۴ درصد حقوق ورودی، فصل ۴۷ (خمیر چوب یا سایر مواد الیافی سلولزی؛ کاغذ یا مقوا برای بازیافت آخال و ضایعات) با ۰/۹۹ درصد حقوق ورودی، فصل ۳۱ (کودها) با ۰/۹۹ درصد حقوق ورودی، فصل ۹۷ (اشیای هنری، اشیای کلکسیون یا عتیقه) با ۰/۱ درصد حقوق ورودی، فصل ۵ (سایر محصولات حیوانی، که در جای دیگر گفته نشده و مشمول شماره دیگر تعرفه نشده باشد) با ۰/۰۲ درصد حقوق ورودی، فصل ۵۱ (پشم، موی نرم (کرک) یا زبر حیوان، نخ و پارچه‌های تار و پودباف از موی یال و دم) با ۱/۰۷ درصد حقوق ورودی، فصل ۴۱ (پوست خام (غیر از پوست‌های نرم) و چرم) با ۱/۱۶ درصد حقوق ورودی، فصل ۱۰ (غلات) با ۱/۲۲ درصد حقوق ورودی و فصل ۸۱ (سایر فلزات معمولی؛ سرمته‌ها؛ مصنوعات از این مواد) با ۱/۲۹ درصد حقوق ورودی است.

۲۳۰ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

فصول با بیشترین نرخ حقوق ورودی در سال ۱۳۸۱ به ترتیب شامل: فصل ۱۹ (فراورده‌های غلات، آرد، نشاسته، فکول یا شیر؛ نان‌های شیرینی) با ۵۰/۷۶ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۲ (لباس و متفرعات لباس، غیرکشباف یا غیرقلاب‌باف) با ۵۱/۲۵ درصد حقوق ورودی، فصل ۸ (میوه‌های خوراکی؛ پوست مرکبات یا پوست خربزه و همانند) با ۵۵/۰۴ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۴ (کفش، گتر و اشیای همانند، اجزای این اشیای) با ۵۸/۳۷ درصد حقوق ورودی، فصل ۲۲ (نوشابه‌ها، آبگون‌های الکلی و سرکه) با ۶۹ درصد حقوق ورودی، فصل ۴۲ (اشیای ساخته شده از چرم؛ مصنوعات زین و برگ‌سازی؛ لوازم سفر، کیف‌های دستی و محفظه‌های همانند؛ اشیای ساخته شده از روده (به‌غیر از اشیای ساخته شده از احشای کرم ابریشم)) با ۶۹/۷۴ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۰ (پارچه‌های کشباف یا قلاب‌باف) با ۷۰/۳۶ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۵ (کلاه و اجزای کلاه) با ۷۱/۱۳ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۷ (پر و پر نرم آماده و اشیای ساخته شده از پر یا از پر نرم؛ گل‌های مصنوعی؛ اشیای ساخته شده از موی انسان) با ۹۶/۳۶ درصد حقوق ورودی و فصل ۶۱ (لباس و متفرعات لباس، کشباف یا قلاب‌باف) با ۱۱۵/۹۱ درصد حقوق ورودی است.

۸-۱-۸ بررسی اجزای واردات و نرخ متوسط حقوق ورودی در سال ۱۳۸۲

۸-۱-۸-۱ متغیرهای کلان واردات

براساس جدول ۸-۱۵ در سال ۱۳۸۲ در مجموع حدود ۳۰/۱ میلیون تن کالا به کشور وارد شد که سال قبل با ۱۱/۸ درصد رشد همراه بود. ارزش ریالی این میزان واردات حدود ۲۰۷۹۱۶ میلیارد ریال است که با ۲۲/۵ درصد رشد نسبت به سال قبل مواجه شده است. این امر موجب شده است که به‌طور متوسط ارزش ریالی هر کیلو واردات در سال ۱۳۸۲ برابر ۶۹۰۷ ریال بوده و نسبت به سال قبل ۹/۶ درصد رشد داشته باشد. ارزش دلاری این میزان واردات رقمی معادل ۲۶/۲ میلیارد دلار بوده که نسبت به سال قبل ۲۰ درصد رشد داشته است. ارزش دلاری هر کیلو واردات حدود ۸۷ سنت بوده است که رشد ۷/۴ درصدی را نشان می‌دهد. از حدود ۲۰۷ هزار میلیارد ریال واردات انجام شده در سال ۱۳۸۲ رقم ۱۷ هزار میلیارد ریال تحت عنوان حقوق ورودی اخذ شده است که این میزان دریافتی دولت نسبت به سال

فصل هشتم وضعیت تعرفه‌ها در گروه‌های کالایی کشور ۲۳۱

قبل با رشد قابل قبول ۵۳/۶ درصدی مواجه بوده است. یعنی از هر کیلو واردات حدود ۵۹۰ ریال به‌عنوان حقوق دولت گرفته شده که نسبت به سال قبل رشد ۳۷/۴ درصدی داشته است. این میزان حقوق ورودی اخذ شده به‌طور متوسط تنها ۸/۵۵ درصد از ارزش کالاهای وارداتی را شامل می‌شود که نسبت به سال قبل ۱/۷۳ درصد افزایش داشته است.

جدول ۱۵-۸ متغیرهای کلان واردات در سال ۱۳۸۲

ردیف	موضوع	میزان	نرخ رشد
۱	وزن کل واردات (کیلوگرم)	۳۰,۱۰۲,۸۹۸,۷۲۶	۱۱/۸
۲	ارزش ریالی کل واردات	۲۰۷,۹۱۶,۶۶۰,۳۰۹,۷۷۳	۲۲/۵
۳	ارزش ریالی هر کیلو واردات	۶۹۰۷	۹/۶
۴	ارزش دلاری کل واردات	۲۶,۲۵۲,۱۰۳,۶۷۴	۲۰/۰
۵	ارزش دلاری هر کیلو واردات	۰/۸۷	۷/۴
۶	حقوق ورودی کل (ریال)	۱۷,۷۷۱,۹۴۸,۶۶۷,۵۱۱	۵۳/۶
۷	حقوق ورودی اخذ شده از هر کیلو واردات (ریال)	۵۹۰	۳۷/۴
۸	نرخ متوسط حقوق ورودی (درصد)	۸/۵۵	۲۵/۴

مأخذ: همان.

۲-۸-۱-۸ بررسی متوسط حقوق ورودی دریافت شده از واردات در سال ۱۳۸۲ به تفکیک فصول کالایی

براساس سیستم هماهنگ طبقه‌بندی و کدگذاری کالا، کل واردات به ۹۸ فصل عمده تقسیم‌بندی می‌شود که از فصل اول (حیوانات زنده) تا فصل ۹۸ (قطعات منفصله ماشین‌آلات راهسازی، خودرو و سایر ماشین‌آلات) کل کالاهای وارداتی کشور را تشکیل می‌دهد.

کل واردات سال ۱۳۸۲ در ۹۸ فصل عمده کالایی، طبقه‌بندی شده و براساس ارزش ریالی واردات و میزان حقوق ورودی اخذ شده از آن فصل، متوسط نرخ حقوق ورودی گرفته و محاسبه شده است. از مقایسه متوسط نرخ‌های حقوق ورودی ۹۸ فصل عمده کالایی، ۱۰ فصل دارای کمترین و بیشترین میزان نرخ حقوق ورودی استخراج و با نرخ متوسط کل مقایسه شده است که در جدول ۱۶-۸ مشاهده می‌شود.

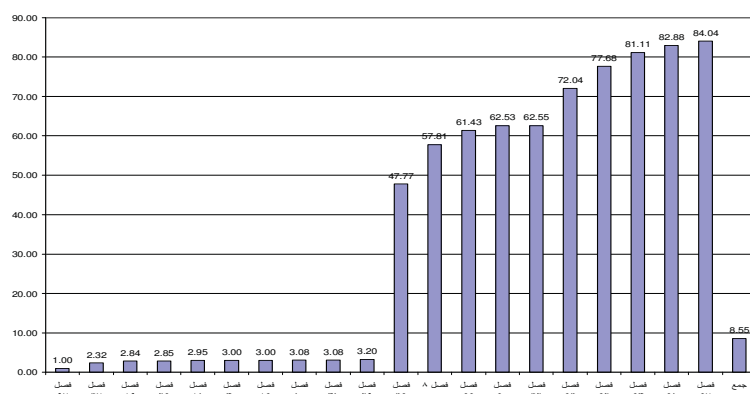
جدول ۱۶-۸ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۸۲

فصول کالایی	وزن واردات (کیلوگرم)	ارزش ریالی واردات	ارزش دلاری واردات	حقوق ورودی دریاقتی	نرخ متوسط حقوق ورودی
فصل ۹۷	۷,۳۱۲	۴۸,۲۱۴,۲۰۲,۱۷۷	۶,۰۸۷,۶۵۲	۴۸۳,۷۹۴,۴۷۳	۱/۰۰
فصل ۴۷	۷۵,۴۹۴,۲۵۰	۳۵۱,۱۷۱,۲۹۷,۴۰۰	۴۴,۳۳۹,۸۰۷	۸,۱۴۰,۰۳۱,۹۷۱	۲/۳۲
فصل ۸۹	۴۷,۴۹۲,۷۹۸	۱,۰۰۲,۹۶۷,۱۴۸,۱۸۹	۱۲۶,۶۳۷,۲۶۹	۲۸,۴۵۸,۶۰۴,۸۲۰	۲/۸۴
فصل ۲۶	۹۸۲,۶۸۸,۸۷۱	۱,۲۱۰,۰۹۲,۱۶۱,۰۰۵	۱۵۲,۷۸۹,۴۱۱	۳۴,۴۶۴,۹۸۵,۶۸۵	۲/۸۵
فصل ۸۱	۷۸۶,۰۱۸	۴۵,۴۴۹,۶۰۷,۸۱۹	۵,۷۳۸,۵۸۳	۱,۳۴۱,۶۷۸,۳۸۹	۲/۹۵
فصل ۳۰	۵,۴۶۸,۵۱۳	۴,۰۵۲,۶۹۲,۹۶۹,۴۵۰	۵۱۱,۷۰۳,۶۷۲	۱۲۱,۵۷۹,۶۶۱,۴۵۴	۳/۰۰
فصل ۸۶	۲۷,۲۰۶,۰۱۲	۱,۲۶۷,۵۶۹,۶۸۱,۱۶۸	۱۶۰,۰۴۶,۶۷۵	۳۸,۰۷۷,۶۳۶,۷۳۰	۳/۰۰
فصل ۱۰	۴,۴۶۹,۲۷۸,۹۰۴	۶,۲۰۶,۹۸۵,۶۰۳,۰۲۰	۷۸۳,۷۱۰,۲۹۶	۱۹,۰۹۰,۰۰۷,۹۰۳,۳۸۹	۳/۰۸
فصل ۳۱	۹۸۶,۵۲۸,۸۵۵	۱,۳۹۳,۴۲۹,۶۴۳,۰۰۸	۱۷۵,۹۳۸,۰۸۹	۴۲,۹۲۰,۶۰۶,۵۹۴	۳/۰۸
فصل ۲۹	۶۶۴,۲۴۰,۸۳۹	۶,۰۴۶,۹۱۶,۰۹۱,۵۷۷	۷۶۳,۴۹۹,۵۲۴	۱۹۳,۷۲۶,۱۵۴,۴۷۹	۳/۲۰
فصل ۴۶	۳۹۹,۹۴۷	۴,۸۲۶,۲۷۱,۴۰۹	۶۰۹,۰۳۷۶	۲,۳۰۵,۳۷۹,۱۵۷	۴۷/۷۷
فصل ۸	۲۹۰,۱۶۲,۸۹۹	۷۴۷,۷۷۸,۰۳۹,۰۴۵	۹۴,۴۱۶,۴۱۴	۴۳۲,۲۸۱,۱۵۶,۷۲۸	۵۷/۸۱
فصل ۶۶	۴۶۷,۱۷۰	۲,۶۵۶,۷۹۹,۳۳۷	۳۳۵,۴۵۸	۱,۶۳۲,۱۴۲,۷۴۱	۶۱/۴۳
فصل ۶۰	۶۸۰,۹۱۳	۱۱,۲۸۳,۱۷۳,۵۲۸	۱,۴۲۴,۶۴۱	۷,۰۵۵,۱۳۴,۰۸۰	۶۲/۵۳
فصل ۴۲	۲,۱۱۲,۸۳۷	۲۳,۱۶۸,۷۹۹,۸۳۰	۲,۹۲۵,۳۵۶	۱۴,۴۹۲,۶۴۰,۷۱۳	۶۲/۵۵
فصل ۶۴	۲,۱۴۶,۵۲۴	۲۸,۵۳۵,۲۶۹,۲۷۰	۳,۶۰۲,۹۶۸	۲۰,۵۵۷,۲۶۹,۴۱۱	۷۲/۰۴
فصل ۶۲	۱,۰۹۶,۲۱۴	۲۰,۹۷۳,۶۵۰,۷۰۰	۲,۶۴۸,۱۸۷	۱۶,۲۹۲,۲۰۳,۲۶۵	۷۷/۶۸
فصل ۶۳	۱,۲۲۴,۱۷۰	۱۴,۱۰۷,۶۹۶,۸۴۹	۱,۷۸۱,۲۶۸	۱۱,۴۴۲,۵۱۷,۱۵۰	۸۱/۱۱
فصل ۶۱	۵۰,۰۶۰۱	۹,۱۸۱,۵۰۵,۴۸۱	۱,۱۵۹,۲۸۳	۷,۶۰۹,۵۹۹,۸۷۳	۸۲/۸۸
فصل ۶۷	۱,۸۹۵,۰۹۹	۲۰,۴۲۴,۷۹۸,۳۶۴	۲,۵۷۸,۸۸۸	۱۷,۱۶۴,۴۳۶,۴۰۴	۸۴/۰۴
جمع	۳۰,۱۰۲,۸۹۸,۷۲۶	۲۰۷,۹۱۶,۶۶۰,۳۰۹,۷۷۳	۲۶,۲۵۲,۱۰۳,۶۷۴	۱۷,۷۷۱,۹۴۸,۶۶۷,۵۱۱	۸/۵۵

مأخذ: همان.

فصل هشتم وضعیت تعرفه‌ها در گروه‌های کالایی کشور ۲۳۳

مطابق جدول ۱۶-۸ متوسط نرخ حقوق ورودی اخذ شده از کل کالاها در سال ۱۳۸۲ حدود ۸/۵۵ درصد بوده که به تفکیک فصول شامل دامنه یا کرانه نرخ‌هایی از ۱ تا ۸۴/۰۴ درصد است.



نمودار ۸-۸ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۸۲

فصول با کمترین نرخ حقوق ورودی در سال ۱۳۸۲ به ترتیب شامل: فصل ۹۷ (اشیای هنری، اشیای کلکسیون یا عتیقه) با ۱ درصد حقوق ورودی، فصل ۴۷ (خمیر چوب یا سایر مواد الیافی سلولزی؛ کاغذ یا مقوا برای بازیافت آخال و ضایعات) با ۲/۳۲ درصد حقوق ورودی، فصل ۸۹ (کشتی‌ها، قایق‌ها و شناورها) با ۲/۸۴ درصد حقوق ورودی، فصل ۲۶ (سنگ فلز، جوش و خاکستر) با ۲/۸۵ درصد حقوق ورودی، فصل ۸۱ (سایر فلزات معمولی؛ سرمته‌ها؛ مصنوعات از این مواد) با ۲/۹۵ درصد حقوق ورودی، فصل ۳۰ (محصولات دارویی) با ۳ درصد حقوق ورودی، فصل ۸۶ (لکوموتیوهای راه‌آهن یا تراموای، نواقل روی خط راه‌آهن و اجزای و قطعات آنها، ملحقات و مهارکننده‌های خط راه‌آهن یا تراموای و اجزای و قطعات آنها؛ تجهیزات علامت دادن مکانیکی ترافیک (از جمله الکترومکانیکی) از هر نوع) با ۳ درصد حقوق ورودی، فصل ۱۰ (غلات) با ۳/۰۸ درصد حقوق ورودی، فصل ۳۱ (کودها) با ۳/۰۸ درصد حقوق ورودی و فصل ۲۹ (محصولات شیمیایی آلی) با ۳/۲ درصد حقوق ورودی است.

۲۳۴ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

فصول با بیشترین نرخ حقوق ورودی در سال ۱۳۸۲ به‌ترتیب شامل: فصل ۴۶ (مصنوعات حصیربافی یا سیدبافی) با ۴۷/۷۷ درصد حقوق ورودی، فصل ۸ (میوه‌های خوراکی؛ پوست مرکبات یا پوست خربزه و همانند) با ۵۷/۸۱ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۶ (چتر بارانی، چتر آفتابی، عصا، عصای صندلی‌شو، تازیانه و اجزای آنها) با ۶۱/۴۳ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۰ (پارچه‌های کشباف یا قلاب‌باف) با ۶۲/۵۳ درصد حقوق ورودی، فصل ۴۲ (اشیای ساخته شده از چرم؛ مصنوعات زین و برگ‌سازی؛ لوازم سفر، کیف‌های دستی و محفظه‌های همانند؛ اشیای ساخته شده از روده (به‌غیر از اشیای ساخته شده از احشای کرم ابریشم)) با ۶۲/۵۵ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۴ (کفش، گتر و اشیای همانند، اجزای این اشیا) با ۷۲/۰۴ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۲ (لباس و متفرعات لباس، غیرکشباف یا غیرقلاب‌باف) با ۷۷/۶۸ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۳ (سایر اشیای نسجی دوخته و مهیا؛ مجموعه‌ها؛ لباس و اشیای نسجی مستعمل؛ ضایعات و کهنه پارچه‌های نسجی) با ۸۱/۱۱ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۱ (لباس و متفرعات لباس، کشباف یا قلاب‌باف) با ۸۲/۸۸ درصد حقوق ورودی و فصل ۶۷ (پر و پر نرم آماده و اشیای ساخته شده از پر یا از پر نرم؛ گل‌های مصنوعی؛ اشیای ساخته شده از موی انسان) با ۸۴/۰۴ درصد حقوق ورودی است.

۸-۱-۹ بررسی اجزای واردات و نرخ متوسط حقوق ورودی در سال ۱۳۸۳

۸-۱-۹-۱ متغیرهای کلان واردات

براساس جدول ۸-۱۷ در سال ۱۳۸۳ در مجموع حدود ۳۴/۴ میلیون تن کالا به کشور وارد شد که نسبت به سال قبل با ۱۴/۴ درصد رشد همراه بود. ارزش ریالی این میزان واردات حدود ۲۹۸۳۵۲ میلیارد ریال است که با ۴۳/۵ درصد رشد نسبت به سال قبل مواجه شده است. این امر موجب شده است که به‌طور متوسط ارزش ریالی هر کیلو واردات در سال ۱۳۸۳ برابر ۸۶۶۲ ریال بوده و نسبت به سال قبل ۲۵/۴ درصد رشد داشته باشد.

ارزش دلاری این میزان واردات رقمی معادل ۳۵/۱ میلیارد دلار بوده است که نسبت به سال قبل ۳۳/۷ درصد رشد داشته است. ارزش دلاری هر کیلو واردات حدود یک دلار و ۲ سنت بوده است که رشد ۱۶/۸ درصدی را نشان می‌دهد.

از حدود ۲۹۸ هزار میلیارد ریال واردات انجام شده در سال ۱۳۸۳ رقم ۳۶ هزار میلیارد

فصل هشتم وضعیت تعرفه‌ها در گروه‌های کالایی کشور ۲۳۵

ریال تحت عنوان حقوق ورودی اخذ شده است که این میزان دریافتی دولت نسبت به سال قبل با رشد قابل توجه ۱۰۷/۷ درصدی مواجه بوده است. یعنی از هر کیلو واردات حدود ۱۰۷۲ ریال به‌عنوان حقوق دولت گرفته شده که نسبت به سال قبل رشد ۸۱/۵ درصدی داشته است. این میزان حقوق ورودی اخذ شده به‌طور متوسط ۱۲/۳۷ درصد از ارزش کالاهای وارداتی را شامل می‌شود که نسبت به سال قبل ۳/۸۲ درصد افزایش داشته است.

جدول ۱۷-۸ متغیرهای کلان واردات در سال ۱۳۸۳

ردیف	موضوع	میزان	نرخ رشد
۱	وزن کل واردات (کیلوگرم)	۳۴,۴۴۵,۰۶۸,۰۲۸	۱۴/۴
۲	ارزش ریالی کل واردات	۲۹۸,۳۵۲,۸۵۸,۵۱۴,۲۱۰	۴۳/۵
۳	ارزش ریالی هر کیلو واردات	۸۶۶۲	۲۵/۴
۴	ارزش دلاری کل واردات	۳۵,۱۰۰,۳۳۶,۲۹۶	۳۳/۷
۵	ارزش دلاری هر کیلو واردات	۱/۰۲	۱۶/۸
۶	حقوق ورودی کل (ریال)	۳۶,۹۱۳,۵۲۶,۷۰۲,۹۳۵	۱۰۷/۷
۷	حقوق ورودی اخذ شده از هر کیلو واردات (ریال)	۱۰۷۲	۸۱/۵
۸	نرخ متوسط حقوق ورودی (درصد)	۱۲/۳۷	۴۴/۷

مأخذ: همان.

۲-۹-۱-۸ بررسی متوسط حقوق ورودی دریافت شده از واردات در سال ۱۳۸۳ به

تفکیک فصول کالایی

براساس سیستم هماهنگ طبقه‌بندی و کدگذاری کالا کل، واردات به ۹۸ فصل عمده تقسیم‌بندی می‌شود که از فصل اول (حیوانات زنده) تا فصل ۹۸ (قطعات منفصله ماشین‌آلات راهسازی، خودرو و سایر ماشین‌آلات) کل کالاهای وارداتی کشور را تشکیل می‌دهد.

کل واردات سال ۱۳۸۳ در ۹۸ فصل عمده کالایی طبقه‌بندی شده و براساس ارزش ریالی واردات و میزان حقوق ورودی اخذ شده از آن فصل، متوسط نرخ حقوق ورودی گرفته و محاسبه شده است. از مقایسه متوسط نرخ‌های حقوق ورودی ۹۸ فصل عمده کالایی، ۱۰ فصل دارای کمترین و بیشترین میزان نرخ حقوق ورودی استخراج و با نرخ متوسط کل مقایسه شده است که در جدول ۱۸-۸ مشاهده می‌شود.

۲۳۶ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

جدول ۱۸-۸ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی

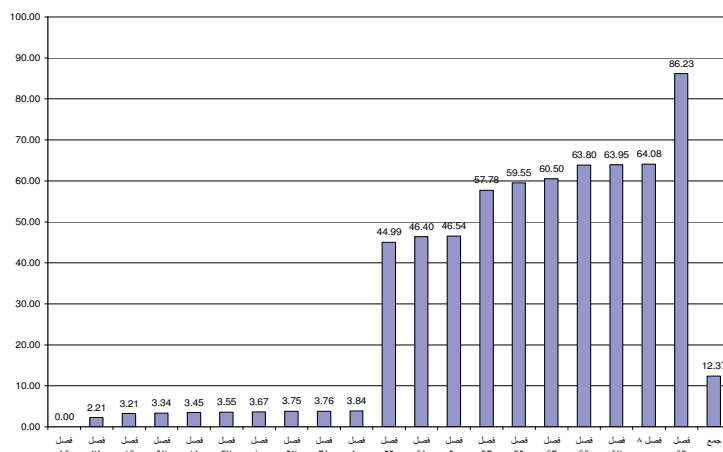
سال ۱۳۸۳

فصول کالایی	وزن واردات (کیلوگرم)	ارزش ریالی واردات	ارزش دلاری واردات	حقوق ورودی دریافتی	نرخ متوسط حقوق ورودی
فصل ۱۶	۵۰,۴۷۳	۶۰,۹۲۶,۸۲۶	۷,۱۶۸	۰	۰/۰۰
فصل ۷۱	۲,۷۲۰,۸۰۱	۵۹۲,۹۰۸,۵۰۳,۲۷۱	۶۹,۷۵۳,۹۴۱	۱۳,۰۷۳,۹۳۰,۵۶۴	۲/۲۱
فصل ۸۶	۴۸,۹۹۵,۵۷۴	۱,۸۸۰,۱۱۸,۸۲۴,۹۴۸	۲۲۱,۱۹۰,۴۵۰	۶۰,۴۲۹,۸۹۷,۳۱۶	۳/۲۱
فصل ۹۷	۴۵,۱۸۷	۱,۲۲۹,۵۲۶,۴۵۳	۱۴۴,۶۵۰	۴۱,۱۱۴,۴۶۹	۳/۳۴
فصل ۸۱	۱,۴۲۱,۵۵۹	۵۷,۲۸۶,۵۸۱,۷۳۴	۶,۷۳۹,۵۹۸	۱,۹۷۶,۷۹۶,۱۸۴	۳/۴۵
فصل ۴۷	۹۹,۶۸۱,۰۵۹	۵۵۴,۴۴۴,۵۳۴,۳۴۰	۶۵,۲۲۸,۷۶۹	۱۹,۶۷۳,۸۷۵,۹۱۸	۳/۵۵
فصل ۸۰	۱,۹۰۶,۵۶۷	۱۱۶,۳۷۱,۹۳۶,۸۳۲	۱۳,۶۹۰,۸۱۶	۴,۲۷۲,۶۰۹,۳۴۷	۳/۶۷
فصل ۲۷	۷,۴۴۵,۰۰۰,۸۵۰	۲۵,۴۷۹,۶۹۱,۴۲۶,۱۶۵	۲,۹۹۷,۶۱۰,۷۵۶	۹۵۵,۱۳۹,۰۹۱,۷۶۹	۳/۷۵
فصل ۳۱	۱,۸۷۹,۵۲۸,۷۱۷	۳,۹۳۴,۳۴۷,۴۷۶,۰۴۰	۴۶۲,۸۶۴,۴۰۹	۱۴۷,۷۷۸,۸۵۵,۸۳۴	۳/۷۶
فصل ۱۰	۴,۱۵۷,۱۸۷,۰۴۱	۷,۳۵۰,۴۲۶,۹۷۸,۰۲۷	۸۶۴,۷۵۶,۱۱۵	۲۸۲,۵۲۸,۹۰۸,۸۴۲	۳/۸۴
فصل ۲۲	۸,۴۲۴,۱۸۶	۳۱,۲۸۰,۵۰۵,۸۸۱	۳,۶۸۰,۰۰۵۹	۱۴,۰۷۴,۳۴۶,۵۸۵	۴۴/۹۹
فصل ۶۱	۱,۱۰۸,۵۵۵	۲۷,۱۲۹,۹۲۴,۳۸۱	۳,۱۹۱,۷۵۶	۱۲,۵۸۸,۸۴۹,۲۷۵	۴۶/۴۰
فصل ۲۰	۲۱,۸۹۷,۰۳۳	۱۰۱,۲۶۱,۴۱۱,۱۲۸	۱۱,۹۱۳,۱۰۷	۴۷,۱۳۱,۵۶۴,۷۲۶	۴۶/۵۴
فصل ۴۳	۶,۳۴۵	۱۱۳,۶۲۵,۸۶۸	۱۳,۳۶۸	۶۵,۶۵۷,۵۹۲	۵۷/۷۸
فصل ۴۲	۴,۳۵۷,۴۹۶	۴۱,۶۸۱,۱۷۰,۳۰۶	۴,۹۰۳,۶۶۷	۲۴,۸۲۲,۶۱۰,۹۰۴	۵۹/۵۵
فصل ۶۳	۴,۳۴۷,۷۰۱	۴۸,۲۱۱,۳۵۵,۲۳۶	۵,۶۷۱,۹۲۴	۲۹,۱۶۶,۲۰۵,۹۰۱	۶۰/۵۰
فصل ۶۶	۱,۳۵۱,۶۷۱	۹,۱۰۱,۳۶۹,۰۵۲	۱,۰۷۰,۷۴۹	۵۸,۰۶,۹۵۹,۶۲۷	۶۳/۸۰
فصل ۶۷	۱,۹۴۷,۹۰۰	۲۳,۵۵۳,۶۷۹,۹۴۶	۲,۷۷۱,۰۲۱	۱۵,۰۶۱,۸۶۵,۰۰۰	۶۳/۹۵
فصل ۸	۲۹۹,۱۸۹,۱۱۵	۸۰۶,۵۱۴,۷۸۶,۷۷۰	۹۴,۸۸۴,۰۹۳	۵۱۶,۸۵۰,۵۶۳,۹۰۸	۶۴/۰۸
فصل ۶۴	۶,۵۸۴,۲۹۳	۷۹,۶۶۱,۳۴۹,۹۵۰	۹,۳۷۱,۹۲۳	۶۸,۶۹۱,۱۰۲,۶۹۶	۸۶/۲۳
جمع	۳۴,۴۴۵,۰۶۸,۰۲۸	۲۹۸,۲۵۲,۵۵۸,۵۱۴,۲۱۰	۳۵,۱۰۰,۳۳۶,۲۹۶	۲۶,۹۱۳,۵۲۶,۷۰۲,۹۳۵	۱۲/۳۷

مأخذ: همان.

فصل هشتم وضعیت تعرفه‌ها در گروه‌های کالایی کشور ۲۳۷

مطابق جدول ۱۸-۸ متوسط نرخ حقوق ورودی اخذ شده از کل کالاها در سال ۱۳۸۳ حدود ۱۲/۳۷ درصد بوده که به تفکیک فصول شامل دامنه یا کرانه نرخ‌هایی از صفر تا ۸۶/۲۳ درصد می‌باشد.



مأخذ: همان.

نمودار ۹-۸ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۸۳

فصول با کمترین نرخ حقوق ورودی در سال ۱۳۸۳ به ترتیب شامل: فصل ۱۶ (فراورده‌های گوشت، ماهی یا قشرداران، صدف‌داران یا سایر آبزیان فاقد ستون فقرات) با صفر درصد حقوق ورودی، فصل ۷۱ (مروارید طبیعی یا پرورده، سنگ‌های گران‌بها یا نیمه گران‌بها، فلزات گران‌بها، فلزات دارای روکش یا پوشش از فلزات گران‌بها و اشیای ساخته شده از این مواد؛ زیورآلات بدلی؛ سکه) با ۲/۲۱ درصد حقوق ورودی، فصل ۸۶ (لکوموتیوهای راه‌آهن یا تراموای، نواقل روی خط راه‌آهن و اجزای و قطعات آنها، ملحقات و مهارکننده‌های خط راه‌آهن یا تراموای و اجزای و قطعات آنها؛ تجهیزات علامت دادن مکانیکی ترافیک (از جمله الکترومکانیکی) از هر نوع) با ۳/۲۱ درصد حقوق ورودی، فصل ۹۷ (اشیای هنری، اشیای کلکسیون یا عتیقه) با ۳/۳۴ درصد حقوق ورودی، فصل ۸۱ (سایر فلزات معمولی؛ سرمت‌ها؛ مصنوعات از این مواد) با ۳/۴۵ درصد حقوق ورودی، فصل

۲۳۸ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

۴۷ (خمیر چوب یا سایر مواد الیافی سلولزی؛ کاغذ یا مقوا برای بازیافت آخال و ضایعات) با ۳/۵۵ درصد حقوق ورودی، فصل ۸۰ (قلع و مصنوعات از قلع) با ۳/۶۷ درصد حقوق ورودی، فصل ۲۷ (سوخت‌های معدنی، روغن‌های معدنی و محصولات حاصل از تقطیر آنها، مواد قیری؛ موم‌های معدنی) با ۳/۷۵ درصد حقوق ورودی، فصل ۳۱ (کودها) با ۳/۷۶ درصد حقوق ورودی و فصل ۱۰ (غلات) با ۳/۸۴ درصد حقوق ورودی است.

فصول با بیشترین نرخ حقوق ورودی در سال ۱۳۸۳ به ترتیب شامل: فصل ۲۲ (نوشابه‌ها، آبگون‌های الکلی و سرکه) با ۴۴/۹۹ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۱ (لباس و متفرعات لباس، کشیاف یا قلاب‌باف) با ۴۶/۴۰ درصد حقوق ورودی، فصل ۲۰ (فراورده‌ها از سبزیجات، میوه‌ها یا از سایر اجزای نباتات) با ۴۶/۵۴ درصد حقوق ورودی، فصل ۴۳ (پوست‌های نرم طبیعی و پوست‌های نرم بدلی؛ اشیای ساخته شده از آنها) با ۵۷/۷۸ درصد حقوق ورودی، فصل ۴۲ (اشیای ساخته شده از چرم؛ مصنوعات زین و برگ‌سازی؛ لوازم سفر، کیف‌های دستی و محفظه‌های همانند؛ اشیای ساخته شده از روده (به‌غیر از اشیای ساخته شده از احشای کرم ابریشم)) با ۵۹/۵۵ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۳ (سایر اشیای نسجی دوخته و مهیا؛ مجموعه‌ها؛ لباس و اشیای نسجی مستعمل؛ ضایعات و کهنه پارچه‌های نسجی) با ۶۰/۵ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۶ (چتر بارانی، چتر آفتابی، عصا، عصای صندلی‌شو، تازیانه و اجزای آنها) با ۶۳/۸ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۷ (پر و پر نرم آماده و اشیای ساخته شده از پر یا از پر نرم؛ گل‌های مصنوعی؛ اشیای ساخته شده از موی انسان) با ۶۳/۹۵ درصد حقوق ورودی، فصل ۸ (میوه‌های خوراکی؛ پوست مرکبات یا پوست خربزه و همانند) با ۶۴/۰۸ درصد حقوق ورودی و فصل ۶۴ (کفش، گتر و اشیای همانند، اجزای این اشیاء) با ۸۶/۲۳ درصد حقوق ورودی است.

۸-۱-۱۰ بررسی اجزای واردات و نرخ متوسط حقوق ورودی در سال ۱۳۸۴

۸-۱-۱۰-۱ متغیرهای کلان واردات

براساس جدول ۸-۱۹ در سال ۱۳۸۴ در مجموع حدود ۳۵/۴ میلیون تن کالا به کشور وارد شد که نسبت به سال قبل با ۳ درصد رشد همراه بود. ارزش ریالی این میزان واردات حدود ۳۵۱۵۶۰ میلیارد ریال است که با ۱۷/۸ درصد رشد نسبت به سال قبل مواجه شده است. این امر موجب شده است که به‌طور متوسط ارزش ریالی هر کیلو واردات در سال

فصل هشتم وضعیت تعرفه‌ها در گروه‌های کالایی کشور ۲۳۹

۱۳۸۴ برابر ۹۹۱۴ ریال بوده و نسبت به سال قبل ۱۴/۵ درصد رشد داشته باشد. ارزش دلاری این میزان واردات رقمی معادل ۳۹ میلیارد دلار بوده که نسبت به سال قبل ۱۱/۲ درصد رشد داشته است. ارزش دلاری هر کیلو واردات حدود یک دلار و ۱۰ سنت بوده است که رشد ۸ درصدی را نشان می‌دهد. از حدود ۳۵۱ هزار میلیارد ریال واردات انجام شده در سال ۱۳۸۴ رقم ۳۸ هزار میلیارد ریال تحت عنوان حقوق ورودی اخذ شده است که این میزان دریافتی دولت نسبت به سال قبل با رشد ۵/۳ درصدی مواجه بوده است. یعنی از هر کیلو واردات حدود ۱۰۹۶ ریال به‌عنوان حقوق دولت گرفته شده که نسبت به سال قبل رشد ۲/۳ درصدی داشته است. این میزان حقوق ورودی اخذ شده به‌طور متوسط ۱۱/۰۶ درصد از ارزش کالاهای وارداتی را شامل می‌شود که نسبت به سال قبل ۱/۳۱ درصد کاهش داشته است.

جدول ۱۹-۸ متغیرهای کلان واردات در سال ۱۳۸۴

ردیف	موضوع	میزان	نرخ رشد
۱	وزن کل واردات (کیلوگرم)	۳۵,۴۶۱,۲۶۹,۸۱۲	۳/۰
۲	ارزش ریالی کل واردات	۳۵۱,۵۶۰,۸۹۵,۶۶۸,۹۴۶	۱۷/۸
۳	ارزش ریالی هر کیلو واردات	۹۹۱۴	۱۴/۵
۴	ارزش دلاری کل واردات	۳۹,۰۲۲,۸۲۹,۲۰۱	۱۱/۲
۵	ارزش دلاری هر کیلو واردات	۱/۱۰	۸/۰
۶	حقوق ورودی کل (ریال)	۳۸,۸۷۵,۷۲۵,۶۲۵,۹۱۴	۵/۳
۷	حقوق ورودی اخذ شده از هر کیلو واردات (ریال)	۱۰۹۶	۲/۳
۸	نرخ متوسط حقوق ورودی (درصد)	۱۱/۰۶	-۱۰/۶

مأخذ: همان.

۲-۱۰-۸ بررسی متوسط حقوق ورودی دریافت شده از واردات در سال ۱۳۸۴ به

تفکیک فصول کالایی

براساس سیستم هماهنگ طبقه‌بندی و کدگذاری کالا، کل واردات به ۹۸ فصل عمده تقسیم‌بندی می‌شود که از فصل اول (حیوانات زنده) تا فصل ۹۸ (قطعات منفصله

۲۴۰ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

ماشین‌آلات راهسازی، خودرو و سایر ماشین‌آلات) کل کالاهای وارداتی کشور را تشکیل می‌دهد.

کل واردات سال ۱۳۸۴ در ۹۸ فصل عمده کالایی طبقه‌بندی شده و براساس ارزش ریالی واردات و میزان حقوق ورودی اخذ شده از آن فصل، متوسط نرخ حقوق ورودی گرفته و محاسبه شده است. از مقایسه متوسط نرخ‌های حقوق ورودی ۹۸ فصل عمده کالایی، ۱۰ فصل دارای کمترین و بیشترین میزان نرخ حقوق ورودی استخراج و با نرخ متوسط کل مقایسه شده است که در جدول ۲۰-۸ مشاهده می‌شود.

جدول ۲۰-۸ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۸۴

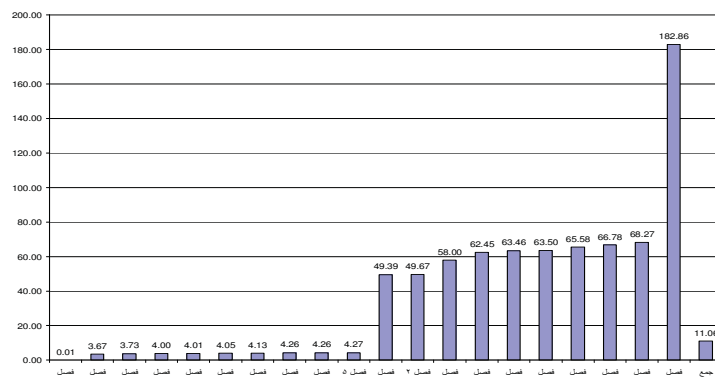
فصول کالایی	وزن واردات (کیلوگرم)	ارزش ریالی واردات	ارزش دلاری واردات	حقوق ورودی دریافتی	نرخ متوسط حقوق ورودی
فصل ۹۷	۵۸،۵۶۱	۸۹۴،۳۱۴،۴۵۰،۸۴۵	۹۹،۳۰۷،۹۶۴	۵۳،۷۰۱،۵۳۳	۰/۰۱
فصل ۸۶	۷۷،۲۶۰،۲۳۴	۳،۰۶۸،۷۵۶،۶۹۷،۱۱۷	۳۴۰،۶۳۸،۰۸۹	۱۱۲،۵۶۸،۱۰۹،۲۷۸	۳/۶۷
فصل ۸۱	۱،۶۰۱،۵۹۵	۶۷،۲۹۶،۵۰۷،۸۱۳	۷،۴۴۹،۹۹۷	۲،۵۱۲،۸۰۰،۲۵۷	۳/۷۳
فصل ۴۷	۸۵،۰۶۸،۷۸۳	۴۷۷،۷۱۹،۱۸۹،۵۲۷	۵۲،۹۹۵،۵۸۷	۱۹،۱۰۸،۷۶۷،۵۸۱	۴/۰۰
فصل ۲۶	۳۳۲،۲۹۱،۵۰۲	۴۸۳،۹۰۹،۷۹۸،۷۱۷	۵۳،۶۶۶،۰۵۸	۱۹،۳۹۰،۶۸۳،۴۲۵	۴/۰۱
فصل ۲۷	۷،۹۱۶،۵۵۷،۹۷۷	۳۷،۷۸۹،۹۶۰،۶۶۲،۱۵۵	۴،۱۸۳،۱۶۷،۲۲۷	۱،۵۳۱،۸۳۸،۵۳۰،۰۰۱	۴/۰۵
فصل ۳۱	۱،۵۴۶،۱۴۰،۲۴۳	۳،۵۸۵،۶۶۳،۷۳۳،۵۲۹	۳۹۷،۱۹۰،۰۹۰	۱۴۷،۹۶۹،۵۹۳،۲۱۴	۴/۱۳
فصل ۸۹	۱۵۸،۹۹۸،۹۴۷	۳،۷۳۰،۴۴۴،۴۰۵،۲۰۹	۴۳۶،۷۵۷،۱۵۸	۱۵۸،۷۷۲،۹۶۷،۷۹۰	۴/۲۶
فصل ۸۰	۱،۲۶۵،۸۱۲	۹۳،۹۶۹،۶۵۴،۸۷۰	۱۰،۴۶۶،۶۵۶	۴،۰۰۳،۰۹۳،۹۵۸	۴/۲۶
فصل ۵	۱۹،۲۳۰	۳۳،۳۳۷،۶۵۱،۹۶۱	۳،۶۸۹،۷۲۱	۱،۴۲۳،۲۶۷،۷۱۳	۴/۲۷
فصل ۵۷	۱،۳۶۱،۹۶۷	۱۸،۸۲۶،۹۱۷،۹۲۳	۲،۰۸۳،۷۷۳	۹،۲۹۹،۴۸۰،۷۳۶	۴۹/۳۹
فصل ۲	۱۷،۲۳۲،۵۹۴	۲۹۲،۶۲۵،۵۳۲،۹۶۷	۳۲،۹۲۱،۵۳۲	۱۴۵،۳۵۳،۸۷۴،۶۳۵	۴۹/۶۷
فصل ۴۳	۱۱،۲۰۰	۱۵۴،۶۳۴،۹۸۰	۱۷،۱۴۱	۸۹،۶۹۰،۰۶۰	۵۸/۰۰
فصل ۶۳	۶،۵۲۹،۲۰۲	۹۱،۴۵۰،۷۰۵،۴۷۸	۱۰،۱۱۷،۲۷۴	۵۷،۱۱۲،۷۴۳،۶۳۰	۶۲/۴۵

جدول ۲۰-۸ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۸۴

فصول کالایی	وزن واردات (کیلوگرم)	ارزش ریالی واردات	ارزش دلاری واردات	حقوق ورودی دریافتی	نرخ متوسط حقوق ورودی
فصل ۴۲	۷,۴۵۳,۰۲۳	۷۸,۶۰۹,۵۹۳,۳۸۱	۸,۷۰۲,۳۹۴	۴۹,۸۸۵,۲۷۶,۴۱۲	۶۳/۴۶
فصل ۶۷	۲,۵۲۹,۹۵۲	۳۲,۴۴۵,۳۳۹,۹۸۶	۳,۵۹۰,۲۶۷	۲۰,۶۰۳,۰۵۲,۰۹۹	۶۳/۵۰
فصل ۶۶	۹۷۳,۵۷۸	۶,۰۵۴,۵۳۱,۱۳۶	۶۷۰,۴۹۷	۳,۹۷۰,۷۸۴,۱۴۱	۶۵/۵۸
فصل ۶۲	۵,۱۵۸,۹۶۹	۲۰,۲۰۳,۲۴۹,۰۱۷	۲۲,۳۶۵,۴۷۹	۱۳۵,۰۲۹,۶۴۱,۰۳۶	۶۶/۷۸
فصل ۶۱	۱,۰۲۳,۰۰۵	۳۲,۹۹۳,۳۲۰,۹۸۶	۳,۶۴۹,۳۷۹	۲۲,۵۲۵,۴۲۸,۴۸۹	۶۸/۲۷
فصل ۶۴	۷,۵۱۲,۸۱۸	۱۱۷,۱۰۲,۱۴۴,۶۶۳	۱۲,۹۴۱,۹۸۰	۲۱۴,۱۳۸,۱۳۲,۰۳۴	۱۸۲/۸۶
جمع	۳۵,۴۶۱,۲۶۹,۸۱۲	۳۵۱,۵۶۰,۸۹۵,۶۶۸,۹۴۶	۳۹,۰۲۲,۸۲۹,۲۰۱	۳۸۸,۷۵۰,۷۵۶,۲۵۹,۹۱۴	۱۱/۰۶

مأخذ: همان.

مطابق جدول ۲۰-۸ متوسط نرخ حقوق ورودی اخذ شده از کل کالاها در سال ۱۳۸۴ حدود ۱۱/۰۶ درصد بوده است که به تفکیک فصول شامل دامنه یا کرانه نرخ‌هایی از ۰/۰۱ تا ۱۸۲/۸۶ درصد است.



مأخذ: همان.

نمودار ۱۰-۸ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۸۴

۲۴۲ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

فصول با کمترین نرخ حقوق ورودی در سال ۱۳۸۴ به ترتیب شامل: فصل ۹۷ (اشیای هنری، اشیای کلکسیون یا عتیقه) با ۰/۰۱ درصد حقوق ورودی، فصل ۸۶ (لکوموتیوهای راه‌آهن یا تراموای، نواقل روی خط راه‌آهن و اجزای و قطعات آنها، ملحقات و مهارکننده‌های خط راه‌آهن یا تراموای و اجزای و قطعات آنها؛ تجهیزات علامت دادن مکانیکی ترافیک (از جمله الکترومکانیکی) از هر نوع) با ۳/۶۷ درصد حقوق ورودی، فصل ۸۱ (سایر فلزات معمولی؛ سرمت‌ها؛ مصنوعات از این مواد) با ۳/۷۳ درصد حقوق ورودی، فصل ۴۷ (خمیر چوب یا سایر مواد الیافی سلولزی؛ کاغذ یا مقوا برای بازیافت آخال و ضایعات) با ۴ درصد حقوق ورودی، فصل ۲۶ (سنگ فلز، جوش و خاکستر) با ۴/۰۱ درصد حقوق ورودی، فصل ۲۷ (سوختهای معدنی، روغن‌های معدنی و محصولات حاصل از تقطیر آنها، مواد قیری؛ موم‌های معدنی) با ۴/۰۵ درصد حقوق ورودی، فصل ۳۱ (کودها) با ۴/۱۳ درصد حقوق ورودی، فصل ۸۹ (کشتی‌ها، قایق‌ها و شناورها) با ۴/۲۶ درصد حقوق ورودی، فصل ۸۰ (قلع و مصنوعات از قلع) با ۴/۲۶ درصد حقوق ورودی و فصل ۵ (سایر محصولات حیوانی، که در جای دیگر گفته نشده و مشمول شماره دیگر تعرفه نشده باشد) با ۴/۲۷ درصد حقوق ورودی است.

فصول با بیشترین نرخ حقوق ورودی در سال ۱۳۸۴ به ترتیب شامل: فصل ۵۷ (فروش و سایر کفپوش‌ها از مواد نسجی) با ۴۹/۳۹ درصد حقوق ورودی، فصل ۲ (گوشت و احشای خوراکی) با ۴۹/۶۷ درصد حقوق ورودی، فصل ۴۳ (پوست‌های نرم طبیعی و پوست‌های نرم بدلی؛ اشیای ساخته شده از آنها) با ۵۸ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۳ (سایر اشیای نسجی دوخته و مهیا؛ مجموعه‌ها؛ لباس و اشیای نسجی مستعمل؛ ضایعات و کهنه پارچه‌های نسجی) با ۶۲/۴۵ درصد حقوق ورودی، فصل ۴۲ (اشیای ساخته شده از چرم؛ مصنوعات زین و برگ‌سازی؛ لوازم سفر، کیف‌های دستی و محفظه‌های همانند؛ اشیای ساخته شده از روده (به‌غیر از اشیای ساخته شده از احشای کرم ابریشم)) با ۶۳/۴۶ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۷ (پر و پر نرم آماده و اشیای ساخته شده از پر یا از پر نرم؛ گل‌های مصنوعی؛ اشیای ساخته شده از موی انسان) با ۶۳/۵۰ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۶ (چتر بارانی، چتر آفتابی، عصا، عصای صندلی‌شو، تازیانه و اجزای آنها) با ۶۵/۵۸ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۲ (لباس و متفرعات لباس، غیرکشیاف یا

فصل هشتم وضعیت تعرفه‌ها در گروه‌های کالایی کشور ۲۴۳

غیرقلاباف) با ۶۶/۷۸ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۱ (لباس و متفرعات لباس، کشفاف یا قلاباف) با ۶۸/۲۷ درصد حقوق ورودی و فصل ۶۴ (کفش، گتر و اشیای همانند، اجزای این اشیا) با ۱۸۲/۸۶ درصد حقوق ورودی است.

۸-۱-۱۱ بررسی اجزای واردات و نرخ متوسط حقوق ورودی در سال ۱۳۸۵

۸-۱-۱۱-۱ متغیرهای کلان واردات

براساس جدول ۸-۲۱ سال ۱۳۸۵ در مجموع حدود ۴۳/۴ میلیون تن کالا به کشور وارد شد که نسبت به سال قبل با ۲۲/۶ درصد رشد همراه بود. ارزش ریالی این میزان واردات حدود ۳۸۱۰۵۶ میلیارد ریال است که با ۸/۴ درصد رشد نسبت به سال قبل مواجه شده است. این امر موجب شده است که به‌طور متوسط ارزش ریالی هر کیلو واردات در سال ۱۳۸۵ برابر ۸۷۶۳ ریال بوده و نسبت به سال قبل ۱۱/۶- درصد رشد منفی داشته باشد. ارزش دلاری این میزان واردات رقمی معادل ۴۱/۴ میلیارد دلار بوده که نسبت به سال قبل ۶/۲ درصد رشد داشته است. ارزش دلاری هر کیلو واردات حدود ۹۵ سنت بوده است که رشد منفی ۱۳/۴- درصدی را نشان می‌دهد.

حدود ۳۸۱ هزار میلیارد ریال واردات انجام شده در سال ۱۳۸۵ رقم ۴۴ هزار میلیارد ریال تحت عنوان حقوق ورودی اخذ شده است که این میزان دریافتی دولت نسبت به سال قبل با رشد ۱۴/۹ درصدی مواجه بوده است. یعنی از هر کیلو واردات حدود ۱۰۲۷ ریال به‌عنوان حقوق دولت گرفته شده که نسبت به سال قبل رشد منفی ۶/۳- درصدی داشته است. این میزان حقوق ورودی اخذ شده به‌طور متوسط ۱۱/۷۲ درصد از ارزش کالاهای وارداتی را شامل می‌شود که نسبت به سال قبل ۰/۶۶ درصد افزایش داشته است.

جدول ۸-۲۱ متغیرهای کلان واردات در سال ۱۳۸۵

ردیف	موضوع	میزان	نرخ رشد
۱	وزن کل واردات (کیلوگرم)	۴۳,۴۸۶,۴۳۶,۲۸۹	۲۲/۶
۲	ارزش ریالی کل واردات	۳۸۱,۰۵۶,۴۹۶,۱۴۵,۸۸۱	۸/۴
۳	ارزش ریالی هر کیلو واردات	۸۷۶۳	-۱۱/۶
۴	ارزش دلاری کل واردات	۴۱,۴۵۰,۰۲۲,۳۷۵	۶/۲

۲۴۴ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

جدول ۸-۲۱ متغیرهای کلان واردات در سال ۱۳۸۵

ردیف	موضوع	میزان	نرخ رشد
۵	ارزش دلاری هر کیلو واردات	۰/۹۵	-۱۳/۴
۶	حقوق ورودی کل (ریال)	۴۴,۶۶۳,۶۱۱,۲۳۸,۳۶۲	۱۴/۹
۷	حقوق ورودی اخذ شده از هر کیلو واردات (ریال)	۱۰۲۷	-۶/۳
۸	نرخ متوسط حقوق ورودی (درصد)	۱۱/۷۲	۶/۰

مأخذ: همان.

۸-۱۱-۲ بررسی متوسط حقوق ورودی دریافت شده از واردات در سال ۱۳۸۵ به

تفکیک فصول کالایی

براساس سیستم هماهنگ طبقه‌بندی و کدگذاری کالا، کل واردات به ۹۸ فصل عمده تقسیم‌بندی می‌شود که از فصل اول (حیوانات زنده) تا فصل ۹۸ (قطعات منفصله ماشین‌آلات راهسازی، خودرو و سایر ماشین‌آلات) کل کالاهای وارداتی کشور را تشکیل می‌دهد.

کل واردات سال ۱۳۸۵ در ۹۸ فصل عمده کالایی طبقه‌بندی شده و براساس ارزش ریالی واردات و میزان حقوق ورودی اخذ شده از آن فصل، متوسط نرخ حقوق ورودی گرفته و محاسبه شده است. از مقایسه متوسط نرخ‌های حقوق ورودی ۹۸ فصل عمده کالایی، ۱۰ فصل دارای کمترین و بیشترین میزان نرخ حقوق ورودی استخراج و با نرخ متوسط کل مقایسه شده است که در جدول ۸-۲۲ مشاهده می‌شود.

جدول ۸-۲۲ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۸۵

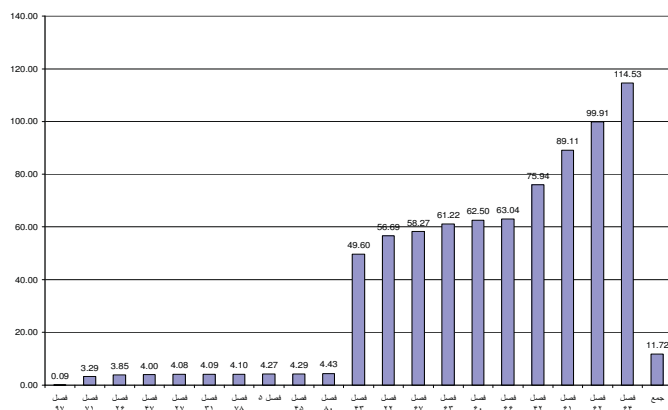
فصول کالایی	وزن واردات (کیلوگرم)	ارزش ریالی واردات	ارزش دلاری واردات	حقوق ورودی دریافتی	نرخ متوسط حقوق ورودی
فصل ۹۷	۷۳,۰۴۸	۵۶,۶۷۳,۳۶۹,۷۴۹	۶,۱۹۹,۰۸۷	۵۱,۴۳۸,۴۳۱	۰/۰۹
فصل ۷۱	۴,۱۰۶,۴۶۸	۱,۳۹۷,۳۹۵,۸۷۴,۸۴۳	۱۵۲,۱۵۷,۲۴۰	۴۵,۹۷۷,۳۰۷,۴۴۲	۳/۲۹
فصل ۲۶	۵۷۲,۷۸۱,۰۱۳	۶۳۶,۵۵۰,۷۴۲,۸۹۷	۶۹,۱۳۱,۲۸۲	۲۴,۵۰۶,۹۸۸,۳۱۳	۳/۸۵

فصل هشتم وضعیت تعرفه‌ها در گروه‌های کالایی کشور ۲۴۵

جدول ۲۲-۸ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۸۵

فصول کالایی	وزن واردات (کیلوگرم)	ارزش ریالی واردات	ارزش دلاری واردات	حقوق ورودی دریافتی	نرخ متوسط حقوق ورودی
فصل ۴۷	۱۰۰,۳۰۱,۳۷۳	۶۶۰,۹۲۴,۰۳۴,۲۱۵	۷۱,۸۵۸,۵۴۴	۲۶,۴۳۶,۹۶۱,۳۶۸	۴/۰۰
فصل ۲۷	۹,۴۸۱,۰۶۵,۶۷۸	۴۹۰,۴۵۵,۵۲۳,۷۴۲,۰۹۸	۵,۳۳۵,۴۸۶,۸۲۰	۲,۰۰۱,۰۹۱,۰۱۴,۴۳۳	۴/۰۸
فصل ۳۱	۲,۵۰۷,۷۲۷,۴۳۸	۶,۲۹۹,۴۳۷,۲۹۶,۱۶۶	۶۸۴,۵۸۹,۶۱۳	۲۵۷,۷۷۶,۳۴۹,۵۹۰	۴/۰۹
فصل ۷۸	۲,۵۸۸,۸۶۰	۳۶,۸۷۲,۲۵۶,۷۷۱	۴,۰۰۹,۱۲۳	۱,۵۱۰,۸۵۰,۱۶۲	۴/۱۰
فصل ۵	۱۶۱,۰۵۲	۵۱,۳۸۷,۲۷۶,۲۷۵	۵,۵۸۵,۸۹۳	۲,۱۹۳,۲۸۲,۶۳۰	۴/۲۷
فصل ۴۵	۲۵۶,۶۸۱	۵,۵۵۰,۲۳۲,۹۱۰	۶۰۴,۲۲۷	۲۳۸,۳۸۰,۶۰۱	۴/۲۹
فصل ۸۰	۹۰۱,۶۹۶	۷۹,۲۳۹,۷۰۴,۸۲۷	۸,۶۰۲,۸۵۰	۳,۵۰۸,۹۴۱,۴۱۳	۴/۴۳
فصل ۴۳	۱,۳۰۶	۲۰۶,۰۸۵,۹۸۵	۲۲,۵۰۸	۱۰۲,۲۲۷,۲۸۷	۴۹/۶۰
فصل ۲۲	۲۶,۱۵۱,۵۷۱	۱۰۳,۶۶۴,۷۵۷,۰۹۸	۱۱,۲۸۳,۱۸۱	۵۸,۷۷۱,۵۷۸,۰۰۵	۵۶/۶۹
فصل ۶۷	۳,۱۶۲,۴۲۵	۴۵,۷۰۸,۷۱۴,۲۵۵	۴,۹۶۴,۳۹۵	۲۶,۶۳۶,۴۹۱,۳۲۹	۵۸/۲۷
فصل ۶۳	۳,۶۶۰,۴۴۵	۵۸,۴۶۳,۱۸۲,۴۴۷	۶,۳۵۸,۹۳۹	۳۵,۷۹۳,۸۳۹,۵۷۱	۶۱/۲۲
فصل ۶۰	۱۹۴,۳۷۴	۵,۹۴۲,۸۱۹,۱۲۳	۶۴۶,۱۴۷	۳,۷۱۴,۲۶۵,۲۸۰	۶۲/۵۰
فصل ۶۶	۶۳۷,۶۱۲	۶,۰۰۲,۲۹۲,۸۶۷	۶۵۲,۲۶۶	۳,۷۸۳,۹۲۲,۱۵۲	۶۳/۰۴
فصل ۴۲	۸۸۰,۵۰۱۴۱	۸۴,۴۲۳,۱۸۱,۸۰۸	۹,۱۷۶,۴۸۲	۶۴,۱۰۸,۳۲۴,۶۹۸	۷۵/۹۴
فصل ۶۱	۲۲۵,۴۲۳	۸,۹۱۵,۳۸۰,۹۵۲	۹۷۱,۰۳۲	۷,۹۴۴,۳۰۳,۰۱۸	۸۹/۱۱
فصل ۶۲	۷۵۰,۴۱۹	۴۴,۹۰۹,۵۴۵,۴۰۶	۴,۸۸۴,۸۴۰	۴۴,۸۶۷,۷۸۹,۵۶۰	۹۹/۹۱
فصل ۶۴	۲,۰۶۷,۴۷۶	۴۵,۲۶۰,۴۰۰,۴۰۶	۴,۹۲۳,۸۱۲	۵۱,۸۳۸,۰۱۹,۷۳۳	۱۱۴/۵۳
جمع	۴۳,۴۸۶,۴۳۶,۲۸۹	۳۸۱,۰۵۶,۴۹۶,۱۴۵,۸۸۰	۴۱,۴۵۰,۰۲۲,۳۷۵	۴۴,۶۶۳,۶۱۱,۲۳۸,۳۶۲	۱۱/۷۲

مطابق جدول ۲۲-۸ متوسط نرخ حقوق ورودی اخذ شده از کل کالاها در سال ۱۳۸۵ حدود ۱۱/۷۲ درصد بوده که به تفکیک فصول شامل دامنه یا کرانه نرخ‌هایی از ۰/۰۹ تا ۱۱۴/۵۳ درصد است.



مأخذ: همان.

نمودار ۱۱-۸ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۸۵

فصول با کمترین نرخ حقوق ورودی در سال ۱۳۸۵ به ترتیب شامل: فصل ۹۷ (اشیای هنری، اشیای کلکسیون یا عتیقه) با ۰/۰۹ درصد حقوق ورودی، فصل ۷۱ (مروارید طبیعی یا پرورده، سنگ‌های گران‌بها یا نیمه گران‌بها، فلزات گران‌بها، فلزات دارای روکش یا پوشش از فلزات گران‌بها، اشیای ساخته شده از این مواد؛ زیورآلات بدلی؛ سکه) با ۳/۲۹ درصد حقوق ورودی، فصل ۲۶ (سنگ فلز، جوش و خاکستر) با ۳/۸۵ درصد حقوق ورودی، فصل ۴۷ (خمیر چوب یا سایر مواد الیافی سلولزی؛ کاغذ یا مقوا برای بازیافت آخال و ضایعات) با ۴ درصد حقوق ورودی، فصل ۲۷ (سوخت‌های معدنی، روغن‌های معدنی و محصولات حاصل از تقطیر آنها، مواد قیری؛ موم‌های معدنی) با ۴/۰۸ درصد حقوق ورودی، فصل ۳۱ (کودها) با ۴/۰۹ درصد حقوق ورودی، فصل ۷۸ (سرب و مصنوعات از سرب) با ۴/۱ درصد حقوق ورودی، فصل ۵ (سایر محصولات حیوانی، که در جای دیگر گفته نشده و مشمول شماره دیگر تعرفه نشده باشد) با ۴/۲۷ درصد حقوق ورودی، فصل ۴۵ (چوب پنبه و اشیای ساخته شده از چوب پنبه) با ۴/۲۹ درصد حقوق ورودی و فصل ۸۰ (قلع و مصنوعات از قلع) با ۴/۴۳ درصد حقوق ورودی است.

فصول با بیشترین نرخ حقوق ورودی در سال ۱۳۸۵ به ترتیب شامل: فصل ۴۳ (پوست‌های نرم طبیعی و پوست‌های نرم بدلی؛ اشیای ساخته شده از آنها) با ۴۹/۶

درصد حقوق ورودی، فصل ۲۲ (نوشابه‌ها، آبگون‌های الکلی و سرکه) با ۵۶/۶۹ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۷ (پیر و پر نرم آماده و اشیای ساخته شده از پر یا از پر نرم؛ گل‌های مصنوعی؛ اشیای ساخته شده از موی انسان) با ۵۸/۲۷ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۳ (سایر اشیای نسجی دوخته و مهیا؛ مجموعه‌ها؛ لباس و اشیای نسجی مستعمل؛ ضایعات و کهنه پارچه‌های نسجی) با ۶۱/۲۲ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۰ (پارچه‌های کشف یا قلاب‌باف) با ۶۲/۵ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۶ (چتر بارانی، چتر آفتابی، عصا، عصای صندلی‌شو، تازیانه و اجزای آنها) با ۶۳/۰۴ درصد حقوق ورودی، فصل ۴۲ (اشیای ساخته شده از چرم؛ مصنوعات زین و برگ‌سازی؛ لوازم سفر، کیف‌های دستی و محفظه‌های همانند؛ اشیای ساخته شده از روده (به‌غیر از اشیای ساخته شده از احشای کرم ابریشم)) با ۷۵/۹۴ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۱ (لباس و متفرعات لباس، کشف یا قلاب‌باف) با ۸۹/۱۱ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۲ (لباس و متفرعات لباس، غیرکشف یا غیرقلاب‌باف) با ۹۹/۹۱ درصد حقوق ورودی و فصل ۶۴ (کفش، گتر و اشیای همانند، اجزای این اشیا) با ۱۱۴/۵۳ درصد حقوق ورودی است.

۱۲-۱-۸ بررسی اجزای واردات و نرخ متوسط حقوق ورودی در سال ۱۳۸۶

۱۲-۱-۸-۱ متغیرهای کلان واردات

براساس جدول ۸-۲۳ سال ۱۳۸۶ در مجموع حدود ۴۱/۳ میلیون تن کالا به کشور وارد شد که نسبت به سال قبل با ۴/۱- درصد رشد منفی همراه بود. ارزش ریالی این میزان واردات حدود ۴۴۸۳۴۹ میلیارد ریال است که با ۱۷/۷ درصد رشد نسبت به سال قبل مواجه شده است. این امر موجب شده است که به‌طور متوسط ارزش ریالی هر کیلو واردات در سال ۱۳۸۶ برابر ۱۰۷۵۰ ریال بوده و نسبت به سال قبل ۲۲/۷ درصد رشد داشته است.

ارزش دلاری این میزان واردات رقمی معادل ۴۸/۲ میلیارد دلار بوده است که نسبت به سال قبل ۱۶/۵ درصد رشد داشته است. ارزش دلاری هر کیلو واردات حدود یک دلار و ۱۶ سنت بوده است که رشد ۲۱/۴ درصدی را نشان می‌دهد.

از حدود ۴۴۸ هزار میلیارد ریال واردات انجام شده در سال ۱۳۸۶ رقم ۴۹ هزار میلیارد ریال تحت عنوان حقوق ورودی اخذ شده است این میزان دریافتی دولت نسبت به

۲۴۸ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

سال قبل با رشد ۱۱/۳ درصدی مواجه بوده است. یعنی از هر کیلو واردات حدود ۱۱۹۲ ریال به‌عنوان حقوق دولت گرفته شده که نسبت به سال قبل رشد ۱۶/۱ درصدی داشته است. این میزان حقوق ورودی اخذ شده به‌طور متوسط ۱۱/۰۹ درصد از ارزش کالاهای وارداتی را شامل می‌شود که نسبت به سال قبل ۰/۶۳ درصد کاهش داشته است.

جدول ۲۳-۸ متغیرهای کلان واردات در سال ۱۳۸۶

ردیف	موضوع	میزان	نرخ رشد
۱	وزن کل واردات (کیلوگرم)	۴۱,۷۰۸,۶۲۵,۸۱۳	-۴/۱
۲	ارزش ریالی کل واردات	۴۴۸,۳۴۹,۵۸۶,۳۶۶,۴۱۶	۱۷/۷
۳	ارزش ریالی هر کیلو واردات	۱۰۷۵۰	۲۲/۷
۴	ارزش دلاری کل واردات	۴۸,۲۷۰,۴۴۰,۳۷۶	۱۶/۵
۵	ارزش دلاری هر کیلو واردات	۱/۱۶	۲۱/۴
۶	حقوق ورودی کل (ریال)	۴۹,۷۱۶,۸۵۲,۶۷۸,۵۲۲	۱۱/۳
۷	حقوق ورودی اخذ شده از هر کیلو واردات (ریال)	۱۱۹۲	۱۶/۱
۸	نرخ متوسط حقوق ورودی (درصد)	۱۱/۰۹	-۵/۴

مأخذ: همان.

۲-۱۲-۸-۱ بررسی متوسط حقوق ورودی دریافت شده از واردات در سال ۱۳۸۶ به

تفکیک فصول کالایی

براساس سیستم هماهنگ طبقه‌بندی و کدگذاری کالا، کل واردات به ۹۸ فصل عمده تقسیم‌بندی می‌شود که از فصل اول (حیوانات زنده) تا فصل ۹۸ (قطعات منفصله ماشین‌آلات، راهسازی، خودرو و سایر ماشین‌آلات) کل کالاهای وارداتی کشور را تشکیل می‌دهد.

کل واردات سال ۱۳۸۶ در ۹۸ فصل عمده کالایی طبقه‌بندی شده و براساس ارزش ریالی واردات و میزان حقوق ورودی اخذ شده از آن فصل، متوسط نرخ حقوق ورودی گرفته و محاسبه شده است. از مقایسه متوسط نرخ‌های حقوق ورودی ۹۸ فصل عمده کالایی، ۱۰ فصل دارای کمترین و بیشترین میزان نرخ حقوق ورودی استخراج و با نرخ متوسط کل مقایسه شده است که در جدول ۲۴-۸ مشاهده می‌شود.

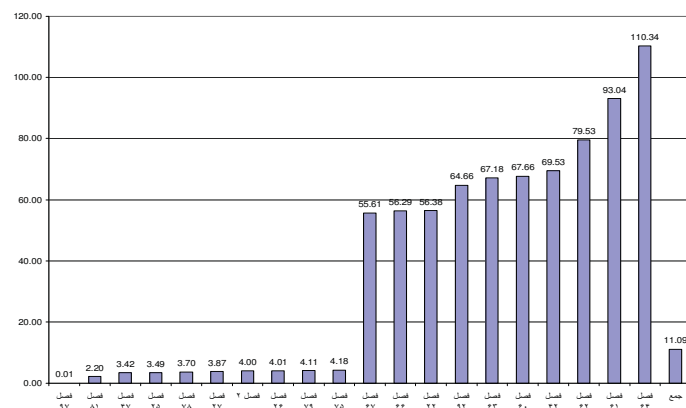
جدول ۸-۲۴ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۸۶

فصول کالایی	وزن واردات (کیلوگرم)	ارزش ریالی واردات	ارزش دلاری واردات	حقوق ورودی دریافتی	نرخ متوسط حقوق ورودی
فصل ۹۷	۱۲۹،۵۶۳	۸۹۹،۱۷۳،۰۵۳،۳۱۷	۹۶،۴۵۷،۴۵۴	۱۰۴،۳۵۸،۶۰۴	۰/۰۱
فصل ۸۱	۱۰،۶۳۸،۴۴۳	۱۳۸،۸۷۹،۱۷۰،۷۳۱	۱۴،۹۲۹،۳۲۴	۳،۰۵۸،۳۷۴،۴۲۲	۲/۲۰
فصل ۴۷	۱۰۸،۷۶۳،۶۶۹	۹۴۶،۸۰۱،۷۸۳،۶۷۳	۱۰۱،۹۲۳،۱۰۵	۳۲،۴۲۵،۶۱۸،۵۲۱	۳/۴۲
فصل ۲۵	۵۰۹،۸۱۵،۱۹۲	۱،۷۰۵،۱۷۶،۴۴۵،۸۸۸	۱۸۳،۳۲۶،۹۲۴	۵۹،۴۹۵،۱۴۵،۷۴۵	۳/۴۹
فصل ۷۸	۸،۸۲۶،۵۷۸	۱۳۳،۷۹۷،۵۱۱،۹۲۲	۱۴،۳۷۶،۳۸۵	۴،۹۴۵،۳۴۸،۱۲۶	۳/۷۰
فصل ۲۷	۷،۰۶۶،۴۱۱،۶۸۴	۴۰،۸۳۷،۳۲۸،۶۶۰،۶۲۲	۴،۳۹۶،۸۸۷،۵۹۶	۱،۵۸۰،۰۵۸۵،۰۴۰،۴۰۷	۳/۸۷
فصل ۲	۹۷،۹۶۹،۶۸۶	۲،۲۱۰،۷۶۳،۶۸۸،۸۳۹	۲۳۸،۱۹۸،۸۵۰	۸۸،۴۳۰،۵۴۷،۵۴۶	۴/۰۰
فصل ۲۶	۹۹۹،۱۸۰،۲۳۷	۱،۲۱۲،۰۳۱،۹۹۱،۴۶۰	۱۳۰،۸۵۱،۸۲۷	۴۸،۵۷۷،۰۵۴،۷۴۶	۴/۰۱
فصل ۷۹	۱۰،۳۴۲،۶۷۴	۲۹۲،۸۳۲،۸۲۰،۴۷۳	۳۱،۵۲۳،۱۴۹	۱۲،۰۴۳،۵۱۶،۰۹۷	۴/۱۱
فصل ۷۵	۱،۴۴۶،۱۰۶	۴۲۹،۰۱۷،۵۳۲،۹۴۳	۴۶،۱۰۷،۶۶۳	۱۷،۹۲۲،۴۰۹،۰۸۵	۴/۱۸
فصل ۶۷	۳،۶۲۱،۹۲۰	۷۳،۴۹۱،۶۸۲،۸۳۴	۷،۹۰۵،۳۷۷	۴۰،۸۶۵،۷۲۴،۷۸۹	۵۵/۶۱
فصل ۶۶	۵۹۰،۳۱۳	۶،۵۰۵،۴۸۳،۲۲۶	۶۹۹،۳۲۰	۳،۶۶۱،۶۱۹،۸۹۶	۵۶/۲۹
فصل ۲۲	۶۴،۷۴۶،۰۴۹	۳۰۵،۶۱۲،۶۳۷،۳۹۷	۳۲،۹۱۵،۲۸۳	۱۷۲،۲۹۱،۷۵۵،۲۴۴	۵۶/۳۸
فصل ۹۲	۱۰،۰۲۸،۱۲	۳۴،۴۴۱،۲۶۹،۷۵۵	۳،۷۰۰،۴۳۱	۲۲،۲۷۰،۴۷۵،۹۰۷	۶۴/۶۶
فصل ۶۳	۳،۷۵۵،۸۰۳	۷۵،۵۷۴،۳۷۵،۹۷۱	۸،۱۳۴،۱۱۹	۵۰،۷۶۹،۴۷۳،۵۷۶	۶۷/۱۸
فصل ۶۰	۵۶۰،۴۶۶	۱۵،۹۰۳،۷۴۳،۲۳۸	۱،۷۰۷،۰۵۳	۱۰،۷۶۱،۱۹۶،۲۲۱	۶۷/۶۶
فصل ۴۲	۱۲،۶۵۵،۹۴۱	۱۴۲،۶۶۸،۵۷۰،۷۵۳	۱۵،۳۵۳،۲۱۵	۹۹،۱۹۶،۵۷۶،۹۴۵	۶۹/۵۳
فصل ۶۲	۷۹۰،۳۵۸	۷۴،۶۹۱،۷۰۵،۸۴۵	۸،۰۴۴،۷۷۸	۵۹،۴۰۳،۳۹۵،۷۴۹	۷۹/۵۳
فصل ۶۱	۴۸۱،۷۵۳	۲۰،۱۷۸،۷۴۳،۰۵۲	۲،۱۷۰،۳۲۹	۱۸،۷۷۳،۴۹۶،۱۵۵	۹۳/۰۴
فصل ۶۴	۱،۹۱۹،۷۶۰	۵۹،۶۵۰،۵۳۹،۳۶۵	۶،۴۲۰،۶۸۷	۶۵،۸۱۹،۴۰۸،۱۱۳	۱۱۰/۳۴
جمع	۴۱،۷۰۸،۶۲۵،۸۱۳	۴۴۸،۳۴۹،۵۸۶،۳۶۶،۴۱۶	۴۸،۲۷۰،۴۴۰،۳۷۶	۴۹،۷۱۶،۸۵۲،۶۷۸،۵۲۲	۱۱/۰۹

مأخذ: همان.

۲۵۰ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

مطابق جدول ۲۴-۸ متوسط نرخ حقوق ورودی اخذ شده از کل کالاها در سال ۱۳۸۶ حدود ۱۱/۰۹ درصد بوده که به تفکیک فصول شامل دامنه یا کرانه نرخ‌هایی از ۰/۰۱ تا ۱۱۰/۳۴ درصد می‌باشد.



ماخذ: همان.

نمودار ۱۲-۸ کمترین و بیشترین متوسط حقوق ورودی اخذ شده در فصول کالایی سال ۱۳۸۶

فصول با کمترین نرخ حقوق ورودی در سال ۱۳۸۶ به ترتیب شامل: فصل ۹۷ (اشیای هنری، اشیای کلکسیون یا عتیقه) با ۰/۰۱ درصد حقوق ورودی، فصل ۸۱ (سایر فلزات معمولی؛ سرمته‌ها؛ مصنوعات از این مواد) با ۲/۲ درصد حقوق ورودی، فصل ۴۷ (خمیر چوب یا سایر مواد الیافی سلولزی؛ کاغذ یا مقوا برای بازیافت آخال و ضایعات) با ۳/۴۲ درصد حقوق ورودی، فصل ۲۵ (نمک؛ گوگرد؛ خاک و سنگ؛ گچ، آهک و سیمان) با ۳/۴۹ درصد حقوق ورودی، فصل ۷۸ (سرب و مصنوعات از سرب) با ۳/۷ درصد حقوق ورودی، فصل ۲۷ (سوخت‌های معدنی، روغن‌های معدنی و محصولات حاصل از تقطیر آنها، مواد قیری؛ موم‌های معدنی) با ۳/۸۷ درصد حقوق ورودی، فصل ۲ (گوشت و احشای خوراکی) با ۴ درصد حقوق ورودی، فصل ۲۶ (سنگ فلز، جوش و خاکستر) با ۴/۰۱ درصد حقوق ورودی، فصل ۷۹ (روی و مصنوعات روی) با ۴/۱۱ درصد حقوق ورودی و فصل ۷۵ (نیکل و مصنوعات از نیکل) با ۴/۱۸ درصد حقوق ورودی است.

فصول با بیشترین نرخ حقوق ورودی در سال ۱۳۸۶ به ترتیب شامل: فصل ۶۷ (پر و پر نرم آماده و اشیای ساخته شده از پر یا از پر نرم؛ گل‌های مصنوعی؛ اشیای ساخته شده از موی انسان) با ۵۵/۶۱ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۶ (چتر بارانی، چتر آفتابی، عصا، عصای صندلی‌شو، تازیانه و اجزای آنها) با ۵۶/۲۹ درصد حقوق ورودی، فصل ۲۲ (نوشابه‌ها، آبگون‌های الکلی و سرکه) با ۵۶/۳۸ درصد حقوق ورودی، فصل ۹۲ (آلات موسیقی؛ اجزای قطعات و متفرعات این آلات) با ۶۴/۶۶ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۳ (سایر اشیای نسجی دوخته و مهیا؛ مجموعه‌ها؛ لباس و اشیای نسجی مستعمل؛ ضایعات و کهنه پارچه‌های نسجی) با ۶۷/۱۸ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۰ (پارچه‌های کشف یا قلاب‌باف) با ۶۷/۶۶ درصد حقوق ورودی، فصل ۴۲ (اشیای ساخته شده از چرم؛ مصنوعات زین و برگ‌سازی؛ لوازم سفر، کیف‌های دستی و محفظه‌های همانند؛ اشیای ساخته شده از روده (به‌غیر از اشیای ساخته شده از احشای کرم ابریشم)) با ۶۹/۵۳ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۲ (لباس و متفرعات لباس، غیرکشف یا غیرقلاب‌باف) با ۷۹/۵۳ درصد حقوق ورودی، فصل ۶۱ (لباس و متفرعات لباس، کشف یا قلاب‌باف) با ۹۳/۰۴ درصد حقوق ورودی و فصل ۶۴ (کفش، گتر و اشیای همانند، اجزای این اشیای) با ۱۱۰/۳۴ درصد حقوق ورودی است.

۲-۸ مقایسه سطوح نرخ‌های حقوق ورودی به تفکیک فصول کالایی از سال

۱۳۷۵ الی فروردین ۱۳۸۷

علی‌رغم مقایسه سال به سال نرخ‌های حقوق ورودی و بررسی کمترین و بیشترین نرخ‌های تعرفه در سال‌های ۱۳۷۵ الی ۱۳۸۶ لازم است نگاهی کلی به این ۱۳ سال کرده و بررسی شود که به‌طور کلی در این ۱۳ سال چه فصولی دارای کمترین یا بیشترین نرخ‌های تعرفه بوده است. در این فصل به این موضوع پرداخته می‌شود.

۱-۲-۸ احصای کمترین نرخ‌های حقوق ورودی به تفکیک فصول کالایی از سال

۱۳۷۵ الی فروردین ۱۳۸۷

از ۹۸ فصل موجود در نظام طبقه‌بندی هماهنگ، ۱۰ فصل کمترین نرخ حقوق ورودی را دارد.

۲۵۲ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

با بررسی و تقسیم‌بندی برحسب فراوانی فصول دارای کمترین نرخ حقوق ورودی مشاهده می‌شود که ۳۰ فصل از ۹۸ فصل کالایی در طول ۱۳ سال مورد بررسی جزء این فصول بوده‌اند. در این ۱۳ سال یکی از فصول کالایی در طول ۱۱ سال اخیر جزء فصل‌های دارای کمترین نرخ حقوق ورودی بوده و برخی فصول نیز تنها یک سال جزء این فصول بوده‌اند.

۲-۲-۸ احصای بیشترین نرخ‌های حقوق ورودی به تفکیک فصول کالایی از سال

۱۳۷۵ الی فروردین ۱۳۸۷

از ۹۸ فصل موجود در طبقه‌بندی سیستم هماهنگ طبقه‌بندی و کدگذاری کالا، ۱۰ فصل به‌عنوان فصل‌های دارای بیشترین نرخ حقوق ورودی احصا شده است. ۲۶ فصل از ۹۸ فصل کالایی در طول ۱۳ سال مورد بررسی جزء فصول دارای بیشترین نرخ حقوق ورودی بوده‌اند. در طول این ۱۳ سال دو فصل کالایی در طول ۱۱ سال اخیر جزء فصل‌های دارای بیشترین نرخ حقوق ورودی بوده و برخی فصول نیز تنها در یک سال به‌عنوان فصول دارای بیشترین نرخ حقوق ورودی بوده‌اند.

۳۰ فصل دارای کمترین نرخ حقوق ورودی را می‌توان به تفکیک تکرار و فراوانی

آنها در طول ۱۳ سال مورد بررسی در سه حوزه تقسیم‌بندی کرد.

سطح اول، فصولی است که طی این ۱۳ سال از فراوانی بالایی برخوردار است. این فصول عبارت‌اند از: فصل ۳۱ (کودها) در ۱۱ سال، فصل ۴۷ (خمیر چوب یا سایر مواد الیافی سلولزی؛ کاغذ یا مقوا برای بازیافت آخال و ضایعات) در ۱۰ سال، فصل ۹۷ (اشیای هنری، اشیای کلکسیون یا عتیقه) در ۹ سال، فصل ۳۰ (محصولات دارویی) و فصل ۲۶ (سنگ فلز، جوش و خاکستر) در ۸ سال، فصل ۸۱ (سایر فلزات معمولی؛ سرامت‌ها؛ مصنوعات از این مواد) در ۷ سال، فصل ۲۳ (آخال و تفاله صنایع خوراک‌سازی؛ خوراکی‌های آماده برای حیوانات)، فصل ۲۹ (محصولات شیمیایی آلی) و فصل ۷۱ (مروارید طبیعی یا پرورده، سنگ‌های گران‌بها یا نیمه گران‌بها، فلزات گران‌بها، فلزات دارای روکش یا پوشش از فلزات گران‌بها و اشیای ساخته شده از این مواد؛ زیورآلات بدلی؛ سکه) در ۶ سال و فصل ۱۰ (غلات) و فصل ۵ (سایر محصولات حیوانی، که در

جای دیگر گفته نشده و مشمول شماره دیگر تعرفه نشده باشد) نیز در ۵ سال به‌عنوان یکی از فصول دارای کمترین نرخ حقوق ورودی قرار داشت.

سطح دوم، فصولی است که در این ۱۳ سال از فراوانی متوسطی برخوردار است. این فصول عبارت‌اند از فصل ۱۷ (قند و شکر و شیرینی)، ۲۷ (سوختهای معدنی، روغن‌های معدنی و محصولات حاصل از تقطیر آنها، مواد قیری؛ موم‌های معدنی)، ۴۱ (پوست خام (غیر از پوست‌های نرم) و چرم)، ۵۱ (پشم، موی نرم (کرک) یا زبر حیوان، نخ و پارچه‌های تار و پودباف از موی یال و دم)، ۷۸ (سرب و مصنوعات از سرب)، ۸۰ (قلع و مصنوعات از قلع) و ۸۶ (لکوموتیوهای راه‌آهن یا تراموای، نواقل روی خط راه‌آهن، اجزا و قطعات آنها، ملحقات و مهارکننده‌های خط راه‌آهن یا تراموای و اجزا و قطعات آنها؛ تجهیزات علامت دادن مکانیکی ترافیک (از جمله الکترومکانیکی) از هر نوع) که هرکدام در ۴ سال به‌عنوان قسمت‌های دارای کمترین نرخ حقوق ورودی قرار داشت. همچنین فصول ۱۲ (دانه و میوه‌های روغن‌دار؛ دانه، بذر و میوه‌های گوناگون؛ نباتات صنعتی یا دارویی؛ کاه و نواله)، ۱۵ (چربی‌ها و روغن‌های حیوانی یا نباتی؛ فراورده‌های حاصل از تفکیک آنها؛ چربی‌های خوراکی آماده؛ موم‌های حیوانی یا نباتی) و ۷۹ (روی و مصنوعات روی) نیز در ۳ سال به‌عنوان قسمت‌های دارای کمترین نرخ حقوق ورودی قرار داشت.

سطح سوم، فصولی است که در طول این ۱۳ سال از فراوانی کمی برخوردار است. این فصول عبارت‌اند از: فصول ۲ (گوشت و احشای خوراکی)، ۴۵ (چوب‌پنبه و اشیای ساخته شده از چوب‌پنبه) و ۸۹ (کشتی‌ها، قایق‌ها و شناورها) که تنها ۲ سال به‌عنوان یکی از فصول دارای کمترین نرخ حقوق ورودی قرار داشته است. و فصول ۱ (حیوانات زنده)، ۱۶ (فراورده‌های گوشت، ماهی یا قشرداران، صدف‌داران یا سایر آبزیان فاقد ستون فقرات)، ۲۵ (نمک؛ گوگرد؛ خاک و سنگ؛ گچ، آهک و سیمان)، ۴۳ (پوست‌های نرم طبیعی و پوست‌های نرم بدلی؛ اشیای ساخته شده از آنها)، ۵۰ (ابریشم) و ۷۵ (نیکل و مصنوعات از نیکل) نیز تنها در یک سال به‌عنوان فصول دارای کمترین نرخ حقوق ورودی قرار داشت.

۲۶ فصل دارای بیشترین نرخ حقوق ورودی را می‌توان به تفکیک تکرار و فراوانی

آنها در طول ۱۳ سال مورد بررسی به سه حوزه تقسیم‌بندی کرد.

سطح اول، فصولی است که در این ۱۳ سال از فراوانی بالایی برخوردار است. این فصول عبارت‌اند از: فصل ۶۱ (لباس و متفرعات لباس، غیرکشاف یا غیرقلاب‌باف) و ۶۴ (کفش، گتر و اشیای همانند، اجزای این اشیای) در ۱۱ سال، فصل ۶۳ (سایر اشیای نسجی دوخته و مهیا؛ مجموعه‌ها؛ لباس و اشیای نسجی مستعمل؛ ضایعات و کهنه پارچه‌های نسجی) در ۱۰ سال، فصول ۲۲ (نوشابه‌ها، آبگون‌های الکلی و سرکه)، ۴۲ (اشیای ساخته شده از چرم؛ مصنوعات زین و برگ‌سازی؛ لوازم سفر، کیف‌های دستی و محفظه‌های همانند؛ اشیای ساخته شده از روده (به‌غیراز اشیای ساخته شده از احشای کرم ابریشم)) و ۶۲ (لباس و متفرعات لباس، غیرکشاف یا غیرقلاب‌باف) در ۹ سال، فصول ۶۶ (چتر بارانی، چتر آفتابی، عصا، عصای صندلی‌شو، تازیانه و اجزای آنها)، ۶۷ (پر و پر نرم آماده و اشیای ساخته شده از پر یا از پر نرم؛ گل‌های مصنوعی؛ اشیای ساخته شده از موی انسان) و ۸ (میوه‌های خوراکی؛ پوست مرکبات یا پوست خربزه و همانند) در ۸ سال و فصول ۴۳ (پوست‌های نرم طبیعی و پوست‌های نرم بدلی؛ اشیای ساخته شده از آنها)، ۶۰ (پارچه‌های کشاف یا قلاب‌باف) و ۶۵ (کلاه و اجزای کلاه) نیز در ۶ سال به‌عنوان یکی از فصول دارای بیشترین نرخ حقوق ورودی قرار داشت.

سطح دوم، فصولی است که در این ۱۳ سال از فراوانی متوسطی برخوردار است. این فصول عبارت‌اند از: فصل ۲۰ (فراورده‌ها از سبزیجات، میوه‌ها یا از سایر اجزای نباتات) که در ۴ سال و فصول ۲۱ (فراورده‌های خوراکی گوناگون)، ۴۶ (مصنوعات حصیربافی یا سببافی)، ۵۷ (فرش و سایر کفیوش‌ها از مواد نسجی) و ۹۴ (مبل، مبل‌های طبی - جراحی؛ اسباب تخت‌خواب و همانند؛ چراغ و وسایل روشنایی که در جای دیگر گفته نشده یا مشمول شماره‌های دیگر نباشد؛ چراغ‌های تبلیغاتی علائم نورانی، تابلوهای نورانی راهنما و اشیای همانند؛ ساختمان‌های پیش‌ساخته) که در ۳ سال به‌عنوان قسمت‌های دارای بیشترین نرخ حقوق ورودی قرار داشت.

سطح سوم، فصولی است که در طول این ۱۳ سال از فراوانی کمی برخوردار است. این فصول عبارت‌اند از: فصول ۱۴ (مواد قابل بافت؛ سایر محصولات نباتی که در جای دیگر گفته شده و مشمول شماره دیگر تعرفه نباشد)، فصل ۱۹ (فراورده‌های غلات، آرد،

نشاسته، فکول یا شیر؛ نان‌های شیرینی)، ۵۰ (ابریشم) و ۹۲ (آلات موسیقی؛ اجزا، قطعات و متفرعات این آلات) که تنها ۲ سال به‌عنوان یکی از فصول، دارای بیشترین نرخ حقوق ورودی قرار داشته است. همچنین فصول ۱۶ (فراورده‌های گوشت، ماهی یا قشرداران، صدف‌داران یا سایر آبزیان فاقد ستون فقرات)، ۱۸ (کاکائو و فراورده‌های آن)، ۲ (گوشت و احشای خوراکی)، ۷۲ (چدن، آهن و فولاد) و ۸۳ (مصنوعات از چدن، آهن یا فولاد) نیز تنها در یک سال به‌عنوان فصول دارای بیشترین نرخ حقوق ورودی قرار داشت.

۳-۸ بررسی کرانه‌های حقوق ورودی (اختلاف میان کمترین و بیشترین

نرخ‌های حقوق ورودی در سال‌های ۱۳۷۵ تا فروردین ۱۳۸۷)

یکی از پارامترهای اساسی برای تحلیل سطوح تعرفه‌ای، کرانه‌های حقوق ورودی است که به معنای اختلاف میان کمترین و بیشترین نرخ‌های حقوق ورودی است. برای بررسی این موضوع با توجه به طبقه‌بندی سیستم هماهنگ طبقه‌بندی و کدگذاری کالا، کمترین نرخ حقوق ورودی، بیشترین نرخ حقوق ورودی و اختلاف این دو در سه سطح چند هزار قلم کالا و ۹۸ فصل کالایی احصا و به شکل جدول ۲۵-۸ طبقه‌بندی می‌شود.

جدول ۸-۲۵ کمترین، بیشترین و اختلاف سطوح تعرفه‌ای در دو حوزه اقلام و فصول کالایی

متوسط حقوق ورودی	اختلاف سطوح تعرفه‌ای حقوق ورودی قسمت‌ها	بالاترین نرخ حقوق ورودی قسمت‌ها	کمترین نرخ حقوق ورودی قسمت‌ها	اختلاف سطوح تعرفه‌ای حقوق ورودی	بالاترین نرخ حقوق ورودی	کمترین نرخ حقوق ورودی	اختلاف سطوح تعرفه‌ای حقوق ورودی	بالاترین نرخ حقوق ورودی	کمترین نرخ حقوق ورودی	سال
۸/۴۴	۴۰/۶۱	۴۰/۶۲	۰/۰۱	۴۹/۵۵	۴۹/۵۵	۰/۰۰	۱۰۹۸/۳۷	۱۰۹۸/۳۷	۰/۰۰	۱۳۷۵
۶/۹۳	۴۴/۳۲	۴۴/۳۳	۰/۰۱	۱۸۴/۲۶	۱۸۴/۲۶	۰/۰۰	۴۱۰/۰۰	۴۱۰/۰۰	۰/۰۰	۱۳۷۶
۹/۷۱	۶۰/۶۶	۶۱/۰۳	۰/۳۷	۹۵/۰۰	۹۵/۰۰	۰/۰۰	۹۸۰/۲/۹۸	۹۸۰/۲/۹۸	۰/۰۰	۱۳۷۷
۱۲/۴۷	۱۰۷/۶۸	۱۰۷/۶۸	۰/۰۰	۲۱۵/۰۰	۲۱۵/۰۰	۰/۰۰	۲۸۳۶/۴۳	۲۸۳۶/۴۳	۰/۰۰	۱۳۷۸
۱۵/۹۹	۱۲۹/۶۷	۱۲۹/۸۲	۰/۱۵	۳۶۶/۲۳	۳۶۶/۲۳	۰/۰۰	۵۲۰/۰۰	۵۲۰/۰۰	۰/۰۰	۱۳۷۹
۲۴/۱۸	۲۰۵/۱۹	۲۰۷/۱۲	۱/۹۳	۵۲۰/۰۰	۵۲۰/۰۰	۰/۰۰	۷۷۴/۲۵	۷۷۴/۲۵	۰/۰۰	۱۳۸۰
۶/۸۲	۷۱/۹۷	۷۱/۹۹	۰/۰۲	۱۱۵/۸۹	۱۱۵/۹۱	۰/۰۲	۵۲۰/۰۰	۵۲۰/۰۰	۰/۰۰	۱۳۸۱
۸/۵۵	۶۶/۴۵	۶۷/۴۵	۱/۰۰	۸۳/۰۳	۸۴/۰۴	۱/۰۰	۱۵۰۹/۹۹	۱۵۰۹/۹۹	۰/۰۰	۱۳۸۲
۱۲/۳۷	۶۷/۶۹	۶۹/۹۰	۲/۲۱	۸۶/۲۳	۸۶/۲۳	۰/۰۰	۱۲۹۱/۶۶	۱۲۹۱/۶۶	۰/۰۰	۱۳۸۳
۱۱/۰۶	۱۳۵/۵۴	۱۳۹/۶۲	۴/۰۹	۱۸۲/۸۶	۱۸۲/۸۶	۰/۰۱	۲۹۳۶/۷۸	۲۹۳۶/۷۸	۰/۰۰	۱۳۸۴
۱۱/۷۲	۷۵/۳۲	۷۸/۶۱	۳/۲۹	۱۱۴/۴۴	۱۱۴/۵۳	۰/۰۹	۴۲۶/۲۰	۴۲۶/۲۰	۰/۰۰	۱۳۸۵
۱۱/۰۹	۷۰/۳۱	۷۴/۱۷	۳/۸۶	۱۱۰/۳۳	۱۱۰/۳۴	۰/۰۱	۸۶۷/۵۴	۸۶۷/۵۴	۰/۰۰	۱۳۸۶
۱۰/۰۲	۶۲/۰۴	۶۶/۸۵	۴/۸۱	۱۲۵/۹۱	۱۲۹/۹۱	۴/۰۰	۶۸۷/۲۲	۶۸۷/۲۲	۰/۰۰	فروردین ۱۳۸۷

منبع: همان.

۱-۳-۸ بررسی کرانه‌های حقوق ورودی به تفکیک اقلام کالایی در سال‌های ۱۳۷۵

تا فروردین ۱۳۸۷

اولین مرحله از بررسی کرانه‌های تعرفه‌ای بررسی سطوح کالایی است. اقلام کالایی براساس تقسیم‌بندی سیستم هماهنگ طبقه‌بندی و کدگذاری کالا در سال ۱۳۷۵ معادل ۲۹۷۰ و در سال ۱۳۸۶ به ۵۵۶۰ قلم کالا رسیده است.

۱-۳-۱-۱ بررسی اختلاف سطوح تعرفه‌ای حقوق ورودی کالایی در سال‌های ۱۳۷۵ تا

فروردین ۱۳۸۷

در تمامی ۱۳ سال مورد بررسی، اقلام کالایی متعددی وجود دارد که نرخ تعرفه آن صفر درصد است و شاید این موضوع در سال‌های قبل از ۱۳۸۱ اندکی قابل توجیه باشد ولی بعد از این سال به دلیل قانون موسوم به تجمیع عوارض، با ابهاماتی مواجه است. براساس این قانون حقوق ورودی اخذ شده از یک کالا از دو قسمت حقوق پایه و سود بازرگانی تشکیل می‌شود. حقوق پایه نرخ ثابت ۴ درصدی است که مجلس تعیین می‌کند و ثابت است و سود بازرگانی نرخی است که برای تنظیم بازار دولت تعیین می‌کند و بنا به موقعیت‌های خاص می‌تواند از نرخ‌های متفاوتی برخوردار باشد. مجموع این دو نرخ حقوق ورودی کالا را تشکیل می‌دهد که بعد از ترخیص کالا از گمرک از کالا اخذ می‌شود.

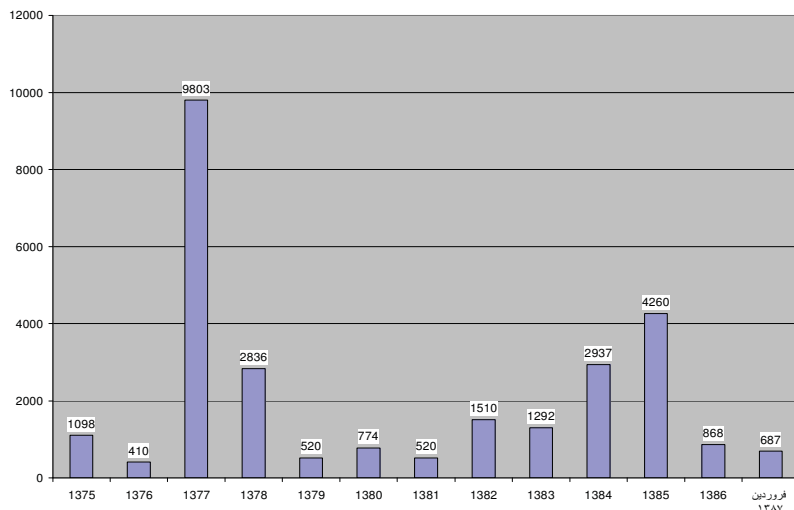
بنابراین انتظار این است که حقوق ورودی اخذ شده از تمامی کالاها در هنگام ورود حداقل شامل ۴ درصد حقوق پایه باشد.

در بررسی بیشترین سطوح حقوق ورودی نیز مشاهده می‌شود که در سال‌های مختلف، نرخ‌های تعرفه‌ای بسیار بالایی نیز وجود داشته است، برای مثال در سال ۱۳۷۷ نرخ حقوق ورودی ۹۸۰۳ درصدی به‌عنوان بالاترین نرخ حقوق ورودی بوده و در همان سال نرخ حقوق ورودی صفر درصدی نیز وجود داشته است.

بنابراین اختلاف سطوح تعرفه‌ای و حقوق ورودی کالایی در سال‌های مورد بررسی بسیار بالا بوده و برای مثال در سال ۱۳۷۶ کمترین اختلاف سطوح تعرفه‌ای حدود ۴۱۰ درصد بوده و بیشترین اختلاف سطوح تعرفه‌ای در سال ۱۳۷۷ و معادل ۹۸۰۳ درصد بوده است. با توجه به نمودار ۱۳-۸ می‌توان عنوان کرد که در طول این ۱۳ سال اختلاف

۲۵۸ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

سطوح تعرفه‌ای حقوق ورودی کالایی حدود ۲۱۱۷ درصد بوده که اختلاف بسیار بالایی محسوب می‌شود.

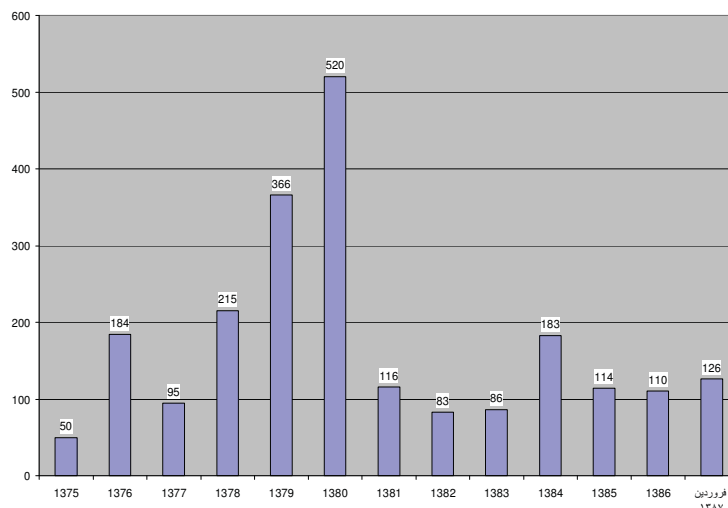


مأخذ: همان.

نمودار ۱۳-۸ اختلاف سطوح تعرفه‌ای حقوق ورودی کالایی طی سال‌های ۱۳۷۵ تا فروردین ۱۳۸۷

۲-۱-۳-۸ بررسی اختلاف سطوح تعرفه‌ای حقوق ورودی فصول کالایی در سال‌های ۱۳۷۵ تا فروردین ۱۳۸۷

در تمامی سال‌های ۱۳۷۵ تا فروردین ۱۳۸۷ فصول کالایی متعددی وجود داشت که نرخ حقوق ورودی آنها صفر بوده است. در بررسی بیشترین سطوح حقوق ورودی مشاهده شد که در برخی سال‌ها بعضی فصول کالایی از نرخ‌های تعرفه‌ای بسیار بالایی نیز برخوردار بوده است، برای مثال در سال ۱۳۸۰ نرخ حقوق ورودی فصل ۶۱ یعنی لباس و متفرعات لباس، کشباف یا قلاب‌باف معادل ۵۲۰ درصد بوده و در همان سال نرخ حقوق ورودی فصل ۳۱ یعنی کودها صفر درصد بوده است.



مأخذ: همان.

نمودار ۸-۱۴ اختلاف سطوح تعرفه‌ای حقوق ورودی فصول کالایی طی سال‌های ۱۳۷۵ تا فروردین ۱۳۸۷

بنابراین، اختلاف سطوح تعرفه‌ای و حقوق ورودی فصول کالایی در سال‌های مورد بررسی بسیار بالا بوده و برای مثال در سال ۱۳۷۵ کمترین اختلاف سطوح تعرفه‌ای در حدود ۵۰ درصد بوده و بیشترین اختلاف سطوح تعرفه‌ای در سال ۱۳۸۰ و معادل ۵۲۰ درصد بوده است. با توجه به نمودار ۸-۱۴ می‌توان عنوان کرد که در طول این ۱۳ سال اختلاف سطوح تعرفه‌ای حقوق ورودی کالایی حدود ۱۷۳ درصد بوده که اختلاف بسیار بالایی محسوب می‌شود.

۸-۴ بررسی نرخ‌های بالای تعرفه‌ای و احصای پیک‌های تعرفه

در این بخش آمار و اطلاعات مربوط به نرخ‌های تعرفه در سال‌های ۱۳۷۵ الی ۱۳۸۶ در دو قسمت اقلام، فصول کالایی مورد بررسی قرار گرفته و تلاش خواهد شد که نرخ‌های بالای تعرفه‌ای در این دو حوزه احصا شود.

۲۶۰ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

تعرفه‌های بالا^۱ نرخ‌های تعرفه‌ای است که فاصله زیادی از متوسط ساده تعرفه در کشور دارد که بیانگر حمایت بالا از آن کالا یا فصل است. هرچند وجود این نرخ‌ها نسبت به میانگین محاسبه می‌شود ولی در دور مذاکرات اروگوئه به تعرفه‌های بالاتر از ۱۵ درصد، تعرفه‌های بالا اطلاق شده است. برای اینکه معیاری برای نرخ‌های بالا در نظر گرفته شود، اقلام تعرفه‌ای با سه معیار تفکیک شده است:

معیار اول: یکی از معیارهای مقایسه تعرفه حداقل نرخ حقوق ورودی است، براساس ماده (۲) قانون تجمیع عوارض و ماده (۱۵) قانون مالیات بر ارزش افزوده نرخ‌های تعرفه مصوب دولت نباید از ۴ درصد ارزش گمرکی کالا کمتر باشد. بنابراین، حداقل نرخ تعرفه باید ۴ درصد باشد در صورتی که با بررسی نرخ‌های تعرفه مشاهده می‌شود که در بسیاری از موارد نرخ‌های کمتر از ۴ درصد وجود داشته است. از این رو تعداد نرخ‌هایی که زیر ۴ درصد است با تعداد نرخ‌های بالای متوسط مقایسه شده است.

معیار دوم: در این قسمت نرخ متوسط تعرفه محاسبه شده و تعداد نرخ‌هایی که زیر این نرخ است با تعداد نرخ‌های بالای متوسط مقایسه شده است.

معیار سوم: یکی از معیارهای احصای نرخ‌های تورم بالا از طریق مراجعه به تعاریف موجود در سازمان جهانی تجارت است. همان‌طور که اشاره شد در دور اروگوئه تعرفه‌های بالای ۱۵ درصد تعرفه‌های بالا تلقی شد، بنابراین به‌عنوان معیار بعدی برای شناخت تعرفه بالا تعداد نرخ‌هایی که زیر ۱۵ درصد است با تعداد نرخ‌های بالای ۱۵ درصد مقایسه شده است.

در این بخش اقلام، فصول و قسمت‌های کالایی با توجه به سه معیار فوق را بررسی می‌کنیم.

۸-۴-۱ بررسی نرخ‌های تعرفه‌ای بالا در میان اقلام کالایی در سال‌های ۱۳۷۵ الی

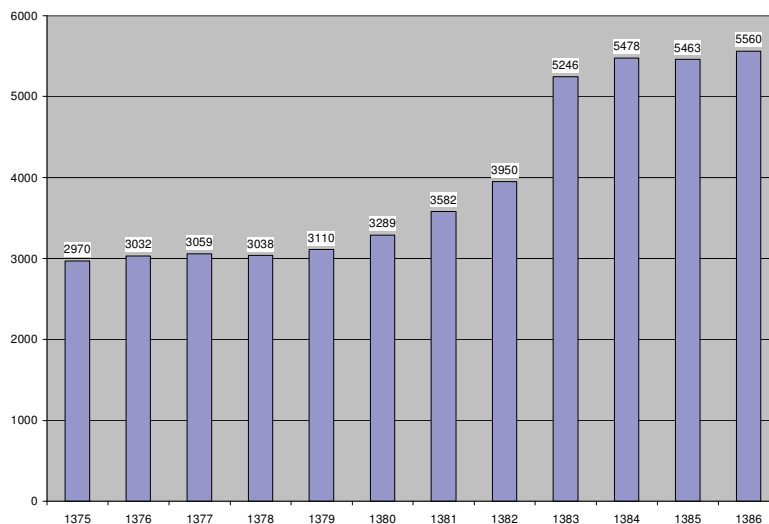
۱۳۸۷

تعداد اقلام کالایی وارد شده به کشور در هر سال براساس نظام طبقه‌بندی هماهنگ، در تمامی سال‌های مورد بررسی متفاوت بوده است. در طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۶

1. Peak Tariffs

فصل هشتم وضعیت تعرفه‌ها در گروه‌های کالایی کشور ۲۶۱

به ترتیب تعداد ۲۹۷۰، ۳۰۳۲، ۳۰۵۹، ۳۰۳۸، ۳۱۱۰، ۳۲۸۹، ۳۵۸۲، ۳۹۵۰، ۵۲۴۶، ۵۴۷۸، ۵۴۶۳ و ۵۵۶۰ قلم کالا به کشور وارد شده است.



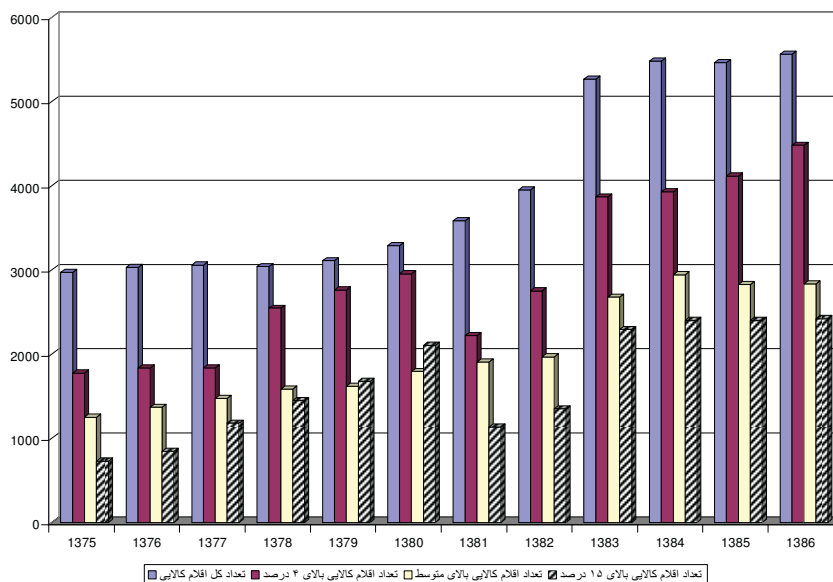
مأخذ: همان.

نمودار ۸-۱۵ تعداد و تنوع اقلام کالایی در کشور طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۶

همان‌طور که در نمودار ۸-۱۵ مشاهده می‌شود تعداد کالاها از ۲۹۷۰ قلم کالا در سال ۱۳۷۵ به ۵۵۶۰ قلم کالا در سال ۱۳۸۶ رسیده است. این تعداد در طول سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹ تقریباً ثابت بوده و بعد با شیبی مثبت افزایش یافته تا در سال ۱۳۸۳ به سطحی بالا رسیده و مجدداً تا سال ۱۳۸۶ به‌طور نسبی ثابت باقی مانده است. در این قسمت تعداد اقلام کالایی بالای ۴ درصد، بالای متوسط و بالای ۱۵ درصد محاسبه شده و سهم هرکدام از کل اقلام کالایی در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۶ بررسی می‌شود تا تأثیر تغییرات نرخ متوسط کل تعرفه‌ای بر کاهش یا افزایش سهم تعرفه‌های بالا مورد بررسی قرار گیرد.

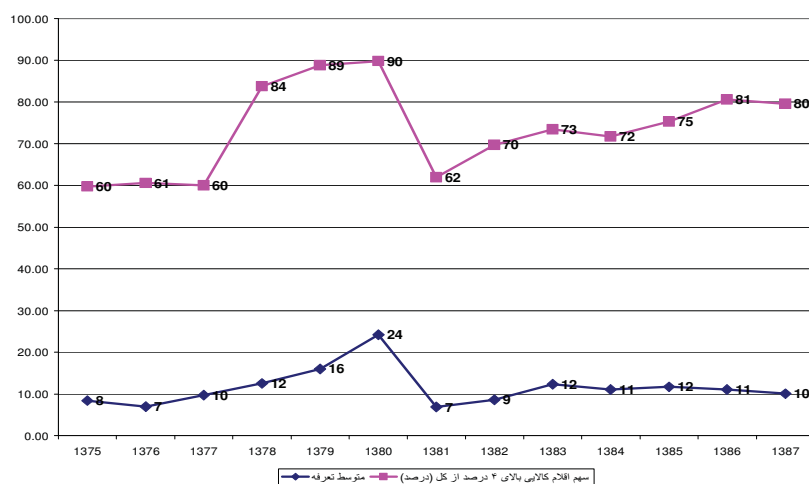
است؛ یعنی سهم کالاهایی که نرخ حقوق ورودی کمتر از ۴ درصد داشته است در طول این سال‌ها کاهش داشته و از ۳۸ درصد در سال ۱۳۸۱ به کمتر از ۲۰ درصد رسیده است. هرچند این روند رو به بهبود است باین‌حال مطابق قانون این موارد - به‌جز معافیت‌های مندرج در قوانین - باید به صفر برسد.

تنها در ۲ سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰، تعداد کالاهای دارای نرخ بالای ۱۵ درصد از تعداد اقلام کالایی بالای متوسط بیشتر شده است، دلیل این امر آن است که نرخ متوسط تعرفه در این ۲ سال در سطحی بسیار بالا و بیشتر از ۱۵ درصد بوده است. نرخ متوسط تعرفه در این دو سال به‌ترتیب حدود ۱۶ و ۲۴ درصد بوده است.



مأخذ: همان.

نمودار ۱۶-۸ مقایسه تعداد اقلام کالایی بالای ۴ درصد، بالای متوسط و بالای ۱۵ درصد



مأخذ: همان.

نمودار ۱۷-۸ مقایسه روند سهم اقلام کالایی بالای ۴ درصد با متوسط تعرفه کل طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷

همان‌طور که در نمودار ۱۷-۸ مشاهده می‌شود سهم کالاهای بالای ۴ درصد با نرخ متوسط کل تعرفه رابطه مستقیم دارد. در طول سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ که سهم کالاهای بالای ۴ درصد افزایش یافته است به‌موجب آن نرخ متوسط تعرفه نیز افزایش یافته است.

در سال ۱۳۷۵ سهم کالاهای بالای ۴ درصد تنها ۶۰ درصد بوده است این به آن معنا است که حدود ۴۰ درصد کالاها با نرخ حقوق ورودی کمتر از ۴ درصد به کشور وارد شده است و نتیجه آنکه نرخ متوسط حقوق ورودی پایین در سطح ۸ درصد است. در سال ۱۳۸۰ که سهم کالاهای بالای ۴ درصد به ۹۰ درصد رسیده و تنها ۱۰ درصد کالاها با نرخ کمتر از ۴ درصد به کشور وارد شده است، نرخ متوسط حقوق ورودی نیز افزایش یافته و به بالاترین سطح خود یعنی حدود ۲۴ درصد رسیده است. با افزایش سطح معافیت‌ها و افزایش سهم کالاهای زیر ۴ درصد در سال ۱۳۸۱ مشاهده می‌شود که نرخ متوسط حقوق ورودی نیز سریعاً با کاهش مواجه شده و حدود

۳۸ درصد کالاها با نرخ حقوق ورودی کمتر از ۴ درصد نرخ متوسط را به حدود ۷ درصد رسانده است.

در سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۷ نیز با ثبات نسبی سهم کالاهای زیر ۴ درصد، نرخ متوسط حقوق ورودی نیز از ثبات نسبی برخوردار شده است.

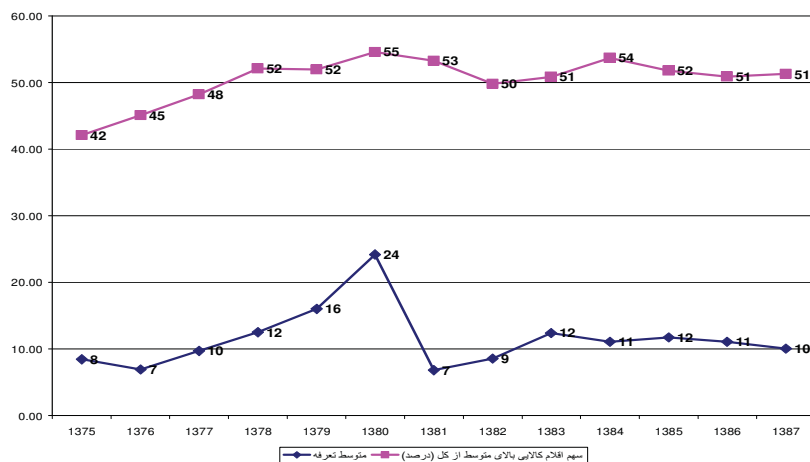
همان‌طور که اشاره شد، براساس ماده (۱۵) قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷ و قبل از آن ماده ۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده، هیچ کالایی نباید با نرخ کمتر از ۴ درصد به کشور وارد شود. هرچند برای حمایت از برخی بخش‌ها، معافیت‌هایی درخصوص برخی کالاها مطابق قوانین مصوب مجلس مقرر شده است، باین‌حال افزایش سهم این معافیت‌ها در بلندمدت آثار نامطلوب بر سیاست‌های حمایتی و تعرفه‌ای داخلی خواهد داشت.

با توجه به رابطه افزایش نرخ‌های بالای ۴ درصد با افزایش نرخ متوسط تعرفه حالت‌های زیر متصور است:

- در صورتی که سیاست کلی بازرگانی کشور مبتنی بر افزایش نرخ متوسط حقوق ورودی باشد. می‌توان با تکیه بر قانون تجمیع عوارض و قانون جایگزین آن یعنی قانون مالیات بر ارزش افزوده بر لزوم رعایت کف ۴ درصدی تأکید کرده و به کنترل موارد نقض شده پرداخت و با کاهش معافیت‌ها سهم کالاهای بالای ۴ درصد را افزایش داد تا مطابق آن متوسط نرخ حقوق ورودی نیز افزایش یابد.

با کاهش سهم کالاهای زیر ۴ درصد نیازی نیست که برای افزایش نرخ متوسط تعرفه، نرخ‌های کالاهایی که هم‌اکنون نیز از نرخ بالایی برخوردار است را افزایش دهیم. در این صورت شکاف‌ها و فاصله‌های تعرفه‌ای بیشتر نمی‌شود.

در صورتی که سیاست کلی بازرگانی کشور مبتنی بر کاهش نرخ متوسط حقوق ورودی باشد. باید به این نکته توجه کرد که به‌صورت طبیعی توجه مجریان به رعایت کف ۴ درصدی بیشتر شده و برای جلوگیری از افزایش نرخ متوسط باید نرخ‌های بالای متوسط را کاهش داد. این اقدام به‌طور تقریبی در سه سال اخیر رخ داده است یعنی در سال‌های ۱۳۸۴ تاکنون با وجود افزایش اندک سهم کالاهای بالای ۴ درصد، نرخ متوسط تعرفه کاهش نیز یافته است، این نتیجه به‌دلیل کاهش تعداد و سهم کالاهای بالای متوسط نرخ تعرفه است که موجب شده است نرخ متوسط حقوق ورودی کاهش یابد.



مأخذ: همان.

نمودار ۱۸-۸ مقایسه روند سهم اقلام کالایی بالای متوسط با متوسط تعرفه کل طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷

همان‌طور که در نمودار ۱۸-۸ مشاهده می‌شود، سهم کالاهای با نرخ حقوق ورودی بالاتر از متوسط، در طول سال‌های مورد بررسی تقریباً متعادل بوده است. به جز سه سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۷، که کمتر از ۵۰ درصد نرخ‌ها بالاتر از متوسط نرخ حقوق بوده است در بقیه سال‌ها یعنی ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۷ تقریباً ثابت بوده و حدود ۵۰ تا ۵۵ درصد نرخ‌های تعرفه بالاتر از متوسط حقوق ورودی بوده است.

از این نظر نظام تعرفه‌ای کشور دارای تعادل نسبی است. یعنی تقریباً نیمی از کالاها دارای نرخ تعرفه زیر متوسط و نیمی دیگر، بالای نرخ متوسط تعرفه است که توزیعی نرمال را نشان می‌دهد. بر این اساس می‌توان نظام تعرفه‌ای را به ۴ دوره تقسیم نمود: سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰: طی این سال‌ها نرخ متوسط حقوق ورودی به جز سال ۷۶ در بقیه سال‌ها روندی صعودی داشته است. در تمام این سال‌ها سهم تعداد کالاهای دارای نرخ بالای ۱۵ درصد همواره در حال افزایش بوده است. در سال ۱۳۷۵ تنها ۲۵ درصد نرخ‌ها بالای ۱۵ درصد بوده است. این سهم در طول این سال‌ها افزایش یافته و در سال ۱۳۸۰ وضعیت به‌گونه‌ای شد که حدود ۶۴ درصد نرخ‌ها بالای ۱۵ درصد بود. این

فصل هشتم وضعیت تعرفه‌ها در گروه‌های کالایی کشور ۲۶۷

وضعیت را می‌توان به‌نحوی بحرانی دانست؛ زیرا افزایش سهم کالاهای بالای ۱۵ درصد موجب شد که نرخ متوسط حقوق ورودی از ۸ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۲۴ درصد در سال ۱۳۸۰ برسد.

سال ۱۳۸۱-۱۳۸۰: شروع دوره جدیدی از تغییر نگاه و تغییر قوانین مربوطه مانند تصویب قانون تجمیع عوارض در این دوره موجب شد که نگاه حمایتی به تعرفه کم‌رنگ شده و سهم ۶۴ درصدی کالاهای دارای نرخ ۱۵ درصد به‌طور محسوسی کاهش یابد و به ۳۲ درصد برسد. این امر موجب شد که نرخ متوسط حقوق ورودی نیز به صورتی قابل توجه کاهش یابد و از ۲۴ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۷ درصد در سال ۱۳۸۱ برسد.

سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳: در این سال‌ها که به نوعی اولین سال‌های بعد از اجرایی شدن قانون تجمیع عوارض محسوب می‌شود، دوباره سهم کالاهای دارای نرخ بالای ۱۵ درصد بیشتر شده و از ۳۲ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۴۴ درصد در سال ۱۳۸۳ رسید، این اقدام به افزایش نرخ متوسط حقوق ورودی از ۷ به ۱۲ درصد منجر شد به همین دلیل ثبات سیاست‌ها در دستور کار قرار گرفت.

سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷: این سال‌ها را می‌توان سال‌های ثبات سهم اقلام کالایی دارای نرخ حقوق ورودی بالای ۱۵ درصد محسوب کرد. در طول تمامی این سال‌ها ۴۴ درصد کالاها از نرخ‌های بالای ۱۵ درصد برخوردار بوده است. این ثبات به نوعی در نرخ متوسط حقوق ورودی نیز متجلی شده است به‌طوری‌که در این سال‌ها دیگر از نوسانات شدید خبری نیست و نرخ متوسط حقوق ورودی در نرخ ۱۰ تا ۱۲ درصدی ثابت باقی مانده است.

۲-۴-۸ بررسی نرخ‌های تعرفه‌ای بالا در میان فصول کالایی در سال‌های ۱۳۷۵ الی ۱۳۸۷

تعداد فصول کالایی براساس نظام طبقه‌بندی هماهنگ، در تمامی سال‌های مورد بررسی یکسان بوده است. این فصول شامل ۹۸ فصل جداگانه است که از فصل ۱ (حیوانات زنده) تا فصل ۹۸ (قطعات منفصله ماشین‌آلات راهسازی، خودرو و سایر ماشین‌آلات) تمامی کالاهای وارداتی را طبقه‌بندی و در خود جای داده است.

جدول ۲۷-۸ سهم فصول کالایی دارای نرخ تعرفه بالا و مقایسه آن با نرخ متوسط تعرفه

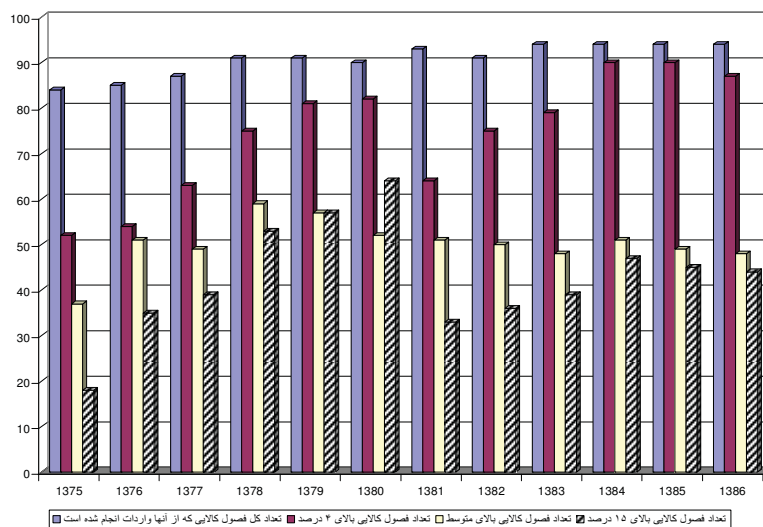
سال	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷
سهم فصول کالایی	۹۸	۹۸	۹۸	۹۸	۹۸	۹۸	۹۸	۹۸	۹۸	۹۸	۹۸	۹۸	۹۸
تعداد کل فصول کالایی	۹۸	۹۸	۸۷	۹۱	۹۱	۹۰	۹۳	۹۱	۹۴	۹۴	۹۴	۹۴	۹۴
تعداد کل فصول کالایی که از آنها واردات انجام شده است	۸۵/۷۱	۸۶/۷۳	۸۸/۷۸	۹۲/۸۶	۹۲/۸۶	۹۱/۸۴	۹۴/۹۰	۹۲/۸۶	۹۵/۹۲	۹۵/۹۲	۹۵/۹۲	۹۵/۹۲	۹۵/۹۲
سهم تعداد کل فصول کالایی که از آنها واردات انجام شده است به تعداد کل فصول کالایی	۵۲	۵۴	۶۳	۷۵	۸۱	۸۲	۶۴	۷۵	۷۹	۹۰	۹۰	۸۷	۸۸
تعداد فصول کالایی بالای ۴ درصد	۶۱/۹۰	۶۳/۵۳	۷۲/۴۱	۸۲/۴۲	۸۹/۰۱	۹۱/۱۱	۶۸/۸۲	۸۲/۴۲	۸۴/۰۴	۹۵/۷۴	۹۵/۷۴	۹۲/۵۵	۹۳/۶۲
سهم فصول کالایی بالای ۴ درصد از کل (درصد)	۳۷	۵۱	۴۹	۵۹	۵۷	۵۲	۵۱	۵۰	۴۸	۵۱	۴۹	۴۸	۴۹
تعداد فصول کالایی بالای متوسط	۳۴/۰۵	۶۰/۰۰	۵۶/۳۲	۶۴/۸۴	۶۲/۶۴	۵۷/۷۸	۵۴/۸۴	۵۴/۹۵	۵۱/۰۶	۵۴/۲۶	۵۲/۱۳	۵۱/۰۶	۵۲/۱۳
سهم فصول کالایی بالای متوسط از کل (درصد)	۱۸	۳۵	۳۹	۵۳	۵۷	۶۴	۳۳	۳۶	۳۹	۴۷	۴۵	۴۴	۴۰
تعداد فصول کالایی بالای ۱۵ درصد	۲۱/۴۳	۴۱/۱۸	۴۴/۸۳	۵۸/۲۴	۶۲/۶۴	۷۱/۱۱	۳۵/۴۸	۳۹/۵۶	۴۱/۴۹	۵۰/۰۰	۴۷/۸۷	۴۶/۸۱	۴۲/۵۵
سهم فصول کالایی بالای ۱۵ درصد از کل (درصد)	۸/۴۴	۶/۹۳	۹/۷۱	۱۲/۳۷	۱۵/۹۹	۲۴/۱۸	۶/۸۲	۸/۵۵	۱۲/۳۷	۱۱/۰۶	۱۱/۷۲	۱۱/۰۹	۱۰/۰۲
متوسط تعرفه													

مأخذ: همان.

مطابق نمودار ۱۹-۸ به‌طور معمول از کل تعداد فصول کالایی سهم عمده را فصول کالایی بالای ۴ درصد، نسبتی کمتر از آن را فصول کالایی بالای متوسط و نسبت کمتری را تعداد فصول کالایی بالای ۱۵ درصد تشکیل داده است.

درحالی‌که به‌طور معمول به‌خصوص بعد از سال ۱۳۸۱ و با تصویب قانون تجمیع عوارض نباید فصولی با نرخ حقوق ورودی کمتر از ۴ درصد به کشور وارد شود، مشاهده می‌شود که در تمام سال‌ها فصول بسیاری با نرخ کمتر از حداقل حقوق ورودی به کشور وارد شده است.

همان‌طور که در جدول ۲۷-۸ مشاهده می‌شود سهم فصول کالایی بالای ۴ درصد در سال ۱۳۸۱ حدود ۶۹ درصد بوده است که در سال ۱۳۸۶ حدود ۹۳ درصد رسیده است؛ یعنی سهم فصول کالایی که نرخ حقوق ورودی کمتر از ۴ درصد داشته است در طول این سال‌ها کاهش داشته و از ۳۱ درصد در سال ۱۳۸۱ به کمتر از ۷ درصد رسیده است. هرچند این روند رو به بهبود است باین‌حال مطابق قانون این موارد به‌جز معافیت‌های مندرج در قوانین باید به صفر برسد.

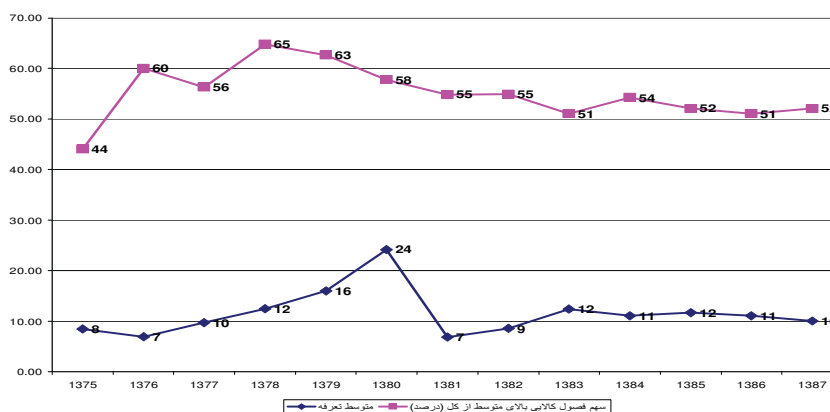


مأخذ: همان.

نمودار ۱۹-۸ مقایسه تعداد فصول کالایی بالای ۴ درصد، بالای متوسط و بالای ۱۵ درصد

۲۷۰ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

تنها در ۲ سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰، تعداد فصول کالایی دارای نرخ بالای ۱۵ درصد برابر یا بیشتر از تعداد اقلام کالایی بالای متوسط است، دلیل این امر آن است که نرخ متوسط تعرفه در این ۲ سال در سطحی بسیار بالا و بیشتر از ۱۵ درصد بوده است. متوسط تعرفه در این دو سال به ترتیب حدود ۱۶ و ۲۴ درصد بوده است.



مأخذ: همان.

نمودار ۲۰-۸ مقایسه روند سهم فصول کالایی بالای متوسط با متوسط تعرفه کل طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷

همان‌طور که در نمودار ۲۰-۸ مشاهده می‌شود، سهم فصول کالایی با نرخ حقوق ورودی بالاتر از متوسط در طول سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸ روندی افزایشی داشته و از ۴۴ درصد به ۶۵ درصد رسیده است، با این حال از سال ۱۳۷۸ این سهم کمتر شده و تا سال ۱۳۸۷ به ۵۲ درصد رسیده است. بعد از سال ۱۳۸۰ سهم فصول کالایی با نرخ حقوق ورودی بالاتر از متوسط تقریباً ثابت بوده و حدود ۵۱ تا ۵۸ درصد فصول بالاتر از متوسط حقوق ورودی بوده است.

از این نظر نظام تعرفه‌ای کشور دارای تعادل نسبی بوده و تقریباً نیمی از کالاها دارای نرخ تعرفه زیر متوسط و نیمی دیگر بالای نرخ متوسط تعرفه است که توزیعی نرمال را نشان می‌دهد. بر این اساس می‌توان نظام تعرفه‌ای را به ۴ دوره تقسیم نمود:

سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰: در طول این سال‌ها نرخ متوسط حقوق ورودی به‌جز سال ۷۶ در بقیه سال‌ها روندی صعودی داشته است. در تمام این سال‌ها سهم تعداد فصول کالاهای دارای نرخ بالای ۱۵ درصد همواره در حال افزایش بوده است. در سال ۱۳۷۵ تنها ۲۱ درصد از فصول کالایی دارای نرخ حقوق ورودی بالای ۱۵ درصد بوده است. این سهم در طول این سال‌ها افزایش یافته و در سال ۱۳۸۰ وضعیت به‌گونه‌ای شد که حدود ۷۱ درصد فصول کالایی دارای نرخ‌های بالای ۱۵ درصد بود. این وضعیت را می‌توان به‌نحوی بحرانی دانست؛ زیرا افزایش سهم فصول کالایی بالای ۱۵ درصد موجب شد که نرخ متوسط حقوق ورودی از ۸ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۲۴ درصد در سال ۱۳۸۰ برسد.

سال ۱۳۸۰-۱۳۸۱: در این دوره با تغییر سیاست حمایتی با استفاده از افزایش حقوق ورودی سهم ۷۱ درصدی فصول کالایی دارای نرخ بالای ۱۵ درصد به‌طور محسوسی کاهش یافته و به ۳۵ درصد رسید این امر موجب شد که نرخ متوسط حقوق ورودی نیز کاهش یابد و از ۲۴ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۷ درصد در سال ۱۳۸۱ برسد.

سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴: در این سال‌ها که به نوعی اولین سال‌های بعد از اجرایی شدن قانون تجمیع عوارض محسوب می‌شود، دوباره سهم کالاهای دارای نرخ بالای ۱۵ درصد بیشتر شده و از ۳۵ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۵۰ درصد در سال ۱۳۸۴ رسید. این اقدام به افزایش نرخ متوسط حقوق ورودی از ۷ به ۱۱ درصد منجر شد به همین دلیل ثبات سیاست‌ها در دستور کار قرار گرفت.

سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷: در این سال‌ها سهم فصول کالایی دارای نرخ حقوق ورودی بالای ۱۵ درصد کاهش یافته است. در طول این سال‌ها سهم فصول دارای نرخ‌های بالای ۱۵ درصد حدود ۴۳ تا ۵۰ درصد بوده است. کاهش سهم فصول بالای ۱۵ درصد در وضعیتی که نرخ متوسط حقوق ورودی به‌طور نسبی ثابت مانده است را می‌توان به معنای بهتر شدن اوضاع نظام تعرفه‌ای دانست؛ زیرا با این اقدام فاصله اختلاف سطوح تعرفه‌ای کمتر می‌شود.

فصل نهم

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۹-۱ نتیجه‌گیری

این فصل اختصاص به جمع‌بندی و معرفی الگوی تعرفه بهینه برای کشورها در عرصه تجارت بین‌الملل دارد. این الگو چندان در کتاب‌های مهم اقتصاد بین‌الملل بررسی نشده است و تحقیقات عملی ناچیزی درباره آن انجام گرفته است. با وجود مطالب فوق، این تحقیق کوشیده است تا به نتایج قابل قبولی برای ارائه یک الگوی بهینه برسد.

اگر سیاست‌های تجاری را به صورت یک طیف در نظر بگیریم یک طرف آن سیاست‌های آزادسازی و طرف دیگر سیاست‌های حمایتی است.

اتخاذ سیاست‌های حمایتی به معنای دخالت مستقیم دولت در تجارت، اعمال سیاست‌های محدودکننده و افزایش تعرفه‌هاست که در نهایت به رکود و کاهش حجم تجارت جهانی منجر شده و برعکس اتخاذ سیاست‌های آزادسازی به معنای عدم دخالت دولت‌ها، کاهش سطوح تعرفه‌ای و تسهیل در تحرک کامل تجارت است که رونق و افزایش حجم تجارت جهانی منجر می‌شود.

بررسی سیاست‌های تعرفه‌ای در قالب سیاست‌های قبل و بعد از جنگ جهانی دوم انجام گرفت. مشاهده آثار و پیامدهای مثبت آزادسازی تجاری در تجارت جهانی (به‌طور عمده تجارت آمریکا و اتحادیه اروپا) پس از جنگ جهانی دوم و همچنین تغییر مستمر این سیاست‌ها به احساس نیاز کشورها و ضرورت تأسیس یک نهاد جهانی برای حمایت از تجارت آزاد و از میان برداشتن محدودیت‌ها و انجام مذاکرات تجاری در کل جهان منجر شد. بعد از انجام مذاکرات متعدد در سال ۱۹۴۷ میلادی، برخی کشورها در قالب منشور هاوانا توافق کردند تا سازمانی جهانی با نام سازمان بین‌المللی تجارت را تأسیس کنند. باین حال، این توافق به دلیل عدم تصویب در مجالس کشورهای مذکور، هیچ‌گاه

۲۷۶ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

عملی نشد و تنها یادگار منشور هاوانا در سال ۱۹۴۷ یک قرارداد ۳۴ ماده‌ای بین ۲۳ کشور به نام موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت یا گات بود. فرایند عملیاتی موافقت‌نامه گات انجام مذاکرات چندجانبه در گستره جهان برای دستیابی به اهداف آزادسازی و تجارت منصفانه بود.

بعد از جنگ جهانی دوم و هم‌زمان با دور دوم مذاکرات با توجه به گرایش بیشتر کشورها به سیاست‌های حمایتی با افتی محسوس مواجه شد و سرعت کاهش تعرفه‌ها به حداقل رسید. این روند تا اواسط دهه ۶۰ ادامه داشت. در این دهه با توجه به اقدامات دولت جدید آمریکا در کاهش سطوح تعرفه‌ای در این کشور، آزادسازی تجاری وارد مرحله‌ای جدید شده و ادوار مذاکراتی تجاری به موفقیت‌های بیشتری درزمینه کاهش سطوح تعرفه‌ای دست یافتند.

با توسعه حوزه شمول گات و افزایش محورها و اهداف مورد نظر، ادامه فعالیت با استفاده از ابزارهای گات امکان‌پذیر نبود. به همین دلیل در سال ۱۹۹۴ تبدیل موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت یا گات به سازمان جهانی تجارت در دستور کار مذاکرات قرار گرفت و این سازمان از ژانویه ۱۹۹۵ کار خود را آغاز کرد.

با توجه به تفاوت‌های ماهیتی از نظر فرایند تولید و تأثیر راهبردی محصولات کشاورزی در میان دیگر محصولات تولیدی، همواره تفاوت‌هایی میان سیاست‌های حمایتی این کالاها با دیگر محصولات وجود داشته است. همچنین قدرت و لابی اتحادیه‌ها و اصناف تولیدکننده محصولات کشاورزی بسیار بالا بوده به شکلی که نمایندگان این اتحادیه‌ها در مراکز تصمیم‌گیری از نفوذ بالایی برخوردارند و امکان بروز اعتراضات صنفی بعد از کاهش حمایت از این بخش موجب شد که اصلاحات تعرفه‌ای در خصوص کالاهای کشاورزی همواره با ملاحظاتی انجام شود. این ملاحظات و حساسیت‌ها در کشورهای توسعه‌یافته بیشتر است؛ زیرا در این کشورها به دلیل پیشرفت‌های علمی، فنی و صنعتی بخش صنعت و خدمات از ارزش افزوده بسیار بالایی برخوردار بوده ولی بخش کشاورزی به دلیل وابستگی بیشتر به عوامل طبیعی از آسیب‌پذیری‌های بسیاری برخوردار و به حمایت بیشتری نیاز دارد.

با توجه به لزوم کاهش تعرفه‌ها در سازمان، برخی کشورها برای جبران کاهش

حمایت از صنایع داخلی به اقداماتی از قبیل، اتخاذ موانع غیر تعرفه‌ای یا شبه تعرفه روی آوردند تا بتوانند دسترسی به بازار داخلی را برای کشورهای طرف تجاری محدود کنند. برخی از این اقدامات مانند اعطای یارانه به تولیدات داخلی، وضع قوانین ضد دامپینگ، اعمال مقررات سخت‌گیرانه و موانع فنی، وضع موانع و اقدامات بهداشتی، شیوه ناصحیح ارزش‌گذاری گمرکی، اعمال مقررات بازرسی قبل از حمل، تبیین قواعد مبدأ، لزوم اخذ مجوزهای ورود و ... موجب شد تا موانع تجاری و عوامل محدودکننده آن تشدید شود. بنابراین، سازمان جهانی تجارت موافقت‌نامه‌هایی با مضامین مختلف تدوین کرد تا جلوی اقدامات محدودکننده تجارت را به هر بهانه بگیرد.

برای مثال، هرچند استفاده از دامپینگ اقدامی ضد رقابتی و غیرمنصفانه تلقی می‌شود؛ ولی سازمان جهانی تجارت مقرراتی برای جلوگیری از دامپینگ وضع نکرده بلکه، قواعد و مقرراتی برای سیاست‌های مبارزه با دامپینگ مقرر کرده تا کشورها نتوانند به بهانه مبارزه با دامپینگ، اقدامات محدودکننده تجارت را وضع و اعمال کنند.

در بخش دیگر این تحقیق تعرفه و سیاست‌های تعرفه‌ای بحث شد. براساس تعاریف اقتصادی، تعرفه حقوق، عوارض و سایر مالیات‌های وضع شده در مرزهای هر کشور بر کالاهای کشور دیگر است. تعرفه می‌تواند به صورت مبلغ معین برای هر واحد از کالای وارداتی «تعرفه به واحد کالا» یا به صورت درصدی از ارزش واردات «تعرفه ارزشی» و یا به صورت تعرفه ترکیبی یعنی تلفیقی از دو روش فوق وضع شود. تعرفه سبب می‌شود که قیمت کالاهای وارد شده از خارج بالا رود و از توان رقابتی آن در بازاری که به آن وارد می‌شود کاسته شود. در ادبیات اقتصادی، تعرفه برابر است با وضع مالیات بر مصرف و پرداخت یارانه به تولید. گرچه دولت‌ها به این آثار به‌خوبی واقف هستند ولی کاهش تعرفه می‌تواند تبعات مالی داشته باشد؛ زیرا باعث کم شدن درآمدهای دولت می‌شود. تعرفه‌ها اغلب برای واردات وضع می‌شود ولی امکان وضع آن بر صادرات نیز وجود دارد.

استفاده از ابزار تعرفه برای نیل به اهداف اقتصادی، مطالعات کارشناسی دقیق و توجه به همه عوامل اثرگذار بر تعیین آن را احتیاج دارد. گاهی اقتصادها با اعمال سیاست‌های حمایتی شدید تعرفه‌ای، با وجود کسب منفعت کوتاه‌مدت، در بلندمدت نه

تنها کمکی به رشد بخش‌های اقتصادی نمی‌کند بلکه به حفظ کارایی پایین اقتصادی در بخش مربوطه منجر شده و حتی به رقابت در صحنه بین‌المللی قادر نمی‌شود. عدم تعیین بهینه نرخ تعرفه کالاهای وارداتی می‌تواند نه تنها به زیان کارایی در بخش تولید تمام شود بلکه، تورم داخلی را افزایش داده، انگیزه تولید را کاهش می‌دهد و در مواردی نیز مزیت نسبی برای صادرات کالاها و خدمات را از بین می‌برد. بنابراین، اعمال سیاست اقتصادی مناسب و پایدار در بخش تعیین تعرفه‌های کالاهای وارداتی می‌تواند گام مهمی در حمایت از تولید، اشتغال و مبارزه با تورم به حساب آید.

سیاست‌های حمایتی و بازرگانی جزء لاینفکی از سیاست‌های دولت‌ها در تمام کشورهای جهان می‌باشد. این سیاست‌ها تا حد زیادی بستگی به قدرت صادرکنندگان و صنایع تولید کنندگان کالاهای وارداتی، اهمیت کالاهای وارداتی در تولید و مصرف اتباع کشور واردکننده و وضعیت اقتصادی کشورها دارد.

عمده‌ترین دلایل سیاست‌های حمایتی عبارت‌اند از: حفظ ذخایر ارزی، ایجاد اشتغال، ایجاد درآمد، بهبود رابطه مبادله، حمایت از تولید و صنایع نوزاد، مقابله با دامپینگ و بهینه دوم. بخش مهمی از این دلایل، از آنجاکه امکان مقابله به‌مثل کشور مقابل را در نظر نگرفته‌اند، استدلال‌هایی بی‌ارزش است.

احتمالاً استدلال حمایت از صنایع نوزاد منطقی‌ترین دلیل وضع حمایت می‌باشد، اما حتی با این استدلال نیز نمی‌توان لزوماً نتیجه‌گیری کرد که سیاست‌های محدودکننده تجاری بهترین عمل برای حمایت از این صنایع می‌باشد.

اما شاید مهم‌ترین دلیل اتخاذ این شیوه، آسانی آن بود. درحالی‌که افزایش صادرات کار سختی به‌نظر می‌آید، حفظ بازارهای داخلی به‌مراتب آسان‌تر می‌باشد و هر زمامداری خیلی آسان می‌توانست افزایش تولیدات داخل را که بر اثر حمایت‌گرایی حاصل شده بود به مردمش نشان دهد. به‌همین ترتیب زمانی که هدف، افزایش اشتغال باشد، روش ممنوعیت واردات آسان‌ترین روش است. هنگام کسری بودجه مالیات‌ستانی از واردات رایج‌تر است. برای حمایت از صنایع نوزاد کنترل واردات آسان‌تر از پرداخت یارانه می‌باشد، پس سیاست‌های حمایتی آسان‌ترین روش است و نه الزاماً مؤثرترین و مهم‌ترین آن. ازسوی دیگر، منافع

حمایت به‌آسانی مشهود است حال آنکه مشاهده هزینه‌های واقعی حمایت مشکل است؛ زیرا سود حمایت متمرکز بوده، درحالی‌که هزینه‌های آن به‌طور نامرئی در میان مردم گسترده و در سراسر کشور پخش می‌شود. به‌آسانی می‌توان کاری کرد که حمایت‌گرایی میهن‌پرستی جلوه‌گر شود، حتی اگر عملاً یک ملت را در بلندمدت تضعیف کند.

اکنون این عقیده وجود دارد که کشورهای پیشرفته فعلی هرگز بدون سیاست‌های حمایتی نمی‌توانستند به‌جایگاه امروزی خود برسند. تعرفه‌ها در ایالات متحده تأثیر قابل توجهی را در سیاست تجاری و تاریخ اقتصادی این کشور داشته است. تعرفه‌ها بزرگ‌ترین منبع درآمدی دولت فدرال از دهه ۱۷۹۰ تا جنگ جهانی اول بوده‌اند تا اینکه مالیات بر درآمد جای آن را گرفت. به‌هرحال، اکنون کشورهای توسعه‌یافته به دنبال سیاست آزادی تجارت هستند، مثلاً ریگان و بوش سیاست‌های حمایتی را کنار گذاشته و استراتژی گات و سازمان جهانی تجارت را مبنی‌بر کاهش موانع تجاری پذیرفتند. از سیاست‌های مهم تجاری آمریکا در این دوران توافق تجارت آزاد با کانادا در ۱۹۸۷ و توافق تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) در سال ۱۹۹۴ است. توافق نفتا در حقیقت وسیله‌ای بود تا ایالات متحده بتواند به بازارهای کانادا و مکزیک دسترسی پیدا کند. در سال ۲۰۰۰ کلینتون با حمایت جمهوری خواهان با ورود چین به سازمان جهانی تجارت به‌عنوان دولت کامله‌الوداد موافقت کرد. لازم به یادآوری است که اتحادیه‌های کارگری در آمریکا کم‌وبیش اعتراضات خود را به این تصمیمات اعلام داشته‌اند. با وجود همه این سیاست‌ها هنوز ایالات متحده حاضر به کاهش مهمی در یارانه‌های کشاورزی خود نشده است. به‌وجود آمدن گات و سازمان جهانی تجارت از مهم‌ترین تحولات اقتصادی در دوران بعد از جنگ جهانی می‌باشد. در ادوار مختلف برگزاری جلسات سازمان جهانی تجارت، عمده موضوعاتی که مورد بحث قرار گرفت، بحث تعرفه‌ها بوده است. در طی سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۶۰ تنها موضوع این مذاکرات تعرفه بوده و پس از آن به مباحثی مثل سیاست‌های ضد‌دامپینگ، موانع غیرتعرفه‌ای، قوانین، حقوق مالکیت معنوی، حل اختلافات و ... نیز توجه شد.

با توجه به سوابق استفاده از سیاست‌های حمایتی تعرفه‌ای، به‌منظور شناخت عوامل مؤثر در تعیین تعرفه ضمن بیان مفهوم تعرفه بهینه برای کشورهای کوچک و بزرگ در ادبیات نظری، نتایج عملی در این خصوص ذکر شد.

۲۸۰ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

هرچند تعرفه از بعد درآمدی می‌تواند اثر مثبت برای دولت به همراه داشته باشد، ولی اتخاذ سیاست حمایتی با اعمال تعرفه که به نوعی اعمال محدودیت برای تجارت محسوب می‌شود از دو طریق بر اقتصاد تأثیر منفی می‌گذارد که به آنها هزینه حمایت می‌گویند. اولین اثر سوء تخصیص منابع در تولید و دومین اثر ایجاد اختلال در مصرف با کاهش رفاه مصرف‌کننده به صورت تحمیلی است.

اثر مصرفی تعرفه به کاهش مصرف داخلی ناشی از افزایش قیمت کالا به سبب وضع تعرفه بازمی‌گردد. بررسی‌ها نیز نشان داده است به دلیل مشکلات متعدد آماری و مدل‌سازی، افراد تلاش کرده‌اند به صورت گزینشی اثر یک یا چند کالا را بر مصرف‌کننده تحلیل کنند. با وجود این بررسی ضمنی برای شناخت کلی از نتایج تأثیر تغییرات تعرفه‌ای بر هزینه خانوار، روشنگر حیطه و نوسانات کلی آن است که می‌تواند در تحلیل‌ها راهگشا باشد. باید توجه داشت که افزایش تعرفه‌ها نیز به همین شکل قابل محاسبه است و پیش‌بینی دقیق تأثیر اخذ تعرفه بر هزینه خانوار تاکنون انجام نگرفته است.

چنانچه گروه‌های کالایی را گسترده‌تر در نظر بگیریم، می‌توان به نتایجی رسید. مثلاً با در نظرگیری، گروه‌های کالایی موجود در جدول سهم هزینه‌ای خانوارها، متوسط نرخ حقوقی ورودی (با در نظرگیری سهم وارداتی آنها) محاسبه گردید که در نهایت ملاحظه شد کاهش تعرفه تحت فروض مختلف دامنۀ تأثیرگذاری، تفاوتی بر هزینه خانوار خواهد داشت. همچنین مشخص شد نمی‌توان با قاطعیت به تأثیر تعرفه‌ها در سبد هزینه کالاهای تجاری خانوارها، اظهار نظر کرد. به عنوان مثال، سهم هزینه‌ای خانوار برای اتومبیل خارجی دست اول مطابق جداول مربوطه بالا نیست، این در حالی است که حقوق گمرکی بالا با افزایش قیمت محصولات خارجی، انگیزه تولیدکننده داخلی را در تولید کالای باکیفیت و ارزان کاهش داده و به افزایش هزینه خانوارها در تهیه اتومبیل ایرانی و تعمیرات آن منجر می‌شود که نمی‌توان به سادگی این اضافه هزینه‌ها را نشان داد. به نظر نمی‌رسد که سیاست‌گذار در تعیین نرخ‌های تعرفه توجه زیادی به الگوی هزینه خانوارها داشته باشد؛ زیرا گاهی کالاهای با سهم هزینه‌ای مشابه در طول سال با نوسانات متفاوتی مواجه بوده است. به هر حال، چنانچه هدف سیاست‌گذار کاهش هزینه‌های زندگی برای طبقات مشخص درآمدی با گروه‌های خاص خانوارها باشد،

می‌تواند با توجه به سهم کالاها در هزینه گروه‌ها اقدام کند و مثلاً به کاهش حقوق گمرکی برای اقلام پرهزینه‌ای چون خوراک، وسایل بهداشتی و پوشاک خانوارها اقدام شود و متناظراً حقوق گمرکی اقلام کم‌اهمیتی در هزینه خانوارها مثل نوشیدنی‌ها و دخانیات و خدمات فرهنگی را افزایش داد.

هر کشور با اتخاذ روش حمایتی به‌منظور پشتیبانی از صنایع نوزاد می‌تواند به مرحله اقتصاد پیچیده وارد شود. هدف از این سیاست‌ها حمایت از صنایع داخلی در مقابل کالاهای مشابه خارجی است و بنابراین، اقتصاد باید از ورود کالاهای تجملی مصرفی جلوگیری کند. مشکلی که پیرو این سیاست به‌وجود می‌آید این است که اگر میزان عوارض گمرکی برای جلوگیری از ورود کالاهای مصرفی حتی به‌طور تدریجی بالا رود، افزایش هزینه زندگی را به دنبال خواهد داشت. از نظر طرف‌داران این نظریه، افزایش هزینه زندگی مسئله‌ساز نخواهد بود؛ زیرا افزایش هزینه فقط در کوتاه‌مدت بروز می‌کند و در بلندمدت با بهره‌برداری بیشتر از «صنایع احداثی جدید» کارایی اقتصادی بالا می‌رود؛ زیرا سیاست‌های حمایتی دولت موقتی و منحصر به صنایع نوزاد خواهد بود.

این در حالی است که با توجه به اوضاع حاکم بر اقتصاد کشور به‌نظر نمی‌رسد سیاست‌های حمایتی دولت در ایران، موقتی و منحصر به صنایع نوزاد باشد. باید دانست که در دنیای واقعی تصمیم‌گیری، انتخاب یک سیاست‌گذار، نه بین خوب و بد، بلکه بین بد و بدتر است. وضعیت سیاست‌گذاران در انتخاب بین حمایت از مصرف یا حمایت از تولید را می‌توان مشابه وضعیت انتخاب بین تورم و بیکاری روی منحنی فیلیپس دانست و سیاست‌گذار موفق کسی است که بتواند بین این دو امر متناقض، توازن ایجاد کند.

با نگاهی به آمار واردات کشور، مشاهده می‌شود که در طول سال‌های دهه گذشته بیش از ۸۰ درصد از واردات کشور را کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای تشکیل داده و تنها در بالاترین سطح حدود ۲۰ درصد کالاهای مصرفی و نهایی است. بنابراین سهم اثر مستقیم تعرفه بر قیمت مصرف‌کننده تنها ۲۰ درصد کالاهای وارداتی را دربرمی‌گیرد و ۸۰ درصد کالاها از طریق کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای وارداتی پس از گذر از مراحل تولید داخل به‌طور غیرمستقیم به قیمت مصرف‌کننده انتقال می‌یابد. در اینجا باید متذکر شد که بالا رفتن بهای کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای، ممکن است موجب

۲۸۲ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

افزایش قیمت تمام شده تولیدات داخل که بازار صادراتی دارد شود و به این ترتیب قدرت رقابت آنها را در جهان کاهش دهد. در این حالت بحث افزایش قیمت تنها به مصرف‌کننده داخلی مربوط نمی‌شود بلکه حوزه صادرات را نیز شامل می‌شود.

سهم بالایی از صادرات کشور را محصولات پتروشیمی تشکیل می‌دهد و صادرات آنها تابع سیاست‌های تجاری نیست. کالاهای سنتی مانند فرش و صنایع دستی نیز ماهیتاً به مواد اولیه خارجی نیاز نداشته و تولید و صدور محصولات معدنی نیز تنها از نظر ورود دستگاه‌های استخراج و تولید تابع سیاست‌های بازرگانی است و محصولات کشاورزی نیز به طور عمده به منابع تولیدی داخلی وابسته است و تأثیر کمی از واردات به عنوان مواد اولیه و واسطه‌ای می‌برد. تنها بخشی که می‌توان عنوان کرد به طور مستقیم و به صورت عمده از واردات به عنوان بخشی از عوامل تولید متأثر می‌شود، بخش صنعت است که می‌توان این بخش را وابسته به مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای وارداتی دانست و به همین دلیل این بخش به طور مشخص از سیاست‌های تجاری و تغییر تعرفه متأثر می‌شود.

بسیاری از محصولات کشاورزی و صنعتی ما به دلیل حمایت‌هایی که از طریق وضع تعرفه بر محصولات خارجی اعمال می‌شود دارای مزیت شده و از امکان رقابت با محصولات خارجی برخوردار می‌شود. بنابراین قطع حمایت‌هایی که تاکنون اعمال می‌شده به صورت یک‌باره و بدون پشتوانه کارشناسی می‌تواند به معنای عدم صرفه اقتصادی در تولید و صادرات آن بخش محسوب شود و بر روند رشد صادرات در کشور تأثیر منفی داشته باشد. از طرف دیگر، اگر این تغییرات با استفاده از مطالعات و بررسی‌های کارشناسی صورت پذیرد می‌تواند به تخصیص بهینه عوامل تولید و انتقال منابع به بخش‌های دارای مزیت منجر شده و به ارتقای کیفیت محصولات و افزایش مزیت تجاری و توسعه صادرات موجب شود. بنابراین تغییرات تعرفه‌ای همچون چاقویی دولبه می‌تواند به ایجاد بحران و یا توسعه صادرات منجر شود.

در بخش دیگری از این تحقیق مشخص شد که یک‌سری عوامل می‌تواند سیاست‌های تعرفه‌ای را مخدوش سازد. مثلاً اشتباه در ارزش‌گذاری کالا در گمرک می‌تواند به نفع صاحب کالا یا به ضرر او باشد. اگر اشتباه به نفع صاحب کالا باشد کاهش درآمد دولت را در پی خواهد داشت و اگر به زیان او باشد افزایش قیمت کالا در بازار موجب می‌شود.

به‌رغم لزوم توجه به حق صاحب کالا، این تصور درست نیست که ارزش‌گذاری بالا لزوماً به کسب درآمد بیشتر برای دولت منجر می‌شود، زیرا ایجاد هرگونه محدودیت در واردات، موجب انحراف مسیر کالا به جریان‌های غیرقانونی خواهد شد که در این صورت به کاهش درآمد دولت می‌انجامد.

اظهار خلاف نیز موضوع دیگری است که سیاست‌های تعرفه‌ای را خدشه‌دار می‌کند اظهار خلاف به‌طور کلی می‌تواند به دو قسمت کم‌اظهاری و بیش‌اظهاری تقسیم شود. بیش‌اظهاری به دو صورت بیش‌مقداری و بیش‌ارزشی یعنی اظهار مقدار کالا و ارزش کالا بیش از آنچه واقعاً وجود دارد به‌طور معمول به رویه صادرات بازمی‌گردد؛ زیرا براساس قانون معافیت صادرات کالا و خدمات از پرداخت هرگونه وجه تحت عنوان حقوق گمرکی یا صدوری معاف است، بنابراین انگیزه اقتصادی برای کم‌اظهاری وجود ندارد. به‌علاوه اینکه، کالاهای صادراتی شامل حمایت‌هایی مانند جوایز صادراتی در قالب پرداخت‌های مستقیم برحسب درصدی از صادرات به صادرکننده می‌شود و صادرکنندگان می‌توانند از مزایای ارزی حاصله برای واردات نیز استفاده کنند. این نوع اظهار خلاف یعنی بیش‌اظهاری در کالاهای صادراتی به‌طور مستقیم بر نرخ تعرفه‌های مربوط به حقوق ورودی تأثیر ندارد.

کم‌اظهاری نیز به دو صورت بیش‌اظهاری و بیش‌مقداری مشاهده می‌شود. به این معنا که واردکننده برای اینکه حقوق ورودی کمتری بپردازد، میزان کالای وارده یا ارزش هر واحد کالا را کمتر اظهار می‌کند. به‌طور معمول این اقدام درخصوص کالاهای وارداتی رخ می‌دهد با این انگیزه که صاحب کالا حقوق ورودی کمتری بپردازد. این اقدام نیز شامل تأثیراتی مانند ارزش‌گذاری گمرکی در سطوح کمتر از میزان واقعی است و موجب عدم تحقق درآمدهای دولت و کاهش نرخ حمایت مؤثر از تولید داخلی به‌دلیل واردات بیشتر با اظهار کمتر می‌شود.

میزان حقوق ورودی اخذ شده از صاحبان کالا درصدی از ارزش کالا است که گمرک براساس اظهارنامه صاحب کالا و براساس اسناد مثبت‌تعیین می‌کند. در برخی موارد این حقوق کمتر یا بیشتر گرفته می‌شود که به ترتیب شامل کسر دریافتی از طرف گمرک یا اضافه پرداختی از طرف صاحب کالا خواهد شد. هرچند در قانون امور گمرکی پیش‌بینی شده است که اضافه پرداختی یا کسر دریافتی ظرف هشت ماه از تاریخ صدور سند

۲۸۴ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

ترخیص، قابل عودت باشد. اما اگر کشف نشود قابل پیگیری نیست و اگر هم کشف شود تا زمان پیگیری موضوع و حصول نتیجه چند ماه طول خواهد کشید که طی این مدت، کالا در بازار فروخته شده و تأثیر اقتصادی خود را گذاشته است.

معافیت‌های گمرکی نیز یکی دیگر از مشکلات عمده و اساسی است که علاوه بر خدشه‌دار کردن سیاست‌های تعرفه‌ای در اغلب اوقات، اختلال در نظام اجرایی قوانین را نیز فراهم می‌آورد، وجود اصلاحیه‌های متعدد، تبصره‌های متنوع و استثنائات گوناگون در قوانین مربوط به بخش تجارت (قانون امور گمرکی، قانون تجارت، قانون و مقررات صادرات و واردات) با توجه به ارتباط مستقیم آنها با امور مالی و در نتیجه رابطه و اثر فوری بر فرایند انجام کار و ایجاد رانت و مزیت برای بخش یا گروهی خاص همواره با بروز درخواست‌های جدید از سوی سایر بخش‌های اقتصادی و مناطق مختلف کشوری به بهانه‌های مختلف محرومیت‌زدایی، گسترش سرمایه‌گذاری و ... ارائه پیشنهاد‌های متعدد برای تعمیم این اصلاحات، تبصره‌ها و استثنائات گوناگون به مناطق جدید مواجه بوده است.

بخش عمده‌ای از معافیت‌ها به موضوع معافیت‌های مالیاتی بازمی‌گردد. براساس ماده (۵۲) قانون مالیات بر ارزش افزوده، مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷ کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون مذکور موسوم به تجمیع عوارض و اصلاحیه‌های بعدی آن لغو می‌شود.

با توجه به لغو قانون تجمیع عوارض به دلیل تصویب قانون مالیات بر ارزش افزوده، اکثر مواد مربوط به قانون تجمیع به قانون اخیرالذکر انتقال داده شده تا خلا قانونی در این زمینه به وجود نیاید. ماده (۴۱) قانون مالیات بر ارزش افزوده به تعریف حقوق ورودی پرداخته و تبصره «۲» آن به همان حکم لغو تمام معافیت‌ها جز برخی استثنائات اشاره کرده است.

این استثنائات شامل موارد مندرج در ماده (۶) قانون مالیات بر ارزش افزوده، برخی بندهای ماده (۳۷) قانون امور گمرکی، ماده (۸) قانون سامان‌دهی مبادلات مرزی، مناطق آزاد و ویژه، ماشین‌آلات تولیدی، لوازم امداد و نجات هوایی به هلال احمر و اقلام صرفاً دفاعی است.

یکی از معضلات این حمایت‌ها آن است که همواره عده‌ای در صف اخذ مجوز دریافت این مزایا قرار دارند و خود را محق دریافت این حمایت‌ها دانسته و وجود تبعیض

و حمایت را در کنار خود عاملی برای ایجاد فضای عدم رقابت سالم دانسته و تقاضا دارند به گروهی بپیوندند که در حال استفاده از این مزایا هستند. بنابراین درخواست‌ها برای بهره‌مندی از این مزایا ادامه داشته و گروهی که با حمایت به فعالیت خود ادامه می‌دهند و به دلیل برخورداری از این حمایت‌ها به رفع ساختاری و اساسی مشکلات خود نمی‌پردازند. از این‌رو، حمایت از بخش‌های دارای معضل یا صنایع نوپا تنها در کوتاه‌مدت توصیه می‌شود و همواره باید از حمایت‌های بلندمدت پرهیز شود.

معافیت از پرداخت حقوق ورودی به نوعی معافیت از مالیات بر واردات که یکی از انواع مالیات غیرمستقیم است محسوب می‌شود.

معافیت‌های مالیاتی یکی از عوامل اصلی افزایش‌دهنده فرار مالیاتی و توسعه تجارت در بخش غیررسمی و افزایش قاچاق نیز محسوب می‌شود؛ زیرا اعطای معافیت‌های مالیاتی از پرداخت مالیات به کاهش درآمدهای مالیاتی دولت منجر می‌شود و اگر اعطای معافیت‌ها براساس مطالعات کارشناسی از توجیه کافی برخوردار نباشد، دولت برای کسب درآمد مالیاتی پیش‌بینی شده از کالاهای وارداتی، بر گروه‌ها و بنگاه‌های فعال دیگر فشار بیشتری وارد می‌کند. یعنی برای جبران کاهش درآمد مالیات بر واردات، نرخ‌های تعرفه بیشتری بر کالاهایی که از معافیت بهره‌مند نیستند، تحمیل خواهد شد. بی‌تردید اعطای معافیت‌های مالیاتی گسترده، بدون دلایل توجیهی، به ناکارایی نظام تجاری و ضعف نظام اجرایی منجر می‌شود.

معافیت‌های مالیاتی نباید برای کالاهای متعدد و برای زمان نامحدودی در نظر گرفته شود، در دوره‌های مختلف باید تحقق اهداف مورد نظر از اعطای این معافیت‌ها بررسی شود و اگر ادامه آن از نظر اقتصادی ضروری نبود، اعطای این معافیت‌ها می‌تواند لغو شود.

البته باید توجه داشت که منظور و مقصود اصلی حمایت اعمال شده از طرف قانون‌گذار، تقویت و کمک به بخشی خاص بوده است و قطع یک‌باره آن بدون انجام مطالعات کارشناسی می‌تواند به‌مثابه ضربه‌ای بر آن بخش باشد.

اعمال حمایت منطقه‌ای یا بخشی بلندمدت به‌منزله ایجاد تبعیض و استثنا قابل توجیه نمی‌باشد و حذف یک‌باره این حمایت‌ها نیز به معنای تضاد با اهداف اولیه اعمال حمایت خواهد بود. به همین منظور می‌توان با حذف تدریجی حمایت‌های مستقیم

۲۸۶ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

(مانند تخفیف در سود بازرگانی یا به‌طور کلی حقوق ورودی) در یک برنامه زمان‌بندی شده و جایگزینی آن با حمایت‌های ساختاری و اساسی (مانند افزایش بودجه طرح‌های عمرانی و اعتباری) در راستای رفع محرومیت‌ها و رفع نیاز و توسعه مناطق در محدوده برنامه‌های کوتاه‌مدت و توجه به نیازهای مناطق محروم اقدام کرد تا هم کارآمدی کسب درآمدهای دولت محقق شود و هم گامی برای برقراری عدالت اجتماعی به‌صورت برنامه‌ریزی منطقه‌ای هماهنگ با سیاست‌های کلان برداشته شود.

به‌هرحال، افزایش معافیت‌های مالیات و اختصاص زمان طولانی برای این معافیت‌ها به افزایش فشار برای دیگر کالاها و اعمال نرخ‌های بالاتر برای بخش‌های فعال اقتصادی منجر می‌شود و تخصیص بهینه منابع را با مخاطره مواجه می‌سازد. بنابراین، محدودیت معافیت‌های قانونی و نظارت بر چگونگی اجرای آنها از اهمیت بسزایی برخوردار است.

نظام ترخیص کالاهای همراه مسافر محور دیگری است که می‌تواند به‌عنوان یک نوع معافیت، آثاری بر سطوح تعرفه‌ای داشته باشد. ایجاد تسهیلات و اعمال معافیت‌های مختلف برای آسان‌سازی تشریفات گمرکی مسافران یکی از مواردی است که از دیرباز مورد توجه سازمان‌های جهانی قرار گرفته است. ورود کالای همراه مسافر براساس قوانین و مقررات متعدد و به استناد ماده (۱۷) قانون مقررات صادرات و واردات کشور مصوب ۱۳۷۲/۷/۴ مجلس شورای اسلامی به‌شرط غیرتجاری بودن و تا سقف مصوب هیئت وزیران بلامانع بوده و از معافیت حقوق گمرکی و سود بازرگانی برخوردار بوده است.

باین‌حال به‌علت وجود برخی سوءاستفاده‌ها و مشکلات که عمدتاً به بخش اجرا بازمی‌گردد و ناشی از رعایت نکردن شرط‌های قانونی (غیرتجاری بودن و رعایت سقف ورود) بوده است، مخالفت‌هایی از سوی برخی از دستگاه‌های مسئول نیز به‌وجود آمده است. مثلاً با وجود قید سقف ۸۰ دلار کالای همراه مسافر برای هر نفر این میزان به‌طور کامل در گمرکات به‌درستی رعایت نمی‌شود و گفته می‌شود واردات کالای همراه مسافر با ارزش بالاتری نیز صورت می‌گیرد.

ورود کالاها با استفاده از علائم تجاری جعلی و مبدأ ساخت نامشخص یکی از پدیده‌هایی است که اقتصاد جهانی را با آثار سوء اقتصادی مواجه ساخته است. یکی از آثار سوء این موضوع عدم امکان ارزش‌گذاری صحیح و کاهش درآمدهای دولت و در

نتیجه اعمال فشار بیشتر بر کالاهای دیگر از نظر نرخ تعرفه است. ورود کالاهای غیراصلی و جعلی به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه رواج داشته و با وجود انجام برخی نظارت‌های گمرکی، سالیانه شاهد ورود حجم وسیعی از کالاها با کیفیت پایین و با علائم و مارک‌های تجاری معروف به‌صورت جعلی هستیم. با این اوضاع، در صورتی که بررسی‌های اولیه در ورود کالا به داخل کشور بی‌دقت باشد و قوانین موجود در گمرکات کشور از کارایی لازم در این خصوص برخوردار نباشد، ورود کالاهای با مارک‌های جعلی به‌دست افراد سودجو تشدید شده و ضررهای جبران‌ناپذیری به پیکره بخش‌های صنعت، خدمات و کشاورزی خواهد زد. به‌علاوه، در کشورهایی که عمده واردات آنها مواد اولیه و واسطه‌ای است، استفاده از مواد جعلی در فرایند تولید که عموماً بی‌کیفیت است، به معنای وارد آوردن آسیب و لطمه جدی به تولید نهایی داخلی می‌باشد. برای مثال، در ایران که بیش از ۸۰ درصد واردات کشور را کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تشکیل داده است، ورود کالاهای بی‌کیفیت چینی با نصب علائم جعلی اروپایی و ژاپنی، صنایع داخلی را با مشکل مواجه کرده است.

یکی دیگر از راهکارهای حذف تعرفه و موانع تجاری اعمال اصلاحات تعرفه‌ای با استفاده از روش ادغام یا همگرایی اقتصادی بین یک گروه از کشورهاست. این روش با الحاق دو یا چند کشور و تشکیل یک منطقه آزاد تجاری صورت می‌پذیرد و با اتخاذ سیاست‌های تجاری مشترک موانع تجاری موجود میان خود مانند موانع تعرفه‌ای را رفع می‌کنند که به نوعی موجب خنثی شدن سیاست‌های کلی تعرفه‌ای می‌شود.

قاچاق کالا نیز مهم‌ترین پدیده‌ای است که در واکنش به سیاست‌های حمایتی به‌وجود می‌آید. موقعیت خاص جغرافیایی بعضی کشورها می‌تواند از دلایل عمده قاچاق باشد. طبعاً ویژگی‌های جغرافیایی و سوق‌الجیشی از جمله عوامل تأثیرگذار بر فعالیت‌های مردم در یک منطقه است؛ مرزها مصنوع دست بشرند نه مخلوق طبیعت، لذا پیوندهای خانوادگی، فرهنگی، مذهبی و اجتماعی به‌رغم وجود خطوط مرزی بین ساکنان آنها، بسیار مستحکم می‌شود و دارای ریشه‌های تاریخی، قومی و قبیله‌ای بوده، به‌گونه‌ای که این اقلیت‌ها تبدیل به جزایری می‌شوند که گاه در مقابل حکومت‌های مرکزی ایستاده و مدعی استقلال طلبی می‌کنند. از این رو دادوستدهای مرزی و الگوی

مصرف مرزنشینان تابعی از رفتارهای قومی است که ارتباطی به داخل کشور ندارد. موقعیت خاص ایران به‌عنوان چهارراه ارتباطی عامل و دیگری در رشد قاچاق شده است. ترانزیت بسیار مفید است و جزء دو موردی است که در استراتژی ژئوپولیتیکی، امنیت‌زاست (به همراه توریسم)، درحالی‌که در ایران این پدیده امنیت‌زا، امنیت‌زدا شده است. وضعیت جغرافیایی ایران از نظر پستی و بلندی‌های زمین، وسعت و پهناوری، طولانی بودن مرزها، همسایگی با کشورهای متعدد که بعضی از آنها از ثبات لازم برخوردار نیستند و ویژگی‌های خاص دیگر باعث می‌شود تا زمینه مناسبی برای فعالیت‌های قاچاقچیان فراهم شود.

وجود فرهنگ همدردی با قاچاقچیان می‌تواند آثار متعددی در جامعه داشته باشد. به‌عنوان مثال در انگلستان قرن ۱۸، مردم محلی با دیدن قاچاقچیان، روی خود را به‌سمت دیوار می‌گرداندند تا ادعا کنند آنها را ندیده‌اند و اطلاعاتی در اختیار مسئولان امر نمی‌گذاشتند. در بلوچستان از نظر علمای اهل سنت، توقیف کالای قاچاق مصداق غصب و خرید و فروش آن حرام می‌باشد و کالای قاچاق بایستی به صاحب اصلی آن پس داده شود. افزایش قیمت نفت و بالا رفتن درآمد و قدرت خرید مردم در کشورهای نفت‌خیزی مانند ایران تمایل آنها را برای مصرف کالاهای لوکس و تجملی تشدید کرده، به‌طوری‌که در حال حاضر رسوخ فرهنگ مصرف‌گرایی و ایجاد تمایل به مصرف کالاهای لوکس و افزایش روحیه تجمل‌گرایی بین بعضی خانوارها ارزش محسوب شده و مصرف کالای خارجی و تقاضا برای قاچاق را افزایش داده است.

از دیگر عوامل فرهنگی اثرگذار بر قاچاق می‌توان از کم‌رنگ شدن مرز میان درآمد حلال و حرام و خلاصه حلال دانستن درآمدهایی که از نظر نظام غیرقانونی می‌باشد، تمایل به ثروتمند شدن بدون توجه به روحیه ناسیونالیستی و کم‌اهمیت دانستن مسئله قاچاق در مقایسه با سایر عوامل نام برد. ضمن آنکه به‌طور کلی درباره مسئله فرار مالیاتی تقلید نیروی مهمی است، به‌این ترتیب اعتقاد به اینکه همه چنین رفتار می‌کنند، باعث می‌شود که عده بیشتری دست به این کار بزنند.

اجتناب از پرداخت مالیات‌های سنگین، نیروی محرکه پر قدرتی برای قاچاق و سایر فعالیت‌ها در مجموعه اقتصاد سیاه و غیرقانونی است. این مالیات‌ها تنها شامل تعرفه‌ها و

مالیات‌های وضع شده بر تجارت خارجی نمی‌باشد بلکه تمام مالیات‌های موجود در اقتصاد را دربرمی‌گیرند. به‌عنوان مثال رشیدتا و دیگران (۲۰۰۶) با بررسی وضعیت قاچاق کالا در نیپال بیان داشته‌اند که کاهش تعرفه اثر ناچیزی بر قاچاق کالا در این کشور دارد.

همچنین تعریف واضحی از قاچاق در قوانین و مقررات دولتی (مثل قانون امور گمرکی، قانون مقررات صادرات و واردات، قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی و آیین‌نامه‌های اجرایی این قوانین) نیامده است، فقدان تعریف دقیق از قاچاق باعث می‌شود تا مأمورین دولتی با استنباط شخصی خود عمل کنند.

فرایند واردات قانونی در ایران پرهزینه، زمان‌بر و پیچیده است. هر متقاضی واردات بایستی کارت بازرگانی و کد اقتصادی داشته باشد، پروفرما داشته باشد، ثبت سفارش از وزارت بازرگانی و مجوزهای موردی از مؤسساتی مانند وزارت نفت، بازرگانی، بهداشت، فرهنگ، پست، صنایع، جهاد و ... اخذ کند، اسناد بایستی به وزارت بازرگانی رفته و بعد از چند روز مجوز مربوطه اخذ شود. سپس باید به بانک کارگزار رفته و گشایش اعتبار کند، حق بیمه بایستی پرداخت شود و با مؤسسه بازرسی هماهنگی کند. بعد از ورود کالا به گمرک، بایستی اقدام به اخذ قبض انبار، پرداخت کرایه، انبارداری، تنظیم اظهارنامه گمرکی، پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض مختلف (عوارض شهرداری، هلال احمر و ... که شامل ۲۷ نوع عوارض می‌شود)، اخذ پروانه سبز گمرکی از گمرک و سرانجام پرداخت مالیات به وزارت دارایی انجام دهد. انجام این مرحله بسیار زمان‌بر و طولانی (متوسط ۷۰ روز)، پرهزینه و خسته‌کننده است، درحالی‌که شبکه گسترده قاچاق، کالا را با صرف زمان و هزینه کمتری تحویل می‌دهد.

نظام تعرفه‌ای نیز در ایران قابل پیش‌بینی نیست و باعث می‌شود تا افراد روش مطمئن قاچاق را جایگزین روش‌های نامطمئن کنند، به‌عنوان مثال در برنامه اول توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۳) اجازه واردات کالاهای پرمصرف و راهبردی در انحصار دولت قرار گرفته بود. دسته‌بندی کالاهای فوق به تصمیم هیئت وزیران و آن هم در دوره زمانی یک سال واگذار شد که این امکان و اختیار بالقوه می‌تواند منشأ بی‌ثباتی‌ها و تغییر جهت‌های مکرر در بخش بازرگانی شود. یا در قسمتی دیگر از برنامه اول، دولت می‌تواند ارز حاصل از صادرات را با نرخی که تعیین می‌کند در اختیار بخش خصوصی قرار دهد، اما از سوی دیگر وضعیت چگونگی محدودیت‌های ارزی روشن نیست.

۲۹۰ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

در برنامه دوم توسعه ابهامات در هدف‌گذاری‌ها و خط‌مشی‌ها باعث شد تا نظام تعرفه‌ای مناسب تدوین نشود، از سوی دیگر تعدد فراوان سیاست‌های متعدد بازرگانی باعث بی‌ثباتی فضای تجاری گردیده است. به همین ترتیب در برنامه سوم توسعه رویکردهای مربوطه دقیقاً تصریح نشده است.

آخرین عامل و شاید مؤثرترین آن، تأثیر دولت و سیاست‌های دولتی می‌باشد. طبعاً هرچه قوانین و مقررات دولتی بیشتر باشد، میل مردم به دور زدن این قوانین بیشتر می‌باشد، به همین ترتیب تغییر ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی مقررات از سوی دولت و فساد مسئولان مربوطه اثر مثبتی بر قاچاق کالا دارد.

از آنجاکه سطح نرخ حقوق ورودی یا همان نرخ تعرفه در اقلام، فصول و قسمت‌های مختلف کالایی می‌تواند عاملی بسیار مؤثر بر سیاست‌های تجاری، حمایت از صنایع داخلی، کنترل حجم تجارت، انتقال تجارت رسمی به قاچاق و ... شود، به‌منظور مشخص شدن وضعیت تعرفه‌ها در گروه‌های مختلف کالایی، متوسط تعرفه‌ها و روند تغییر آنها در یک فصل به‌طور کامل تحلیل شده.

در فصل هشتم این تحقیق، اجزای مختلف مرتبط با حقوق ورودی کالا در طول سال‌های ۱۳۷۵ الی ۱۳۸۶ تجزیه و تحلیل شده که بیانگر خصوصیات اصلی نظام تعرفه‌ای کشور است. در این فصل حجم وسیعی از اطلاعات مربوط به واردات و حقوق ورودی اقلام کالایی مربوط به سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۶ بررسی شد. هدف اصلی این قسمت از تحقیق شناخت وضعیت نظام تعرفه‌ای ایران در سال‌های مورد بررسی بوده است. دامنه این مطالعه چند هزار قلم کالا، ۹۸ فصل کالایی و ۲۱ قسمت کالایی را شامل می‌شود. در این مطالعه وضعیت نظام تعرفه‌ای در هر سال به‌صورت جداگانه بررسی شده و اقلام، فصول و قسمت‌های دارای کمترین و بیشترین نرخ متوسط حقوق ورودی در هر سال استخراج شده است. در ابتدای این فصل با توجه به اجزای واردات، ارزش ریالی کل واردات هر سال با حقوق ورودی دریافت شده مقایسه و نرخ متوسط حقوق ورودی هر سال محاسبه شد. سه قسمت دارای کمترین و بیشترین نرخ متوسط حقوق ورودی احصا شد و در ادامه ۹۸ فصل کالایی براساس سیستم هماهنگ طبقه‌بندی و کدگذاری کالا نیز در طول سال‌های ۱۳۷۵ الی ۱۳۸۶ بررسی شد و ۱۰ فصل دارای کمترین و بیشترین نرخ متوسط حقوق ورودی نیز محاسبه گردید.

این مطالعه نشان می‌دهد که قسمت‌های ۱۴ (مروارید و ...)، ۳ (چربی‌ها و ...) و ۵ (محصولات معدنی) دارای کمترین نرخ حقوق ورودی در طول سال‌های بررسی شده است. همچنین قسمت‌های ۱۲ (کفش و ...)، (کالاها و ...)، ۱۳ (مصنوعات از سنگ و ...)، ۱۷ (وسایل نقلیه زمینی و ...) و ۸ (پوست خام، چرم و ...) نیز دارای بیشترین نرخ حقوق ورودی بوده است. در این مطالعه فصول و اقلام کالایی دارای کمترین و بیشترین نرخ حقوق ورودی نیز احصا شده است.

بررسی نرخ متوسط حقوق ورودی در طول این سال‌ها نشان می‌دهد که نرخ حقوق ورودی از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۸۰ روندی صعودی داشته و از ۸/۵ درصد به ۲۴/۱ درصد رسید ولی در سال ۱۳۸۱ با تصویب قانون موسوم به تجمیع عوارض با کاهش یک‌باره مواجه شد و به ۶/۸ درصد رسید. از این سال به بعد هرچند نرخ متوسط حقوق ورودی تا ۱۲ درصد نیز افزایش یافت ولی در ۵ سال اخیر از روند تقریباً ثابتی برخوردار بوده و حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد ثابت بوده است.

به این ترتیب، مشخص شد متوسط نرخ حقوق ورودی اخذ شده از کل کالاها در سال ۱۳۸۶ حدود ۱۱/۰۹ درصد بوده است که به تفکیک قسمت‌ها شامل دامنه یا کرانه نرخ‌هایی از ۳/۸۶ تا ۷۴/۱۷ درصد می‌باشد.

در فصول تحقیق، اشاره شد که نرخ تعرفه بالا از نظر سازمان جهانی تجارت نرخ‌های تعرفه بالای ۱۵ درصد است، بررسی روند نرخ حقوق ورودی در این سال‌ها نشان می‌دهد که متوسط نرخ حقوق ورودی در ایران بالا نیست ولی بررسی کرانه‌های تعرفه‌ای حاکی از تفاوت‌های فاحش میان پایین‌ترین و بالاترین سطوح تعرفه‌ای است، به این صورت که در سال ۱۳۸۶، بسیاری از کالاها وجود دارد که به‌طور کلی از حقوق ورودی معاف است ولی کالاهایی نیز وجود دارد که حدود ۸۶۸ درصد ارزش آنها به‌صورت حقوق ورودی اخذ شده است، در فصول کالایی نیز درحالی که فصلی با نرخ حقوق ورودی ۰/۰۱ درصدی وجود دارد فصولی با نرخ تعرفه ۱۱۰/۳۴ درصدی نشان‌دهنده اختلاف زیاد نرخ تعرفه است، در قسمت‌های کالایی در سال ۱۳۸۶ نیز در کنار فصولی با ۳/۸۶ درصد فصولی با ۷۴/۱۷ درصد متوسط نرخ حقوق ورودی وجود دارد، این اختلاف‌ها نشان می‌دهد که به‌رغم اینکه متوسط نرخ حقوق ورودی در ایران در سطح بالایی قرار ندارد ولی نظام تعرفه‌ای کشور از اختلاف شدید کرانه‌های تعرفه‌ای رنج می‌برد.

۲۹۲ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی)

در سال ۱۳۸۶ بیش از ۵۵۶۰ قلم کالا به کشور وارد شده است که حدود ۸۱ درصد آنها از نرخ حقوق ورودی بالای ۴ درصد برخوردار است، هرچند نرخ حقوق ورودی متوسط در این سال حدود ۱۱/۰۹ درصد بوده که نرخ بالایی نیست ولی حدود ۵۱ درصد اقلام وارداتی از نرخ حقوق ورودی بالای نرخ متوسط قرار داشته و حدود ۴۴ درصد کالاها نیز از نرخ حقوق ورودی بالای ۱۵ درصد برخوردار بوده که نرخ‌های حقوق ورودی بالا محسوب می‌شود. با توجه به این جمع‌بندی، اولین سیاستی که باید برای اصلاح نظام تعرفه‌ای کشور مورد نظر قرار گیرد رفع تفاوت‌های فراوان موجود میان سطوح تعرفه‌ای است که به ایجاد انگیزه برای قاچاق و انحراف در ارزش‌گذاری کالا و در نتیجه انحراف سیاست‌های تجاری از اهداف مورد نظر منجر می‌شود.

به‌طور طبیعی؛ حداقل نرخ حقوق ورودی که از سود بازرگانی صفر یعنی معافیت کامل برخوردار است و تنها شامل حقوق پایه می‌شود نرخ ۴ درصد است و فصول کالایی نیز باید از این موضوع تبعیت کند درحالی‌که، در طول تمامی سال‌های مورد بررسی این موضوع رعایت نشده و تنها در آمار سال ۱۳۸۷ که منحصر به ماه اول سال است این موضوع رعایت شده است. اینکه چه اتفاقی موجب می‌شود تا پایان سال حتی نرخ‌های حقوق پایه از معافیت کامل برخوردار می‌شود ابهامی است که مسئولان و متولیان بازرگانی کشور و دستگاه‌های مجری این امر باید به رفع آن بپردازند.

با توجه به رابطه افزایش نرخ‌های بالای ۴ درصد با افزایش نرخ متوسط تعرفه در صورتی که سیاست کلی بازرگانی کشور مبتنی بر افزایش نرخ متوسط حقوق ورودی باشد، می‌توان با تکیه بر قانون تجمیع عوارض و قانون جایگزین آن یعنی قانون مالیات بر ارزش افزوده بر لزوم رعایت کف ۴ درصدی تأکید کرده و به کنترل موارد نقض شده پرداخت و با کاهش معافیت‌ها سهم کالاهای بالای ۴ درصد را افزایش داد تا مطابق آن متوسط نرخ حقوق ورودی نیز افزایش یابد.

از آنجاکه در حال حاضر سهم کالاهای برخوردار از معافیت به‌گونه‌ای شده است که در نهایت سهم تعرفه‌های زیر ۴ درصد بسیار زیاد شده است، نیازی نیست که برای افزایش نرخ متوسط تعرفه، نرخ کالاهایی که هم‌اکنون نیز از نرخ بالایی برخوردارند را افزایش دهیم بلکه کافی است در موارد مشمول معافیت تجدیدنظر به‌عمل آید. در این صورت شکاف‌ها و فاصله‌های تعرفه‌ای بیشتر نمی‌شود.

در صورتی که سیاست کلی بازرگانی کشور مبتنی بر کاهش نرخ متوسط حقوق ورودی باشد باید به این نکته توجه کرد که به صورت طبیعی توجه مجریان به رعایت کف ۴ درصدی بیشتر شده و برای جلوگیری از افزایش نرخ متوسط باید نرخ‌های بالای متوسط را کاهش داد. این اقدام به طور تقریبی در سه سال اخیر رخ داده است.

نرخ حقوق ورودی اسمی نرخ است که در کتاب قانون مقررات صادرات و واردات در کنار هر ردیف تعرفه کالایی نگاشته شده است و میانگین آن در سال ۱۳۸۶ رقمی حدود ۲۶/۱۷ درصد بوده است. این ارقام شامل مواردی از ۴ تا ۹۰ درصد است. که به طور معمول ارقام ۴ درصدی مربوط به مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌ای، اقلام ۱۰ تا ۱۴ درصدی مربوط به کالاهای واسطه‌ای و اقلام بالاتر به کالاهای مصرفی مربوط می‌شود. حال فرض کنید که کالاهای وارداتی به کشور فقط مواد اولیه باشد، در این صورت با وجود اینکه متوسط نرخ حقوق ورودی رقمی بالاست ولی از تمامی کالاها تنها ۴ درصد اخذ می‌شود و این امر نرخ حقوق ورودی حقیقی را شکل می‌دهد.

با توجه به اینکه بیش از ۸۰ درصد اقلام وارداتی به کشور را اقلام سرمایه‌ای و واسطه‌ای تشکیل می‌دهد و همچنین بسیاری از اقلام و مناطق از معافیت‌هایی برخوردار است، نرخ حقوق ورودی حقیقی که از حاصل تقسیم حقوق ورودی اخذ شده به کل ارزش ریالی واردات حاصل می‌آید رقمی بالا نیست.

همان‌طور که در فصول تحقیق با بررسی آمار مربوط به سال‌های ۱۳۷۵ تا ابتدای سال ۱۳۸۷ مشاهده شد، نرخ متوسط حقوق ورودی در سال ۱۳۷۵ معادل ۸/۴۴ درصد بوده که در سال بعد نیز به ۶/۹۳ درصد کاهش یافت. بعد از این سال نرخ تعرفه روندی افزایشی داشته و در سال‌های ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ به ترتیب معادل ۹/۷۱، ۱۲/۴۷، ۱۵/۹۹ و ۲۴/۱۸ درصد رسید. نرخ تعرفه ۲۴/۱۸ درصدی در سال ۱۳۸۰ بیشترین نرخ متوسط حقوق ورودی در دوره مورد مطالعه بوده است. این نرخ به دلیل تصویب قانون موسوم به تجمیع عوارض در سال بعد با کاهشی شدید مواجه شد و به ۶/۸۲ درصد رسید که کمترین نرخ در طول دوره مورد بررسی محسوب می‌شود. این نرخ در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ دوباره افزایش یافت و به ترتیب به ۸/۵۵ و ۱۲/۳۷ درصد رسید. از آن سال تا پایان سال ۱۳۸۶، نرخ حقوق ورودی تقریباً ثابت بوده و در سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶، معادل ۱۱/۰۶، ۱۱/۷۲ و ۱۱/۰۹ بوده است.

بنابراین می‌توان عنوان کرد که نرخ حقوق ورودی کالا در کشور در مقایسه با تعریف نرخ بالا از نظر سازمان جهانی تجارت (نرخ‌های بالای ۱۵ درصد) در سطحی بالا قرار ندارد و مهم‌ترین اشکال موجود در نظام تعرفه‌ای، وجود تفاوت‌های بالا در کرانه‌های تعرفه‌ای است.

در این مطالعه به این نکته اشاره شده است که تعرفه می‌تواند براساس ملاحظات و تأثیرات بر مصرف‌کننده، یا تولیدکننده و یا ملاحظات سیاستی دولت تعیین شود. تأثیر هر یک نیز مورد ارزیابی قرار گرفت اما چگونه می‌توان مجموع این ملاحظات را از حیث نظری جمع‌بندی کرد و در تعیین تعرفه گنجانده؟ استدلال‌هایی ارائه شد که می‌گوید وضع تعرفه می‌تواند رفاه هر کشور بزرگ را در بازارهای بین‌المللی افزایش دهد. با افزایش نرخ تعرفه، مازاد تولیدکننده با نرخ کاهشی افزایش، و مازاد رفاه مصرف‌کننده کاهش می‌یابد. ولی افزایش مازاد رفاه تولیدکننده کمتر از میزان کاهش مازاد مصرف‌کننده است. با رسیدن به تعرفه ممانعت‌کننده کامل از واردات، دیگر مازاد تولیدکننده تغییر نمی‌کند.

درآمد حاصل از تعرفه دولت نیز، ابتدا صعودی و سپس نزولی شده تا در یک نرخ بالا به صفر می‌رسد. شکل این منحنی با توجه به الگوی واردات قابل توجیه است به این ترتیب که افزایش اولیه نرخ تعرفه موجب کاهش واردات با شدتی کمتر از نرخ افزایش تعرفه می‌شود. بنابراین درآمد تعرفه‌ای دولت که حاصل ضرب مقدار واردات در نرخ تعرفه است افزایش می‌یابد ولی هنگامی که نرخ تعرفه از سطح بهینه بگذرد کاهش واردات سریع‌تر از افزایش نرخ تعرفه خواهد شد که در نتیجه درآمد دولت نیز کم می‌شود.

مجموع سه عامل مازاد رفاه مصرف‌کننده، مازاد رفاه تولیدکننده و درآمد دولت، می‌تواند تابع رفاه ملی را به دست دهد. شکل تابع رفاه ملی نشان می‌دهد که با افزایش سطوح اولیه تعرفه، رفاه ملی افزایش یافته ولی با افزایش بیشتر نرخ تعرفه رفاه ملی کاهش می‌یابد.

کشور با وضع تعرفه بهینه می‌تواند به رفاهی بالاتر از وضعیت تجارت آزاد برسد. چنانچه تعرفه از نرخ بهینه افزایش یابد، رفاه ملی کاهش می‌یابد. و همان‌گونه که گفته شد از نرخ بهینه به بعد افزایش تعرفه هیچ اثری بر رفاه کشور ندارد و لذا برای نرخ‌های بیشتر از آن حد، کاهش تعرفه به نفع کشور می‌باشد؛ زیرا می‌تواند ما را به نرخ بهینه برساند. نتیجه مهمی که می‌توان گرفت، آن است که آزادسازی تجاری الزاماً به بهبود رفاه

منجر نمی‌شود و نتیجه نهایی بستگی به وضعیت تعرفه فعلی نسبت به تعرفه بهینه دارد. استدلال‌های فوق برای کالاهایی که تعیین نرخ تعرفه بتواند بر نرخ جهانی آنها اثرگذار باشد حائز اهمیت بیشتری است. برخی نظریه‌های اقتصادی بازگوکننده این مطلب است که کشورهای کوچک و یا با سهم ناچیز در تجارت جهانی کالای مربوطه نمی‌تواند بر قیمت‌های جهانی اثرگذار باشد، بنابراین تعرفه بهینه برای چنین کشورهایی صفر می‌باشد. و این در حالی است که از نظر ملاحظات سیاسی و عملی برای هر کشور در حال توسعه این عمل تقریباً غیرممکن است و معمولاً نرخ‌های تعرفه در این کشورها مثبت است.

به‌رحال هیچ اتفاق‌نظری بین اقتصاددانان درباره سطح بهینه حمایت تعرفه‌ای برای کشورهای در حال توسعه وجود ندارد. برخی تعرفه بهینه را برای کشورهای در حال توسعه ۲۰ درصد و برای کشورهای توسعه‌یافته صفر درصد می‌دانند. بانک جهانی از نرخ‌های تعرفه بین ۱۵ تا ۲۵ درصد صحبت می‌کند. برخی بررسی‌ها نرخ‌های حمایت متوسط ۱۰ درصدی برای کشورهای کم‌درآمد و ۵۰ درصدی برای کشورهای فقیر را توصیه می‌کند. دورنبوش (۱۹۹۲) آزادسازی تدریجی تعرفه‌ها را توصیه می‌کند. بدین ترتیب که در قدم اول تمام موانع غیرتعرفه‌ای تبدیل به نرخ‌های تعرفه حداکثر ۵۰ درصدی می‌شود، در گام بعد با پیشرفت کشور، تعرفه‌ها تا ۱۰ درصد کاهش می‌یابد. برخی نیز با در نظرگیری اوضاع خاص، استدلال می‌کنند که نرخ‌های تعرفه نبایستی بالاتر از ۳۰ درصد باشد، هرچند که برای حمایت از بخش‌های رقابت‌کننده با واردات نرخ‌های مؤثر حمایتی ۴۰ تا ۷۰ درصدی می‌تواند وجود داشته باشد. و گروهی نیز تعرفه بالاتر از ۴۰ درصد را باعث به‌وجود آوردن اغتشاش در اقتصاد می‌دانند.

برخی محققان پیشنهاد وضع نرخ‌های تعرفه‌ای یکسان برای بخش‌ها و صنایع مختلف را دارند. و چنین اظهارنظر کرده‌اند که در صورت اتخاذ سیاست‌های حمایتی، نبایستی به صنعت یا صنایع خاصی منحصر شود. به‌عبارت‌دیگر، بایستی حمایت کارای یکسان برای تمام صنایع فراهم شود. ملاحظات اقتصاد سیاسی نیز تأییدکننده تعرفه یکسان است. استدلال اقتصاد سیاسی آن است که در بعضی موارد محرک اصلی دولت‌ها در اعمال سیاست‌های تجاری فشارهای گروه‌های پر قدرت می‌باشد نه علایق دولت برای بالا بردن رفاه مردم. در چنین حالتی لابی‌گری برای وضع تعرفه‌ها برقرار می‌شود، عده کمی منافع چشمگیری به‌دست آورده و به‌این‌ترتیب منابع قابل توجهی را برای

لابی‌گری تخصیص می‌دهند. مزیت تعرفه یکسان در اینجا معلوم می‌شود؛ زیرا منافع لابی‌گری کاهش یافته و شامل حال همه می‌شود و انگیزه لابی‌گری را کاهش می‌دهد. در این روش چنانچه صاحبان صنعتی بخواهند با لابی‌گری تعرفه را افزایش دهند، به دلیل سیاست تعرفه یکسان با افزایش تعرفه برای سایر کالاها از جمله نهاده‌های واسطه‌ای وارداتی مواجه می‌شوند.

از سوی دیگر تعرفه یکسان، حوزه رفتار اعمال دلبخواهانه مسئولان را به شدت کاهش می‌دهد. با کاهش منافع لابی‌گری منابع تخصیص یافته به این فعالیت آزاد شده و به سایر فعالیت‌های مولد وارد می‌شود. یکی از این منابع مهم استعدادهای کمیاب و باارزش کارآفرینان می‌باشد که به جای صرف وقت برای به دست آوردن رانت، وارد فعالیت‌های مولد می‌شود. در ضمن می‌توان کاهش فساد و ارتشا در بخش دولتی را نیز انتظار داشت. نرخ‌های یکسان تعرفه برای بخش‌های مختلف اقتصادی از نظر اجرایی نیز برتری‌هایی دارد. در چنین وضعیتی هیچ انگیزه‌ای برای طبقه‌بندی نادرست کالاها وجود ندارد، بدین ترتیب مقامات گمرکی با اطمینان بالاتری کار خود را انجام می‌دهند. شفافیت و سادگی اجرای عملیات گمرکی هزینه‌های کسب و کار را به طور قابل توجهی به نفع بخش خصوصی کاهش می‌دهد. نرخ‌های واگرای تعرفه، انگیزه قاچاق را برای کالاهایی که تعرفه بالاتر از مقدار متوسط دارد را افزایش می‌دهد، با یکسان شدن نرخ تعرفه، که به معنای کاهش نرخ برای این کالاهاست، به شرط آنکه نرخ تعرفه تازه متحدالشکل برای کالاهایی که قبلاً نرخ کمتر از میزان متوسط داشته است، بیش از حد بالا نباشد، قاچاق کاهش می‌یابد.

و بالاخره اینکه نرخ‌های یکسان تعرفه به صورت خنثی و بی‌طرف عمل کرده، هزینه رفاهی خالص را حداقل و هزینه نهایی انحراف در تولید را برای همه بخش‌ها یکسان می‌کند. مطالعات انجام گرفته در این گروه نظریات نشان می‌دهد که عملاً تعرفه یکسان در چند طبقه مختلف به صورت جداگانه به اجرا گذاشته می‌شود و همه بخش‌ها با تعرفه مشابه همراه نیست.

برخی معتقدند نظام تعرفه یکسان خالی از ایراد نیست؛ زیرا چنین نظامی به معنای کاهش تعرفه‌های بالا و افزایش تعرفه‌های پایین می‌باشد که افزایش تعرفه به خصوص برای کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای بسیار بحث‌برانگیز است؛ زیرا در چنین صورتی

افزایش تعرفه به‌مثابه مالیات ضمنی برای کالاهای قابل صادرات است که از این نهاده‌ها استفاده می‌کند و در نهایت اثر منفی در تخصیص منابع برای بخش صادرات دارد. مثلاً می‌توان استدلال کرد که افزایش تعرفه‌ها برای واردات کالاهای سرمایه‌ای، به معنای جرمه کردن واردات دربردارنده تکنولوژی‌های مهم می‌باشد که عنصری حیاتی برای افزایش بازدهی است.

در مقابل، مدافعان نظام نرخ تعرفه یکسان استدلال می‌کنند که برای کالاهای خاصی می‌توان حقوق گمرکی پرداختی را به آنها بازگرداند. درباره صادرکنندگان می‌توان به اقدامات خاصی چون اجازه‌های موقتی برای عدم پرداخت گمرکی (ورود موقت) و به‌خصوص اعطای تسهیلات برای مناطق آزاد تجاری دست زد.

کشورهای مایل به تجارت تحت شرایطی قیمت‌های کمتر را برای کالاهایشان می‌پذیرند، اگرچه وضع تعرفه بالا، به‌علت خلق انحرافات مصرفی و تولیدی می‌تواند باعث زیان‌های رفاهی شود، ولی ازطرف‌دیگر می‌تواند با مجبور کردن عرضه‌کننده به کاهش قیمت برای باقی ماندن در کشور، منفعت داشته باشد. بنابراین، چنانچه منفعت‌ها از زیان‌ها بیشتر باشد، کشور سود خواهد برد.

چارچوب دیگری که برای وضع تعرفه مطرح شد به تحلیل منحنی پیشنهاد بازمی‌گردد. به این معنا که اگر منحنی پیشنهاد کشور خارجی کاملاً با کشش نباشد، کشور واردکننده می‌تواند از وضع تعرفه منتفع شود؛ زیرا در چنین حالتی تولیدکننده خارجی برای باقی ماندن در بازار قیمت خود را کاهش می‌دهد.

همچنین برخی تحلیل‌ها نشان می‌دهد ارتباط معکوسی بین میزان تعرفه بهینه و کشش عرضه صادرات وجود دارد. بررسی اطلاعات مربوط به ۱۵ کشور غیرعضو سازمان جهانی تجارت (الجزایر، روسیه سفید، بولیوی، چین، چک، اکوادور، لبنان، لیتوانی، عمان، پاراگوئه، روسیه، عربستان، تایوان و اوکراین) نشان داده است کشورهای فوق برای کالاهای وارداتی بی‌کشش تعرفه بالاتری را وضع می‌کنند. بررسی‌های دیگر نشان می‌دهد آن دسته از محدودیت‌های تجاری ایالات متحده که در چارچوب مقررات سازمان جهانی تجارت نمی‌گنجد، عمدتاً درباره کالاهایی رخ داده که ایالات متحده دارای قدرت بازاری بیشتری بوده است.

همین‌طور با توجه به مطالب بیان شده در بخش‌های قبل، الگوی تعرفه صفر درصدی که در تئوری تجارت بین‌الملل درباره کشورهای کوچک توصیه می‌شود را نمی‌توان برای همه کالاها پذیرفت زیرا به‌هیچ‌وجه عقلایی نیست.

از این‌رو، می‌توان گفت هرچند سیستم تعرفه یکسان از مدافعان فراوانی برخوردار است، اما همان‌طور که برخی دیگر از صاحب‌نظران این عرصه بیان کرده‌اند، به‌علت خصوصیات کشورهای در حال توسعه یکسان بودن نرخ تعرفه می‌تواند با چند نرخ تعرفه‌ای همراه باشد، مثلاً یک کشور در حال توسعه می‌تواند ۵ نرخ متفاوت برای نظام تعرفه‌ای خود داشته باشد که طبعاً در تنظیم این مقادیر می‌باید قدرت بازاری خود و کسب عرضه واردات را در نظر داشته باشد. در این صورت هیچ مقداری را نمی‌توان به‌عنوان نسخه‌ای دائمی و نرخی ثابت برای همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها در نظر گرفت و معرفی کرد، چنانکه گفته شده است «هیچ فرمول جادویی برای تعیین سطح مناسب تعرفه مقتضی ... وجود ندارد».

هرچند برخی ادبیات نظری برای کشورهای کوچک تعرفه صفر و برای کشورهای بزرگ تعرفه مثبت را در نظر می‌گیرند. اما با در نظرگیری اینکه وضع تعرفه هم باعث تغییر در رفاه مصرف‌کنندگان و هم تولیدکنندگان و هم درآمد دولت می‌شود کاهش یا افزایش تعرفه بستگی به مجموع تأثیر آنها بر رفاه جامعه خواهد داشت. همه‌چیز به مقایسهٔ سطح وضعیت تعرفه فعلی کالا با تعرفهٔ بهینه‌ای که در آن رفاه جامعه (مجموع رفاه مصرف‌کننده، تولیدکننده و درآمد دولت) حداکثر می‌شود بستگی خواهد داشت.

از سوی دیگر قسمت مهمی از نظرات جدید، اختصاص به نظام یکسان نرخ‌های تعرفه دارد. این نظام می‌تواند منافی مانند کاهش فساد و بوروکراسی اداری، شفافیت بیشتر، اجرای آسان‌تر، کاهش هزینه‌های تجارت و کاهش حوزه اعمال دلبخواهانه مسئولان و انگیزه‌های رانت‌طلبانه و لابی‌گری را دربرداشته باشد. با توجه به ایراداتی چون ناتوانی در حمایت از صنایع نوزاد، آسیب به صنایع تولیدکنندهٔ کالاهای وارداتی، صدمه زدن به صادرات و سخت‌تر شدن واردات کالاهای واسطه‌ای می‌توان با مدیریت صحیح نرخ‌ها در چند طبقه معین این هزینه‌ها را کاهش داد.

در تعیین کالاها برای هر یک از این طبقات می‌توان به نظریه مبنی بر ارتباط

معکوس بین تعرفه بهینه و کشش عرضه صادرات توجه کرد و این رابطه‌ای است که مطابق بررسی‌های انجام گرفته هنوز در برخی کشورهای عضو و غیرعضو سازمان جهانی تجارت رعایت می‌شود. بنابراین باید به راه‌حلی رسید که به مقوله‌های رفاه و کشش کالا و سهم در هزینه خانوار و درجه حمایت از تولید در هر بخش و شدت قاچاق در بخش و ... توجه شود و به‌جای تنها یک نرخ تعرفه، چندین نرخ تعرفه یکسان (مثلاً ۵ نرخ) داشته باشد، چنین شیوه‌ای ضمن آنکه می‌تواند قسمت مهمی از منافع الگوی تعرفه یکسان را حفظ کند، از هزینه‌های آن می‌کاهد.

۲-۹ پیشنهادها

۱. از آنجاکه هرچه قوانین و مقررات دولتی بیشتر و مراحل انجام تشریفات مربوطه مستلزم ارائه اسناد و مدارک متعدد است میل مردم به دور زدن این قوانین بیشتر خواهد شد و ازسوی دیگر زمینه فساد در دستگاه‌های اجرایی مربوطه را فراهم می‌کند، لازم است موانع متعدد غیرتعرفه‌ای حذف و یا حداقل به‌شدت کاهش یابد.

۲. تغییر ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی مقررات ازسوی دولت اثر مثبتی بر قاچاق کالا دارد. در حال حاضر نظام تعرفه‌ای در ایران قابل پیش‌بینی نیست و باعث می‌شود تا افراد روش مطمئن قاچاق را جایگزین روش‌های نامطمئن کنند. بنابراین اعمال سیاست اقتصادی مناسب و پایدار در بخش تعیین تعرفه‌های کالاهای وارداتی می‌تواند گام مهمی در مبارزه با قاچاق و عملی شدن سیاست‌های تعرفه‌ای در حمایت از تولید و اشتغال به حساب آید.

۳. از یک‌سو افزایش قدرت خرید مردم تمایل آنها را برای مصرف کالاهای لوکس و تجملی و فرهنگ مصرف‌گرایی و ایجاد تمایل به مصرف کالاهای لوکس و به‌خصوص کالای خارجی را افزایش می‌دهد و ازسوی دیگر محدودیت تولید و پایین بودن میزان تنوع کالاهای مشابه در داخل کشور، حال چه به‌دلیل نبود انگیزه تولید در داخل و چه به‌دلیل نبود تکنولوژی تولید، نیازهای مصرفی را اشباع نمی‌کند و نوعی تقاضای بالقوه برای کالاها فراهم می‌کند که در کنار وضعیت جغرافیایی ایران از نظر پستی و بلندی‌های زمین، وسعت و پهناوری، طولانی بودن مرزها، همسایگی با کشورهای متعدد که بعضی از آنها از ثبات لازم برخوردار نیستند و بعضی ویژگی‌های خاص دیگر زمینه مناسبی برای فعالیت‌های

۳۰۰ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

قاچاقچیان فراهم می‌کند که همواره موجب مخدوش شدن سیاست‌های تعرفه‌ای خواهد شد. در این گونه موارد سیاست‌های توبیخی و کیفی اثر گذاری کمی دارد و به‌علاوه گاهی موجب گسترش فرهنگ همدردی با قاچاقچیان نیز می‌شود.

بررسی مشکلات تولید کالاهای مربوطه و اعطای امتیازهای خاص و تشویقی برای تولید تحت امتیاز علائم تجاری معروف و مورد استقبال در بازار می‌تواند علاوه بر رفع مشکل خدشه‌دار شدن سیاست‌های تعرفه‌ای موجب حمایت از تولید داخل شود.

۴. از آنجاکه بالا بودن نرخ تعرفه در گروه‌های مختلف کالایی می‌تواند عاملی بسیار مؤثر بر قاچاق و مخدوش شدن سیاست‌های تعرفه‌ای گردد و هیچ مقداری را نمی‌توان به‌عنوان نسخه‌ای دائمی و نرخی ثابت برای همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها در نظر گرفت و معرفی کرد و هیچ فرمول جادویی برای تعیین سطح مناسب تعرفه مقتضی وجود ندارد، لازم است شاخص‌های مورد نظر نظام برای سیاست‌گذاری بلندمدت و باثبات تدوین گردد و از هر گونه تغییر در آن حتی‌المقدور اجتناب شده و یا در صورت لزوم به تغییر از ابزارهای جانبی استفاده شود.

۵. نتایج آماری و تحلیل اطلاعات مربوط به واردات کالا و حقوق ورودی اخذ شده در این بررسی نشان می‌دهد که نرخ متوسط حقوق ورودی واقعی به‌خصوص در پنج سال اخیر، بالا نبوده و بیشترین آسیبی که نظام تعرفه‌ای کشور را با اختلال مواجه کرده است وجود سطوح تعرفه‌ای و کرانه‌های تعرفه‌ای با تفاوت‌های بالا و فاحش است. بنابراین، یکی از اقداماتی که به‌عنوان توصیه‌ای سیاستی برای اصلاح نظام تعرفه‌ای موجود متصور است کاهش تفاوت‌های فاحش موجود در سطوح تعرفه‌ای در سه حوزه اقلام، فصول و قسمت‌های کالایی است.

۶. با توجه به رابطه افزایش نرخ‌های بالای ۴ درصد با افزایش نرخ متوسط تعرفه در صورتی که سیاست کلی بازرگانی کشور مبتنی بر افزایش نرخ متوسط حقوق ورودی باشد با کاهش سهم کالاهای زیر ۴ درصد نیازی نیست که برای افزایش نرخ متوسط تعرفه، نرخ‌های کالاهایی که هم‌اکنون نیز از نرخ بالایی برخوردار است را افزایش دهیم. در این صورت شکاف‌ها و فاصله‌های تعرفه‌ای بیشتر نمی‌شود.

۷. مجموع سه عامل مازاد رفاه مصرف‌کننده، تولیدکننده و درآمد دولت، می‌تواند تابع رفاه ملی را به‌دست دهد.

از آنجاکه شکل کلی تابع رفاه ملی نشان می‌دهد با افزایش سطوح اولیه تعرفه، رفاه

ملی افزایش یافته ولی با افزایش بیشتر نرخ تعرفه رفاه ملی کاهش می‌یابد. سیاست‌های حمایتی و بازرگانی می‌باید به تأثیر مربوطه بر تابع رفاه جامعه توجه داشته باشد. این سیاست‌ها تا حد زیادی بستگی به قدرت صادرکنندگان و صنایع تولیدکننده کالاهای وارداتی، اهمیت کالاهای وارداتی در تولید و مصرف اتباع کشور واردکننده و وضعیت اقتصادی کشورها دارد.

بنابراین، کاهش یا افزایش تعرفه بستگی به مجموع اثرات آنها بر رفاه جامعه دارد و همه‌چیز به مقایسه سطح وضعیت تعرفه فعلی کالا با تعرفه بهینه‌ای که در آن رفاه جامعه (مجموع رفاه مصرف‌کننده، تولیدکننده و درآمد دولت) حداکثر می‌شود بستگی خواهد داشت. ولی نکات خاصی در مجموع این سیاست‌گذاری‌ها قابل رعایت است، مثلاً با توجه به تفاوت‌های ماهیتی از نظر فرایند تولید و آثار راهبردی محصولات کشاورزی در میان دیگر محصولات تولیدی همواره تفاوت‌هایی میان سیاست‌های حمایتی این کالاها با دیگر محصولات وجود داشته است.

۸. تحلیل‌ها نشان می‌دهد ارتباط معکوسی بین میزان تعرفه بهینه و کشش عرضه صادرات وجود دارد. بنابراین اگر منحنی پیشنهاد کشور خارجی کاملاً با کشش نباشد، کشور می‌تواند از وضع تعرفه منتفع شود؛ زیرا در چنین حالتی تولیدکننده خارجی برای باقی ماندن در بازار، قیمت خود را کاهش می‌دهد.

۹. اگرچه کاهش تعرفه‌های بالا، به علت خلق انحرافات مصرفی و تولیدی می‌تواند باعث زیان‌های رفاهی شود، ولی از طرف دیگر در مورد برخی از کالاها می‌تواند با مجبور کردن عرضه‌کننده به کاهش قیمت برای باقی ماندن در بازارهای جهانی، منافع هم‌چون افزایش کارایی داشته باشد. شناخت این‌گونه کالاها به عواملی هم‌چون میزان استفاده از نهاده‌های یارانه‌ای و درجه رقابت در صنعت، شدت فناوری مورد استفاده در صنعت بستگی دارد.

۱۰. با توجه به ایراداتی چون ناتوانی در حمایت از صنایع نوزاد، آسیب به صنایع تولیدکننده کالاهای وارداتی، صدمه زدن به صادرات و سخت‌تر شدن واردات کالاهای واسطه‌ای می‌توان با مدیریت صحیح نرخ‌ها در چند طبقه معین این هزینه‌ها را کاهش داد. در این راه بعضی اقتصاددانان آزادسازی تدریجی تعرفه‌ها را توصیه می‌کنند. بدین ترتیب که در قدم اول تمام موانع غیرتعرفه‌ای تبدیل به نرخ‌های تعرفه حداکثر ۵۰ درصدی می‌شود، در گام بعد با پیشرفت کشور، تعرفه‌ها تا ۱۰ درصد کاهش می‌یابد.

۳۰۲ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

برخی نیز با در نظرگیری موقعیت خاص، استدلال می‌کنند که نرخ‌های تعرفه نبایستی بالاتر از ۳۰ درصد باشد، هرچند که برای حمایت از بخش‌های رقابت‌کننده با واردات نرخ‌های مؤثر حمایتی ۴۰ تا ۷۰ درصدی می‌تواند وجود داشته باشد. و گروهی نیز تعرفه بالاتر از ۴۰ درصد را باعث به‌وجود آوردن اغتشاشات بالا در اقتصاد می‌دانند.

برای تعیین نرخ تعرفه به نظریه مبنی بر ارتباط معکوس بین تعرفهٔ بهینه و کشش عرضه صادرات نیز باید توجه کرد و این رابطه‌ای است که مطابق بررسی‌های انجام گرفته هنوز در برخی کشورهای عضو و غیرعضو سازمان جهانی تجارت رعایت می‌شود. در هر صورت باید به راه‌حلی رسید که هر دو مقوله رفاه و کشش کالا را پوشش داده و به‌جای تنها یک نرخ تعرفه، چندین نرخ تعرفه یکسان (مثلاً ۵ نرخ) داشته باشد، چنین شیوه‌ای ضمن آنکه می‌تواند قسمت مهمی از منافع الگوی تعرفهٔ یکسان را حفظ کند، از هزینه‌های آن می‌کاهد. همان‌طور که برخی دیگر از صاحب‌نظران این عرصه بیان کرده‌اند، به‌علت خصوصیات کشورهای در حال توسعه، یکسان بودن نرخ تعرفه می‌تواند با چند نرخ تعرفه‌ای همراه باشد، مثلاً یک کشور در حال توسعه می‌تواند ۵ نرخ متفاوت برای نظام تعرفه‌ای خود داشته باشد که طبعاً در تنظیم این مقادیر می‌باید قدرت بازاری خود و کشش عرضه واردات را در نظر داشته باشد.

منابع و مآخذ

آرام، غلامحسین. قواعد مبدأ و روش‌های تعیین محل ساخت کالا، کشور مبدأ کشور سازنده کالا، سایت رسمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های گمرک و تجارت به آدرس: <http://www.irancustoms.com>

آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی مصوب فروردین ۱۳۵۱ کمیسیون داریبی مجلس شورای ملی با آخرین اصلاحات تا پایان سال ۱۳۷۶.

اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی. «گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۸۳ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران»، اداره روابط عمومی، فروردین ۱۳۸۵.

اداره کل فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی. *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با رعایت اصلاحات سال ۱۳۶۸ شورای بازنگری قانون اساسی، چاپخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲.*

اداره کل مقررات صادرات و واردات وزارت بازرگانی. *قانون مقررات صادرات و واردات (مصوب ۱۳۷۲/۷/۴) مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه اجرایی آن: به ضمیمه جداول مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۸۵ (موضوع مصوبه ... قابل اجرا در سال ۱۳۸۵)، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۵.*

_____ . *قانون مقررات صادرات و واردات و جداول ضمیمه آن، سال ۱۳۸۶، شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، خرداد ۱۳۸۶.*

امیدبخش، اسفندیار و دیگران. *سازمان جهانی تجارت، ساختار، قواعد و موافقت‌نامه‌ها، (مجموعه آموزشی)، وزارت بازرگانی، شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، دی ۱۳۸۵.*

- ۳۰۴ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____
- اشرفزاده، حمیدرضا و دیگران. «برآورد حجم قاچاق سیگار و تحلیل عوامل اقتصادی»، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، معاونت پژوهش‌های بازرگانی - اقتصادی، مدیریت بخش پژوهش‌های بازرگانی داخلی، ۱۳۸۳.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. «گزارش سال ۱۳۸۳ شاخص بهای کالاهای وارداتی در ایران»، مدیریت کل آمارهای اقتصادی، اداره تحقیقات و مطالعات آماری، تیر ۱۳۸۵.
- بخش مقالات موضوعی اقتصاد و بازرگانی سایت آفتاب به آدرس: <http://www.aftab.ir/>
- بخشنامه داخلی مدیر کل دفتر تعیین ارزش گمرک ایران به کلیه ناظران، مدیران کل و مدیران با شماره ۲۸/۲۳۶۰۲/۱۰۲/۲۴/۲۹۰ مورخ ۱۳۸۳/۹/۹.
- بخشنامه داخلی معاونت امور گمرکی گمرک ایران به کلیه مدیران کل گمرکات اجرایی با شماره ۱۵۷۹۸۲/۱۰۲/۲۶/۲۴ مورخ ۱۳۸۲/۷/۶.
- بخشنامه داخلی معاونت حقوقی گمرک ایران به کلیه گمرکات اجرایی کشور با شماره ۹۱۷/۱۱/۱۰۲/۲۹ مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۶.
- بخشنامه داخلی معاونت فنی گمرک ایران به کلیه گمرکات اجرایی با شماره ۲۳/۲/۳۹ مورخ ۱۳۸۲/۲/۲۳.
- بلاگ، مارک. *اقتصاددانان بزرگ جهان*، ترجمه حسن گلریز، تهران، نشر نی، ۱۳۷۵.
- بنایی، رضا. *آشنایی با مقررات گمرکی و ترخیص کالا*، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، وزارت بازرگانی، ۱۳۸۱.
- _____ . «آسیب‌شناسی ترخیص کاری در گمرک»، دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره تاپی: ا-پ-۱۰۰۵، سال ۱۳۸۷.
- _____ . *قانون امور گمرکی و آیین‌نامه اجرایی آن*، ویرایش سوم، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۱.
- بهرامی، محسن و دیگران. *آسیب‌شناسی قاچاق کالا در ایران*، تهران، فارابی، ۱۳۸۵.
- پاسبان، فاطمه. «بررسی سیاست‌های حمایتی در ایران و برآورد نرخ تعرفه مؤثر در بخش کشاورزی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۶.
- پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس. *مجموعه مقالات سومین همایش ملی بررسی قاچاق کالا و راه‌های پیشگیری از آن*، ۱۳۷۹.

- _____ . «بررسی شاخص‌های برآورد افزایش (کاهش) مبادلات غیرقانونی (قاچاق)»، ۱۳۷۹.
- پورمقیم، سید جواد. *تجارت بین‌الملل: نظریه‌ها و سیاست‌های بازرگانی*، تهران، نشر نی، ۱۳۷۰.
- تانزی، ویتو. «مسئله فساد، فعالیت‌های دولتی و بازار آزاد»، ترجمه بهمن آقایی، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ش ۱۵۰-۱۴۹، ۱۳۷۸.
- تدبیر/اقتصاد. «ایران و سازمان جهانی تجارت، فرصت‌ها و چالش‌ها»، تهران، ۱۳۸۶.
- تفضلی، فریدون. *تاریخ عقاید اقتصادی*، تهران، نشر نی، ۱۳۷۲.
- تودارو، مایکل. *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه غلامعلی فرجادی، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۸.
- جمشیدنیا، حسن و علی بلی چمالو. *بررسی علل بروز پدیده قاچاق کالا و ارائه راهکارهای اجرایی آن*، وزارت بازرگانی، سازمان بازرگانی قم، ۱۳۸۴.
- خیابانی، ناصر. «تبعات اصلاح سیاست‌های تجاری براساس فرض الحاق به سازمان جهانی تجارت»، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، وزارت بازرگانی تهران، تیر ۱۳۸۷.
- داورپناه، سیدرضا. «ارزیابی ساختار حمایت در ایران»، پایان‌نامه فوق لیسانس، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۶.
- دژم‌خوی، غزاله و فرزاد مرادپور. *موافقت‌نامه‌های ضدقیمت‌شکنی (ضد دامپینگ) و حفاظت‌ها، مجموعه آموزشی سازمان جهانی تجارت، ساختار، قواعد و موافقت‌نامه‌های، نمایندگی تام‌الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، وزارت بازرگانی، تهران، ۱۳۸۵.*
- دفتر آمار و خدمات ماشینی، گمرک جمهوری اسلامی ایران. لوح فشرده حاوی آمار واردات و صادرات، موضوع نامه شماره ۲۲/۹۰/۲۵۳/۳۰۹۸۵ مورخ ۱۳۸۵/۲/۱۰.
- دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. «درباره حذف تخفیف سود بازرگانی کالاهای وارداتی از بنادر خرمشهر، آبادان، بوشهر و جزیره هرمز»، شماره مسلسل: ۷۷۷۴، ۱۳۸۵.
- _____ . اظهار نظر کارشناسی درباره «لایحه اصلاح ماده (۱۶) قانون امور گمرکی - مصوب ۱۳۵۰ - و ماده (۲۹۵) آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی - مصوب ۱۳۵۱»، شماره مسلسل: ۹۰۸۷، ۱۳۸۷.

۳۰۶ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

_____ . «علائم تجاری کالاهای وارداتی و آثار اقتصادی آن (بررسی بخشنامه گمرک ایران در خصوص بند «۱۲» ماده (۴۰) قانون امور گمرکی)»، شماره مسلسل: ۹۰۳۶، ۱۳۸۷.

_____ . اظهارنظر کارشناسی درباره «لایحه اصلاح ماده (۲) قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۱۳۸۱»، شماره مسلسل: ۹۱۲۷، ۱۳۸۷.

دفتر واردات گمرک جمهوری اسلامی ایران. بخشنامه شماره ۱۸۹/۷۳/۲۱۴/۱۱۳/۴۵۷۵۴/۱۴۰۴۹۲ مورخ ۱۳۸۶/۵/۱۷.

رحیمی، عباس و ابراهیم علی رازینی. «سیاست‌های حمایتی: تأکید بر سیاست‌های بازرگانی»، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۴.

رزاقی، ابراهیم. «توسعه اقتصادی و ضرورت پرداختن به فرهنگ ملی»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ش ۱۵۰-۱۴۹، ۱۳۷۸.

زاهدطلبان، علی. «بررسی الگوی حمایت‌های تعرفه‌ای در ایران و ارزیابی آن برای الحاق به سازمان جهانی تجارت»، همایش اقتصاد ایران و اقتصاد جهانی: چالش‌ها و فرصت‌ها، ۱۳۸۴.

سالواتور، دومینیک. *تئوری و مسائل اقتصاد بین‌الملل*، ترجمه هدایت ایران‌پرور و حسن گلریز، تهران، نشر نی، ۱۳۷۲.

سایت رسمی سازمان مناطق آزاد جمهوری اسلامی ایران، <http://www.freezones.ir>

سایت رسمی گمرک جمهوری اسلامی ایران، <http://www.irica.gov.ir>

سایت رسمی مرکز اطلاع‌رسانی صنایع و معادن، وزارت صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران به آدرس: <http://www.mim.gov.ir/>

سجادی، حشمت. «تخمین نرخ حمایت مؤثر در صنعت کاغذ و تحریر»، پایان‌نامه فوق لیسانس، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰.

سلمانی، بهزاد. «بررسی سیاست‌های حمایتی ایران در بعد از انقلاب، مقایسه تطبیقی حمایت مؤثر در دو صنعت اتومبیل‌سازی و تراکتورسازی»، پایان‌نامه فوق لیسانس، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۰.

سیدشکری، سیدخشایار. «تأثیر سیاست‌های حمایتی بر صادرات غیرنفتی»، پایان‌نامه کارشناسی

- ارشد دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- _____ . «عوامل مؤثر در ایجاد اشتغال»، مجموعه مقاله‌های ارائه شده در همایش ملی بررسی راهکارهای علمی ایجاد اشتغال، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، ۱۳۸۱.
- سیدی، میرهادی. مستندات ارائه شده در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۹/۷ دوره تشکیل هسته‌های آموزشی سازمان جهانی تجارت، موافقت‌نامه کشاورزی سازمان جهانی تجارت، دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری.
- شاهرکنی، احمد. «ارزش افزوده منفی، تحلیلی ایستا بر زیان تولید در صنعت اتومبیل ایران»، فصلنامه اقتصاد مدیریت، ش ۷، زمستان ۱۳۶۹.
- شکیبایی، علیرضا و علی محمد احمدی. «قاچاق کالا، علل، آثار و شاخص‌های آن»، مجموعه مقالات سومین همایش ملی بررسی پدیده قاچاق کالا و راه‌های پیشگیری از آن، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹.
- صادقی یارندی، سیفا... و مسعود طارم‌سری. فرهنگ توصیفی اصطلاحات تجارت بین‌الملل و سازمان جهانی تجارت، وزارت بازرگانی، شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، بهمن ۱۳۸۵.
- صحراییان، سیدمهدی. تورم عارضه تهدیدکننده اقتصادی ملی، تازه‌های اقتصاد، دی ۱۳۷۶.
- علی رازینی رحمانی، ابراهیم. «سیاست‌های حمایتی و پیامدهای آن در ایران»، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۱.
- فیروزدایی، مختار. قاچاق کالا و ارز، قانون، ۱۳۸۴.
- قانون اجازه الحاق دولت ایران به اتحادیه عمومی بین‌المللی معروف به پاریس برای حمایت مالکیت صنعتی و تجاری و کشاورزی، مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۱۰ مجلس شورای ملی.
- قانون اصلاح مواد از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی، مصوب ۱۳۸۱/۱۰/۲۲ مجلس شورای اسلامی.
- قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی، مصوب ۱۳۸۰/۷/۴ مجلس شورای اسلامی، تأیید مورخ ۱۳۸۰/۷/۲۵ شورای نگهبان.
- قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به موافقت‌نامه مادرید راجع به ثبت بین‌المللی علائم و پروتکل مربوط به آن، مصوب ۱۳۸۲/۵/۲۸ مجلس شورای اسلامی و تأیید ۱۳۸۲/۶/۵ شورای نگهبان.

۳۰۸ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به موافقت‌نامه لیسبون درباره حمایت از اسامی مبدأ و ثبت بین‌المللی آن، مصوب ۱۳۸۳/۱۱/۲۷ و تأیید ۱۳۸۳/۱۲/۱۲ شورای نگهبان.

قانون امور گمرکی، مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰ مجلس شورا با آخرین اصلاحات تا پایان سال ۱۳۷۶.

_____، مصوب سال ۱۳۵۰، فصل پنجم، معافیت‌ها و ممنوعیت‌ها، ۱۳۸۰.

قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی و تأیید مورخ ۱۳۸۳/۷/۱۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام.

قانون بودجه سال ۱۳۸۶ مصوب ۱۳۸۵/۱۲/۲۴ مجلس شورای اسلامی، تأیید ۱۳۸۵/۱۲/۲۴ شورای نگهبان.

قانون تصویب کنوانسیون سازمان همکاری فضایی آسیا، اقیانوسیه، مصوب ۱۳۸۵/۴/۲۷ مجلس شورای اسلامی و تأیید ۱۳۸۵/۴/۲۸ شورای نگهبان.

قانون تعیین حقوق گمرکی کالاهای وارداتی براساس سیستم هماهنگ شده توصیف و کدگذاری کالا، مصوب ۱۳۷۴/۱۰/۱۰ مجلس شورای اسلامی و تأیید ۱۳۷۴/۱۰/۲۰ شورای نگهبان.

قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، مصوب ۱۳۸۶/۷/۷ مجلس شورای اسلامی و تأیید ۱۳۸۶/۱۱/۲۳ شورای نگهبان.

قانون ثبت علائم و اختراعات، مصوب ۱۳۱۰/۴/۱ کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی.

قانون مالیات بر ارزش افزوده، مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷ کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی.

قانون معافیت صادرات کالا و خدمات از پرداخت عوارض، مصوب ۱۳۷۹/۱۲/۱۰ مجلس شورای اسلامی و تأیید ۱۳۷۹/۱۲/۱۷ شورای نگهبان.

قانون واگذاری انحصار تجارت خارجی مملکت به دولت، مصوبه ۱۳۰۹/۱۲/۶ مجلس شورای ملی و اصلاحات بعدی آن.

قربانی، احمد. «بررسی سیاست‌های حمایتی در ایران، برآورد نرخ مؤثر حمایت از بخش دامپروری ایران در مقایسه با صنایع منتخب»، پایان‌نامه فوق لیسانس، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۱.

کارلو گاندولفو، ژیان. تجارت بین‌الملل، ترجمه مهدی تقوی و تیمور محمدی، پژوهشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۰.

گمرک جمهوری اسلامی ایران، نامه مورخ ۱۳۸۷/۶/۱۸ مدیرکل آمار و فناوری اطلاعات و ارتباطات با شماره ۲۲/۷۴/۲۵۳/۱۵۶۷۸۹.

- مرکز تجارت بین‌الملل و دبیرخانه مشترک‌المنافع، راهنمای تجاری دور/اورگوتنه، ۱۳۷۵.
- مصوبه هیئت وزیران با شماره ۶۴۶۸۹ ت ۳۰۱۴۲ هـ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۵ با عنوان اجازه امضای موافقت‌نامه مادرید درباره جلوگیری از نصب نشانه‌های منبع غیرواقعی یا گمراه‌کننده بر کالا به وزارت دادگستری.
- مؤسسه عالی آموزش و پژوهش، مدیریت و برنامه‌ریزی. «بررسی معضل قاچاق کالا و راهبردهای مبارزه با آن»، ۱۳۸۴.
- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی. سند نهایی دور/اورگوتنه، ۱۳۷۳.
- _____ . مجموعه مقالات همایش قاچاق کالا، ۱۳۸۱.
- _____ . سیاست‌های حمایتی و پیامدهای آن در ایران، ۱۳۸۱.
- موسی‌نوز، موسی. «موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)»، ساختار، قواعد و موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت، نمایندگی تام‌الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، وزارت بازرگانی، ۱۳۸۵.
- نامه مورخ ۱۳۸۶/۱/۲۹ گمرک جمهوری اسلامی ایران به مرکز پژوهش‌ها درخصوص تفکیک آمار بازرگانی خارجی با شماره ۲۱۴۴۳.
- نامه داخلی دفتر ارزیابی عملکرد و پاسخ‌گویی به شکایات به گمرک استان قم با شماره ۸۸/۱/۵۱۲/۲۷۸/۲۱۵۵۰.
- نامه شماره ۰۰۰۴۷۵ رئیس کل گمرک جمهوری اسلامی ایران درخصوص ارسال لوح فشرده حاوی ۱۴۰ هزار قلم ارزش کالاهای وارداتی خطاب به ریاست محترم کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی (بدون تاریخ).
- نامه شماره ۲۴/۲۲۵/۷۶۰/۴۲۲۲ مورخ ۸۵/۱/۱۴ اداره تعیین ارزش مبنی بر افزایش یک هزار درصد به ارزش فاکتور تسلیمی موضوع اظهارنامه گمرکی کالای وارداتی.
- نامه معاون امور گمرکی، گمرک ایران به دفتر ارزیابی عملکرد و رسیدگی به شکایات با شماره ۸/۴۰۳۸۰ مورخ ۱۳۸۶/۲/۱۵.
- نامه مورخ ۱۳۸۶/۵/۷ مسئول محترم کمیسیون اصل ۹۰ به مرکز پژوهش‌ها با شماره ۹۰/۵۵۱۴/۶۳۰۵۴ د درخصوص بررسی لوح فشرده ارزش و ارائه نظر به مجلس.
- نصری، شهین. «بررسی تطبیقی عملکرد صادراتی کشورهای ایران، مالزی، کره جنوبی و ترکیه»،

۳۱۰ تأثیر تعرفه‌ها در واردات (نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی) _____

گزارش نهایی نشده دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴.
نورمحمدی، خسرو و دیگران. «بررسی قاچاق کالا و راهکارهای هدایت فعالیت‌های قاچاقچیان به
مسیرهای قانونی و رسمی»، معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، گروه اقتصاد،
۱۳۸۱.

هفته‌نامه تخصصی گمرک/ایران، ۱۳۸۴/۱۱/۲۶.

_____ «اعتراض جامعه صنعت غذای کشور»، ش ۷، ۱۳۸۳/۱۲/۱۹.

وزارت امور اقتصاد و دارایی. *تحلیلی پیرامون تجارت، تجربه عملی پیوستن برخی از کشورها به
سازمان تجارت جهانی و آثار اقتصادی و الحاق ایران به آن*، ۱۳۷۴.

یاسری، حسن. اظهار نظر کارشناسی دفتر بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس، نهایی نشده در مورد
تعرفه کالاهای قند و شکر و تلویزیون، ۱۳۸۳.

Amiti, M., "Are Uniform Tariffs Optimal?", *IMF Working paper* 04/72, 2004.

Balassa, B., "Tariff Policy and Taxation in Developing Countries", World Bank,
WPS 281.

Borgatti, L., "A New Tariff Database for Selected Least Developed Countries",
HEI Working Paper, No. 12, 2006.

Broda & Others. "Optimal Tariffs: The Evidence", *IVBER Working Paper*
120303, 2006.

Buch, C. M-Business Cycle Volatility and Globalization: A Survey *Kiel Working
Paper*, No. 1197.

Greenaway, D. & Milner, "Estimating the Shifting of Protection Across
Sectors", *Industry and Development*, 1986, No. 16.

Harrison, G. W & Others, "Trade Policy Option for Chik", World Bank, Policy
Research *Working Paper* 1783, 1997.

Ionscasu, D., "Strategic Tariff Protection, Market Conduct, and Government ... "
[www. estg. org/ETSG 2003/ Papers/ionascu. pdf](http://www.estg.org/ETSG 2003/ Papers/ionascu. pdf)

Kose, M. Ayhan., Financial Integration and Macroeconomic Volatility, IMF,
Working Paper, No. 50, 2003.

Martinez, J., "Revenue-neutral Tariff Reform: The Welfare Effects of Uniform
Tariffs in B Developing Countries", University of Colorado at Boulder,
Working paper, 1999.

Messerlin, P. A., "Trade Policy Regimes and Development Strategies: A
Comparative Study", *LAEBA Working Paper*, No. 7, 2002.

- Mundel, A. R., "International Economics", Macmillan, 1968.
- Navartan, N. M. C. "Who Bears the Incidence of Import Protection", *World Development*, Vol. 19, No. 10, 1990.
- Prircbett, L & Others. "Tariff Rates, Tariff Revenue, and Tariff Reform", WPS 1143, 1993.
- Tarr, Daid G. *Arguments for and Against Uniform Tariffs in: Bernard Hoekman & others, Development, Trade and WTO*, The World Bank, Washington DC, 2002.
- _____ . "The Design of Optimal Tariff Policy for Russia", The World Bank, 1998.
- Virmani, A., "Customs, Tariff, Reform", ICRIER, Vol. 1, No. 1, 2003.
- www.agrevenue.com/regulations/sumgglirg.doc
- www.en.wikipedia.org/wiki/Traiff-in-American-History
- www.en.wikipedia.org/wiki/world-Trade-Organization
- www.freema.org/projects/sumgglirg.pdf
- www.imf.org/external/pubs/ft/weo/2006/01/data/dbcoutm.cfm.
- www.iraqrevenuewutch.org/reports/052206.pdf
- www.irinka.it/pranceim/public-Perceptions-of-sumgglirg-2008.doc
- www.nepalneus.com
- www.smuggling.co.uk
- www.unctad.org/en/pub.pubframe.htm